

مَجْمَعُ الْمَشَائِكِ

قِیَالِ بَیْتِ صِحّتِ خُزَیجِ آریانه اعلیٰ
آقای نواجِستِ مُتَمَرِّضِ کُفَا بِمَیانی بَرِخُذِ

جلد اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجمع المسائل

نویسنده:

آیت الله سید محمدرضا گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیه الله حاج شیخ حسین ایوقی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶۸	مجمع المسائل - جلد اول
۱۶۸	مشخصات کتاب
۱۶۸	مقدمه
۱۷۴	مقدمه طبع دوم
۱۷۵	مسائل تقلید
۱۷۵	تبعیض در تقلید
۱۷۵	س
۱۷۵	ج
۱۷۵	س
۱۷۶	ج
۱۷۶	س
۱۷۶	ج
۱۷۶	رجوع از حی به حی
۱۷۶	س
۱۷۶	ج
۱۷۶	س
۱۷۶	ج
۱۷۷	س
۱۷۷	ج
۱۷۷	س
۱۷۷	ج
۱۷۷	س

ج ۱۷۷

تقلید ابتدائی از میّت ۱۷۷

س ۱۷۷

ج ۱۷۸

س ۱۷۸

ج ۱۷۸

س ۱۷۸

ج ۱۷۸

س ۱۷۸

ج ۱۷۹

س ۱۷۹

ج ۱۷۹

بقاء بر تقلید میّت ۱۷۹

س ۱۷۹

ج ۱۷۹

س ۱۷۹

ج ۱۷۹

س ۱۸۰

ج ۱۸۰

س ۱۸۰

ج ۱۸۰

مسائل متفرقه تقلید ۱۸۰

س ۱۸۰

ج ۱۸۰

۱۸۱	س
۱۸۱	ج
۱۸۱	س
۱۸۱	ج
۱۸۱	س
۱۸۱	ج
۱۸۱	س
۱۸۱	ج
۱۸۱	س
۱۸۲	ج
۱۸۲	س
۱۸۲	ج
۱۸۲	س
۱۸۲	ج
۱۸۲	س
۱۸۲	ج
۱۸۲	س
۱۸۳	ج
۱۸۳	س
۱۸۳	ج
۱۸۳	س
۱۸۳	ج
۱۸۳	س
۱۸۳	ج

س ۱۸۳

ج ۱۸۳

س ۱۸۳

ج ۱۸۴

س ۱۸۴

ج ۱۸۴

س ۱۸۴

ج ۱۸۴

س ۱۸۴

ج ۱۸۵

س ۱۸۵

ج ۱۸۵

س ۱۸۵

ج ۱۸۵

س ۱۸۵

ج ۱۸۵

س ۱۸۵

ج ۱۸۵

س ۱۸۵

ج ۱۸۶

مسائل طهارت به صورت مطلق ۱۸۶

مسائل طهارت ۱۸۶

تطهیر با آب قلیل یا کز و جاری ۱۸۶

ج ۱۸۶

ج ۱۸۶

ج ۱۸۷

ج ۱۸۷

ج ۱۸۷

ج ۱۸۷

ج ۱۸۸

ج ۱۸۸

ج ۱۸۸

ج ۱۸۸

ج ۱۸۸

ج ۱۸۹

ج ۱۸۹

ج ۱۸۹

ج ۱۸۹

در موارد تطهیر به آب قلیل خروج غساله لازم است ۱۹۰

ج ۱۹۰

ج ۱۹۰

ج ۱۹۰

ج ۱۹۰

آب باران ۱۹۰

س ۱۹۰

ج ۱۹۱

طریقه تطهیر اشیائی که نجاست به باطن آنها رسیده ۱۹۱

س ۱۹۱

ج ۱۹۱

س ۱۹۱

ج ۱۹۱

س ۱۹۱

ج ۱۹۱

اگر چیزی با ولوغ یا آب دهان سگ نجس شود ۱۹۱

س ۱۹۱

ج ۱۹۲

س ۱۹۲

ج ۱۹۲

س ۱۹۲

ج ۱۹۲

س ۱۹۲

ج ۱۹۲

س ۱۹۳

ج ۱۹۳

س ۱۹۳

ج ۱۹۳

س ۱۹۳

ج ۱۹۳

حکم دندان مصنوعی متنجس ۱۹۳

س ۱۹۳

ج ۱۹۴

س ۱۹۴

ج ۱۹۴

س ۱۹۴

ج ۱۹۴

دود یا بخار چیزی که نجس یا متنجس است ۱۹۴

س ۱۹۴

ج ۱۹۴

س ۱۹۴

ج ۱۹۴

س ۱۹۵

ج ۱۹۵

حکم الکل صنعتی و طبی ۱۹۵

س ۱۹۵

ج ۱۹۵

اگر انگور یا کشمش جوش بیاید ۱۹۵

س ۱۹۵

ج ۱۹۶

س ۱۹۶

ج ۱۹۶

س ۱۹۶

ج ۱۹۶

س ۱۹۶

ج ۱۹۶

س ۱۹۶

ج ۱۹۷

س ۱۹۷

ج ۱۹۷

س ۱۹۷

ج ۱۹۷

س ۱۹۷

ج ۱۹۷

حکم اهل کتاب در خصوص نجاست و طهارت ۱۹۷

س ۱۹۷

ج ۱۹۸

س ۱۹۸

ج ۱۹۸

س ۱۹۸

ج ۱۹۸

س ۱۹۸

ج ۱۹۸

اشیائی که از بلاد کفر وارد می‌شود ۱۹۸

س ۱۹۸

ج ۱۹۹

س ۱۹۹

ج ۱۹۹

س ۱۹۹

ج ۱۹۹

س ۱۹۹

ج ۱۹۹

س ۱۹۹

ج ۲۰۰

س ۲۰۰

ج ۲۰۰

س ۲۰۰

ج ۲۰۰

مرتد و مشرک و کافر و احکام آنها ۲۰۰

س ۲۰۰

ج ۲۰۰

س ۲۰۱

ج ۲۰۱

س ۲۰۱

ج ۲۰۱

س ۲۰۲

ج ۲۰۲

س ۲۰۲

ج ۲۰۲

س ۲۰۲

ج ۲۰۲

س ۲۰۳

ج ۲۰۳

س ۲۰۳

ج ۲۰۳

س ۲۰۳

ج ۲۰۳

س ۲۰۳

ج ۲۰۴

س ۲۰۴

ج ۲۰۴

س ۲۰۴

ج ۲۰۴

زمین از مطهرات است ۲۰۴

س ۲۰۴

ج ۲۰۴

س ۲۰۴

ج ۲۰۵

مشکوک الطّهارة محکوم به طهارت است ۲۰۵

س ۲۰۵

ج ۲۰۵

س ۲۰۵

ج ۲۰۵

س ۲۰۵

ج ۲۰۵

س ۲۰۵

ج ۲۰۶

س ۲۰۶

ج ۲۰۶

س ۲۰۶

ج ۲۰۶

س ۲۰۶

ج ۲۰۶

س ۲۰۶

ج ۲۰۶

س ۲۰۶

ج ۲۰۷

س ۲۰۷

ج ۲۰۷

س ۲۰۷

ج ۲۰۷

س ۲۰۷

ج ۲۰۷

متنّجس منّجس است ۲۰۷

س ۲۰۷

ج ۲۰۸

س ۲۰۸

ج ۲۰۸

حکم پیوند عضوی از انسان یا حیوان به انسان و حکم تزریق خون ۲۰۸

س ۲۰۸

ج ۲۰۸

س ۲۰۸

ج ۲۰۸

س ۲۰۹

ج ۲۰۹

س ۲۰۹

ج ۲۰۹

س ۲۰۹

ج ۲۰۹

س ۲۰۹

ج ۲۰۹

احکام تخلی ۲۱۰

س ۲۱۰

ج ۲۱۰

س ۲۱۰

ج ۲۱۰

فاصله بین چاه آب و چاه مستراح ۲۱۰

س ۲۱۰

ج ۲۱۰

مسائل متفرقه طهارت ۲۱۰

س ۲۱۰

ج ۲۱۱

س ۲۱۱

ج ۲۱۱

س ۲۱۱

ج ۲۱۱

س ۲۱۱

ج ۲۱۱

س ۲۱۲

ج ۲۱۲

س ۲۱۲

ج ۲۱۲

س ۲۱۲

ج ۲۱۲

س ۲۱۲

ج ۲۱۲

س ۲۱۳

ج ۲۱۳

س ۲۱۳

ج ۲۱۳

س ۲۱۳

ج ۲۱۳

س ۲۱۳

ج ۲۱۳

س ۲۱۴

ج ۲۱۴

س ۲۱۴

ج ۲۱۴

س ۲۱۴

ج ۲۱۴

س ۲۱۴

ج ۲۱۴

س ۲۱۴

ج ۲۱۵

س ۲۱۵

ج ۲۱۵

س ۲۱۵

ج ۲۱۵

س ۲۱۵

ج ۲۱۵

س ۲۱۶

ج ۲۱۶

س ۲۱۶

ج ۲۱۶

س ۲۱۶

ج ۲۱۶

س ۲۱۶

ج ۲۱۶

س ۲۱۶

ج ۲۱۷

س ۲۱۷

ج ۲۱۷

مسائل وضوء ۲۱۷

اعتبار قصد غایت در وضوء ۲۱۷

ج ۲۱۷

اعانت غیر در وضوء ۲۱۷

ج	۲۱۷
وضوء قبل از وقت	۲۱۸
ج	۲۱۸
وضوء در زیر باران	۲۱۸
ج	۲۱۸
تجدید وضوء ثالثا و رابعا	۲۱۸
ج	۲۱۸
وضوء ارتماسی	۲۱۹
ج	۲۱۹
ج	۲۱۹
غسله سوّم در وضوء	۲۱۹
ج	۲۱۹
وضوء در منظر نامحرم	۲۱۹
ج	۲۱۹
ج	۲۲۰
ج	۲۲۰
ج	۲۲۰
وضوء با کفش یا محمول غصبی و یا در مکان غصبی	۲۲۰
ج	۲۲۰
ج	۲۲۰
ج	۲۲۱
ج	۲۲۱
وضوء یا تیمّم کسی که دست یا پایش قطع شده	۲۲۱
ج	۲۲۱

ج	۲۲۱
ج	۲۲۲
ج	۲۲۲
ج	۲۲۲
ج	۲۲۳
اگر قبل از مسح، دست نجس شود	۲۲۳
ج	۲۲۳
اگر عضو لاحق را قبل از سابق مسح کند	۲۲۳
ج	۲۲۳
مسح با آب خارج	۲۲۳
ج	۲۲۳
ج	۲۲۴
اگر در مسح سر دست به پیشانی برسد	۲۲۴
ج	۲۲۴
مسح باید به یک مرتبه انجام شود	۲۲۴
ج	۲۲۴
تکرار مسح در وضوء	۲۲۴
ج	۲۲۵
ج	۲۲۵
وضوء جبیره‌ای	۲۲۵
ج	۲۲۵
ج	۲۲۵
ج	۲۲۵
ج	۲۲۶

ج ۲۲۶

ج ۲۲۶

حکم شک در مانعیت چیزی برای وضوء یا غسل ۲۲۶

ج ۲۲۶

ج ۲۲۶

مسائل متفرقه وضوء ۲۲۷

ج ۲۲۷

ج ۲۲۷

ج ۲۲۷

ج ۲۲۷

ج ۲۲۷

ج ۲۲۸

ج ۲۲۸

ج ۲۲۸

ج ۲۲۸

ج ۲۲۹

ج ۲۲۹

مسائل غسل ۲۲۹

غسل جنابت و احکام جنب ۲۲۹

ج ۲۲۹

ج ۲۲۹

ج ۲۲۹

ج ۲۳۰

ج ۲۳۰

۲۳۰	ج
۲۳۰	ج
۲۳۱	ج
۲۳۱	ج
۲۳۱	ج
۲۳۱	ج
۲۳۱	ج
۲۳۱	ج
۲۳۱	ج
۲۳۲	ج
۲۳۲	ج
۲۳۲	ج
۲۳۲	ج
۲۳۳	ج
۲۳۳	ج
۲۳۳	ج
۲۳۳	ج
۲۳۳	ج
۲۳۳	ج
۲۳۴	ج
۲۳۴	غسل جنابت در ضيق وقت
۲۳۴	ج
۲۳۵	ج
۲۳۵	غسل با اعانت ديگرى
۲۳۵	ج
۲۳۵	غسل يا وضوء قبل از وقت

ج	۲۳۵
ج	۲۳۶
غسل در محلّ غصبی یا با وسائل یا آب غصبی	۲۳۶
ج	۲۳۶
ج	۲۳۶
ج	۲۳۷
ج	۲۳۷
ج	۲۳۷
ج	۲۳۸
ج	۲۳۸
ج	۲۳۸
جنب از حرام	۲۳۸
ج	۲۳۸
ج	۲۳۸
ج	۲۳۹
ج	۲۳۹
نیت اغسال مختلفه و انجام یک غسل	۲۳۹
ج	۲۳۹
اگر در بین غسل محدث به حدث اصغر شود	۲۳۹
ج	۲۳۹
ج	۲۴۰
ج	۲۴۰
قاعدۀ فراغ و تجاوز در غسل و وضوء و تیمم	۲۴۰
ج	۲۴۰

۲۴۰ حکم اسامی و کلمات مقدسه

۲۴۰ ج

۲۴۱ ج

۲۴۱ ج

۲۴۱ ج

۲۴۱ ج

۲۴۱ احکام حائض

۲۴۱ ج

۲۴۲ ج

۲۴۲ ج

۲۴۲ ج

۲۴۲ ج

۲۴۲ ج

۲۴۳ ج

۲۴۳ ج

۲۴۳ احکام نفساء

۲۴۳ ج

۲۴۳ حکم خونی که زن حامل می‌بیند

۲۴۴ ج

۲۴۴ ج

۲۴۴ مسائل و احکام اموات

۲۴۴ غسل میت

۲۴۴ س

۲۴۴ ج

س ۲۴۴

ج ۲۴۵

س ۲۴۵

ج ۲۴۵

س ۲۴۵

ج ۲۴۵

س ۲۴۵

ج ۲۴۵

س ۲۴۶

ج ۲۴۶

س ۲۴۶

ج ۲۴۶

س ۲۴۶

ج ۲۴۶

س ۲۴۶

ج ۲۴۷

س ۲۴۷

ج ۲۴۷

س ۲۴۷

ج ۲۴۷

س ۲۴۷

ج ۲۴۷

س ۲۴۷

ج ۲۴۸

س ۲۴۸

ج ۲۴۸

س ۲۴۸

ج ۲۴۸

س ۲۴۸

ج ۲۴۸

اگر مماثل یا محرم برای غسل و تیمم میت نباشد ۲۴۸

س ۲۴۸

ج ۲۴۹

س ۲۴۹

ج ۲۴۹

س ۲۴۹

ج ۲۴۹

س ۲۴۹

ج ۲۴۹

س ۲۵۰

ج ۲۵۰

س ۲۵۰

ج ۲۵۰

س ۲۵۰

ج ۲۵۰

غسل میتی که معلوم نباشد مرد است یا زن ۲۵۰

س ۲۵۰

ج ۲۵۱

س ۲۵۱

ج ۲۵۱

غسل میتی که از بدن او خون جاری است یا بعض اعضایش از بین رفته ۲۵۱

س ۲۵۱

ج ۲۵۱

س ۲۵۱

ج ۲۵۱

س ۲۵۲

ج ۲۵۲

س ۲۵۲

ج ۲۵۲

غسل جبیره‌ای برای میت نیست ۲۵۲

س ۲۵۲

ج ۲۵۲

اگر در حال غسل، از میت خون حیض یا بول خارج شود ۲۵۲

س ۲۵۲

ج ۲۵۲

تیمم دادن میتی که بعض مواضع تیمم را ندارد یا اعضای او به جهت تصادف قابل غسل نیست ۲۵۳

س ۲۵۳

ج ۲۵۳

س ۲۵۳

ج ۲۵۳

تجهیز میتی که معلوم نیست کافر است یا مسلمان ۲۵۳

س ۲۵۳

ج ۲۵۳

س ۲۵۳

ج ۲۵۳

س ۲۵۴

ج ۲۵۴

کفن میت ۲۵۴

س ۲۵۴

ج ۲۵۴

س ۲۵۴

ج ۲۵۴

س ۲۵۴

ج ۲۵۵

س ۲۵۵

ج ۲۵۵

س ۲۵۵

ج ۲۵۵

س ۲۵۵

ج ۲۵۵

س ۲۵۵

ج ۲۵۵

نماز میت ۲۵۵

س ۲۵۶

ج ۲۵۶

س ۲۵۶

ج ۲۵۶

س ۲۵۶

ج ۲۵۶

س ۲۵۶

ج ۲۵۶

س ۲۵۷

ج ۲۵۷

س ۲۵۷

ج ۲۵۷

س ۲۵۷

ج ۲۵۷

س ۲۵۷

ج ۲۵۷

س ۲۵۷

ج ۲۵۸

گذاردن میت در مسجد ۲۵۸

س ۲۵۸

ج ۲۵۸

س ۲۵۸

ج ۲۵۸

دفن میت ۲۵۸

س ۲۵۸

ج ۲۵۸

س ۲۵۸

ج ۲۵۹

س ۲۵۹

ج ۲۵۹

س ۲۵۹

ج ۲۵۹

س ۲۵۹

ج ۲۵۹

س ۲۶۰

ج ۲۶۰

س ۲۶۰

ج ۲۶۰

س ۲۶۰

ج ۲۶۰

س ۲۶۰

ج ۲۶۱

س ۲۶۱

ج ۲۶۱

نیش قبر ۲۶۱

س ۲۶۱

ج ۲۶۱

س ۲۶۱

ج ۲۶۱

س ۲۶۲

ج ۲۶۲

س ۲۶۲

ج ۲۶۲

س ۲۶۲

ج ۲۶۲

س ۲۶۲

ج ۲۶۳

س ۲۶۳

ج ۲۶۳

س ۲۶۳

ج ۲۶۳

س ۲۶۳

ج ۲۶۳

س ۲۶۳

ج ۲۶۴

س ۲۶۴

ج ۲۶۴

س ۲۶۴

ج ۲۶۴

س ۲۶۴

ج ۲۶۴

س ۲۶۵

ج ۲۶۵

س ۲۶۵

ج ۲۶۵

س ۲۶۵

ج ۲۶۵

احکام قبرستان ۲۶۶

س ۲۶۶

ج ۲۶۶

س ۲۶۶

ج ۲۶۶

س ۲۶۶

ج ۲۶۷

س ۲۶۷

ج ۲۶۷

س ۲۶۷

ج ۲۶۷

س ۲۶۷

ج ۲۶۷

س ۲۶۷

ج ۲۶۸

س ۲۶۸

ج ۲۶۸

غسل مس میت ۲۶۸

س ۲۶۸

ج ۲۶۸

س ۲۶۸

ج ۲۶۸

س ۲۶۸

ج ۲۶۹

س ۲۶۹

ج ۲۶۹

س ۲۶۹

ج ۲۶۹

س ۲۶۹

ج ۲۷۰

س ۲۷۰

ج ۲۷۰

س ۲۷۰

ج ۲۷۰

س ۲۷۰

ج ۲۷۱

مسائلی در باره غسل و تکفین و تحنيط و نماز مرجوم و مانند او ۲۷۱

س ۲۷۱

ج ۲۷۱

س ۲۷۱

ج ۲۷۱

س ۲۷۱

ج ۲۷۱

س ۲۷۱

ج ۲۷۱

س ۲۷۲

ج ۲۷۲

س ۲۷۲

ج ۲۷۲

س ۲۷۲

ج ۲۷۲

حجله درست کردن برای میت ۲۷۲

س ۲۷۲

ج ۲۷۲

مسائل متفرقه اموات ۲۷۳

س ۲۷۳

ج ۲۷۳

س ۲۷۳

ج ۲۷۳

س ۲۷۳

ج ۲۷۳

س ۲۷۳

ج ۲۷۴

س ۲۷۴

ج ۲۷۴

س ۲۷۴

ج ۲۷۴

س ۲۷۴

ج ۲۷۴

س ۲۷۴

ج ۲۷۵

س ۲۷۵

ج ۲۷۵

س ۲۷۵

ج ۲۷۵

س ۲۷۶

ج ۲۷۶

س ۲۷۶

ج ۲۷۶

س ۲۷۶

ج ۲۷۶

س ۲۷۶

ج ۲۷۶

س ۲۷۶

ج ۲۷۷

س ۲۷۷

ج ۲۷۷

س ۲۷۷

ج ۲۷۷

س ۲۷۷

ج ۲۷۷

س ۲۷۷

ج ۲۷۸

س ۲۷۸

ج ۲۷۸

س ۲۷۸

ج ۲۷۸

س ۲۷۸

ج ۲۷۸

س ۲۷۸

ج ۲۷۹

مسائل تیمم ۲۷۹

توضیحاتی در کیفیت تیمم ۲۷۹

س ۲۷۹

ج ۲۷۹

س ۲۷۹

ج ۲۷۹

س ۲۷۹

ج ۲۷۹

س ۲۸۰

ج ۲۸۰

تیمم به موزائیک و سنگ مرمر ۲۸۰

س ۲۸۰

ج ۲۸۰

س ۲۸۰

ج ۲۸۰

اگر محل تیمم به اندازه هر دو دست نباشد ۲۸۰

س ۲۸۰

ج ۲۸۱

کیفیت تیمم دادن به دیگری ۲۸۱

س ۲۸۱

ج ۲۸۱

تیمم بدل از غسل جنابت ۲۸۱

س ۲۸۱

ج ۲۸۱

س ۲۸۱

ج ۲۸۱

س ۲۸۲

ج ۲۸۲

س ۲۸۲

ج ۲۸۲

س ۲۸۲

ج ۲۸۲

نماز شب و یا نماز قضاء با تیمم ۲۸۳

س ۲۸۳

ج ۲۸۳

مسائل متفرقه تیمم ۲۸۳

س ۲۸۳

ج ۲۸۳

س ۲۸۳

ج ۲۸۳

س ۲۸۳

ج ۲۸۴

س ۲۸۴

ج ۲۸۴

س ۲۸۴

ج ۲۸۴

س ۲۸۴

ج ۲۸۴

س ۲۸۴

ج ۲۸۵

س ۲۸۵

ج ۲۸۶

مسائل نماز به صورت مطلق ۲۸۶

مسائل نماز ۲۸۶

اهمیت نماز ۲۸۶

ج ۲۸۶

ج ۲۸۶

ج ۲۸۶

اوقات نماز ۲۸۶

ج ۲۸۷

ج ۲۸۷

ج ۲۸۸

ج ۲۸۸

ج ۲۸۹

ج ۲۸۹

ج ۲۸۹

ج ۲۸۹

ج ۲۹۰

ج ۲۹۰

ج ۲۹۰

ج ۲۹۲

ج ۲۹۲ مکان نمازگزار

ج ۲۹۲

ج ۲۹۳

ج ۲۹۳

ج ۲۹۳

ج ۲۹۳

ج ۲۹۳

ج ۲۹۳

ج ۲۹۴

ج ۲۹۴

ج ۲۹۴

ج ۲۹۵

ج ۲۹۵

ج ۲۹۵

ج ۲۹۵

ج ۲۹۶

ج ۲۹۶

رحل گذاشتن برای نماز ۲۹۶

ج	۲۹۶
مسائل و احکام مسجد	۲۹۶
ج	۲۹۶
ج	۲۹۷
ج	۲۹۷
ج	۲۹۷
ج	۲۹۷
ج	۲۹۷
ج	۲۹۸
ج	۲۹۸
ج	۲۹۸
ج	۲۹۸
ج	۲۹۸
ج	۲۹۸
ج	۲۹۹
ج	۲۹۹
ج	۲۹۹
عنوان مسجد به چه چیز محقق می‌شود	۳۰۰
ج	۳۰۰
ج	۳۰۰
ج	۳۰۰
ج	۳۰۰
ج	۳۰۱
ج	۳۰۱
ج	۳۰۱
تبدیل مسجد به غیر آن	۳۰۱

ج ۳۰۲

ج ۳۰۲

ج ۳۰۲

ج ۳۰۳

ج ۳۰۳

ج ۳۰۳

ج ۳۰۳

ج ۳۰۳

ج ۳۰۴

ج ۳۰۴

حکم اشیاء متعلقه به مسجد ۳۰۴

ج ۳۰۴

ج ۳۰۴

ج ۳۰۵

ج ۳۰۵

ج ۳۰۵

ج ۳۰۵

ج ۳۰۶

ج ۳۰۶

ج ۳۰۶

ج ۳۰۶

ج ۳۰۷

ج ۳۰۷

احداث یا تعمیر یا تجدید بناء و یا توسعه مسجد ۳۰۷

۳۰۷	ج
۳۰۸	ج
۳۰۸	ج
۳۰۸	ج
۳۰۸	ج
۳۰۸	ج
۳۰۸	ج
۳۰۹	ج
۳۰۹	ج
۳۰۹	ج
۳۰۹	ج
۳۱۰	ج
۳۱۰	ج
۳۱۰	ج
۳۱۰	ج
۳۱۰	ج
۳۱۱	ج
۳۱۱	ج
۳۱۱	حکم داخل شدن جنب یا حائض در مسجد با تیمم
۳۱۱	ج
۳۱۲	ج
۳۱۲	ج
۳۱۲	ج
۳۱۲	ورود غیر مسلمان به مسجد جائز نیست
۳۱۲	ج

ج ۳۱۳

مسجد متولی مخصوص ندارد ۳۱۳

ج ۳۱۳

ج ۳۱۳

ج ۳۱۴

مسجد جامع ۳۱۴

ج ۳۱۴

ج ۳۱۴

خانقاه ۳۱۴

ج ۳۱۴

ج ۳۱۵

ج ۳۱۵

مسائل متفرقه مسجد ۳۱۵

ج ۳۱۵

ج ۳۱۵

ج ۳۱۶

ج ۳۱۶

ج ۳۱۶

ج ۳۱۶

ج ۳۱۶

ج ۳۱۷

ج ۳۱۷

ج ۳۱۷

ج ۳۱۷

۳۱۷	ج
۳۱۸	لباس نمازگزار
۳۱۸	ج
۳۱۸	ج
۳۱۸	ج
۳۱۸	ج
۳۱۸	ج
۳۱۹	ج
۳۱۹	ج
۳۱۹	ج
۳۱۹	ج
۳۲۰	ج
۳۲۰	ج
۳۲۰	ج
۳۲۰	ج
۳۲۰	محمول متنجس در نماز
۳۲۱	ج
۳۲۱	ج
۳۲۱	ج
۳۲۱	قبله
۳۲۱	ج
۳۲۱	ج
۳۲۲	اذان و اقامه
۳۲۲	ج
۳۲۲	ج

[illegible]

۳۲۷ ج

۳۲۷ ج

۳۲۷ ج

۳۲۷ ج

۳۲۸ ج

۳۲۸ ج

۳۲۸ ج

۳۲۸ ج

۳۲۸ ج

۳۲۹ ج

۳۲۹ ج

۳۲۹ ج

۳۳۰ ج

۳۳۰ ج

۳۳۰ ج

۳۳۰ ج

۳۳۰ ج

۳۳۱ ج

۳۳۱ ج

۳۳۱ ج

۳۳۱ ج

۳۳۱ جهر و اخفات

۳۳۲ ج

۳۳۲ ج

३३४ ----- ३

ج ۳۳۷

ج ۳۳۷

تشهد ۳۳۷

ج ۳۳۸

ج ۳۳۸

ج ۳۳۸

سلام نماز ۳۳۸

ج ۳۳۸

ج ۳۳۹

ج ۳۳۹

ج ۳۳۹

طمأنینه در نماز ۳۴۰

ج ۳۴۰

ج ۳۴۰

ج ۳۴۰

ج ۳۴۰

ج ۳۴۱

ج ۳۴۱

ظن در افعال و رکعات ۳۴۱

ج ۳۴۱

کثیر الشک ۳۴۱

ج ۳۴۱

ج ۳۴۲

ج ۳۴۲

ج ۳۴۲

ج ۳۴۲

ج ۳۴۳

ج ۳۴۳

فعل کثیر در نماز ۳۴۳

ج ۳۴۳

ج ۳۴۳

جواب سلام در حال نماز ۳۴۳

ج ۳۴۴

ج ۳۴۴

ج ۳۴۴

ج ۳۴۴

ج ۳۴۴

ج ۳۴۵

استماع موسیقی در حال نماز ۳۴۵

ج ۳۴۵

ج ۳۴۵

ج ۳۴۵

قطع نماز ۳۴۵

ج ۳۴۵

نماز احتیاط ۳۴۶

ج ۳۴۶

ج ۳۴۶

ج ۳۴۶

ج ۳۴۶
ج ۳۴۷
قضاء تشهّد و سجده فراموش شده - ۳۴۷
ج ۳۴۷
ج ۳۴۷
ج ۳۴۷
ج ۳۴۸
سجده سهو ۳۴۸
ج ۳۴۸
ج ۳۴۸
ج ۳۴۸
اگر کسی قبل از خواندن نماز عشا بخواب رود - ۳۴۸
ج ۳۴۸
ج ۳۴۹
نماز مبطلون و مسلوس - ۳۴۹
ج ۳۴۹
ج ۳۴۹
ج ۳۵۰
ج ۳۵۰
ج ۳۵۰
مسائل متفرقه نماز - ۳۵۰
ج ۳۵۰
ج ۳۵۰
ج ۳۵۱

ج ۳۵۱

ج ۳۵۱

ج ۳۵۱

ج ۳۵۱

ج ۳۵۲

ج ۳۵۲

ج ۳۵۲

ج ۳۵۲

ج ۳۵۳

ج ۳۵۳

ج ۳۵۳

ج ۳۵۳

ج ۳۵۴

ج ۳۵۴

ج ۳۵۴

ج ۳۵۴

ج ۳۵۴

ج ۳۵۵

ج ۳۵۵

ج ۳۵۵

مسائل و احکام مسافر ۳۵۵

نماز مسافر ۳۵۵

ج ۳۵۵

ج ۳۵۵

ج	۳۵۶
ج	۳۵۶
ج	۳۵۶
ج	۳۵۶
هر گاه فاصله بین دو محل بقدر مسافت باشد و در اثر توسعه کمتر شود	۳۵۶
ج	۳۵۷
ج	۳۵۷
عبور از حد ترخص	۳۵۷
ج	۳۵۷
ج	۳۵۸
قصد اقامه در دو محل	۳۵۸
ج	۳۵۸
ج	۳۵۸
اگر کسی که قصد اقامه کرده انشاء سفر جدید کند	۳۵۸
ج	۳۵۹
ج	۳۵۹
ج	۳۵۹
ج	۳۶۰
حکم کسی که در اول وقت مسافر و در آخر وقت حاضر و یا بعکس بوده و نمازش فوت شده	۳۶۰
ج	۳۶۰
ج	۳۶۰
نماز و روزه کسی که شغلش در سفر است	۳۶۰
ج	۳۶۰
ج	۳۶۱

۳۶۱	ج
۳۶۱	ج
۳۶۲	ج
۳۶۲	ج
۳۶۲	ج
۳۶۲	ج
۳۶۲	ج
۳۶۳	ج
۳۶۳	ج
۳۶۳	ج
۳۶۴	ج
۳۶۴	ج
۳۶۴	ج
۳۶۵	ج
۳۶۵	ج
۳۶۵	ج
۳۶۶	ج
۳۶۶	ج
۳۶۶	ج
۳۶۶	ج
۳۶۷	ج
۳۶۷	ج
۳۶۷	ج
۳۶۸	ج
۳۶۸	ج

۳۶۸	ج
۳۶۸	ج
۳۶۹	ج
۳۶۹	ج
۳۶۹	ج
۳۶۹	ج
۳۷۰	ج
۳۷۰	ج
۳۷۰	ج
۳۷۰	ج
۳۷۱	ج
۳۷۱	ج
۳۷۱	ج
۳۷۱	تبعتیت زن و شوهر و اولاد و پدر در احکام سفر
۳۷۱	ج
۳۷۱	ج
۳۷۲	ج
۳۷۲	ج
۳۷۲	اعراض از وطن -
۳۷۲	ج
۳۷۲	ج
۳۷۳	ج
۳۷۳	ج
۳۷۳	ج
۳۷۳	ج

ج ۳۷۴

وطن ثانوی ۳۷۴

ج ۳۷۴

ج ۳۷۴

ج ۳۷۵

ج ۳۷۵

ج ۳۷۵

ج ۳۷۵

حکم بلاد کبیره ۳۷۵

ج ۳۷۶

ج ۳۷۶

ج ۳۷۶

ج ۳۷۷

ج ۳۷۷

ج ۳۷۷

ج ۳۷۸

ج ۳۷۸

سفر معصیت ۳۷۸

ج ۳۷۸

ج ۳۷۹

ج ۳۷۹

مسائل نماز قضا ۳۷۹

س ۳۷۹

ج ۳۷۹

س ۳۷۹

ج ۳۷۹

س ۳۷۹

ج ۳۸۰

س ۳۸۰

ج ۳۸۰

س ۳۸۰

ج ۳۸۰

س ۳۸۰

ج ۳۸۰

س ۳۸۰

ج ۳۸۱

س ۳۸۱

ج ۳۸۱

س ۳۸۱

ج ۳۸۱

س ۳۸۱

ج ۳۸۱

س ۳۸۱

ج ۳۸۱

س ۳۸۲

ج ۳۸۲

س ۳۸۲

ج ۳۸۲

س ۳۸۲

ج ۳۸۲

س ۳۸۲

ج ۳۸۳

نماز و روزه قضاء پدر و مادر ۳۸۳

س ۳۸۳

ج ۳۸۳

س ۳۸۳

ج ۳۸۳

س ۳۸۳

ج ۳۸۳

س ۳۸۳

ج ۳۸۴

س ۳۸۴

ج ۳۸۴

س ۳۸۴

ج ۳۸۴

س ۳۸۴

ج ۳۸۴

س ۳۸۴

ج ۳۸۵

س ۳۸۵

ج ۳۸۵

س ۳۸۵

ج ۳۸۵

س ۳۸۵

ج ۳۸۵

س ۳۸۶

ج ۳۸۶

س ۳۸۶

ج ۳۸۶

س ۳۸۶

ج ۳۸۶

مسائل نماز جماعت ۳۸۶

اهمیت نماز جماعت ۳۸۶

ج ۳۸۷

احکام نماز جماعت ۳۸۷

ج ۳۸۷

ج ۳۸۷

ج ۳۸۷

ج ۳۸۸

ج ۳۸۸

ج ۳۸۸

ج ۳۸۸

ج ۳۸۹

ج ۳۸۹

ج ۳۸۹

ج ۳۹۰

۳۹۰	ج
۳۹۱	ج
۳۹۱	ج
۳۹۱	ج
۳۹۱	ج
۳۹۱	ج
۳۹۱	ج
۳۹۲	ج
۳۹۲	ج
۳۹۲	ج
۳۹۲	ج
۳۹۲	ج
۳۹۲	ج
۳۹۲	ج
۳۹۳	ج
۳۹۳	شرائط امام جماعت
۳۹۳	ج
۳۹۳	ج
۳۹۳	ج
۳۹۳	ج
۳۹۴	ج
۳۹۴	ج
۳۹۴	ج
۳۹۴	ج
۳۹۵	ج
۳۹۵	ج
۳۹۵	ج

۳۹۵	ج
۳۹۵	ج
۳۹۶	ج
۳۹۶	ج
۳۹۶	ج
۳۹۶	ج
۳۹۶	ج
۳۹۶	ج
۳۹۷	ج
۳۹۷	ج
۳۹۷	ج
۳۹۷	ج
۳۹۸	ج
۳۹۸	ج
۳۹۸	ج
۳۹۸	ج
۳۹۹	ج
۳۹۹	ج
۳۹۹	ج
۳۹۹	ج
۳۹۹	ج
۳۹۹	عادل به چه کسی گفته می‌شود
۴۰۰	ج
۴۰۰	ج
۴۰۰	ج

۴۰۰ امام راتب

۴۰۰ ج

۴۰۱ ج

۴۰۱ ج

۴۰۱ اگر امام جماعت یک نماز را در دو محل به جماعت بخواند

۴۰۱ ج

۴۰۲ ج

۴۰۲ نماز فرادی در محلی که نماز جماعت منعقد است

۴۰۲ ج

۴۰۲ ج

۴۰۲ ج

۴۰۳ ج

۴۰۳ ج

۴۰۳ ج

۴۰۳ نماز جماعت با عاقله

۴۰۳ ج

۴۰۴ ج

۴۰۴ مسائل نماز جمعه

۴۰۴ وقت نماز جمعه

۴۰۴ ج

۴۰۴ ج

۴۰۴ اذان و خطبه و قنوت در نماز جمعه

۴۰۴ ج

۴۰۵ ج

ج ۴۰۵

ج ۴۰۵

ج ۴۰۵

ج ۴۰۶

ج ۴۰۶

ج ۴۰۶

ج ۴۰۶

ج ۴۰۶

ج ۴۰۷

ج ۴۰۷

ج ۴۰۷

شرائط امام جمعه ۴۰۷

ج ۴۰۷

ج ۴۰۷

زیادی رکن در نماز جمعه از امام و مأموم ۴۰۸

ج ۴۰۸

ج ۴۰۸

نماز جمعه مجزی از نماز ظهر هست یا نه؟ ۴۰۸

ج ۴۰۸

ج ۴۰۸

احکام نماز جمعه ۴۰۹

ج ۴۰۹

ج ۴۰۹

ج ۴۰۹

ج ۴۰۹

ج ۴۰۹

ج ۴۱۰

ج ۴۱۰

مسائل نماز آیات ۴۱۰

س ۴۱۰

ج ۴۱۰

س ۴۱۰

ج ۴۱۰

س ۴۱۰

ج ۴۱۱

س ۴۱۱

ج ۴۱۱

مسائل نماز عید فطر و قربان ۴۱۱

س ۴۱۱

ج ۴۱۱

س ۴۱۱

ج ۴۱۱

س ۴۱۲

ج ۴۱۲

س ۴۱۲

ج ۴۱۲

س ۴۱۲

ج ۴۱۲

مسائل نماز و روزه استیجاری ۴۱۲

س ۴۱۲

ج ۴۱۲

س ۴۱۲

ج ۴۱۳

س ۴۱۳

ج ۴۱۳

س ۴۱۳

ج ۴۱۳

س ۴۱۳

ج ۴۱۳

س ۴۱۳

ج ۴۱۴

س ۴۱۴

ج ۴۱۴

س ۴۱۴

ج ۴۱۴

س ۴۱۴

ج ۴۱۴

س ۴۱۴

ج ۴۱۵

س ۴۱۵

ج ۴۱۵

س ۴۱۵

ج ۴۱۵

س ۴۱۵

ج ۴۱۵

س ۴۱۵

ج ۴۱۶

س ۴۱۶

ج ۴۱۶

س ۴۱۶

ج ۴۱۶

س ۴۱۶

ج ۴۱۶

س ۴۱۶

ج ۴۱۷

مسائل روزه ۴۱۷

رؤیت هلال و موارد ثبوت اوّل ماه ۴۱۷

س ۴۱۷

ج ۴۱۷

س ۴۱۷

ج ۴۱۷

س ۴۱۸

ج ۴۱۸

س ۴۱۸

ج ۴۱۸

س ۴۱۹

ج ۴۱۹

س ۴۱۹

ج ۴۱۹

س ۴۱۹

ج ۴۱۹

س ۴۲۰

ج ۴۲۰

س ۴۲۰

ج ۴۲۰

مبطلات روزه ۴۲۰

س ۴۲۰

ج ۴۲۰

س ۴۲۰

ج ۴۲۰

س ۴۲۱

ج ۴۲۱

س ۴۲۱

ج ۴۲۱

س ۴۲۱

ج ۴۲۱

س ۴۲۱

ج ۴۲۱

س ۴۲۲

ج ۴۲۲

س ۴۲۲

ج ۴۲۲

س ۴۲۲

ج ۴۲۲

س ۴۲۲

ج ۴۲۲

س ۴۲۲

ج ۴۲۲

س ۴۲۳

ج ۴۲۳

ابطال روزه با حرام ۴۲۳

س ۴۲۳

ج ۴۲۳

س ۴۲۳

ج ۴۲۳

س ۴۲۳

ج ۴۲۴

س ۴۲۴

ج ۴۲۴

احکام جنب در ماه رمضان ۴۲۴

س ۴۲۴

ج ۴۲۴

س ۴۲۴

ج ۴۲۴

س ۴۲۴

ج ۴۲۵

س ۴۲۵

ج ۴۲۵

س ۴۲۵

ج ۴۲۵

س ۴۲۵

ج ۴۲۶

س ۴۲۶

ج ۴۲۶

قضاء روزه ۴۲۶

س ۴۲۶

ج ۴۲۶

س ۴۲۶

ج ۴۲۶

اگر در روزه قضا یا مستحبتی سهواً مبطلی به جا آورد ۴۲۶

س ۴۲۶

ج ۴۲۷

س ۴۲۷

ج ۴۲۷

کفاره روزه و موارد وجوب یا عدم وجوب آن ۴۲۷

س ۴۲۷

ج ۴۲۷

س ۴۲۷

ج ۴۲۷

س ۴۲۷

ج ۴۲۸

س ۴۲۸

ج ۴۲۸

س ۴۲۸

ج ۴۲۸

س ۴۲۸

ج ۴۲۸

س ۴۲۸

ج ۴۲۹

س ۴۲۹

ج ۴۲۹

س ۴۲۹

ج ۴۲۹

س ۴۲۹

ج ۴۲۹

س ۴۲۹

ج ۴۲۹

س ۴۳۰

ج ۴۳۰

س ۴۳۰

ج ۴۳۰

س ۴۳۰

[illegible]

ج ۴۳۳

س ۴۳۳

ج ۴۳۳

روزه مسافر ۴۳۴

س ۴۳۴

ج ۴۳۴

س ۴۳۴

ج ۴۳۴

س ۴۳۴

ج ۴۳۴

س ۴۳۴

ج ۴۳۵

س ۴۳۵

ج ۴۳۵

س ۴۳۵

ج ۴۳۵

س ۴۳۵

ج ۴۳۵

س ۴۳۵

ج ۴۳۶

س ۴۳۶

ج ۴۳۶

س ۴۳۶

ج ۴۳۶

س ۴۳۶

ج ۴۳۷

س ۴۳۷

ج ۴۳۷

روزه نذری یا مستحبی در سفر ۴۳۷

س ۴۳۷

ج ۴۳۷

س ۴۳۷

ج ۴۳۷

احکام روزه نذری ۴۳۷

س ۴۳۷

ج ۴۳۸

هر گاه قبل از تمام شدن ماه رمضان مریض یا مسافر فوت نماید ۴۳۸

س ۴۳۸

ج ۴۳۸

روزه در مورد خوف ضرر ۴۳۸

س ۴۳۸

ج ۴۳۸

س ۴۳۸

ج ۴۳۸

س ۴۳۹

ج ۴۳۹

س ۴۳۹

ج ۴۳۹

س ۴۳۹

ج ۴۳۹

روزه بر مریض واجب نیست ۴۳۹

س ۴۳۹

ج ۴۴۰

س ۴۴۰

ج ۴۴۰

س ۴۴۰

ج ۴۴۰

هر گاه روزه گرفتن مشقت یا ضرر داشته باشد ۴۴۰

س ۴۴۰

ج ۴۴۰

س ۴۴۱

ج ۴۴۱

س ۴۴۱

ج ۴۴۱

س ۴۴۱

ج ۴۴۱

س ۴۴۲

ج ۴۴۲

س ۴۴۲

ج ۴۴۲

س ۴۴۲

ج ۴۴۲

س ۴۴۲

ج ۴۴۲

بر پیر مرد و پیر زن روزه واجب نیست ۴۴۳

س ۴۴۳

ج ۴۴۳

کسی که به جهت اعتیاد نمی‌تواند روزه بگیرد ۴۴۳

س ۴۴۳

ج ۴۴۳

س ۴۴۳

ج ۴۴۳

اگر زن برای جلوگیری از حیض، دارو، مصرف نماید ۴۴۴

س ۴۴۴

ج ۴۴۴

س ۴۴۴

ج ۴۴۴

س ۴۴۴

ج ۴۴۴

مسائل متفرقه روزه ۴۴۵

س ۴۴۵

ج ۴۴۵

س ۴۴۵

ج ۴۴۵

س ۴۴۵

ج ۴۴۵

س ۴۴۵

ج ۴۴۵

س ۴۴۶

ج ۴۴۶

س ۴۴۶

ج ۴۴۶

س ۴۴۶

ج ۴۴۶

مسائل خمس ۴۴۶

اصل وجوب خمس ضروری اسلام است ۴۴۶

س ۴۴۶

ج ۴۴۷

در اداء خمس قصد قربت لازم است ۴۴۷

س ۴۴۷

ج ۴۴۷

س ۴۴۷

ج ۴۴۷

خمس سرمایه و آلات مورد حاجت در کسب ۴۴۷

س ۴۴۷

ج ۴۴۷

س ۴۴۸

ج ۴۴۸

س ۴۴۸

ج ۴۴۸

س ۴۴۸

ج ۴۴۸

س ۴۴۹

ج ۴۴۹

س ۴۴۹

ج ۴۴۹

س ۴۴۹

ج ۴۵۰

س ۴۵۰

ج ۴۵۰

س ۴۵۰

ج ۴۵۰

س ۴۵۰

ج ۴۵۱

س ۴۵۱

ج ۴۵۱

س ۴۵۱

ج ۴۵۱

س ۴۵۱

ج ۴۵۱

س ۴۵۱

ج ۴۵۲

س ۴۵۲

ج ۴۵۲

س ۴۵۲

ج ۴۵۲

س ۴۵۲

ج ۴۵۲

س ۴۵۲

ج ۴۵۳

س ۴۵۳

ج ۴۵۳

س ۴۵۳

ج ۴۵۳

س ۴۵۳

ج ۴۵۴

موارد تعلّق یا عدم تعلّق خمس به خانه ۴۵۴

س ۴۵۴

ج ۴۵۴

س ۴۵۴

ج ۴۵۴

س ۴۵۴

ج ۴۵۴

س ۴۵۵

ج ۴۵۵

س ۴۵۵

ج ۴۵۵

س ۴۵۵

۴۵۵	ج
۴۵۵	س
۴۵۶	ج
۴۵۶	س
۴۵۶	ج
۴۵۶	س
۴۵۶	ج
۴۵۶	س
۴۵۶	ج
۴۵۶	س
۴۵۶	ج
۴۵۶	س
۴۵۷	ج
۴۵۷	س
۴۵۷	ج
۴۵۷	س
۴۵۷	ج
۴۵۷	س
۴۵۸	ج
۴۵۸	س
۴۵۸	ج
۴۵۸	س
۴۵۸	ج
۴۵۸	س
۴۵۹	ج
۴۵۹	س

ج ۴۵۹

حکم باغ و اشجاری که برای مصرف شخصی یا فروش میوه یا اشجار، احداث یا خریداری شده ۴۵۹

س ۴۵۹

ج ۴۵۹

س ۴۵۹

ج ۴۵۹

س ۴۶۰

ج ۴۶۰

س ۴۶۰

ج ۴۶۰

س ۴۶۰

ج ۴۶۰

س ۴۶۱

ج ۴۶۱

س ۴۶۱

ج ۴۶۱

س ۴۶۱

ج ۴۶۱

س ۴۶۲

ج ۴۶۲

س ۴۶۲

ج ۴۶۲

س ۴۶۲

ج ۴۶۲

س ۴۶۲

ج ۴۶۳

س ۴۶۳

ج ۴۶۳

نگهداری احشام بعنوان سرمایه یا مصرف شخصی ۴۶۳

س ۴۶۳

ج ۴۶۳

س ۴۶۳

ج ۴۶۴

س ۴۶۴

ج ۴۶۴

س ۴۶۴

ج ۴۶۴

س ۴۶۴

ج ۴۶۴

س ۴۶۴

ج ۴۶۴

س ۴۶۵

ج ۴۶۵

س ۴۶۵

ج ۴۶۵

س ۴۶۵

ج ۴۶۵

س ۴۶۶

ج ۴۶۶

س ۴۶۶

ج ۴۶۶

س ۴۶۶

ج ۴۶۶

خمس مطالبات ۴۶۶

س ۴۶۶

ج ۴۶۷

س ۴۶۷

ج ۴۶۷

س ۴۶۷

ج ۴۶۷

س ۴۶۷

ج ۴۶۸

س ۴۶۸

ج ۴۶۸

س ۴۶۸

ج ۴۶۸

س ۴۶۸

ج ۴۶۸

س ۴۶۹

ج ۴۶۹

س ۴۶۹

ج ۴۶۹

س ۴۶۹

ج ۴۶۹

س ۴۶۹

ج ۴۷۰

حکم خمس در باره کسی که چند رشته کسب دارد ۴۷۰

س ۴۷۰

ج ۴۷۰

س ۴۷۰

ج ۴۷۰

س ۴۷۰

ج ۴۷۱

خمس بذر ۴۷۱

س ۴۷۱

ج ۴۷۱

س ۴۷۱

ج ۴۷۱

س ۴۷۱

ج ۴۷۱

س ۴۷۱

ج ۴۷۲

س ۴۷۲

ج ۴۷۲

مؤنه خمس ندارد ۴۷۲

س ۴۷۲

۴۷۲	ج
۴۷۲	س
۴۷۲	ج
۴۷۲	س
۴۷۳	ج
۴۷۳	س
۴۷۳	ج
۴۷۳	س
۴۷۳	ج
۴۷۳	س
۴۷۳	ج
۴۷۳	س
۴۷۴	ج
۴۷۴	س
۴۷۴	ج
۴۷۴	س
۴۷۴	ج
۴۷۴	س
۴۷۴	ج
۴۷۴	س
۴۷۵	ج
۴۷۵	س
۴۷۵	ج
۴۷۵	س
۴۷۵	ج
۴۷۵	س
۴۷۵	ج
۴۷۵	س

ج ۴۷۶

س ۴۷۶

ج ۴۷۶

س ۴۷۶

ج ۴۷۶

س ۴۷۶

ج ۴۷۷

س ۴۷۷

ج ۴۷۷

س ۴۷۷

ج ۴۷۷

س ۴۷۷

ج ۴۷۸

س ۴۷۸

ج ۴۷۸

س ۴۷۸

ج ۴۷۸

س ۴۷۸

ج ۴۷۸

س ۴۷۸

ج ۴۷۹

س ۴۷۹

ج ۴۷۹

س ۴۷۹

ج ۴۷۹

س ۴۷۹

ج ۴۸۰

س ۴۸۰

ج ۴۸۰

س ۴۸۰

ج ۴۸۰

س ۴۸۰

ج ۴۸۰

س ۴۸۰

ج ۴۸۱

س ۴۸۱

ج ۴۸۱

س ۴۸۱

ج ۴۸۱

مواردی از عایدات زائد بر مؤنه ۴۸۱

س ۴۸۱

ج ۴۸۱

س ۴۸۱

ج ۴۸۲

س ۴۸۲

ج ۴۸۲

س ۴۸۲

ج ۴۸۲

س ۴۸۲

ج ۴۸۳

س ۴۸۳

ج ۴۸۳

س ۴۸۳

ج ۴۸۳

س ۴۸۳

ج ۴۸۳

س ۴۸۴

ج ۴۸۴

س ۴۸۴

ج ۴۸۴

س ۴۸۴

ج ۴۸۴

س ۴۸۴

ج ۴۸۵

س ۴۸۵

ج ۴۸۵

س ۴۸۵

ج ۴۸۵

س ۴۸۵

ج ۴۸۶

خمس مال موروئی ۴۸۶

س ۴۸۶

ج ۴۸۶

س ۴۸۶

ج ۴۸۶

حکم مال موروثی که قیمت آن ترقی کرده و حکم چیزی که با پول مخمس یا موروثی خریده شده و ترقی قیمت پیدا کرده ۴۸۶

س ۴۸۶

ج ۴۸۶

س ۴۸۷

ج ۴۸۷

س ۴۸۷

ج ۴۸۷

س ۴۸۷

ج ۴۸۸

س ۴۸۸

ج ۴۸۸

س ۴۸۸

ج ۴۸۸

س ۴۸۸

ج ۴۸۸

س ۴۸۹

ج ۴۸۹

س ۴۸۹

ج ۴۸۹

حکم پولی که به صندوق خیریه یا پس انداز یا قرض الحسنه و مانند اینها ریخته شده و سال بر آن گذشته ۴۸۹

س ۴۸۹

ج ۴۸۹

س ۴۸۹

ج ۴۹۰

س ۴۹۰

ج ۴۹۰

س ۴۹۰

ج ۴۹۰

س ۴۹۰

ج ۴۹۱

چیزی که بعنوان زکاة یا صدقه یا خمس یا مظالم اخذ شده، خمس یا زکاة دارد یا خیر ۴۹۱

س ۴۹۱

ج ۴۹۱

س ۴۹۱

ج ۴۹۱

س ۴۹۱

ج ۴۹۱

س ۴۹۱

ج ۴۹۲

س ۴۹۲

ج ۴۹۲

اگر لوازم زندگی یا چیزی را که خمس ندارد سرمایه کند ۴۹۲

س ۴۹۲

ج ۴۹۲

س ۴۹۲

ج ۴۹۲

س ۴۹۳

ج ۴۹۳

اگر پول یا عوائد دیگر برای صرف در مؤنه ذخیره شود و سال بر آن بگذرد ۴۹۳

س ۴۹۳

ج ۴۹۳

س ۴۹۳

ج ۴۹۳

س ۴۹۳

ج ۴۹۴

خمس نماء متصل و منفصل مال مخمس یا چیزی که خمس ندارد ۴۹۴

س ۴۹۴

ج ۴۹۴

س ۴۹۴

ج ۴۹۴

هر گاه پولی برای انجام عملی بگیرد و قبل از انجام عمل سال بر آن بگذرد ۴۹۴

س ۴۹۴

ج ۴۹۴

س ۴۹۴

ج ۴۹۵

س ۴۹۵

ج ۴۹۵

س ۴۹۵

ج ۴۹۵

جهازیه خمس ندارد ۴۹۵

س ۴۹۵

ج ۴۹۶

س ۴۹۶

ج ۴۹۶

س ۴۹۶

ج ۴۹۶

س ۴۹۶

ج ۴۹۶

پولی که برای جهازیه ذخیره شود و سال بر آن بگذرد خمس دارد ۴۹۶

س ۴۹۷

ج ۴۹۷

س ۴۹۷

ج ۴۹۷

س ۴۹۷

ج ۴۹۷

زینت آلات خمس ندارد ۴۹۷

س ۴۹۷

ج ۴۹۷

حکم اشیائی که از محل حاجت خارج شده ۴۹۸

س ۴۹۸

ج ۴۹۸

س ۴۹۸

ج ۴۹۸

میزان در مؤنه، معرضیت احتیاج است	۴۹۸
س	۴۹۸
ج	۴۹۸
س	۴۹۸
ج	۴۹۸
س	۴۹۹
ج	۴۹۹
س	۴۹۹
ج	۴۹۹
س	۴۹۹
ج	۴۹۹
حکم جنس یا پولی که به قرض یا نسیه گرفته شده و عین آن باقی است و سال بر آن گذشته	۴۹۹
س	۴۹۹
ج	۵۰۰
س	۵۰۰
ج	۵۰۰
س	۵۰۰
ج	۵۰۰
س	۵۰۰
ج	۵۰۰
اگر کسی که مخارج او را دیگری می‌دهد ربحی بدست آورد	۵۰۰
س	۵۰۰
ج	۵۰۱
س	۵۰۱

ج ۵۰۱

س ۵۰۱

ج ۵۰۱

س ۵۰۱

ج ۵۰۱

س ۵۰۲

ج ۵۰۲

س ۵۰۲

ج ۵۰۲

س ۵۰۲

ج ۵۰۲

س ۵۰۲

ج ۵۰۲

س ۵۰۳

ج ۵۰۳

س ۵۰۳

ج ۵۰۳

چیزی که به نسیه خریده و پولی که در معامله سلف بعنوان ثمن پرداخته خمس دارد یا نه؟ ۵۰۳

س ۵۰۳

ج ۵۰۳

س ۵۰۳

ج ۵۰۴

موقع حساب خمس، بدهی کسر می‌شود یا خیر ۵۰۴

س ۵۰۴

.....ج ۵۰۴

.....س ۵۰۴

.....ج ۵۰۴

.....س ۵۰۴

.....ج ۵۰۵

.....س ۵۰۵

.....ج ۵۰۵

.....س ۵۰۵

.....ج ۵۰۵

.....س ۵۰۵

.....ج ۵۰۵

.....س ۵۰۶

.....ج ۵۰۶

.....س ۵۰۶

.....ج ۵۰۶

.....س ۵۰۶

.....ج ۵۰۶

.....س ۵۰۶

.....ج ۵۰۶

.....مهریه زن جزء مؤنه سال پرداخت است- ۵۰۷

.....س ۵۰۷

.....ج ۵۰۷

.....س ۵۰۷

.....ج ۵۰۷

س ۵۰۷

ج ۵۰۷

ترقی قیمت مهریه اگر در سال فروش آن صرف مؤنه زندگی نشود خمس دارد ۵۰۸

س ۵۰۸

ج ۵۰۸

اگر خمس مالی را که متعلق خمس است از غیر آن مال بدهد ۵۰۸

س ۵۰۸

ج ۵۰۸

س ۵۰۸

ج ۵۰۸

س ۵۰۸

ج ۵۰۹

س ۵۰۹

ج ۵۰۹

س ۵۰۹

ج ۵۰۹

چیزی که خمس به آن تعلّق گرفته به قیمت خرید حساب می‌شود یا به قیمت وقت وجوب اداء ۵۰۹

س ۵۰۹

ج ۵۰۹

س ۵۱۰

ج ۵۱۰

س ۵۱۰

ج ۵۱۰

س ۵۱۰

ج ۵۱۰

س ۵۱۰

ج ۵۱۱

س ۵۱۱

ج ۵۱۱

س ۵۱۱

ج ۵۱۱

فروش یا هبه برای فرار از خمس ۵۱۱

س ۵۱۱

ج ۵۱۱

س ۵۱۲

ج ۵۱۲

س ۵۱۲

ج ۵۱۲

جبران مال مخمس مصرف شده یا تلف شده از ارباح ۵۱۲

س ۵۱۲

ج ۵۱۲

س ۵۱۲

ج ۵۱۳

س ۵۱۳

ج ۵۱۳

س ۵۱۳

ج ۵۱۳

س ۵۱۴

ج ۵۱۴

س ۵۱۴

ج ۵۱۴

س ۵۱۴

ج ۵۱۴

س ۵۱۴

ج ۵۱۴

س ۵۱۵

ج ۵۱۵

س ۵۱۵

ج ۵۱۵

س ۵۱۵

ج ۵۱۵

س ۵۱۵

ج ۵۱۵

س ۵۱۶

ج ۵۱۶

س ۵۱۶

ج ۵۱۶

چیزی که خمس آن داده شده دیگر خمس ندارد ۵۱۶

س ۵۱۶

ج ۵۱۶

اگر مشکوک باشد که میت خمس اموال خود را داده یا نه؟ ۵۱۶

س ۵۱۶

ج ۵۱۷

س ۵۱۷

ج ۵۱۷

س ۵۱۷

ج ۵۱۷

س ۵۱۷

ج ۵۱۷

بدهی خمسی میت از اصل ترکه خارج می‌شود ۵۱۸

س ۵۱۸

ج ۵۱۸

تصرف در مالی که خمس به آن تعلق گرفته یا مشکوک است ۵۱۸

س ۵۱۸

ج ۵۱۸

س ۵۱۸

ج ۵۱۸

س ۵۱۹

ج ۵۱۹

س ۵۱۹

ج ۵۱۹

س ۵۱۹

ج ۵۱۹

س ۵۲۰

ج ۵۲۰

س ۵۲۰

ج ۵۲۰

س ۵۲۰

ج ۵۲۰

س ۵۲۰

ج ۵۲۱

س ۵۲۱

ج ۵۲۱

س ۵۲۱

ج ۵۲۱

س ۵۲۱

ج ۵۲۲

س ۵۲۲

ج ۵۲۲

س ۵۲۲

ج ۵۲۲

س ۵۲۲

ج ۵۲۲

پدر و فرزندی که زندگی و کسبشان با هم است چگونه خمس بدهند ۵۲۲

س ۵۲۲

ج ۵۲۳

در تعلق خمس و زکاة کدامیک مقدم است ۵۲۳

س ۵۲۳

ج ۵۲۳

س ۵۲۳

ج ۵۲۳

س ۵۲۳

ج ۵۲۳

تعلّق خمس و زکاة بنحو اشاعه است ۵۲۴

س ۵۲۴

ج ۵۲۴

س ۵۲۴

ج ۵۲۴

س ۵۲۵

ج ۵۲۵

آیا از مال کسی که خمس بدهکار است بدون اذن او می‌توان خمس داد یا نه؟ ۵۲۵

س ۵۲۵

ج ۵۲۵

س ۵۲۵

ج ۵۲۵

س ۵۲۵

ج ۵۲۵

س ۵۲۶

ج ۵۲۶

س ۵۲۶

ج ۵۲۶

س ۵۲۶

ج ۵۲۶

دست گردان خمس ۵۲۶

س ۵۲۶

ج ۵۲۶

س ۵۲۷

ج ۵۲۷

س ۵۲۷

ج ۵۲۷

س ۵۲۷

ج ۵۲۷

س ۵۲۷

ج ۵۲۸

س ۵۲۸

ج ۵۲۸

موارد جواز یا عدم جواز مصالحه در خمس ۵۲۸

س ۵۲۸

ج ۵۲۸

س ۵۲۸

ج ۵۲۸

س ۵۲۸

ج ۵۲۹

س ۵۲۹

ج ۵۲۹

س ۵۲۹

ج ۵۲۹

حکم خمس در مورد اموال کسی که قبل از حلول سال خمسی خود فوت نماید ۵۲۹

س ۵۲۹

ج ۵۲۹

س ۵۳۰

ج ۵۳۰

حکم خمس در باره بچه غیر بالغ ۵۳۰

س ۵۳۰

ج ۵۳۰

س ۵۳۰

ج ۵۳۰

س ۵۳۰

ج ۵۳۱

س ۵۳۱

ج ۵۳۱

حکم خمس در مورد نذر ۵۳۱

س ۵۳۱

ج ۵۳۱

س ۵۳۱

ج ۵۳۱

س ۵۳۲

ج ۵۳۲

خمس سرقتی ۵۳۲

س ۵۳۲

ج ۵۳۲

س ۵۳۲

ج ۵۳۳

س ۵۳۳

ج ۵۳۳

س ۵۳۳

ج ۵۳۳

س ۵۳۳

ج ۵۳۴

س ۵۳۴

ج ۵۳۴

چیزی که ملک جهت است خمس ندارد ۵۳۴

س ۵۳۴

ج ۵۳۴

س ۵۳۴

ج ۵۳۵

س ۵۳۵

ج ۵۳۵

س ۵۳۵

ج ۵۳۵

مال موهوب خمس دارد ۵۳۵

س ۵۳۵

ج ۵۳۵

س ۵۳۶

ج ۵۳۶

س ۵۳۶

ج ۵۳۶

س ۵۳۶

ج ۵۳۶

میزان در ابتدای سال خمسی ۵۳۶

س ۵۳۶

ج ۵۳۶

س ۵۳۷

ج ۵۳۷

س ۵۳۷

ج ۵۳۷

س ۵۳۷

ج ۵۳۷

س ۵۳۸

ج ۵۳۸

س ۵۳۸

ج ۵۳۸

س ۵۳۸

ج ۵۳۸

س ۵۳۹

ج ۵۳۹

س ۵۳۹

ج ۵۳۹

س ۵۳۹

ج ۵۳۹

س ۵۳۹

ج ۵۳۹

س ۵۴۰

ج ۵۴۰

س ۵۴۰

ج ۵۴۰

س ۵۴۰

ج ۵۴۰

نحوه رسیدگی به حساب سال ۵۴۱

س ۵۴۱

ج ۵۴۱

س ۵۴۱

ج ۵۴۱

س ۵۴۱

ج ۵۴۱

س ۵۴۱

ج ۵۴۲

س ۵۴۲

ج ۵۴۲

س ۵۴۲

ج ۵۴۲

س ۵۴۳

ج ۵۴۳

س ۵۴۳

ج ۵۴۳

س ۵۴۳

ج ۵۴۳

س ۵۴۳

ج ۵۴۴

س ۵۴۴

ج ۵۴۴

س ۵۴۴

ج ۵۴۴

س ۵۴۵

ج ۵۴۵

س ۵۴۵

ج ۵۴۵

کسی که برای خود سال خمسی قرار نداده ۵۴۵

س ۵۴۵

ج ۵۴۵

س ۵۴۶

ج ۵۴۶

س ۵۴۶

ج ۵۴۶

س ۵۴۶

ج ۵۴۶

س ۵۴۶

ج ۵۴۶

مستحقّ و مصرف خمس	۵۴۷
س	۵۴۷
ج	۵۴۷
س	۵۴۷
ج	۵۴۷
س	۵۴۷
ج	۵۴۷
س	۵۴۷
ج	۵۴۸
س	۵۴۸
ج	۵۴۸
س	۵۴۸
ج	۵۴۸
س	۵۴۸
ج	۵۴۸
س	۵۴۸
ج	۵۴۸
س	۵۴۸
ج	۵۴۸
س	۵۴۹
ج	۵۴۹
س	۵۴۹
ج	۵۴۹
س	۵۴۹
ج	۵۴۹
س	۵۴۹

۵۴۹	ج
۵۴۹	س
۵۵۰	ج
۵۵۰	س
۵۵۰	ج
۵۵۰	س
۵۵۰	ج
۵۵۰	س
۵۵۰	ج
۵۵۰	س
۵۵۰	ج
۵۵۱	س
۵۵۱	ج
۵۵۱	س
۵۵۱	ج
۵۵۱	س
۵۵۱	ج
۵۵۱	س
۵۵۱	ج
۵۵۱	س
۵۵۱	ج
۵۵۲	س
۵۵۲	ج
۵۵۲	س
۵۵۲	س
۵۵۲	ج
۵۵۲	س
۵۵۲	ج

س ۵۵۳

ج ۵۵۳

س ۵۵۳

ج ۵۵۳

س ۵۵۴

ج ۵۵۴

س ۵۵۵

ج ۵۵۵

س ۵۵۵

ج ۵۵۵

س ۵۵۵

ج ۵۵۶

س ۵۵۶

ج ۵۵۶

س ۵۵۶

ج ۵۵۶

س ۵۵۶

ج ۵۵۶

س ۵۵۶

ج ۵۵۷

س ۵۵۷

ج ۵۵۷

مصرف نمودن سهم امام باید با اجازه مجتهد باشد ۵۵۷

س ۵۵۷

ج ۵۵۷

س ۵۵۷

ج ۵۵۷

س ۵۵۷

ج ۵۵۸

س ۵۵۹

ج ۵۵۹

هر گاه به مستحق قرض بدهد و بعدا بابت خمس حساب کند ۵۶۰

س ۵۶۰

ج ۵۶۰

خمس دادن به واجب التّفقه ۵۶۰

س ۵۶۰

ج ۵۶۰

س ۵۶۰

ج ۵۶۰

س ۵۶۱

ج ۵۶۱

خمس مال حلال مخلوط به حرام ۵۶۱

س ۵۶۱

ج ۵۶۱

س ۵۶۱

ج ۵۶۲

س ۵۶۲

ج ۵۶۲

س ۵۶۲

ج ۵۶۲

س ۵۶۲

ج ۵۶۲

خمس معدن ۵۶۳

س ۵۶۳

ج ۵۶۳

س ۵۶۳

ج ۵۶۳

س ۵۶۳

ج ۵۶۳

خمس در مورد زمینی که مسلمان از کافر ذمی بخرد ۵۶۳

س ۵۶۴

ج ۵۶۴

س ۵۶۴

ج ۵۶۴

مسائل متفرقه خمس ۵۶۴

س ۵۶۴

ج ۵۶۴

س ۵۶۴

ج ۵۶۴

س ۵۶۵

ج ۵۶۵

س ۵۶۵

ج ۵۶۸

س ۵۶۸

ج ۵۶۸

س ۵۶۸

ج ۵۶۸

س ۵۶۸

ج ۵۶۸

س ۵۶۹

ج ۵۶۹

س ۵۶۹

ج ۵۶۹

س ۵۶۹

ج ۵۶۹

س ۵۶۹

ج ۵۷۰

س ۵۷۰

ج ۵۷۰

س ۵۷۰

ج ۵۷۰

س ۵۷۰

ج ۵۷۰

س ۵۷۱

ج ۵۷۱

مسائل زکاة ۵۷۱

اجناسی که مورد تعلّق زکاة است ۵۷۱

س ۵۷۱

ج ۵۷۱

س ۵۷۱

ج ۵۷۱

س ۵۷۱

ج ۵۷۲

س ۵۷۲

ج ۵۷۲

اعتبار نصاب در زکاة ۵۷۲

س ۵۷۲

ج ۵۷۲

س ۵۷۲

ج ۵۷۲

س ۵۷۳

ج ۵۷۳

س ۵۷۳

ج ۵۷۳

زکاة غلات اربعه یا عشر است یا نصف عشر ۵۷۳

س ۵۷۳

ج ۵۷۳

س ۵۷۴

ج ۵۷۴

س ۵۷۴

ج ۵۷۴

س ۵۷۴

ج ۵۷۴

حکم مخارج زراعت و تقسیط مخارج بر جنس زکوی و غیر آن ۵۷۴

س ۵۷۴

ج ۵۷۴

س ۵۷۵

ج ۵۷۵

س ۵۷۵

ج ۵۷۵

س ۵۷۵

ج ۵۷۵

س ۵۷۶

ج ۵۷۶

زکاة به عهده کسی است که حین انعقاد حبه مالک زراعت باشد ۵۷۶

س ۵۷۶

ج ۵۷۶

س ۵۷۶

ج ۵۷۶

س ۵۷۶

ج ۵۷۶

س ۵۷۷

ج ۵۷۷

در زکاة، اداء عین لازم است یا قیمت هم مجزی است ۵۷۷

س ۵۷۷

ج ۵۷۷

در وجوب زکاة، غنی معتبر نیست ۵۷۷

س ۵۷۷

ج ۵۷۷

چیزی که ملک جهت است زکاة ندارد ۵۷۷

س ۵۷۷

ج ۵۷۸

س ۵۷۸

ج ۵۷۸

حکم بذری که زکاة آن پرداخت شده و بذری که زکاتش پرداخت نشده ۵۷۸

س ۵۷۸

ج ۵۷۸

س ۵۷۸

ج ۵۷۸

مستحق و مصرف زکاة ۵۷۹

س ۵۷۹

ج ۵۷۹

س ۵۷۹

ج ۵۷۹

س ۵۷۹

ج ۵۷۹

س ۵۷۹

ج ۵۷۹

س ۵۸۰
ج ۵۸۰
س ۵۸۰
ج ۵۸۰
س ۵۸۰
ج ۵۸۰
س ۵۸۰
ج ۵۸۰
س ۵۸۰
ج ۵۸۱
س ۵۸۱
ج ۵۸۱
س ۵۸۱
ج ۵۸۱
س ۵۸۱
ج ۵۸۱
س ۵۸۱
ج ۵۸۱
س ۵۸۱
ج ۵۸۲
س ۵۸۲
ج ۵۸۲
س ۵۸۲
ج ۵۸۲
س ۵۸۲
ج ۵۸۲

س ۵۸۲

ج ۵۸۲

س ۵۸۳

ج ۵۸۳

مسائل متفرقه زکاة ۵۸۳

س ۵۸۳

ج ۵۸۳

س ۵۸۳

ج ۵۸۳

س ۵۸۳

ج ۵۸۳

س ۵۸۳

ج ۵۸۴

س ۵۸۴

ج ۵۸۴

مسائل زکاة فطره ۵۸۴

اداء فطره قبل از نماز عید و بعد از آن ۵۸۴

ج ۵۸۴

ج ۵۸۵

ج ۵۸۵

میزان در غنی که شرط وجوب زکاة فطره است چیست؟ ۵۸۵

ج ۵۸۵

تأخیر در اداء زکاة فطره با وجود مستحق ۵۸۵

ج ۵۸۵

۵۸۵	نقل زکاة فطره به محل دیگر
۵۸۶	ج
۵۸۶	ج
۵۸۶	ج
۵۸۶	اگر زکاة فطره چند نفر بعد از افراز بهم مخلوط شود
۵۸۶	ج
۵۸۷	ج
۵۸۷	فطره میهمان
۵۸۷	ج
۵۸۷	ج
۵۸۷	ج
۵۸۸	ج
۵۸۸	مستحق و مصرف زکاة فطره
۵۸۸	ج
۵۸۸	ج
۵۸۸	ج
۵۸۹	ج
۵۸۹	مسائل متفرقه زکاة فطره
۵۸۹	ج
۵۸۹	ج
۵۸۹	ج
۵۸۹	مسائل حج و عمره
۵۹۰	استطاعت
۵۹۰	س

۵۹۰	ج
۵۹۰	س
۵۹۰	ج
۵۹۰	س
۵۹۰	ج
۵۹۰	س
۵۹۰	ج
۵۹۱	س
۵۹۱	ج
۵۹۱	س
۵۹۱	ج
۵۹۱	س
۵۹۱	ج
۵۹۱	س
۵۹۱	ج
۵۹۱	س
۵۹۱	ج
۵۹۱	س
۵۹۱	ج
۵۹۲	س
۵۹۲	ج
۵۹۲	س
۵۹۲	ج
۵۹۲	س
۵۹۲	ج
۵۹۲	س
۵۹۲	ج
۵۹۲	س
۵۹۳	ج
۵۹۳	س

ج ۵۹۳

س ۵۹۳

ج ۵۹۳

س ۵۹۳

ج ۵۹۳

س ۵۹۳

ج ۵۹۳

س ۵۹۴

ج ۵۹۴

س ۵۹۴

ج ۵۹۴

س ۵۹۴

ج ۵۹۴

س ۵۹۴

ج ۵۹۵

س ۵۹۵

ج ۵۹۵

س ۵۹۵

ج ۵۹۵

س ۵۹۵

ج ۵۹۵

س ۵۹۶

ج ۵۹۶

س ۵۹۶

ج ۵۹۶
س ۵۹۶
ج ۵۹۶
س ۵۹۶
ج ۵۹۶
س ۵۹۷
ج ۵۹۷
س ۵۹۷
ج ۵۹۷
س ۵۹۷
ج ۵۹۷
س ۵۹۷
ج ۵۹۸
س ۵۹۸
ج ۵۹۸
س ۵۹۸
ج ۵۹۹
س ۵۹۹
ج ۵۹۹
س ۵۹۹
ج ۵۹۹
س ۵۹۹
ج ۵۹۹
س ۶۰۰

..... ج ۶۰۰

..... س ۶۰۰

..... ج ۶۰۰

..... س ۶۰۰

..... ج ۶۰۱

..... س ۶۰۱

..... ج ۶۰۱

..... نیابت حج ۶۰۱

..... س ۶۰۱

..... ج ۶۰۱

..... س ۶۰۱

..... ج ۶۰۲

..... س ۶۰۲

..... ج ۶۰۲

..... س ۶۰۲

..... ج ۶۰۲

..... س ۶۰۲

..... ج ۶۰۲

..... س ۶۰۳

..... ج ۶۰۳

..... س ۶۰۳

..... ج ۶۰۳

..... س ۶۰۳

..... ج ۶۰۳

س ۶۰۳

ج ۶۰۴

س ۶۰۴

ج ۶۰۴

س ۶۰۴

ج ۶۰۴

س ۶۰۴

ج ۶۰۴

س ۶۰۵

ج ۶۰۵

س ۶۰۵

ج ۶۰۵

س ۶۰۵

ج ۶۰۵

س ۶۰۶

ج ۶۰۶

س ۶۰۶

ج ۶۰۶

س ۶۰۶

ج ۶۰۶

س ۶۰۶

ج ۶۰۷

س ۶۰۷

ج ۶۰۷

س ۶۰۷

ج ۶۰۷

س ۶۰۷

ج ۶۰۸

س ۶۰۸

ج ۶۰۸

س ۶۰۸

ج ۶۰۸

س ۶۰۸

ج ۶۰۸

س ۶۰۸

ج ۶۰۸

س ۶۰۹

ج ۶۰۹

س ۶۰۹

ج ۶۰۹

س ۶۰۹

ج ۶۰۹

س ۶۰۹

ج ۶۰۹

س ۶۱۰

ج ۶۱۰

س ۶۱۰

ج ۶۱۰

س ۶۱۰
ج ۶۱۰
س ۶۱۰
ج ۶۱۱
س ۶۱۱
ج ۶۱۱
س ۶۱۱
ج ۶۱۱
س ۶۱۱
ج ۶۱۱
س ۶۱۱
ج ۶۱۲
س ۶۱۲
ج ۶۱۲
س ۶۱۲
ج ۶۱۲
س ۶۱۲
ج ۶۱۲
س ۶۱۲
ج ۶۱۲
س ۶۱۲
ج ۶۱۳
س ۶۱۳
ج ۶۱۳
س ۶۱۳
ج ۶۱۳

۶۱۳	میقات
۶۱۳	س
۶۱۴	ج
۶۱۴	س
۶۱۴	ج
۶۱۴	س
۶۱۴	ج
۶۱۴	س
۶۱۴	ج
۶۱۴	س
۶۱۴	ج
۶۱۵	س
۶۱۵	ج
۶۱۵	س
۶۱۵	ج
۶۱۵	نیت احرام
۶۱۵	س
۶۱۵	ج
۶۱۵	س
۶۱۶	ج
۶۱۶	س
۶۱۶	ج
۶۱۶	تلبیه
۶۱۶	س
۶۱۶	ج
۶۱۶	س

ج ۶۱۶

س ۶۱۷

ج ۶۱۷

س ۶۱۷

ج ۶۱۷

س ۶۱۷

ج ۶۱۷

س ۶۱۷

ج ۶۱۷

احرام ۶۱۸

س ۶۱۸

ج ۶۱۸

س ۶۱۸

ج ۶۱۸

س ۶۱۹

ج ۶۱۹

س ۶۱۹

ج ۶۱۹

س ۶۱۹

ج ۶۱۹

س ۶۱۹

ج ۶۱۹

س ۶۲۰

ج ۶۲۰

س ۶۲۰
ج ۶۲۰
س ۶۲۰
ج ۶۲۰
س ۶۲۰
ج ۶۲۰
س ۶۲۱
ج ۶۲۱
س ۶۲۱
ج ۶۲۱
س ۶۲۱
ج ۶۲۱
س ۶۲۱
ج ۶۲۱
س ۶۲۱
ج ۶۲۲
س ۶۲۲
ج ۶۲۲
س ۶۲۲
ج ۶۲۲
س ۶۲۲
ج ۶۲۲
س ۶۲۲
ج ۶۲۲

س ۶۲۳

ج ۶۲۳

س ۶۲۳

ج ۶۲۳

س ۶۲۳

ج ۶۲۳

س ۶۲۳

ج ۶۲۳

س ۶۲۴

ج ۶۲۴

س ۶۲۴

ج ۶۲۴

س ۶۲۴

ج ۶۲۴

س ۶۲۴

ج ۶۲۵

س ۶۲۵

ج ۶۲۵

س ۶۲۵

ج ۶۲۵

س ۶۲۵

ج ۶۲۵

س ۶۲۵

ج ۶۲۶

س ۶۲۶
ج ۶۲۶
س ۶۲۶
ج ۶۲۶
س ۶۲۶
ج ۶۲۶
س ۶۲۶
ج ۶۲۶
س ۶۲۷
ج ۶۲۷
س ۶۲۷
ج ۶۲۷
س ۶۲۷
ج ۶۲۷
س ۶۲۷
ج ۶۲۷
س ۶۲۷
ج ۶۲۸
س ۶۲۸
ج ۶۲۸
س ۶۲۸
ج ۶۲۸
س ۶۲۸
ج ۶۲۸

۶۲۸	س
۶۲۹	ج
۶۲۹	س
۶۲۹	ج
۶۲۹	طواف
۶۲۹	س
۶۲۹	ج
۶۲۹	س
۶۲۹	ج
۶۳۰	س
۶۳۰	ج
۶۳۰	س
۶۳۰	ج
۶۳۰	س
۶۳۰	ج
۶۳۰	س
۶۳۰	ج
۶۳۰	س
۶۳۱	ج
۶۳۱	س
۶۳۱	ج
۶۳۱	س
۶۳۱	ج
۶۳۱	س
۶۳۱	ج
۶۳۲	س

۶۳۲	ج
۶۳۲	س
۶۳۲	ج
۶۳۲	س
۶۳۲	ج
۶۳۳	س
۶۳۳	ج
۶۳۳	س
۶۳۳	ج
۶۳۳	س
۶۳۳	ج
۶۳۳	س
۶۳۳	ج
۶۳۳	س
۶۳۴	ج
۶۳۴	س
۶۳۴	ج
۶۳۴	س
۶۳۴	ج
۶۳۴	س
۶۳۵	س
۶۳۵	ج
۶۳۵	س
۶۳۵	ج
۶۳۵	س
۶۳۵	ج
۶۳۵	س

۶۳۸	ج
۶۳۸	س
۶۳۹	ج
۶۳۹	س
۶۳۹	ج
۶۳۹	س
۶۳۹	ج
۶۳۹	س
۶۴۰	ج
۶۴۰	س
۶۴۰	ج
۶۴۰	س
۶۴۰	ج
۶۴۱	س
۶۴۱	ج
۶۴۱	س
۶۴۱	ج
۶۴۱	س
۶۴۱	ج
۶۴۱	س
۶۴۱	ج
۶۴۱	س
۶۴۱	ج
۶۴۱	س
۶۴۲	س
۶۴۲	ج
۶۴۲	س

ج ۶۴۲

س ۶۴۲

ج ۶۴۲

س ۶۴۲

ج ۶۴۳

س ۶۴۳

ج ۶۴۳

س ۶۴۳

ج ۶۴۳

س ۶۴۴

ج ۶۴۴

س ۶۴۴

ج ۶۴۴

س ۶۴۴

ج ۶۴۴

س ۶۴۴

ج ۶۴۵

س ۶۴۵

ج ۶۴۵

س ۶۴۵

ج ۶۴۵

س ۶۴۵

ج ۶۴۵

س ۶۴۵

ج ۶۴۶

س ۶۴۶

ج ۶۴۶

س ۶۴۶

ج ۶۴۶

س ۶۴۶

ج ۶۴۶

نماز طواف ۶۴۶

س ۶۴۶

ج ۶۴۷

س ۶۴۷

ج ۶۴۷

س ۶۴۷

ج ۶۴۷

س ۶۴۷

ج ۶۴۷

س ۶۴۷

ج ۶۴۸

س ۶۴۸

ج ۶۴۸

س ۶۴۸

ج ۶۴۸

س ۶۴۸

ج ۶۴۸

س ۶۴۸

ج ۶۴۸

س ۶۴۸

ج ۶۴۹

س ۶۴۹

ج ۶۴۹

س ۶۴۹

ج ۶۴۹

س ۶۴۹

ج ۶۴۹

سعی ۶۴۹

س ۶۴۹

ج ۶۵۰

س ۶۵۰

ج ۶۵۰

س ۶۵۰

ج ۶۵۰

س ۶۵۰

ج ۶۵۰

س ۶۵۱

ج ۶۵۱

س ۶۵۱

ج ۶۵۱

س ۶۵۱

ج ۶۵۱

س ۶۵۱

ج ۶۵۱

س ۶۵۱

ج ۶۵۲

س ۶۵۲

ج ۶۵۲

س ۶۵۲

ج ۶۵۲

تقصیر و حلق ۶۵۲

س ۶۵۲

ج ۶۵۲

س ۶۵۳

ج ۶۵۳

س ۶۵۳

ج ۶۵۳

س ۶۵۳

ج ۶۵۳

س ۶۵۳

ج ۶۵۴

س ۶۵۴

ج ۶۵۴

س ۶۵۴

ج ۶۵۴

۶۵۷	وقوف به مشعر
۶۵۷	س
۶۵۷	ج
۶۵۷	س
۶۵۷	ج
۶۵۷	س
۶۵۸	ج
۶۵۸	س
۶۵۸	ج
۶۵۸	رمی
۶۵۸	س
۶۵۸	ج
۶۵۸	س
۶۵۸	ج
۶۵۹	س
۶۵۹	ج
۶۵۹	س
۶۵۹	ج
۶۵۹	س
۶۵۹	ج
۶۵۹	س
۶۵۹	ج
۶۶۰	س
۶۶۰	ج

س ۶۶۰

ج ۶۶۰

س ۶۶۰

ج ۶۶۰

س ۶۶۰

ج ۶۶۱

س ۶۶۱

ج ۶۶۱

س ۶۶۱

ج ۶۶۱

س ۶۶۱

ج ۶۶۱

قربانی ۶۶۲

س ۶۶۲

ج ۶۶۲

س ۶۶۲

ج ۶۶۲

س ۶۶۲

ج ۶۶۲

س ۶۶۲

ج ۶۶۳

س ۶۶۳

ج ۶۶۳

س ۶۶۳

ج ۶۶۶

س ۶۶۶

ج ۶۶۶

س ۶۶۶

ج ۶۶۶

بیتوته در منی ۶۶۶

س ۶۶۶

ج ۶۶۷

س ۶۶۷

ج ۶۶۷

س ۶۶۷

ج ۶۶۷

مسائل متفرقه حج ۶۶۷

س ۶۶۷

ج ۶۶۷

س ۶۶۸

ج ۶۶۸

س ۶۶۸

ج ۶۶۸

س ۶۶۸

ج ۶۶۸

س ۶۶۸

ج ۶۶۸

س ۶۶۸

..... ج ۶۶۹

..... س ۶۶۹

..... ج ۶۶۹

..... س ۶۶۹

..... ج ۶۶۹

..... س ۶۶۹

..... ج ۶۶۹

..... س ۶۷۰

..... ج ۶۷۰

..... س ۶۷۰

..... ج ۶۷۰

..... س ۶۷۰

..... ج ۶۷۰

..... س ۶۷۰

..... ج ۶۷۰

..... س ۶۷۱

..... ج ۶۷۱

..... س ۶۷۱

..... ج ۶۷۱

..... س ۶۷۱

..... ج ۶۷۱

..... س ۶۷۱

..... ج ۶۷۱

..... س ۶۷۱

ج ۶۷۲
س ۶۷۲
ج ۶۷۲
س ۶۷۲
ج ۶۷۲
س ۶۷۲
ج ۶۷۲
س ۶۷۲
ج ۶۷۲
س ۶۷۳
ج ۶۷۳
س ۶۷۳
ج ۶۷۳
س ۶۷۳
ج ۶۷۳
س ۶۷۳
ج ۶۷۳
س ۶۷۳
ج ۶۷۴
س ۶۷۴
ج ۶۷۴
س ۶۷۴
ج ۶۷۴
س ۶۷۴

ج ۶۷۴

س ۶۷۴

ج ۶۷۵

مسائل امر به معروف و نهی از منکر ۶۷۶

وجوب امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت آنها ۶۷۶

مسأله ۶۷۶

مسأله ۶۷۶

مسأله ۶۷۶

س ۶۷۶

ج ۶۷۶

س ۶۷۶

ج ۶۷۷

س ۶۷۷

ج ۶۷۷

س ۶۷۷

ج ۶۷۷

س ۶۷۷

ج ۶۷۷

س ۶۷۸

ج ۶۷۸

س ۶۷۸

ج ۶۷۸

س ۶۷۸

ج ۶۷۸

۶۷۸	س
۶۷۹	ج
۶۷۹	س
۶۷۹	ج
۶۷۹	س
۶۷۹	ج
۶۷۹	س
۶۷۹	ج
۶۷۹	س
۶۸۰	ج
۶۸۰	س
۶۸۰	ج
۶۸۰	س
۶۸۰	ج
۶۸۱	س
۶۸۱	ج
۶۸۱	س
۶۸۱	ج
۶۸۱	س
۶۸۱	ج
۶۸۱	س
۶۸۱	ج
۶۸۱	س
۶۸۱	ج
۶۸۲	ج
۶۸۲	س
۶۸۲	ج

شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر ۶۸۲

مسأله ۶۸۲

مسأله ۶۸۳

س ۶۸۳

ج ۶۸۳

س ۶۸۳

ج ۶۸۳

س ۶۸۳

ج ۶۸۴

مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۶۸۴

مسأله ۶۸۴

مسأله ۶۸۴

مسأله ۶۸۴

مسأله ۶۸۴

مسأله ۶۸۴

س ۶۸۵

س ۶۸۵

ج ۶۸۵

س ۶۸۵

ج ۶۸۵

س ۶۸۵

ج ۶۸۵

ترک معاشرت بعنوان نهی از منکر یا امر به معروف ۶۸۵

س ۶۸۵

ج ۶۸۶

س ۶۸۶

ج ۶۸۶

س ۶۸۶

ج ۶۸۶

س ۶۸۶

ج ۶۸۶

س ۶۸۷

ج ۶۸۷

س ۶۸۷

ج ۶۸۷

س ۶۸۷

ج ۶۸۷

س ۶۸۷

ج ۶۸۷

س ۶۸۸

ج ۶۸۸

س ۶۸۸

ج ۶۸۸

س ۶۸۸

ج ۶۸۸

بیدار کردن برای نماز بعنوان امر بمعروف و نهی از منکر ۶۸۸

س ۶۸۸

ج ۶۸۸

س ۶۸۹

ج ۶۸۹

س ۶۸۹

ج ۶۸۹

س ۶۸۹

ج ۶۸۹

مسائل متفرقه امر به معروف و نهی از منکر ۶۸۹

س ۶۸۹

ج ۶۹۰

س ۶۹۰

ج ۶۹۰

س ۶۹۰

ج ۶۹۰

س ۶۹۰

ج ۶۹۰

س ۶۹۱

ج ۶۹۱

س ۶۹۱

ج ۶۹۱

س ۶۹۱

ج ۶۹۱

س ۶۹۱

ج ۶۹۱

س ۶۹۲

ج ۶۹۲

س ۶۹۲

ج ۶۹۲

س ۶۹۲

ج ۶۹۲

س ۶۹۲

ج ۶۹۲

س ۶۹۲

ج ۶۹۳

س ۶۹۳

ج ۶۹۳

س ۶۹۳

ج ۶۹۳

س ۶۹۳

ج ۶۹۳

س ۶۹۴

ج ۶۹۴

س ۶۹۴

ج ۶۹۴

مسائل اجتماعی اسلام ۶۹۴

مسأله ۶۹۴

مسأله ۶۹۴

مسأله ۶۹۴

مسأله ۶۹۵

مسأله	۶۹۵
مسأله	۶۹۵
مسأله	۶۹۵
مسأله	۶۹۵
مسأله	۶۹۵
مسأله	۶۹۵
مسأله	۶۹۶
مسأله	۶۹۶
مسأله	۶۹۶
مسأله	۶۹۶
مسأله	۶۹۶
مسأله	۶۹۶
مسأله	۶۹۶
مسأله	۶۹۶
مسأله	۶۹۶
مسأله	۶۹۷
مسأله	۶۹۷
مسأله	۶۹۷
مسأله	۶۹۷
مسأله	۶۹۷
مسأله	۶۹۷
مسأله	۶۹۷
مسأله	۶۹۸
مسأله	۶۹۸

مسأله - ۶۹۸

مسأله - ۶۹۸

مسأله - ۶۹۸

مسأله - ۶۹۸

مسأله - ۶۹۸

مسأله - ۶۹۸

مسأله - ۶۹۹

مسأله - ۶۹۹

مسأله - ۶۹۹

مسأله - ۶۹۹

مسأله - ۶۹۹

مسأله - ۶۹۹

مسأله - ۶۹۹

مسأله - ۶۹۹

مسأله - ۷۰۰

مسأله - ۷۰۰

مسأله - ۷۰۰

مسأله - ۷۰۰

ج - ۷۰۰

مسائلی در باره جهاد و دفاع و شهید و کفار ذمی و غیر آنها - ۷۰۰

س - ۷۰۰

ج - ۷۰۱

س - ۷۰۱

ج - ۷۰۱

س ۷۰۱
ج ۷۰۱
س ۷۰۱
ج ۷۰۱
س ۷۰۱
ج ۷۰۱
س ۷۰۲
ج ۷۰۲
س ۷۰۲
ج ۷۰۲
س ۷۰۲
ج ۷۰۲
س ۷۰۲
ج ۷۰۲
س ۷۰۲
ج ۷۰۳
س ۷۰۳
ج ۷۰۳
س ۷۰۳
ج ۷۰۳
س ۷۰۳
ج ۷۰۳
س ۷۰۴
ج ۷۰۴

س ۷۰۴

ج ۷۰۴

س ۷۰۴

ج ۷۰۴

س ۷۰۴

ج ۷۰۴

مسائل احصان ۷۰۵

س ۷۰۵

ج ۷۰۵

س ۷۰۵

ج ۷۰۵

س ۷۰۵

ج ۷۰۵

س ۷۰۵

ج ۷۰۵

س ۷۰۶

ج ۷۰۶

س ۷۰۶

ج ۷۰۶

س ۷۰۶

ج ۷۰۶

س ۷۰۶

ج ۷۰۶

س ۷۰۶

ج ۷۰۷

س ۷۰۷

ج ۷۰۷

س ۷۰۷

ج ۷۰۷

س ۷۰۷

ج ۷۰۷

س ۷۰۷

ج ۷۰۷

س ۷۰۷

ج ۷۰۸

س ۷۰۸

ج ۷۰۸

س ۷۰۸

ج ۷۰۸

س ۷۰۸

ج ۷۰۸

س ۷۰۹

ج ۷۰۹

س ۷۰۹

ج ۷۰۹

س ۷۰۹

ج ۷۰۹

س ۷۰۹

۷۰۹	ج
۷۰۹	س
۷۰۹	ج
۷۱۰	س
۷۱۰	ج
۷۱۰	س
۷۱۰	ج
۷۱۰	س
۷۱۰	ج
۷۱۰	مسائل نذر
۷۱۰	س
۷۱۰	ج
۷۱۱	س
۷۱۱	ج
۷۱۱	س
۷۱۱	ج
۷۱۱	س
۷۱۱	ج
۷۱۱	س
۷۱۱	ج
۷۱۲	س
۷۱۲	ج
۷۱۲	س
۷۱۲	ج

مسائل ربا	۷۱۲
س	۷۱۲
ج	۷۱۲
س	۷۱۳
ج	۷۱۳
مسائل وصیت	۷۱۳
س	۷۱۳
ج	۷۱۳
س	۷۱۳
ج	۷۱۳
س	۷۱۳
ج	۷۱۳
س	۷۱۴
ج	۷۱۴
تصرف در مال غیر	۷۱۴
س	۷۱۴
ج	۷۱۴
س	۷۱۴
ج	۷۱۴
س	۷۱۴
ج	۷۱۵
س	۷۱۵
ج	۷۱۵
مسائل اطعمه و اشربه	۷۱۵

س	۷۱۵
ج	۷۱۵
س	۷۱۵
ج	۷۱۵
س	۷۱۵
ج	۷۱۵
مسائل ارث	۷۱۶
س	۷۱۶
ج	۷۱۶
س	۷۱۶
ج	۷۱۶
چند سؤال و جواب در باره احکام و حقوق زن و شوهر	۷۱۶
س	۷۱۶
ج	۷۱۶
س	۷۱۶
ج	۷۱۷
س	۷۱۷
ج	۷۱۷
س	۷۱۷
ج	۷۱۷
س	۷۱۷
ج	۷۱۷
س	۷۱۷
ج	۷۱۷

محارم و غیر محارم ۷۱۸

س ۷۱۸

ج ۷۱۸

س ۷۱۸

ج ۷۱۸

س ۷۱۸

ج ۷۱۸

مسائل طلاق ۷۱۸

س ۷۱۸

ج ۷۱۸

س ۷۱۹

ج ۷۱۹

س ۷۱۹

ج ۷۱۹

س ۷۱۹

ج ۷۱۹

س ۷۱۹

ج ۷۱۹

س ۷۲۰

ج ۷۲۰

س ۷۲۰

ج ۷۲۰

مسائل وقف ۷۲۰

س ۷۲۰

ج ۷۲۰

س ۷۲۰

ج ۷۲۱

س ۷۲۱

ج ۷۲۱

س ۷۲۱

ج ۷۲۱

س ۷۲۱

ج ۷۲۱

چند سؤال و جواب در باره نفقه ۷۲۲

س ۷۲۲

ج ۷۲۲

س ۷۲۲

ج ۷۲۲

س ۷۲۲

ج ۷۲۲

چند سؤال و جواب در خصوص امام زادگان عظام ۷۲۲

س ۷۲۲

ج ۷۲۳

س ۷۲۳

ج ۷۲۳

س ۷۲۳

ج ۷۲۳

س ۷۲۳

[illegible]

۷۲۷	ج
۷۲۷	س
۷۲۷	ج
۷۲۷	س
۷۲۷	ج
۷۲۷	س
۷۲۷	ج
۷۲۸	س
۷۲۸	ج
۷۲۸	س
۷۲۸	ج
۷۲۸	س
۷۲۸	ج
۷۲۹	س
۷۲۹	ج
۷۲۹	س
۷۲۹	ج
۷۲۹	س
۷۲۹	ج
۷۲۹	س
۷۳۰	ج
۷۳۰	س
۷۳۰	ج
۷۳۰	س

ج ۷۳۴

س ۷۳۴

ج ۷۳۴

س ۷۳۴

ج ۷۳۴

س ۷۳۵

ج ۷۳۵

س ۷۳۵

ج ۷۳۵

س ۷۳۵

ج ۷۳۵

س ۷۳۵

ج ۷۳۵

س ۷۳۶

ج ۷۳۶

س ۷۳۶

ج ۷۳۶

س ۷۳۶

ج ۷۳۶

س ۷۳۶

ج ۷۳۷

س ۷۳۷

ج ۷۳۷

س ۷۳۷

ج ۷۳۷

مسأله ۷۳۷

مسائلی که اخیراً در رابطه با زلزله زدگان سؤال شده ۷۳۷

س ۷۳۷

ج ۷۳۷

س ۷۳۷

ج ۷۳۸

س ۷۳۸

ج ۷۳۸

س ۷۳۸

ج ۷۳۸

س ۷۳۸

ج ۷۳۸

س ۷۳۸

ج ۷۳۸

س ۷۳۸

ج ۷۳۹

س ۷۳۹

ج ۷۳۹

س ۷۳۹

ج ۷۳۹

س ۷۳۹

ج ۷۳۹

س ۷۳۹

ج ۷۳۹

س ۷۳۹

ج ۷۴۰

س ۷۴۰

ج ۷۴۰

س ۷۴۰

ج ۷۴۰

س ۷۴۰

ج ۷۴۰

س ۷۴۰

ج ۷۴۰

س ۷۴۱

ج ۷۴۱

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۷۴۱

مجمع المسائل - جلد اول

مشخصات کتاب

سرشناسه: گلپایگانی، محمدرضا، ۱۳۷۲ - ۱۲۷۷
 عنوان و نام پدیدآور: مجمع المسائل / مطابق با فتاوی محمدرضا گلپایگانی؛ با تعلیقات حسین ایوقی
 مشخصات نشر: [قم]: دفتر آیه‌الله حاج شیخ حسین ایوقی، ۱۴۱۷ق. = - ۱۳۷۵.
 شابک: بها: ۷۰۰۰ ریال (ج. ۱)؛ بها: ۷۰۰۰ ریال (ج. ۱)
 یادداشت: چاپ قبلی: دار القرآن الکریم، ۱۳۶۲
 یادداشت: چاپ اول (ج. ۳)؛ ۱۳۷۹؛ ۹۰۰۰ ریال
 موضوع: فقه جعفری — رساله عملیه
 شناسه افزوده: ایوقی، حسین، تعلیقه‌نویس
 رده بندی کنگره: BP۱۸۳/۹ گ ۳م ۱۳۷۵
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲
 شماره کتابشناسی ملی: م ۷۵-۷۳۱۲
 صفحه: ۳

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين.
 علم فقه یکی از مقدس‌ترین علوم ارزنده اسلامی است که نمایشگر دید وسیع و همه جانبه اسلام می‌باشد و آدمی را به احکام الهی و اصول عالی زندگی آشنا می‌سازد.
 فقه، عهده‌دار بیان روش اصیل بندگی خداوند و کیفیت صحیح و انسانی روابط جامعه و متکفل نشان دادن عالیت‌ترین نظامات حیاتی است.
 فقه ناظر نواحی مختلف زندگی انسان است و از این رو هر چه با زندگی انسان تماس و سر و کار دارد مورد حکمی از احکام فقهی است و هیچ یک از زندگی فردی و اجتماعی، بی‌نیاز از فقه نیست و بشر در هر حالی نیاز کامل به فقه یعنی علم به احکام دارد.
 دورانهای کودکی و جوانی و پیری و حالات مختلف آدمی از خواب و بیداری و سیری و گرسنگی و فقر و غنای او هر یک مورد حکم بلکه احکامی از فقه است.
 کارها و کسبها، صنایع و اکتشافات، تجارت و زراعت و بهداشت و پژوهش علوم و دانشها، نظامات حکمرانی و سیاست و اداره مملکت و فرهنگ و اقتصاد، همگی بستگی با علم فقه دارد و خلاصه فقه، مساوی با نظام بهزیستی کامل است و به همین دلیل از جمله علوم است که دارای اهمیت فوق العاده‌ای است.

صفحه: ۴

علم فقه در عصر «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل البیت علیهم السلام» پژوهندگان زیاد و رونقی چشم گیر داشته و مورد

توجه پیروان دین بوده بویژه در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام که بحدّ اعلاّی اوج خود رسیده و دانشمندان بسیاری در مسائل مختلف دینی و فروع احکام در محضر آن دو پیشوای بزرگ شیعه پرورش یافتند.

مسائل و احکام اسلامی در آن عصر نورانی علمی چنان تحلیل و بررسی می‌شد که زرارۀ بن اعین مدّت چهل سال مسائل حج را از امام صادق علیه السلام می‌آموخت و باز هم زمینه بحث باقی بود چنانچه او خود می‌گوید: (قلت لأبي عبد الله عليه السلام جعلني الله فداك أسألك عن الحج منذ اربعين عاما فتفتيني فقال: يا زرارۀ بيت حج اليه قبل آدم، بألفي عام تريد أن تفتي مسائله في اربعين عاما).

می‌گوید به امام صادق (ع) عرض کردم خداوند مرا فدای تو گرداند از چهل سال پیش تا کنون راجع به مسائل حج از شما می‌پرسم و شما همواره جواب می‌دهید!! فرمود: ای زرارۀ کانون مقدّسی که دو هزار سال پیش از آدم، مورد توجّه و زیارتگاه بوده تو می‌خواهی مسائل آن در ظرف چهل سال بیان شود؟.

ائمه طاهرین مخصوصا این دو بزرگوار، با مساعدت شرائط، مردم را با بیانات گوناگون و روشهای مختلف، ترغیب و تشویق می‌کردند تا فقه اسلامی را بیاموزند.

یونس بن یعقوب می‌گوید: پدرم گفت به امام صادق علیه السلام عرض کردم (انّ لی ابنا قد احبّ ان یسألك عن حلال و حرام و لا یسألك عمّا یعنيه قال فقال لی و هل یسأل الناس عن شیء افضل من الحلال و الحرام).

برای من فرزندی است که جدّا دوست می‌دارد مسائل حلال و حرام را از شما پرسش کند و لیکن از مطالبی که به دردش می‌خورد پرسش نمی‌کند حضرت صادق علیه السلام فرمود: آیا مردم از مطلبی پرسش می‌کنند که از حلال و حرام بهتر و بالاتر باشد؟.

و گاهی حتّی از راه تهدید، آنان را به فرا گرفتن احکام و مسائل دینی وادار می‌نمودند.

چنانچه امام باقر علیه السلام فرمود: (لو اتيت بشاب من الشیعة لا یتفقّه فی

صفحه : ۵

الدّین لأوجعته).

اگر جوانی از شیعه به نزد من آورده شود که در صدد فهم و فرا گرفتن احکام دین خود نباشد او را (تنبيه) دردناک می‌کردم. و امام صادق علیه السلام می‌فرمود: (لوددت ان اصحابی ضربت رؤوسهم بالسّیاط حتّی یتفقّوها) راستی دوست می‌دارم که با تازیانه بر سر اصحاب زده شود تا احکام دین خود را فرا بگیرند و بفهمند.

و از این رو (بنقل محقّق بزرگ مرحوم آقای نائینی) شیخ انصاری اعلی الله مقامه در رساله عملیه خود حکم فرموده به فسق کسی که تعلّم مسائل مورد ابتلاء را ترک کند و در صدد یاد گرفتن آنها نباشد.

در اعصار ائمه طاهرین علیهم السلام عهده‌دار بیان احکام الهی، خود امامان بودند و نیز این موضوع به عهده اصحاب و شاگردان مخصوصی هم گذاشته می‌شد مردان فاضل و مایه‌دار و با فضیلتی مانند زرارۀ و محمّد بن مسلم و ابو بصیر و ابان بن تغلب، مسائل حلال و حرام و احکام دین را در اختیار مردم می‌گذاشتند و خود ائمه، مردم را به آنان ارجاع می‌دادند.

چنانچه شعب عرقوفی می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: (ربّما احتجنا ان نسأل عن الشیء فمن نسأل؟ قال: علیک بالأسدی، یعنی ابا بصیر).

چه بسا نیاز پیدا می‌کنیم که در موردی پرسش کنیم حال از چه کسی پرسیم؟ فرمود: بر تو باد به اسدی یعنی ابو بصیر.

و نیز عبد الله بن ابی یعفور می‌گوید: (قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أنّه ليس كل ساعة ألقاك ولا يمكن القدوم و یجىء الرّجل من اصحابنا فیسألنی و ليس عندي كل ما یسألنی عنه فقال: ما یمنعک من محمّد بن مسلم التّقی فأنّه سمع من ابی و کان عنده

وجیها).

صفحه : ۶

به امام صادق عرض کردم هر زمان برای من ممکن نیست شما را بینم و از طرفی چه بسا شخصی از شیعیان می‌آید و مطالبی را از من می‌پرسد و من پاسخ همه مسائل او را نمی‌دانم (وظیفه من چیست؟) فرمود چرا مراجعه به محمد بن مسلم نمی‌کنی؟ هر چه ندانستی از او بپرس که او از پدرم (امام باقر علیه السلام) مسائل را فرا گرفته و در نزد آن حضرت آبرومند و محترم بود.

نیز علی بن مسیب همدانی می‌گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: (شَقَّتْی بَعِیدَهُ و لَسْتُ اَصِلُ اِلَیْکَ فِی کُلِّ وَقتٍ فَعَمَّنْ اَخذَ مَعَالِمَ دِینِی؟ قالَ مِنْ زَکَرِیَّا بْنِ اَدَمَ الْقَمِیِّ الْمَأْمُونِ عَلَی الدِّینِ وَ الدُّنْیَا قالَ عَلَی بْنُ الْمُسَیَّبِ: فَلَمَّا انصَرَفْتُ قَدِمْنَا عَلَی زَکَرِیَّا بْنِ اَدَمَ فَسَأَلْتُهُ عَمَّا احْتَجَّتْ اِلَیْهِ).

من در ناحیه‌ای دور دست بسر می‌برم و در هر زمانی دسترسی به شما ندارم پس از چه کسی برنامه‌های دینیم را فرا بگیرم؟ فرمود: از زکریا بن آدم قمی که محل اعتماد بر امر دین و دنیا است، (در اینجا به زکریا بن آدم ارجاع می‌دهند و این گونه او را تقدیر می‌فرمایند، و از این رو در پایان روایت دارد که) علی بن مسیب گفته هنگامی که به شهر خود بازگشتم هر مطلبی را که مورد نیاز بود از زکریا بن آدم پرسش می‌کردم.

و هم چنین عبد العزیز بن المهتدی می‌گوید: (سَأَلْتُ الرِّضَا عَلَیْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ اَنْیَ لَا اَلْقَاکَ فِی کُلِّ وَقتٍ فَعَمَّنْ اَخذَ مَعَالِمَ دِینِی؟ فقال: خذْ عَنْ یونسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ).

از امام هشتم پرسیدم: در هر زمانی ملاقات با شما برایم میسر نیست پس معالم دینم را از چه کسی فرا بگیرم؟ فرمود: از یونس بن عبد الرحمن.

و گاهی بعضی از اصحاب خود را رسماً امر می‌کردند که برای مردم فتوی بدهند چنانچه امام باقر علیه السلام به ابان فرمود: (اجلس فی مسجد المدینة و أفت الناس فأنی احب إن یری فی شیعتی مثلك).

در مسجد مدینه بنشین و فتوی بده زیرا دوست دارم که همانند تو در شیعیانم دیده شود.

صفحه : ۷

اعصار امامان کم کم گذشت و دوران غیبت ولی امر (ع) فرا رسید و بیان حلال و حرام و روشنگری برنامه‌های زندگی جامعه، یکسره واگذار به علماء گردید و موضوع فتوی و نیز موضوع تقلید بصورت خاصی رواج کلی گرفت کتابها در فقه شیعه تألیف شد کتابهای ارزشمندی در فقه، با استدلالات محکم و ادله و براهین قوی نوشته شد کتابهای جامعه همه ابواب فقهی و کتابهای حاوی قسمتی از ابواب فقهی و کتابهای مخصوص یک مسأله فقهی مانند نماز در لباس مشکوک و یا مسأله قبله و یا مسأله نماز جمعه و یا نماز مسافر تألیف نمودند کتب فقهی در متفردات امامیه مانند انتصار سید مرتضی و در مسائلی که بین فقهاء شیعه مورد اختلاف است مانند مختلف علامه نوشته شد.

در فروعی که دلیل خاص دارد کتبی خاص و در فروعی که نص مخصوص ندارد کتبی جدا نوشتند که کتاب نهایی شیخ طوسی از قبیل اول و کتاب مبسوط ایشان از قبیل دوم است، کتابها در نقل اقوال فقهاء تألیف شد که مفتاح الکرامه در این اواخر از آن نمونه است. کتابهای مختصر و کتابهای مفصل تألیف گردید حتی گاهی یک فقیه کتابهای متنوع دارد از جمله آنها علامه حلی است که یک کتابش تبصره است که از متون فقهی مختصر بشمار می‌رود. و کتاب دیگر او تذکره است که مفصل و مستوفی است خلاصه آن که با تمام قوا برای پیشروی فقه کوشیدند و تر و خشکی را مجهول و مبهم نگذاشتند کار را بر مردم آسان ساختند آنان را از

تَحْرِیرِ نجات داده، و ایتام آل محمّد (ص) را کفالت فرمودند، و از این رو در خور هر گونه تعظیم و ستایشند به طوری که علامه حلی نابغه بزرگ و وزنه عظیم علمی شیعه بر آنان سلام و درود فرستاده، در آغاز «کتاب تذکره» می‌فرماید: (اما بعد فان الفقهاء علیهم السّلام هم عمدة الدّین و نقله شرع رسول ربّ العالمین و حفظه فتاوی الاثمة المعصومین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین ..). یعنی فقهاء (علیهم السّلام) ستونهای دین و ناقلان شرع پیامبر و نگاهبانان فتاوی امامان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین می‌باشند. خوشبختانه شیعه، در پرتو الهام از مکتب اهل بیت در همه اعصار، اهمیّت خاصی برای احکام شرعی و فرا گرفتن و آموختن آن قائل بوده، و چون کاملاً مسلّم بوده که فقهاء ابواب احکام خدایند از این رو همواره برای استفاده احکام الهی و برنامه‌های زندگی، مراجعه به آنان کرده و می‌کنند و یا از رساله‌های آنان بهره‌مند می‌گردند، و گاهی آن قدر در مورد احکام الهی سؤال و پرسش از عالمی بزرگ و

صفحه : ۸

فقیهی نامدار شده که خود تشکیل یک کتاب مستقل و بزرگ داده و رساله‌هایی که بصورت سؤال و جواب در دسترس است غالباً از همین گونه پرسشها صورت گرفته که در خلال دورانی از فقیهی مورد توجّه در هر عصری شده و بعدها در دسترس عموم قرار گرفته است و لذا قسمتی از رساله‌ها و کتب فقهی مختلفی که داریم بصورت سؤال و جواب است هر چند که گاهی طرح این پرسشها و پاسخها از طرف مؤلف و بعنوان روش آسان برای یاد گرفتن بکار رفته و مسبوق به سؤالی از کسی و جایی نیست که می‌توان از این نمونه کتابها، کتاب (جواهر الفقه) قاضی ابن براج را نام برد و لیکن نوع سؤالا همان مطالبی است که از بلاد و نواحی از فقهاء پرسش شده است و در فهرست کتابهای علماء بزرگ سابق مانند شیخ مفید و سیّد مرتضی و شیخ طوسی و شیخ صدوق این نوع کتابها زیاد است و مسائل طرابلسیه و مسائل رسیّه سیّد مرتضی از این قبیل است. و از جمله کتابهای صدوق کتاب جوابات مسائل وارده از واسط و جوابات مسائل وارده از قزوین و جوابات مسائل وارده از مصر و جوابات مسائل وارده از بصره و جوابات مسائل وارده از کوفه را نام برده‌اند.

باری تعداد عمده‌ای از بزرگان، کتابهای سؤال و جواب داشته‌اند و از جمله در این اعصار اخیر، مرحوم میرزای قمی «کتاب جامع الشّتات» نوشته که مجموعه‌ای بزرگ و ارزشمند است و آن مرد بزرگ مسائل زیاد و مطالب متنوعی را که از ایشان پرسش شده جواب داده‌اند.

چنانچه مرحوم سیّد محمّد باقر رشتی نیز رساله بزرگی به نام سؤال و جواب دارد.

نیز مرحوم آقای محمّد علی کرمانشاهی کتاب سؤال و جوابی دارد که به نام «مقامع الفضل» نامگذاری فرموده است.

و شیخ اعظم شیخ مرتضی انصاری نیز رساله سؤال و جوابی داشته‌اند.

و هم چنین مرحوم حاج ملا محمّد اشرفی رساله سؤال و جواب بسیار مفصّلی دارد. و آن را «شعائر الاسلام» نامیده است.

چنانکه فقیه معروف مرحوم آقای سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی رساله سؤال و جوابی به عربی به نام «السؤال و الجواب» نوشته‌اند و در پشت آن نوشته شده (السؤال و الجواب و هو مجموع نبذة ممّا صدر من قلم دعامة الدّین .. السید

صفحه : ۹

محمّد کاظم الطّباطبائی فی جواب الاسئلة الواردة الیه من الاقطار)، یعنی این کتاب، قسمتی از نوشته‌های آن پایگاه دیانت است در پاسخ سؤالاتی که از نواحی مختلف جهان از ایشان شده است.

و از جمله عالم ربّانی مرحوم شیخ زین العابدین مازندرانی کتاب سؤال و جوابی دارند به نام «ذخیره المعاد» و معروف به سؤال و

جواب که به گفته صاحب احسن الودیعہ کتاب سؤال و جواب مرحوم شیخ زین العابدین شاهد عادل بر تبخّر کامل آن مرحوم در فقه اهل بیت علیهم السلام است.

و نیز محقق مجاهد مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای دوم) رساله سؤال و جوابی دارند که محشی به حاشیه مؤسس حوزه علمیه قم مرحوم آقای حاج شیخ عبد الکریم حائری قدس سرّه و نیز حاشیه عالم بزرگ مرحوم آقا نور الدین اراکی است. و هم چنین مصلح بزرگ مرحوم آقای کاشف الغطاء اعلی الله مقامه در میان کتب بسیاری که نوشته‌اند دو اثر دارند یکی به نام الفردوس الاعلی و دیگری به نام جنّة المأوی که به همین سبک تألیف شده.

باری: از جمله کتابها که به سبک سؤال و جواب تألیف شده کتابی است که در دست شما خواننده عزیز است و خود مجموعه‌ای بسیار نفیس و گرانبها و حاوی فروع بسیار و نکات فقهی زیادی است.

و محتوای آن استفتاءات گوناگونی است که از داخل و خارج کشور از شهرها و قری و قصبات از پیشگاه مبارک مرجع بزرگوار و عالی قدر شیعه «حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی مدّ ظلّه العالی» شده و آن مرجع عظیم اسلامی جواب فرموده‌اند.

سؤالات مذکور پس از جواب و قبل از ارسال به سوی سؤال کنندگان در بیت مرجعیت و اگذار به مسئول استفتاءات شده و در دفتر مخصوص استفتاءات به ضمیمه جواب وارد کرده‌اند و بعدها به خواش گروهی از فضلا و مقلّدین معظّم له در معرض چاپ قرار گرفته و از این رو بعضی از فضلاء محترم از تلامذه و شاگردان آن زعیم عالی قدر که با مبانی فقهی و آراء و فتاوی مبارکشان آشنایی کامل داشته‌اند، آن استفتاءات را مرتّب نموده و هر یک را در باب ویژه و مناسب قرار

صفحه : ۱۰

داده مکررات از سؤالها را اسقاط نموده‌اند و اینک قسمتی از آنها در دسترس قرار می‌گیرد و پس از مطالعه می‌بینید فروع گوناگونی در این کتاب است که چه بسا در دیگر رساله‌ها و کتب فقهی نیست.

لیکن در اینجا اذهان خوانندگان را به نکاتی چند توجّه می‌دهیم:

۱- چون کتاب حاضر استفتاءات مختلف از اشخاص مختلف است گاهی پرسش کننده عالمی برجسته و فاضل بوده و دیگر گاه محصل و طلبه‌ای مشغول و زمانی دانشجو و دانش آموز و گاهی کاسب و بازاری و کشاورز، گاهی از شهرها و زمانی از روستاها لذا سؤالها از نظر علمی یک نواخت نیست و قهراً جوابها هم به مناسبت استفتاءات، در یک سطح و یک افق نمی‌باشد و خلاصه گاهی سؤالات علمی و فنی شده جواب هم قهراً علمی است و حتّی احياناً سؤال به زبان عربی بوده و جواب هم به عربی داده شده است.

۲- گاهی عبارات غیر مأنوس و الفاظ و مطالب مکرر و حتّی اصطلاحات محلّی در پرسشها به چشم می‌خورد معلوم باشد که این منتسب به عدم توجّه ناظرین و مباشرین نبوده بلکه اتفاقاً کوشش شده که عبارات و الفاظ و مطالب، تنقیح و تهذیب گردد لیکن چون گاهی، دست بردن در الفاظ و تصرّف در مطالب موجب اخلاف به مطلب و بهم خوردگی مقصد پرسش کننده می‌شده بدین جهت از تصرّف زیاد خودداری شده است.

۳- گاهی استفتائی شبیه به استفتاء دیگر و یا عین آنست (و هم چنین در ناحیه جواب) و مع ذلک هر دو استفتاء ذکر شده در اینجا باید توجّه داشت که هر چند ظاهر ابتدائی هر دو یکی است و لیکن با دقّت که می‌نگریم در هر یک از دو سؤال، نکته‌ای اضافه است که در دیگری نیست و نیز هر یک از دو جواب مشتمل بر مطالبی است که در دیگری نیست علاوه بر این که بسیاری از این سؤالها نمونه‌ها و مصادیق است و در نظر بسیاری از مردم اختلاف در مصادیق موجب توهم اختلاف حکم می‌باشد از این رو هر

یک جداگانه ذکر شده است.

۴- علاوه بر مسائلی که قبلاً تنظیم شده بود اخیراً مسائلی زیاد از دفترهای مختلف استفتاءات به وسیله این جانب، استخراج شده و در ابواب مناسب خود ادغام و درج گردیده است.

۵- قسمتی از این مسائل است که ممکن است بنظر سطحی و بیش ابتدائی بعضی متناسب با عنوان باب نباشد ولی با کمی تأمل و یا مختصر آشنایی با

صفحه : ۱۱

کتب فقهی استدلالی، از قبیل تذکره و تحریر و دروس و مسالک و روضه و ریاض و کشف اللثام و مخصوصاً حدائق و جواهر و امثال اینها، تناسب ذکر آن گونه مسائل، آشکار می‌شود. مثلاً در مسائل طهارت از مرتد و مشرک و گاهی از فرق مختلف و از ملل و نحل و آراء و افکار اقوامی بحث شده ممکن است خواننده ناآشنا بگوید این مسائل چه مناسبتی با باب طهارت دارد، ولی هنگامی که مثلاً طهارت جواهر یا حدائق و یا طهارت مرحوم شیخ مرتضی انصاری و یا طهارت مرحوم حاج آقا رضا همدانی را ببیند که بحثهای مفصّل از غلّاء و مفوضه و مجبّره و فرق مختلف مخالفین نموده‌اند توجّه می‌کند که ذکر این گونه مسائل، به مناسبت این است که کافر، یکی از نجاسات و ایمان مطهر اوست و این که فلان قسم خاص از اعتقاد، کفر آور و فلان اعتقاد، منافی با ایمان نیست.

۶- قبلاً در نظر بود که مسائل اعتقادی را هر کدام در ابواب مناسب همین مجلّدهات که مربوط به فروع احکام است قرار دهیم و چنانکه یادآور شدیم بعضی از آن مسائل را هم احیاناً در ضمن مباحث اولیه کتاب آوردیم ولی با تنبیح و وسیعی که در دفاتر استفتاءات کردیم متوجّه شدیم که سؤالات مربوط به عقائد، خود بخش مهم و چشم‌گیری است از این رو بنظر آمد که آن قسمت مسائل را به صورت کتابی مستقل قرار دهیم امید است که خداوند متعال توفیق ترتیب و تنظیم آن را مرحمت فرماید.

۷- در جواب بعضی از این پرسشها آثار انزجار و نفرت مرجع بزرگوار «حضرت آیه الله العظمی آقای گلپایگانی مدّ ظلّه العالی» از اعمال و برنامه‌های دولت، مشاهده می‌شود اینک خوانندگان را توجّه می‌دهیم به این که مسائل مزبور، مانند اکثر قریب به اتفاق مسائل دیگر کتاب، مربوط به دوران سیاه و فصل شوم رژیم طاغوتی و نظام ننگین و ضدّ خدائی واژگون شده است.

۸- با این که قاعده می‌بایست در ذیل هر یک از عناوین کلی، تیتراهای جزئی بیشتری قرار داده می‌شد تا هم پیدا کردن مسائل مورد نیاز، آسان‌تر گردیده و هم بر طبق غالب کتابها و رساله‌ها مشی می‌کردیم ولی ملاحظه می‌فرمایید که مسائل مختلفی تحت یک عنوان کلی قرار گرفته و عناوین جزئی یا نیست و یا کم است مثلاً در باب طهارت قاعده می‌بایست هر یک از بحثهای آب‌ها و تخلّی و نجاسات و مطهّرات و کیفیت تطهیر، جدا جدا عنوان شود ولی این چنین نشده و همه این مسائل، در تحت عنوان کلی طهارت ذکر شده، و یا در باب اموات، قاعده می‌بایست هر یک از مسائل مربوط به غسل میت و مسائل مربوط به کفن و دفن و مسائل مربوط

صفحه : ۱۲

به ما بعد دفن، ممتاز از هم ذکر شود ولی همه این مسائل را در تحت عنوان جامع احکام اموات، یادآور شدیم اکنون باید توجّه داشت که این مطلب، مولود علل و عوامل مختلفی است و یکی از آن علل اینست که همه این مسائل از آغاز امر، در دسترس نبود بلکه چنانچه قبلاً اشاره کردیم بعضی از دفاتر استفتاءات، در اثناء و امتداد اشتغال به طبع کتاب به تناوب بدست آمده و بلکه احیاناً بعضی از مسائل، در همین دوران، استفتاء شده بود که چون با عنوان جامع بحث، مناسب بود درج شد هر چند اگر زودتر بدست

می‌آمد کنار مسأله دیگری که مناسبتر از موضع فعلی آن بود قرار می‌گرفت و چه بسا که یک عنوان فرعی مخصوصی هم، اختصاص به چند مسأله مناسب داده می‌شد بنا بر این مطلب مورد تذکر، زائیده مسامحه کاری و سهل انگاری نبوده بلکه این یک جریان طبیعی و عادی بوده که هم مانع بکار رفتن تیتراهای فرعی شده و هم موجب شده که چند مسأله مناسب هم، پراکنده و جدای از هم ذکر شود.

در خاتمه از خدای تعالی خواهانم که همگی ما و شما را در راه کسب فضائل و بکار بستن احکام و مقررات دینی موفق بدارد.
(علی کریمی جهرمی)

صفحه : ۱۳

مقدمه طبع دوم

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين إلى يوم الدين.

نظر به این که علم فقه متکفل بیان احکام عمل مکلفین است و عمل هر مکلفی به تناسب زمان و مکان و شغل و سن و غنی و فقر و صحت و مرض و سفر و حضر و علم و جهل و عجز و قدرت و .. و هم چنین کارهای فردی و یا روابط اجتماعی دارای حکم خاصی است و در دوران زندگی خود قهراً با حوادث گوناگون بسیار و احیاناً مستحدث مواجه می‌شود و از طرفی خود را مکلف به اطاعت از اوامر و نواهی الهی می‌داند و وسعت دامنه مسائل فقهی و مسئولیت سنگین مکلف، به خوبی آشکار می‌گردد چنانکه امیر المؤمنین علیه السلام به کمیل بن زیاد که یکی از خواص اصحاب آن حضرت است فرمود (یا کمیل ما من حركة الا و أنت فيها محتاج إلى معرفة) ای کمیل در هر حرکتی نیاز به معرفت داری (کمترین عملی که از تو صادر شود محتاج به معرفت دینی و دانستن حکم خدا در باره آن عمل هستی) پس باید از ابتدای تکلیف تا انتهای عمر، زندگی خود را طوری تنظیم کند که تمامی جزئیات آن و خلاصه، همه اعمال او بر طبق حکم خدا و بالتجربه ضامن سعادت وی باشد از این رو اشخاصی که خود قدرت استنباط احکام الهی را از مدارک آن ندارند هر روز با اعمال و حوادثی

صفحه : ۱۴

مواجه می‌شوند که باید حکم آنها را از اهلش دریافت کنند و آن چه در رساله‌های عملیه بصورت مسأله ذکر شده پاسخگوی همه این نیازها نیست و لذا می‌بینیم با این که روزانه بسیاری از سؤالات جواب داده می‌شود هر روز بر تعداد سؤالات افزوده می‌گردد و مخصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی که توجه به امور مذهبی قابل مقایسه با دوران طاغوت نیست، با توجه به آن چه ذکر شد و درخواست بعض فضلاء و موافقت مرجع بزرگوار شیعه حضرت آیه الله العظمی آقای گلپایگانی متع الله المسلمین بطول بقائه الشریف سؤال و جوابهای بسیاری که در طول سالها جمع شده بود تنظیم و تبویب گردید و بحمد الله توفیق حاصل شد و در سه جلد به نام «مجمع المسائل» انتشار یافت و کتاب حاضر، جلد اول مجمع المسائل است که مجدداً به طبع رسیده و لازم می‌دانیم توجه همگان را به مزایایی که در این طبع وجود دارد جلب نماییم.

۱- از اولین روزهایی که مشغول تنظیم مسائل شدیم تا امروز که چند سال می‌گذرد سؤال و جوابهای دیگری جمع و آماده شده که آن چه مربوط به جلد اول بود در جای مناسب خود اضافه گردید.

۲- کسانی که سابقه جلد اول را دارند می‌دانند که در طبع اول به عللی که در مقدمه‌اش بدان اشاره گردیده، اکتفا به چند عنوان

کلی مختصر شده ولی این بار که فرصت بیشتری داشتیم سعی شد که حتی المقدور هر چند مسأله‌ای تحت عنوان خاصی قرار گیرد تا بدست آوردن مسأله مورد نظر آسانتر باشد و از این نظر قابل مقایسه با طبع اول نیست.

۳- سؤال و جوابهای بسیاری که جای ذکر آنها در جلد دوم و سوم است و در حال حاضر درج آنها در محل مناسب خود ممکن نبود به جهت اشتمال بر فوائد مهمه‌ای که داشت در آخر همین جلد تحت عناوینی ضمیمه گردید.

۴- در آخر مجمع طبع اول قسمتی از مسائل امر بمعروف و نهی از منکر تقریباً تکراری بود یعنی هم بصورت سؤال و جواب و هم بصورت مسأله ذکر شده بود که در طبع حاضر، مکررات حذف و این نقیصه برطرف گردید.

صفحه : ۱۵

۵- چنانکه قبلاً اشاره کردیم چون این بار فرصت بیشتری بود و بیشتر دقت و بررسی شد متوجه تعدادی اغلاط املائی و انشائی شدیم که تصحیح گردید.

۶- باید دانست رساله‌هایی که بصورت سؤال و جواب نوشته شده یک فرق مهم با رسائل عملیه دیگر دارد و آن این که نوشتن رسائل عملیه بصورت مسأله، تنظیم و تبویب آن در دست خود فقیه است که مسائل را تحت عناوین کلی فقهی ذکر می‌کند ولی آن چه بصورت سؤال و جوابهای استفتائیه جمع‌آوری شده اکثراً جزئیات واقع شده و مصادیق است و بسیاری از آنها با عناوین متعددی تناسب دارد و قهراً جمع چند سؤال تحت یک عنوان و بلکه حتی انتخاب عنوان، کار مشکلی است، مع ذلک سعی شده که گویاترین عنوان انتخاب شود و سؤالات تحت عنوان مناسبتر قرار گیرد.

امید است إن شاء الله، با توجه به آن چه ذکر شد، طبع حاضر، اکمل و نفعش بیشتر باشد، از خداوند متعال توفیق عمل و خدمت بیشتر را، برای خود و همه مسلمین مسألت می‌نماییم و ما التوفیق الا بالله العلی‌العظیم و الحمد لله اولاً و آخراً.
هشتم ربیع الثانی - ۱۴۰۹ علی ثابتی همدانی علی نیری همدانی

صفحه : ۱۷

مسائل تقلید

تبعیض در تقلید

س

۱- اگر کسی دسترسی به مجتهدی که از او تقلید می‌کند نداشته باشد می‌تواند مسائلی را که در رساله عملیه نیست از مجتهد دیگری که با آن مجتهد مساوی در علم است تقلید کند یا نه؟

ج

۱- اگر در مسائلی که تا کنون یاد نگرفته از دیگری تقلید کند رجوع نیست و تبعیض در تقلید است و با تساوی، جائز است.

س

- تبعیض در تقلید را در عمل واحد در صورت تصادم جائز می‌دانید یا نه و در صورت عدم جواز اگر مخالفت یکی از مجتهدین از

طریق احتیاط باشد چه صورت دارد؟.

ج

- تبعیض در تقلید به نحوی که بقول هر یک عمل باطل باشد جائز نیست و اگر قول یکی از ایشان بنحو احتیاط وجوبی باشد احتیاط واجب ترک تبعیض است.

س

- در صورتی که چند نفر مجتهد که مساوی می‌باشند موجود باشند آیا جائز است تبعیض در تقلید و در صورت جواز، آیا مطلق است؟ و یا برای کسی که اول تکلیف اوست می‌باشد؟.

ج

- در صورت تساوی تبعیض در تقلید جائز است ولی در مسائلی که تقلید یکی از متساویین محقق شده احتیاط عدم رجوع است که در حقیقت، قدر متیقن، تخییر بدوی است نه استمراری و فرق ندارد که اول تکلیف، باشد یا نه.

صفحه : ۱۸

رجوع از حی به حی

س

- کسی که از مجتهدی تقلید می‌کرده می‌تواند بعد از مدتی از مجتهد دیگری که در علم مساوی با آن مجتهد است تقلید کند یا نه؟.

ج

- با تساوی در علم و در سائر شرائط، در آن مسائلی که تقلید کرده، رجوع، خلاف احتیاط است.

س

- اگر شخصی اعلم بودن مجتهدی را از راه دو شاهد عادل خبره بدست آورده به فتوای آن مجتهد عمل نماید و بعد از چند سال متوجه شود که آن دو عادل، خبره نبودند و پیدا کردن دو عادل خبره برای او مشکل باشد آیا می‌تواند از مجتهدی تقلید کند که گمان به اعلم بودن او دارد و آن چند سال که از مجتهد قبلی تقلید کرده اعمالش چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض سؤال اگر متمکن از فحص است تفحص نماید تا احراز اعلمیت بکند و با عدم تمکن، مظنه کفایت می‌کند و نسبت به اعمال گذشته در صورتی که عملش مطابق بوده با رأی مجتهدی که مکلف بوده به تقلید او و در عبادات هم قصد قربت داشته

عملش صحیح و مجزی است.

س

- شخصی در ابتدای بلوغ، بدون در نظر گرفتن مبنای شرعی، از زید تقلید کرده و پس از مدّتی فهمیده که باید تقلید بر مبنای شرعی باشد لذا با در نظر گرفتن تساوی بین مراجع عظام، از دیگری تقلید کرده و پس از مدّتی باز برای او شبهه، ایجاد شده و چون که در ابتدای بلوغ از زید تقلید کرده بود و مبنای شرعی، تساوی بین آنها است باز از زید تقلید کرده حال دچار این شبهه شده که آیا تقلید زید درست است چون اوّل بلوغ از او تقلید کرده یا تقلید آن دیگری چون تقلید بر مبنای شرعی، از وی شروع شده است؟

ج

- در فرض مرقوم، بنا بر احتیاط واجب از مجتهد دوّم که طبق موازین صحیحه، از او تقلید کرده تقلید کند، مگر آن که مجتهد دوّم، تقلید را عبارت از عمل به فتوای مجتهد بداند که در این صورت، در مسائلی که عمل نکرده با احراز تساوی هر دو مجتهد، می‌تواند از هر کدام بخواهد تقلید نماید و هم چنین اگر مجتهد دوّم

صفحه : ۱۹

تقلید را اخذ فتوای مجتهد، برای عمل بداند در مسائلی که اخذ فتوی از او نکرده مختار است.

س

- اگر کسی مدّتی از یک مجتهدی تقلید می‌کرده ولی حالا رجوع کرده به مجتهد دیگر، آیا صحیح است یا خیر با توجه به این که می‌گویند دوّمی اعلم است؟.

ج

- کسی که دو نفر خبره عادل با علمیتش شهادت بدهند اگر معارض با دو نفر خبره عادل دیگر نباشد محکوم با علمیت است و در صورت تعارض، تقلید از هر یک جائز است.

س

- این جانب دسترسی به مرجع تقلید خود ندارم آیا می‌توانم به مرجع دیگر رجوع کنم یا خیر؟.

ج

- در مسائلی که در رساله مرجع تقلید شما است از ایشان تقلید نمایید و در مسائلی که در رساله نیست، و دسترسی به مرجع خود ندارید، از مرجع دیگر با رعایت الاعلم فالاعلم تقلید نمایید.

تقلید ابتدائی از میّت

س

- مقلد اطمینان دارد که مثلاً شیخ بهائی و یا شیخ مرتضی انصاری رضوان الله علیهما از مراجع فعلی، اعلم و هم پرهیزکارتر بوده‌اند آیا با این مقدمه، اجازه می‌فرمایید که در بعضی از مسائل، به کتب مربوطه ایشان عمل نماید؟.

ج

- تقلید ابتدائی از میت، هر چند اعلم باشد جائز نیست.

س

- مقتضی حجة سيرة العقلاء و كونها توجب الرجوع إلى الاعلم ان من ثبت له العلم يجب تقليده و الرجوع إلى قوله حيا كان او ميتا قلد من قبله او لم يقلد و مقتضى ذلك جواز التقليد الابتدائي للميت فما هو رأيكم؟.

ج

- سيرة العقلاء على الرجوع إلى الحي، و استقرارها على وجوب الرجوع إلى الاعلم الحي - فضلا عن الميت - مطلقا و لو لم يعلم مخالفة غير الاعلم - للاعلم محل المنع فلا سيرة على الرجوع إلى الميت الاعلم مع وجود الحي العالم، و لو تنازلنا عن ذلك و احتملنا قيام السيرة على جواز الرجوع إلى الميت لكان من دوران الأمر بين التعيين و التخيير، و العقل حاكم بالأخذ بالقدر المتيقن و هو تقليد الحي و يحصل به اليقين

صفحه : ۲۰

بالفراغ، اما تقليد الميت فمقتضى الاصل عدم جواز الاعتماد عليه.

س

- هل الإجماع على عدم جواز تقليد الميت مطلقا ابتداء تام، حتى يكون معارضا لسيرة العقلاء؟ و على تقدير تماميته و معارضته فأيهما يلزم إن يقدم؟

ج

- استقرار السيرة على جواز تقليد الميت ابتداء - و إن كان اعلم - غير تام. فعدم جوازه ليس لقيام الدليل على خلافه بل لعدم الدليل على جواز الاكتفاء به و مع فرض تمامية الإجماع و سيرة العقلاء لا شك في تقدم الإجماع على السيرة لأنه دليل لردع الشارع عن متابعة السيرة.

س

- شخصی پس از فوت آقای بروجردی قدس سره در مسأله بقا بر تقلید میت، از یکی از آقایان مراجع، تقلید کرده و اکنون فراموش نموده که در آن وقت کدام یک از آنان را در نظر گرفته است ولی او را اجمالا - بین چند نفر می‌داند بنا بر این تکلیف او در صورتی که همه ایشان در قید حیات باشند چیست و اگر بعضی از آنان فوت نموده باشند وظیفه او چیست؟.

ج

- با فرض عدم تمکن از تحصیل علم یا ظن به مرجع قبلی، فعلاً مثل شخصی که ابتداء می‌خواهد تقلید کند، به مجتهد حی که واجد شرائط تقلید باشد رجوع نماید و با تعدد و تساوی، مخیر است به هر یک رجوع نماید و فرق نیست که مرجع قبلی مردّد بین احیاء باشد یا بین احیاء و اموات.

س

- اگر حضرت آیه الله به دلیل عدم جواز تقلید از میت اشارتی فرمایند کمال بنده نوازی است.

ج

- نبودن دلیل بر جواز تقلید، از میت با وجود مجتهد حی، کافی در عدم جواز آن است.

بقاء بر تقلید میت

س

- شخصی مقلّد مرحوم آیه الله بروجردی بوده پس از فوت ایشان به مرحوم آیه الله حکیم رجوع و بنا بر فتاوی آن مرحوم به تقلید از مرحوم بروجردی باقی مانده پس از فوت مرحوم حکیم، توجّه به این که باید به مجتهد حی مراجعه نماید نداشته لذا تا کنون به تقلید آقای بروجردی رحمه الله علیه باقی مانده اکنون متوجّه شده که باید در مسأله بقاء بر تقلید میت مراجعه به حی نماید با فرض این که مجتهد

صفحه : ۲۱

حی بقاء را جائز می‌داند بفرماید اعمالی که بعد از زمان مرحوم حکیم تا کنون به تقلید آقای بروجردی انجام داده چه حکمی دارد و در آتیه، وظیفه او چیست؟.

ج

- اعمال سابقه او که مطابق فتاوی مرحوم آیه الله بروجردی قدس سرّه واقع شده صحیح است و بقاء در آن چه که از فتاوی ایشان - برای عمل - یاد گرفته مانعی ندارد و آن چه را یاد نگرفته فعلاً از حی تقلید نماید.

س

- اگر مجتهد اعلمی که از او تقلید می‌کردیم و فوت نموده از مجتهدین حی، اعلم باشد فقط بقاء بر تقلید در مسائلی که در زمان او عمل کرده‌ایم لازم است یا در مسائل جدید نیز از نامبرده تقلید نماییم؟.

ج

- بقاء بر تقلید میّت بنظر حقیر جایز است و واجب نیست هر چند میّت اعلم باشد و در مسائل جدیده باید از حیّ تقلید نمایند.

س

- اگر کسی از چند مجتهد پس از فوت دیگری تقلید کرده و در بعضی از مسائل که به فتوای مجتهد میّت اولی عمل کرده بود رجوع به فتوای مجتهد دوّم و عمل نمود و یا این که در بعضی از مسائل که به رأی مجتهد اولی عمل نموده بود به رأی مجتهد دوّم، باقی ماند بر تقلید مجتهد اولی، حال نسبت باین دو دسته از مسائل به رأی کدام یک از دو مجتهد باقی بماند؟.

ج

- در مسائلی که رجوع به مجتهد حیّ نموده و به فتوای او عمل کرده جائز نیست مجدّداً رجوع به اولی نمایند و اگر خواسته باشد باقی بماند باید بر تقلید دوّم باشد و اما در مسائلی که در زمان حیات مجتهد دوّم نیز باقی بر فتوای اولی بوده می‌تواند با تقلید از حیّ در بقاء، باقی بر تقلید اولی باشد.

س

- در توضیح المسائل ضمن مسأله ۹ است که (اگر انسان در مسأله‌ای به فتوای مجتهدی عمل کرده و یا آن را یاد گرفته که عمل کند می‌تواند بعد از فوت آن مجتهد در آن مسأله به فتوای همان مجتهد که از دنیا رفته باقی باشد) حال اگر مجتهدی به یک نفر مقلّد خود، اذن مطلق داده باشد که هر زمان خواست سهم امام بپردازد، به یک نفر سیّدی که منظور نظر شخص دهنده است بدهد و چند سال هم مقلّد در این مسأله عمل کرده بعد آن مجتهد از دنیا رفت حال که مقلّد، رجوع به مجتهد حیّ کرده آیا می‌تواند هم چنان بدون اذن مجتهد حیّ در آن مسأله به فتوای

صفحه : ۲۲

مجتهد قبلی عمل نماید و سهم را به شخص مزبور بدهد یا نه؟.

ج

- مطلبی که در توضیح، ذکر شده راجع به فتوی است و اما اذن مجتهد، تنها در حال حیات او نافذ است و بعد از فوت، نفوذ ندارد و باید از مجتهد حیّ اذن بگیرد.

مسائل متفرّقه تقلید

س

- آیا به روایاتی که مثلاً در کتاب شریف اصول کافی، یا خصال شیخ صدوق و یا سفینه البحار و امثال اینها راجع به تجویز غیبت و دروغ و مانند اینها- در موارد خاصّه - نقل شده می‌توان عمل کرد یا نه؟.

ج

- مثل احکام تکلیفیّه، باید یا به اجتهاد، از ادله معتبره، استنباط نماید و یا از مجتهد، تقلید کند.

س

- کسانی که مقلد نبوده‌اند و بیست سال یا بیشتر، کورکورانه، عبادت کرده‌اند، الآن که متوجه شده‌اند تکلیفشان چیست؟.

ج

- اگر اعمال گذشته مطابق با فتوای مجتهد فعلی که از او تقلید می‌کنند باشد صحیح است و الا واجب است اعمال گذشته را تدارک کنند و اگر احتمال صحت بدهند قضا، واجب نیست.

س

- آیا تقلید اعلم، واجب مشروط است که اگر اعلم، خودبخود معلوم شد واجب باشد از او تقلید کنند یا واجب مطلق که باید تحصیل علم کنند و بفهمند که اعلم کیست، چنانچه ظاهر کلمات علما است؟.

ج

- بنا بر احتیاط، واجب مطلق است و باید برای تشخیص اعلم تفحص نمود.

س

- نحوه شناختن مجتهد، اعلم چگونه است؟ چون در رساله‌ها آمده که راه شناختن اعلم گواهی دادن دو نفر عادل، یا عده‌ای اهل علم است، حال اگر نظر افراد عادل، مخالف بود چه باید کرد؟.

ج

- در صورت تعارض شهادت، مقلد مخیر است از هر کدام بخواهد می‌تواند تقلید کند.

صفحه : ۲۳

س

- در مسأله ۷ توضیح المسائل فرموده‌اید اگر مجتهد اعلم در مسأله‌ای فتوی دهد کسی که از او تقلید می‌کند بنا بر احتیاط نمی‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند بفرمایید آیا در این احتیاط می‌تواند رجوع بغیر نماید یا خیر؟.

ج

- بلی می‌تواند.

س

- با این که با اسباب فعلیه، جعل مهر و امضاء آسان شده مهر و امضاء مجتهد که پای ورقه‌ای مثلاً مشاهده می‌شود دلالت بر فتوای او دارد یا باید از طرق دیگر، تحصیل اطمینان کرد؟.

ج

- در عمل به فتوای مجتهد باید اطمینان حاصل شود، خواه از امضا و مهر باشد یا از قول عادل.

س

- گاهی گفته می‌شود که به رساله، نمی‌توان در تمام موارد اطمینان کرد چون موقع چاپ، دست در آن برده می‌شود آیا این موضوع صحت دارد اگر چنین است تکلیف مقلد چیست؟.

ج

- اگر علم اجمالی باشد که در مسائل مورد ابتلاء در رساله، اشتباهی است عمل به رساله، صحیح نیست ولی چون غالباً این علم اجمالی نیست (علاوه، اطمینان بر صحت، حاصل می‌شود خصوص اگر خود مرجع تقلید، رساله نوشته باشد) عمل به رساله، بی‌اشکال است.

س

- مجتهد غیر اعلم باید از مجتهد اعلم تقلید کند یا نه؟.

ج

- هر کس که مجتهد باشد چه اعلم و چه غیر اعلم، تقلید از مجتهد دیگر برای او جائز نیست.

س

- اگر رساله‌های یک مجتهد در مسأله‌ای اختلاف داشته باشند کدام یک مقدم و واجب العمل است؟.

ج

- اگر علم به صحت رساله دارد و اختلاف، از جهت فتوی است عمل به دومی لازم است و اگر علم به صحت رساله ندارد لازم است از خود مرجع، سؤال کند.

س

- اگر دو نفر مسأله گو و ناقل فتوی در خصوص یک مسأله، فتوای یک مجتهد را به دو گونه نقل کنند چه باید کرد؟.

ج

- قول هر کدام که بیشتر محل وثوق و اعتماد می باشد مقدم است و اگر از نظر وثاقت و اطمینان، مساوی هم باشند قول هر دو از بین می رود و حال اگر ممکن باشد باید به خود مجتهد و یا رساله او مراجعه کرد و اگر ممکن نبود می توان به هر یک از این دو قول، که موافق احتیاط است عمل کرد و می توان عمل به احتیاط نمود.

س

- با اختلافاتی که مجتهدین از نظر فتوی در نجاسات و مطهرات و ذبیحه و امثال آن دارند تکلیف مقلدین آنان در معاشرت با یکدیگر چیست و آیا باید از همدیگر اجتناب نمایند یا نه؟.

ج

- معاشرت مقلدین با یکدیگر اشکال ندارد و اختلاف به نحوی که موجب تولید این اشکالات شود نادر است.

س

- اگر در حال نماز بفهمد که مرجعی که از او تقلید می کند فوت کرده آیا نمازش باطل می شود یا نه؟.

ج

- باطل نمی شود.

س

- آیا جائز است که مسأله دان، جواب مسائلی را که مردم از او می پرسند طبق فتوای مجتهدی که خودش از او تقلید می کند بگوید یا باید از فتوای مجتهدی جواب دهد که سؤال کننده، از او تقلید می کند؟.

ج

- باید رأی مجتهدی را که سائل از او تقلید می کند بگوید.

س

- اعلم و مفتی و مجتهد، معصوم است یا نه؟.

ج

- از بنی آدم غیر از انبیاء و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها عصمت کس دیگر، ثابت نیست و اعلم و مفتی باید عادل باشد.

س

- آن مرجع عالی قدر مرقوم فرمایند که چرا علماء و مراجع تقلید و پیشوایان مسلمین در یک زمان و عصر، از یک نفر بیشتر هستند، در صورتی که در زمان حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از آن حضرت در زمان امامان، یک نفر بعنوان امام و پیشوای مؤمنین، حکومت می کرد خواهشمند است مرا راهنمایی کنید.

صفحه : ۲۵

ج

- پیشوایان و مراجع تقلید در زمان غیبت، موظفند آن چه را از قرآن و سنت پیغمبر اکرم و ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین استفاده می نمایند خود عمل کنند و اگر واجد شرائط تقلید باشند دیگران نیز می توانند از آنها تقلید نمایند لذا ممکن است افراد زیادی در تحصیل علم به احکام، زحمت کشیده و قوه اجتهاد را پیدا کنند و اما در زمان حضور امام علیه السلام که عالم به احکام واقعیّه است همه مردم باید احکام را از او یاد گرفته و عمل نمایند.

س

- شخصی بقصد قربت، نماز یا حج به جا آورده ولی طبق فتوای مجتهدی که از او تقلید می کرده باطل بوده بعدا این مجتهد فوت شده و رجوع به اعلم بعد از او کرده حال اگر طبق فتوای مجتهد ثانی عمل صحیح باشد، آیا می تواند عمل خود را به وسیله فتوای مجتهد ثانی تصحیح کند در صورتی که حین العمل مطابق فتوای مجتهد اول باطل بوده یا باید اعاده کند؟.

ج

- با فرض آن که در حال عمل، قصد قربت از او ناشی شده فعلا می تواند مطابق فتوای مجتهد ثانی اکتفا بعمل مذکور نماید.

س

- علماء فرموده اند باید مکلف یا مجتهد باشد یا محتاط و یا مقلد ظاهرا حصر عقلی است و صورت چهارمی ندارد پس این که بعضی فرموده اند در نفس عمل به احتیاط هم باید تقلید کند یعنی چه؟.

ج

- نفس عمل به احتیاط یکی از موضوعات است و اگر به اجتهاد نتواند استنباط حکم آن را بنماید باید تقلید کند و در خود این موضوع احتیاط ممکن نیست مگر بترک آن.

س

- شخصی پدرش فوت نموده فرزندش می خواهد امور پدر را انجام بدهد ولی اطلاع ندارد که پدرش از چه کسی تقلید می کرده در این صورت تکلیف او چیست؟.

ج

- پسر مطابق فتوای مرجع تقلید خود، امور پدر را انجام دهد کافی است.

س

- تقلید لازم است که مقدم بر عمل باشد یا نه؟ و اگر کسی مقارن عمل تقلید نماید صحیح است یا نه؟.

ج

- باید طوری باشد که جزء اول عمل با تقلید باشد.

صفحه : ۲۶

س

- در کتاب عروۃ الوثقی در بعضی مسائل دارد (الاقوی ذلک و إن لم یخلو عن اشکال) آیا این تعبیر فتوای است یا احتیاط؟.

ج

- بلی فتوی است.

س

- جمله «یمكن ذلک» یا «یحتمل ذلک» فتوی است یا نه؟.

ج

- فتوی نیست.

س

- کسی که مقلد مجتهدی بوده و به دستور او عمل کرده، و بعدا متوجه شده که علم و عدالتش کمتر از مجتهدین دیگر است آیا اعمال گذشته او نتیجه دارد یا خیر؟.

ج

- بلی عملهای گذشته او صحیح است.

س

- شخصی از مجتهدی اجازه حقوق گرفته و اکنون آن مجتهد از دنیا رفته حال نیاز به اجازه مجتهد زنده هست یا نه؟.

ج

- اجازه مجتهد قبل، به موت، بلا اثر می‌شود و باید از مجتهد زنده اجازه بگیرد.

صفحه : ۲۷

مسائل طهارت به صورت مطلق

مسائل طهارت

تطهیر با آب قلیل یا کثر و جاری

س

- قنّاد مقدار زیادی شکر از چند گونی میان پاتیل بزرگ جهت ساختن قند می‌ریزد بعد لوله آب را روی شکرها باز می‌کند و با وسائلی که دارد مشغول بهم زدن آب و شکر می‌شود یک وقت متوجه می‌گردد که موش مرده‌ای در آن است اینک این آب و شکر قابل علاج و پاک شدن است یا نه و اگر به هیچ وجه علاجی ندارد این شربت شکر را ممکن است برای زنبورهای عسل گذاشت و بخورد آنها داد یا نه و اگر بنظر حضرت عالی اشکالی ندارد که زنبورها شربت شکر را بخورند و از طرفی عسلی هم که از این شربت شکر بعمل می‌آید از طریق مسأله انتقال، پاک باشد لکن وقتی زنبورها می‌آیند و روی این آب و شکر می‌نشینند و از آن می‌خورند و در حالی که دست و پا و بدن آنها آلوده شده میان کند و می‌روند و در میان عسلها و مومها گردش می‌کنند آیا آن دستگاه میان کند و نجس می‌شود یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، اگر شربت را در آب کثر بریزند به نحوی که از اضافه، خارج بشود و آب مطلق باشد پاک می‌شود و بکار بردن آن آب در قنّادی، اشکال ندارد و شربت نجس را به زنبور بدهند نیز مانع ندارد لکن اگر از شربت به پای زنبور باشد و با عسل ملاقات کند عسل، نجس می‌شود و اگر شک در ملاقات با نجس باشد عسل، محکوم به طهارت است.

صفحه : ۲۸

س

- ظرفی از شیر یا سکنجبین نجس شده اگر آن را به لوله آب متصل نمایند پاک می‌شود یا نه؟.

ج

- سکنجبین نجس و شیر نجس قابل تطهیر نیست بلی اگر آن را در آب کثر بریزند یا به آب لوله متصل کنند و در آب کثر یا لوله مستهلک شود مصرف کردن آن آب، اشکال ندارد.

س

- اگر دور حوض تماماً نجس باشد، آیا با کف دست مقداری آب به آن بریزند پاک می‌شود یا نه، در صورتی که اطراف آن

محلّی که آب می‌ریزند رطوبت مسریه دارد و متصل به آن محلّی که شسته‌اند می‌باشد؟.

ج

- اگر آب از موضع متصل به نجس جریان پیدا کند و به مواضع تطهیر شده برسد اشکال دارد و ملاقات، موجب تنجیس است نه اتصال.

س

- گوشت‌های تازه که به گوشت‌های یخ‌زده (بر فرض نجس بودن آنها) مالیده می‌شود آیا می‌توان ظاهر آن را با آب سرد آب کشید و سپس مصرف نمود یا باید اول در آب گرم و سپس در آب سرد ظاهرش را آب کشید؟.

ج

- بلی گوشت تذکیه شده اگر نجس شود با آب سرد قابل تطهیر است.

س

- از منبع آبی که در طبقه تحتانی منزل واقع است به وسیله تلمبه دستی که بر روی منبع مذکور است آب را برای احتیاج به طبقه بالا می‌فرستند و ساختمان تلمبه‌های دستی عموماً طوری است که موقع فرستادن آب به بالا آب را بطور قطع و وصل به بالا می‌فرستند اکنون منبع طبقه پائین که از کتر کمتر است نجس شده و با عدم توجه، همین آب نجس را به وسیله این تلمبه به مخزن بالا فرستاده‌ایم حال این تلمبه و مخزن کوچک که یک شیر برای خارج شدن آب بیشتر ندارد نجس شده اگر منبع پائین را کترگیری کنیم و بعد تلمبه را بکار بیاوریم تلمبه و مخزن بالا پاک می‌شود یا نه و اگر با این ترتیب، پاک نشود تکلیف چیست و چگونه تلمبه و مخزن بالا را تطهیر کنیم؟.

ج

- در فرض مسأله که آب بطور قطع و وصل بالا می‌رود مخزن بالا با

صفحه : ۲۹

اتصال به منبع زیر پاک نمی‌شود و ممکن است مخزن بالا و تلمبه را با آب قلیل تطهیر نمود به این نحو که آب به اطراف آن بریزند و غسله را هر چه ممکن است به وسیله شیر خارج کنند و باقی را به وسیله ظرف و یا پارچه بگیرند تا سه مرتبه که پاک می‌شود و تلمبه را که از زیر متصل نمایند تا سه مرتبه بعد از اتصال، حرکت دهند که غسله جدا شود پاک می‌شود.

س

- یک ظرف مثلاً ۱۲ کیلو آب می‌گیرد و یک شیر آب هم در بالای آن قرار دارد و از آن شیر، آب وارد ظرف می‌شود اگر سر ظرف آب لبریز نباشد و لباس در آن بزنیم چه صورت دارد؟.

ج

- اگر شیر متصل به کتر باشد در حال اتصال هر چه در آن ظرف بزنند پاک می‌شود و آب هم نجس نمی‌شود.

س

- باریکی آب شیر که به کلفتی یک قیطان باشد صدق اتصال به منبع می‌کند یا نه؟.

ج

- صدق اتصال بعید نیست.

س

- در تطهیر نجاسات، تقطیر مداوم کافی است و عرفاً تطهیر، صدق می‌کند یا نه؟.

ج

- اگر مثل دوش باشد اشکالی ندارد.

س

- حمامی که دارای دوش است آب آن حکم آب جاری دارد یا حکم آب قلیل؟.

ج

- آب دوش که متصل به منبع کُر باشد تا مقداری که با اتصال، خارج می‌شود در حکم آب جاری است و اگر به واسطه فاصله زیاد، اتصال قطع شود و مبدل به قطرات شود حکم آب قلیل دارد.

س

- زمین سختی که منفذی ندارد اگر نجس شد و امکان گود کردن

صفحه : ۳۰

نیست یا هست و عملی نشد آیا می‌شود با آب قلیل تطهیر کرد و آب آن را بیرون ریخت مانند ظرفهای بزرگی که در زمین ثابت باشد؟.

ج

- بلی غسله را با ظرف یا پارچه از زمین نجس ازاله کنند زمین پاک می‌شود.

س

- در تطهیر اشیاء متنجس می‌فرمایید با آب قلیل دو مرتبه بشویند، آیا غسله مزیه هم یکی از این دو غسله است یا بعد از غسله مزیه باید دو مرتبه شست؟.

ج

- می‌توانید غسله مزیه را جزء عدد، محسوب دارید ولی احوط ترک است.

س

- ماشینهای لباس شویی برقی که لباس را خشک می‌کند و تحویل می‌دهد با توجه به قطع و وصل شدن آب آیا لباس را پاک می‌کند یا نه؟

ج

- ماشینها مختلف می‌باشند. بطور کلی اگر لباس نجس را در ظرفی بگذارند و آب پاک، هر چند قلیل باشد به قدری بر آن بریزند که تمام آن لباس را فرا بگیرد و بعد آن را در آورند و فشار بدهند یا به وسیله‌ای فشار داده شود و اگر به بول، نجس شده پس از خالی کردن آب غسله ظرف، بار دیگر این عمل تکرار شود پاک می‌شود بشرط این که نجس دیگر به آن نرسد یا به محل دیگر که نجس شده نخورد بنا بر این، تطهیر با ماشین‌ها هم به این نحو خصوصاً که آب کزّ یا جاری است اگر انجام شود و با نقاط دیگر ماشین اگر نجس شده باشد تماس پیدا نکند ممکن است و بهر حال، چون شبهه در موضوع است میزان، علم خود شخص است.

س

- در تطهیر مسجدی پس از آن که عین نجاست را برداشتند یا بول خشک شد و شلنگ آب متصل به کزّ به آن وصل کردند آیا لزومی دارد غسله آن خارج شود یا اگر همان جا مانده و خشک بشود مانع ندارد؟.

ج

- در فرض مسأله، به مجرد وصول آب جاری به وسیله شلنگ یا آب کزّ به تمام محل نجس، خود محل و غسله‌اش پاک می‌شود.

س

- در بول رضیع تطهیر با یک غسله کافی است، آیا شیر مصنوعی و یا شیر گاو هم چندی که شیر خوار صدق می‌کند، همین حکم را دارد، و یا غذاخور

صفحه : ۳۱

محسوب می‌شود؟.

ج

- فرقی نیست. تا وقتی که غذاخور نشده از هر شیری بخورد بول او با یک مرتبه آب تطهیر می‌شود.

س

- در یکی از مساجد مسأله‌ای گفته شد مبنی بر این که بعضی از علماء قائل به اتّصالند باین معنی که اگر مثلاً دست انسانی از سر انگشتان تا بازو نجس شود و برای خوردن غذا دستش را از سر انگشتان تا مچ در آب کزّ و یا جاری فرو برد طاهر نمی‌شود زیرا اتّصال به بالای دست دارد و یا قاچ خربزه اگر گوشه‌اش نجس شود گوشه دیگرش هم چون اتّصال دارد نجس است نظر مبارک را در این موضوع مرقوم فرمائید.

ج

- این نحو اتّصال مانع از تطهیر مقداری از دست یا بدن که در آب فرو برده نیست و در فرض اخیر مقداری از خربزه نجس است که عین نجس و یا متنجس با آن ملاقات کرده باشد بلی اگر طوری باشد که آب خربزه از محلی که نجس شده به محل دیگر جاری شود آن مقدار هم نجس می‌شود.

در موارد تطهیر به آب قلیل خروج غساله لازم است

س

- ماشینهای لباس شویی که معلوم نیست لباس را فشار دهد و ظاهراً فقط در اثر تهویه و حرارت، آن را خشک می‌کند آیا در این مورد خروج غساله، صدق می‌کند یا نه با توجه به این که به آب جاری اتصال داشته است؟.

ج

- اگر آب کثر یا جاری به تمام لباس نجس برسد پاک می‌شود و محتاج به فشار نیست و در تطهیر به آب قلیل در چیزهایی که خروج غساله محتاج به فشار است باید با فشار، غساله خارج شود و مجزّد زوال غساله بدون فشار کافی نیست.

س

- شخصی جائی از بدنش متنجّس است اگر دو مرتبه دست را تر کند شاداب و بر آن بکشد که اقل غسل حاصل شود و غساله‌اش را بگیرد طاهر می‌شود یا خیر؟.

ج

- مشکل است باید آب بریزد که غساله آن بنحو متعارف منفصل شود.

س

- اگر فشار دادن را در مورد لزوم آن ترک کنند و بگذارند تا غساله در طول مدّت، به خودی خود خارج شود در طهارت آن چیز، کفایت می‌کند یا نه؟.

صفحه : ۳۲

ج

- اگر تمام آن چه در اثر فشار خارج می‌شد، در فرض مذکور خارج شود کفایت می‌کند.

س

- در تطهیر متنجّسات، معظم الماء جدا شود کافی است یا باید قطراتی که در چیز متنجّس است نیز بیفتند؟.

ج

- به قدری که عرفاً صدق می‌کند که غساله، زائل شده کافی است و بقاء قطرات قلیله، مضرّ نیست.

آب باران

س

- در حین شدّت باران سگی ایستاده، آب باران از موهای سگ جریان دارد آیا آن آب نجس است، و چیزی را در حال بارش می‌تواند نجس کند یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال که باران در حال باریدن است و سگ در زیر باران است قطراتی که از موهایش جدا می‌شود پاک است و چیزی را نجس نمی‌کند.

طریقه تطهیر اشیائی که نجاست به باطن آنها رسیده

س

- اگر آب نجس به مغز عدس و مانند آن برسد، در صورتی که آب قلیل روی آن بریزند پاک می‌شود یا نه؟.

ج

- ظاهر آن پاک می‌شود ولی نجاست آن باقی است و بعید نیست که اگر خشک کنند و بعد در آب کَرّ و یا جاری بگذارند تا آب به جوف آن برسد پاک شود.

س

- خمیر نجس شده را چگونه می‌شود تطهیر کرد؟.

ج

- اگر نجاست به باطن آن سرایت نموده باشد قابل تطهیر نیست مگر آن که خمیر متنجّس تبدیل به نان شود و آن نان را خشک نموده در آب جاری یا کَرّ بگذارند تا نفوذ به باطن آن نماید که در این صورت، پاک می‌شود.

س

- پوست گوسفندی را برای مشک، مدّتی در آب نمک گذارده‌اند که عمل بیاید. موش در آن ظرف افتاده و مرده اکنون پاک شدن این پوست به چه طریق است؟.

صفحه : ۳۳

ج

- آن را بخشکانند و بعد در آب کَرّ بگذارند تا یقین به نفوذ آب در آن پیدا شود پاک می‌شود.

اگر چیزی با ولوغ یا آب دهان سگ نجس شود

س

- در روستاها و دهات، ظرفهایی از پوست گوسفند می‌سازند و با آن به صحرا و بیابان آب می‌برند حال اگر سگ از دهانه آن

ظرف آب خورد یا از آب دهن سگ در آن ریخته شود چگونه باید تطهیر کرد؟.

ج

- در فرض سؤال اگر ممکن است با دست یا چیز دیگر به داخل آن خاک بمالند و اگر ممکن نیست خاک را در آن ریخته و حرکت دهند تا خاک به همه جایش برسد و بعد با آب قلیل سه مرتبه بشویند و اگر آب کَرّ یا جاری است یک مرتبه کافی است و چنانچه آب نجس به باطن آن نفوذ کرده آن را بخشکانند و آن گاه خاک مالی کرده و بعد در آب کَرّ یا جاری بگذارند به قدری که آب به باطن آن نفوذ کند.

س

- هر گاه تخته مس را سگ ولوغ نموده بعد آن را مسگر ظرف ساخته، تعفیر (خاک مال کردن) آن لازم است یا نه و عکس آن چه صورت دارد؟.

ج

- در هر دو صورت احوط، تعفیر است.

س

- اگر آب دهان سگ روی غیر ظرف مانند چوب و گوشت و میوه و سفره پلاستیک و کفش و پارچه و مانند اینها ریخته شد آیا با آب، تطهیر می شود یا محتاج به خاک مالی است؟.

ج

- در غیر ظروف خاک مالیدن، لازم نیست بلی اگر مثلاً وسط سنگ یا چوب، گود باشد و آب یا مایع دیگر در آن باشد و سگ از آن، آب بخورد بنا بر احتیاط واجب، در تطهیر آن باید مثل تطهیر ظروف عمل شود.

س

- در کتب فقهیه بیان شده که اگر سگ در ظرفی ولوغ نماید باید تعفیر شود. مراد از ظرف، چگونه ظرفی است و اصولاً ضابطه ظرفی که احتیاج به تعفیر دارند چیست آیا منقول و غیر منقول هر دو است، یا عنوان دیگری؟.

ج

- آن چه فقهاء رضوان الله علیهم اجمعین مورد حکم خاص، قرار داده اند

صفحه : ۳۴

لفظ آنیه است از قبیل کاسه و کوزه و بشقاب و سینی و دیگ و سماور و امثال اینها از چیزهایی که در اکل و شرب استعمال می نمایند حتی مثل چلوکش و کفگیر، و فرقی در آنیه، بین منقول و غیر منقول نیست. البته بعضی مصادیق نیز هست که مشکوک

است که آنیه هست یا نه و در موارد مشکوک، باید احتیاط نمود و تفصیل بیشتر را به وسیله النجاء و یا عروۃ الوثقی مراجعه نمایید.

س

- مدتی است بین طبقات جوان امروزی سگهای تربیت شده و کاملاً با اصول بهداشت واکسینه شده رواج یافته و از لحاظ نجاست آن می‌گویند اگر در زمان جاهلیت، آن را نجس می‌دانستند، به واسطه ولگردی و کثیف بودن آن و میکربهای مسریه داشتش بوده ولی جنسا پاک است چون خداوند در سوره مائده می‌فرماید (اگر شکاری را سگ بیاورد می‌شود خورد). نظر مبارک را در این موضوع، مرقوم فرمائید.

ج

- مطابق آن چه از ادله احکام استفاده می‌شود سگ نجس است و در این حکم فرقی نیست که واکسینه شده باشد یا نه و ما دلیلی بر اثبات این که منشأ نجاست سگ، ولگردی و کثیف بودن آن است نداریم و آن چه در سوره مذکوره آمده دلیل بر طهارت سگ نمی‌باشد چون آیه در مقام بیان طهارت یا نجاست سگ نیست بلکه در مقام بیان حکم دیگری است و آن این که شکار صید شده به وسیله سگ با شرائطش، ذاتاً حلال است و منافات ندارد با این که از جهت ملاقات شکار با دهان سگ ظاهر موضع ملاقات، نجس باشد که با تطهیر پاک می‌شود.

س

- حوض سیمانی یا موزائیکی که آب آن کمتر از کز باشد و سگ از آن آب بخورد حکم ظرف را دارد یا نه؟

ج

- حکم ظرف را ندارد.

س

- قالب یخ را سگ لیسیده تکلیف چیست؟

ج

- آب بکشید پاک می‌شود.

حکم دندان مصنوعی متنجس

س

- فرموده‌اند دهان وقتی که خونی شد عین آن اگر زائل بشود پاک و لازم به آب کشیدن نیست بفرمایید که آیا دندان مصنوعی که در یک طرف دهان

صفحه : ۳۵

است و طرف دیگر دهان خونی شده و به دندان مصنوعی نرسیده همین حکم را دارد یا نه؟.

ج

- در صورتی که خون به دندان مصنوعی نرسد تطهیر لازم نیست و اگر خون به آن رسیده تطهیر لازم است.

س

- دندان مصنوعی را که ارمنی ساخته و نجس است آیا به دهان گذاشتن آن جائز است یا خیر و برای نماز چه صورت دارد؟.

ج

- ظاهر دندان مصنوعی به تطهیر، پاک می شود و باطن به نجاست باقی است و نماز با آن بنظر حقیر، صحیح است.

س

- دندان گذاشتن شخص یهودی برای مسلمان از نظر شرع مقدس اسلام - خصوصا با لحاظ این که احتمال این هست که کار او از حیث استحکام و ظرافت از کار بعضی از مسلمانها بهتر باشد- چگونه است؟

ج

- مانعی ندارد ظاهر آن را تطهیر کنند ولی باطن آن به نجاست باقی است لکن مبطل نماز نیست.

دود یا بخار چیزی که نجس یا متنجس است

س

- اگر نفت نجس را بسوزانند دود معمولی که به اندازه متعارف از آن بلند می شود پاک است یا نجس و دود غیر معمولی چه صورت دارد؟.

ج

- در هر دو فرض پاک است.

س

- بخار روغن نجس پاک است یا نه؟.

ج

- بخار نجس یا متنجس تا حال بخار دارد، پاک است ولی اگر به ملاقات جسمی، مبدل به آب شود احتیاط لازم، اجتناب از آن

است.

س

- انواعی از غذا و خوراک و میوه و غیره داخل یخچال است که بعضی طاهر و بعضی متنجس است یخچال روشن است و بخار کرده و بالای آن برفک زده آن برفک چه صورت دارد و در صورت تبدیل شدن به آب، پاک است یا نه؟.

ج

- چون معلوم نیست برفک آن از بخار اشیاء متنجسه باشد محکوم به طهارت است.

صفحه : ۳۶

حکم الکلی صنعتی و طبی

س

- در مورد الکلی صنعتی می‌فرمایید اگر انسان نداند مست کننده است و نداند که آن را از چیز مست کننده روان درست کرده‌اند پاک است. در اینجا از نظر موضوع، به طوری که از کتابهای علمی جدید و از دکتر داروساز و اهل اطلاع بدست آورده‌ایم بطور کلی الکلی صنعتی که برای رنگ کردن و سوزاندن و الکلی طبی که برای ضد عفونی و تزریقات و مخلوط در دارو و شربت‌ها بکار می‌رود و ادکلن که برای آرایش بکار می‌رود و الکلی مخلوط دارد، در همه اینها ۸۰ و ۹۰ درجه و سمی و مهلک می‌باشد بنا بر این بدون علاج و مخلوط کردن، مسکر نیست ولی در اینجا یک مسأله باقی می‌ماند که به آن کمتر توجه شده و آن این که بطور تحقیق این الکلی سمی را به وسیله تبخیر از الکلی مست کننده می‌گیرند و الکلی مسکر را تبخیر می‌کنند و بخار آن مجدداً متقاطر شده و بصورت الکلی مهلک در می‌آید با توجه به این موضوع، استحاله مسکر به بخار را اگر از مطهرات بدانیم و به عبارت علمی استصحاب نجاست را در بخار به واسطه تعدد موضوع جاری ندانیم و اصاله الطهاره جاری کنیم حکم به طهارت، مانعی ندارد زیرا بخار، طاهر است و الکلی سمی از این بخار گرفته شده و مسکر هم نیست ولی روی فتوای جناب عالی که در مایعات متقاطره از نجس و متنجس می‌فرمایید اقوی نجاست است حکم به طهارت الکلی مشکل می‌شود بلکه باید روی این موضوع و روی فتوای جناب عالی گفت نجس است مگر این که وجه دیگر بنظر حضر تعالی بیاید لذا روی فرض مذکور در الکلی، حکم آن را بیان فرمائید.

ج

- اشکالی که حقیر در مایعات متقاطره دارم در این مورد نیز جاری است و حکم به طهارت، مشکل است.

اگر انگور یا کشمش جوش بیاید

س

- شخصی مقداری کشمش جهت سرکه ریخته، و در ضمن چند دانه نخود هم داخل آن نموده پس از ترش شدن آیا پاک است یا

نه؟.

ج

- در صورتی که نخود را برای علاج ریخته باشد اشکال ندارد. و هم چنین

صفحه : ۳۷

با شک در مسکریّت قبل از سرکه شدن نیز اشکال ندارد.

س

- بعد از ثلثان شدن آب انگور، دانه‌های انگور را در شیر بریزند چه صورت دارد؟.

ج

- اگر دانه‌های انگور جوش بیاید خوردن آن حرام، ولی پاک است.

س

- اگر برای درست کردن سرکه تدریجاً انگور در ظرف بریزد باین نحو که هر روزی یک من انگور در ظرفی بریزد برای سرکه به طوری که در هر دفعه انگور روز قبل جوش آمده باشد این سرکه چه حکمی دارد؟.

ج

- اشکالی ندارد.

س

- مقداری انگور جهت سرکه شدن در ظرف سفالین ریخته‌ایم به اندازه‌ای که پر شده آیا می‌توانیم انگوری که برای سرکه شدن در ظرف مذکور، ریخته شده و جوش آمده و در حال جوش و کشف می‌باشد، در ظرف سفالین بزرگتری بریزیم و در قسمت خالی ظرف دوم مجدداً نیز انگور بریزیم تا پر شود یا نه البته در موقع تغییر محل انگور جوش آمده، هیچ دست و وسیله خارجی در آن دخالت ندارد؟.

ج

- تبدیل ظرف انگور جوش آمده به ظرف بزرگتر و ریختن انگور در آن، تا پر شود مانع ندارد و بعد از سرکه شدن، مجموع، حلال و پاک است و آب انگور بنظر حقیر با جوش آمدن تا مست کننده نشود نجس نمی‌گردد و اگر مشکوک باشد که مست کننده است نیز پاک است.

س

- مقداری انگور در مقابل آفتاب گذاشته‌اند تا خشک شده مویز شود اکنون دانه‌های آن باد کرده نه مویز به آن گفته می‌شود و نه انگور، خوردن آن جایز است یا نه؟.

ج

- با شک در جوش آمدن، اشکال ندارد.

س

- تا چه زمان می‌شود انگور روی انگور یا خرما روی خرما و امثال اینها جهت سرکه شدن بریزند؟.

ج

- تا قبل از سرکه شدن هر وقت بریزند و سرکه شود اشکال ندارد و بعد از سرکه شدن بنا بر قول به نجاست عصیر عنبی اشکال دارد و الا قبل و بعد، فرقی

صفحه : ۳۸

ندارد.

س

- خمره‌ای که سرکه در آن می‌ریزند هر گاه چرب باشد بعد از سرکه شدن، چربی در روی خمره جمع شود چه صورت دارد؟.

ج

- اگر چربی، مستهلک در سرکه است پاک است و اگر نمایان است و مستهلک نیست در صورتی که علم داشته باشد که اول مسکر شده و بعد منقلب به سرکه گردیده نجس است و الا محکوم به طهارت است.

س

- ظرف مختص شراب (متنجس بشراب) اگر انگور در آن بریزند چه صورت دارد و پس از سرکه شدن پاک است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر آب انگور، شراب و بعد سرکه شود پاک می‌شود و ظرف هم بالتبع پاک می‌گردد ولی اگر شراب نشده سرکه شود یا آن که شک کنند که شراب شده یا نه پاک شدن آن، محل اشکال است.

حکم اهل کتاب در خصوص نجاست و طهارت

س

- کسی که مقلد آقای حکم قدس سره بوده و در مسأله طهارت اهل کتاب به فتوای ایشان عمل نموده آیا اکنون که مقلد جناب عالی است می‌تواند باز به آن فتوی عمل نماید یا نه؟.

ج

- بلی می‌تواند به تقلید خود از آن مرحوم باقی بماند.

س

- هر گاه رئیس شرکتی که یهودی است متعهد شود که پوستهای ذبیحه مسلمان و غیر مسلمان را جدا دباغی نماید و لکن عده‌ای از مسلمانان مدعی هستند که دروغ می‌گویند و شاید قرائنی هم بر کذب باشد زیرا می‌دانیم وسائل دباغی، یکی است آیا با این حال می‌شود بقول یهودی اعتماد کرد یا نه؟.

ج

- احوط عدم اعتبار قول کافر است.

س

- عده‌ای که در زمان حیات مرحوم آقا نور اراکی رضوان الله علیه مقلد ایشان بودند می‌گفتند که آقای آقا نور می‌فرمودند که ارامنه هر کدام حضرت عیسی را پیغمبر خدا می‌دانند نجس نیستند و هر کدام آنها که او را خدا و یا پسر خدا می‌دانند نجس می‌باشند اکنون حضرت عالی نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج

- بنظر این جانب همه آنها نجس هستند.

صفحه : ۳۹

س

- در سوره مائده می‌فرماید (الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ) در این صورت ما مسلمانان می‌توانیم از طعام اهل کتاب مانند یهود و نصاری استفاده کنیم، پس چگونه همه آنها نجس هستند؟.

ج

- اهل کتاب نجس هستند و طعام در بعض اخبار، به حیوانات تفسیر شده است.

اشیائی که از بلاد کفر وارد می‌شود

س

- با تجویز دکتر، آمپول‌هایی تزریق می‌کنند که از جمله مواد آن اجزاء جگر گوساله است و آنها را از ممالک خارجه می‌آورند در این صورت از جهت ذبح و عدم ذبح آن گوساله اشکالی هست یا نه؟.

ج

- معلوم نیست که آمپول‌های مذکور، از اجزاء میتة اخذ شده باشد ولی با علم به این که از اجزاء میتة است احتیاط واجب، ترک آن است.

س

- لباسهایی که از ممالک غیر اسلامی می‌آید و در یقه آنها پوست روباه می‌باشد در موقع بارندگی چه باید کرد آیا این پوست پاک است یا نه؟.

ج

- اجزاء حیوان که حلیت یا طهارتش متوقف بر تذکیه است اگر از بلاد کفر آورده باشند محکوم به میتة بودن و نجاست است مگر آن که علم داشته باشند که مسلمان، آن را تذکیه نموده است.

س

- کنسرو ماهی که در کشورهای خارج بسته بندی شده و بفروش می‌رسد خوردن آن چه صورت دارد؟.

ج

- اگر از ممالک کفار می‌آورند محکوم بعدم تذکیه است و خوردنش حرام است.

س

- اخیراً از بلاد کفار ماده‌ای به نام پنیر مایه وارد می‌گردد و گفته می‌شود که آن از مواد شیمیایی، ترکیب شده تکلیف چیست؟.

ج

- پنیر مایه با شک در نجاست عارضه، محکوم به طهارت است و فرق نیست که از حیوان باشد یا از مواد شیمیایی چون پنیر مایه از میتة هم طاهر است مگر از میتة نجس العین و با شک در نجس بودن، محکوم به طهارت است.

صفحه : ۴۰

س

- در تهران، پنیری به بازار آمده به نام پنیر بلغارستان و می‌گویند در بلغارستان کلیمی زیاد است و در تهران از نظر طهارت و

نجاست آن سر و صدایی است و عده‌ای به زحمت افتاده‌اند لذا از محضر حضرت آیه الله استفتاء می‌نماییم که این پنیر که از مملکت خارج، وارد می‌شود پاک است یا نجس و خوردن آن چه صورت دارد؟.

ج

- پوست و گوشت و اجزاء حیوان که از بلاد کفار آورده شود محکوم بعدم تذکيه و نجس است امّا چیزهای دیگر که احتمال طهارت آن داده شود مثل این که احتمال بدهند کافر با رطوبت با آن ملاقات نکرده ظاهراً محکوم به طهارت است ولی سزاوار و بهتر است مسلمانان از خرید و فروش اجناس کفار تا میسر و مقدور ایشان است خودداری نمایند و اگر نظر شما از سؤال، از جهت وارد نمودن از بلاد کفار است با این که مسلمانان خودشان تهیه می‌نمایند سزاوار و بهتر است از پنیرهای داخلی خریداری نمایید.

س

- قوطیهای گوشت و ماهی ه در کیسه نایلونی می‌گذارند و معلوم نیست از کدام کشور است خوردن آن حلال است یا نه؟.

ج

- گوشت حیوان حلال گوشت و گوشت طیور و ماهی حلال که در بلاد مسلمین می‌فروشند اگر یقین نباشد که از بلاد کفر وارد شده و محتمل باشد که از بلاد اسلام است محکوم به حلیت و طهارت است و اگر یقین باشد که از بلاد کفار است محکوم به نجاست و حرمت می‌باشد مگر آن که مسلمان با آن معامله طهارت و حلیت بکند و محتمل باشد که تذکيه شرعی آن را احراز نموده است بلی خصوص حیوانی که نفس سائله ندارد، مانند ماهی، در هر حال پاکست.

س

- پوشیدن کفشهای خارجی چه صورت دارد آیا چرم آن محکوم به طهارت است یا نه؟.

ج

- چرم یا اجزاء دیگر حیوان که طهارت آنها موقوف به تذکيه است اگر از بلاد کفر باشد محکوم به میتة بودن و نجاست است مگر آن که شرعاً احراز تذکيه آن (بدست مسلمان) بشود.

صفحه : ۴۱

مرتد و مشرک و کافر و احکام آنها

س

- کسی که اصول دین و فروع آن را بلد نیست خوردن از غذایی که طبخ کرده چه صورت دارد؟.

ج

- اگر اصول و معتقدات اسلامی را معتقد است محکوم بحکم اسلام و طهارت است هر چند بطور تفصیل و ترتیب نتواند آنها را بیان کند و طبخ او هم اشکال ندارد و اگر هیچ متوجه نیست به طوری که اگر از مبدأ و معاد و اصول اسلامی چیزی از او سؤال کنند اظهار بی‌اطلاعی کند و جاهل محض باشد محکوم بکفر است و نمی‌شود با رطوبت با او ملاقات کرد. و البته با اقرار به شهادتین، تفحص از اعتقاد او لازم نیست و محکوم به اسلام است.

س

- کسی که با شوخی (نعوذ بالله) خداوند عالمیان را مسخره می‌کند و به افعال خدا به شوخی اشکال می‌گیرد کافر می‌شود یا این که تا اظهار کفر نکرده کافر نمی‌شود؟.

ج

- با آن که گفتار و افعال شخص مذکور، موجب شک در کفر باشد حکم بکفر او نمی‌شود. نعوذ بالله من اغواء الشیطان و التمسخر بأفعال الله.

س

- اگر شخص مؤمن و مسلمانی کافر شود و موقع مرگ توبه نماید توبه‌اش قبول است یا نه البته قبلا این مطلب را سؤال کرده بودم و حضرت عالی فرموده‌اید توبه‌اش قبول است ولی پس از مطالعه مرقوم مبارک، مراجعه به کتاب کافی نمودم روایتی از حضرت امام صادق (ع) دارد که اگر مسلمانی مرتد شود و کافر گردد توبه‌اش قبول نیست. و در آیه شریفه هم دارد (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ يَخْرُجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) بنا بر این باز نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید.

ج

- شما خوبست در استفاده از احادیث و کتب معتبره، به یکی از آقایان اهل علم که در این جهت وارد باشد مراجعه نمایید و جواب مختصری که عجلاله می‌شود نوشت این است که بر حسب آن چه در این اخبار، مذکور است قبول نشدن توبه مرتد فطری نسبت به بعضی از احکام است مانند تقسیم اموال و باطل شدن عقد زن و اما از جهت آثار اخروی و عدم عقاب کفر، توبه او قبول است و مطلقا و عموما قبول توبه را نمی‌توان تنقید نمود و تخصیص زد و قدر متیقن از تخصیص و

صفحه : ۴۲

تقیید، همین احکامی است که ذکر شد و بعضی از علماء بزرگ مانند مرحوم محقق همدانی اعلی الله مقامه بیان دیگری در رفع این معانی فرموده‌اند که مجال ذکرش نیست. و نسبت به آیه کریمه، معلوم است که غرض، مجرد حدوث کفر اگر چه متعقب به ایمان باشد نیست بلکه غرض، موت بر حالت کفر است و الا دعوت کفار معنی و مفهومی پیدا نمی‌کند و در بعضی آیات نیز تصریح به این مطلب است که خلود در آتش و عذاب کفر، در صورت موت بر حالت کفر است که یکی از آن آیات کریمه، آیه ۲۱۷ سوره بقره است (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ.. وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ).

س

- شوهر خواهرم روی تقلید از منحرفین، منکر خدا است و می‌گوید همه چیز از مادّه است و همه تشکیلات را طبیعت، درست می‌کند که خود حضرت عالی از عقاید پوچ آنها مستحضرید، و خواهرم با ایمان است و عقیده‌اش اینست که شوهرش روزی از عقاید باطله خود برمی‌گردد، حال آیا باید این مرد را کافر و نجس بدانیم و معاشرت را قطع کنیم؟ با در نظر گرفتن عواطف خانوادگی و مشکلاتی که هست تمنا می‌کنم راهنماییم بفرمایید.

ج

- منکر خدا و پیغمبر (ص) و ضروریات دین (العیاذ بالله) کافر و مرتدّ است و زن مسلمان بر وی حرام است و در معاشرت با او حتی الامکان باید اجتناب کرد زیرا نجس است و بهر چیزی که دست تر بزند باید شست و رفت و آمد با او در صورتی که سبب هدایتش شود عیبی ندارد.

س

- جوانی پدر و مادرش مشرک بوده‌اند و او از اول تکلیف در جستجوی دین حقّ حرکت کرده و با کمال کوشش، این مسأله را تعقیب می‌نماید بفرمایید در مدّتی که مشغول تحقیق است مانند مشرکین، نجس است یا نه؟.

ج

- اگر تا کنون مشرّف بدین اسلام نشده باشد نجس است و چون اسلام، مطهر است لذا هر وقت اسلام آورد پاک می‌شود و در فرض شک، استصحاب نجاست قبل از بلوغ، کافی است ولی تا وقتی که در حال تحقیق است محقون الدّم (خونش محفوظ) است بدلیل آیه کریمه «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ

صفحه : ۴۳

يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» و تفصیلات بیشتر، در کتب مبسوطه فقهیه ملاحظه شود.

س

- شخصی در حال نزاع، روی ناراحتی شدید، نسبت به محضر مبارک حضرت ولی عصر (ع) اسائه ادب کرد ولی بعد پشیمان شده و بر اثر ناراحتی، شب و روز آرام ندارد زیرا در رساله توضیح المسائل سر کار عالی ملاحظه نموده که اگر کسی نسبت بیکی از ائمه، دشنام دهد نجس است حال، تکلیف این شخص چیست؟.

ج

- در فرض سؤال اگر عصبانیت او بحدّی بوده که از خود بی‌خود شده در این صورت مرتدّ نشده و اگر عصبانیت باین حدّ نبوده توبه او به نظر این جانب قبول است نهایت زوجه‌اش را بعقد جدید عقد کند و اموالش را از ورثه، احتیاطاً اجازه بگیرد خداوند در ظلّ عنایت بقیّه الله ارواحنا له الفداء همه را از لغزشها حفظ فرماید.

س

- آیا وارث مرتد فطری می‌تواند حق خود (مال مرتد فطری) را به زور بگیرد؟.

ج

- مال مرتد فطری بمجرّد ارتداد، منتقل به وارث مسلمان و ملک او می‌شود و حکم مال شخص وارث را دارد.

س

- چرا کسانی که خارج از دین اسلامند نجس می‌باشند و به طوری که ما می‌بینیم نظافت آنها خیلی خوب است؟.

ج

- حکمت این حکم، نظافت ظاهری تنها نیست بلکه حکمت‌های بزرگ دیگری دارد که از جمله، این است که مسلمان با کافر، آمیزش و معاشرت نکند و تحت تأثیر او واقع نشود و در برابر او احساس ذلت و حقارت نکند و بداند که او علاوه بر این که کافر است پلید هم هست.

س

- مرتد فطری بعد از توبه و اسلام، راجع به عیال دائمی‌اش که او هم مرتد بوده، اگر توبه نماید چه حکمی دارد و اگر توبه نکند حکمش چیست و اگر این مرتد فطری اظهار اسلام می‌کند و لکن آن احکامی که بعد از توبه علماء فرموده‌اند

صفحه : ۴۴

نسبت به خودش و عیالش و اموالش اجراء نمی‌کند تکلیف دیگران با او چیست؟.

ج

- بنظر حقیر، مرتد بعد از توبه، پاک است چه مرد باشد و چه زن و عبادات او صحیح است و جائز است همان زنی را که در حال ارتداد داشته ثانیاً عقد کند در صورتی که طرفین توبه نمایند و اموال او نیز که منتقل به ورثه شده اگر رضایت داشته باشند اشکالی ندارد.

س

- گروهی از مردم که آنان را اهل حق یا علی‌اللهی می‌گویند طریقی برای خود قرار داده‌اند مثلاً اظهار می‌دارند که روزه ماه مبارک رمضان سه روز است بدون نماز و به جای نماز نیاز دارند و طریقی آنها چنین است که نذری می‌کنند و هر سال گوسفندی ذبح و برنج زیادی طبخ و گوشت داخل نان گذاشته بین مردم قسمت می‌کنند و شیطان را از جمله خوبان می‌دانند و شارب گذاشتن را بر خود لازم و گرفتن آن را حرام می‌دانند و منکر قیامت هستند و کیفر اخروی را در دنیا معتقدند مثلاً اعتقادشان اینست، که اگر کسی عملش خوب باشد به قالب حیوان خوب و اگر عملش بد باشد به قالب حیوان بد انتقال می‌یابد حضرت علی علیه السلام را

نعوذ بالله خدا می‌داند آیا این گونه افراد مسلمان هستند یا نه و شرعا از نیاز آنها خوردن چه صورت دارد و زن دادن و زن گرفتن از آنان اشکال شرعی دارد یا نه؟.

ج

- اگر نعوذ بالله علی علیه السلام را خدا بدانند و هم چنین اگر منکر معاد و یا یکی از ضروریات دین مثل نماز و یا روزه بوده باشند کافر و نجس می‌باشند، و زن دادن و یا زن گرفتن از ایشان جائز نیست.

س

- شخص مسلمان بهائی شده اگر دوباره بخواهد مسلمان شود اسلام او قبول می‌شود و در زمره مسلمانان است یا نه؟.

ج

- بلی می‌تواند مسلمان شود و پاک می‌شود و عبادات او هم صحیح است و می‌تواند با زن مسلمان ازدواج کند بلکه عیال اوّل را هم بعقد جدید می‌تواند بگیرد.

س

- مرتدّ به چه اشخاصی گفته می‌شود و اگر پدر و مادر، هر دو مرتدّ

صفحه : ۴۵

باشند و در حال ارتداد فرزندی از آنان متولّد شود حکم مرتدّ را دارد یا نه؟.

ج

- مرتدّ به کسی گفته می‌شود که مسلمان باشد و بعد کافر شود. و طفل متولّد از دو مرتدّ در حکم کافر است و مرتدّ نیست.

زمین از مطهرات است

س

- آیا زمینی که از موزائیک و آجر و آسفالت و چمن و پلاستیک مفروش است کفش نجس را پاک می‌کند یا نه؟.

ج

- مطهریّت زمین مفروش به آجر و موزائیک که مخلوط از سنگ و سیمان است بعید نیست و امّا آسفالت و چمن و پلاستیک، مطهر نیست.

س

- در شرائط فعلی که اغلب خیابانها و کوچه‌ها آسفالت شده آیا برای پاک شدن کف پا و کفش، راهی به نظر می‌رسد یا نه؟.

ج

- اگر خاک، روی آن را گرفته باشد پاک می‌کند و الا مشکل است.

مشکوک الطَّهارة محکوم به طهارت است

س

- یافتن فضله موش در خمیر و یا در نان، چه صورت دارد؟.

ج

- از همان موضعی که با آن ملاقات کرده اجتناب نمایند و بقیه محکوم به طهارت است.

س

- با اشخاص لا ابالی که چندان پای‌بند به قیود دینی نیستند معاشرت چه صورت دارد؟.

ج

- با شک، در نجاست، محکوم به طهارت‌اند و معاشرت با آنها جائز است.

س

- در رساله شریفه عملیه مسأله ۱۰۷ و ۱۰۸ فرموده‌اید (کفار نجسند و تمام رطوبات بدن آنها نیز نجس است) اکنون بفرمایید آیا دواهایی که در بازار مسلمین بیع و صرف می‌شود و مصنوع دست آنها است، محکوم به طهارت است؟.

ج

- اگر یقین نداشته باشید که به بدن کافر رسیده و شک در نجاست آن داشته باشید محکوم به طهارت است.

س

- بنده مسافر خانه‌چی هستم در مسافر خانه‌ام افراد مختلف و دارای ادیان مختلف می‌آیند و گاه می‌شود که مأمور دولت، یک نفر خارجی را می‌آورد و

ج

- اگر شك دارید که رختخواب را نجس کرده باشد تکلیفی بر شما نیست و می‌توانید آن را به دیگران بدهید.

س

- زنی که غسل بلد نیست و نماز هم نمی‌خواند می‌شود از غذائی که او درست کرده خورد یا نه؟.

ج

- مادامی که آن زن متهمه و بی‌مبالات در نجاست و طهارت نباشد خوردن غذاهائی که با مباشرت او درست می‌شود اشکال ندارد.

س

- کسی از محل غائط رطوبتی شبیه به چرک می‌بیند و از آن محل، حسّ سوزش هم می‌کند آیا این رطوبت پاک است یا نه؟.

ج

- با شك در خروج غائط، محل، محکوم به طهارت است.

س

- هنگامی که برف و یا باران در کوچه‌های خاکی می‌بارد و سگ هم در آنجا رفت و آمد می‌کند اگر به لباس به باشد چه صورت دارد بعد از خشک شدن و تراشیدن، شستن لازم است یا نه؟.

ج

- با احتمال طهارت، محکوم به طهارت است و تراشیدن و تطهیر، لازم نیست.

س

- هر گاه فضله موش در حبوب دیده شود جستجوی در آن لازم است که شاید باز هم باشد و اگر جستجو نکرده آن گندم را آرد کردند آن آرد محکوم به طهارت است یا نه؟.

ج

- با شك، فحص، لازم نیست و آرد آن، محکوم به طهارت است.

س

- لباسهایی را که به لباس شویی و باصطلاح، اطوשוئی می‌دهند چه صورت دارد چون غالباً اشخاصی که پرهیز از نجاسات نمی‌کنند و یا اصلاً طهارت نمی‌گیرند به همین لباس شوییها لباس می‌دهند در این صورت می‌شود به آن‌ها لباس داد جهت شستن یا

نه و هم چنین همان اشخاص با ما معاشرت دارند تکلیف ما با آنها چیست؟.

ج

- با شک در نجس شدن، محکوم به طهارت است و با شک در پاک

صفحه : ۴۷

شدن، محکوم ببقاء نجاست است مگر این که بگوید تطهیر کردم یا بدانید تطهیر کرده، و در معاشرت با اشخاص آن چه را علم به نجاست دارید، اجتناب کنید و مشکوکات، محکوم به طهارت است و وسوسه، متابعت شیطان و حرام است.

س

- اگر انسان ببیند و یقین حاصل کند که در فلان مهمان خانه و رستوران یک بار، مشروب الکلی خورده شد آیا می‌تواند در آن مهمان خانه و رستوران بعدا غذا بخورد یا نه؟.

ج

- اگر ظرفی را که فعلا می‌خواهد در آن، غذا بخورد شک در پاک بودن آن داشته باشد محکوم به طهارت است و اشکال ندارد.

س

- استعمال ادکلن اعم از داخلی و خارجی، جائز است یا نه؟.

ج

- حقیر از مواد آن اطلاع ندارم بلی اگر علم نداشته باشید که از چیز نجس ساخته شده یا با نجسی ملاقات نموده محکوم به طهارت است.

س

- بر فرض آن که فضلات طیور حرام گوشت نجس باشد، فضله طیر مجهول الحال برای جاهل به آن، محکوم به طهارت است یا نجاست؟.

ج

- بنظر حقیر فضله طیر حرام گوشت طاهر است و بنا بر نجاست، در صورت شک، محکوم به طهارت است.

منتجسی منجسی است

س

- در موضوع تنجیس متنجس، در عروه الوثقی می‌فرماید (الا- قوی انّ المتنجس منجس کالتنجس) و بعضی از مراجع می‌فرمایند (علی الاحوط) آیا حضرت عالی با عروه موافقید؟

ج

- نظر این جانب با عروه الوثقی مطابق است و در هر موردی که علم به ملاقات با نجس یا متنجس، حاصل شود محکوم به نجاست است.

س

- قاعده واسطه در نظر حضرت عالی چگونه است چون بعضی می‌گویند اگر کسی دست نجس مثلاً- به ظرفی زد ظرف، نجس می‌شود اما اگر غذا در آن ظرف ریخته شد نجس نیست چون واسطه خورده، و بعضی می‌گویند غذا هم نجس می‌شود لیکن دست کسی که غذا می‌خورد نجس نخواهد شد؟

ج

- ملاقات با نجس یا متنجس، با رطوبت مسریه بنظر حقیر موجب

صفحه : ۴۸

تنجس است و فرقی بین واسطه اول و دوم و وسائط بعد نیست.

حکم پیوند عضوی از انسان یا حیوان به انسان و حکم تزریق خون

س

- اگر جزئی از اجزاء میت بظاهر بدن انسان زنده وصل شود چنانچه حیات در آن دمیده باشد جزء بدن انسان محسوب می‌شود یا نه؟ و قبل از حلول حیات چون مضطرّ در حمل آن است در حال نماز احکام ضرورت بر آن جاری است یا نه؟

ج

- اگر حیات در آن حلول کرده جزء بدن انسان، محسوب می‌شود و اگر حیات، حلول نکرده چون حال ضرورت است نماز با آن جایز و لکن نجس است مگر این که از میت مسلمان بعد از غسل میت جدا شده باشد که در این صورت پاک هم هست.

س

- وصل کردن جزئی از حیوان نجس العین مانند روده سگ به روده انسان زنده در صورتی که بیمار، مضطرّ به چنین عملی باشد چه صورت دارد؟

ج

- مانعی ندارد.

س

- جدا نمودن بعضی از اجزاء بدن مسلمان محتضر و وصل آن به بدن انسان زنده چه صورت دارد و آیا دیه به آن تعلّق می‌گیرد یا نه و در صورت تعلّق، نسبت به اجزاء فرق می‌کند یا نه؟.

ج

- جائز نیست و دیه به آن تعلّق می‌گیرد و در تعلّق دیه فرقی بین اجزاء نیست و تفصیل دیه هر عضوی در کتب مفصّله ذکر شده است.

س

- به زنان مسلمان در بیمارستان به دستور دکتر، تزریق خون می‌نمایند. بفرمایید تزریق خونی را که معلوم نیست خون مرد است یا زن و خون کافر است یا مسلمان چه حکمی دارد؟.

ج

- با تجویز طبیب، تزریق خون زن به مرد و بالعکس و خون کافر به مسلمان مانعی ندارد.

س

- پیوند بعضی از اجزاء میت به بدن انسان چه صورت دارد؟.

ج

- پیوند فی نفسه مانع ندارد لکن جدا کردن اجزاء میت مسلمان، مثله و حرام است و اگر جدا شده، دفن آن واجب است بلی در خصوص دندان میت اگر

صفحه : ۴۹

جدا شده مانعی نیست که به جای دندان حیّ بگذارند.

س

- پیوند بعضی از اجزاء بدن میت به بدن انسان زنده چنانچه ضرورت اقتضاء کند چه صورت دارد؟.

ج

- اگر ضرورت اهمّ اقتضاء کند نظیر حفظ نفس محترمه، جائز است.

احکام تخلی

س

- در موقع ساختمان منزل بر اثر نداشتن قبله‌نما و اطلاع کامل از قبله، سنگ توال را به شکلی کار گذاشته‌ام که مقداری میل بقبله دارد اکنون اگر خلاف ادب و حرام باشد خراب نموده دوباره بنا کنم؟.

ج

- ظاهراً اشکالی ندارد ولی نظر به این که ممکن است کسی از روی غفلت، منحرف بنشیند و رو بقبله شود عوض کردنش بهتر است.

س

- محل غائط را که انسان بخواهد با آفتابه تطهیر کند چنانچه قبل از ریختن آب، دست به محل غائط برسد کیفیت تطهیر فرق می‌کند که باید تکرار شود یا همان آب ریختن یک مرتبه که رفع لزوجت کند کافی است؟.

ج

- همان ریختن یک مرتبه کافی است.

فاصله بین چاه آب و چاه مستراح

س

- در حیاط کوچکی چاه آب آشامیدنی است و در پنج متری آن، چاه مستراح است آیا استفاده از چاه آب آشامیدنی، اشکال دارد یا نه؟.

ج

- اگر آب چاه به واسطه مجاورت با چاه مستراح رنگ یا بو یا طعم آن تغییر نکرده باشد، استفاده از آن مانع ندارد اگر چه مستحب است در زمین محکم پنج ذراع و در زمین سست هفت ذراع بین چاه بالوعه و چاه آبی که از آن استفاده می‌کنند فاصله باشد.

مسائل متفرقه طهارت

س

- شخصی برای سکونت خود خانه‌ای می‌سازد. یکی از عملها بدون اجازه صاحب خانه از داخل حمامی که در خانه است طشتی برمی‌دارد و آن طشت را در گل کاری و گچکاری بکار می‌برد و زن صاحب خانه که کارهای خانه

با اوست اظهار می‌کند طشتی که این عمل از حَمَام برداشته یقیناً نجس بوده و از این جهت تمامی این عمارت و ساختمان با گل نجس ساخته شده و باید از آن اجتناب کرد حتی گاهی که مقداری خاک از زمین یا سقف و یا دیوار اطاقها می‌ریزد همه آنها را نجس می‌داند و در نتیجه زندگی برای او مشکل شده است و ناگفته نماند که عملی که طشت را از داخل حَمَام برداشته معلوم نیست بالغ بوده یا غیر بالغ و طشت را آب کشیده یا نه حکم مسأله را از نظر طهارت و نجاست بیان فرمائید.

ج

- در مورد سؤال، هر جائی از خانه که با گل و گچ ساخته شده در آن طشت، تعمیر گردیده نجس است، لکن اگر زن مذکور مبتلی به وسواس باشد قول او حجت نیست و در این صورت هر جائی از خانه که علم به نجاست آن حاصل شود لازم الاجتناب و مواضع مشکوک محکوم به طهارت است و بر فرض نجس بودن هم، چنانچه با شلنگ متصل بکتر، مواضع نجس را تطهیر کنند ظاهر آن پاک می‌شود.

س

- اگر شک کند که آیا بول یا غائط از مخرج تجاوز کرده یا نه آیا می‌توان بنا را بر عدم تجاوز گذارد یا خیر؟

ج

- با این اصل، عدم تعدی، ثابت نمی‌شود، و در صورتی که بداند به محلی رسیده و شک کند که آیا تعدی فاحش شده یا نه محکوم به طهارت است.

س

- کسی که عادت او شستن مخرج بول و غائط و استبراء است، اگر زیاد شک می‌کند که آیا مخرج بول و غائط را شسته یا استبراء کرده چه کند؟

ج

- اگر وسواسی است، به احتمال شستن و استبراء، با فرض اعتیاد، اکتفا کند و اما اگر متعارف است محکوم به نشستن و عدم استبراء است.

س

- بیخ ناخن و روی لبها گاهی ریشه می‌روید و پوست اضافی دیده می‌شود آیا اگر خودمان آن را بکنیم و احساس درد نشود و محل آن خون نیاید نجس است یا نه و اگر احساس درد بکنیم ولی خون نیاید حکم آن چیست؟

ج

- در صورت دوم که احساس درد می‌شود احتیاط، اجتناب است.

س

- کسی که دندان‌ش را پر می‌کند هنگامی که دهانش خونی می‌شود لازم است داخل دهان را نیز آب بکشد یا نه؟.

صفحه : ۵۱

ج

- احتیاطاً دهن را آب بکشد.

س

- انفحه حیوان مرده و هم چنین پستان و شیر موجود در آن در صورتی که حیوان، مرده باشد چه صورت دارد و اگر در مسأله، خلافی هم باشد اشاره فرمائید.

ج

- در صورتی که انفحه از میته باشد ظاهر آن را آب بکشند و شیر موجود در پستان، طاهر است و تماس داشتن آن با پستان، موجب نجس شدن آن نمی‌شود و فعلاً- خلافی در مسأله بنظر نمی‌رسد. بلی در لبن غیر مأكول اللحم خلاف است و در مأكول اللحم هم احوط، اجتناب است.

س

- در بعضی جاها چاه آشپزخانه با چاه مستراح یکی است و مقداری از غذا ممکن است میان مستراح بریزد این کار چه حکمی دارد؟.

ج

- اقوی ترک این کار است و چاه آشپزخانه را جدا حفر کنند و به نعمت خداوندی احترام بگذارند.

س

- به علت کمی آب شهر و این که متناوباً قسمتهائی از آب محلّات را قطع کرده و پس از چند ساعت شیرها را باز می‌کنند اگر شک شد که آب جاری از شیر ساختمان متصل بماده است و یا مقداری از هوا این اتّصال را قطع کرده آب مزبور چه حکمی دارد؟.

ج

- در صورت علم به اتّصال منبع با آب لوله اگر شک کنید که اتّصال باقی است یا قطع شده ترتیب دادن احکام بقاء اتّصال مانع ندارد و اتّصال محکوم ببقاء است.

س

- موقع دوشیدن شیر، روی آن، کف جمع می‌شود. اگر قطعه خونی خشک روی آن کف افتاد شیر نجس می‌شود یا نه؟.

ج

- اگر آن خون و کف اطراف آن را که با خون تماس پیدا کرده، طوری بردارند که با شیر ملاقات نکند و هنوز در زیر کف نجس، باز کف، موجود باشد طهارت شیر، بعید نیست.

س

- کود شیمیایی که یک نوع آن سیاه است و نوع دیگر سفید، پاک است یا نجس؟.

صفحه : ۵۲

ج

- اگر آن را از عین نجاست تهیه می‌کنند نجس است و اگر نوعی از آن از عین نجاست و نوع دیگر، چیز دیگر است و ممیز می‌باشد، آن نوعی که از نجاست نیست پاک است بلی اگر عین نجاست، استحاله شود مثل آن که عذره، خاک شود پاک است.

س

- گوشت و تخم مرغ نجاستخوار، نجس است یا خیر.

ج

- نجس نیست ولی حرام است.

س

- کسی در بعضی از موارد، شک در طهارت و نجاست چیزی دارد که اگر قدری تجسس و کنجکاوی کند یقین به نجاست آن پیدا می‌کند حال آیا وظیفه دارد که کنجکاوی کند یا آن که محکوم به طهارت است؟ سؤال دیگر آن که اگر چیزی بر حسب واقع، نجس باشد و انسان چون علم به نجاست آن ندارد معامله طهارت با آن می‌کند آیا در عبادت از نظر ثواب، نقصانی حاصل می‌شود یا نه و آیا غذایی که نجس است اگر انسان علم به نجاست آن نداشته باشد و بخورد اثر وضعی در روح و اخلاق او دارد یا نه؟.

ج

- ۱- با شک در نجاست و طهارت، محکوم به طهارت است و تفحص لازم نیست. ۲- احکام نجاست مختلف است پس اگر با بدن یا لباس نجس ندانسته نماز بخواند نماز صحیح است و ثواب آن کم نمی‌شود و اگر با آب نجس وضو بگیرد، وضو باطل و نماز با

آن وضو نیز باطل است و در آثار وضعی، بعید نیست، نجس، اثر خود را داشته باشد.

س

- در مسأله ۷۴ از توضیح المسائل فرموده‌اید: آبی که گاهی بعد از ملاعبه و بازی کردن از انسان خارج می‌شود و به آن مذي می‌گویند پاک است در صورتی که قبل از بیرون آمدن این آب، شخص با شهوت بوده باشد. چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض سؤال اگر بداند که مذي خارج شده و محل هم پاک بوده مجرّد شهوت قبل از خروج، منافات با پاکی آن ندارد.

س

- اگر میت حیوانی خارج از آب باشد و آب به وسیله مجاورت با میت، متعفن شود آیا این آب، نجس می‌شود یا نه؟.

صفحه : ۵۳

ج

- با فرض این که میت با آب ملاقات نداشته و در مجاورت آن، آب، بو گرفته پاک است.

س

- اگر از گل متنجس، گلاب بگیرند گلاب آن پاک است یا نه؟.

ج

- احوط بلکه اقوی لزوم اجتناب از آن است.

س

- معاشرت با افرادی که مشروب می‌خورند و ربا می‌گیرند و به فرایض دینیّه نیز پشت پا می‌زنند و بی‌اعتنایی می‌کنند چگونه است و بطور کلی ترک معاشرت با ایشان چه صورت دارد؟.

ج

- در صورتی که منکر ضروری اسلام نباشند مسلمان و پاک هستند لکن ترک معاشرت با تارک الصلّاه و شارب الخمر بهتر است مگر آن که بتواند با معاشرت، ایشان را هدایت نماید و امر بمعروف و نهی از منکر کند.

س

- با شایع بودن این که می‌گویند اهل تسنن عدل و امامت و یا عصمت آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین را قبول ندارند آیا پاکند یا نجس و جزء کفار محسوبند یا نه؟.

ج

- مسلمان هستند و پاک مگر نواصب و خوارج و اشخاصی که بغض اهل بیت عصمت را داشته باشند.

س

- این جانب سرباز وظیفه، .. از همدان، در پادگان همدان چند نفر سنی هستند که با ما هم غذایند و با ما حمام می‌آیند در صورت اشکال، فدوی را راهنمایی فرمائید.

ج

- معاشرت با آنان اشکال ندارد آنها هم مسلمان و برادران دینی ما هستند. هم غذا باشید و با یکدیگر مودت داشته باشید. امید است به برکت شما آنها هم مستبصر شوند. خداوند بر توفیق شما بیافزاید.

س

- مقداری پشم، شسته شده و در محلی برای خشک شدن ریخته‌اند در موقع جمع آوری، متوجه شدند که چندین سگ میان پشم‌ها هستند و از موی آنها در تمام پشم ریخته شده در این صورت می‌توانند این پشم را به مصارفی که طهارت شرط آن است برسانند یا نه؟.

صفحه : ۵۴

ج

- موی سگ نجس و نیز نماز در آن باطل است و اگر علم دارند که موی سگ مخلوط آن پشم است نمی‌شود آن را به مصارفی که طهارت شرط آن است برسانند لکن در مصارفی که شرط آن طهارت نیست مثل آن که جوف لحاف یا متکا بگذارند و با رطوبت ملاقات نکند، جواز آن بعید نیست.

س

- حمامی است که چندین دوش دارد و بدن بسیاری از کسانی که زیر دوش‌ها می‌روند آلوده به نجاست است و آب که از حمام بیرون می‌آید بوی بد می‌دهد اکنون آیا این آب پاک است یا نجس و باید اجتناب کرد؟.

ج

- در فرض سؤال آبی که از حمام خارج می‌شود اگر متصل به منبع نباشد بمجرّد ملاقات با نجس، نجس می‌شود و اگر متصل به منبع باشد در صورتی نجس می‌شود که به ملاقات نجاست بوی نجاست گرفته باشد و در غیر این صورت، محکوم به طهارت است.

س

- موش، در خم ماهی افتاده و مرده است، آیا ماهی، قابل تطهیر و خوردن است یا نه؟.

ج

- قابل تطهیر است و بعد از تطهیر، خوردن آن جائز است.

س

- مقداری گندم با فضله موش، مخلوط و آرد شده راهی برای تطهیر آرد مزبور هست یا نه؟.

ج

- راهی برای تطهیر آن بنظر نمی‌رسد.

س

- بعضی از خرگوشها را می‌گویند (بز پا) یعنی سم دار، و گفته می‌شود که حلال هستند. آیا این مطلب، صحیح است و یا مطلق خرگوشها حرام گوشت می‌باشند و بر فرض حرام گوشت بودن، آیا نجس هم هستند یا نه؟.

ج

- خرگوش مطلقا حرام است و فرق بین اقسام آن نیست ولی پاک است.

س

- یک دانه گندم متنجس، در میان یک خروار گندم افتاده این هم داخل شبهه محصوره است که اجتناب لازم است یا داخل در شبهه غیر محصوره که اجتناب از آن لازم نیست؟.

ج

- بلی داخل در شبهه محصوره است و اجتناب از آن لازم می‌باشد.

صفحه : ۵۵

س

- شخصی مثلا دو ظرف نجس دارد یکی را طاهر کرد و بعد از تطهیر، مشتبه شد که کدام یک را طاهر کرده. هر گاه یکی را با رطوبت ملاقات کرد ملاقی نجس می‌شود یا نه؟.

ج

- در فرض مزبور، اجتناب از ملاقی، لازم است.

س

- شخصی ضربه به ناخنش وارد آمده و در زیر ناخن خون بسته.
بعد از چند روز دیگر، زیر ناخن سوراخ شده و آب به زیر ناخن می‌رود و برمی‌گردد.
آیا آبی که برمی‌گردد طاهر است یا نه؟

ج

- اگر آب قلیل، در زیر ناخن با خون ملاقات کرده و برگشته، آن آب، منتجس است.

صفحه : ۵۶

مسائل وضوء

اعتبار قصد غایت در وضوء

س

- شخص در موقع وضو گرفتن همین قدر که بگوید وضو می‌گیرم (قربۀ إلی الله) کافی است و یا باید یکی از غایات را که مطلوب است در نظر بگیرد و نیت کند؟

ج

- اگر مقصود از وضو گرفتن طاهر شدن باشد، (قربۀ إلی الله) کافی است و اگر مقصود، شستن صورت و دست باشد کافی نیست.

اعانت غیر در وضوء

س

- شخصی می‌خواهد وضو بگیرد. اگر از کسی خواهش بکند که تلمبه بزند و به واسطه تلمبه زدن، آب از چاه بالا آمده شخص وضو گیرنده، صورت و دست خود را بقصد وضوء زیر تلمبه گرفته آب جاری شود و یا این که کف دست را زیر لوله تلمبه بگیرد و آب را به اعضای وضوء برساند آیا اعانت غیر حساب می‌شود و مبطل وضوء است یا نه؟

ج

- در صورت اول اگر شخصی که تلمبه می‌زند بقصد وضو دادن کسی که وضو می‌گیرد نباشد وضو صحیح است و در صورت دوم چون وضو مستند به کسی غیر از خود شخص وضو گیرنده نیست، مانعی ندارد.

وضوء قبل از وقت

س

- در وضوی قبل از وقت که داعی، نماز در وقت است، اگر به قصد قرائت قرآن و غیره وضو بگیرد می‌فرماید چنانچه بنحو داعی بر داعی باشد مانعی ندارد. آیا منظور این است که فعلاً بقصد قرائت قرآن وضوء بگیرد و در نظر داشته باشد که اگر وضو باقی بود در وقت، با همان وضو نماز بخواند تا در آنجایی که داعی وضو، نماز بعد از دخول وقت نیست و رأساً برای غایات دیگر وضو می‌گیرد جائز نباشد که در وقت، با آن، نماز بخواند؟ مسأله را مشروحاً بیان فرمائید.

ج

- مقصود این است که اگر کسی به داعی آن که در وقت، نماز بخواند پیش از وقت بقصد غایات دیگری وضو بگیرد که داعی او بر وضو به این قصد، نماز در وقت باشد وضویش صحیح است و می‌تواند در وقت با آن، نماز بخواند و هم چنین اگر پیش از وقت مستقلاً بقصد یکی از غایات، وضو گرفت و تا بعد از دخول وقت، وضو باقی باشد نماز با آن وضو صحیح و بی‌اشکال است.

وضوء در زیر باران

س

- وضوء گرفتن در زیر باران که قطرات آب در حال وضوء گرفتن به اعضای وضوء می‌رسد و با آب وضو مخلوط می‌شود جایز است یا نه و بر فرض جواز، به چه نحو وضو بگیرد که صحیح باشد؟.

ج

- هر چه از قطرات باران به اعضاء وضو می‌رسد قصد وضو به آن بنماید و بعد از شستن دست چپ مواظبت کند که باران به کف دستهای او اصابت نکند که مسح با آب وضو انجام شود.

تجدید وضوء ثالثاً و رابعاً

س

- بعد از وضوء اول، تجدید وضو نمودم و بعد از دخول وقت نماز ظهر مثلاً- باز وضو گرفتم که جمعاً سه وضو شد چه صورت دارد؟.

ج

- بقصد تجدید صحیح است و لو ثالثاً و رابعاً.

وضوء ارتماسی

س

- در وضوی ارتماسی که دستها را در میان آب فرو می‌برند و بیرون می‌آورند آیا دست کشیدن هم لازمست یا نه؟.

ج

- با آن که شستن تمام دست را به عنوان وضو قصد کرده دست مالیدن لازم نیست.

س

- اگر صورت را وضوی ارتماسی بدهد بعد یک مرتبه یک مشت یا دو مشت آب بریزد و دست بکشد بعد دست راست و چپ را بشوید چه صورت دارد؟ آیا وضویش صحیح است یا نه؟.

ج

- اگر آب ریختن بعد از ارتماس بقصد غسل استجبایی باشد، اشکال ندارد و شستن دوم مستحب است.

غسله سوم در وضوء

س

- در مسأله وضو فرموده‌اید که شستن مرتبه سوم، حرام است اکنون آیا وضو هم باطل می‌شود یا نه؟.

ج

- در بعضی از موارد موجب بطلان است مثل این که قصد داشته باشد که تشریعا وضو را با سه غسله به جای آورد. و اما اگر قصد تشریع نداشته باشد، در صورت و دست راست وضوء صحیح است. و در دست چپ، چون غسله ثالثه مستلزم مسح به آب جدید است موجب بطلان وضو است.

وضوء در منظر نامحرم

س

- اگر زن ببیند که مرد اجنبی او را مشاهده می‌کند و وضو بگیرد آیا وضوی او صحیح است؟.

ج

- در صورتی که مکان وضو منحصر به همین مکان باشد وضوی او باطل است و در غیر این صورت، معصیت کرده لکن وضوی او صحیح است.

س

- هر گاه وضو گرفتن زن منحصر به حضور نامحرم باشد چه کند و بر فرض وجوب تیمم جایی که ممکن نباشد چه تکلیفی دارد؟.

ج

- گر چه فرض، خیلی بعید است چون در زیر چادر نیز می‌توان وضو گرفت لکن در فرض مزبور که وضو و تیمم هر دو ملازم با نظر اجنبی است نامحرم را از نگاه کردن نهی کند و وضو بگیرد و بر فرض که نهی اثر کند هر یک از وضو و تیمم که کمتر مستلزم نگاه نامحرم باشد اختیار کند و اگر مقصود، نبودن چیزی است که تیمم به آن صحیح است نامحرم را از نگاه کردن نهی کند و وضو بگیرد.

س

- در دهات، زنها لب جوی آب در مناظر نامحرم وضو می‌گیرند آیا وضوی آنها صحیح است؟.

ج

- در فرض سؤال، لازم است مراعات حفظ بدن از نامحرم بنمایند و لکن وضوی آنها صحیح است.

س

- در مکانی که زن اجنبیه هست آیا بر مرد لازم است که سر خود را به پوشاند یا نه و در صورت لزوم، آیا موقع وضوء هم، پوشانیدن سر، لازم است یا نه و اگر نپوشاند، وضوء اشکال پیدا می‌کند یا خیر؟.

ج

- بر مرد، پوشانیدن سر، از اجنبیه واجب نیست و وضوء، در این حال اشکال ندارد. بلی اگر می‌داند که اجنبیه عمدا نظر می‌کند، احتیاط این است که در صورت امکان، در غیر آن محل، وضوء بگیرد ولی اگر وضوء گرفت، با عدم انحصار مکان، وضویش صحیح است.

وضوء با کفش یا محمول غصبی و یا در مکان غصبی

س

- هر گاه محمول غصبی بفعل وضوئی متحرک شود وضوء فاسد است یا نه و بر فرض فساد بین حرکت بالاصاله و یا بالعرض فرقی هست یا نه؟.

ج

- در صورتی که افعال وضو مستلزم تصرف در غصب باشد وضوء باطل است.

س

- هر گاه شخص عمدا در کفش غصبی وضو گرفت، چه صورت دارد؟.

ج

- اشکال ندارد.

س

- در شرط سؤم وضوء در توضیح فرموده‌اید در صورت غصبی بودن محل ریختن آب وضو اگر جای دیگر نمی‌تواند وضو بگیرد وضو باطل و اگر

صفحه : ۶۰

می‌تواند، وضو صحیح است فرق این دو را بیان فرمائید.

ج

- فرق این است که با انحصار مصب، امر به وضوء نیست و با عدم انحصار، امر به وضو دارد هر چند صب، در مکان غصبی، حرام است.

س

- هر گاه زمینی جهت قبرستان وقف شود یا این که زمینی در اطراف امام زاده، محل دفن اموات شود بعدا مقداری از آن قبرستان یا زمین امام زاده را حوض کنند، وضوی در آن حوض چه صورت دارد مخصوصا اگر در خود آن قبرستان یا زمین امام زاده چاه بزنند و آب از آن چاه باشد.

ج

- در مورد سؤال صحّت وضوء بعید نیست.

وضوء یا تیمّم کسی که دست یا پایش قطع شده

س

- شخصی دستش از مرفق قطع شده تیمّم نماید یا باید وضوء بگیرد و اگر واجب باشد که وضوء بگیرد به چه نحو به جا بیاورد؟.

ج

- در فرض مذکور اگر خودش می‌تواند، صورتش را بشوید، مثلا صورت را در آب فرو برد و بقصد شستن وضوئی از آب، خارج نماید با رعایت ترتیب، و شخص دیگری با رطوبت صورت، سر و پاهای او را مسح نماید و اگر نمی‌تواند مثل آن که آب کز و یا جاری نباشد دیگری صورت او را بشوید و سر و پایش را مسح کند.

س

- شخصی که یک دست و یا دو دست و یا یک پا و یا دو پای او را قطع کرده‌اند و جای مسح ندارد تکلیفش چیست و طریقه وضو و تیمّم او چگونه است؟.

ج

- کسی که یک دست یا دو دست او را از بالای مرفق قطع کرده‌اند شستن از او ساقط است و اگر از مرفق به پائین، چیزی باقی است آن را بشوید و اگر یک دست دارد مسح سر و پا را با همان یک دست بکشد و اگر هیچ دست ندارد با دست غیر، از آب صورت

مسح بکشد و کسی که پای او را قطع کرده‌اند اگر از قدم چیزی باقی است بهمان مسح بکشد و الا مسح ساقط است و طریقه تیمم کسی که دست او قطع شده اینست که اگر یک دست او قطع شده دست دیگر را به زمین بزند و پیشانی را با آن مسح نماید و بعد پشت دست را به زمین بزند و احتیاط

صفحه : ۶۱

آنست که اگر ممکن باشد بین تیمم بنحو مذکور و تولیت غیر، جمع کند، به این که شخص دیگر دست خود را به زمین بزند و پشت دست او را مسح نماید و چنانچه هر دو دست او قطع شده پیشانی خود را به زمین مسح کند و در این صورت نیز احوط تولیت غیر است اگر ممکن باشد به این که دیگری دست‌های خود را به زمین بزند و به پیشانی او مسح نماید و در هر دو صورت اگر ذراع قطع نشده احتیاط این است که به ذراع هم تیمم کند.

س

- شخصی پای راستش تا زانو قطع شده، مسح کشیدنش به چه کیفیت می‌باشد.

ج

- مسح پای قطع شده لازم نیست.

س

- اگر شخصی یک دست او شکسته و تا آرنج گچ گرفته شده و قابل حرکت نباشد یا اصلاً یک دست ندارد، و نائب برای وضوء یا تیمم پیدا نمی‌کند، تکلیفش چیست؟.

ج

- کسی که یک دست ندارد به طوری که از موضع شستن برای وضوء چیزی باقی نمانده، صورت را با یک دست می‌شوید، و خود دست موجود را زیر شیر آب می‌گیرد از آرنج تا سر انگشتان و با همان یک دست سر و پاها را مسح می‌نماید و اگر یکی از دستها قطع نشده ولی به کلی از کار افتاده و حرکت ندارد باید بنحو متعارف وضوء بگیرد، و با کمک دست سالم با دست معیوب مسح نماید و اگر ممکن نیست، با دست سالم سر و پا را مسح کند.

س

- شخصی یک دست او قطع شده یا بسته است چگونه وضوء بگیرد؟ ارتماسی، یا نایب بگیرد؟.

ج

- در صورتی که از مرفق قطع شده و جز با شستن دست به ارتماس راه دیگری ندارد، چنانچه آن دست سالم را ارتماسا بعد از شستن صورت زیر آب برد و بیرون بیاورد بقصد وضوء و با آن سر و پاها را مسح کند صحیح است و اشکال ندارد و در صورت قدرت بر وضوء با کیفیت مذکوره نیابت جائز نیست.

س

- شخصی یک دست دارد و می‌خواهد تیمم کند آیا با همان یک دست می‌تواند به دو طرف صورت دست بکشد یا خیر؟.

ج

- با یک دست از یک طرف جبین شروع و در طرف دیگر خاتمه دهد به طوری که از رستگاه مو تا ابروها مسح شود.

اگر قبل از مسح، دست نجس شود

س

- هر گاه در بین وضوء یعنی پیش از مسح، دست، نجس شود و نتواند مسح بکشد بعد از تطهیر دست، از صورت و یا از مواضع دیگر وضوء رطوبت بگیرد و مسح نماید چه صورت دارد؟.

ج

- اگر بعد از تطهیر، دست را خشک کند و از سائر مواضع وضو رطوبت بگیرد و مسح کند ظاهراً اشکال ندارد.

اگر عضو لاحق را قبل از سابق مسح کند

س

- اگر در حال وضوء، سهوا کسی قبل از مسح سر، مسح پا را کشید آیا وضو باطل می‌شود و از نو باید وضوء بسازد یا نه؟.

ج

- مادامی که موالات بهم نخورده تکرار وضوء لازم نیست پا را خشک نموده و با رطوبت کف دست، سر را مسح کند و پا را بعد مسح نماید.

مسح با آب خارج

س

- کسی که قبل از مسح سر، شیر آب را که مقداری آب رویش می‌باشد ببندد بعد مسح کند وضویش چه صورت دارد و اگر کسی از روی جهل به مسأله، مدتی باین ترتیب وضو گرفت و نماز خواند نمازهایش چگونه است؟.

ج

- اگر رطوبت روی شیر آب به قدری باشد که منتقل به کف دست شود و با همان قسمت که آب خارج دارد مسح بکشد آن مسح باطل است و اما اگر رطوبت روی شیر آب به قدری کم باشد که به دست منتقل نشود بلکه رطوبت دست منتقل به آن شود یا آن که مسح سر را با غیر آن نقطه دست که آب خارج دارد بکشد وضو صحیح است و نسبت به نمازهای گذشته اگر احتمال صحت می‌دهد حکم به صحت نمازهای گذشته بعید نیست هر چند احتیاط آنست که آن مقدار نمازهایی را که یقین دارد به این نحو خوانده قضا نماید.

س

- در وضوء، قبل از مسح پا اگر انسان آب صورت خود را با دست

صفحه : ۶۳

پاک کند و دست روی ریش خود بگذارد و بعد از آن پا را مسح کند چطور است آیا آب خارج حساب نمی‌شود؟.

ج

- اقوی صحت وضوء و احوط ترك این عمل است.

اگر در مسح سر دست به پیشانی برسد

س

- هر گاه در موقع مسح سر، سهوا دست به پیشانی برسد وضوء باطل می‌شود یا نه؟.

ج

- وضو باطل نیست لکن احتیاط مستحب آنست که مسح پا را با آب کف دست بکشد و با آب صورت مخلوط نکند.

مسح باید به یک مرتبه انجام شود

س

- در مسح پا، آیا لازم است ماسح روی ممسوح با یک مسح کشیده شود مثلاً اگر شخصی به علت آن که یکی از انگشتان پای او مجروح و باند پیچی شده و قهراً باند تمام روی پا را فرا گرفته در هنگام مسح اول از طرف انگشتان، دست را زیر باند برده مسح نماید و بعداً دست را بیرون آورده از طرف برآمدگی دوباره زیر باند و جبیره ببرد و تا برآمدگی و کعب مسح نماید، چون با یک بار نمی‌تواند، چه صورت دارد؟.

ج

- احتیاط این است که هر عضو از سر و دو پا به یک مرتبه هر کدام مسح شود و چنانچه مقداری از پا را مسح کرد و دست را برداشت احتیاط این است که رطوبت اول را خشک کرده مجدداً تمام محل را به یک مرتبه مسح کند و در صورتی که یکی از انگشتها باند پیچی شده باشد از روی انگشتان دیگر به یک مرتبه مسح نماید تا برآمدگی پا و در فرض سؤال که تمام پا باند پیچی شده باید علاوه بر مسح بنحو مذکور در سؤال از روی باند هم احتیاطاً مسح بکشد و نیز بنا بر احتیاط تیمم هم بنماید.

تکرار مسح در وضوء

س

- هر گاه هر یک از محل مسح را سهوا دو مرتبه مسح کنند چه صورت دارد؟.

صفحه : ۶۴

ج

- مجرّد تکرار مسح، سهواً مبطل وضو نیست مگر در مسح سر، که خلاف احتیاط است.

س

- در وضو یک بار پا را مسح کردم ولی آب، خوب نگرفت لذا فوری دوباره مسح کردم آیا وضوی من درست است یا نه؟.

ج

- محل را خشک کرده و دوباره مسح نمایید بی اشکال است.

وضوء جبیره‌ای

س

- اگر موضعی از مواضع وضوء بضربتی کوبیده و سیاه شود ولی پوست آن خراشیده و زخم نشده باشد حکم جبیره بر آن جاری است یا حکم موضع سالم را دارد؟.

ج

- اگر چیزی بر آن بسته نیست و آب برای آن ضرر ندارد حکم سالم را دارد و اگر چیزی بر آن بسته است و باز کردن آن ممکن نیست یا آب برای آن ضرر دارد احتیاط لازم آنست که هم وضوء جبیره بگیرد و هم تیمّم نماید.

س

- هر گاه کف دست یا پا از کار کردن و یا از راه رفتن و یا در اثر سوختگی به اصطلاح تاول زند و آب زیر پوست جمع شود آیا آن پوست تاول پاک است و یا حکم میته را دارد و نجس است و هم چنین آبی که زیر پوست است پاک است یا نجس، و مادامی که آن پوست سوراخ نشده برای وضوء چه حکمی دارد؟.

ج

- پوست و آب مذکور، پاک است و اگر آب برای آن ضرر دارد یا چیزی بر آن بسته شده و باز کردن آن ممکن نیست چنانچه طوری باشد که به آن زخم بگویند وضوی جبیره بگیرد و اگر شک در صدق زخم نماید احتیاط لازم جمع بین وضوی جبیره و تیمّم است.

س

- در موضوع جبیره تعبیر به خرقه می کنند، آیا خرقه، موضوعیت دارد- که اگر از جنس پلاستیکی باشد کافی نباشد- یا نه؟.

ج

- حکم جبیره، در پلاستیک و نظائر آن نیز جاری است.

س

- شخصی که شغلش لا-ک الکل زدن به پنجره و کمد و سایر چیزهاست می گوید: با هر ماده‌ای شستشو می کنم باز رنگ لاک

الکل باقی است با این وضع، تکلیف او، راجع به وضوء و غسل چیست؟.

صفحه : ۶۵

ج

- واجب است که برای وضوء و غسل، آب به بشره برسد بنا بر این اگر رنگ مزبور، جسمیت داشته باشد و رفع آن ممکن نباشد وضوی جبیره و غسل جبیره نماید.

س

- اگر موی چشم را به جهت مرض، بچسبانند باید برای وضوء و غسل جبیره کرد. حال آیا تیمم هم لازم است یا نه؟.

ج

- احتیاطاً تیمم هم بنماید.

س

- مردی و یا زنی کلاه گیزی بر سرشان گذاشته‌اند آیا از روی آن، غسل و وضویشان صحیح است یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال، مسح از روی کلاه گیزی باطل است و در غسل، اگر با بودن کلاه گیزی، علم به رسیدن آب به بشره سر حاصل شود، غسل، صحیح و الاً باطل است.

حکم شک در مانعیت چیزی برای وضوء یا غسل

س

- با شک در جسمیت چیزی که در اعضاء وضوء یا غسل، است تکلیف چیست؟.

ج

- لازم است آن را ازاله نماید تا علم به وصول آب به بدن، حاصل نماید.

س

- آیا (سرمه کشیدن) به ابرو برای خانمها حرام است یا خیر؟.

وضوء و غسل آنها چه صورت دارد؟.

ج

- سرمه کشیدن بر ابرو حرام نیست ولی چنانچه جرمیت داشته باشد که مانع از رسیدن آب وضوء و غسل به محل آنها شود باید قبل از وضوء یا غسل برطرف شود.

مسائل متفرقه وضوء

س

- در وضوء با آفتابه بعد از آب ریختن بدست و علم به این که آب تمام دست را فرا گرفته دست کشیدن هم لازم است یا نه؟.

ج

- لازم نیست.

صفحه : ۶۶

س

- آیا شستن صورت در وضوء واجب است که با دست راست باشد یا نه؟.

ج

- واجب نیست.

س

- کسی که صورت خود را قبلاً جهت نظافت می‌شوید و بعد به نیت ارتماس، زیر آب می‌برد و یا این که با مشت، چند مرتبه پی در پی آب به صورت خود می‌ریزد چنانچه آب وضوء غلبه و استیلاء بر آب قبلی وضوی او داشته باشد چه صورت دارد صحیح است یا نه؟.

ج

- بلی صحیح است.

س

- قرآن مجید می‌فرماید: (فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ سوره مائده آیه ۶) برای وضوء، صورت و دستها را تا آرنج بشوید. حال لفظ (إلی) را که به معنی انتها است چگونه معنی کنیم؟.

ج

- آیه در مقام بیان مقدار لازم شستن است نه بیان کیفیت آن و خلاصه معنی آیه این است که دست تا مرفق باید شسته شود- نه زیادتر و نه کمتر.

س

- نظر حضرت عالی در باره استفاده از رنگهای مصنوعی برای مرد و زن چیست؟.

ج

- اگر جسمیت نداشته باشد که در مسح سر، حائل شمرده شود اشکالی ندارد.

س

- آیا در وضو شرط است که صورت و دستها قبل از وضوء خشک باشد یا نه؟.

ج

- لازم نیست.

س

- آیا می‌توان با آبی که عطر، در آن ریخته‌اند و خوشبو شده وضو گرفت و غسل کرد یا نه؟.

ج

- اگر عطر از اعیان نجسه مثل میته صاحب خون جهنده گرفته نشده باشد ریختن آن در آب و خوشبو شدن آب با آن اگر بعدی نباشد که آب را مضاف کند اشکال ندارد و وضوء و غسل با آن آب صحیح است.

س

- اگر کسی بقصد خواندن نماز در مسجدی با آبی که وقف

صفحه : ۶۷

نمازگزاران آن مسجد شده وضوء بگیرد بعد از تمام شدن وضوء، عذری پیش آید که نماز نخوانده از آن مسجد، خارج شود آیا می‌تواند با آن وضوء در مکان دیگری نماز بخواند یا نه؟.

ج

- صحّت وضوء و نماز با آن وضوء در جای دیگر بعید نیست لکن احوط آنست که در آن مسجد، نمازی بخواند هر چند دو رکعت نافله باشد.

س

- در مسائل استبراء توضیح المسائل مسأله ۷۷ فرموده‌اید: اگر انسان بعد از بول، استبراء کند و وضوء بگیرد چنانچه بعد از وضوء رطوبتی ببیند که بداند یا بول است یا منی واجب است احتیاطاً غسل کند و وضوء هم بگیرد ولی اگر وضوء نگرفته فقط وضوء کافیست خواهشمند است مسأله را بطور واضح، بیان فرمائید.

ج

- حکم مسأله همان است که در رساله، مذکور است چون کسی که وضوء نگرفته به مقتضای استصحاب حدث اصغر، واجب است وضوء بگیرد و به مقتضای استصحاب طهارت از حدث اکبر، غسل بر او واجب نیست. و اما کسی که وضوء داشته و رطوبت مردّد بین بول و منی را ببیند، به مقتضای علم اجمالی باید احتیاطاً جمع بین وضوء و غسل نماید و استصحاب عدم حدث اکبر و استصحاب عدم حدث اصغر، تعارض و تساقط می‌نمایند.

س

- اگر آب وضوء در مستراح بریزد چه حکمی دارد؟.

ج

- وضوء گرفتن در محل استنجا کراهت دارد.

س

- اگر در وضوء صورت و دستها را زیر شیر آب گرفته و از بالا تا پائین با کمک یا بی کمک دست بشویم آیا اشکالی ندارد؟.

ج

- اشکالی ندارد ولی احتیاطا آب زیاده را با دست رد کند تا در مسح سر و پا، صدق غسل نکند.

صفحه : ۶۸

مسائل غسل

غسل جنابت و احکام جنب

س

- شخصی مدّت شصت الی هفتاد سال از عمرش می گذرد و غسل را باین نحو انجام می داده که اوّل به نیت طرف راست و بعد به نیت طرف چپ و در مرحله آخر به نیت سر و گردن غسل می نموده است و در این مدّت با این وضع، نماز خوانده و روزه گرفته و حج هم به جا آورده و الآن فهمیده که غسلش باطل بوده است در این صورت تکلیف نماز و روزه و حجّش را مرقوم فرمائید.

ج

- در فرض مسأله نمازهایی که با این غسل خوانده باطل و قضاء آنها واجب است و روزه ها صحیح است و قضاء و کفّاره ندارد و عمره و حج او باطل است و باید اعاده نماید و یک شتر برای ابطال عمره از روی جهالت در مکه قربانی کند و یک شتر برای ابطال حج، در منی قربانی نماید.

س

- اگر زن و مرد پهلوی یکدیگر بخوابند و صبح مقداری منی روی تشک ببینند و ندانند مال مرد است یا زن چه حکمی دارد و کدام یک باید غسل کند؟.

ج

- بر هیچ کدام غسل واجب نیست و احتیاط مستحب آنست که هر دو غسل کنند ولی با آن غسل بدون وضوء نماز نخوانند.

س

- زن در حال حیض و یا نفاس، غسل جنابت کند رفع جنابت از او می شود یا نه؟.

ج

- بلی غسل جنابتش صحیح است و رفع جنابت از او می‌شود.

س

- برای زن هم مانند مرد احتلام هست یا نه و در صورت وقوع، غسل جنابت لازم است یا نه؟.

ج

- بلی برای زن احتلام ممکن است و با علم به خروج منی، غسل، لازم است و هم چنین با تحقق علائم شرعی که در رساله‌های عملیه، مذکور است غسل واجب می‌شود.

س

- اذا التفت المغتسل بعد اكمال عمله ان جزءا من احد اعضائه

صفحه : ۶۹

المغسولة لم يصل اليه الماء فهل يجب عليه اعادة الغسل او انه يغسل من ذلك العضو فما بعد؟.

ج

- إن كان الغسل ارتماسيًا تجب عليه اعادة الغسل و إن كان ترتيبيًا و الموضع الذي لم يصل اليه الماء في شقه الا يسر يكفى غسل الموضع و امّا إن كان في رأسه او في شقه الا يمن فيجب عليه غسل الموضع و اعادة غسل الشق الا يمن و الا يسر في الاول و اعادة الشق الا يسر في الثاني هذا كله فيما اذا التفت قبل صيرورته محدثا بالحدث الاصغر و اما اذا صار محدثا بالأصغر ثم التفت إلى ذلك فلاحوط و الاولى اعادة الغسل بقصد ما في الذمه من وجوب اتمام الغسل او اعادته و يضيف إلى ذلك وضوءا بعد الغسل رجاءً.

س

- اگر دو نفر در یک شبانه روز، یک زیر شلوار را به تناوب به پوشند و ندانند که کدامیک در آن جنب شده تکلیف آنها چیست؟.

ج

- بر هیچ یک غسل واجب نیست ولی خویست هر دو احتیاط نموده و غسل جنابت انجام دهند.

س

- آیا اگر در نزدیکی، مرد از یک وسیله مصنوعی مانند کاپوت استفاده کند و آن وسیله داخل شود، حکم دخول دارد یا خیر؟.

ج

- در مورد سؤال اگر مقدار ختنه گاه از آلت رجولیت داخل بشود و لو با وسیله مصنوعی، دخول محقق و جنابت حاصل و غسل واجب می‌شود.

س

- کسی که بقصد غسل به حمام رفته، و بدنش را هم شسته، بعد از آن که به منزلش آمده شک می‌نماید که نیت غسل کرده یا نه تکلیفش چیست؟.

ج

- اگر شك دارد غسل کرده یا نه واجب است غسل کند و اگر شك دارد نیت کرده یا نه غسل مجدد لازم نیست.

س

- در رساله عملیه می‌فرمایید اگر کسی دانست که آب برای او ضرر ندارد غسل کرد و یا وضوء گرفت بعد متوجه شد که ضرر داشته احتیاط واجب آنست که آن نماز را با تیمم، دوباره بخواند. حال آیا اگر غسل کرده، آن غسل، صحیح است و یا باید آن را اعاده کند؟.

ج

- بلی احتیاطا وضوء یا غسل را بعد از رفع ضرر، اعاده نماید.

صفحه : ۷۰

س

- چرا با غسل جنابت، بدون وضوء می‌شود نماز خواند ولی با غسلهای دیگر نمی‌شود و باید وضوء گرفت؟.

ج

- فتاوی در این موضوع مختلف است بر حسب فتوای بعضی علماء، اغسال دیگر حکم غسل جنابت را دارد ولی بنظر حقیر، غیر از غسل جنابت، نماز با اغسال دیگر بدون وضوء، صحیح نیست و دلیل آن استظهار از ادله شرعیه است.

س

- اگر غسل مسّ میّت بر کسی واجب شد و حمام رفت بعد از مدّتی شك کرد که آیا غسل کرده یا نه وظیفه‌اش چیست؟.

ج

- باید دو مرتبه غسل نماید و نمازهای قبلی صحیح است و اگر بعد از مسّ میّت غسل جنابت کرده غسل مسّ میّت، ساقط می‌شود.

س

- شخصی می‌گفت هنگامی که غسل جنابت بر من واجب می‌شود به قدری آن را به تأخیر می‌اندازم که وقت نماز، تنگ می‌شود و لذا با تیمم نماز می‌خوانم و فردای آن روز، غسل می‌کنم. اکنون نظر حضرت آیه الله در این مسأله چیست؟.

ج

- با امکان غسل کردن، تأخیر آن حرام است ولی در ضیق وقت، نماز او با تیمم، صحیح است.

س

- کسی که غسل جنابت بر او واجب است آیا می‌تواند بدون هیچ گونه عذری غسل نکند و در اوّل وقت، با تیمم مشغول نماز گردد؟.

ج

- در وسعت وقت اگر غسل نکرده نماز بخواند، نمازش باطل است.

س

- آیا جنب و حائض و نفساء می‌توانند در حریمهای ائمه از یک در داخل شده از در دیگری خارج شوند یا نه؟

ج

- بنا بر احتیاط، جائز نیست.

س

- انسان شک می‌کند که آیا غسل جنابت کرده یا نه در این صورت غسلی که بعد از شک، برای نماز انجام می‌دهد وضوء هم لازم دارد یا همان غسل تنها کافی است؟

ج

- با یقین به جنابت و شک در غسل، محکوم به جنابت است و با آن غسل که بعد از شک به جا آورده می‌تواند نماز و سائر اعمال مشروطه به طهارت را

صفحه : ۷۱

به جا آورد.

س

- در توضیح المسائل مسأله (۲۲۶۰) عنوان شده که نشانه بلوغ:

یکی از سه چیز است. اول: تمام شدن پانزده سال قمری در مرد و نه سال قمری در زن. دوم: روییدن موی درشت بالای عورت. سوم: خروج منی در خواب، آیا این صحیح است و آیا اگر شخصی اصولاً محتلم نمی‌شود ولی قبل از اتمام پانزده سال، انزال منی از او بشود و بتواند زن بگیرد و بچه‌دار شود آیا چنین شخصی بالغ نیست؟

ج

- در فرض سؤال بنظر این جانب، خروج منی در تحقق بلوغ، کافی است و در تصحیح بعضی از چاپهای رساله، غفلت شده و بمعنی لغوی احتلام، اکتفاء شده است.

س

- بنده سرباز وظیفه، به بلایی گرفتار شده‌ام که منی خودبخود بیرون می‌آید و چون علاقه زیادی به نماز دارم لذا دستوری بفرمایید که از حیث عبادت، تکلیفم را بدانم و در ضمن دعایی هم بفرمایید که از این مرض راحت شوم.

ج

- خداوند متعال شما را از این بیماری، شفا عطا فرماید و توفیق شما را زیاد کند، در مورد نماز، وظیفه شما این است که اگر خارج شدن منی، فرصت می‌دهد که نماز ظهر و عصر و یا نماز مغرب و عشا را با یک غسل بخوانید در شبانه روز سه غسل به جا آورید

یکی برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشاء و یکی برای نماز صبح و بلا-فاصله، نماز را بخوانید و اگر مهلت نمی‌دهد، برای هر نماز یک غسل به جا آورید و اگر در بعض موارد، حرج و مشقت باشد تیمم بدل از غسل نمایید.

س

- شخص جنب می‌تواند در حرم امام زاده‌ها بعنوان زیارت وارد شود یا نه؟.

ج

- رفتن او در حرم امام زاده‌ها مانعی ندارد ولی اولی و بهتر این است که در حرم امام زاده‌های مشهور مثل حضرت معصومه علیها سلام با حال جنابت نرود.

س

- جنب، قرآن همراه داشته باشد اشکال دارد یا نه؟.

صفحه : ۷۲

ج

- اشکال ندارد ولی مس خط قرآن مجید، حرام و مس جلد و اوراق و حواشی آن مکروه است.

س

- شخصی که آب برای گوشش ضرر دارد و امتحان کرده که هر وقت استحمام می‌کند آب توی گوشش می‌رود و بعد چرک می‌کند و باعث ناراحتی می‌شود. این شخص می‌تواند اول گوش خود را به نیت غسل بشوید؟.

ج

- بلی جائز است اول گوش خود را بقصد غسل بشوید و بعد پنبه در گوش بگذارد و بقیه سر را غسل بدهد.

س

- شخصی مدتی خیال می‌کرده آبی که بعد از ملاعبه و شوخی، بیرون می‌آید منی است لذا به همین خیال، غسل جنابت کرده و با همان غسل، نماز خوانده ضمناً نمی‌داند چند نماز را چنین خوانده، اکنون وظیفه او چیست؟

ج

- آن چه را یقین دارد که وضو نداشته و با غسل به جا آورده قضا نماید و آن چه که مشکوک است احتیاج به قضاء ندارد.

س

- گاهی از اوقات صبح که از خواب برمی‌خیزم می‌بینم که در خواب، مایعی از مخرج بول خارج شده و لباسم را آلوده نموده است و تقریباً یک سال دیگر بحسب سن، به بلوغ می‌رسم در این صورت این مایع، پاک است یا نجس و با این لباس می‌شود نماز خواند یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله اگر علم پیدا کردید که منی است نجس است و غسل جنابت بر شما واجب می‌شود و این خود علامت بلوغ می‌باشد و در صورت شک اگر با دفع و شهوت خارج شده یا با دفع و بعد فتور حاصل شده محکوم بمنی است و غسل هم واجب است و اگر این علائم را نداشته باشد یا چون در خواب بودید شک داشتید که علائم را داشته یا نه غسل واجب نیست و چنانچه استبراء کرده باشید پاک هم هست.

س

- گاهی در موهای بدن، مثل زیر بغل مشاهده می‌شود که یک لایه چرک مانند، آن را فرا گرفته که مشخص نیست آیا آفتی در موی بدن است یا یک لایه چرک جدا نشدنی به خود گرفته، و هر چه با صابون و امثال آن شسته می‌شود برطرف نمی‌شود، آیا برای غسل ایجاد اشکال نمی‌کند؟ آیا در صورت شک لازم

صفحه : ۷۳

است بهر نحو ممکن و لو به ازاله مو بر طرف گردد.

ج

- در غسل لازم است آب به بشره و همین طور موهای کوتاه و رقیق که جزء بدن محسوب است برسد و شستن موهای بلند لازم نیست و در مورد سؤال چنانچه موها رقیق باشد به نحوی که جزء بدن محسوب شود باید اطمینان به وصول آب به آنها داشته باشد یا آنها را ازاله کند مگر این که منشأ شک، وسواس باشد که در این صورت احتمال وصول آب کافی است.

غسل جنابت در ضیق وقت

س

- در حَمَام برای نماز، غسل می‌کنم، کسی وارد حَمَام شده و می‌گوید آفتاب، طلوع کرده و غسل باطل است آیا با غسل بعدی می‌شود قضای نماز را به جای آورد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر بدانند غسل او در وقتی واقع شده که اگر تیمم می‌کرد نماز خود را در وقت، درک می‌نمود و غسل را نیز مقیّدا برای نماز به جا آورده باشد غسل او، باطل است و با غسل دوّم می‌تواند نماز بخواند و اگر غسل اوّل را برای بودن بر طهارت به جا آورده تا بتواند با آن نماز بخواند، غسل، صحیح است و می‌تواند با همان غسل، هر چیزی که مشروط به طهارت است به جا آورد.

س

- در مسأله (۳۹۳) توضیح المسائل فرموده‌اید (اگر کسی به خیال این که به اندازه غسل و نماز وقت دارد برای خصوص آن نماز، غسل کند و بعد معلوم شود که کمتر از غسل و تمام نماز، وقت داشته غسل او اشکال دارد ولی اگر بقصد طهارت از جنابت غسل کرده که بعد نماز هم بخواند غسلش صحیح است اگر چه معلوم شود که هیچ وقت نداشته) حال اگر کسی این مسأله را نمی‌داند و برای آن نماز بالخصوص غسل کند و معلوم شود که کمتر از غسل و تمام نماز وقت داشته آیا غسلش اشکال دارد؟ دیگر آن که اگر این مسأله را می‌دانست ولی بعد از بیرون آمدن از حَمَام دید که وقت نبوده و شک کرد که برای خصوص آن نماز غسل کرده

یا بقصد طهارت از جنابت، غسلش چگونه است؟ مطلب سوم این که من خودم همیشه ضمن این که بقصد طهارت به جانب حمام می‌رفتم پیش خود نیت می‌کردم که اگر به نماز رسیدم نماز را می‌خوانم و اگر وقت گذشت و نتوانستم نماز را بخوانم

صفحه : ۷۴

در فرصت مناسب قضای آن را به جا می‌آورم غسل من با این نیت چگونه است؟.

ج

۱- بلی اشکال دارد و باید برای نماز آن را اعاده کند. ۲- در این صورت بنا بگذارد که غسل را صحیح انجام داده و اعاده‌اش لازم نیست. ۳- این همان قصد طهارت از جنابت است و غسلهائی که با این قصد کرده‌اید صحیح است و از این به بعد هم اگر بقصد طهارت از جنابت، غسل نمایید صحیح است هر چند وقت نماز، تنگ شده باشد. ولی توجه داشته باشید که در صورت تنگی وقت که با غسل، به نماز نمی‌رسید تکلیف شما تیمم بدل از غسل و خواندن نماز است و ترک این تکلیف، گناه و معصیت دارد هر چند غسلی که به جا می‌آوردید چون بقصد طهارت از جنابت است صحیح می‌باشد.

غسل با اعانت دیگری

س

۱- اگر کسی آب بریزد و دیگری غسل کند چه صورت دارد آیا این اعانت بر غسل حساب می‌شود یا نه؟.

ج

۱- اگر کسی آب بریزد و انسان خودش غسل کند نظیر این که می‌رود زیر دوش و آب که ریخته می‌شود خودش غسل می‌کند صحیح است و او اعانت نکرده. ولی اگر کسی دیگری را غسل بدهد نظیر آن که غسال غسل می‌دهد، غسل، باطل است.

غسل یا وضوء قبل از وقت

س

۱- غسل جنابت را پیش از دخول وقت قصد کند چه صورت دارد؟.

ج

۱- اگر قضاء نمازهای واجب بر او باشد قصد وجوب، اشکال ندارد و اگر قضاء واجب ندارد با علم، قصد وجوب، جائز نیست و اگر جهلاً گمان کرده واجب است و قصد وجوب کرده و مقصود امتثال امر الهی بوده اشکال ندارد.

س

۱- شخصی پیش از وقت، غسل کرد یا وضوء ساخت بعد نمی‌داند نیت واجب کرده یا مستحب در این صورت وضوء و غسل صحیح است یا نه؟.

ج

- محکوم به صحت است.

صفحه : ۷۵

غسل در محل غصبی یا با وسائل یا آب غصبی

س

- زیدی دو قطعه زمین خودش را حبس مؤبد نموده، که متولی، عوائد آن را هر ساله در مطلق خیرات، به مصرف برساند، حال، در ملک حبسی، مدت ۵ سال است از طرف دولت حمام بهداشتی تأسیس شده، و معتمدین محل، بصورت ظاهر تحویل گرفته‌اند آیا در ملک حبسی می‌شود تأسیس حمام نمود یا خیر؟ و غسلهای واجب در آن مکان چه صورتی دارد؟ و خاک آن مکان را متولی می‌تواند به مصرف فروش برساند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه زمین حبس شده، به مدت طویلی، جهت ساختن حمام، استیجار شده و مال الاجاره بنحو معمول و بنظر خبره امین بوده یا اگر قبلاً، جهت حمام، اجاره نشده، از متولی شرعی آن، به مدت طولانی، اجاره نمایند و اجرت آن را بنظر خبره امین، تعیین و به مصرف شرعی و معین از طرف واقف، برسانند و اجاره سابق را از حین ساختن حمام، نیز بدهند اشکال ندارد و در غیر این صورت جائز نیست و غسل در آن باطل است و خاک ملک محبوس را متولی، حق فروش ندارد مگر آن که زیادی باشد که انتفاع از ملک محبوس موقوف باشد به برداشتن خاک اضافی، که در این صورت بهمان مقدار، مانعی ندارد.

س

- غسل کردن زیر دوش حمام چنانچه لوله و آب پاش سر لوله غصبی باشد و یا محل ایستادن غسل از سیمان و آجر غصبی تعمیر شده باشد و یا لوله‌ای که آب را سرد و گرم می‌کند غصبی باشد، چه صورت دارد و آیا این امور موجب بطلان غسل می‌شود یا نه؟

ج

- در صورتی که لوله و آب پاش و نحو آن غصبی باشد اگر دیگری آن را باز کرده باشد غسل و وضوء با آب آن که (علی الفرض) مباح است اشکال ندارد و هم چنین اگر خودش آن را باز کرده باشد اگر چه فعل حرام کرده، ولی غسل و وضویش صحیح است مگر این که ناچار باشد در اثناء، دوش را ببندد و باز کند که در این صورت چنانچه دوش منحصر به غصبی باشد باطل است و نسبت به محل ایستادن و مصب آب غسل و وضوء اگر منحصر نباشد غسل و وضوء نیز صحیح است.

صفحه : ۷۶

س

- حیمای را که در قبرستان بسازند غسل در این حیمام چه صورت دارد؟ و هم چنین در مورد حیمای که زمین آن را به زور

گرفته‌اند، تکلیف چیست؟.

ج

- در فرض سؤال اگر کسی عالم بحکم و غضب بودن محلّ غسل باشد با التفات به آن‌ها غسلش باطل است و اما کسی که جاهل قاصر به حکم و یا جاهل به غضب بودن محلّ آن است غسل او صحیح است و هم چنین اگر فراموش کرده باشد و خود او غاصب نباشد غسل او صحیح است.

س

- مدّت صد و پنجاه سال است در قریه ما حمامی در نزدیکی قنات تأسیس و بنا شده است و تا امروز هر چه از آن قریه ملک خرید و فروش شده آن حمام، آب می‌برده و قباله هم بابت این موضوع در دسترس نیست و جلوگیری از آن هم نشده و بین صاحب ملک و خریدار، حقّ آب و عدم آن قید نشده و امروز شخصی که بیست سال است دو دانگ از آن را مالک گشته می‌گوید که من نسبت باین دو دانگ راضی نیستم که آب به حمام برود و حال آن که خودش هم محتاج بدان حمام است مرقوم فرمائید که ما ساکنین محلّ از مالک و غیره حقّ آب را برای حمام کما فی السّابق داریم یا خیر و رفتن به حمام در این صورت جائز است یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، با احتمال حقّ برای حمام، فعلاً بنحو سابق معمول دارند و مالکین، حقّ ممانعت ندارند و عدم رضایت آنها مضرّ به غسل نیست.

س

- شخصی از زمان قدیم، در آبادی ای ساکن بوده و در آنجا خرده مالک است و آب چشمه‌ای که در یک کیلومتری واقع شده وارد آبادی و زراعت از آن مشروب می‌گردد و اهالی آبادی تصرّفات از قبیل وضوء و غسل و آشامیدن می‌نمایند حال اگر مالکین یا بعضی از آنها راضی به تصرّف او نباشند تکلیف آن شخص چیست؟.

ج

- اگر آن شخص و آباء و اجدادش برای وضوء و غسل و آشامیدن، از آن آب استفاده می‌نموده‌اند و محتمل است که حقّی برای آنها باشد، فعلاً می‌تواند استفاده کند و مالکین حقّ ممانعت ندارند.

س

- شخصی دو زوجه دارد زوجه اولی نمی‌داند که شوهرش زن دیگر

صفحه : ۷۷

دارد چنانچه مرد از زوجه دوّمی جنب شود می‌تواند در منزل زوجه اولی (که شوهرش در ملک زوجه اولّ حمام دارد) غسل کند در حالی که اگر زن اولّ، حقیقت امر را بداند مرد اطمینان دارد که زن راضی به غسل شوهر در ملک او نیست (گر چه مصالح حمام و ساختن آن از شوهر است) در این حالت آیا شوهر می‌تواند بدون آگاه کردن زن از اصل قضیه غسل کند یا خیر؟ خلاصه، غسلش بدون اعلام چه صورت دارد؟ اگر چه احتمال ضعیف می‌دهد که راضی به غسل باشد.

ج

- جائز نیست.

س

- اگر آب گرمکن با عین پول متعلق خمس خریداری شده باشد و برای حمام نصب شده در حالی که خمس آن داده نشده آیا غسل با آب گرم شده به وسیله آن آبگرمکن صحیح است یا نه؟.

ج

- اگر آب را در ظرف دیگر بریزد و از آنجا بردارد و غسل کند غسل صحیح است ولی اگر شیر را باز کند و زیر شیر غسل کند صحیح نیست و این در صورتی است که شیر متصل به خود آبگرمکن باشد ولی اگر لوله مباح از آبگرمکن کشیده شده و شیر مباح به آن لوله وصل است غسل صحیح است.

س

- با نفت یا گازوئیل غصبی، آبی گرم شده و کسی با آن غسل نموده آیا غسلش صحیح است یا نه؟ توضیح این که خود آب مباح می‌باشد.

ج

- بلی غسل صحیح است.

جنب از حرام

س

- شخصی با همسر خود که در حال حیض است جماع کند آیا باید در موقع غسل نیت جنابت از حرام نماید؟.

ج

- جنابت او از حرام است ولی نیت این که از حرام است، در غسل، لازم نیست.

س

- آیا بعد از غسل جنابت از حرام، وضوء لازم است یا نه؟.

ج

- وضوء لازم نیست.

س

- اگر زن در بین جماع حائض شود تکلیف مرد نسبت به او چیست و اگر ادامه دهد حرام است یا حلال و جنابت او از حرام می‌شود یا نه؟.

ج

- اگر ملتفت شود باید فوراً ترک کند ولی اگر ترک نکرد جنابت او در این صورت - که قبلاً جنب از حلال شده - حکم جنابت از حرام را ندارد.

س

- این جانب حدود ۲ سال است که بالغ شده‌ام و هر وقت می‌خواهم موهای زائد دور عورت را به وسیله دارو از بین ببرم جنب می‌شوم آیا این جنب شدن جنب از حرام است یا نه؟.

ج

- در صورتی که خودتان عمل اضافی انجام نمی‌دهید و فقط با استعمال دارو جنب می‌شوید چیزی جز غسل بر شما واجب نیست و جنابت از حرام محسوب نمی‌شود.

نیت اغسال مختلفه و انجام یک غسل

س

- اگر انسان اغسالی اعم از واجب و مستحب و یا مختلف یعنی بعضی واجب و بعضی مستحب در ذمه‌اش باشد، با انجام یکی از آنها اغسال دیگر از او ساقط می‌شود یا هر کدام نیت جداگانه لازم دارد؟.

ج

- اگر نیت تمام اغسالی را که بر او واجب و مستحب است بنماید اطاعت و امتثال همه را کرده است و اگر نیت بعضی آنها را بنماید نسبت به همان که نیت کرده کفایت می‌کند و اغسال دیگر ساقط نمی‌شود مگر این که در بین آنها غسل جنابت باشد که اگر نیت غسل جنابت نماید سائر اغسالی که بر ذمه دارد نیز ساقط می‌گردد.

اگر در بین غسل محدث به حدث اصغر شود

س

- در توضیح المسائل مسأله (۳۹۲) فرموده‌اید: (اگر در بین غسل، حدث اصغر از او سر بزند مثلاً بول کند واجب است که غسل را تمام نماید و بعد وضوء بگیرد) آیا وضوء بعد از این غسل، بخاطر تصحیح غسل است یا آن که برای اداء نماز می‌باشد؟ یعنی اگر غسل را تمام کند و بعد وضوء نگیرد غسل او صحیح است یا نه؟.

ج

- در این صورت، غسل صحیح است و وضوء برای حدث اصغر است نه حدث اکبر و نگرفتن وضوء مضّر به صحت غسل نیست.

س

- انسان، در اثناء غسل ترتیبی و یا ارتماسی شک می‌کند که در

صفحه : ۷۹

اثناء غسل، بول خارج شد یا نه چه کند؟.

ج

- بشک. خود اعتناء نکند.

س

- شخصی غسل جنابت ترتیبی کرده و نماز صبح را هم خوانده ظهر مثلاً ملتفت شد که مقداری از طرف چپ بدن مانعی داشته که نگذاشته آب به بشره برسد اگر آن مقدار را که از طرف چپ مانده بقصد غسل بشوید صحیح است یا نه و اگر در این مدت حدثی از او صادر شد باز می‌تواند این مقدار را که از طرف چپ باقی مانده بقصد غسل بشوید و غسل او صحیح است یا نه وظیفه او نسبت به نمازهای بعد چیست و نمازی را که خوانده قضا دارد یا نه؟.

ج

- همان مقدار باقی مانده را بقصد غسل بشوید غسلش صحیح است و اگر قبل از آن نماز خوانده نماز را در وقت اعاده و بعد از وقت قضاء نماید و لکن اگر حدثی از او صادر شده باقی مانده غسل اول را تمام و به احتیاط مستحب غسل را نیز اعاده کند و واجب است برای نماز وضوء هم بگیرد.

قاعده فراغ و تجاوز در غسل و وضوء و تیمم

س

- قاعده تجاوز در نماز جاری است، در وضوء و غسل و تیمم هم جریان دارد یا خیر؟.

ج

- در غسل و وضوء و تیمم قاعده تجاوز جاری نیست ولی قاعده فراغ جاری است.

حکم اسامی و کلمات مقدسه

س

- اسامی مقدسه که نام اشخاص می‌باشد مانند محمد و علی و حسن و حسین و رسول و نبی و عیسی و فاطمه و زهرا و امثال اینها اگر روی سنگ قبر، حجاری و یا در روز نامه‌ها و کاغذهای مراسلاتی نوشته شود، می‌توان بی‌وضوء دست زد یا نه؟.

ج

- بی‌وضوء دست زدن به آن اسامی جائز است مع ذلک احترام آن اسامی اگر چه مقصود، اشخاص عادی هستند، خوب است.

س

- به جهت این که نام مبارک خداوند و ائمه اطهار علیهم السلام زیر

صفحه : ۸۰

دست و پا نیفتد آیا می‌شود با قلم آنها را محو و نابود کرد یا نه و آیا در صورت محو، باز احترام سابق را دارد یا نه؟.

ج

- اگر به طوری محو شود که به هیچ وجه نمایان نباشد، حکم آن اسماء مرتفع می‌شود.

س

- آیا مسّ آیه‌ای از قرآن که منسوخ شده است بدون طهارت جائز است یا خیر؟.

ج

- آن چه قرآن باشد مسّ آن بی طهارت جایز نیست خواه حکم آن منسوخ باشد یا نباشد و قرآن منسوخ التلاوه نداریم و با فرض وجود، نیز مسّ آن بی طهارت جائز نیست.

س

- کلمه‌ای که ضمیر مستتر در اوست و مرجعش به خدا است مسّ آن بدون طهارت جایز است یا خیر؟.

ج

- اگر کلمه قرآن است مسّ آن بی طهارت جائز نیست و در غیر آن اولی و احوط ترک آن است.

س

- اگر روی ورقه‌ای ترجمه آیه‌ای از قرآن نوشته باشد، و در آخر ترجمه، این طور نوشته باشد (قرآن کریم) یعنی می‌خواهد به مردم بفهماند که این مطلب فارسی در قرآن کریم است، زیر دست و پا افتادن این ورقه چه صورتی دارد؟ و هم چنین بسمه تعالی یا بسم ربّ الشّهداء.

ج

- زیر دست و پا انداختن آنها بی حرمتی و حرام است.

احکام حائضی

س

- زنی یک مرتبه چند روز تلفیقی خون و حیض دیده، و مرتبه دیگر بمقدار همان عدد معین، چند روز غیر تلفیقی خون دیده که ایام تلفیقی ممکن است یک شب از ایام غیر تلفیقی مقدارش زیاده‌تر باشد در این صورت عادت عددیّه برای آن زن، به دیدن این دو خون حاصل می‌شود یا نه؟.

ج

- میزان در تحقّق عادت، اتّحاد ایام آنست و توافق در شب اوّل و آخر، لازم نیست.

س

- زن برای این که حیض نشود هر شب قرص می خورد یک شب

صفحه : ۸۱

فراموش کرد قرص نخورد روزش خونریزی کرد شب بعد که قرص خورد خون قطع شد و خلاصه از ایام عادت، همان یک روز را خون دید تکلیف او چیست؟.

ج

- یک روز، حیض نیست.

س

- هر گاه زنی در ایام عادت ماهانه، به وسیله خوردن قرص، از آمدن خون حیض، جلوگیری نماید حکمش چیست؟.

ج

- تا موقعی که خون خارج نشده بحکم طاهر عمل کند.

س

- گاهی زن، بعد از ایام عادت و پس از این که غسل کرد باز یک قطره خون می بیند آن خون چه حکمی دارد؟.

ج

- تا ده روز از اول زمانی که خون دیده هر وقت خون ببیند محکوم به حیض است و لو یک قطره باشد و اگر بعد از یک قطره، قطع شود واجب است ثانیاً غسل کند.

س

- زنی که هر ماه بصورت عادت، پنج روز و یا شش روز از دبر خون می بیند و از قبل اصلاً خون نمی بیند آن خون محکوم به حیض است یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله اگر بداند همان خون حیض است و از این مجری خارج می شود. تمام احکام حیض بر آن مترتب است و اگر یقین ندارد، اعتبار صفات، در خون خارج از دبر، مشکل است و احتیاط در واجد صفات، جمع بین تروک حائض و افعال مستحاضه است.

س

- خونی که زن، بر اثر ضربه یا حمل نمودن بار سنگین، در غیر ایام عادت می بیند حیض است یا استحاضه و اگر در ایام عادت، بر اثر تصادم و پیش آمدی خونریزی کرد چه صورت دارد؟.

ج

- در هر صورت اگر دارای صفات حیض است و با حیض سابق، ده روز فاصله دارد حکم حیض را دارد و اگر صفات حیض را ندارد و در عادت هم نیست احتیاط کند به جمع بین تروک حائض و اعمال مستحاضه.

س

- خانمی سه چهار ماه حیض نمی‌بیند و به گمان این که حامله است وظائف شرعیّه (نماز و روزه) را انجام می‌دهد پس از مراجعه به پزشک معلوم می‌گردد که خون در رحم یا جای دیگر جمع شده و با دادن دارو خونها تدریجا

صفحه : ۸۲

خارج می‌گردد و مدّت خروج از ده روز تجاوز می‌کند، آیا همه را حیض قرار دهد یا حکم دیگری دارد؟.

ج

- مادامی که خون نمی‌بیند عباداتش صحیح است و ایّامی که خون می‌بیند پس اگر از ده روز تجاوز نکرده همه‌اش حیض حساب می‌شود و اگر از ده روز گذشت ایّام عادت را حیض و ما بقی را استحاضه قرار دهد و در هر مورد به وظیفه خود عمل نماید.

س

- مدّت دو سه سال این جانب بعد از عادت زنانه هنگام غسل حیض از روی جهل، نیت غسل جنابت می‌کردم، با آن که غسل جنابتی به گردن نداشتم و با همان غسل نماز می‌خواندم اکنون می‌گویند نمازهای باطل است و باید اعاده کنی بفرمایید که وظیفه من چیست؟.

ج

- آن نمازی که بدون وضوء بعد از آن غسل خوانده شده باید اعاده شود.

احکام نفساء

س

- زنی که در نفاس، عادت عرفیه پیدا کرده اگر اتّفاقا خون او از ده روز، تجاوز کند باید رجوع به عادت که در حیض دارد بکند، یا به عادت که در نفاس دارد؟.

ج

- باید رجوع به عادت حیض نماید.

حکم خونی که زن حامل می‌بیند

س

- زن حامل در حال حمل گاهی یک لحظه خون می‌بیند، حکم آن خون چیست؟.

ج

- اگر در ایام عادت است و یا اوصاف خون حیض دارد آن خون را حیض قرار دهد تا خلاف آن معلوم شود و الا جمع کند بین تروک حائض و اعمال استحاضه تا وقتی که یقین به استحاضه پیدا کند مثل این که قبل از سه روز قطع شود.

س

- زنانی که با عمل جراحی اطفال را از رحم ایشان خارج می‌کنند بعد از آن، خون از مجرای طبیعی بیرون می‌آید آیا این خون - با آن که منشأش را نمی‌داند فقط می‌داند به واسطه اخراج طفل، بیرون آمده است - محکوم به نفاس است؟.

صفحه : ۸۳

ج

- خون مفروض که بعد از ولادت، از محل ولادت خارج می‌شود خون نفاس است و فرق نیست که طفل، بنحو طبیعی خارج شود، یا به جراحی، بلی خون موضع جراحی که به واسطه بریدن محل خارج می‌شود خون نفاس نیست.

س

- زن حامل ترسید و یا صدمه‌ای به او رسید چند ساعت و یا چند روز خون دید و بعد سقط کرد آن خون چه حکمی دارد؟.
ج خون قبل از سقط، محکوم به خون استحاضه است، مگر آن که شرائط حیض را واجد باشد - مانند استمرار سه روز و فصل اقل طهر و واجد بودن صفات حیض یا در ایام عادت بودن - که در این صورت، محکوم به حیض است و بعد از سقط، تا ده روز خون نفاس است مگر این که بیشتر از ده روز خون ببیند که در این صورت بمقدار ایام عادت حیض خود، نفاس قرار می‌دهد و بقیه، استحاضه است.

صفحه : ۸۴

مسائل و احکام اموات

غسل میت

س

- فرموده‌اند بدون اذن ولی میت، نمی‌توان میت را غسل داد و یا کفن و دفن نمود، حال اگر مثلاً ولی شخص متوفی حاضر نیست و شاید حضور او تا نصف روز طول بکشد می‌توان با اذن حاکم شرع او را غسل داد یا این که شب است و دسترسی به حاکم شرع نیست آیا جائز است با اذن عدول مؤمنین، او را غسل دهند و کفن و دفن کنند؟.

ج

- در صورتی که تأخیر، موجب هتک حرمت نشود و شاهد حال قطعی بر رضایت ولی نیز نباشد بدون اذن ولی، جائز نیست.

س

- چگونه است که هیچ یک از حیوانات و پرندگان، بعد از مردن، غسل ندارند ولی انسان که اشرف مخلوقات است پس از ازهاق روح، باید غسل داده شود و حتی اگر دست کسی هم به او برسد غسل بر آن شخص واجب می‌شود؟.

ج

- به مقتضای اخبار اهل بیت علیهم السّلام، وجوب غسل، مخصوص به میت انسان است و یکی از حکمتهای وجوب غسل میت آدمی، احترام میت انسان است که میت حیوانات، آن احترام را ندارند. و وجوب غسل مس میت نیز ممکن است یکی از حکمتهایش تأکید در اجتناب از تماس با بدن میت باشد چون میت انسانی بیشتر از حیوانات، در معرض تماس اشخاص است و بسا که سبب سرایت بعضی امراض شود.

صفحه : ۸۵

س

- میت را به چه جهت با سدر و کافور غسل می‌دهند و علت و حکمت آن چیست؟.

ج

- به جهت امر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مطابق اخباره صادره از ائمه علیهم السّلام، و شاید حکمت آن ضد عفونی شدن میت است که سمومات - خارج شده از بدن او در حال موت - از بین برود.

س

- ما رأی سماحتکم فی امرأه حامل ماتت عند النفاس و قد خرج رأس الطفل میتاً فهل يلزم اخراج الطفل تماماً لتغسيل و تکفین و دفن الام و الطفل کلّهما علی انفراد او يجوز ابقاء الطفل علی ما هو علیه و یکفی ما یجری علی الأم عن الولد و علی فرض لزوم الاخراج فلو لم یتیسر الاخراج او تعسر فما التکلیف شرعاً؟.

ج

- يجب فی الفرض اخراجه للتغسيل و التکفین و الدفن و إن کان بعلاج و عملیه لا توجب مثله بالطفل او أمّه.

س

- در غسل میت، لازم است هر سه غسل را یک نفر انجام دهد یا این که ممکن است یک نفر، غسل سدر بدهد و دیگری کافور و سومی آب خالص.

ج

- لازم نیست غسل دهنده یک نفر باشد و جایز است سه غسل را سه نفر بدهد بلکه جایز است یک غسل را هم چند نفر بدهند

بشرط این که مراعات ترتیب بشود و در هر دو مورد بر همه کسانی که غسل می‌دهند، نیت کردن واجب است.

س

- هر گاه میت، مجروح باشد به طوری که حتی آنی هم خون از آن قطع نشود آیا می‌شود مقداری پلاستیک روی زخم گذارد و با چسب محکم کرد و غسل داد و کفن نمود؟.

ج

- در فرض مسأله اگر به صبر کردن، خون قطع می‌شود صبر کنند و اگر قطع نمی‌شود موضع خون را به علاج مسدود نموده و غسل بدهند لکن اگر در اثر مسدود نمودن موضع خون، مقداری از بدن شسته نمی‌شود باید تیمم بدهند.

س

- شستن اموات، در نهري که بين دو قريه، مشترک است و ساکنين

صفحه : ۸۶

قريه سفلی، تصريح بعدم رضایت نموده‌اند و اظهار کرده‌اند که چون آب این نهر، آب آشاميدنی است راضی نیستيم، جائز است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر شستن در آب، باعث اشمئزاز است، در خارج از آب، غسل بدهند و ظاهراً آب برداشتن و در خارج، غسل دادن، اشکال ندارد نظير سائر حوائج.

س

- شخصی با ماشین، تصادف کرده و سر او از بين رفته و تمام بدنش خرد است و او را میان کیسه گذاشته‌اند باید او را غسل داد یا تیمم؟.

ج

- اگر شستن ممکن است و موجب تفرق اعضاء نمی‌شود بشویند و غسل دهند و در صورتی که شستن، ممکن نباشد چنانچه دستهای او که جای تیمم است باقی است احتیاطاً تیمم بدهند و اگر دستها و سر او نیست، تیمم هم ساقط است بهمان حال، دفن کنند.

س

- شخص جنب می‌تواند میت را غسل بدهد یا نه؟.

ج

- بلی جائز است.

س

- کسی که میت را غسل می‌دهد قبل از آن که غسل مس میت نماید می‌تواند میت را کفن کند یا نه؟.

ج

- بلی جائز است ولی مستحب است غسل نماید و بعد میت را کفن کند.

س

- شخصی در قبرستان، غسلخانه‌ای ساخته و در حین ساختن، دو قبر، نبش شده و استخوانها را به جای دیگر حمل دادند و بنا را به آخر رسانده‌اند غسل دادن اموات، در این مکان چه صورت دارد؟.

ج

- نبش قبر مسلم، جائز نیست ولی فعلا- که این حرام را مرتکب شده‌اند اگر زمین، قبل از دفن، مباح بوده و وقف نبوده - از ورثه آن دو نفر اگر زنده و معلوم هستند استجازه و استرضاء نمایند إن شاء الله اشکالی ندارد و اگر ورثه، معلوم نباشند جواز غسل، موکول به اذن حاکم شرع است احتیاطا.

س

- اجرت گرفتن برای انجام امر واجب کفائی مثل غسل میت و نماز و دفن آن شرعا حرام است حال اگر کسی برای انجام این فرائض مطالبه وجهی

صفحه : ۸۷

نموده و کسان میت بدون رضایت، پرداخت نمودند در این صورت خللی و اشکالی به نماز و غسل و دفن میت وارد آمده یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله اگر غسل و نماز را برای خدا به جا آورده است و اجرت برای مقدماتی که واجب نیست مطالبه نماید یا جهلا اجرت تبرع و بلا عوض مطالبه کند غسل و نماز صحیح است و اگر غسل و نماز را برای پول گرفتن انجام داده نه برای خدا، غسل و نماز باطل است و با شک در این که بچه قصد انجام داده عمل، محمول بر صحت است تا خلاف آن معلوم شود.

س

- کسی که از دنیا می‌رود اگر بعضی از جاهای بدنش موی بلند داشته باشد آیا حق دارند آنها را زایل نمایند و یا با همان موی

بلند، میت را دفن کنند؟.

ج

- اگر مو مانع از رسیدن آب به بشره باشد و غسل، موقوف به برطرف کردن آن باشد اشکالی ندارد.

س

- میتی را که برای کالبد شکافی می‌برند پس از دوختن پوست، مقداری از بشره، مخفی می‌ماند، غسل او با این که آب بتمام پوست نمی‌رسد چه صورت دارد؟.

ج

- بهما نحو که هست او را غسل دهند و احتیاطاً تیمم هم بدهند ولی شکافتن بدن میت مسلمان، حرام است.

س

- راجع به غسل میت که فتوی داده‌اید که در غسل ترتیبی فرو بردن هر یک از سه قسمت بدن در آب کثیر، بی‌اشکال است. این فقط برای آب خالص است یا در هر سه غسل، چنین است؟.

ج

- در آب سدر و کافور هم اگر کثر باشد و مضاف نباشد فرو بردن اعضاء میت اشکال ندارد. بلی در آب قلیل فرو نبرند.

س

- در موردی که به ناچار و به اضطرار، جنین را که بیش از ۴ ماه دارد قطعه قطعه نموده و خارج می‌کنند آیا هر کدام از قطعات آن غسل دارد و در یک جا تکفین می‌شود؟.

ج

- قطعاتی که استخوان ندارد، همین طور، در پارچه‌ای پیچیده و دفن

صفحه : ۸۸

نمایند، و قطعاتی را که استخوان دارد واجب است غسل بدهند، و در پارچه‌ای پیچیده و دفن نمایند، اما قسمتی که سینه و قلب دارد، واجب است غسل داده و کفن کنند و دفن نمایند.

اگر مماثل یا محرم برای غسل و تیمم میت نباشد

س

- اگر زن نباشد و مرد اجنبی بخواهد زنی را که فوت کرده به جای غسل، تیمم دهد تکلیف این مرد و دستور تیمم را نسبت باین زن بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال با نبودن مماثل، تکلیف، مبدل به تیمم نمی‌شود و اقوی سقوط غسل است لکن احتیاط، غسل دادن است بدون لمس و نظر و اگر غسل دادن، ممکن نباشد به طوری که اگر مماثل هم بود وظیفه تیمم بود در این صورت او را تیمم بدهد بدون لمس و نظر.

س

- ختنای مشکل اگر فوت نماید چه کسی باید او را غسل بدهد اگر مرد او را غسل بدهد شاید در واقع زن باشد و اگر زن غسل بدهد شاید مرد باشد در این صورت تکلیف غسل او چیست؟.

ج

- احوط آنست که محارم نسبی زن یک غسل داده و محارم نسبی مرد، غسل دیگری بدهند و اگر محرم نداشته باشد نیز احوط آنست که هم زن و هم مرد او را از زیر لباس غسل بدهند و این حکم، در صورتیست که ختنی سه سال به بالا بوده باشد و اگر از سه سال کمتر باشد هر کدام از مرد یا زن او را غسل بدهند- و لو از محارم نسبی او نباشد- جائز است.

س

- اگر کسی غیر از زن و شوهر، یکی از محارم خود را که فوت شده با وجود مماثل بخواهد غسل بدهد چون اطمینان ندارد که مماثل، غسل را صحیح انجام می‌دهد و نه اطمینان به این که بایستد و به مماثل دستور بدهد در این صورت اجازه می‌فرمایید که خودش میت را غسل بدهد یا نه؟.

ج

- اقوی آنست که با وجود مماثل، غیر مماثل، غسل ندهد بلی هر گاه مماثلی که غسل صحیح بدهد نباشد به منزله فقد مماثل است.

صفحه : ۸۹

س

- اگر جاهل قاصر و یا مقصر، یکی از محارم خود را غیر از زن و شوهر غسل داد صحیح است یا باید غسل، تجدید شود و به فرض لزوم تجدید، فرقی بین اوقات قبل از گذاردن در قبر یا پس از پوشاندن روی قبر هست یا نه و در صورت جواز نبش، مدت چند روز و یا چند ساعت است؟.

ج

- غسل محارم - بنسب یا برضاع - با فقد مماثل صحیح و در غیر این صورت، اقوی عدم صحّت است و چنانچه جهلا این عمل، واقع شد نبش قبر و اعاده غسل واجب است مگر آن که بدن، متلاشی و متعفن شده باشد که نبش، موجب هتک باشد.

س

- اگر کسی در بیابانی که اصلاً دسترسی به آبادی ندارد زنی را به بیند که مرده و بدنش عریان و هوا هم خیلی سرد است و نمی‌تواند از پوشش خودش او را به پوشاند زیرا خودش سرما می‌خورد تکلیف این شخص، نسبت به آن اجنبیه برهنه، در موضوع غسل و کفن و دفن چیست؟.

ج

- در فرض مسأله که محرم، در بین نیست غسل میت، ساقط است اگر متمکن است او را بدون غسل دفن کند و اگر متمکن نیست تکلیف ندارد، بلی در صورت تمکن، واجب است برود به آبادی و اسباب غسل و کفن و دفن او را فراهم آورد و الا تکلیفی ندارد.

س

- مباشرت پدر شوهر و عروس و داماد و مادر زن با نبود محارم نسبی و مماثل - در غسل و کفن و دفن یکدیگر - جائز است یا نه؟.

ج

- در صورتی که مماثل نباشد احوط آنست که اشخاص مذکور یکدیگر را غسل بدهند و بعد آب غسل را خشک نمایند و کفن کنند.

س

- زنی فوت شده، مماثل، جهت غسل او نیست مردی حاضر شده که او را غسل دهد ولی اجنبی است آیا می‌شود نوه دختری یا پسری آن زن را برای آن مرد صیغه بخوانند تا محرم زن شود و او را غسل بدهد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، حصول محرمیت، بعید نیست.

صفحه : ۹۰

غسل میتی که معلوم نباشد مرد است یا زن

س

- دو نفر طعمه حریق شده و تشخیص داده نمی‌شود که هر دو مرد بوده‌اند یا هر دو زن یا یکی مرد و دیگری زن، تکلیف غسل یا تیمم و کفن و دفن آنها چیست؟.

ج

- احتیاطا- اگر غسل آنها ممکن است - آنها را از وراء ثياب غسل دهند هر يك را دو مرتبه يك مرتبه مرد، غسل دهد يك مرتبه زن، و اگر غسل ممکن نیست و مواضع تیمم آنها باقی است با دستکش، هر يك را دو مرتبه تیمم دهند، يك مرتبه مرد تیمم دهد و يك مرتبه زن، و كفن و دفن آنها علی السواء است.

س

- استخوانی از انسان در بیابانی پیدا شده معلوم نیست از مسلمان است یا کافر از زن است یا مرد حکم آن را بیان فرمائید.

ج

- اگر در بلاد اسلام است محکوم به اسلام می باشد و باید دفن نمود و اگر زن و مرد بودن آن معلوم نیست در غسل و تجهیزات آن، مراعات احتیاط نمایند یعنی هم مرد او را غسل بدهد و هم زن.

غسل میتی که از بدن او خون جاری است یا بعضی اعضایش از بین رفته

س

- میتی که در تصادف، سر و صورت او شکسته شده و خون می آید چگونه باید او را غسل و یا تیمم داد؟.

ج

- اگر محتمل است با تأخیر غسل، خون قطع شود باید صبر کنند تا خون قطع شود و بعد غسل دهند در صورتی که موجب تعفن و هتک میت نشود و اگر این طریق، ممکن نیست لکن ممکن است برای یک لحظه، خون را پاک و تطهیر کرد پاک و تطهیر کنند و تیمم دهند.

س

- شخصی تصادف با ماشین نموده و فوت کرده در حین غسل، به هیچ وجه خون از او قطع نمی شود تکلیف چیست؟.

ج

- اگر ممکن است صبر کنند تا خون قطع شود و الا مواضعی را که خون می آید به نحوی - و لو به این که چیزی روی آن بریزند - مسدود کنند و اگر این هم

صفحه : ۹۱

ممکن نشد بهمان حال در آب جاری غسل دهند و آب سدر و کافور را در ظرفی بریزند و آب لوله که حکم جاری را دارد وصل به آن ظرف نمایند و با همان حال به بدن میت بریزند و احتیاطا تیمم هم بدهند.

س

- شخصی در زیر ماشین مانده و به کلی سر و شکم و عورتین او از بین رفته تکلیف غسل او را بیان فرمائید؟.

ج

- هر عضوی که استخوان در او باشد باید آن را غسل دهند و در پارچه‌ای به پیچند و دفن نمایند و اگر سینه باشد که قلب در آن باشد، یا خود قلب علاوه بر غسل و کفن نماز هم بر آن بخوانند.

س

- شخصی را ماشین زیر گرفته به طوری که سر و صورتش از بین رفته و آثاری از صورتش نیست و اعضای دیگرش سالم است بفرمایید که آن میت را باید غسل داد، یا تیمم، و اگر تیمم لازم است چون قسمت صورتش از بین رفته به چه نحو باید تیمم داد؟.

ج

- اگر به غسل دادن، اجزاء میت متفرق نشود غسل دهند و اگر به غسل متفرق می‌شود تیمم بدهند و با نبودن پیشانی، مسح آن ساقط است.

غسل جبیره‌ای برای میت نیست

س

- اگر در بدن میت زخم و جراحت باشد باید غسل داد و یا مثل بدن شخص زنده باید غسل جبیره داد؟.

ج

- در غسل میت، جبیره ذکر نشده اگر ممکن است غسل بدهند و الا تیمم بدهند.

اگر در حال غسل، از میت خون حیض یا بول خارج شود

س

- میت را غسل می‌دهند در آن حال اگر بول از او خارج شود یا خون حیض و مانند آن که قطع شدنش مدتی طول می‌کشد آیا جائز است که او را غسل بدهند و فوراً کفن و دفن کنند یا نه؟.

ج

- صبر کنند تا خون یا بول، قطع شود مگر آن که معرض فساد بدن باشد.

تیمم دادن میتی که بعضی مواضع تیمم را ندارد یا اعضای او به جهت تصادف قابل غسل نیست

س

- میتی که سر و دست ندارد و غسل دادن او ممکن نیست آیا تیمم هم از او ساقط است یا نه و اگر ساقط نیست چطور باید تیمم داد، و هم چنین اگر سر نداشته باشد ولی یک دست یا هر دو دست موجود باشد حکمش چیست؟.

ج

- اگر بعضی از اعضاء تیمم باقی است همان بعض را تیمم دهند، و اگر هیچ یک از اعضاء باقی نیست، تیمم ساقط است.

س

- اشخاصی که در تصادف ماشین تلف می‌شوند و اعضاء ایشان از هم پاشیده شده و ریخته و در هم کوبیده گردیده و به هیچ وجه نمی‌شود غسل داد در این صورت کیفیت تیمم آنها را مرقوم فرمائید.

ج

- در فرض مسأله اگر اعضاء تیمم صحیح است مثل شخص زنده، او را تیمم دهند و واجب نیست از پشت سر تیمم دهند می‌توانند جلوی او بنشینند و او را تیمم دهند و باید دست راست میت را با دست چپ و دست چپ را با دست راست مسح نمایند.

تجهیز میتی که معلوم نیست کافر است یا مسلمان

س

- اگر مرده‌ای را بیابند و ندانند که مسلمان است یا کافر باید او را غسل داد و کفن کرد و نماز بر او خواند یا نه؟.

ج

- اگر در بلاد مسلمین باشد حکم میت مسلمان را دارد.

س

- چند نفر کارگر از مسلمان و ارمنی و یهودی و بهائی در کارخانه‌ای کار می‌کردند، کارخانه آتش گرفته و کارگران هم همگی سوختند و بدنهایشان مخلوط شده راجع به غسل و دفن ابدان آنها، چه تکلیفی داریم؟.

ج

- برای این که یقین حاصل شود که نسبت به مسلمانها به تکلیف شرعی عمل شده باید- اگر امکان دارد- همه را غسل دهند و کفن کنند، و بر هر یک جدا جدا به احتمال این که شاید مسلمان باشد نماز بخوانند و ممکن است همه را پیش هم بگذارند و به نیت میت مسلمان نماز بخوانند البته به نحوی که فاصله مضّر، بین نماز گزار و اموات نباشد و همه را مطابق دستور اسلام در مکانی

که نه قبرستان مسلمین است و نه قبرستان کفار دفن نمایند.

س

- هر گاه دست کافر را ببرند بعد آن کافر، مسلمان شود دست قطع

صفحه : ۹۳

شده او احترام دارد؟.

ج

- در فرض سؤال، عضو مزبور، حکم عضو جدا شده از مسلمان را ندارد.

کفن میت

س

- کفن هائی که به آنها آیات قرآن نوشته شده اغلب می گویند که نباید به بدن میت پوشید و باید همان طور زیر سر میت گذاشت و یا آن که روی میت کشیده شود و عده دیگر می گویند اول کفن سفید که آیات قرآن ندارد و بعد کفنی که آیات قرآن دارد پوشیده شود، حال اگر چلوار یافت نشود آیا به تنهائی ممکن است کفن نوشته به آیات را بر میت پوشید یا خیر؟ و با این وصف بی احترامی به آیات قرآن نمی شود؟.

ج

- احتیاطا باید به طوری کفنهای نوشته شده با دعا و آیات قرآن، به بدن میت پوشانده شود که یقین به نجس شدن آنها حاصل نشود بلکه در معرض نجس شدن هم نباشد، باین نحو که وقتی میت در قبر قرار می گیرد، نوشته طرف چپش باشد.

س

- یکی از مستحبات کفن، ران پیچ است بنا بر این آیا باید رانها را جدا جدا به بندند و یا بر روی هم پیچیده شود و هم چنین مستحب است اسم میت و پدر او نوشته شود، حال آیا برای مرد به عمامه و برای زن به مقنعه باید نوشت یا نه و مراد از مقنعه کدام است، چارقد می باشد و یا روپوش صورت؟.

ج

- ظاهر آنست که رانها را با هم به پیچند و مستحب است اسم آنها بتمام قطعه های کفن نوشته شود و مراد از مقنعه چارقد است.

س

- جملاتی از قرآن مجید و ادعیه که بر کفن می نویسند- گر چه شسته شود ولی آثارش بماند- اشکال دارد یا نه؟.

ج

- مانعی ندارد ولی مراعات کنند که زیر بدن میّت، واقع نشود.

س

- آیا لباس احرام زنانه را می‌توان به جای کفن میّت، مصرف کرد یا نه؟.

ج

- بلی ازار و رداء احرام را می‌توان به جای کفن، مصرف نمود.

س

- آیا جائز است که با جوهرهای فعلی که مردم با آن می‌نویسند مطالب مقوّر را به کفن بنویسند؟.

ج

- اگر علم به نجاست آن نباشد اشکال ندارد ولی بهتر آنست که با تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام بنویسند.

صفحه : ۹۴

س

- بدنی که مجروح است و نه با گچ، نه با پنبه، نه با چسب، نه باند امکان ندارد جلو خون گرفته شود چنانچه بعد از تیمم بدن را روی پلاستیک بگذاریم و از روی پلاستیک، لنگ و پیراهن و سراسری را به پوشانیم چه صورت دارد با توجه به این که بدون پلاستیک هر قدر تکفین کنیم خونی و نجس می‌شود.

ج

- در صورت مفروضه که بغیر این نحو، ممکن نیست اشکال ندارد.

س

- کفن کردن این منافقین که اعدام می‌شوند چه صورت دارد و تکلیف شرعی ما با آنها چیست؟.

ج

- کفن کردن آنها ما دام که علم به ارتداد آنها نباشد اشکال ندارد.

نماز میّت

س

- شخصی یک عمر دیوانه بوده بعد از فوت، واجب است نماز میت بر او خوانده شود یا نه و در صورتی که نماز خواندن بر او واجب باشد جمله (اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا) بر وی صدق می‌کند یا چون که این شخص در حال حیات، از نظر تکالیف شرعیه، مرفوع القلم بوده است باید چیز دیگری گفت؟.

ج

- خواندن نماز میت، واجب است و به جای جمله مذکوره، در دعای بر او جمله دیگر که مناسب باشد مثل (اللهم ادخله الجنة و اكرمه و احسن اليه) بگوید.

س

- شخصی برای حفظ جان، به دستور طیب تا آخر عمر، بدون ختنه مانده آیا نماز بر جنازه او جائز است یا نه و بعد از غسل می‌شود او را ختنه نمود یا نه؟.

ج

- ختنه، واجب است و از ضروریات می‌باشد و کسی که آن را بدون عذر شرعی ترک کرده اگر وجوب آن را قبول داشته معصیت کرده و ترک آن برای حفظ جان، اشکالی ندارد و در هر حال، مسلمان است و نماز بر جنازه او واجب می‌باشد و بعد از مرگ، ختنه میت جائز نیست.

س

- شخصی که اهل نماز و روزه نبوده و منکر هم نبوده از دنیا رفت، تغسیل و تکفین و نماز و تشییع جنازه او چه صورت دارد؟.

ج

- تجهیزات میت مسلمان - هر چند فاسق باشد مانند مسلمان تارک الصلاة - واجب است.

س

- نماز خواندن بر جنازه اشخاصی که به وسیله سم یا به وسائل دیگر

صفحه : ۹۵

خود کشی می‌کنند، چه صورت دارد؟.

ج

- اگر مسلمان باشد نماز بر جنازه او واجب است.

س

- شیعه و سنی از حیث غسل و تیمم و نماز و کفن و دفن فرقی دارند یا نه؟.

ج

- غسل و تیمم و کفن و دفن آنها به یک نحو است ولی در نماز و دعایی که بر میت خوانده می‌شود نسبت به آنها فرق دارد. در رساله، ملاحظه کنید.

س

- اگر کسی در نماز میت بعد از تکبیر چهارم، در باره مطلق اموات بگوید: (اللهم اغفر لهذا الميت) کفایت می‌کند یا حتما باید برای هر کدام بنحو مخصوصی که در بعضی از رساله‌ها نوشته شده عمل کند؟.

ج

- اگر جنازه‌ای که به آن نماز خوانده می‌شود یکی باشد، (اللهم اغفر لهذا الميت) کافی است، و اگر دو میت باشد (اللهم اغفر لهذين الميتين) و اگر سه میت باشد (اللهم اغفر لهؤلاء الاموات) کفایت می‌کند و تفصیل، لازم نیست و جایز است برای میت اعم از زن و مرد، بلحاظ شخص یا نعش یا بدن بگوید اللهم اغفر لهذا الميت و بلحاظ جثه یا جنازه بگوید اللهم اغفر لهذه الميتة.

س

- دستور است که در نماز میت گفته شود (اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا) با آن که متوفی مشروب فروش و از طرفی مسلمان است نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج

- اگر اعمال او از این قبیل بوده که قابل حمل بر صحت نیست و توبه او هم معلوم نباشد آن جمله را نگوید و به جای آن بگوید: (اللهم انت اعلم به منا).

س

- شخصی تارک الصلوة مرده، کسی از روی ترس و یا ملاحظه قبیله او نماز بر جنازه‌اش بخواند گناهی کرده یا نه؟.

ج

- خواندن نماز میت بر او اشکال ندارد لکن نگوید (اللهم انا نعلم منه الا خيرا) بلکه بگوید (اللهم انت اعلم به منا).

س

- یک نفر فوت نموده، او را غسل داده و کفن کرده و در جعبه گذاشته‌اند و از شهری به شهر دیگر منتقل نموده و از جعبه بیرون

نیاورده و بر او نماز خوانده‌اند آیا نماز صحیح است یا خیر؟ و دیگر این که دو بار نماز خواندن بر میت غیر

صفحه : ۹۶

اهل علم و تقوی چطور است؟.

ج

- در صورتی که درب جعبه را باز نموده و نماز خوانده باشند صحیح است ولی اگر در جعبه بسته بوده احتیاطاً نماز را مجدداً- بر قبر او بخوانند و تکرار نماز میت مانعی ندارد.

گذارن میت در مسجد

س

- اگر میت را قبل از غسل در مسجد بگذارند چه صورت دارد و بمسجد هتک و بی احترامی می شود یا نه؟.

ج

- در صورتی که موجب تنجیس مسجد نشود جائز است هر چند خلاف احتیاط است.

س

- میتی که بدنش به نجاستی مثل خون و بول و غائط آلوده باشد غسل نداده در مسجد بگذارند جائز است یا نه؟.

ج

- هر گاه نحوی باشد که موجب توهین شود جائز نیست.

دفن میت

س

- دائی می تواند زن خواهرزاده خود را در لحد بخواباند یا نه؟.

ج

- در لحد خواباندن میت، شرطش محرمیت نیست لکن از لمس و نظر خودداری نماید.

س

- زید قریب چهار سال قبل، فوت نموده و در قبر ابتیاعی خود مدفون گردیده و ورثه اش چهار پسر و چهار دختر و دو عیال است.

اکنون برادرش فوت شده او را هم در همین قبر، دفن نموده‌اند آیا در این مدت کوتاه، جائز بوده در آن قبر، میت دیگری دفن گردد یا نه و هم چنین اجازه کلیه ورثه لازم است یا نه؟.

ج

اگر محل قبر، وقف نبوده و ملک فروشنده بوده و بنحو شرعی خریداری شده ملک خریدار است و بدون اجازه مالک، تصرف در آن جائز نیست هر چند میتی که در آن دفن شده از بین رفته باشد و اگر وقف باشد باید به نحوی که در وقف، معین شده عمل شود و نبش قبر - جز در مواردی که در رساله عملیه ذکر شده - حرام است.

صفحه : ۹۷

س

- در بندر دیلم معمول شده که اغلب مردم، اجساد مردگان خود را به قم و یا به غیر قم نقل می‌دهند و چون بهداری محل، در تمام فصول، اجازه نقل نمی‌دهد به نام «قبر هاشمی» زمین را حفر کرده و میت را بطرف شمال یا جنوب به پشت می‌ خوابانند و روی آن را با گچ یا گل و غیر اینها مسدود نموده سپس گودال (قبر) را با خاک، پر می‌کنند پس از مدتی، یک سال یا بیشتر یا کمتر قبر مذکور را نبش نموده جسد را از آنجا بیرون می‌آورند و به مقصد مورد نظر، نقل می‌دهند و بعضی از بازماندگان، اصلاً موفق به حمل جسد نمی‌شوند و بهمان حال که در زمین گذاشته‌اند باقی می‌ماند آیا با این وضع، این عمل، صحیح است و اجازه می‌فرماید یا نه؟ و دیگر آن که اگر روی زمین بنایی بسازند و جسد میت را در آنجا بگذارند همان حکم خود زمین را دارد یا نه؟.

ج

- دفن میت به این نحو، در داخل زمین یا خارج آن، هر چند بعنوان امانت برای نقل به اماکن متبرکه باشد بنظر این جانب جائز نیست و باید بهمان نحو شرعی و متعارف، زیر زمین دفن نمایند و هر وقت خواستند او را به یکی از اماکن مشرفه حمل کنند نبش قبر او - در صورتی که مستلزم هتک نشود - جائز است.

س

- شخصی با حریق از بین رفته و فقط مقداری خاکستر از او باقی مانده آیا وظیفه‌ای در باره او هست؟.

ج

- احتیاطاً خاکستر او را دفن کنند.

س

- آیا گذاشتن قرآن در قبر همراه میت با عقیده پاک - و لو وصیت خود او باشد - جائز است یا نه؟.

ج

- اگر طوری است که از آلوده شدن به رطوبات، محفوظ باشد و هتک نباشد بقصد تبرک مانعی ندارد.

س

- بچه‌ای متولد گردید و مدت هشت ماه زنده بود و سپس مرد. این بچه تمام اعضایش سالم بود جز صورتش که بطرف پشت بود که اگر رو به قبله می‌ایستاد یا او را می‌داشتند مقادیم بدن، همه بطرف قبله اما صورتش کاملاً پشت به قبله بود اکنون نظر خودتان را نسبت به دفن این میت، و این که آیا اگر این بچه زنده می‌ماند تا بالغ می‌شد چگونه واجب بود نماز بخواند و دیگر آن که اگر

صفحه : ۹۸

صورت او کاملاً بطرف مشرق یا مغرب بود چه می‌بایست کرد بیان فرمائید.

ج

- در این مسأله تشخیص تقدیم احد طرفین مشکل است و اقوی تخیر است. اما در نماز علی الظاهر مقادیم بدن که می‌تواند رکوع و سجود به جا آورد مقدم است در استقبال، و رکوع را بهمان وضع به جا آورد چون رکوع با این حال صدق می‌کند و در سجده نیز گذاشتن یکی از جبین بر زمین کافی است و احتیاطاً مهر را هم به پیشانی بگذارد. و برای دفن او را مانند سایر اموات روی دست راست دفن نمایند.

س

- در کتاب طهارت فرموده‌اند که باید صاعقه زده و غرق شده و سخته کرده را بگذارند و سه روز صبر کنند تا یقین بموت آنها حاصل شود کما این که پنجاه سال پیش چنین می‌کردند ولی در این زمان به معاینه دکتر، فوراً دفن می‌کنند، آیا معاینه دکتر کافی است؟

ج

- اگر از قول دکتر، یقین به موت، حاصل شود دفن، جائز است و الاً جائز نیست تا یقین حاصل شود.

س

- در ممالک غربی اروپا مرده را توی جعبه می‌گذارند و دفن می‌کنند آیا چنین کاری مخالف با احکام اسلام نیست؟

ج

- پس از غسل و کفن و نماز اگر او را در جعبه بگذارند به نحوی که رو بقبله باشد- به شکلی که میت را در قبر می‌گذارند- و دفن کنند مانعی ندارد.

س

- در محلّ ما سردابی است که از قدیم، اطفال مرده را در میان آن سرداب، روی هم یا کنار هم می‌گذارند و درب ورودی آن را با سنگ و خاک و گل می‌پوشانند و بعد از مدّت کوتاهی مجدّداً درب سرداب را باز کرده و طفل مرده دیگر را در آنجا می‌گذارند. اکنون آیا این نحو دفن را تجویز می‌فرمایید یا نه و بر فرض عدم جواز آیا واجب است مرده‌هایی را که در آنجا گذاشته‌اند و بعضی از آنها تازه و بعضی پوسیده است دفن شرعی نمایند؟.

ج

- با صدق دفن و موارد فی الارض، جواز، بعید نیست. لکن احتیاط آنست که قبر بکنند و آنها را دفن نمایند و این احتیاط، ترک نشود.

س

- در قبرستان کهنه، قبری برای دفن میّتی کنده‌اند، اتّفاقا استخوان

صفحه : ۹۹

مرده‌ای در آمده که معلوم است چندین سال قبل، دفن شده آیا می‌توانند میّت را در آنجا دفن کنند یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال در صورتی که بدانند محلّ قبر است و شکّ کنند استخوان آن پوسیده است یا نه، کندن آن جائز نیست لکن جایی را که کنده‌اند دفن میّت در آن جائز و استخوانی را که در آورده‌اند دوباره دفن کنند.

نبش قبر

س

- میّت را دفن نموده‌ایم، بعد از دفن یادمان آمده که حنوط نکرده‌ایم آیا نبش قبر لازم است یا خیر؟.

ج

- در صورتی که بدن در قبر، بو نگرفته و منفسخ نشده واجب است نبش قبر و در همان قبر حنوط شود و اخراج او از قبر لازم نیست.

س

- در غسل میّت که ترتیب لازم است اگر از روی اشتباه غسل با آب کافور را بر آب سدر مقدّم داشتند آیا لازم است نبش قبر نموده به ترتیب، غسل بعمل بیاید یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله تا زمانی که نبش قبر، موجب هتک میّت نباشد- از جهت رایحه کریهه و یا متفرّق شدن اجزاء بدن میّت - نبش قبر برای رعایت ترتیب اغسال سه گانه، واجب است.

س

- قبرستانی است تقریباً مدّت دو سال است متروک شده و فعلاً از طرف شهرداری در قسمتی از آن، مشغول ساختمان هستند و ما بقی آن را چون ارتفاع دارد خاک برداری می‌نمایند تا این که مسطح شود و با این عمل شهردار، اثر قبور از بین می‌رود و احتمال دارد که چون با وسائل امروزه و ماشین آلات خاک برداری می‌نمایند، به لحد برسد در این صورت جائز است اموات را از آن محل بیرون آورده و در جای دیگر دفن نمایند یعنی نبش قبر را در این صورت جائز می‌دانید یا نه؟.

ج

- نبش قبر، جائز نیست اگر معصیت کردند و نبش شد واجب است میّت را در محل دیگر دفن کنند و اگر در شرف نبش و هتک واقع شد، جائز است قبلاً نبش کنند و در محل دیگر دفن نمایند و به احتمال هتک، نبش، جائز نیست

صفحه : ۱۰۰

باید در شرف هتک باشد تا حمل به مکان دیگر، لازم شود.

س

- نظریّه حضرت آیة الله در باره نبش قبر، نسبت به کسی که خودش وصیّت نکرده و فرزندانش او را بنحو امانت به خاک سپرده‌اند چیست؟.

ج

- نبش قبر، جهت حمل به مشاهد مشرفه، جائز است هر چند وصیّت نکرده باشد.

س

- اگر میّتی در ملک غصبی دفن شود که صاحب آن زمین، راضی نباشد چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض سؤال که در زمین غصبی، دفن شده واجب است نبش قبر کرده و او را از آن مکان بیرون بیاورند و در مکان مباح، دفن کنند گر چه اولی بلکه احوط این است که وسائل رضایت مالک را - هر چند با پرداخت عوض باشد- فراهم سازند.

س

- شخصی از بستگانم را - که چندی پیش بر اثر تصادف ماشین فوت کرده بود- در خواب دیدم و او در خواب می‌گفت من نمرده‌ام .. قبر مرا بشکافید و مرا بیرون بیاورید آیا خواب حجّت است یا نه؟.

ج

- خواب شرعا حجت نیست و مجوز نبش قبر نمی‌شود و نبش قبر، حرام است.

س

- در صورتی که اثبات حقی مستلزم نبش قبر بشود اجازه می‌فرمایید که نبش کنند یا نه؟.

ج

- بلی از مواردی که نبش قبر، جائز است موردی است که اثبات حقی موقوف به رؤیت جسد میت باشد.

س

- دوازده سال پیش در ایام زمستان شخصی فوت نموده و به علت برف شدید نتوانستند او را به قبرستان عمومی ببرند و ناآگاهانه متوفی را در مسجد به خاک سپردند. آیا باید نبش قبر شود و در قبرستان عمومی دفن گردد یا خیر؟.

ج

- در صورت مفروضه گرچه عمل حرامی انجام شده ولی جواز نبش قبر بعد از گذشت دوازده سال معلوم نیست اما آثار ظاهری قبر باید از بین برود.

س

- شخصی پدرش دارای دو ملک یکی در ییلاق و یکی در قشلاق

صفحه : ۱۰۱

بوده. پدر فوت نموده و او را در ملک قشلاقی به خاک سپرده. اکنون ملک قشلاق بفروش رفته و تحت اختیار دشمن است آیا پسر می‌تواند نعش پدر را که چهارده سال قبل فوت نموده به ییلاق که فعلا مالک و ساکن است انتقال دهد.

ج

- در فرض سؤال نبش قبر جائز نیست بلی اگر در آنجا در معرض هتک باشد به این که دشمن او را از قبر خارج نموده و توهین نماید نقل جسد او به جای محفوظ از شر دشمن مانعی ندارد.

س

- یکی از شهداء بزرگوار جنگ تحمیلی که در اصفهان به خاک سپرده شده، پس از گذشت یک سال، وصیت نامه‌اش بدست آمده که در آن وصیت کرده، در آبادان مرا دفن نمایید، در این صورت آیا نبش قبر و انتقال شهید جائز خواهد بود؟.

ج

- در فرض سؤال که ابتداء، به وصیت عمل نشده انتقال به غیر مشاهد مشرفه مثل قم و مشهد، جائز نیست.

س

- این جانبان جنازه مرحوم پدر خود را طبق مقررات مربوطه سازمان بهشت زهرا در مقبره شماره .. دفن نموده و وجوه مقرر را پرداخته و برگ رسید را با ذکر مشخصات قبر دریافت داشته‌ایم بعد از مدت هفت سال از طرف بهشت زهرا ابلاغ شده که اشتباهی رخ داده و قبر مربوط به سازمان بهشت زهرا مقبره شماره دیگر می‌باشد و سازمان مربوطه به هیچ وجه راضی نمی‌شود که فقط پول این قبر را دریافت نماید و اخطار نموده که چنانچه وراثت به آن سازمان مراجعه نمایند نبش قبر نموده و جنازه را به مقبره دیگر منتقل می‌نمایند. فعلا تکلیف بازماندگان چیست با توجه به این که اشتباه از طرف متصدیان بهشت زهرا رخ داده است.

ج

- در فرض سؤال اگر مقبره مذکوره ملک شخص معین باشد و یا نسبت به مقبره ذی حق بوده باشد و راضی نشود به بقاء میت در آن لازم است ورثه نبش قبر نمایند و میت را در محل مباحی دفن کنند و اگر مقبره، ملک شخص معین نبوده و ذی حق هم نباشد و فقط مجاز در دفن میت در مقبره باشد نبش قبر جایز نیست و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است.

س

- اگر میت را به طوری دفن کنند که رو بقبله باشد ولی به جای این که

صفحه : ۱۰۲

میت را بطرف راست بخوابانند روی دست چپ دفن کرده باشند آیا در این صورت باید نبش قبر شود یا خیر؟.

ج

- در صورتی که تازه دفن شده باشد و معرض هتک حرمت نباشد بعید نیست برای تحصیل کیفیت استقبال، نبش قبر واجب باشد و چنانچه تغییر کرده و در معرض هتک است نبش جائز نیست.

س

- پدرم وصیت نمود که بدن مرا در امام زاده یحیی زواره به امانت بسپارید و چنانچه ظرف مدت ده سال، راه به سرزمین کربلای معلی باز گردید نعش مرا برای دفن به کربلا ببرید و اگر نه بعد از ده سال در قبرستان قم به خاک بسپارید. حال که بیش از پنج سال و چند ماه از فوت نامبرده نگذشته عده‌ای تصمیم به بازسازی امام زاده نموده‌اند و محل امانت سپاری مرحوم پدرم در مکانی از امام زاده قرار دارد که هیچ احتیاج به مرمت و یا تخریب ندارد و مع ذلک می‌خواهند خراب کنند، مستدعی است وظیفه این جانب را بیان فرمائید؟.

ج

- در فرض سؤال حتی الامکان باید طبق وصیت عمل شود و چنانچه محل سپردن امانت را بخواهند خراب کنند و با خراب کردن آن به میتی که امانت سپرده شده توهین شود، جائز است در جای دیگر که محفوظ باشد سپرده شود تا در وقت معین طبق وصیت عمل شود.

س

- فرزندم به اتفاق جوانی در اثر تصادف ماشین فوت نمود جنازه هر دو را برای کفن و دفن به قبرستان محل زادگاهشان حمل نمودند. مادر آن جوان در همان روز بخیرید یک باب آرامگاه خصوصی اقدام و با اصرار و واسطه نمودن چند نفر اجازه دفن پسر را در آرامگاه مذکور کسب نمود تا این که این جانب یک روز جهت زیارت اهل قبور، به آرامگاه وارد شده و مشاهده نمودم جنازه تازه‌ای در آنجا دفن نموده‌اند. از نامش تحقیق نمودم معلوم شد که از مبلغین فرقه ضاله بهائیه است، دیگر برایم شک و تردید باقی نماند که مادر آن جوان هم بهائیه می‌باشد. اکنون بفرمایید تکلیف چیست ضمناً متذکر می‌شوم که آرامگاه مذکور، در قبرستان مسلمین می‌باشد.

ج

- اگر میت مسلمان در قبرستان یا مقبره کفار، دفن شود واجب است او

صفحه: ۱۰۳

را اخراج و در مقبره یا قبرستان مسلمین، دفن نمایند.

س

- اگر کسی غسل میت را عمدًا یا سهواً یا جهلاً غلط به جای آورد مثلاً غسل با کافور را قبل از سدر و یا یکی از دو غسل را بعد از آب خالص به جای آورد آیا در جمیع این صورتهای می‌تواند بعد از دفن میت نبش قبر کرده و غسل صحیح بدهد یا نه؟.

ج

- در مفروض سؤال اگر نمی‌دانند میت تغییر کرده یا نه باید او را از قبر خارج نموده و بطور صحیح غسل داده و حنوط و کفن نموده و نماز بخوانند و دفنش نمایند و در صورت نبش قبر اگر میت متعفن شده باشد غسل ساقط می‌شود.

س

- حسیه‌ای جهت سوگواری حضرت سید الشهداء علیه السلام در دهکده .. در قدیم الایام از خشت و گل ساخته شده و مورد بهره برداری بوده، پنج نفر از واقفین آن، بصورت امانت در این حسیه سالها است دفن شده‌اند و حسیه به مرور زمان بر روی آنها خراب شده و مخروبه مانده اکنون می‌خواهند آن را تجدید بنا کنند، در مورد نبش قبوری که اجساد در آنها بطور امانت گذارده شد نظر مبارک چیست؟.

ج

- در فرض سؤال اگر امواتی که در حسیّته به عنوان امانت دفن شده‌اند بطور شرعی که سایر اموات را دفن می‌نمایند دفن نشده باشند و طبق متعارف بعضی جاها باشد که آنها را بصورت میت در حال نماز بر او دفن می‌نمایند یا بهمان صورت که میت در روی زمین گذاشته می‌شود می‌گذارند و روی او را با بناء می‌پوشانند، باید اگر باقی باشند آنها را از این صورت خارج نموده و بطور شرعی دفن نمایند و بنا بر این تجدید ساختمان حسیّته با نقل جنازه‌ها یا استخوانهای باقی مانده به محل دیگر اشکال ندارد و اگر بطور شرعی در زمین دفن شده باشند، حسیّته را به صورتی تجدید بناء کنند که نبش قبر نشود.

احکام قبرستان

س

- بعضی برای اموات خود در قبرستان عمومی که وقف عام است نرده آهن می‌کشند و یا این که بتون می‌کنند که مثل نرده سالهای سال باقی می‌ماند و مانع از دفن دیگران می‌شوند و بعضی دیگر قبرستان عمومی را متصرّف و مسجد یا

صفحه : ۱۰۴

ساختمان دیگر می‌سازند تکلیف این طور بناها، و نماز خواندن در این گونه مساجد چیست؟.

ج

- این گونه تصرّفات که مانع از دفن بشود با احتیاج مردم، جائز نیست و مسجد ساختن نیز بر خلاف وقف قبرستان است و جائز نیست. لکن نماز در آن صحیح است و اولی و احوط اعاده آن است و آن که ساخته معصیت کرده.

س

- یک قطعه قبرستان موقوفه واقع در روستا، محل دفن اموات بوده و می‌باشد و فعلاً مدّتی است چند نفر از ساکنین این روستا جهت استفاده شخصی خود وسایط سنگین حمل و نقل و تراکتور خود را از این قبرستان عبور می‌دهند و تا کنون قبرهای زیادی را تخریب و نابود نموده‌اند با توجه به این که این عدّه دارای یک خیابان اصلی دیگری می‌باشند که می‌توانند از آن استفاده بنمایند منتهی خیابان اصلی نسبت به خیابان قبرستان در حدود نیم کیلومتر دورتر است بدین جهت خیابان قبرستان را برای نزدیکی آن، راه عبور و سائل سنگین نموده‌اند. آیا از نظر شرع مقدّس اسلام جائز است چند نفر بخاطر نزدیکی راه، وسایط سنگین حمل و نقل را از قبرستان عبور دهند و سبب انهدام قبور مسلمین شوند یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال که عبور و سائل سنگین موجب خرابی قبور باشد توهین به مسلمین است و جائز نیست و خوب است در اطراف قبرستان برای جلوگیری از توهین مانعی ایجاد کنند که چنین وسائلی نتوانند از آنجا عبور کنند.

س

- صاحب قبری که زمین آن را خریده باشد تا چه مدّت، صاحب آن محسوب می‌گردد و اگر نخریده باشد چطور؟.

ج

- در صورت مباح بودن محل، برای دفن اموات، تا یقین به پوسیدگی استخوان مانند خاکستر پیدا نشود، نبش قبر، حرام است و در قبرستان و مشاهد مشرفه، کسی مالک قبر نمی‌شود ولی اگر ملک را کسی بخرد، تا آخر، به ملکیت او و ورثه‌اش باقی است.

س

- در قبرستان مؤمنین و مسلمین، دفن کردن حیوانات جائز است یا نه؟ و اگر حیوانی از قبیل اسب و غیره در این قبرستان، دفن شده بیرون آوردن آن، واجب است یا نه؟.

صفحه : ۱۰۵

ج

- بیرون آوردن، واجب نیست و مؤمنین احترام قبرستان مسلمین را محفوظ دارند و چنانچه دفن حیوان، موجب هتک و توهین باشد حرام است.

س

- قبرستانی - از قبیل باغ رضوان مشهد مقدس - که از بین رفته فروش اشیاء موقوفه مقابر مخصوص آن، از قبیل قالیچه و چراغها جائز است یا نه و اگر جائز نباشد اجازه می‌فرمایید که در مساجد و یا مقابر دیگر یا امکنه دیگری مورد استفاده قرار بگیرد یا نه؟.

ج

- اگر بدن آن اموات را با نبش قبر، در محل دیگری دفن کرده‌اند این اشیاء، روی قبر جدید گذاشته شود و الا اگر صاحبان آنها معلوم باشند با اذن خود آنها و اگر معلوم نباشند با اذن حاکم شرعی و یا مأذون از قبل او در اماکن عبادت از قبیل مساجد و مشاهد مشرفه و مقابر علماء و صالحین گذاشته شود.

س

- شخصی وصیت کرده که بالای قبرش اطاقی بسازند. حال اگر زمین قبرستان وقف باشد جائز است یا نه و اگر وقف نباشد و اختصاص به قبرستان داده باشند چه صورت دارد؟.

ج

- اگر بنای دیوار آن، مانع از دفن غیر نباشد مانعی ندارد.

س

- قبرهائی اطراف ساختمان قبور امام زادگان است و سنگهایی روی آن قبرهاست که اسم میت هم رویش نوشته نیست اکنون برای

صاف کردن حیاط امام زادگان و محفوظ ماندن ساختمان آن از ورود جانوران، اجازه می‌فرمایید آن سنگهایی که روی قبرها است بردارند و مصرف دیوار ساختمان امام زادگان کنند یا نه؟.

ج

- جائز نیست که در سنگهای قبور مؤمنین بدون اجازه صاحبان آن تصرف کنند و این جانب نمی‌توانم اجازه بدهم.

س

- شخصی مقداری خاک قبرستان را آورده و بدون اطلاع از این که خاک قبرستان است در بنایی بکار برده. حال آیا قیمت آن را - چون اصلش در بنا مصرف شده - بدهد؟ و اگر قیمت را باید بدهد صرف چه محلی کند؟.

ج

- ضمان او معلوم نیست. و لکن احتیاطاً معادل قیمت آن، در همان قبرستان و اگر نشد در قبرستان دیگر چیزی مثل خشت و آجر در اختیار مردم بگذارد

صفحه : ۱۰۶

که در دفن اموات از آن استفاده نمایند.

غسل مس میت

س

- میتی را عوض غسل، تیمم بدهند بعد از تیمم، باز غسل مس میت دارد یا نه؟.

ج

- احوط، غسل مس میت است هر چند عدم وجوب آن، بعید نیست.

س

- کسانی که قبر بت پرستان را نبش می‌کنند و استخوان پوسیده آنان را مس می‌نمایند آیا غسل مس میت بر آنان واجب است یا نه؟.

ج

- چون آنها را بدون غسل، دفن نموده‌اند مس استخوان آنها بنا بر احتیاط لازم، موجب غسل مس میت است.

س

- زنی که بچه مرده از او متولد شده و نمی‌دانسته که اگر بچه، مرده بدنیا آمد غسل مسّ میت بر مادر، واجب است و مدّتها گذشته لکن در طول این مدّت، غسل جنابت کرده آیا ذمه او از غسل مسّ میت بری شده یا نه؟.

ج

- غسل جنابت، از غسل مسّ میت کفایت می‌کند هر چند نداند غسل مسّ میت، در ذمه دارد.

س

- شخصی غسل مسّ میت بر ذمه داشت غسل را فراموش کرد و مدّت ده روز با همان حال، فرائض یومیّه را به جا آورد و متذکّر نشد که غسل مسّ میت در ذمه دارد و پس از ده روز به یادش آمد. ضمناً در خلال ده روز یک غسل جنابت هم کرده حال نمازهایی را که قبل از غسل جنابت و بعد از آن به جا آورده چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض مسأله، قضاء نمازهایی که قبل از غسل جنابت خوانده واجب است و بعد از غسل جنابت، غسل مسّ میت، ساقط می‌شود هر چند در نظر نداشته است.

س

- گاهی دوستان اشکال می‌کنند و می‌گویند اگر انسان دست به مرده سگ که حیوان نجس العین است بزند غسل، لازم نیست و فقط باید دست خود را بشوید. ولی انسان که اشرف مخلوقات است وقتی از دنیا رفت و سرد شد و کسی دست به بدن او زد اضافه بر شستن دست، باید غسل کند. علت چیست؟

صفحه: ۱۰۷

مگر انسان از سگ، نجس‌تر است، در صورتی که بر تمام موجودات، برتری دارد این مطلب را برایم روشن فرمائید؟.

ج

- راجع به مسأله غسل مسّ میت، اولاً آن چه بر ما واجب است عمل به تکالیف شرعیّه است و دانستن فلسفه تمام احکام، برای ما متعذّر است. اجمالاً با ملاحظه حکمتها و فلسفه‌های معلومه بسیاری از احکام، می‌فهمیم که تعالیم این دین، بر اساس حفظ و تأمین مصالح یا دفع مفاسد است.

و ثانیاً: ممکن است در باره حکمت آن این چنین گفت که چون مردم، طبعاً از مرده حیوانات، متنفرند کسی آن را مسّ نمی‌کند ولی مرده انسان در معرض تماس زندگان - خصوص خویشان و دوستانش - قرار دارد، لذا این گونه مقرر شده است. حکمتهای دیگری نیز هست که به همین اکتفاء شد.

س

- شخصی سؤال می‌کند که غسل مسّ میت، فلسفه‌اش چیست؟

خواهشمند است فلسفه آن را اجمالاً مرقوم فرمائید.

ج

- دانستن حکمت و فلسفه احکام، واجب نیست و برای نوع مردم که مشغول کارهای عادی خود هستند فراهم نمی‌شود باید مانند بیماری بود که به طبیب، مراجعه می‌نماید و از فوائد دوا و ترکیبات آن و علت مقدار تجویز شده نمی‌پرسد و دانستنش هم برای بیمار عادی، میسر نیست. وظیفه مریض، مراجعه به طبیب است چنانچه در بعضی از روایات هم وارد شده که شما مانند بیماری و رب العالمین مانند طبیب است ۱، مع ذلک چون میته و مرده انسان در معرض تماس اقارب و خویشان است و آنان در معرض آلوده شدن به میکرب می‌باشند از این جهت، غسل واجب است و حکمت‌های دیگری نیز دارد که برای بیان آن احتیاج به مجال بیشتری است.

س

- بنده چون دانشجوی دانشکده پزشکی هستم، ناچار به مطالعه علمی استخوان‌های مردگان می‌باشم و ناچارم که همیشه استخوان‌های مرده‌ای که غسل نداده‌اند و فقط ضد عفونی شده مس‌نمایم و نمی‌توانم دائماً غسل کنم. اکنون بنده را راهنمایی فرمائید و در رساله عملیه تعبیر به احتیاط واجب فرموده‌اید آیا می‌شود این مسأله را از دیگری تقلید کرد یا نه؟.

صفحه : ۱۰۸

ج

- در مس‌استخوان جدا شده از میت، غسل بنا بر احوط، لازم است و در مورد احتیاط، رجوع به فتوای مجتهد دیگر مانعی ندارد.

س

- اگر شخصی بمیرد و بعد از مردنش او را بسوزانند چنانچه استخوانی سوخته از او مانده باشد و دست به آن زده شود غسل دارد یا خیر؟.

ج

- اگر میت را غسل داده باشند مس آن استخوان غسل ندارد و اگر غسل نداده باشند و بر آن چه مانده استخوان صدق کند که ذغال نشده باشد بنا بر احتیاط واجب غسل لازم است.

س

- میتی که به جهت اعدار شرعی از غسل تمام، غسل ناقص داده شده، مثلاً سه غسل با آب خالص داده‌اند به جهت نبودن سدر و کافور یا تیمم داده‌اند عوض اغسال ثلثه، مس این میت موجب غسل می‌شود یا خیر؟.

ج

- بعد از تمام شدن سه غسل با آب خالص در صورت فقد خلیطین یا تیمم بدل از اغسال ثلاثه، مس بدن آنها غسل ندارد.

مسائلی در باره غسل و تکفین و تحنيط و نماز مرجوم و مانند او

س

- در مورد زن یا مردی که محکوم به رجم شده‌اند که باید غسل و تکفین و تحنيط قبل از رجم انجام شود بفرمایید که آیا باید سه غسل یعنی با آب خالص و آب مخلوط به سدر و آب مخلوط به کافور انجام گیرد با همان شرائطی که برای میت هست یا این که فقط یک غسل با آب خالص دارد و بعد هم کفن و حنوط.

ج

- باید هر سه غسل انجام شود لکن در مورد غسل با آب سدر و آب کافور بنا بر احتیاط واجب است.

س

- آیا غسل و تکفین و تحنيط در باره محکوم به رجم وظیفه خود او است یا وظیفه دیگران است که باید این کارها را در باره او انجام دهند نظیر میت؟.

ج

- بعد از امر حاکم شرع جامع الشرائط، انجام آنها به عهده خود مرجوم است.

س

- بفرمایید کیفیت نیت در امور مذکوره چگونه است یعنی چه

صفحه : ۱۰۹

کسی باید نیت کند؟.

ج

- باید خود مأمور یعنی کسی که محکوم به رجم است نیت کند و احتیاط آن است که آمر هم نیت کند.

س

- آیا نماز را هم می‌توان قبل از رجم بر مرجوم خواند یا خیر؟.

ج

- نماز را باید پس از موت خواند.

س

- بفرمایید هر گاه مرجوم یا مرجومه غسل کرده و کفن پوشیده و حنوط کرده لکن قبل از رجم به علت دیگری کشته شد مثلاً تصادف کرد و یا بعنوان دیگری او را کشتند یا سخته کرد آیا باید مانند سایر اموات او را غسل دهند و کفن و حنوط کنند یا این امور ساقط است؟.

ج

- در مورد سؤال، امور مذکوره ساقط نیست و باید همه آنها انجام شود مانند سایر اموات و آن چه قبلاً انجام شده مجزی نیست.

س

- آیا کفن محکوم به رجم که قهراً خون آلود می شود تطهیرش لازم است یا خیر؟.

ج

- لازم نیست.

س

- اگر مرجوم یا مرجومه همه مراسم یعنی غسل و کفن و حنوط را انجام دهد و قبل از رجم محدث شود آیا باید امور مذکوره تجدید شود یا لازم نیست؟.

ج

- در مورد سؤال، اعاده لازم نیست.

حجله درست کردن برای میت

س

- در جلو خانه و یا در منازل بعضی اشخاص که فوت نموده اند چند حجله، چراغانی می کنند و چراغهای برق که تعداد آنها تقریباً به دویست لامپ می رسد در آن روشن می سازند و گاهی تا هفت شبانه روز روشن است آیا این عمل برای متوفی نفعی دارد یا نه؟.

ج

- آن چه شرعاً مستحب است این است که در محلی که میت در شب فوت شده چراغ، روشن نمایند و حجله برای متوفی اثر اخروی ندارد و اگر آن چه صرف آن می شود خیرات و صدقات برای میت بشود برای او نافع خواهد بود.

مسائل متفرقه اموات

س

- انصات و سکوت در موقع تلاوت کلام الله مجید واجب است یا مستحب؟ و ضمنا هتک قرآن کریم بهر عنوان حرام است و در این عصر، مرسوم شده که در مجالس فاتحه که قاری پشت بلندگو قرآن می‌خواند صدای آن در کوچه و خیابان می‌رود و مردم در حال معامله و رفت و آمد و گفتگو می‌باشند و در خود مجلس نیز مردم، سرگرم خوردن چای و قهوه و صحبت می‌باشند و خواندن قرآن صرفا جنبه اعلان دارد که اینجا مجلس ترحیم است و بهره دیگری منظور نمی‌گردد چنانچه حضرت آیه الله، خود مستحضرید، حال آیا این نوع تلاوت آیات، هتک نیست؟ نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج

- استماع قرآن، مستحب است و توجه و اتعاظ به مواعظ الهی نیز از مستحبات موکده است و هتک بودن قرائت قرآن در فرض مرقوم، معلوم نیست ولی هر چه رعایت ادب و حفظ توجه مردم و تعظیم از مجلس قرائت قرآن مجید شود سزاوار است.

س

- آیا صحیح است که به دستور شاه اسماعیل صفوی قبر مبارک حرّ ریاحی را شکافته‌اند و جسد او تازه بوده و حتی پس از باز کردن دستمالی که به سر او بسته شده بود خون بیرون زده است آیا این داستان حقیقت دارد یا نه؟.

ج

- این مطلب در بسیاری از کتب نقل شده ۱ و امثال این مطالب در باره شهداء راه خدا بعدی ندارد.

س

- آیا ممکن است اشخاص با ایمان و با تقوی که مقرب درگاه خدا می‌باشند پس از مردن، جسدشان سالم بماند؟.

ج

- این مطلب، بطور تواتر گفته شده و در مورد بعضی از اولیاء و بندگان خاص خدا مشهود و محسوس بسیاری بوده است ولی کلیت ندارد که هر کس بدنش در قبر پوسیده شد از بندگان صالح و با ایمان نباشد.

س

- گاهی در منابر می‌خوانند که در زمان سلطان عبد الحمید قبر حضرت رقیه سلام الله علیها را نبش کرده بدن مبارکش را، سالم بیرون آورده و پس

صفحه: ۱۱۱

از سه شبانه روز تعمیر قبر، دوباره بدن را دفن نمودند، این مطالب حقیقت دارد یا نه؟.

ج

- این گونه مطالب، نقل شده و استحاله عقلی ندارد و لکن از اموری که اعتقاد به آن، لازم باشد نیست.

س

- یک برادر و خواهر در زمستان بر اثر ریزش برف و مه غلیظ راه را گم کرده و در بیابان بر اثر سرما خشک می‌شوند. بعد از مدّتی اهالی محل، جسد آنان را از زیر برف بیرون آوردند ولی باید جسدشان تا مدّتی بماند تا بشود لباس آنان را بیرون آورد و غسل‌های واجب را انجام داد، آیا در این مدّت لزومی دارد پیش این اجساد کسی باشد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال اجساد این دو نفر را باید از درنده حفظ کرد و چنانچه محل، محفوظ از درنده باشد لازم نیست کسی نزد این دو جنازه بماند و هر گاه محفوظ نباشد، باید به محلّ محفوظی حمل نمایند یا کسی برای نگهداری آنها در صورت امکان، بماند.

س

- عده‌ای از مؤمنین مبلغی جهت خریدن تابوت داده‌اند ولی شخصی به تنهائی تابوت را خریده اکنون آیا مبلغ جمع آوری شده را می‌شود به مصارف دیگر و وسائل غسلخانه رسانید یا نه؟.

ج

- از دهندگان وجوه، اذن بگیرند.

س

- شخصی می‌میرد مجلس عزای مردانه و زنانه در یک حیاط تشکیل می‌شود زنی با سواد در مجلس زنانه، قرآن و روضه و مصیبت و نوحه بخواند به طوری که مردهایی که آنجا هستند صدای او را بشنوند، چه صورت دارد؟.

ج

- با این که خداوند متعال می‌فرماید فَسَلُّوْهُنَّ مِنْ وَّرَآءِ حِجَابٍ ۱ خوب است که مجلس زنانه طوری باشد که کاملاً مراعات عفت شود.

س

- کسی که در برنامه‌های مذهبی، اهل عمل نیست ولی مسلمان است اگر بالین او و سر قبر او قرآن بخواند فقط برای خواننده ثواب

دارد یا برای میت هم ثوابی دارد؟.

ج

- قرائت قرآن و اهداء ثواب آن به میت مؤمن اگر چه معصیت کار باشد

صفحه : ۱۱۲

برای او مفید است.

س

- بعد تقبیل یدکم الشریفه لا یخفی علی جنابکم انّ المرسوم فی بلدنا اذا مات انسان تقام له الفاتحه فی بینه لمدّه غیر معلومه و الذین یشارکون فی العزاء یصلّون و یمکثون مدّه فی بیت المتوفی فهل فی صلاتهم و مکثهم اشکال ام لا افتونا لکم الفضل؟.

ج

- إن کانت الورثه کبارا فالصیلاه و المکث فی بینه موقوفه علی احراز الرضا و الاذن منهم جمیعا و اما إن کان کلهم او بعضهم صغارا فلا یجوز الا باذن الولی الشرعی لهم و کانت فی الاذن ایضا مصلحه للصغیر و یمکن إن یستأجر غیر الورثه او الکبار منهم سهم الصغیر باذن الولی مدّه معلومه بمبلغ معلوم لإقامه العزاء لمصلحه الصغار.

س

- همان طور که حضرت آیه الله مستحضرید در کلیه کشورها در رشته پزشکی، قسمت تشریح و دروس مربوطه به آن، یکی از واحدهای درسی و اساس آن را تشکیل می‌دهد، لذا ما هم مجبور به انجام این امر می‌باشیم، ۲- چون مرده‌های مورد تشریح، از یک سال قبل در موزه شیمیایی نگهداشته شده و فعلا در دسترس ما بعنوان آزمایش گذاشته شده لذا بطور حتم و صد در صد اطلاع دقیق راجع به این که اینها را از کجا آورده‌اند و آیا مسلمانند یا نه نداریم، ۳- مرده‌های مورد تشریح، بدون غسل، در دسترس ما قرار گرفته بوده ولی به پیروی از دین مقدس اسلام آنها را غسل دادیم. اکنون با توجه به مطالب مندرج فوق، خواهشمند است نظریه خود را در مورد آن، مرقوم فرموده ما را از چگونگی آن، آگاه فرمائید. و نیز بفرمایید که آیا ما می‌توانیم در خصوص این مسأله، از دیگری تقلید نماییم و اگر ممکن نیست تکلیف و وظیفه ما برای جلوگیری از گناه انجام این عمل اجباری چیست؟. (عده‌ای از دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز ..)

ج

- در بلاد اسلام مرده‌ای که مشکوک است که مسلم است یا کافر، محکوم به اسلام و احکام مسلم بر او مترتب می‌باشد. فقط در موردی که معلوم باشد کافر است تشریح آن جائز است و در خصوص این مسأله، اگر تقلید، نشده باشد

صفحه : ۱۱۳

تقلید از غیر، با مراعات شرائط آن مانعی ندارد.

س

- میتی را محققاً در شب، ساعت تعیین شده دفن می‌کنند آیا در بین نماز مغرب و عشاء یا بعد از نماز عشاء، قبل از دفن، می‌توان نماز وحشت برایش خواند زیرا اگر بعد از دفن خوانده شود آن وقت تقریباً نصف شب و یا یک ساعت قبل از نصف شب است و در آن وقت هر گز کسی برای خواندن نماز وحشت حاضر نیست و میت، محروم می‌شود.

ج

- دلیلی بر جواز خواندن نماز لیلۃ الدفن قبل از دفن نیست و قدر متیقن، بعد از دفن است خصوصاً با این جمله دعا که در بعض روایات رسیده (و ابعث ثوابها إلی قبر فلان).

س

- بچه غیر بالغ، حنوطش واجب است یا نه؟

ج

- بلی حنوط، واجب است و فرق بین صغیر و کبیر نیست.

س

- کسی که در حال غسل دادن میت است اگر دست تر به لباس دیگری بگذارد آیا آن لباس نجس می‌شود یا نه؟

ج

- میت، قبل از تمام شدن غسل نجس است و اگر چیزی با رطوبت سرایت کننده با آن ملاقات کند نجس می‌شود.

س

- گاهی بعضی از محتضرها را به جهت تعجیل در راحت شدن، مواد مهلکه تزریق می‌کنند آیا این عمل جائز است یا نه و در صورت عدم جواز، شریک در خون او و مورد دیه و قتل نفس و نحو آن خواهند بود یا نه؟

ج

- عمل مذکور، جائز نیست و با استناد موت به آن عمل، عامل آن، قاتل محسوب می‌شود و حکم آن را در احکام دیه و قصاص ملاحظه نمایید.

س

- میتی که دندان عاریه دارد بیرون آوردن دندانها از دهان او لازم است یا نه؟ و آیا بالتبع با تغسیل میت، پاک می‌شود یا نه؟

ج

- در صورتی که برای میت صدمه نباشد دندان را بیرون بیاورند و اگر صدمه داشته باشد او را اذیت نکنند و پاک شدن آن معلوم نیست.

س

- اگر شخصی در حال حیات از مال خود مبلغی به کسی بسپارد و شرط کند که این مبلغ را بعد از فوت، برای نماز و روزه او مصرف نماید و به او

صفحه : ۱۱۴

بگوید کسی متوجه نشود. و شخص مزبور این پول را با شرائط بالا قبول کند آیا بعد از فوت آن شخص، مصرف این پول، احتیاج به اطلاع وصی و ورثه دارد یا نه؟

ج

- اگر زائد بر ثلث نباشد باید صرف در روزه و نماز نماید و اطلاع دادن به ورثه و وصی، لازم نیست.

س

- در باره مخارج تجهیز میت و مصارف ایام ثلثه و هفتم و چهارم در صورتی که میت وصیت نکرده و دارای صغار هم می‌باشد، چه می‌فرمایید؟

ج

- مخارج تجهیز بمقدار واجب از اصل برداشته می‌شود و بیش از مقدار واجب را چون وصیت نکرده کبار ورثه باید از سهم خود بدهند.

س

- آیا جائز است که شخصی به نیابت از میت، خودش تیمم کند؟

ج

- اگر مواضع تیمم میت یعنی دست و جبهه او باقی نیست تیمم ساقط است و تیمم خود شخص، برای میت، مشروع نیست.

س

- برگزار کردن جلسات ضیافت، در خانه متوفی در شب اول و روز سوم و هفتم و چهارم و شرکت مردم برای طلب مغفرت و تسلیت به بازماندگان، اشکالی دارد؟

ج

- تشکیل جلسات مذهبی و مجلس دعوت و ضیافت از مؤمنین جهت طلب مغفرت و آمرزش برای اموات، موجب اجر و ثواب و بسیار مستحسن و به جا است و لکن اگر میت صغیر دارد از سهم صغیر مصرف نکنند، بلی اگر کبار از ورثه بخواهند از سهم خود خرج کنند مانعی ندارد.

س

- شخصی بمیرد و درون پای او طلا باشد یا دندانها او طلا باشد و قیمت این طلاها زیاد است آیا می‌شود طلا را از بدن مرده، جدا کرد و بیرون آورد؟.

ج

- بیرون آوردن دندانهای او جائز است ولی بیرون آوردن طلا- از داخل بدن او اگر توقف بر پاره کردن بدن داشته باشد، محل اشکال است و احتیاط، ترک نشود.

س

- شخصی فوت نموده و اطفال صغیری دارد، و در ضمن مبلغی از

صفحه : ۱۱۵

مادر میت و مهریه زن میت، مخلوط ترکه است آیا مادر و زن میت ولایت بر اطفال دارند یا نه؟.

ج

- مادر و زن میت بر صغار او ولایت ندارند و در تقسیم اموال و ترکه میت و اداء دیون او در صورتی که صغیر دارد اگر ولی شرعی ندارد باید بحاکم شرع رجوع شود.

س

- در میان عشائر .. مرسوم است که لباسها و ساعت و کفش و سایر چیزهای مخصوص به میت اگر چه قیمت آنها چند هزار تومان باشد آتش می‌زنند و یا به آب می‌ریزند و یا به سید فقیری می‌دهند، در حالی که گاهی میت دارای صغیر است و رعایت صغار نمی‌کنند آیا این کارها جائز است یا نه؟.

ج

- جز در مواردی که نگاهداری البسه میت، خطر داشته باشد اتلاف لباسهای او باین نحو و بخشیدن آن بغیر، در صورتی که صغیر داشته باشد جائز نیست.

س

- اگر کافری بمیرد مسلمانی او را غسل داده و کفن کرده و نماز بخواند و دفن کند آیا از نظر شرع مقدّس اسلام مستوجب عذاب و عقاب نیست؟.

ج

- اگر عمل مسلمان، محمل صحیح داشته باشد و بشود فعل او را حمل به صحت کرد- مثل این که شاید جاهل به موضوع بوده و یا محتمل باشد که آن کافر بطور خفاء در نزد او توبه کرده باشد- نمی‌شود مسلمان را با این عمل، تفسیق کرد.

صفحه : ۱۱۶

مسائل تیمم

توضیحاتی در کیفیت تیمم

س

- در باب تیمم، ذکر شده که تمام کف دستها را بتمام پیشانی بمالد از جائی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی. اکنون آیا بالای بینی همان ما بین ابروهاست یا این که خط امتدادی بینی که به شارب، قطع می‌شود؟.

ج

- مراد از بالای بینی همان طرف بالا است که متصل به ابرو می‌باشد.

س

- در رساله‌های عملیه مرقوم است که در تیمم، کف هر دو دست را بتمام پیشانی از جائی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی بمالد، آیا از اوّل کف دست تا آخر انگشتان مالیده شود یا تا آخر کف و اوّل انگشتان، کافی است؟.

ج

- بنا بر احتیاط لازم باید کف دست را تا آخر انگشتان به پیشانی کشید.

س

- برای مسح پیشانی، در تیمم آیا لازم است که دست را به سمت راست پیشانی و بعد به سمت چپ آن بکشند یا همین اندازه که مستقیم به سمت پائین تا بالای بینی بکشند کفایت می‌کند؟.

ج

- کشیدن دست، به سمت راست و چپ، لازم نیست و مستقیم بطرف پائین بکشند کفایت می‌کند لکن لازم است که بتمام مواضع

جبهه، دست کشیده شود.

س

- آیا در تیمم، باید کف دست را از طول کشید و یا از عرض یعنی کشیدن تمام کف دست، کفایت می‌کند یا باید از طول بکشد به طوری که کف دست

صفحه: ۱۱۷

و تمام انگشتان هر یک از دستها هم به پشت دست دیگر کشیده شود؟.

ج

- احتیاط، اینست که به نحوی مسح نماید که تمام کف دست چپ و انگشتان به پشت دست راست و بالعکس مسح شود. و طول یا عرض خصوصیت ندارد.

تیمم به موزائیک و سنگ مرمر

س

- تیمم و سجده بر سنگ مرمر چه صورت دارد؟.

ج

- مانعی ندارد.

س

- چون موزائیک از اشیاء جدید الاحداث می‌باشد تا بحال فتوایی از علماء اعلام در باب تیمم به آن دیده نشده است توضیح آن که موزائیک از سنگ ساییده و شن شسته و فشار بعمل می‌آید و مثل آجر و خزف هم نیست که مورد خلاف باشد در این صورت تیمم بر آن جائز است یا نه؟.

ج

- اگر سنگ نپخته را بسایند و با شن مخلوط نمایند و از آن موزائیک بسازند سجده و تیمم به آن جائز است ولی اگر سنگ آن را پخته باشند به نحوی که از صورت سنگی خارج شده باشد مثل آهک، مورد اشکال است.

اگر محل تیمم به اندازه هر دو دست نباشد

س

- در تیمم بدل از وضوء یا بدل از غسل که باید دو دست را به روی خاک یا چیزهائی که تیمم به آن جائز است بزنند اگر فقط

سنگی داشته باشد که به اندازه جای یک دست باشد و چیزی که جائز باشد تیمم به آن غیر از این سنگ موجود نباشد آیا می‌شود که دستها را هر کدام به تنهایی به روی آن سنگ بزند یا نه؟.

ج

- احتیاطاً یک تیمم بنحو مذکور بنماید و یک تیمم هم دستها را منضم بهم مکرر بزند هر دفعه بعضی آن را تا ضرب بتمام کف محقق شود و مع ذلک اگر چیزی که در مرتبه بعد، تیمم به آن صحیح است موجود باشد دو مرتبه به آن هم تیمم نماید و الا احتیاطاً بعد که متمکن شد نماز را اعاده و یا قضا نماید.

کیفیت تیمم دادن به دیگری

س

- کسی که هر دو دستش زخم است و دیگری باید او را تیمم دهد،

صفحه : ۱۱۸

بفرمایید چگونه آن نائب او را تیمم بدهد؟ آیا روبروی مریض بنشیند و دستهای خود را بصورت او بکشد و یا از پشت، دستها را از زیر بغل مریض بیاورد و بصورت او بکشد؟.

ج

- بنظر حقیر روبروی او بنشیند و او را تیمم دهد کفایت می‌کند و اگر احتیاط کند و به هر دو نحو تیمم دهد بهتر است.

تیمم بدل از غسل جنابت

س

- شخص جنب به جهت رفع کراهت خواب، باید تیمم کند حال بدل از غسل نیت کند یا بدل از وضوء؟.

ج

- مرحوم سید در عروه الوثقی فرموده: نیت بدل از غسل کند لکن به نظر حقیر، مشکل است و احوط آنست که تیمم کند جهت رفع کراهت خواب قربۀ إلی الله، و قصد بدلیت یا استقلال نکند.

س

- شخصی جنب شد بعد تیمم کرد و نماز خواند و مجدداً جنب شد برای اولین نماز بعد از جنابت دوم تیمم تنها کافی است یا نه؟.

ج

- اگر از غسل معذور است بعد از جنابت دوم تیمم بدل از غسل، لازم و کافی است.

س

- شخص جنب، نزدیکی طلوع آفتاب بخاطر این که مجال غسل نداشت تیمم بدل از غسل کرد. لکن بعد از تیمم و قبل از نماز، محدث شد. آیا برای نمازش تیمم کند یا وضو بگیرد؟

ج

- در فرض مسأله، اگر قبل از همان نماز که وقت غسل برای آن نداشت محدث بحدث اصغر شد و وقت وضو دارد لازم است وضو بگیرد و احتیاط مستحب آنست که تیمم بدل از غسل نیز به جا آورد.

س

- شخص جنب و معذور از استعمال آب، در دفعه اول تیمم کرد و نماز خواند برای دفعات بعد، طبق فرموده حضرت عالی باید وضو بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب تیمم بدل از غسل جنابت بکند و نمازهای خود را بخواند تا رفع عذرش بشود و غسل کند. اکنون شخص مزبور چند دفعه همین کار را کرد و نمازهای خود را خواند ولی قبل از این که غسل کند مجدداً جنب شد و باز تا چند روز دیگر

صفحه : ۱۱۹

نمی‌تواند غسل کند. آیا برای جنابت دوم باز مثل جنابت اول برای اداء این نماز، یک تیمم، و برای نمازهای بعد وضو و یک تیمم هم احتیاطی به جا آورد تا رفع عذرش شود یا چون جنابت اول هنوز رفع نشده بود که مبتلا به جنابت دوم شد تکلیف دیگری دارد؟

ج

- برای جنابت دوم نیز باید تیمم بدل از غسل نماید، و به دستور مرقوم عمل کند.

س

- در پادگان کرمان مشغول خدمت سربازی هستم. در سرباز خانه، از صدای موسیقی در زحتم. آیا در حالی که آنان مشغول به نواختن موسیقی‌اند من مشغول به نماز باشم نمازم صحیح است یا نه؟ دیگر آن که گاه می‌شود تا یک هفته نمی‌توانم غسل کنم، آیا در این مدت می‌توانم تیمم نمایم یا نه؟ و آیا در طول چند روزی که غسل، مقدورم نیست در هر وقت نماز، باید تیمم نمایم یا یک تیمم کافی است تا عذر من برطرف شود؟

ج

- ۱- اگر به موسیقی گوش فرا نمی‌دهید بلکه به گوش شما می‌خورد نمازتان در این وضعی که دارید اشکال ندارد، ۲- ما دام که نمی‌توانید غسل کنید یک تیمم بدل از غسل جنابت، کافی است و تا جنابت جدید پیدا نشده تیمم برای هر نماز لازم نیست. بلی

بعد از تیمم بدل از غسل، اگر حدث اصغر مثل بول یا خواب، حادث شود باید بنحو مقرر وضو بگیرید و هر وقت توانستید غسل کنید.

نماز شب و یا نماز قضاء با تیمم

س

- شخص جنب در صورتی که حمام بسته و یا از رفتن به حمام خوف دارد، جائز است که در شب، تیمم کند و با تیمم نماز شب و نماز قضاء بخواند؟.

ج

- برای نماز شب می‌تواند در فرض مذکور، تیمم نماید، ولی نماز قضاء را احتیاطاً پس از رفع عذر و تمکن از غسل بخواند.

مسائل متفرقه تیمم

س

- سه نفر یکی جنب دیگری میت و سوّمی محتاج به وضوء، وقت نماز هم شده آب بقدر کفاف یک نفر بیش نیست در این صورت تکلیف چیست؟.

ج

- در فرض سؤال، جنب غسل کند و محدث بحدث اصغر تیمم نماید و

صفحه : ۱۲۰

میت را هم تیمم بدهند.

س

- شخص جنب بر تربت حضرت سید الشهداء (ع) تیمم کند چگونه است؟.

ج

- تربتی را که برای تبرک برداشته شده خوبست که احتراماً با آن تیمم نکنند، مگر آن که بدون این خاک، فاقد الطهورین بشوند که در این صورت، تیمم با آن واجب می‌شود.

س

- زنی حنا بسته و در آخر وقت می‌خواهد نماز بخواند. وقت تنگ است و نمی‌تواند حنا را بشوید و سر را مسح نماید. وظیفه او نسبت به نمازش چیست؟ از روی حائل مسح بکشد و یا تیمم نماید؟.

ج

- اگر وقت ضیق است به حدی که اگر مانع را برطرف کند و بر بشره مسح نماید نماز قضاء می‌شود بر روی همان حائل، مسح کند و احتیاط لازم آن است که تیمم را نیز ضمیمه نماید.

س

- شخصی که غالباً دندانهایش خون ریزی می‌کند و وضو گرفتن با آب قلیل، برای او مخصوصاً در مسافرت که زیاد دسترسی به آب کثیر ندارد، مشکل است و بیم آن را دارد که اگر با آب قلیل وضو بگیرد سایر اعضاء بدن و لباسش نیز ملوث شود آیا جایز است که به جای وضو تیمم کند یا نه؟.

ج

- این امور، موجب تبدیل تکلیف نمی‌شود و باید با آب قلیل وضو بگیرد و اعتناء به احتمالات ناشیه از وسوسه ننماید.

س

- تیمم کفایت از غسل مستحب، می‌کند یا نه؟.

ج

- بدل بودن تیمم از غسلهای مستحبی، معلوم نیست. بلی اگر رجاء در صورت عذر از غسل، تیمم کند مانعی ندارد.

س

- شخصی در قبرستان و روی قبرها منزل بنا کرده و در آن سکونت یافته، آیا تیمم او در آنجا صحیح است یا نه؟.

ج

- آن چه بر آن تیمم می‌شود باید غصبی نباشد و زمین قبرستان اگر وقف برای قبرستان بوده ساختن خانه، در آن، جایز نیست و کسی که در آن، خانه ساخته، تیممش بر آن، بنا بر اولی و احوط، باطل است.

صفحه : ۱۲۱

س

- البته بر حضرت آیه الله .. مخفی نیست که دستورات دین مقدس اسلام باید مطابق با منطق علم باشد و سطح علم هم در این زمان به طوری ترقی کرده که بعض مردم، بدون دلیل و برهان، دستورات الهی را نمی‌پذیرند تا این که به حکم و مصالح آن - هر چند بطور اجمال باشد- پی ببرند. اکنون یکی از ایراداتی که یکی از مخالفین به این جانب نموده راجع به مسأله تیمم است که تیمم از

نظر علمی چه نفعی دارد؟ در صورتی که از نظر ظاهر، ملاحظه می‌کنیم که دست و صورت، قبل از تیمم، پاکتر از بعد از تیمم است چه آن که بعد از انجام تیمم، کف دست و مواضع دیگر از بدن که برای تیمم، دست به آنجاها رسیده خاک آلود و غباری شده و این خود از نظر بهداشت کار صحیحی نیست. لذا خواهشمند است که حکمت تیمم را از نظر شرع مقدس، جهت الزام مخالف بیان فرمائید.

ج

- اولاً احاطه به فوائد و حکمتهای دستورات فرعی دین اگر برای همه، غیر ممکن نباشد برای اکثر مردم، غیر ممکن است و مانع از انجام وظایف و مشاغل دیگر می‌شود و شخص را از استفاده عملی از این دستورات، محروم می‌سازد مانند بیماری که بخواهد تمام جزئیات نسخه یک طبیب حاذق را بررسی کند و از هر جهت، رابطه آن را با مزاج خود تشخیص دهد. اگر بیماران بخواهند این روش را پیش گیرند نه اکثراً از حکمتهای نسخه طبیب آگاه می‌شوند و نه موفق به درمان خود می‌گردند بلکه بیماری، آنها را از پا، درمی‌آورد. ثانیاً دستورات فرعی دین، همین قدر که با منطق عقلاء و علم ثابت به فرضیه‌های علمی، مخالف نباشد لازم الاتباع و قابل پیروی است، باز هم مانند دستورات طبیب که همین قدر که بدانیم طبابت او بر خلاف قواعد مسلمة طبّی و حفظ الصّحه نیست به آن عمل می‌کنیم. با این تفاوت که در دستورات دینی، احتمال خطا و اشتباه هم نمی‌دهیم.

ثالثاً راجع به تیمم، البتّه ما تیمم را برای اطاعت از فرمان خدا و تعیّد به جا می‌آوریم مع ذلک، همان طور که نوشته‌اید اگر چه ممکن است از نظر ظاهر، دست ما پیش از تیمم پاکتر باشد یعنی خاک آلود نباشد اما در زمان ما معلوم شده که خاک به خودی خود کثیف نیست که باعث قوّت بیماریها گردد بلکه خاک، کشنده میکربهای موزی و منهدم کننده موادّ آلی است و ممکن است همان غباری که به

صفحه : ۱۲۲

مواضع تیمم می‌نشیند میکربهایی را که در ظاهر بدن است از بین ببرد پس تیمم بر صعيد طيب (خاک پاک) چنانچه اسلام دستور داده و فرموده (فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا) ۱ واقعاً دست و رو را پاک‌تر می‌سازد. حکمت دیگری که در تیمم است این است که چون وضو و غسل، برای نماز، تشریع شده و مکلف باید با آب که یکی از وسایل تنظیف و تطهیر است خود را طهارت بدهد حال که از استعمال آب، معذور شده شارع، سزاوار نمی‌داند که بدون تطهیر و تنظیف، به نماز و توجّه به خدا روی آورد و خاک نیز شرعاً و علماً یکی از مطهّرات است لذا دستور داده شده که تیمم کند تا با طهارت و نظافت، به درگاه خدا حاضر شود و اطاعتی را که - به واسطه عذر از استعمال آب - از او فوت شده به این وسیله، جبران و تدارک کند، حکمت دیگر آن این است که اگر وضو و غسل، بدلی نداشته باشد و بدون بدل، مکرّر نماز بخوانند حال اعتیاد و مواظبت برگرفتن طهارت در شخص - به واسطه عذر از استعمال آب - ضعیف می‌شود پس حکمت، اقتضاء می‌کند که این حال در انسان، باقی بماند و عظمت و احترام نماز، محفوظ تر باشد ضمناً معلوم باشد که این حکمتهائی است که بنظر ما می‌رسد و الاً ممکن است حکمتهای عالی‌تری هم داشته باشد که به مرور زمان و پیشرفت علم، معلوم گردد مع ذلک تأکید می‌شود که ما تمام عبادات را باید فقط برای امتثال امر و قربۀ الی الله به جا بیاوریم تا از حظوظ و فوائد عالیه روحانی و اخلاقی آن برخوردار شویم.

سی

- شخصی مهمان است صبح به آب احتیاج پیدا کرده خجالت می‌کشد به صاحبخانه بگوید، تیمم را در این صورت جایز می‌دانید یا

خیر؟.

ج

- خجالت عذر شرعی و مجوز تیمم نیست ولی اگر وقت ضیق شد واجب است تیمم کند و نماز بخواند.

صفحه : ۱۲۳

مسائل نماز به صورت مطلق

مسائل نماز

اهمیت نماز

س

- کسی که عمدا نماز نخواند ولی منکر آن هم نباشد، با توجه به آیه شریفه سوره روم و سوره مبارکه (أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ) ۱، و احادیث کثیره آیا کافر است؟ و دست تر زدن به چنین شخصی احتیاج به تطهیر دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال که منکر وجوب نماز نیست فاسق است و معصیت بزرگی را مرتکب شده ولی مسلمان و پاک است.

س

- در اداره‌ای که ساعت خدمت آن فرضا از ۵-۷ صبح تا ۵-۲ بعد از ظهر است اگر رئیس قسمت، اجازه نماز نداده باشد بلکه مثلا گفته باشد که باید هفت ساعت که در اداره هستید خدمت کنید و کار دیگر نکنید، آیا جائز است که نماز ظهر را هنگام ظهر به جا آورد یا باید صبر کرد و بعد از ساعت اداری خواند؟.

ج

- در صورتی که مزاحمت با عمل - به نحوی که موجب ترک عمل شود- نباشد مجازید و منع از نماز، در ممالک اسلامی، مستنکر است.

س

- کسی که بداند اگر شب دیر بخوابد برای نماز صبح، بیدار نمی‌شود آیا خوابیدن او جائز است یا با این که بیدار ماندن برای او حرج و ضرری ندارد باید بیدار بماند؟.

ج

- در مفروض سؤال، احوط ترک خوابیدن است.

اوقات نماز

س

- آیا می‌شود نماز ظهر و عصر و هم چنین مغرب و عشا را جداگانه

صفحه : ۱۲۴

(که پشت سر هم نباشند) خواند یا نه و افضل، کدام است؟.

ج

- جائز است نماز ظهر و عصر و هم چنین مغرب و عشا را پشت سر هم به جا آورد و تفریق، افضل است.

س

- در سوره نسا آیه ۱۰۳ می‌فرماید (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا) و هم چنین نامه ۵۲ نهج البلاغه دستورات حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام به فرمانداران خودش برای برگزاری نماز، در اوقات معینه چنین است:

(أَمَّا بَعْدُ فَصَلُّوا بِالنَّاسِ الظُّهْرَ حِينَ تَفِيءُ الشَّمْسُ مِنْ مَرْبِضِ الْعِزِّ وَ صَلُّوا بِهِمُ الْعَصْرَ وَ الشَّمْسُ بِيضَاءَ حَيْثُ فِي عَضْوٍ مِنَ النَّهَارِ حِينَ يَسَارُ فِيهَا فَرَسَخَانِ وَ صَلُّوا بِهِمُ الْمَغْرِبَ حِينَ يَفْطُرُ الصَّائِمَ وَ يَدْفَعُ الْحَاجَّ إِلَى مَنَى وَ صَلُّوا بِهِمُ الْعِشَاءَ حِينَ يَتَوَارَى الشَّفَقُ إِلَى ثَلَاثِ اللَّيْلِ وَ صَلُّوا بِهِمُ الْغَدَاةَ وَ الرَّجُلَ يَعْرِفُ وَجْهَ صَاحِبِهِ وَ صَلُّوا بِهِمُ صَلَاةَ اضْعَافِهِمْ وَ لَا- تَكُونُوا قَتَانِينَ)، پس بنا بر این چرا ما (شیعیان) نماز مغرب و عشا و ظهر و عصر را با هم برگزار می‌کنیم و مفاد آیه شریفه و دستور نهج البلاغه را رعایت نمی‌نماییم. خواهشمندم این موضوع را مشروحا مرقوم فرمائید که استفاده نماییم.

ج

- اما آیه کریمه إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا، دلالتی بر جواز و عدم جواز جمع یا تفریق ندارد و قول به جواز جمع، مثل قول بوجوب تفریق، با توقیت صلاة، منافات ندارد علاوه بر آن که در احادیث (موقوتا) به (مفروضا و ثابتا) تفسیر شده. و اوامر صادره از مقام مقدس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که در نهج البلاغه نقل شده مشعر به جواز تفریق می‌باشد و بعنوان حکم و فرمان و ترتیب و تنظیم جماعات است و آن، مطلب دیگر است. و اگر هم برای بیان وظایف و تکلیف، باشد بیشتر از این که اداء نماز جماعت، در این اوقات، افضل است دلالت ندارد و متضمن حکم نماز فردی، و جمع بین صلاتین منفردا نمی‌باشد و اصل مسأله جواز جمع بین صلاتین، از ظهرین و عشاءین، خواه بنحو تقدیم باشد یا تأخیر ۱ مورد اتفاق امامیه و موافق با اطلاقات آیات کریمه قرآن مجید در مورد اوقات صلوات است و مطابق با سهولت و یسر شریعت سهله سمحه اسلامیه است، و علاوه، بر حسب اخبار معتبره صحیحه، نیز ثابت است و از طرق اهل سنت و در کتب صحاح آنها نیز روایت شده که حضرت رسول اکرم (ص) بدون عذر، جمع

صفحه : ۱۲۵

بین صلاتین فرموده‌اند که ظاهر در جماعت است بنا بر این بر حسب اصول مذهب و ادله صحیحه کتابا و سنه و اجماعا شبهه‌ای در جواز، نیست به شرحی که در کتب فقه، مبسوطا مذکور است و این جانب هم در مجالس درس و مباحثه، تحقیق کرده‌ام و آن چه را اهل سنت به زعم دلیل بر وجوب تفریق، گفته‌اند مردود است و حتی بعض علماء محقق اهل سنت، صحت مذهب امامیه را تحقیق و تأیید نموده‌اند و بلکه جواز جمع بین صلاتین را چنانکه مذهب امامیه است در کتاب خاص باین مسأله، اثبات و قبول کرده‌اند،

مانند حافظ غمادی در (ازالۀ الحظر عمّن جمع بین الصّلاتین فی الحضر) و حامد بن حسن شاکر التّمیمی در (قرّة العین فی الجمع بین الصّیّلاتین)، بلی افضلیت تفریق از جمع، فی الجمله بر حسب روایات، ثابت است ولی ثبوت آن بنحو اطلاق، بر حسب ادله، محلّ تأمل بلکه معلوم العدم است و قدر مسلّم از افضلیت تفریق (عند الاتیان بالتّوافل أو لانتظار الجماعة و نحوهما) می باشد هر چند حصول تفریق به اتیان نافله، نیز محلّ تأمل شده است و خلاصه آن چه از مجموع ادله، استظهار می شود این است که اداء نماز، در اوّل وقت و هر زمانی که اقرب به اوّل وقت باشد اگر تأخّر به جهت نافله یا انتظار جماعت نباشد افضل است و الا تفریق و تأخیر افضل است، مثلاً اگر قاصد خواندن نافله یا منتظر جماعت نباشد خواندن نماز عصر بعد از ظهر افضل است ولی جمع بین صلاتین بنحو جمع تأخیر بدون علّت، مرجوح است، پس خلاصه استظهار این می شود که تفریق بین صلاتین فی حدّ نفسه از جمع تأخیر، مطلقاً افضل است و جمع بین صلاتین به جمع تقدیم فی حدّ نفسه از تفریق، افضل است و الله العالم.

س

- بعضی از کارگران، کارشان خارج از محلّ سکونتشان است و از طرف مؤسسه مربوطه، وسیله ایاب و ذهاب، برای آنان فراهم است امّا طوری است که به اداء نماز، در وقت نمی رسند زیرا ماشین قبل از وقت نماز، حرکت می کند و بعد از وقت، به مقصد می رسد و بین راه هم حاضر به توقّف نیست، تکلیف این کارگران چیست؟ آیا باید از این کار دست بکشند و یا تأخیر نماز و قضاء آن برای آنان جائز می باشد و فرض این است که دست کشیدن از کار هم موجب مختل شدن معاش و زندگی آنان می شود؟.

صفحه : ۱۲۶

ج

- اجیر شدن کارگر به این نحو، باطل است و مال الاجاره ای را که در مقابل می گیرد حرام است و باید در اجاره، قید شود که نماز را در وقت خود بخواند هر چند در بین راه باشد بلکه اگر شرط هم نکند کارگر حق دارد در بین راه نماز بخواند و صاحب شرکت، حق منع ندارد.

س

- شخصی چند روز قبل بطرف آمریکا سفر کرد و از قرار نقل خودش هواپیمای آنها بیست و چهار ساعت، پرواز نموده که همه این مدّت، روز بوده و برخورد به شب ننموده است و لذا نماز مغرب و عشاء و صبح را نخوانده چون شبی در کار نبوده. آیا قضاء سه نماز، بر عهده اش هست یا نه؟ و چنین مسافری وظیفه نماز و روزه اش چیست و تا چه حدّ باید امساک برای روزه نماید؟.

ج

- در فرض سؤال که بیست و چهار ساعت در روز سیر نموده، باید قضای نماز مغرب و عشاء و صبح را به جا آورد و چنین شخصی باید وقت نمازها و وقت افطار را بر حسب وقت معتدل امکنه دیگر، تعیین نماید.

س

- یکی از دانشجویان که در سوئد مشغول تحصیل می باشد در نامه به پدر و مادرش نوشته: در اینجا نماز خواندن و روزه گرفتن، بسیار مشکل است زیرا شب تابستان از ۱۲ ساعت تا ۱ ساعت می شود و بتدریج تغییر می کند و در زمستان بعکس می شود. اکنون تقاضا می کنیم که تکلیف شخص دانشجو را تعیین فرمائید به طریقی که عین نامه را بتوان برای او فرستاد زیرا منتظر است و می خواهد از عبادات خود باز نماند؟.

ج

- در فرض مزبور که مجموع شبانه روز، از بیست و چهار ساعت، تجاوز نمی‌کند نماز را در اوقات معین، طبق وقت شرعی بخواند یعنی پیش از طلوع آفتاب، نماز صبح، و نیمروز، نماز ظهر و عصر و بعد از غروب آفتاب، نماز مغرب و عشا را بخواند و بلند و کوتاه شدن شب و روز در آنجا مثل کوتاهی و بلندی شب و روز در مناطق معتدله است و روزه را نیز با تمکن و امن از ضرر بگیرد.

س

- کسانی که در قطب شمال یا جنوب - که شش ماه روز است و شش ماه شب - زندگی می‌کنند تکلیف آنان، راجع به نماز و روزه چیست؟.

ج

- یکی از بلاد متوسطه قریبه را ملاک عمل، قرار دهند.

صفحه : ۱۲۷

س

- در رساله عملیه فرموده‌اند: (ظهر شرعی در بعضی از مواقع سال چند دقیقه، پیش از ۱۲ و در بعضی از مواقع سال چند دقیقه بعد از ۱۲ می‌باشد) بنا بر این مرقوم فرمائید کسی که در چهار فصل سال، چند دقیقه، بعد از ساعت ۱۲ نماز بخواند نمازش صحیح است یا نه؟.

ج

- با شک در دخول وقت، لازم است صبر کند تا یقین بدخول وقت پیدا کند یا دو شاهد عادل شهادت دهند و یا مؤذن موثق وقت شناس اذان بگوید.

س

- آیا در شبهای مهتابی، واجب است، بعد از اذان صبح به مقداری، اداء فریضه را تأخیر انداخت تا سپیده فجر بر نور ماه غلبه محسوس پیدا کند، یا در این باره، شبهای مهتابی، و شبهای ابری یکسان است؟.

چنانکه استفاده این معنی، از جواب حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام در خبر علی بن مهزیار محتمل است، و یا آن که نظر شریف، بر تفصیلی است که مرحوم فقیه همدانی در مصباح الفقیه فرموده‌اند؟.

ج

- بنظر حقیر وقت نماز صبح موقعی است که فجر صادق طلوع کند، چه بین باشد چه نباشد، و تبیین موضوعیت ندارد، و طریقت دارد. بلی در موارد شک باید علم به طلوع حاصل شود و فرقی بین شبهای مهتابی و ابری نیست.

س

- در صورتی که کسی چندین روز طلوع فجر را رؤیت کند و این روزها را بر اساس برج شمسی و با ساعت مضبوط یادداشت نماید چنانچه بعد از گذشتن چند ماه یعنی در سال آینده مثلاً که همان ایام از برج مطابق شبهای مهتابی و یا ابری باشد آیا مشاهده

حَسَبِی سال قبل، برای حکم به طلوع فجر این شب‌ها کافی است (با این که ساعات طلوع و غروب هر روز با همان روز از دیگر سالهای شمسی مساوی است) و یا این که این مورد هم مشمول رؤیت تقدیری خواهد بود؟.

ج

- از هر طریقی که علم حاصل شود کافی است و الله العالم.

س

- بفرمایید نصف شب را که آخر وقت نماز عشاء است باید از طلوع فجر حساب کرد یا طلوع آفتاب؟.

ج

- نظر فقهاء عظام در باره نصف شب مختلف است. بعضی شب را

صفحه : ۱۲۸

ما بین غروب و طلوع آفتاب می‌دانند و بعضی ما بین غروب آفتاب و طلوع فجر صادق می‌دانند. لهذا احوط آنست که در هر مورد احتیاط رعایت شود مثلا برای وقت نماز عشا اول شب تا طلوع فجر را حساب کنند. و نماز را از نصف آن تأخیر ننمایند و برای نماز شب غروب و طلوع آفتاب را حساب کنند. باین معنی که نماز شب را زودتر از نصف ما بین غروب و طلوع آفتاب نخواند.

س

- در بعضی از نقاط جهان به طوری که شنیده شده شش ماه از سال شب و شش ماه روز می‌باشد. یا در بعضی از نقاط، تمام وقت سال روز و یا شب است. مسأله روزه و نماز که باید در وقت معین انجام شود چگونه است؟.

ج

- در فرض مسأله، بعید نیست در نماز و روزه در بلاد مذکوره، اقرب بلاد متعارفه، به محل سکنی، ملاک باشد، و مکلف مخیر است. در صورت اختلاف بلاد متعارفه، بهر کدام بخواهد اخذ کند.

س

- آن فی بعض النقاط من الكرة الارضية وبالتحديد فی شمال الكرة الارضية ينعدم الفجر المتعارف فی البلاد الاسلامية حیث إن الكرة الارضية مائله المحور، فهذه البلدان لا یغیب عنها نور الشمس تماما بل یصلها عبر القطب الشمالی (حيث لا حاجز بينها و بین البلدة) و يتم هذا فی اواخر الربیع و اوائل الصيف (حيث النهار الاطول). فعند ما تغرب الشمس یبقى تمام الليل ذا. نور كنور الفجر الذى هو متعارف فی البلدان الاسلامية (مثلا) حیث إن الشمس لم تغب بالمقدار الذى یجب إن تغیب فی البلدان الاخری او الايام الاخری من تلك البلدان و تبقى حالتها حالة الفجر من البلدان الاخری أو الايام الاخری و لكن هناك حالة ثانیة و هی التى یبدأ بازدياد النور بعد ثباتها. و للمثال مدينة لندن: فان الفجر ينعدم فيها خلال شهرين تقريبا أى من ۲۳ ايار إلى ۲۰ تموز، ففي هذه الايام نرى حالة الليل فيها حالة الفجر حیث لم یکن هناك ظلام مطبق لان الشمس لم تغب عنها تماما کما فی سائر البلدان او سائر الايام فيها بل إن النور الفجری فی هذه الليالی متواصل فلم یمكن إن یتحقق الفجر، و لكن هناك فی وقت مبكر من الصباح یبدأ هذا النور بالازدياد و الانتشار فلو اعتبرناها فجرا لهذا البلد لکان الفارق بین اليوم الذى یتحقق فيه الفجر الحقیقی و اليوم الذى لم یتحقق الفجر کثیرا، ففي يوم ۲۲ ايار الذى یتحقق فيه الفجر بلندن مثلا

صفحه : ١٢٩

كسائر البلدان يكون الفجر فى الساعة (٢٢-١) و طلوع الشمس فى الساعة (٥٨-٤) ١ و فى يوم (٢٣ ايار) الذى لم يتحقق فيه الفجر كسائر البلدان او الايام يكون ابتداء ازدياد النور فيه فى الساعة (١٢-٣) و طلوع الشمس فى الساعة (٥٧-٤).
 هناك ملاحظات لا بد من ذكرها:- ١- إن الفجر الحقيقى يتحقق بنزول الشمس عن خط الافق ب (١٨) درجة فى سائر البلدان و لكن بلندن مثلا فى بعض الايام (من ٢٣ ايار إلى ٢٠ تموز)- فقط- لا يتحقق نزول الشمس عن خط الافق (١٨) درجة بل غاية نزوله (١٢) درجة فقط فيبقى نور الشمس مبانا- كما فى الفجر فى الايام العادية- فى تمام الليل.

٢- إن المتعارف عند المسلمين فى لندن مثلا- هو الاعتماد فى تمام السنة على (١٢) درجة حتى فى الايام التى يتحقق فيها الفجر الحقيقى و التى هى عشرة أشهر تقريبا، خلافا للبلدان التى يتحقق فيها الفجر فى تمام السنة فانهم يعتمدون على (١٨) درجة.

٣- إن الشهرين المذكورين اللذين لم يتحقق فيهما الفجر مختص بمدينة لندن و ما جاورها و اما البلدان التى فى اقصى الشمال فالمدة التى لا يتحقق فيها الفجر اكثر.

٤- إن عدم تحقق الفجر غير مختص بشمال الكرة الارضية بل إن هذه الحالة موجودة فى جنوب الكرة الارضية ايضا، فالبلدان التى لم يتحقق فيها الفجر فى بعض الايام كثيرة.

فالسؤال الان بالنسبة إلى هذه البلدان يتوجه على النحو التالى.

١- هل الاعتماد فى تمام السنة على الحالة التى يبدأ بانتشار النور (١٢ درجة) و لو تحقق الفجر فى بقية ايام السنة و على هذا نقطع بان اكثر ايام السنة (يعنى ما يقارب عشرة اشهر فى لندن مثلا) لم يكن الاعتماد على الفجر الحقيقى رغم تحققه.

٢- او انّ الاعتماد فى تمام السنة على الفجر الحقيقى (١٨ درجة) و فى الايام التى لم يتحقق فيها الفجر يتمشى فيه على الفجر التقديرى حيث يتحدد الفجر بتقدم الفجر و تأخره التدريجى كما فى سائر الايام، و فى هذه الحالة يلزم فى اكثر البلدان او فى اكثر الايام تقدم وقت الفجر التقديرى على الغروب الحقيقى و هذا غير صحيح قطعاً.

٣- او انّ الاعتماد على ما له فجر حقيقى (كما فى الاشهر العشر بلندن مثلا)

صفحه : ١٣٠

على الفجر الحقيقى (١٨ درجة) و على ما ليس له فجر حقيقى (كما فى الشهرين بلندن مثلا) على الوقت الذى يبدأ النور بالازدياد و الانتشار (١٢ درجة) و لكن سبق و قلنا إن الفارق بين اليوم الذى يتحقق فيه الفجر (١٨ درجة) و اليوم الذى لم يتحقق فيه الفجر (١٢ درجة) كثير جدا ففى يوم ٢٢ ايار بلندن مثلا الفجر الحقيقى يكون الساعة (٢٢-١) و فى ٢٣ ايار- الذى لم يتحقق فيه الفجر- يكون الساعة (١٢-٣) على اعتبار انتشار النور و ازدياده (١٢ درجة) فالفارق بين اليومين (٥٠-١) اى مائة و عشرة دقائق (١١٠) و هذا غير مألوف.

٤- او انّ الاعتماد على ما له فجر حقيقى - كما فى الاشهر العشر بلندن مثلا- على الفجر الحقيقى (١٨ درجة) و على ما ليس له فجر حقيقى (كما فى الشهرين بلندن مثلا) على اقرب بلد يتحقق له فجر حقيقى و الذى هو نصف مجموع ما بين غروب الشمس و شروقها بمعنى إن الفجر فى هذين الشهرين مثلا يبقى ثابتا تقريبا.

٥- او انّ اللجوء إلى الاحتياط فيمسك عن المفطرات على (١٨ درجة) و يصلى على (١٢ درجة) و هذا موجب للعسر و الحرج فى اكثر البلدان إن لم نقل كلها.

٦- او انّ هناك حد آخر.

و لا بأس ببدء رأيكم في إن الفجر و الغروب هل هما موضوعان او طريقتان.

و السلام عليكم و رحمه الله و بركاته.

ج

- المستفاد من الكتاب الكريم و الروايات المعتبرة هو إن الاوقات الثلاثة (الفجر و دلوک الشمس و ذهاب الحمرة المشرقية عن سمت الرأس) موضوعات لاحكام المترتبة عليها من وجوب الصلاة و الامساك و جواز الافطار و غيرها. و الفجر عبارة عن البياض الحادث في الجانب الشرقي فوق الافق عموديا متصاعدا نحو السماء كذب السرحان على ما في الروايات و يسمى الفجر الكاذب، ثم ينتشر كالقبطية البيضاء او نهر سورا و يعترض و يضىء حسنا و يسمى الفجر الصادق. هذا إذا كان الليل مظلما كما في سائر البلدان و البلد المذكور في السؤال مدة عشرة أشهر. و أما إذا كان الليل مضيا كبين الطلوعين خلال الشهرين المذكورين في السؤال فمن حين اخذ النور بالازدياد و الاشتداد فوق الافق عموديا و تبين القوى من الضعيف فهو الفجر الكاذب و عند ما يعترض في الافق و يصير كالقبطية البيضاء او نهر سورا فهو الفجر

صفحه : ۱۳۱

الصادق الذي تترتب عليه الاحكام كما في الليالي المظلمة و الفرق بين النورين هو إن الاول يحدث في جميع اطراف الارض دفعة لكون المحور مائلا و لم يسط ظله لاختفاء نور الشمس من جميع جوانب الارض بخلاف النور الثاني الشديد الذي يحدث عند طلوع الشمس فانه يحدث فوق الافق الشرقي صاعدا إلى السماء لمواجهة الشمس قبل شروقها من نقطة الافق في السماء مواجهة للنقطة التي تشرق منها. هذا إذا كان الضوء الشديد الحادث عند الطلوع مبينا للضوء الموجود اول الليل. و أما إذا لم يكن مبينا له بل كان ممائلا له فالفجر فيه هو فجر اواخر الليالي المظلمة و لكن هذا الفرض بعيد غايته و أما ما ذكرتم من إن الاعتماد في لندن على ۱۲ درجة في جميع ايام السنة حتى في الايام التي يتحقق فيه الفجر الحقيقي فليس بصحيح، بل اللازم في تلك الايام هو الاعتماد على الفجر الحقيقي الذي مر شرحه و الله العالم.

مكان نماز گزار

س

- انسان در خانه کسی با اذن او مشغول نماز شد، بعد از دخول در نماز، صاحب خانه، وفات کرد و یا خانه را فروخت. در این صورت نماز این شخص، چه صورت دارد؟.

ج

- اگر وقت، وسیع است و علم به رضایت مالک بعدی ندارد یا شرعا اذن مالک بعدی، مؤثر نیست مثل وارثی که صغیر باشد، نماز را قطع کند و در مکان دیگری که مباح باشد به جا آورد و اگر وقت، تنگ است باید از آن محل، خارج شود و نماز را در حال خروج، تمام کند.

س

- نماز خواندن در خانه‌ای که یکی از تیرهای سقف، یا یکی از تیرهای سر درب یا پنجره‌اش غصبی باشد چه صورت دارد؟.

ج

– اگر تصرّف در آنها محسوب نشود اشکالی ندارد.

س

– امکنه‌ای که مسلمین از مسیحیها می‌خرند و مثل حمام و کلیسای آنان بالتبع ملک مسلمین می‌شود آیا می‌توانند مورد استفاده قرار دهند یا نه؟

ج

– استفاده از حمام، مانعی ندارد و کلیسا را مسجد کنند و نماز در آن بی‌اشکال است.

صفحه : ۱۳۲

س

– زن ناشزه که حق نفقه و کسوه و مسکن ندارد، در صورتی که در خانه شوهر و یا لباسی که شوهر در اختیار او گذاشته نماز بخواند چه صورت دارد؟.

ج

– چنانچه شوهر راضی نباشد نمازش باطل است.

س

– خانه‌هایی که دولت، در مسیر خط آهن برای کارمندان و کارگرهای خود ساخته و در آنجا سکونت دارند آیا نماز آنان و واردین بر آنان در آن خانه‌ها صحیح است یا نه؟.

ج

– با عدم علم به غصیّت، نماز خواندن، مانعی ندارد.

س

– هر گاه کسی در مکانی برای نماز بایستد که از باد پنکه مغضوب استفاده می‌کند، یا این که پنکه مباح است و لکن برق آن که محرّک پنکه است مغضوب می‌باشد و هم چنین اگر از نور برق مغضوب استفاده نماید، نماز او در این مکان چه صورت دارد؟.

ج

– در هر سه فرض نماز صحیح است.

س

– نماز خواندن در خانه، در صورتی که پدر، خمس و زکاة نمی‌دهد و رفتن به مسجد بدون اجازه والدین، جائز است یا نه؟.

ج

- اگر علم به تعلّق خمس یا زکاء، به زمین خانه یا فرش یا غیر اینها از چیزهائی که در حال نماز در آنها تصرّف می‌کند نداشته باشد نماز اشکالی ندارد و رفتن به مسجد، بدون منع والدین نیز اشکال ندارد و اگر رفتن، واجب باشد منع آنها مؤثر نیست.

س

- هر گاه شخصی در قبرستان مسلمین که وقف است مسجدی روی قبور اموات بنا کند، آیا جایز است یا خیر؟ و اگر چنین مسجدی بنا شد آیا نماز در آن صحیح است؟.

ج

- ساختن مسجد در قبرستان که زمین آن وقف قبرستان است جائز نیست، و نبش قبور مسلمین حرام است، و بمجّرد ساختن، مسجد نمی‌شود، ولی نماز خواندن در آن مانعی ندارد.

س

- یک قبرستان عمومی در محلّ هست، که در زمان طاغوت، انجمنهای سابق، یک دبستان در این قبرستان ساخته‌اند، و این قبرستان وقف نبوده

صفحه : ۱۳۳

حالیّه آموزگاران می‌خواهند ظهرها نماز جماعت برپا کنند، و آموزگاران قبلاً نمازشان را در این مکان می‌خوانده‌اند بفرمایید، چه صورت دارد؟ آیا نماز جماعت برپا کنند یا نه؟ البتّه امام جماعت روحانی است.

ج

- گر چه ساختن دبستان در قبرستان جائز نبوده و معصیت کرده‌اند و باید فعلاً اگر بتوانند به حال اوّل برگردانند، لکن در صورت عدم امکان یا عدم اقدام اهالی، برای دفن در آن محلّ، نماز خواندن در آن مکان برای اشخاصی که مورد ابتلاء آنها است جائز و صحیح است.

س

- در توضیح المسائل فرموده‌اید (بنا بر احتیاط واجب باید جلوتر یا مساوی با قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام نماز نخواند) حال بفرمایید که اگر شک در تقدّم یا شک در محاذات دارد چگونه است و آیا این شرط، نسبت به جاهل و ناسی و عالم، تفاوت دارد یا نه؟ و هم چنین شرط مذکور قبل از شروع به نماز معتبر است یا در اثناء و بعد از نماز هم اعتبار دارد که در بین نماز یا بعد از آن هم اگر متوجّه شد که مقدّم بر قبر یا محاذی با آن است باید نماز را اعاده کند و نیز بفرمایید چه مقدار فاصله لازم است که اگر مقدّم یا محاذی بایستد و حائلی هم نباشد نماز، صحیح باشد.

ج

- در صورتی که شک در تقدّم یا در محاذات داشته باشد صحت نماز، مشکل است و نماز ناسی یا جاهل به موضوع، صحیح است و عالم به حکم، نمازش باطل است و نماز جاهل بحکم نیز علی الاحوط باطل است و تفاوتی بین قبل از عمل و اثناء و بعد از آن نیست و فاصله باید زیاد باشد به طوری که صدق تقدّم و محاذات نکند و از صدق و حدت مکان، خارج باشد.

س

- قبرستانی بوده در اطراف یک امام زاده که پیش از انقلاب، حکومت وقت قسمت عمده آن را از بین برده و درختکاری کرده و در آنجا همان وقت جمعی از مؤمنین آن زمان مسجدی بنا کردند و در بنای مسجد از قرار اظهارات خود بانیها نبش قبر نیز نکرده‌اند و لکن در محل دیوارها و ستونها، بعید است نبش قبر نشود اکنون سؤال این است که در آن مسجد نماز خواندن یا مجالس سخنرانی و عزاداری و غیره جائز است یا نه؟.

صفحه : ۱۳۴

ج

- بنای مسجد در قبرستان جائز نیست و محل ساختمان، به قبرستان بودن خود باقی است و منع از دفن اموات در آن محل جایز نیست ولی نماز خواندن در آن و تشکیل مجالس دینی مانعی ندارد اما ثواب نماز در مسجد را ندارد.

س

- اگر فقط شیشه بسیار نازکی بین یک مرد و یک زن نامحرم حائل باشد آیا نماز آنها در یک اطاق صحیح است یا خیر؟.

ج

- چنانچه در جایی باشد که خلوت با اجنبیه صدق کند باطل است هر چند شیشه فاصله باشد.

س

- گذاشتن علامت - که غالباً در ماه محرم تهیه و تزئین می‌شود- در مساجد در حالی که دارای مجسمه‌هایی از قبیل کبوتر و طاوس و مثل اینها است چه صورت دارد و خرید و فروش این علامت چگونه است و نماز خواندن در برابر آن با آن مجسمه‌هایی که دارد چه صورت دارد؟.

ج

- ساختن مجسمه حیوان و هم چنین اجرت گرفتن برای آن نیز حرام است و آیا خرید و فروش و نگهداری آن، حرام نیست لکن شدیداً مکروه است و نماز خواندن مقابل آن نیز، مکروه است مگر روی آن را به پوشانند و حکم آن تفصیلاً در وسیله النجاء مرحوم آیه الله اصفهانی قدس سره مرقوم است، مراجعه شود ۱.

س

- روی زمین مباح، مشمّای مغصوب، فرش شده و روی مشمّای مغصوب، قالی و غیره انداخته‌اند به این معنی که فرش وسط، غصبی، و زمین تحتانی و فرش فوقانی، مباح می‌باشد. نماز در این طور جایی چگونه است؟.

ج

- نماز روی فرش مغصوب - و لو بواسطه - جائز نیست.

س

- بعضی می‌گویند نماز در اطاقی که در آن حشیش می‌کشند باطل است و نیز می‌گویند کسی که حشیش بکشد نمازش تا چهل روز باطل است آیا این مطالب صحیح است؟ و آیا اگر با این که حشیش کشیده، بعد حال طبیعی پیدا کرد و وضو گرفت و نمازش

را خواند نمازش صحیح نیست؟.

ج

- صحت نماز، مشروط به شرطی غیر از آن چه در رساله‌های عملیه ذکر شده نیست و کسی که حشیش می‌کشد اگر در حال بی‌هوشی و بی‌التفات نماز بخواند به طوری که ملتفت عمل و اذکار نباشد نمازش باطل است ولی بعد از آن که به هوش آمد و

صفحه : ۱۳۵

ملتفت شد اگر وضو بگیرد و نماز بخواند اشکال ندارد و راجع به شرب خمر، روایت وارد شده که تا چهل شب نماز قبول نمی‌شود. نه این که تکلیف نماز ساقط باشد بلکه واجب است نماز بخواند که تارک الصلوة شمرده نشود. نسبت به حشیش هم اگر مستی می‌آورد محتمل است که این اثر را داشته باشد. خداوند متعال، مسلمانان را از این سموم و گرفتاریها و خطرات، حفظ فرماید.

س

- آیا می‌توانیم در نماز خانه دانشکده علوم مشهد نماز بخوانیم یا نه؟.

ج

- اگر علم به غصبی بودن زمین آن ندارید اشکال ندارد بلکه نماز را در آنجا بخوانید که تعظیم شعائر، هم شده باشد و دیگران هم در آنجا بیایند و با دانشجویان مسلمان آشنا و مرتبط شوند.

رحل گذاشتن برای نماز

س

- شخصی در مسجد، جهت نماز جماعت، رحل گذاشته و بیرون رفته و جماعت بر پا شده و صاحب رحل، مراجعت نکرده است در این صورت به محض منعقد شدن نماز جماعت، حق او از آن مکان ساقط شده، و دیگری می‌تواند جای او را تصرف کند یا نه؟.

ج

- بعد از منعقد شدن جماعت، احتیاط آنست که تا امام به رکوع رکعت اول نرفته جای او را اشغال نکنند.

مسائل و احکام مسجد

س

- تقام الصلاة في مسجد وفيه قسم خاص للنساء وقد يدرس في ذلك المسجد، وحين الدرس و البحث يخرجون النساء من المسجد فهذا الدرس يكون مانعا عن صلاتهن في المسجد فهل هذا المانع فيه اشكال و حرمة ام لا؟.

ج

- لا يجوز منع المصلی من الصلاة في المسجد رجلا كان او امرأة.

س

- مسجدی است که در اطراف آن، دگانهایی مربوط به خود مسجد هست و دیوار مسجد در این دگانه‌ها قرار دارد و محراب آن یکی از همین دگانه‌ها است. بالای دگانه‌های مزبور، چند اطاق برای امام جماعت و طلاب و مؤذن ساخته شده و راه این اطاقها نیز از خود مسجد است. اخیرا بالای اطاقهای اطراف،

صفحه : ۱۳۶

اطاقهایی نو ساخته‌اند که درهای آنها از طرف سقف مسجد باز می‌شود هنگام تعمیر مسجد، سقف مسجد را جزء مسجد، حساب نمی‌کردند حال آیا از سقف مسجد باید مسجد حساب کرد یا نه؟ و آیا مسجد، از تخوم ارض تا آسمان محکوم بحکم مسجد است یا فقط آنجا که نماز خوانده می‌شود؟.

ج

- در فرض سؤال، اگر اول، زمین مسجد را برای نماز، وقف کرده‌اند و بعد اطاقها را ساخته و وقف کرده‌اند جای نماز من تخوم الارض إلی عنان السماء حکم مسجد را دارد و اگر مسجد و اطاقها را ساخته و بعد وقف کرده‌اند طبقه بالای آن، حکم مسجد را ندارد.

س

- این جانب قصد دارم طبق سنت صدر اسلام مجلس عروسی و ولیمه ازدواج پسر را با حفظ تمام شعائر مذهبی در مسجد برگزار نمایم. استدعا دارم نظر شریف را در این مورد مرقوم فرمائید.

ج

- برگزار نمودن مجلس عروسی در مسجد، در صدر اسلام بصورت یک سنت، معلوم نیست و بهتر این است که این گونه مجالس را در منزل خود تشکیل دهید و نسبت به مسجد اگر مزاحمت با نمازگزاران باشد حرام و الا سزاوار نیست زیرا مناسب وضع مسجد نیست و هتک است.

س

- صحن مسجد، در صورت جهل به کیفیت وقف، در حکم مسجد است که جنب نتواند در آن، درنگ کند یا نه؟.

ج

- با جهل به کیفیت وقف و نبودن اماره یا ظاهر حال، احکام خاصه مسجد، بر آن مترتب نیست.

س

- مسجدی که علاوه بر شبستان، دارای حیاط و صحن و راهرو است و در عرف، همه آنها را مسجد می‌خوانند آیا احکام مسجد بر آنها بار است یا نه و در صورتی که قصد بانی معلوم نباشد، ساختن مستراح و امثال آن در یک طرف آن صحن، چه صورت دارد دلیل و قرینه بر عدم مسجدیت لازم است یا نه؟.

ج

- با شک در آن که صحن را جزء مسجد قرار داده اگر اماره‌ای بر مسجد بودن نباشد محکوم به مسجدیت نیست و اماره بر عدم،

لازم نمی‌باشد.

س

- چنانچه قسمتی از مسجد، مردّد باشد که آیا مسجد است یا راهی

صفحه : ۱۳۷

است که برای رفتن زن‌ها به مسجد قرار داده شده، جائز است در آن قسمت حوضخانه بنا نمود؟.

ج

- در صورتی که معلوم نباشد که برای نماز، وقف شده یا برای جهت مخصوصی که حوض منافی با آن باشد، اشکال ندارد.

س

- هل يجوز دخول اليهودي والنصراني في مساجد المسلمين والجلوس على فراش المسجد ام لا لأنهم مشركون بصريح القرآن او يجوز الدخول لاستماع الموعظة مثلا و لكن من دون جلوس على الفراش؟.

ج

- لا يجوز دخول الكافر في المسجد مطلقا سواء كان من اهل الكتاب ام لا.

س

- تشکیل مجلس فاتحه و ترحیم، در مسجد، چه صورت دارد؟.

ج

- اگر مانع از نماز نباشد مانعی ندارد.

س

- آیا حائض و یا جنب می‌تواند پشت بام مسجد برود، یا نه؟.

ج

- پشت بام مسجد، حکم خود مسجد را دارد.

س

- کسی موقع ساختمان مسجد، انگشتش خونی بوده به آجر مالیده و آن آجر را در بنای بالکن مسجد بکار برده بعد هم آن موضع، گچکاری شده، اکنون تکلیف، چیست؟.

ج

- اگر آن آجر، معلوم و معین باشد باید بکند و به جای آن، آجر پاک، نصب نماید- و لو این که چند آجر، خراب شود و بعد بسازد- و اگر نمی‌داند چه ناحیه‌ای بکار رفته تکلیف، ساقط است.

س

- مسجد کوچکی در یکی از قراء، به مرور زمان ویران و سنگ و گل آن پراکنده شده اکنون جمعی از جوانان حزب ا.. برای حفاظت مکان مسجد از نجاسات و آلودگی، مسجدی مجدداً بنا کرده‌اند که در آن، مراسم نماز و دعای کامل برقرار گردد، و مقداری کتاب مذهبی در این مسجد گذاشته شده، که جوانها در ساعت فراغت مشغول مطالعه شوند، آیا چنین عملی، اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ضمناً پایگاه بسیج و تربیت نسل جوان خواهد بود.

ج

- مسجد، حتی بعد از خرابی مسجد است، و از مسجدیت خارج

صفحه : ۱۳۸

نمی‌شود، و مراسم دیگر که مزاحم نماز گزاران یا خلاف وضع مسجد باشد جائز نیست، و کتابخانه قرار دادن آن بر خلاف وضع مسجد است که عبادتگاه مسلمین است و تمام احکام مسجد واجب است رعایت شود، حتی اگر چند طبقه هم بالا رود، تمام آن مسجد است.

س

- در روستای ما امام زاده‌ای هست و جنب امام زاده، زمینی بوده بصورت سکو، که در فصل تابستان، بعضی از مؤمنین، در آنجا نماز می‌خواندند، البته نه باسم مسجد، تا این که بعضی افراد خیر پولی جمع کرده و در آن زمین مسجدی ساخته‌اند که مدتی است مردم به نام مسجد، در آنجا نماز می‌خوانند بفرمایید آنجا حکم مسجد دارد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال، اگر زمین مزبور، وقف برای جهت خاصی نبوده و بعنوان مسجد ساخته شده، تمام احکام مسجد بر آن مرتب است و نیز اگر از متعلقات حرم امام زاده بوده و محل اجتماع نماز گزاران باشد، حرمت تنجیس و اقامت جنب و حائض و وجوب ازاله نجاست بر آن مرتب است و الله العالم.

س

- زمینی به مساحت دویست و پنجاه متر مربع واقع در جنب مسجدی، به منظور اضافه کردن وسعت حیاط مسجد خریداری شده، و بعداً ساختمانی در آن احداث گردیده که بالای آن به قسمت مسجد زنانه اضافه شده و از طبقه پائین و زیر زمین جهت انبار و کتابخانه و شفاژ و سایر نیازها استفاده خواهد شد، و چون ساختمان مذکور احتیاج به دستشویی و توالت دارد، آیا می‌توان در زیر زمین این ساختمان چاهی برای فاضل آب و توالت حفر نمود، و در روی آن دستشویی و توالت ساخت یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال اگر زمین مذکور را بقصد مسجدیت وقف نکرده باشند، یا قصد مسجدیت طبقه زیر را نکرده باشند و فقط طبقه روی زیر زمین را که به قسمت زنانه اضافه شده مسجد قرار داده‌اند، جائز است در زیر زمین که مسجد نیست چاه فاضل آب حفر نمایند و توالت بسازند، و اگر تمام آن بقصد مسجدیت وقف شده باشد زیر زمین نیز مسجد است و حفر چاه فاضل آب و ساختمان توالت و دستشویی در آنجا جائز نیست.

صفحه : ۱۳۹

عنوان مسجد به چه چیز محقق می‌شود

س

- در حومه مسجد سلیمان، مکانی بود که در اثر نداشتن مسجد، آن مکان را صیغه مسجدیت خوانده‌اند. اینک در نزدیکی آن مکان، خانه‌هایی بنا شده و جای مسجد صیغه خوانده شده، آلوده به کثافات و آشغال‌دان محله گردیده آیا جائز است در این محل (یعنی جای مسجد مزبور) خانه بنا نمود یا نه؟.

ج

- در صورتی که نماز هم در آن محل، خوانده شده باشد، تغییر آن، جائز نیست و لازم است مسلمین آن را تعمیر نمایند و لا اقل در اطراف آن، دیوار بکشند که از نجاست و توهین، محفوظ بماند و اگر فقط صیغه خوانده شده و نماز در آن نخوانده‌اند مسجد نشده و تغییر آن، اشکال ندارد.

س

- اگر کافر مسجدی بسازد و در اختیار مسلمانان بگذارد نماز خواندن در آن مسجد، صحیح است یا نه؟.

ج

- وقف کردن کافر مسجد را محل اشکال است لکن اگر زمین را به مسلمین واگذار نماید و مسلمین قبول و تملک نمایند و وقف کنند، اشکال ندارد.

س

- زمینی که جهت مسجد شدن معین می‌شود به چه چیز عنوان مسجد پیدا می‌کند؟.

ج

- به این که در زمین مذکور بعنوان مسجد نماز خوانده شود و نیز اگر زمین را وقف مسجد کرده باشند و تحویل مسلمین داده و آنان به عنوان مسجد بودن دیوار اطراف آن را بنا کنند مسجد شدن آن بعید نیست.

س

- شخصی است که منزلش تا مسجد محل، فاصله نسبتاً زیاد دارد و برای تمام نمازهایش نمی‌تواند بمسجد برود آیا می‌تواند برای درک ثواب نماز در مسجد در منزل خودش اطاقی به نام مسجد بسازد و نمازهای خود را در آن بخواند؟ و بر فرض جواز، تمام احکام مسجد، از حرمت نجس کردن و عدم جواز فروش و نیز ثواب ساختن مسجد، بر این مکان، مترتب می‌شود یا نه؟.

ج

- مستحب است که محلی را در منزل، برای نماز خود معین کند و این عمل اگر چه ثواب و فضیلت دارد و لکن چون اختصاص به خود او دارد، احکام مسجد

صفحه : ۱۴۰

و ثواب خواندن نماز در مسجد، بر آن مترتب نیست.

س

- مصلّاهایی که برای اقامه جمعه بنا می‌کنند البته اسم مسجد روی آن نمی‌گذارند. آیا احکام مسجد بر آنها بار است یا خیر؟.

ج

- در صورتی که زمین محلّ نماز، اهداء یا وقف شده باشد و به همین عنوان ساخته شود و یک نماز در آن خوانده شود در حکم مسجد است و احکام مسجد بر آن جاری است.

س

- بانویی زمینی را جهت مسجد داده و خود بنای آن را به اتمام رسانیده و از ابتداء قصد داشته یک محوطه از داخل شبستان مسجد را، از مسجدیت به ملا-حظه احکام خاصّه آن مستثنی نماید ولی چون مسجد مورد نیاز اهالی محلّ بوده، قبل از آن که تعمیرات داخلی به اتمام برسد، اهالی محلّ با اجازه بانیه از تمام مسجد استفاده کرده و اقامه جماعت می‌کنند و در آن نماز می‌خوانند، سؤال اینست اکنون که بنای مسجد تمام شده و مدّتها نیز مورد بهره برداری بوده آیا بانیه اصلی می‌تواند به اعتبار نیت اوّلیه‌ای که داشته و هیچ وقت هم از آن نیت منصرف نشده بوده، مقدار مورد نظر را مستثنی نماید یا خیر؟.

ج

- به فرض این که از نیت خودش برگشته باشد می‌تواند آن را استثناء نماید.

س

- قطعه زمینی است که آن را شخصی به نیت مسجد خریداری کرده و در صدد ساختن آن بوده، لکن قبل از آن که آنجا را ساختمان کند و قسمت شبستان و دستشویی و توالت آن را معین نماید مرحوم شد. بعد از او چند نفر دیگر، با خرج خودشان قسمت شمالی زمین، که مورد نظر بانی برای شبستان بوده ساختند (مورد نظر از این جهت که بانی در آن قسمت زمین، گاهی نماز می‌خوانده و آن قسمت را هموار کرده بود) و چون بانی زمین مرحوم شده و قسمت توالت و دستشویی را معلوم نکرده، هنوز مسجد فاقد توالت است. در حالی که وراثت بانی هستند و برای هر گونه اصلاحی، به صورتی که شرع مقدّس اجازه فرماید حاضرند، تقاضا می‌شود نظر مبارک را در مورد ساختن دستشویی و توالت مرقوم فرمائید. که إن شاء الله مشکل حلّ شود.

صفحه : ۱۴۱

ج

- در محلّی که بعنوان مسجد نماز در آن خوانده نشده، هر طوری که معمار و مهندس صلاح بدانند و با نقشه ساختمان مخالف نباشد، ساختن توالت و دستشویی مانعی ندارد.

تبدیل مسجد به غیر آن

س

- در روستایی که فاقد آب آشامیدنی است، ساکنین روستا هر یک در خانه خود یک آب انبار زیر زمینی دارند که در فصل زمستان از آب باران جهت مصرف سال در آب انبار ذخیره می‌شود و چون مسجد روستا هم احتیاج به آب جهت وضوء و مجالس مذهبی دارد اجازه می‌فرمایید در حیاط مسجد آب انبار زیر زمینی بنا شود. جهت احتیاجات و مصارف مسجد یا خیر؟

ج

- اگر حیاط مسجد، مسجد تابستانی باشد و در آنجا نماز اقامه شود، ساختن آب انبار زیر آن جایز نیست و اگر می‌دانید حیاط مسجد، مسجد نیست بلکه از متعلقات مسجد است بناء آب انبار در آن به نحوی که حیاط مسجد و پایه‌های مسجد آسیب نبیند مانعی ندارد.

س

- مسجدی است در یک روستا و زمانی ساخته شده که ماشین در منطقه وجود نداشته و حال در شرف خراب شدن است، لهذا عده‌ای از برادران دینی تصمیم گرفته‌اند که مسجد مذکور را خراب کرده و از نو بسازند. محرابی دارد که مزاحمت برای عبور ماشین ایجاد می‌کند و عده‌ای از اهالی نیز از این بابت در زحمت هستند، آیا اجازه می‌فرمایید مقداری از محراب را ضمیمه کوچه نموده تا اهالی از این ناراحتی نجات پیدا کنند؟

ج

- جائز نیست چیزی از مسجد را جزء شارع یا راه دیگران قرار داد گر چه راه برای عابرین ضیق باشد.

س

- مسجدی است دارای شبستان و صحن، چون به صورت ساختمان قدیمی و کهنه است جمعی از مؤمنین تصمیم دارند آن را خراب و تجدید بنا نمایند ولی طبق نقشه معمار، صحن مسجد به صورت شبستان و شبستان به صورت صحن در می‌آید و این عمل از نظر اصول معماری و زیبایی مسجد، به صلاح مسجد است در این صورت اشکال دارد یا نه؟

صفحه : ۱۴۲

ج

- تبدیل شبستان مسجد به صحن، جائز نیست.

س

- مقداری از مسجد را جهت حسیّته، جدا کرده و همین مقدار زمین را از خارج، اضافه بمسجد نموده‌اند و درب این حسیّته بمسجد باز می‌شود.

این عمل، صحیح است یا نه؟ و آیا تبدیل به احسن در موقوفات به همین معنی است؟

و بر فرض صحت و جواز، دیواری را که حائل بین مسجد و حسیّته است بردارند که مسجد به طرز اوّل باشد یا بحال خود بگذارند؟

ج

- آن چه اضافه بمسجد نموده‌اند مانعی ندارد و اما آن چه را که از مسجد، جزء حسیه نموده‌اند واجب است بحال اول برگردانند و جائز نیست مسجد را تبدیل نمایند.

س

- مسجدی که حوضخانه ندارد و در دویت متری آن چشمه آبی هست که می‌شود آنجا وضو گرفت در این صورت جائز است در قسمتی از مسجد، حوض بنا کرد که بتوان همان جا وضو گرفت یا نه؟.

ج

- در مکانی که جهت نماز وقف شده جائز نیست حوض بسازند.

س

- ساختمانی است که طبقه بالایش مسجد و پائین آن، مغازه و معبر عمومی است و تصمیم دارند آن را خراب کنند و یک طبقه بسازند. در این صورت، حکم مسجد پیدا می‌کند یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، سطح سقف با فضای از آن مکان به بالا مسجد است و صاحب تحتانی، حق خراب کردن آن را ندارد و اگر از روی عصیان، خراب کرد حق ندارد در فضاء مسجد برای خود، سقف بزند بلکه باید همان نحو که قبلاً بوده سقف بزند که تحتانی، ملک و فوقانی، مسجد باشد و اگر از روی عصیان، برای خود سقف بزند، مسلمین حق دارند آنجا نماز بخوانند و صاحب تحتانی حق ممانعت ندارد.

س

- آیا در قسمت پشت بام مسجد، می‌توان ساختمانی بعنوان کتابخانه ساخت و مورد استفاده قرار داد یا نه؟.

ج

- نمی‌شود.

س

- در اثر توسعه خیابان، قسمتی از مسجد در مسیر خیابان قرار

صفحه: ۱۴۳

گرفت و خراب گردید و قسمتی از خانه‌های اطراف مسجد برای توسعه مسجد خریداری شد و شبستانی که در آن اقامه نماز می‌شد در صحن مسجد قرار گرفته و در آن صحن که شبستان قبلی بوده حوض بنا شده که مردم برای وضوء گرفتن از آن استفاده می‌نمایند. از حضرت عالی تقاضا داریم که نظریه مبارک را در این باره مرقوم فرمائید تا رفع اشکال شود.

ج

- شبستان مسجد را نمی‌شود حوض آب قرار داد و تغییر جای نماز به هیچ وجه جائز نیست.

س

- زمینی است که سال گذشته بنیاد مستضعفان به اداره پست واگذار کرده و اداره پست هم روی آن بنایی ساخته و ساختمان تا زیر سقف رسیده و حدود ۳۵۰ هزار تومان بودجه بیت المال در آن خرج شده. حال هیئت امناء مسجد جامع اظهار می‌دارند که در این مکان مسجدی بوده که در زمان شاه خراب شده و داخل خیابان قرار گرفته و زمینی که شما می‌سازید حیاط مسجد بوده ولی وقف نامه‌ای در این مورد وجود ندارد. بفرمایید وظیفه شرعی چیست؟

ج

- با فرض شهرت و شهادت دادن امناء مسجد بر مسجد بودن یا حیاط مسجد بودن، محل مذکور باید به خود مسجد واگذار شود و تصرفات دیگر در آن حرام است و ساختمان کردن در آن موجب خروج از عنوان اول نمی‌شود، و مقداری که قبلاً مسجد بوده فعلاً نیز مسجد است و تمام احکام مسجد بر آن جاری است.

س

- مسجدی است قدیمی ساز و این مسجد ۲ متر پایه دیوار دارد که سدّ راه عموم شده و مردم حاضرند که برای توسعه معبر یک یا نیم متر آن دیوار را بتراشند تا این که مردم و وسائل نقلیه به راحتی عبور نمایند. آیا جائز است یا خیر؟

ج

- تراشیدن دیوار مسجد برای توسعه در راه عبور و مرور جائز نیست.

حکم اشیاء متعلقه به مسجد

س

- منبر مسجد، در حرمت نجس نمودن و لزوم تطهیر - در حکم مسجد است یا نه؟

ج

- اگر موجب هتک باشد تطهیر آن، لازم است.

س

- اگر از لوازم تعمیر مسجد - نو یا کهنه - از قبیل آجر و گچ و

صفحه : ۱۴۴

غیره اضافه بیاید خرید و فروش آن برای منزل شخصی، جائز است یا نه؟

ج

- اگر برای مسجد مذکور بی مصرف باشد باید صرف در مسجد دیگر شود و چنانچه در مسجد دیگر هم بی مصرف باشد جائز است بفروشند و وجه آن را صرف همان مسجدی که مصالح، جهت آن تهیه شده بود بنمایند و اگر آن مسجد، احتیاج نداشته باشد

صرف در مسجد دیگر کنند.

س

- پولی که برای مسجدی بعنوان هزینه ساختمان، به ثبت رسیده می‌توان آن پول را پس گرفت و در مسجد دیگر صرف نمود یا نه، و قبل از پرداخت وجه، جهت مسجد، می‌توان منصرف شد و بمسجد دیگر داد یا نه؟.

ج

- اگر عین پولی که داده شده باقی باشد صاحب آن می‌تواند آن را استرداد نماید و مختار است صرف مسجد دیگر یا بهر مصرفی که می‌خواهد، برساند. و اگر صرف در مسجد شده حقی به آن ندارد.

س

- اشخاصی پولی را برای مسجد با رضایت داده‌اند اگر بعدا بگویند راضی نیستیم چه صورت دارد؟.

ج

- اگر باذن خودشان صرف در مسجد شده است عدم رضایت بعد از صرف شدن، اثری ندارد.

س

- چند عدد زیلو وقف مسجد محلی بوده بعدا به واسطه آن که فرش قالی خریده‌اند هیچ احتیاجی به آن زیلوه‌ها نیست، در این صورت بردن زیلوه‌ها بمسجد دیگری که در آبادی دیگری است جائز است یا نه و نماز خواندن روی آن زیلوه‌ها که وقف مسجد خاص است چه صورت دارد، و تصرف در آن چگونه است؟.

ج

- در فرض مسأله تا ممکن است که در محل از آن استفاده شود نقل به محل دیگر جائز نیست و در صورت عدم امکان استفاده در آن محل، به مسجد دیگر نقل دهند.

س

- مسجدی یک عدد منبر چوبی داشت، اخیرا یکی دیگر درست کرده و برای آن مسجد آورده‌اند آیا اجازه می‌فرمایید منبر کهنه قدیمی را در یکی از مساجد که منبر ندارد ببریم یا نه؟.

ج

- در صورتی که از معرض استفاده - در این مسجد - افتاده باشد بردن آن

صفحه : ۱۴۵

به مسجد دیگر، مانعی ندارد.

س

- مسجدی فرشهای زیادی دارد که مسلمانان برای آن وقف کرده‌اند و فعلا هیچ گونه احتیاجی به فرشهای زیادی آن نیست. آیا می‌شود فرشهای زیادی را فروخت و خرج تعمیر همین مسجد کرد یا نه و اگر این مسجد، احتیاج به تعمیر نداشته باشد می‌شود

فرشها را به مسجدی که احتیاج به فرش دارد، داد یا نه؟.

ج

- اگر در آن مسجد (حتی باین نحو که مدتی این فرشها را بیاندازند و مدتی فرشهای دیگر را) مورد انتفاع نباشد و نگهداری آن برای این که در آینده، مورد استفاده قرار گیرد نیز ممکن نباشد جائز است آن را به مسجد دیگر بدهند و فروش آن، برای تعمیر مسجد، جائز نیست.

س

- در مسجد جامع بندر ماه شهر، یک دستگاه بلندگو است که در موقع اذان و مجالس سوگواری از آن استفاده می‌شود، بعضی اوقات، کودکی یا پولی از اشخاص، مفقود می‌شود از ما خواهش می‌کنند که به وسیله بلندگو، به اهالی شهر، ابلاغ نماییم، حکمش چیست؟.

ج

- اگر بلندگو را به خارج نبرند و پول برق آن را بدهند، اشکال ندارد.

س

- گاهی روی فرشهای مسجد نوشته شده (فرش را از مسجد بیرون نبرند مگر برای تطهیر و غیره) مراد از کلمه (غیره) چیست و چه مواردی مشمول این کلمه است و مثلاً می‌توان آن فرش را به حسینیّه‌ای که متصل به مسجد است ببرند و روی آن، نماز بخوانند؟.

ج

- مقصود از کلمه (غیره) که عطف به تطهیر شده، رفو کردن و گردگیری نمودن و چرک و کثافات آن را پاک کردن و امثال اینها- از اموری که متعلق به خود فرش است - می‌باشد.

س

- اسامی مبارکه خداوند متعال، مثل (الله) .. که روی زیلوهای مسجد نوشته شده و مردم بدون توجه بر روی آن پا می‌گذارند یا دست بی‌وضو به آن می‌مالند از بین بردن آن لازم است یا نه و محو کردن آن با وقف، منافات دارد یا نه؟.

ج

- کسانی که بی التفات بدون وضو دست به آن می‌گذارند معذورند ولی

صفحه : ۱۴۶

اگر زیر پا افتاده باشد چون موجب هتک احترام اسم خداوند متعال است لازم آن را به نحوی که خود زیلو پاره نشود محو نماید.

س

- مسجدی قدیمی که غیر قابل استفاده بود تخریب و نوسازی شده مقداری از سنگهای شبستان باقی مانده، آیا استفاده از آن سنگها جهت توال و دستشویی جایز است یا خیر؟ زیرا سنگهای اضافی، از اصل ساختمان و شبستان مسجد می‌باشد؟.

ج

- در فرض سؤال اگر مسجد دیگری در محلّ یا غیر آن باشد که نیاز به سنگ داشته باشد صرف آن شود و چنانچه مسجد دیگری نباشد سنگها را بفروشید و پول آن را صرف خود مسجد کنید و صرف آن در توالی و دستشویی صحیح نیست.

س

- در مسجدی گلیم‌هایی است، که در حاشیه‌اش نوشته شده وقف مسجد است و اجازه خارج کردن از مسجد نیست، فعلاً فرشهای قیمتی برای آن مسجد آورده، و فرش نموده، و گلیم‌ها را برداشته و حجرات همان مسجد را که در حیاط مسجد است فرش نموده‌اند، و طلاب علوم دینیّه در آنها ساکن هستند. آیا اشکالی دارد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، گلیم مسجد را زیر فرش خود مسجد، پهن کنند، و به جای دیگر نبرند.

احداث یا تعمیر یا تجدید بناء و یا توسعه مسجد

س

- مسجد این روستا در حال خراب شدن بوده و تیرهای چوبی سقف آن شکسته است، و مسجد هم کوچک می‌باشد تخریب آن چه صورت دارد؟

و هم چنین حمامی که قدیمی و مخروبه می‌باشد و کاربردی ندارد، در جنب این مسجد است و مال عموم مردم بوده با اجازه جناب عالی اگر اشکال شرعی ندارد، می‌خواهیم جزو ساختمان مسجد نماییم، و صرف وجوه شرعیّه در این مورد چطور است؟

ج

- در صورتی که توسعه مسجد محلّ حاجت باشد تخریب و نوسازی آن جهت توسعه مانع ندارد، و راجع به حمام اگر در جهت بهره برداری استحمام قابل

صفحه : ۱۴۷

انتفاع نباشد، از حاکم شرع استیجار نمایند، برای توسعه مسجد و مال الاجاره آن را همه ساله به مصرف استحمام فقراء مؤمن، برسانند، و راجع به صرف وجوه شرعیّه، هر مقدار از زکاة صرف نمایند مانع ندارد.

س

- مسجدی است بر اثر بروز حوادث، خراب گردیده و قسمتی از آن هم در مسیر خیابان، واقع شده اکنون می‌خواهند تجدید بنا نمایند آیا رعایت اسلوب اول، از نظر ساختمان، لازم است که مثلاً تمام شبستان آن، مثل سابق، مسقف باشد و یا می‌شود قسمتی از آن را جهت استفاده در فصل تابستان بدون سقف قرار داد و هم چنین ساختمان مسجد قدیمی طوری بوده که قبله آن کج بوده فعلاً که تجدید بنا می‌شود می‌توان قبله را مستقیم نمود؟ خلاصه امثال این گونه تصرّفات که با حفظ مسجدیت، منافات ندارد، جائز است یا نه؟

ج

- در فرض مسأله، شبستان را صحن قرار ندهند لکن قبله را مستقیم نمایند اشکالی ندارد بشرط آن که چیزی از مسجد خارج نشود.

س

- در صورت وجود فقراء در محل، مالک زکاء تا چه مقدار زکاء مال خود را بدون رعایت اصناف مستحقین می‌تواند صرف در ساختمان مسجد، در محل، نماید؟.

ج

- با بودن فقراء تمام زکاء را هم می‌تواند صرف مسجد کند لکن بهتر آنست که مقداری به فقرا بدهد و مقداری صرف مسجد نماید.

س

- شخصی در کنار نهر آب از پول عموم، غسالخانه ساخته و مبلغی از آن پول، باقی مانده ولی در اثر طغیان آب و سیل، غسالخانه به کلی از بین رفته است و در مجاورت آن، امام زاده‌ایست که اهالی، مسجدی در جنب آن بنا کرده‌اند و خیلی محتاج به مخارج است. آیا آن مبلغی که از غسالخانه باقی مانده است می‌شود صرف آن مسجد نمود یا نه؟. و اگر صرف در مسجد جائز نباشد مرقوم فرمائید در چه راهی مصرف شود؟.

ج

- تا ممکن است وجه مزبور را صرف غسالخانه، در محل مذکور بنمایند و اگر در محل، ممکن نیست با استیذان از دهندگان وجه به مصرف غسالخانه، در محل دیگری برسانند.

صفحه : ۱۴۸

س

- محلی است در کنار جوی آب که قبلاً راه بعضی از باغها بوده و اکنون معطل و بی مصرف مانده است آیا می‌شود در آن محل، مسجدی احداث کرد یا نه؟.

ج

- طریق اگر طریق خصوصی است تصرف در آن، موقوف به رضایت صاحبان آن طریق است و اگر عمومی است در صورتی می‌شود در آن تصرف کرد که مهجور و متروک شود و عابرین، اعراض کنند و گر نه تصرف در آن جائز نیست.

س

- مسجدی در یکی از محلات مازندران در دامنه کوه و مسیر سیل، بنا شده و سیل، دیوارهای آن را خراب نموده و در شرف انهدام است. اکنون از بابت مظالم می‌شود مسجد مزبور را تجدید و ساختمان نمود یا نه؟.

ج

- مصرف مظالم عباد، فقیر است و باید بعنوان صدقه با اذن حاکم شرع به او رد کنید و مسجد، مصرف آن نیست. مسجد را از تبرع و زکاة مال و یا مطلق خیرات، تعمیر نمایند امید است ثواب و مأجور باشند.

س

- ساختن مسجد، در زمین وقف، چه صورت دارد؟.

ج

- جائز است زمین موقوفه را به مدت طولانی، اجاره کنند و مسجد قرار دهند و در این مدت، حکم مسجد را دارد.

س

- هر گاه قطعه زمین قبرستان متروکه‌ای جنب دیوار شبستان مسجد واقع شود و جنازه مدفونین در آن قبرستان، از بین نرفته باشد آیا می‌توان آن را جزء مسجد نموده و ساختمان مسجد را توسعه داد یا نه؟ و تصرف جهت نماز و اداء فرائض، چه صورت دارد؟.

ج

- اگر زمین، وقف برای قبرستان بوده، تبدیل آن بمسجد و ممانعت از دفن مرده در آن، جائز نیست. و اگر زمین مباحی بوده که مردم، اموات خود را در آن دفن کرده‌اند تبدیل آن بمسجد و ساختمان کردن آن اگر مستلزم نبش قبر نباشد مانعی ندارد و بهر حال، نماز در آن صحیح است هر چند در صورت اول، دفن اموات، در آن جائز و منع از دفن، جائز نیست.

س

- بهم زدن محراب مسجدی که قبلاً واقف، بنا نموده و بدون اجازه واقف، تجدید بنا نمودن، چه صورت دارد؟.

صفحه : ۱۴۹

ج

- اگر تعمیر مسجد، محسوب شود اشکال ندارد.

س

- مسجد را تعمیر کرده‌اند، گچ و خاک قدیمی آن را کنده و بیرون ریخته‌اند و قابل استفاده نیست آیا جائز است که آن خاکها را برای پر کردن صحن خانه یا اطاق ببرند یا نه؟.

ج

- اگر به هیچ وجه، حتی برای مسجد دیگر، مورد استفاده نیست و خریدار هم ندارد جائز است.

س

- شخصی مسجدی بنا کرده که مقداری از زمین آن، ملک شخصی بنا کننده و مقدار دیگر آن، مال دیگری بوده و اظهار عدم رضایت می‌کرده، و مقدار دیگر هم جزء کوچکی و راه عبور مردم بوده، اکنون بانی مسجد و هم صاحب زمین که راضی به دادن زمین جهت مسجد نبوده فوت کرده‌اند، در چنین مسجدی می‌شود نماز خواند یا نه؟.

ج

- از کیفیت مسجد مذکور، اطلاعی ندارم. بنحو کلی نماز در ملک غیر بدون رضایت او باطل است. پس اگر مقداری از زمین، مال غیر بوده، و راضی نبوده، فعلاً باید از ورثه، استرضاء نمایند تا نماز صحیح باشد و راه عبور اگر اختصاصی باشد باید از صاحب آن اذن بگیرند و اگر عمومی باشد، در صورتی که طریق دیگر باشد که با وجود آن، طریق اول متروک و مهجور گردیده و مردم از آن صرف نظر کرده باشند و یا این که طریق، به قدری وسیع باشد که با گرفتن قسمتی از آن، راه بر مردم، تنگ نشود مانع ندارد که مسجد شود و در غیر این دو صورت، جائز نیست و نماز در آن، باطل است.

س

- مسجدی است که محراب و بعضی از جاهای دیگر آن، احتیاج به تعمیر و ترمیم دارد. اجازه می‌فرمایید آن را درست کنند یا نه؟ و کاشیها و مصالح دیگری که سابقاً در آنجا بکار برده شده باز عین همان را بکار برند و یا جائز است که تعویض نموده بهتر از آنها را بکار برند و بهمان سبک مرمت کنند چون بعضی می‌گویند که سازنده‌اش گفته کسی حق دست زدن و تغییر دادن را ندارد.

ج

- اگر مسجد، در معرض انهدام یا محتاج به توسعه باشد، توسعه و یا

صفحه : ۱۵۰

تخریب و تبدیل آن، جائز است و الا تعویض کاشیها و یا مصالح دیگر، به عنوان تبدیل به احسن، مجوز شرعی ندارد.

س

- در اطراف کازرون یک مسجد ساخته شد و بعداً معلوم شده که زمین آن وقف بوده، اتفاقاً مبلغ زیادی هم مخارج مسجد شده. اکنون وظیفه مردم نسبت به این مسجد و نمازهای خوانده شده چیست؟

ج

- در صورتی که آن ملک وقف، متولی منصوص داشته باشد از او به مدت طولانی، اجاره نموده و مال الاجاره را صرف در وقف نمایند و اگر متولی ندارد از حاکم شرع، اجاره نمایند و پس از اجاره، نماز خواندن در آن، جائز است و نمازهایی را که پیش از علم به وقفیت زمین در آنجا خوانده‌اند اشکال ندارد.

س

- پول کافر را برای ساختن مسجد و حمام می‌شود قبول کرد یا نه؟

ج

- اگر موجب نفوذ آنان در مسلمانان شود جائز نیست.

س

- ساختن مسجد بدست یهود و نصاری در ممالک خود آنها چه صورت دارد؟

ج

- اگر با دست آنان بناء مسجد را ساختمان کنند و بعد آن را مسجد قرار دهند جائز است. بلی اگر ممکن است ظاهر سقف و دیوار آن را تطهیر نمایند.

س

- باستان شناسی مخارجی در مساجد و مدارس، می‌نماید اکنون تصرّفات در آن قسمت تعمیر شده چه صورت دارد؟.

ج

- چنانچه از مال مباح مصرف کند اشکال ندارد و اگر محتمل هم باشد که از راه مباح باشد مجازید در آن عبادت کنید اشکال ندارد.

س

- مسجدی است که از بناهای قدیمی بشمار می‌آید، و چند مرتبه مورد تعمیر قرار گرفته، و دست کاری در آن شده، در حال حاضر رو به خرابی نهاده، و در حال ریزش می‌باشد، از این جهت عده‌ای از اهالی که در جوار مسجد یاد شده سکونت دارند مصمم بر آن شده‌اند که اساس مسجد را از بیخ و بن بردارند، و صورت قبلی آن را بهم زنند و مجدداً از آجر و آهن بنا نمایند و مقداری از طرف شمالی مسجد که حریم آن محسوب می‌گردد، زیر بنا بیاورند، و بر مساحت

صفحه : ۱۵۱

مسجد بیفزایند، و نیز تیر چوبی و سایر مصالح بنایی آن را بفروشند، و قیمت را به مصرف بناء جدید برسانند، آیا شرعاً جایز است بناء قدیمی مسجد را بهم زنند و از نو بسازند و نیز از حریم شمالی آن بر مساحت مسجد بیفزایند، و هم چنان مصالح قدیمی را بفروشند، و قیمت آنها را صرف در مصالح بنایی مسجد بنمایند یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال اگر مسجد بحال مخروبگی درآمده و به هیچ نحو قابل استفاده و تعمیر نیست و مؤمنین بخواهند تبرّعا بناء آن را تجدید کنند که آبرومند باشد، مانع ندارد ولی مصالح بنایی آن هر مقدار که ممکن است، در خود این مسجد صرف شود، و اگر در این مسجد قابل مصرف نیست به مصرف مسجد دیگری که در اطراف و حوالی است برسانند، و فروش آن جائز نیست و اگر در اطراف هم قابل مصرف نباشد می‌توانند آن را بفروشند، و پول آن را صرف بنایی این مسجد بنمایند، و اما آن چه بعنوان حریم مسجد ذکر شده اگر کسی مدّعی مالکیت آن نیست و از جهت برف ریزه و راهرو تضییق بر اهالی نیست جائز است آن را جزء مسجد بنمایند. ضمناً باید بناء مسجد به نحوی باشد که زمین مسجد سابق در خارج بناء جدید واقع نشود.

حکم داخل شدن جنب یا حائض در مسجد با تیمم

س

- شخص جنب که از غسل کردن معذور باشد آیا می‌تواند برای نماز جماعت یا برای یاد گرفتن احکام، با تیمم به مسجد برود یا نه؟.

ج

- اگر عذر او از غسل کردن، تنگی وقت باشد چنانچه برای نماز، تیمم کند می‌تواند در مسجد نماز بخواند و اگر عذرش نداشتن آب باشد و برای نماز، تیمم کند در حکم طاهر است و می‌تواند با آن تیمم، همه امور مشروط به طهارت را به جا آورد و اگر برای نماز، تیمم نکرده بلکه برای امر دیگری مانند یاد گرفتن احکام، تیمم نموده مکث در مسجد، خلاف احتیاط است.

س

- شخص جنب با تیمم بدل از غسل می‌تواند درنگ در مساجد نماید و بیش از هفت آیه از قرآن بخواند یا نه؟.

ج

- اگر عذرش غیر ضیق وقت باشد می‌تواند و اگر ضیق وقت است بمقدار اشتغال به نماز فقط می‌تواند در مسجد درنگ کند و نسبت به قرائت غیر سور

صفحه : ۱۵۲

عزائم هم با این تیمم رفع کراهت نمی‌شود.

س

- زنی که در عادت زنانه است می‌تواند با تیمم بدل از غسل برای استفاده از مواعظ و نصائح گویندگان وارد مساجد شود یا نه؟.

ج

- نمی‌تواند، مگر آن که اماکنی باشد جزء مرافق مسجد مانند صحن و غیره که معبد نباشد و مسجد بودن آنجا مشکوک باشد در این صورت مانعی ندارد.

س

- شخص جنب که وقت برای غسل یا پول برای حمامی نداشته باشد و خجالت می‌کشد به حمامی اظهار نسیه نماید آیا می‌تواند بیرون از مسجد تیمم کند و برای نماز جماعت بمسجد برود چه در حال اختیار، و چه در حال اضطرار یا نه؟.

ج

- اگر به واسطه عذر شرعی مثل مرض، تکلیفش تیمم باشد می‌تواند حتی در حال اختیار با تیمم برای نماز جماعت یا فرادی داخل مسجد بشود ولی اگر عذرش ضیق وقت بوده باید فوراً پس از نماز از مسجد خارج شود و اگر پول ندارد به حمامی بدهد و نسیه قبول می‌کند یا قرض ممکن است باید نسیه کند و یا قرض نماید و خجلت در اینجا بی‌مورد است و عذر شرعی نمی‌شود.

ورود غیر مسلمان به مسجد جائز نیست

س

- شهرستان .. فاقد محل مخصوص مجلس تحریم است. در ایام فواید، یهودیه‌های ساکن این شهرستان جهت تسلیت و اظهار همدردی با صاحبان میت، داخل شبستان مسجد مسلمین می‌شوند آیا این مطلب جائز است؟.

ج

- ورود غیر مسلمان، در مسجد، جائز نیست و این گونه مجالس فاتحه را که در معرض شرکت غیر مسلمان می‌باشد در غیر مسجد، منعقد نمایند.

س

- ورود اهل کتاب به مساجد مسلمین به منظور شرکت در جلسات دینی - وعظ و خطابه - جائز است یا نه و باید از آنها جلوگیری بعمل آورد در صورتی که امید آن می‌شود که از این معاشرت، بدین اسلام هدایت شوند و در صورت جواز، حکم غیر اهل کتاب از فرق کفار از قبیل بهائیه را نیز بیان فرمائید.

ج

- ورود مطلق کفار حتی اهل ذمه به مساجد مسلمین، جائز نیست.

صفحه : ۱۵۳

مسجد متولی مخصوص ندارد

س

- مسجدی است به تولیت شخص واقف، و خانه واقع در جنب آن که مالک دیگری دارد بعنوان ضمیمه و توسعه مسجد مزبور به تولیت شخص دیگری واگذار بمسجد شده آیا متولی اول، نسبت به خانه الحاقی بعنوان وحدت مسجد، حق مزاحمت متولی دوم را دارد یا نه؟.

ج

- اداء تکالیف راجعه به مساجد، بنحو کفائی به عهده عموم مسلمین است و تولیتی که برای مسجد، معین می‌شود راجع به اموال و رقبات متعلقه بمسجد است و در رقبات و اموال، کسی نمی‌تواند با متولی مخصوص آنها مزاحمت نماید.

س

- شخصی در محلی مسجدی بنا نموده که زمین مسجد مال خودش بوده و اکثر مخارج تعمیر را هم خودش متحمل شده و تولیت مسجد را با خود و بعد از خود با اولاد خود قرار داده آیا کسی که بنظر متولی، اهلیت ندارد بدون رضایت متولی می‌تواند در آن مسجد، اقامه جماعت نماید و نماز او و یا مأمومین چه صورت دارد و آیا متولی می‌تواند جلوگیری نماید یا نه؟.

ج

- در صورتی که مأمومین، امام جماعت را عادل بدانند و به او اقتداء کنند، نمازشان صحیح است و نماز خواندن در مسجد، موقوف باذن متولی نیست. امام جماعت باشد یا غیر امام، اختیار متولی راجع به موقوفات مسجد است و حق منع از نماز خواندن در مسجد را ندارد.

س

- آیا می‌شود برای مسجدی که موقوف ندارد واقف در ضمن صیغه وقف، متولی قرار بدهد و اگر متولی، قرار داد آیا باید در تعمیرات مسجد، از متولی، اذن گرفت یا نه؟.

ج

- بنظر حقیر، تولیت، برای غیر موقوفات مسجد بی اثر است، بلی در خصوص ساختن مسجد و تعمیرات آن، بعید نیست که بی‌اثر نباشد و بر فرض قرارداد، احتیاط آنست که در این دو جهت با نظر متولی، عمل شود.

مسجد جامع

س

- تعریف مسجد جامع چیست؟.

صفحه : ۱۵۴

ج

- مسجد جامع، مسجدی است که اغلب اوقات، بیشتر از سایر مساجد، جمعیت داشته باشد.

س

- خانه‌ای در جنب مسجد جامع واقع است - و ثواب نماز در مسجد جامع که معلوم است - و یک مسجدی هم در محل، قرار دارد، کدام یک از این دو مسجد، افضل است؟.

ج

- اگر مقصود اینست که نماز فردی در مسجد جامع، افضل است یا در مسجد محله، در مسجد جامع افضل است و اگر مقصود، اینست که نماز به جماعت در مسجد محله، افضل است یا فردی در مسجد جامع، البته نماز جماعت، افضل است.

خانقاه

س

- چند ماهی است که ضمن تکالیف دینی، شبهای جمعه برای دعا و انابه به درگاه خدا در خانقاه، شرکت می‌کنم. چون مشاهده کرده‌ام بجز قرائت قرآن و دعا و ثناء و یک ذکر هم برای مولی چیز دیگری در آنجا انجام نمی‌دهند حالا رفتن من در آنجا ثواب دارد یا نه؟.

ج

- واضح است که معبد مسلمانان، مسجد است و رفتن به خانقاه اگر برای این باشد که گمان کنید آنجا خصوصیت و شرافتی بر سایر امکنه دارد بدعت و حرام است. و علاوه، این تشکیلات، موجب تفرقه مسلمین و اختلاف، و ضعف آنها می‌شود و ذکرهایی که در آنجا خوانده می‌شود اگر مدرک و سند معتبری نداشته باشد خواندنش بقصد ورود، جائز نیست و اگر عبارت آن هم با عقائد حقّه، موافق نباشد خواندنش مطلقاً حرام است. شما در وظایف خود به رساله‌های عملیه و در اذکار و ادعیه به کتب دعاء مانند مفاتیح الجنان رجوع نمایید.

س

- رفتن به خانقاه درویش، جهت استماع مرثیه و سوگواری ائمه علیهم السلام و اقامه فاتحه مردانه و زنانه با وجود مساجد و شرکت نمودن در اجتماع آنان بعنوان اعیاد و غیره و منبر رفتن در آنجا، جهت ختم فواتح و کمک به ساختمان خانقاه، جایز است یا نه؟.

ج

- امور مذکوره، ترویج باطل است و جائز نیست. اعاذنا الله من فتن

صفحه : ۱۵۵

آخر الزمان.

س

- اشخاصی به خانقاه می‌روند و- جهت ریاضت - از دستورات آنها پیروی می‌کنند. آیا چنین کاری صحیح است یا نه و رفتن به چنین محلی جایز است یا نه؟.

ج

- جناب عالی برای عبادت، به مسجد بروید و برای ریاضت، مطابق رساله مرجع تقلید، واجبات و مستحبات را عمل نمایید و محرمات و مکروهات را ترک کنید که بهترین ریاضت است و از متابعت غیر از قرآن و اخبار ائمه علیهم السلام اجتناب کنید که خطر دارد.

مسائل متفرقه مسجد

س

- ساختن حوضخانه در زیر جاذبه برای مسجدی که حوضخانه ندارد (با رعایت سفت کاری جاذبه به طوری که به عابرین ضرر نرسد) جائز است یا نه؟.

ج

- اگر مضر به عابرین نباشد اشکال ندارد.

س

- در موالید حضرات ائمه صلوات الله علیهم اجمعین در مسجد، مجلس گرفته اشعار می‌خوانند و موقع خواندن اشعار، کف می‌زنند، کف زدن در مسجد چه صورت دارد؟.

ج

- بنظر این جانب، خالی از اشکال نیست ممکن است جزء لهویات، محسوب شود.

س

- آیا کمک مسلمانی را که به نماز و روزه و احکام دیگر پایبند نیست برای ساختن مسجد و حمام می‌توان پذیرفت یا نه؟.

ج

- مانعی ندارد.

س

- دهی که مردم آن، مسیحی بوده‌اند و فعلاً متواری شده‌اند و مسلمانان به جای آنها ساکن و متصرف شده‌اند کلیسایی دارد آیا می‌توان این کلیسا را که بدست مسیحی ساخته شده و یقین به نجس بودن مکان آن دارند مسجد نمود؟.

ج

- جائز است کلیسا را مسجد نمود و با احتمال آن که بنا و عمله، مسلم

صفحه : ۱۵۶

بوده‌اند و نجس نشده اشکال ندارد، و با فرض علم به نجاست، در صورت تمکن، ظاهر آن را تطهیر کنند کافی است.

س

- نجس کردن حسیه اشکال دارد یا نه و اگر نجس شد فوری باید تطهیر کرد یا نه؟.

ج

- حسیه، حکم مسجد را ندارد که اگر نجس شد تطهیرش واجب باشد. ولی نجس کردن آن بطور عمد اگر بر خلاف مقررات وقف باشد جائز نیست.

س

- در پشت مسجد جامع یزد، زمینی بایر افتاده و مالک آن مجهول است ولی از قدیم، شهرت تامه داشته که متعلق به مسجد جامع است آیا اجازه می‌فرمایید در آن زمین کتابخانه عمومی بسازند؟.

ج

- اگر محتمل است مالک داشته باشد احتیاطاً بابت مظالم به فقیری بدهند و او برای کتابخانه، واگذار نماید بعد مجازند برای مسجد کتابخانه بسازند.

س

- آیا دار السیاده و دار الحفاظ که متصل به حرم حضرت امام رضا علیه السلام است حکم حرم و مسجد را دارد یا نه؟ و جنب و حائض می‌توانند داخل آنها بشوند یا نه؟.

ج

- اگر مسجد نباشد حکم حرم را ندارد.

س

- زمینی است موقوفه برای مسجد معینی که در حدود، دویست هزار تومان ارزش دارد، چون در وسط آبادی قرار گرفته،

مزبله‌ایست برای محلّ و اهالی روستا، و مسجد مزبور هیچ گونه احتیاجی ندارد. و جهت آب لوله کشی، اهالی در مضیقه قرار گرفته‌اند، اجازه می‌فرمایید، زمین مذکور را فروخته و برای مخارج آب لوله کشی استفاده نمایند؟.

ج

- فروش موقوفه مسجد جائز نیست، ولی اجازه دادن آن به مال الاجاره عادلانه و صرف آن همه ساله در همان مسجد مانعی ندارد.

س

- در اثر توسعه مسجد، توالی سابق آن در حیاط مسجد واقع گردیده که فعلاً معدوم و زمین آن موزائیک کاری و تمیز شده بعضی از مؤمنین در نماز خواندن روی چنین زمینی که سابقاً جای توالی بوده احتیاط می‌کنند متمنی است حکم آن را بیان فرمائید.

صفحه : ۱۵۷

ج

- در فرض سؤال که زمین مزبور برای انتفاع در جهت مخصوص بوده آن را جزء صحن مسجد قرار دادن که منافعی با آن جهت است جائز نبوده و حکم مسجد را ندارد و لکن نماز خواندن در آن مکان مانع ندارد. و الله العالم

س

- چند سال قبل کلیمیان حرم آباد به اسرائیل مهاجرت نمودند. فعلاً فقط دو خانوار از آنها باقی است و کنیسه‌ای از کلیمیان باقی مانده که به علت عدم استفاده، به واسطه نبودن یهودیها تدریجاً، مخروبه گردیده و اکنون محلّ تجمع معتادین شده است تکلیف چیست؟.

ج

- معابد مذکوره، در حکم مساجد مسلمین است، مؤمنین آنجا را مسجد قرار دهند و احکام مسجد بر آنجا جاری می‌شود.

س

- اگر شخص جنب، برای شغلی، مانند بنایی و نقاشی، داخل مسجد شود، اجرتی که می‌گیرد چه صورت دارد؟.

ج

- نظر به این که توقف جنب در مسجد حرام است، نقاشی یا بنایی جنب، در مسجد که مستلزم توقف است نیز حرام و بنا بر این مزد او نیز حرام است بدلیل این که (انّ الله اذا حرم شیئاً حرم ثمنه) و هم چنین استیجار جنب برای بنایی یا نقاشی مسجد باطل است.

س

- آیا در بناء مسجدهای سنیها، می‌توانیم کمک بکنیم یا خیر؟.

ج

- بلی در بناء مسجد می‌توانید کمک کنید.

لباس نماز گزار

س

- عینکی که دسته آن مخلوط به طلا است یا آن که داخل آن، طلا و روی آن برنج است نماز خواندن با آن چه صورت دارد؟.

ج

- اگر دسته آن مخلوط به طلا است به نحوی که ظاهر باشد، نماز در آن برای مرد جائز نیست ولی اگر طلا در داخل آن باشد و ظاهر نباشد عیبی ندارد.

س

- یکی از مبطلات نماز به طوری که می‌دانیم بودن اجزاء حیوان حرام گوشت در لباس نماز گزار است. فعلا بعضی از زنان، کلاه گیس دارند و چون از اجزاء انسانی است و انسان هم حیوان حرام گوشت است، نماز خواندن با آن چه صورت دارد؟.

صفحه : ۱۵۸

ج

- اجزاء انسان از اجزاء حیوان حرام گوشت، استثناء شده است و نماز با کلاه مزبور، مانعی ندارد.

س

- اگر مرد انگشتر طلا- یا ساعت طلا- برای عیالش خریده و جهت امتحان و یا برای نگهداری و حفظ آنها، بدست خود کرده در موقع نماز یا غیر نماز چه صورت دارد؟.

ج

- برای مردم حرام و نماز با آن باطل است.

س

- شخصی دو جامه دارد یکی نجس و دیگری پاک. می‌رود حَمَام وقتی بیرون می‌آید جامه نجس را می‌پوشد به اعتقاد این که جامه پاک را پوشیده و چند نماز می‌خواند. بعد معلوم می‌شود اشتباه کرده نماز او، چه صورت دارد؟.

ج

- ظاهرا در فرض مذکور، نمازهایی که خوانده صحیح است و قضا ندارد.

س

- لو اصاب ثوبه دم و لا یدری ای دم هو، أ من حیوان بحریّ حلال کدم السّیمک الحلال حتّی تجوز الصّیلة معه و إن کان کثیرا، ام من بحریّ حرام کدم السّیمک الحرام حتّی لا- تجوز معه الصّیلة معه و إن کان قلیلا ام من دم حیوان بریّ حلال اللّحم کالغنم و البقر مثلا- حتّی تجوز الصّیلة معه إن کان اقلّ من درهم ام من الدّماء الثلاثه او المیتة او نجس العین حتّی لا تجوز معه الصّلاة و إن کان قلیلا فما تکلیفه و هل لنا اصل یرجع الیه فی ذلک فیقال لا تجوز الصّلاة مع کلّ دم حتّی یعلم الجواز لأنّ الاصل ذلک او یقال الاصل

جواز الصَّلاة مع كلِّ دمٍ إن كان اقلَّ من درهمٍ حتَّى يعلمَ عدمَ الجواز. المرجوُّ من فضلکم الجواب مع بعض الإشارة إلى الفروق الَّتی تكون بین الاسئلة و لکم مزید الشُّکر.

ج

- كلِّ دمٍ یحتملُ إن یكون طاهراً یحكم بطهارته و جواز الصَّلاة فیهِ و إن احتمل كونه من غیر المعفو. نعم فی المتخلف فی الذبیحة اذا احتمل عدم خروج المقدار المتعارف من الدَّم فالأحوط معاملته النَّجاسة معه و كلِّ دمٍ علم بنجاسته تجوز الصَّلاة فی اقلِّ من الدرهم منه ما لم یعلم أنَّه من غیر المعفو عنه.

س

- آیا با کراوات می‌شود نماز خواند یا نه؟.

ج

- گر چه کراوات، شعار مسیحیها است و بر مسلمین لازم است از آن اجتناب نمایند ولی - با شیوع آن در بین مسلمانان از مدتهای مدیده - نماز خواندن

صفحه : ۱۵۹

با آن فعلاً اشکال ندارد.

س

- نماز خواندن بدون کلاه، کراهت دارد یا نه؟.

ج

- کراهت نماز خواندن با سر باز بنظر نرسیده.

س

- لقد اشتهر بین النَّاس أنَّ العمامة السوداء مختصةٌ به اولاد فاطمة علیها سلام و لا یجوز لغيرهم مطلقاً فهذا صحیح ام لا و علی الصَّحة هل لها اساس من نصٍّ او حدیث او دلیل آخر فما هو یینوا توجروا؟.

ج

- لبس العمامة مستحب و لا سیما فی حال الصَّلاة، و النَّبی الاکرم صلی الله علیه و آله و سلَّم و اولاده الائمة علیهم السَّلام كانوا یلبسونها و الالوان تابعة للعرف كما فی العصور المتأخرة عنهم علیهم السَّلام.

س

- کسی که علم اجمالی دارد که یا لباس خودش نجس است و یا مثلاً لباس هم‌سایه‌اش، مقتضای قاعده نسبت به هر کدام، شبهه بدوی است ولی اگر مثلاً آن جامه را از هم‌سایه خریداری نماید حال اگر یک نماز را با هر دو لباس بخواند بطلان آن نماز معلوم است ولی اگر دو نماز با آن دو لباس بخواند یعنی یک نماز با یک لباس و نماز دیگر با لباس دیگر بخواند آیا چنین علم اجمالی منجز است و یا هر دو نماز، صحیح است و نسبت به هر یک شبهه بدوی است؟.

ج

- در فرض سؤال، علم اجمالی، منجز است پس اگر دو لباس را به پوشد و نماز بخواند بطلان نماز، یقینی است و نماز در یکی از آن دو جامه، محتمل البطلان است و موجب برائت ذمه نمی‌شود و اگر ظهر را در یکی بخواند و عصر را در دیگری، نماز عصر، یقینی البطلان و نماز ظهر، محتمل البطلان است و موجب برائت ذمه نیست و اگر یک نماز را یک مرتبه در یکی، و مرتبه دیگر در دیگری بخواند یقین حاصل می‌شود که در لباس طاهر، نماز خوانده و صحیح است.

س

- زن در حَمَام است و وقت تنگ است اگر بخواند بیرون بیاید و ساتر، تهیه کند وقت می‌گذرد. آیا می‌تواند برهنه نماز بخواند؟

ج

- در صورتی که وقت، به قدری ضیق است که اگر بخواند ساتر، تهیه نماید نماز، قضاء می‌شود برهنه نماز بخواند.

س

- آیا می‌شود بدون چادر اقامه نماز شود یعنی با رو سری که

صفحه : ۱۶۰

امروزه معمول شده است، و رو سری و لباس گشاد جای چادر را می‌گیرد یا خیر؟

ج

- برای نماز گزار اگر زن باشد لازم و شرط است ساتری که او را در حین نماز به پوشاند و شرط نیست ساتر خصوص چادر باشد. اگر چه بهتر است خصوصاً اگر بدون چادر حجم بدن نمایان باشد بلکه سزاوار است که چادر در نماز ترک نشود و هم چنین در غیر نماز، چون در ایران و بعضی بلاد اسلامی چادر جزء شعائر است.

س

- محبوس هر گاه بداند لباسش غصبی است، باید چگونه نماز بخواند؟ و هر گاه نداند غصبی است یعنی نتواند مطلع شود چگونه؟

ج

- در فرض سؤال اگر لباسش منحصر به مغضوب باشد واجب است احتیاط کند یعنی یک مرتبه برهنه و یک مرتبه در لباس مغضوب نماز بخواند، و با فرض شک اگر مسبوق به علم به غصبیت نباشد نماز در همان لباس صحیح است.

محمول متنجس در نماز

س

- دندانه‌های مصنوعی گاهی به واسطه خون دهان یا سبب دیگر، نجس می‌شود و انسان فراموش می‌کند آن را تطهیر نماید، و با همان حال نماز می‌خواند. نمازش صحیح است یا نه؟

ج

- اگر ظاهر دهان، پاک باشد نمازش صحیح است.

س

- مادری که مشغول خواندن نماز است و بچه خود را ناراحت می‌بیند در صورتی که بیشتر یا تمام بدن آن بچه نجس است می‌تواند جهت تسلی، او را در آغوش بگیرد یا نه؟.

ج

- اگر لباس ساتر متنجسی که بشود به تنهائی با آن ستر عورت کرد و یا عین نجاست همراه بچه نباشد مانعی ندارد.

س

- محمول متنجس که ساتر عورت نباشد مثل جوراب که به دمای ثلاثه (خون حیض و نفاس و استحاضه) و یا به نجسی، متنجس شده باشد نماز خواندن با آن جائز است یا نه؟.

ج

- اگر عین نجاست، در آن نباشد جائز است.

صفحه : ۱۶۱

قبله

س

- چند سال است مسجدی بنا شده و قبله او را مستقیم دانسته‌اند، اکنون با قبله نمای رزم آرا که جدیداً ساخته شده مطابقت ندارد تکلیف چیست؟.

ج

- با تمکن، واجب است تحصیل علم به قبله و در صورت عدم تمکن از علم، تحصیل ظن اقوی مقدم است و بعید نیست فعلاً ظن حاصل از قبله‌نمای رزم آرا، از میزانی که بنظر علماء سابق (قبل از احداث آلات جدیده) بوده اقوی باشد. لکن در بعید، مقداری تیامن و تياسر مضّر نیست چون در بعید، قبله، وسعت دارد.

س

- هر گاه خانه کعبه را فرضاً زمینش را بکنیم، بصورت عمودی پائین برویم، از آن طرف زمین سر در خواهد آورد، حال اگر نمازگزار از خانه کعبه بسیار دور باشد مثلاً در جزایر اقیانوس کبیر باشد ولی باین امتداد کعبه فرضی نزدیک باشد، آیا باید رو به کعبه حقیقی نماز بخواند، یا رو باین امتداد کعبه، با فرض این که هر گاه شخصی در مکه در چاه عمیقی نماز بخواند، و رو به امتداد کعبه باشد و رو به عین آن نباشد نمازش صحیح است؟.

ج

- در هر جای زمین که بطرف کعبه مشرفه نماز خوانده شود، نماز صحیح است، چون از تخوم زمین زیر کعبه تا عنان سماء فوق کعبه در حکم کعبه است و فرقی نیست که نمازگزار مقابل خود کعبه باشد یا زمین زیر کعبه، یا فضای فوق کعبه.

اذان و اقامه

س

- در بین اذان و اقامه، جائز است فصل به کلمات آدمی و بعضی از دعاها یا عباراتی مثل این که بین دو حیّ علی الصّلاه بگوید (انّ الصّلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر) یا نمی‌شود و فقط همین عبارات اذان و اقامه را باید گفت؟.

ج

- فصل بین اذان و اقامه به کلمات آدمی ننمایند و قرآن یا دعا اگر طولانی نشود مضرّ نیست لکن بقصد ورود نخوانند.

س

- بلندگوی مسجد، به وسیله نوار ضبط صوت، اذان را پخش می‌کند آیا جائز است که با همان اذان نوار، نماز بخوانند و یا باید اذان دیگر گفت؟.

صفحه : ۱۶۲

ج

- اذان ضبط صوت، مجزی از اذان نماز نیست.

س

- طبق مسأله شماره ۹۳۱ توضیح المسائل (موارد سقوط اذان) چنانچه اذان بگوید حرام است و یا مانعی ندارد؟.

ج

- در فرض مرقوم، سقوط اذان، بنحو رخصت است بنا بر این گفتن آن مانعی ندارد.

س

- صبحها که مردم خواب هستند اذان گفتن با بلندگو، چه صورت دارد؟ آیا مردم آزاری، هست یا نه؟.

ج

- اذان گفتن هر چند موجب بیدار شدن دیگران شود جائز است مگر یقین کند که موجب مرض یا شدت مرض کسی شود.

س

- اذان گفتن برای نماز عصر یا نماز عشاء در وقتی که نماز عصر با نماز ظهر و نماز عشاء با نماز مغرب خوانده شود و فاصله‌ای ایجاد نشود جائز می‌دانید یا نه؟ اگر جائز نمی‌دانید آیا با خواندن تعقیبات، فاصله، ایجاد می‌شود و جائز می‌دانید که بعد از تعقیبات، اذان گفته شود یا نه و اگر تعقیبات را فاصله می‌دانید با خواندن تسبیح معروف صدّیقه طاهره علیها سلام و دعایی که معمولاً در

جماعات، خوانده می‌شود، فاصله، حاصل می‌شود یا این که فاصله، وقتی حاصل می‌شود که تعقیبات کامله و نوافل تمام خوانده شود و روی این فرض آیا اگر هنوز امام جماعت یا بعضی از مأمومین مشغول خواندن تعقیب و نوافل می‌باشند مؤذن می‌تواند اذان بگوید و تمام کند یا باید صبر کند تا اتمام تعقیبات و نوافل، بعد مشغول اذان دوم شود؟.

ج

- در فرض سؤال گفتن اذان، جائز است اگر چه اولی مراعات احتیاط و نگفتن آن است و با خواندن نماز نافله یا تعقیبات مفصله که زیاد طولانی باشد فصل، حاصل می‌شود و گفتن اذان مانعی ندارد، بلی با خواندن تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها یا تعقیبات مختصره، فصل، حاصل نمی‌شود و بهتر نگفتن اذان است و کسی که نافله خوانده جائز است اذان بگوید هر چند نافله دیگران تمام نشده باشد.

س

- کسی که نماز ظهر و یا مغرب خود را به نماز عصر یا عشاء امام

صفحه : ۱۶۳

اقتدا کرده پس از سلام، صفوف جماعت متفرق نشده می‌خواهد نماز عصر یا عشاء خودش را فرادی بخواند، آیا اقامه برای نماز خود بگوید یا این که اقامه از او ساقط است؟.

ج

- در فرض مذکور، اقامه، ساقط نیست.

س

- اگر در اذان اشتباهی قد قامت الصلوة بگوئیم چه وظیفه‌ای داریم؟.

ج

- زیادی قد قامت الصلوة اشتباهی مضرّ به صحّت اذان نیست.

نیت

س

- مصلی، نماز معینی را می‌خواند، در بین نماز شک می‌کند که آیا در حال نیت نیز، همین نماز معین را قصد کرده یا غیر این نماز را، تکلیفش چیست؟.

ج

- اگر در حال شک، خود را در نماز معین می‌بیند بنا بگذارد که همان نماز را نیت کرده است.

س

- در صورت شک، در این که آفتاب، طلوع کرده یا نه وضو و نماز، هر دو را بقصد قربت مطلقه به جای آورد چطور است؟.

ج

- وضو بقصد ما فی الذمه از برای نماز اداء یا قضاء، و نماز بقصد ما فی الذمه از اداء و قضاء، اشکال ندارد و اگر وضو را بقصد این که با طهارت از حدث باشد بگیرد در هر صورت، کافی و مجزی است.

س

- شخص نماز گزار موقعی که مشغول تسبیحات اربعه می باشد شک می کند که این رکعت آخر عصر است یا آخر ظهر و نیز در مغرب و عشاء شک می کند که این سوم مغرب است یا چهارم عشاء، تکلیف او را بیان فرمائید.

ج

- نماز را به رجاء آخر ظهر تمام کند و عصر را بعد از آن بخواند و در مغرب و عشاء به رجاء سوم مغرب، نماز را تمام کند و بعد عشاء را بخواند.

س

- شخصی در نماز صبح، نیت مغرب کرد و در رکعت دوم یادش آمد، آیا عدول به نماز صبح، جائز است یا نه؟.

ج

- اگر مقصود اینست که شخص مذکور، در مقام اداء نماز صبح قصد

صفحه : ۱۶۴

نموده دو رکعت نمازی را که واجب است بین الطلوعین به جا آورد، و اشتباها اسم آن را مغرب، تصور کرده و بعد اسم آن یادش آمده، نمازش، صحیح است و اگر جدا سه رکعت نماز مغرب را قصد نموده نمازش باطل و عدول، صحیح نیست و باید نماز صبح را از اول، شروع نماید.

س

- آیا کسی که نماز ظهر و عصر را نخوانده در وقت عصر از روی غفلت، قصد نماز ظهر را می کند و در بین نماز می فهمد که وقت مختص به عصر است می تواند نیت را به نماز عصر برگرداند؟.

ج

- نمی تواند. بلکه نماز را قطع کند و به نیت نماز عصر، وارد نماز شود.

س

- در رابطه با مسأله استفاده نیت، اگر در بین نماز، حالت غفلتی برای مصلی پدید آید و نداند در حال خواندن چه نمازیست، فریضه یا نافله، اداء یا قضاء، نماز خود یا نیابتی، و پس از لحظه ای یادش بیاید آیا بخاطر این ذهول و غفلت نماز اشکال پیدا نمی کند؟.

ج

- نماز باطل نیست ولی در حال غفلت بقصد ما فی الذمه قرائت و ذکر را بگوید.

تکبیره الاحرام

س

- موقعی که انسان در صحت تکبیره الاحرام شک دارد یا واقعا غلط ادا کرده و دوباره می‌خواهد تکبیر بگوید اگر دومی را بلا فاصله، پس از اولی بگوید و بین آن دو با پشت به قبله کردن فاصله نیندازد آیا صحیح است یا خیر؟.

ج

- باید از تکبیره الاحرام دوم نیز صرف نظر نموده و مجدداً تکبیره الاحرام بگوید.

س

- اگر در هنگام تکبیره الاحرام به انسان تنه بزنند و با آن تکان بخورد وظیفه چیست؟.

ج

- در فرض مذکور این نماز را تمام کند هر چند وجوبش معلوم نیست و بعد آن را اعاده کند.

قرائت و ذکر

س

- هر گاه در حال قرائت، اخلاط سینه جلوی صوت را بگیرد که از

صفحه : ۱۶۵

نماز گزار، حرفی ظاهر نشود و بی اختیار از حلق، نوعی نفس را می‌کشد مثل این که می‌خواهد سرفه کند ولی سرفه حقیقی نیست و برای رد نمودن آن و باز شدن مخرج حرف، این عمل را بطور اختیار انجام می‌دهد و در غیر این صورت برطرف کردن این مانع، ممکن نیست بنا بر این نماز، باطل می‌شود یا نه و فرقی بین حال اختیار و عدم آن هست یا نه و در صورت عدم اختیار و صحت نماز، سجده سهو لازم است یا نه و در صورتی که دو حرف، تولید شود یا یک حرف، فرق دارد یا نه؟.

ج

- در صورتی که دو حرف، تولید نشود اشکال ندارد. ولی اگر دو حرف، تولید شود مبطل نماز است. پس اگر تلفظ قرائت و اذکار واجبه، توقف بر آن داشته باشد باید بنحو مذکور رفع مانع نماید و نماز را استیناف کند.

س

- در موقع خواندن حمد و سوره در نماز، مراعات کردن همزه‌های وصل، در درج کلام، لازم است یا نه؟.

ج

- بلی اسقاط همزه وصل، در حال وصل، لازم است.

س

- اذکار مستحبّه نماز را غلط خواندن و یا از مخرج، ادا نکردن، سبب بطلان می‌شود یا نه؟.

ج

- اگر غلط فاحش نباشد و موجب عوض شدن معنی نشود، سبب بطلان نمی‌شود، مگر آن که قادر بر صحیح خواندن باشد و عمداً غلط بخواند که در این صورت احتیاط ترک است.

س

- اگر کسی از اوّل تکلیف تا مدّت سی سال در نمازش، به جای (بحول الله و قوّته اقوم و اقعد) (یا حیّ یا قیوم) می‌گفته ولی اکنون از رساله شریفه این جهت را درک کرده که فقط همان ذکر مخصوص وارد شده را باید بگوید نه اذکار دیگر را در این صورت نمازهای گذشته او چه صورت دارد؟.

ج

- با فرض آن که گمان می‌کرده باین نحو وارد شده نمازهایی که خوانده صحیح است و در آتیه، قصد ورود نکند.

س

- مکبر می‌تواند اقتداء کند و تکبیرات را به نیت مطلق الذّکر بلند بگوید یا نه؟.

ج

- در صورتی که از حدّ متعارف، خارج نباشد مانعی ندارد و ظاهراً طریقه

صفحه : ۱۶۶

بلال هم همین نحو بوده است.

س

- تکرار اذکار نماز، جائز است یا نه؟.

ج

- در صورت شکّ در صحت اذکار، تکرار آن بقصد رجاء عیب ندارد بشرط آن که به حدّ وسواس نرسد.

س

- آیا، تند خواندن نماز و کند خواندن آن فرق دارد یا نه؟.

ج

- مستحب است در قرائت، ترتیل، یعنی به تأنّی خواندن، به نحوی که الفاظ و حروف و کلمات ظاهر باشد که اگر شنونده، بخواهد آن را بشمارد بتواند و مستحب است که در سایر اذکار و اعمال، نیز تعجیل نکنند.

س

- اگر کسی نوافل لیلیّه را به نذر یا قسم بر خود، واجب کند آیا قرائت سوره هم بعد از حمد، واجب می‌شود یا نه؟ و آیا واجب است جهر در قرائت کند یا نه؟.

ج

- اگر بنحو مطلق، نذر کرده یا قسم خورده در این خصوصیات، مختار است.

س

- کسی که در رکعت دوم، غیر از سوره توحید بخواند اگر قبل از قنوت، (کذلک الله ربی) بگوید نمازش باطل است یا نه؟.

ج

- با فرض جهل به موضوع، بطلان نماز، معلوم نیست. چون حکم ذکر غلط را ندارد ولی نباید بگوید.

س

- بنده در نماز در رکعت اول بعد از حمد، سوره توحید می‌خوانم و در رکعت دوم همیشه بعد از حمد، بسم الله می‌گویم و هر سوره‌ای که بر زبانم جاری شد می‌خوانم معین نمی‌کنم که بسم الله برای این سوره بالخصوص باشد. در این صورت نمازهایم باطل بوده و باید قضا کنم یا نه؟.

ج

- بنظر حقیر خلاف احتیاط واقع شده و احتیاطاً قضاء لازم است. ولی می‌توانید در این مسأله به کسی که تعیین بسم الله را لازم نمی‌داند و یا جهل به حکم را موجب اعاده نمی‌داند رجوع کنید.

س

- آیا (بسم الله) جزء سوره است و اگر نماز گزار بدون این که تصمیم به خواندن سوره معینی گرفته باشد (بسم الله) را بگوید بعد تصمیم به خواندن

صفحه : ۱۶۷

سوره توحید بگیرد می‌تواند اکتفاء به این (بسم الله) بکند یا باید مجدداً (بسم الله) را بگوید؟.

ج

- کفایت نمی‌کند و ثانیاً (بسم الله) را بقصد سوره توحید بگوید.

س

- اگر کسی به واسطه جهل به مسأله، به جای سوره قل هو الله احد چند آیه از قرآن بخواند نمازش چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض سؤال، نماز باطل است و قضای آن را باید به جا آورد.

س

- در ذکر کبیر رکوع و سجود، اشباع بهتر است یا غیر اشباع؟

ج

- با اشباع، احسن است.

س

- اگر کسی در موقع خواندن سوره قل هو الله احد نون (یکن) را در لام (له) و هم چنین در تشهد، نون (آن) را در لام (لا) ادغام نکرد، نمازش چه صورت دارد؟

ج

- نمازهایی را که به این نحو خوانده صحیح است، ولی از این به بعد، ادغام را در مواضع مذکور، رعایت نماید.

س

- اگر نمازگزار در رکعت اول و دوم که باید حمد و سوره بخواند تسبیحات اربعه را خواند نمازش چگونه است؟

ج

- اگر کسی در رکعت اول و دوم نماز، به جای حمد و سوره، تسبیحات اربعه بخواند و ملتفت نشود تا به رکوع برسد، نمازش صحیح است و برای نقصان حمد و سوره، احتیاطاً دو سجده سهو به جا آورد و نیز دو سجده سهو هم برای زیادی تسبیحات بخواند و اگر پیش از رکوع، یادش آمد حمد و سوره را بخواند و دو سجده سهو، احتیاطاً بعد از نماز برای زیادتی تسبیحات اربعه به جا آورد و اگر در دو رکعت آخر به خیال این که دو رکعت اول است حمد و سوره بخواند نمازش صحیح است ولی دو سجده سهو برای زیادی سوره به جا آورد.

س

- کلماتی مانند (یوم) و (فوق) و (فرعون) در قرآن و غیر قرآن مثل ادعیه هست که بعضی به ضمّه - البته بدون اشباع - می خوانند. حال اگر در حال نماز باشد مثل این که (مالک یوم الدین) را این طور بخوانند آیا موجب بطلان می شود یا نه؟

صفحه : ۱۶۸

ج

- صحت آن بدون اشباع، بعید نیست اگر چه فتحه کاملاً ظاهر نشده.

لکن چنانچه فتحه را کاملاً اظهار کنند اوفق به قواعد و احسن است ولی با اشباع، غلط است.

س

- شخصی است شصت و پنج ساله که اغلب در نمازهای یومیّه در رکعت آخر، سجده آخر، می گوید (یا رطیف ارحم عبدک الضعیف) نمازهای او از اول تا کنون چه صورت دارد؟

ج

- در فرض سؤال، نمازهایی که با این کیفیت از روی غفلت خوانده محکوم به صحت است و لکن بعداً یا این ذکر را نگوید یا آن را بطور صحیح بگوید و صحیح آن یا لطیف است.

س

- بعد از حروف مدّ اگر حرف بعد از آنها را بخاطر وقف کردن، ساکن تلفظ نماییم (مثل: نستعین، رحیم، مستقیم) آیا مدّ، واجب است یا مستحب؟.

ج

- در فرض سؤال مدّ واجب نیست.

س

- در رساله مرقوم فرموده‌اید، در نماز، حمد با یک سوره کامل باید خوانده شود حالا کسی حمد را خواند و چون همیشه سوره توحید را می‌خوانده بنا به عادت قبلی یک مرتبه متوجه شده به آخر سوره توحید رسیده است. آیا همان سوره کفایت می‌کند یا باید دوباره برگردد و سوره را با قصد بخواند؟.

ج

- در فرض سؤال اعاده سوره لازم نیست.

س

- در مبطلات نماز مسأله ۱۱۴۳ در توضیح المسائل فرموده‌اید:

(اگر شخص نماز گزار کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید مثلاً بگوید (الله اکبر) و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکالی ندارد ولی اگر بقصد این که چیزی بفهماند بگوید اگر چه قصد ذکر هم داشته باشد نماز، باطل می‌شود) فرق بین این دو جمله را کاملاً نفهمیدیم. و دیگر این که در فرض اول مرقوم فرموده‌اید که الله اکبر بگوید آیا مقصود، تکبیر موقع رفتن به رکوع و یا سجود و امثال آن است، یا مطلقاً و هر جای نماز که باشد و آیا اگر ذکرهای دیگر مثل بحول الله یا سمع الله و امثال اینها را هم در محل خود بگوید، همین طور است و هر گاه

صفحه : ۱۶۹

امام جماعت، نماز جهری را سهواً به اخفات بخواند و مأموم، جهت اعلام او بقصد قرآنیت بگوید (لا تجهر بصلاتک) آیا حکم اول را دارد که نماز باطل نیست یا حکم دوم را که سبب بطلان است بیان فرمائید.

ج

- مقصود در اول این است که ذکر را بقصد ذکر بگوید و برای این که غیر را ملتفت چیزی نماید صدا را به گفتن آن بلند کند بنحو داعی بر داعی که این دو قصد در طول یکدیگر هستند یعنی داعی بر این که ذکر را بلند می‌گوید افهام دیگری است. و در دوم مقصود این است که غرض اصلی، افهام غیر است منتهی در مقام افهام گفتن الله اکبر را انتخاب می‌کند مثل این که گاهی انسان مطلبی را از کسی می‌شنود و در مقام اظهار عظمت آن مطلب، می‌گوید الله اکبر و یا در مقام ناراحتی یا تعجب می‌گوید لا اله الا الله، یا این که غرضش هم خدا باشد و هم فهماندن مطلبی به غیر به طوری که هر دو در عرض هم مقصود باشند و در هر دو

فرض فرقی بین تکبیره الا-حرام و تکبیرات مستحبّه دیگر و بحول الله و سمع الله و اذکار دیگر نیست. و هم چنین است حکم در قرائت آیه که اگر بقصد قرآنیت بخواند و صدا را بلند کند هر چند قصد افهام، داعی بر داعی باشد اشکال ندارد و اگر قصد قرائت قرآن نداشته باشد، مثلاً قصدش خطاب به امام جماعت باشد یا قصد قرائت و افهام، ضمیمه باشند موجب بطلان خواهد شد.

س

- در نماز، عوض بحول الله الخ یا حی و یا قیوم گفتن بقصد قربت مطلقه چه صورت دارد؟.

ج

- احوط ترک تبدیل ذکر مأثور است بغیر آن.

س

- اگر باء غیر المغضوب، بی اشباع خوانده شود بهتر است یا با اشباع؟ و اگر بهر یک از دو شکل قرائت شود جائز است؟.

ج

- کسره باء را خوب ظاهر کنند کافی است، و اشباع نشود که تولید یاء کند.

س

- بنظر حضرت عالی چرا نماز را حتماً به عربی صحیح باید خواند ولی نیت آن را بهر زبانی می توان گفت؟.

ج

- نیت، امری است قلبی و به زبان آوردن آن لازم نیست و قرائت و

صفحه : ۱۷۰

اذکار، بحکم خدا و رسول باید بهمان الفاظ مخصوصه عربی خوانده شود.

س

- اشخاصی که سواد ندارند و یاد گرفتن تجوید قرائت، برایشان مشکل است و هم چنین بعد از یاد گرفتن هم به واسطه عدم توجه، زود فراموش می نمایند در این صورت بهمان نحو عبارتی که بدون غلط باشد بخوانند چه صورت دارد؟.

ج

- اگر طوری بخوانند که غلط باشد و قدرت بر یاد گرفتن داشته باشند نمازشان باطل است و لکن محسنات تجویدی را لازم نیست مراعات کنند.

س

- شخصی در اوائل تکلیفش، در نماز سوره قل هو الله اَحد می خوانده و از جهت جهل و تقصیر، هاء (هو) را به لام (قل) و واو (هو) را به (الله) متصل می نمود که (قله و الله) می شد در این صورت نمازهایی که باین کیفیت خوانده قضا دارد یا نه؟.

ج

- با تمکّن از تصحیح، احتیاط لازم آنست که نمازهایی که به این نحو خوانده قضا نماید.

س

- هر گاه کسی در بسم الله از جهتی شک نمود که صحیح گفته یا نه حتّی از جهت جهر و اخفات در این صورت اعاده آن چه صورت دارد؟.

ج

- اگر بعد از فراغ از کلمه، شک در صحت نماید اعتنا نکند و اگر در حین اداء، با شک در صحت، ادا شود تکرار کند و در هر دو صورت اگر رجاء بسم الله را تکرار نماید اشکال ندارد.

س

- یکی از ائمه جماعت در سوره حمد، گاهی به جای مالِکِ یوم الدّین (ملکِ یوم الدّین) قرائت می کند و در کتاب صراط النّجاء مرحوم آقا سید ابو الحسن اصفهانی قدس سرّه دوّمی ملکِ یوم الدّین را ترجیح می دهد اکنون حضرت آیه الله نظر مبارک را مرقوم فرمایند.

ج

- هر دو وجه، جائز است.

س

- آیا مناط در وقف، نفس تازه کردن است یا مکث کردن و لو نفس را تازه نکنند؟.

ج

- نفس تازه کردن، لازم نیست.

صفحه : ۱۷۱

س

- شخصی مدّتی نماز خوانده و با مراجعه، معلوم شده که نمازش غلط بوده، قضا کردن نمازهایی که به غلط انجام داده لازم است یا خیر؟.

ج

- اگر متمکّن از صحیح خواندن بوده و غلط خوانده باید قضاء آنها را به جا آورد و همان اندازه‌ای که خبره بگوید صحیح است، کافی است.

جهر و اخفات

س

- در نماز ظهر و عصر، غیر از حمد و سوره، در اذکار دیگر هم باید اخفات نمود یا نه؟.

ج

- اخفات فقط در حمد و سوره واجب است.

س

- آیا نماز ظهر روز جمعه را جهرا می‌تواند خواند؟ حکم مسأله را در صورت اتیان ظهر به فرادی یا به جماعت روشن فرمائید.

ج

- قرائت نماز ظهر روز جمعه مستحب است جهرا باشد اگر مصلی فرادی نماز بخواند و اگر جماعت باشد مستحب است امام جهرا در قرائت بنماید.

س

- در نماز اخفاتی در حمد یا سوره، یک کلمه را اگر آهسته بخواند خوب صحیح ادا نمی‌شود و اگر مختصری بلندتر بخواند صحیح ادا می‌شود هم چنین بعکس، بنظر مبارک حضرت عالی چه صورت دارد؟ صحیح است یا خیر؟

ج

- بعید نیست جواز اخفات در موضع جهرا و جهرا در موضع اخفات در مواردی که اداء حروف کلمه بنحو صحیح متوقف بر آن باشد و احوط تکرار نماز است.

رکوع و قیام متصل به رکوع

س

- در توضیح المسائل می‌نویسند اگر رکوع را فراموش نماید و پیش از آن که به سجود برسد یادش بیاید بایستد و بعد برکوع رود و اگر در حال خمیدگی به رکوع برگردد نمازش باطل است و تفصیلی قائل، نشده‌اند. لکن در بعضی از رساله‌ها تفصیلی قائلند باین نحو که اگر کسی رکوع را فراموش نمود و رفت به سجده و هنوز به سجده نرسیده، برگردد و رکوع را به جا بیاورد پس اگر یادش هست که برای سجده خم شده باید راست بایستد و برای رکوع، خم شود و اگر یادش هست که برای رکوع، خم شده و در اثناء خم شدن سهوا برای سجده رفته، در حال

صفحه : ۱۷۲

خمیدگی بلند شود تا بعد رکوع برسد که قیام متصل برکوع زیاد نشود. و اگر در سجده اول یادش آمد، سجده را رها کرده و برگردد رکوع نماید و پس از اتمام نماز و سجده سهو نماز را اعاده نماید.

خواهشمند است بیان فرمائید که این تفصیل را در توضیح المسائل، فراموش نموده‌اند و یا مطلقا باید برخیزد و راست بایستد، و رکوع نماید؟

ج

- اگر کسی از ابتداء، رکوع را فراموش کند و بقصد سجده، خم شود و پیش از سجده یادش بیاید برگردد بحال قیام، و رکوع را به

جا آورد ظاهراً مسأله‌ای که در توضیح المسائل ذکر شده راجع باین فرض است و هم چنین است حکم، اگر بقصد رکوع خم شود و پیش از رسیدن بحدّ رکوع فراموش کند و اما اگر بعد از رسیدن بحدّ رکوع، فراموش کرد بنظر حقیر رکوع انجام شده است ولی احتیاط به اعاده نماز، ترک نشود و تفصیلی که ذکر شده صحیح نیست زیرا یا وظیفه رکوعی، انجام شده و برگشت بر رکوع موجب زیاد شدن رکن است و یا وظیفه رکوعی انجام نشده باید برگردد و بایستد و آن قیام، قیام متصل بر رکوع نبوده که موجب زیادتی رکن شود و بطور کلی زیاد شدن قیام متصل بر رکوع بدون زیاد شدن رکوع، متصور نیست.

س

- اگر نماز گزار، سوره را تمام نکرده سهواً به رکوع رفت آیا نمازش باطل است؟- کما این که بعضی از مسأله گوها گفته‌اند و علّت بطلان را هم ترک قیام متصل بر رکوع دانسته‌اند- یا نه؟.

ج

- اگر فراموش کرد که سوره را تمام کند و سهواً برای رکوع خم شد و پس از رسیدن بحدّ رکوع ملتفت گردید که در اتمام سوره، سهو کرده نمازش باطل نیست و احتیاطاً دو سجده سهو برای آن مقدار که از سوره فراموش کرده بخواند و در فرض مسأله، قیام متصل به رکوع، بعمل آمده است.

سجده

س

- شخصی در حال قیام، متذکر می‌شود که یک سجده رکعت پیش را فراموش کرده، بر نمی‌گردد به جا بیاورد ولی بعد از نماز فوراً آن سجده را با دو سجده سهو می‌خواند نمازش چگونه است؟.

ج

- باطل است باید اعاده نماید.

صفحه : ۱۷۳

س

- اگر در اثر جهل بحکم، کف دستها و سر انگشتان را در حال سجده مطابق معمول نگذاشته و یا بر جاهای لرزانی که آرام نداشته سجده کرده نمازهای سابقش چه حکمی دارد؟.

ج

- اگر می‌توانسته مواضع سجده را بر زمین بگذارد و در اثر جهل بحکم، نگذاشته و یا بر محل غیر مستقر، سجده کرده احتیاط، اعاده نمازهای گذشته است.

س

- بر، سیمان می‌شود سجده کرد یا نه؟.

ج

- سیمان خالص، مانعی ندارد.

س

- آیا لازم است که انگشت‌های پا در حال نماز، و دست‌ها در حال سجده، رو به قبله باشد یا نه؟ و اگر نشد نماز باطل است؟.

ج

- احتیاط لازم آنست که سر انگشت‌های پا در حال قیام و رکوع رو به قبله باشد و هم چنین انگشت‌های دست در حال سجود، لکن استقبال عرفی کافی است.

س

- بین السجدةین، خواندن دعاء طولانی (مانند دعای (یا من تحل به عقد المکاره ..)) چه صورت دارد؟.

ج

- لازم است دعا به قدری طولانی نشود که در عرف متشرعه، ماحی صورت نماز، محسوب شود.

س

- معلوم است که اگر انسان، در اثناء تشهد، شک کند که سجده دوم را به جا آورده است یا نه نباید اعتنا بشک خود کند بلکه بنا بگذارد بر این که به جا آورده، حال آیا شک در اثناء ذکر مستحبی تشهد، نیز همین حکم را دارد یا نه؟.

ج

- این صورت نیز همان حکم را دارد زیرا صدق می‌کند شک در چیزی کرده که از آن گذشته و داخل در غیر آن شده است.

س

- اگر جمله‌ای از تشهد واجب را گفت ولی چون خوب اداء نکرده بود برگشت تا جبران کند در این وقت، شک در سجده دوم کرد آیا وظیفه‌اش آنست که برگردد سجده دوم را بخواند یا اعتناء نکرده نماز را ادامه دهد؟.

صفحه : ۱۷۴

ج

- اعتناء به شک خود نکند و هم چنان نماز را ادامه دهد.

س

- اشخاصی هستند کف دست آنها بطور معمول باز نمی‌شود و در حال سجده کف دست تماماً به زمین نمی‌رسد بنا بر این لازم است به نحوی جای کف دست را بلند کنند که کف دست، محکم قرار بگیرد، یا بهمان اندازه که قادر است روی زمین قرار بدهد کافی است؟.

ج

- بهمان نحو که می‌تواند سجده کند کافی است و احوط مراعات نحوه مذکوره است.

س

- اگر کسی شک کند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده تکلیفش چیست؟

ج

- در صورتی که قبل از قیام و قبل از دخول در تشهد شک کند بنا بگذارد که یک سجده به جا آورده و سجده دوم را به جا آورد چه در حال جلوس باشد یا بین برخاستن برای قیام و اگر در حال قیام یا بعد از دخول در تشهد، شک کند بنا بگذارد که دو سجده را کرده و دیگر سجده نکند.

س

- اگر نماز گزار، در سجده، شک در ارتفاع محل سجود از محل ایستادن - به مقداری که مغتفر نیست - بنماید و رفع شک در بین نماز ممکن نباشد تکلیفش چیست؟

ج

- در صورتی که رفع شک، متوقف بر قطع نماز باشد نماز را قطع کند و بعد از حصول یقین، نماز بخواند و می‌تواند رجاء نماز را تمام کند و بعد از نماز، اگر صحت، معلوم نشد اعاده نماید.

س

- نماز گزار، در رکعت اول، یکی از دو سجده، و در رکعت دوم، رکوع را فراموش کرد، یکی از دو سجده را که به جا آورد ملتفت شد که در رکعت اول یک سجده به جا نیاورده و در رکعت دوم رکوع نکرده تکلیف او چیست؟

ج

- در فرض سؤال، سجده مزبور، سجده دوم او محسوب و باید برخیزد و حمد و سوره رکعت دوم را بخواند و رکوع را به جا آورد و نماز را تا آخر بخواند و بعد از سلام دو سجده سهو برای قیام بی جا به جا آورد.

س

- سجده بر موزائیک جائز است یا نه؟

صفحه : ۱۷۵

ج

- جائز است مگر آن که روی آن را شیشه، کار کرده باشند.

س

- گاهی که انسان به سجده می‌رود و پیشانی را روی مهر می‌گذارد حس می‌کند که چیزی روی مهر است و پیشانی را می‌خراشد و زحمت می‌دهد اکنون پیشانی را بلند کردن - برای رفع مانع - جائز است یا نه؟

ج

- اگر بمقدار لازم، پیشانی بما یصح السجود علیه رسیده بهمان حال، سجده را تمام کند و اگر نرسیده، به نحوی آن شیء را با دست، کنار بزند به طوری که سر بلند نشود و اگر ناچار است از این که سر را بلند کند نماز باطل است و در ضیق وقت، بهمان حال، سجده را تمام کند.

س

- اغلب در روی سجاده‌های نماز، عکس بارگاه و غیره نقش نموده‌اند و یا مهر نماز که در روی آن عکس بارگاه و یا عکس یک دست است و یا این که نوشته‌اند مثلاً تربت اقدس - مشهد مقدس و غیره، آیا روی آن سجاده‌ها و با آن مهرهای نوشته‌دار نماز جائز است یا نه؟.

ج

- نماز، اشکال ندارد ولی چون ممکن است بعضی مغرضین از مخالفین که همواره در مقام افتراء و تهمت به شیعه هستند ارائه نمایند که اینها (العیاذ بالله) بر گنبد مشاهد، سجده می‌کنند بهتر است جانماز ساده و بی‌پیرایه، و مهر بدون نقش و نوشته تهیه کنند که هم زبان مغرضین بسته شود و هم نظر بر آن، سبب اغتشاش حواس و بهم خوردن حال حضور قلب نشود.

س

- پیر مرد و مریضی که در اثر درد کردن سر زانویش چنانچه در سجده بخواهد بخاطر رعایت نمودن سجده بر مواضع هفتگانه سر انگشتان بزرگ پا را بر زمین بگذارد پس از سجده دیگر قادر به نشستن نخواهد بود آیا در این حالت می‌تواند چهار زانو نشسته و سر انگشتان بزرگ پا را بر زمین نگذارد و سجده کند یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال چهار زانو نشستن مانعی ندارد ولی باز هم ممکن است در حال سجده سر انگشتان بزرگ پا را روی زمین گذارد و اگر به هیچ وجه ممکن نیست سر انگشتان بر زمین گذاشته شود تکلیف بوضع آنها ساقط است.

صفحه : ۱۷۶

قنوت

س

- قنوت نماز غفیله را فراموش کردم و در حال رکوع، یا بعد از رکوع یادم آمد، در قیام بعد از رکوع انجام دهم و یا بعد از نماز می‌توانم قضای آن را به جا بیاورم و یا این که نماز را اعاده کنم؟.

ج

- در قیام بعد از رکوع رجاء به جا بیاورید.

س

- در نمازهای واجب، شخص نماز گزار می تواند قنوت را به زبان انگلیسی بخواند یا نه؟.

ج

- برای اداء وظیفه قنوت نماز واجب، دعاء به عربی لازم است، ولی در قنوت نماز مستحبی دعاء به انگلیسی و فارسی و هر زبان دیگر جائز است.

س

- در قنوت نماز، از سوره های قرآنی می شود یک سوره تمام و یا چند آیه از یک سوره خواند یا فقط دعاهای وارده را باید نماز گزار، در قنوت بخواند؟.

ج

- اگر بخواهد بقصد ورود بخواند باید دعاهایی که وارد شده بخواند، ولی اگر غیر اینها را از قرآن یا دعاهای دیگر بقصد قربت مطلقه بخواند اشکال ندارد.

س

- کسی که در قنوت نماز وتر در دعای چهل مؤمن، اموات اقبای خود را ذکر نماید و در بین آنان کسانی بوده اند که گناهای مثل اذیت به مادر یا معاصی دیگر را علنی کرده اند آیا می شود آنها را در، دعا نام برد یا نه؟.

ج

- احتیاج مؤمن عاصی به دعا و طلب مغفرت بیشتر است، مخصوصا ارحام که إن شاء الله ثواب صله ارحام نیز دارد.

س

- در قنوت نماز آیا جائز است هنگامی که برای فرد یا افراد خاصی دعا می کنیم به جای آن که نامش را ببریم (بخاطر جهل باسم او یا بخاطر اختصار) از او بصورت ضمیر یاد کنیم (ضمیری که مسبوق بذکر لفظی مرجعش نمی باشد بلکه معهود ذهنی است) و بگوئیم اللهم اغفر له یا اغفر لها .. یا فکّه من الاسر یا اشفه؟.

ج

- صحت برگرداندن ضمیر به معهود ذهنی، محل تأمل است و لکن می تواند باین عبارت بگوید اللهم اغفر للمنظور یا للمنظورین (تثنيه) یا للمنظورین

صفحه : ۱۷۷

(جمع).

تشهد

س

- حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در زمان خودش صلوات در تشهد را به همین کیفیت به ضمیمه (و آل محمد)

می‌خوانده است یا نه؟.

ج

- بلی به همین نحو می‌خوانده‌اند. در بحار از بعضی از انصار نقل می‌کند که حضرت در تشهد می‌گفتند: (اللهم صل علی محمد و آل محمد).

س

- هر گاه در حال نشستن برای خواندن تشهد سر زانو یا وسط قلم پا به واسطه ناهموار بودن زمین یا ضخیم بودن لباس، به زمین نرسد و مثلاً به اندازه یک بند انگشت یا کمتر، از زمین فاصله داشته باشد اشکال دارد یا نه؟.

ج

- با فرض صدق جلوس، مانعی ندارد.

س

- بعضی از وعاظ پاکستان بیان می‌کنند که در احتجاج طبرسی به روایات قاسم بن معاویه از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین مأثور است که (إذا قال أحدکم لا اله الا الله محمد رسول الله فليقل علی امیر المؤمنین علیه السلام) و ایضا در بحار باب مناقب النبی و العتره حالات امام ششم، ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که در تشهد بگویند (اشهد ان ربی نعم الرب و ان محمداً نعم الرسول و ان علیاً و اولاده نعم الائمه) حال خواندن این تشهد، در نماز چه صورت دارد؟.

ج

- تشهد ابی بصیر در عروه الوثقی مذکور است به همان نحو بخوانند و چون مسأله از مسائل فرعیه است مقلدین، زائد بر آن چه در رسائل عملیه مذکور است نخوانند.

سلام نماز

س

- شخصی سلام نماز را فراموش نمود و بدون منافی بلا فاصله داخل در نماز دیگر شد حکمش چیست؟.

ج

- احوط آنست که نماز دوم را قطع کند و بنشیند و سلام نماز اول را بدهد و نماز را احتیاطاً اعاده نماید و پس از آن نماز دوم را بخواند.

س

- تکرار سلام، مبطل نماز است یا نه؟.

ج

- اگر در صَحَّت (السَّلام علينا و علی عباد الله الصَّالحین) شک کرد تکرار نکند و (السَّلام علیکم ..) را بگوید و اگر احیاناً تکرار کرد احوط آنست که بعد از (السَّلام علیکم) نماز را اعاده کند اما اگر یقین پیدا کرد که (السَّلام علينا ..) را غلط اداء کرده جائز است آن را بنحو صحیح، تکرار کند و فرق بین صورت شک و یقین این است که چون بنظر ما (السَّلام علينا ..) بنا بر احتیاط، مخرج نیست پس با شک در صَحَّت اداء آن، اگر بخواهد تکرار کند احتمال آنست که در واقع، صحیح اداء کرده باشد و با تکرار آن، احتمال گفتن کلام آدمی، و بعبارۀ اخری احتمال اتیان مبطل می‌دهد، بخلاف آن که یقین پیدا کند که غلط اداء کرده که در این صورت، تکرار، اشکالی ندارد زیرا- به مقتضای آن که غلط اداء کرده - مثل کسی می‌ماند که هنوز این سلام را نگفته و حال می‌خواهد بگوید که البته اشکالی ندارد.

س

- سلامهای نماز را باید به قصد تحیت گفت یا نه؟.

ج

- گفتن سلام اول (السَّلام علیک أیها النبی و رحمۀ الله و برکاته) به قصد تحیت به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله جائز است ولی در دو سلام دیگر احتیاط، آنست که قصد تحیت ننماید به شرحی که در مسأله ۵ فصل فی التَّسْلیم، از کتاب عروۀ الوثقی ذکر شده است.

س

- در رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۱۱۶ فرموده‌اید اگر سلام نماز را فراموش کند، و موقعی یادش بیاید که صورت نماز بهم خورده است، چنانچه پیش از آن که صورت نماز بهم بخورد کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند- مثل پشت بقبله کردن - انجام نداده باشد، نمازش صحیح است و اگر پیش از آن که صورت نماز بهم بخورد کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند انجام داده باشد نمازش باطل است، بفرمایید آنجا که پیش از بهم خوردن صورت نماز منافی به جا نیاورده، یادش می‌آید که سلام را نگفته لازم است. سلام را حالا که یادش آمده بگوید یا سلام لازم نیست، زیرا مسأله ساکت است، و دیگر این که صورت نماز تا چه وقت و چگونه بهم می‌خورد؟.

ج

- مراد از بهم خوردن صورت نماز، بهم خوردن موالات است، و معنی بهم

صفحه : ۱۷۹

خوردن موالات این است که پس از نماز، مثلاً رو بقبله نشسته و مشغول تعقیب بوده و نسیان او به قدری طول کشیده، که وقتی یادش آمد، چنانچه سلام بگوید، در نزد متشرعه این سلام به این نماز، مربوط نمی‌شود، بنا بر این اگر مقصود از سؤال همان فرضی است که در توضیح المسائل نماز را صحیح دانسته، گفتن سلام لازم نیست.

و جهت فراموشی سلام، مستحب است دو سجده سهو به جا آورد. و چنانچه مقصود این است که اگر قبل از بهم خوردن موالات و قبل از به جا آوردن منافی، یادش بیاید که سلام را نگفته در این صورت باید سلام را بگوید، و سجده سهو ندارد.

طمأنینه در نماز

س

- در موردی که هنگام اداء کلمه‌ای بدن حرکت کند مثلاً موقع اداء (نستعین) بدن حرکت نماید و بخواهیم لفظ را دوباره تکرار نماییم آیا تکرار همان لفظ کافی است یا از اوّل آیه، تکرار نماییم (یعنی از اِیّاک) و باز همین سؤال پیش می‌آید در موردی که آن کلمه را غلط گفته باشیم و حالا بخواهیم آن را تکرار نماییم؟

ج

- حرکت بدن به مقداری که لازمه اداء کلمه (نستعین) است مضرّ به صلاّه نیست و در مورد لزوم، اعاده خود کلمه کافی است ولی اگر شک در صحت بعد از اداء کلمه باشد اعاده لازم نیست.

س

- آیا حرکت دادن سر در حال قرائت و سایر اذکار واجبه نماز اشکال دارد یا خیر؟

ج

- اگر حرکت جزئی باشد مانع ندارد و منافی با طمأنینه واجب نیست.

س

- اگر کف‌های دست در حال سجده روی زمین باشد اما انگشتان دست حرکت کند آیا اشکال دارد یا خیر؟

ج

- انگشتان هم از طرف باطن کف باید با آرامش روی زمین باشد ولی حرکت جزئی که منافی با وضع باطن انگشتان روی زمین نباشد مانع ندارد.

س

- نمازهای واجب را در قطار و هواپیما که در حال حرکت هستند می‌شود خواند یا نه؟

ج

- با مراعات همه شروط مانند استقبال و استقرار، جائز است و حرکت

صفحه : ۱۸۰

انسان به تبع قطار و هواپیما ضرر ندارد و اگر مراعات شروط، کاملاً ممکن نیست و وقت هم تنگ نیست صبر کند پس از پیاده شدن بخواند و الا در قطار یا طیاره با مراعات قبله و استقرار بهر مقدار ممکن است بخواند.

س

- قیام متصل بر رکوع چنانچه در رساله عملیه مذکور است رکن می‌باشد حال اگر شخص در حال قیام، مشغول خواندن حمد و سوره است و یک یا دو کلمه آخر سوره، مثلاً کُفُوّاً أَحَدٌ را در حال رفتن از قیام به رکوع بگوید نماز وی چه صورت دارد؟ و آیا عمدی

باشد یا سهوی فرق دارد یا نه؟.

ج

- قیام متصل برکوع همان است که انسان ایستاده باشد و به رکوع برود.

پس در فرض مسأله، قیام متصل برکوع بعمل آمده لکن اگر عمداً مقداری از سوره را در حال خم شدن بخواند نمازش باطل است برای آن که قیام در حال حمد و سوره و طمأنینه آن واجب است و ترک عمدی آن موجب بطلان نماز است و اگر سهواً باشد نماز صحیح است و احتیاطاً دو سجده سهو به جا آورد.

س

- شخصی موقع نماز، شخصاً قادر بر بلند شدن نیست ولی ممکن است دیگران او را بلند کنند چنین کسی نماز را نشسته بخواند یا دیگری را وادار نماید که او را بلند کند، و دیگر آن که وقتی او را بلند می‌کنند در حال قیام بدنش حرکت می‌کند و آرام نیست مگر آن که تکیه نماید که بدنش کمتر حرکت می‌کند حال آیا ایستاده نماز بخواند و یا نشسته؟.

ج

- در هر دو فرض، واجب است که ایستاده نماز بخواند.

ظن در افعال و رکعات

س

- ظن در افعال و ظن در رکعات در دو رکعت اول و دو رکعت آخر بنظر مبارک، فرق دارد یا نه؟.

ج

- ظن در افعال و در رکعات نماز چه در دو رکعت اول و چه در دو رکعت آخر، حجت است.

کثیر الشک

س

- شخصی به قدری در خواندن نماز و گرفتن وضو شک می‌کند که بحدّ وسواس مفرط رسیده باین نحو که وضو می‌سازد پس از گذشتن مقداری از

صفحه : ۱۸۱

وقت، فراموش می‌کند یا نماز می‌خواند بمجّرد این که نماز تمام شد از یادش می‌رود و شک می‌کند که آیا نماز خوانده‌ام یا نه و هر چه فکر می‌کند چیزی به یادش نمی‌آید لذا برای گرفتن وضو و خواندن نماز، پیوسته در زحمت است تکلیف این شخص چیست؟ آیا به شکوک واقع اعتنا کند یا نه؟.

ج

- تکلیف شخص مذکور، اینست که اعتناء نکند و هر وقت شک کرد که نماز خوانده یا نه بگوید نماز خوانده‌ام و هر زمان، شک کرد که وضو گرفته‌ام یا نه بگوید گرفته‌ام و اگر اعتنا کند فعل حرام و متابعت شیطان است.

س

- کسی که همیشه در تسبیحات اربعه شک می‌کند که آیا دو بار گفتم و یا سه بار چه کند؟.

ج

- کثیر الشک باید به شک خود اعتنا نکند و غیر کثیر الشک احتیاطاً یک بار دیگر بگوید.

س

- شک بین ۱ و ۲ برای کثیر الشک هم موجب بطلان است یا نه؟ و اگر صحیح است بنا را بر اقل بگذارد یا اکثر؟.

ج

- بلی شک مذکور برای کثیر الشک، هم موجب بطلان نیست و در مورد سؤال باید بنا را بر اکثر بگذارد و نمازش صحیح است.

س

- کسی که بعضی از اوقات در چیزهائی شک می‌کند و نمی‌داند که شکاک (کثیر الشک) بر او صدق می‌کند یا نه در شکش بنا را بر چه بگذارد؟.

ج

- حالت سابقه خود را استصحاب نماید. اگر کثیر الشک بوده اعتنا نکند و اگر نبوده به حکم شک عمل نماید.

س

- جوانی هستم مجرد و برایم وضع بدی پیش آمده و آن اینست که در نماز شک می‌کنم و بعد از نماز نیز دچار شک می‌شوم، و بعد از خریدن اجناس شک می‌کنم که پولش را داده‌ام یا نه؟ لذا دوباره پول می‌دهم و خلاصه در کارهای روزمره، بدین وضع دچارم لذا از انفاس قدسیه‌تان، مرا راهنمایی فرمائید.

ج

- به شما توصیه می‌کنم که با کمال قوت اراده به هیچ وجه به این شکها اعتنا نکنید و خود را به خدا بسپارید و از شر شیطان و وسوسه او به خدا پناه ببرید.

خداوند متعال شما را حفظ فرماید و بر قرائت معوذتین - سوره قل اعوذ برب الفلق و

صفحه : ۱۸۲

قل اعوذ برب الناس - مداومت نمایید.

س

- در این که نمازم را خوانده‌ام یا نه زیاد دچار شک می‌شوم، چه بسا نماز را خوانده‌ام و پس از نماز دچار ناراحتی می‌شوم و حالت غشوه و بی‌حواسی عارضم می‌شود بعد دچار شک می‌شوم که آیا نمازم را به جای آورده‌ام یا نه؟ در صورت بقاء وقت، وظیفه من

چیست؟ و در رساله دارد چنانچه زیاد شک کردن او از غضب یا ترس یا پریشانی حواس نباشد بشک خود اعتنا نکند، منظور این که وظیفه بنده چیست به شک خود اعتنا بکنم یا نه؟.

ج

- در فرض مرقوم احتیاط واجب آنست که نماز را تکرار کنید ولی اگر در یک روز چند مرتبه مبتلی به شک بشوید اعتنا به شک خود نکنید.

س

- کثیر الشک اگر شک کرد در سجده اول است یا دوم وظیفه اش چیست؟.

ج

- کثیر الشک باید به شک خود اعتنا نکند و بنا بگذارد بر این که سجده دوم است.

فعل کثیر در نماز

س

- اگر شخص نماز گزار مگس را از سر و صورت خود دور کند و یا بکشد و یا سر را حرکت دهد جائز است یا نه؟.

ج

- در صورتی که فعل کثیر نباشد جائز است.

س

- در مسأله شماره ۸۱۴ توضیح المسائل فرموده‌اید در صورتی که آب کشیدن بدن، نماز را بهم نمی‌زند باید آب بکشد، حال هر گاه آب در سمت راست یا طرف چپ نماز گزار باشد بفرمایید فاصله ما بین نماز گزار و آب چند متر مثلاً یا چند قدم باشد که بتواند از آب برای پاک کردن بدن یا لباس، در نماز، استفاده کند؟.

ج

- به قدری که رفتن تا آن مکان، فعل کثیر نباشد و باید به نحوی برود و برگردد که از قبله، منحرف نشود.

جواب سلام در حال نماز

س

- شخصی وارد بر نماز گزار گردیده و بعنوان سلام بر او، بگوید

صفحه : ۱۸۳

(سلام) چنانچه الآن معمول است یا بگوید (علیک السلام)، نماز گزار باید عین گفته او را جواب بدهد یا نه؟.

ج

- اگر بلفظ (علیک السّلام) بر نماز گزار سلام کرد جائز است عین عبارت او را جواب دهد و جائز است که بگوید (السّلام علیک) و مستحب است که نماز را بعد از اتمام، اعاده کند. و اگر بلفظ (سلام) فقط بوده مخیر است که بگوید (سلام علیک) یا فقط (سلام) را بگوید و (علیک) را تقدیر بگیرد.

س

- شخصی در نماز یا غیر نماز است، اگر دیگری وارد شود و به جای (سلام علیکم) بگوید (سلام) آیا جواب آن لازم است یا نه؟.

ج

- بلی، جواب لازم است.

س

- کسی که در اثناء نماز به او سلام می کنند و معلوم نیست سلام صحیح بود یا از سلامهای مردم عوام که غلط است آیا جواب دادن بر او واجب است یا نه؟.

ج

- باید جواب آن را بدهد.

س

- شخصی از درب وارد می شود سلام می کند چند نفری نشسته و مشغول صحبت هستند ولی متوجه سلام این شخص نمی شوند، شخص دیگری که در همان نزدیکی مشغول نماز است متوجه می شود، آیا وظیفه دارد که جواب سلام دهد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال اگر نماز گزار بداند که خودش تنها یا با دیگران مقصود به سلام بوده واجب است جواب دهد و نماز او صحیح است و اگر جواب ندهد گناه کرده ولی نمازش در این صورت هم صحیح است و چنانچه بداند که او مقصود به سلام نبوده یا شک کند نمی تواند جواب سلام را بدهد.

س

- اذا كان المصلّي مع جماعة، فسلم عليه من يقصده دون غيره فهل يجب على المصلّي، نفسه، الرّد. سواء كان الاخرون مشغولين بالصلاة ام غير مشغولين؟.

ج

- لو علم المصلّي أنّه المقصود دون غيره وجب عليه الرّد.

س

- اگر زنی به نماز گزار سلام دهد و بگوید (سلام علیکم) آیا نماز گزار هم می تواند در جواب، (سلام علیکم) بگوید یا خیر؟.

ج

- بلی می تواند.

استماع موسیقی در حال نماز

س

- شخصی مشغول نماز است در بین نماز، دیگران مشغول غیت مؤمن می شوند و یا شروع به موسیقی می نمایند تکلیف شخص نماز گزار چیست؟ و اگر کسی در مجلس معصیت، مثل همین دو مورد، نماز بخواند نمازش چه صورت دارد؟.

ج

- اگر بعد از شروع در نماز، مجلس لهو و یا شراب یا قمار و غیت تشکیل شود نماز را تمام کند و صحیح است. لکن اگر قبل از شروع، چنین مجلسی فراهم شود از آنجا خارج گردد و نماز را در غیر آن محل به جا آورد.

س

- اگر از خانه هم سایه صدای موسیقی بیاید و انسان مشغول نماز باشد نمازش صحیح است یا نه؟ و هم چنین اگر در حیاط رادیو باشد و لکن اخبار پخش می کند نماز خواندن چه صورت دارد؟.

ج

- در هر دو فرض، نماز صحیح است.

س

- اگر در حین اشتغال به نماز، کسی در همان اطاق نماز گزار، موسیقی بگیرد وظیفه نماز گزار چیست؟.

ج

- اگر استماع نباشد اشکال ندارد و اگر قبل از نماز بداند که مجلس موسیقی، برقرار می شود اگر ممکن است در غیر آن محل، نماز بخواند.

قطع نماز

س

- نماز گزار، در حال قرائت، صدای صلوات شنید، جائز است قطع حمد و فرستادن صلوات یا خیر؟ و هم چنین قطع نماز جهت حفظ جان و مال از حریق و غیره در ضیق و وسعت وقت جائز است یا نه؟.

ج

- مستحب است هر جا اسم مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شنید صلوات بفرستد و بعد، نماز را از همان جا که مانده

تتمیم نماید و قطع نماز برای حفظ جان از تلف، واجب است حتی در ضیق وقت و برای حفظ مال هم جائز است حتی در ضیق وقت، اگر مال، معتنی به باشد.

صفحه : ۱۸۵

نماز احتیاط

س

- هر گاه شخص در نماز ظهر، شکی کند که موجب نماز احتیاط است و وقت نماز عصر هم تنگ باشد و ممکن نباشد اقلًا یک رکعت عصر را پیش از غروب بخواند در این صورت کدام یک از آنها را مقدم بدارد، نماز احتیاط را یا نماز عصر را؟.

ج

- در فرض سؤال که به غروب شرعی بیش از یک رکعت نمانده نماز عصر را بخواند و بعد از آن احتیاط کند به خواندن نماز احتیاط و قضا ظهر.

س

کسی که در نماز چهار رکعتی شک بین سه و چهار کرد پیش از خواندن نماز احتیاط، وارد نماز دیگر شد تکلیفش چیست؟.

ج

- اگر سهوا وارد نماز دیگر شده احتیاط آنست که همان وقت، نماز احتیاط را به جا آورد و بعد نمازی را هم که بین آن بوده تمام کند، بعد هر دو نماز را اعاده نماید.

س

- کسی که مثلاً شک سه و چهار کرده و بعد از تروّی، ظن به چهار برایش حاصل شد که مقتضای قاعده در نمازهای چهار رکعتی به احتیاط مستحب، اعاده آن نماز است حال اگر به احتمال این که شاید در واقع، سه رکعت بوده، یک رکعت نماز احتیاط بقصد امثال امر واقعی بخواند، آیا خواندن این نماز احتیاط، لغو و بی اثر است و یا این که تشریع و حرام، و یا حرام ذاتی است؟.

ج

- لغو و بی اثر است مگر این که بقصد ورود باشد که تشریع و حرام است.

س

- در شک سه و چهار پس از اتمام نماز اگر قبل از نماز احتیاط سه تکبیر با رفع ید انجام گیرد (عمدا) آیا تولید اشکال نمی کند؟.

ج

- در صورتی که بقصد مطلق ذکر بوده تولید اشکال به معنای بطلان نماز نمی کند، ولی بر خلاف احتیاط است.

س

- اگر کسی در اثر جهل به مسأله، پس از سلام نماز و قبل از نماز احتیاط صورت را برمی گردانده و پشت به قبله می کرده آیا

نمازهایی را که چنین

صفحه : ۱۸۶

خوانده واجب است قضا کند؟.

ج

- اگر در وقت است احتیاط آن نماز را اعاده و اگر در خارج وقت است احتیاط قضا نماید.

قضاء تشهد و سجده فراموش شده

س

- شخص نماز گزار، سجده یا تشهد را فراموش کرده، بعد از نماز وظیفه‌اش را که قضای تشهد یا قضای سجده و دو سجده سهو می‌باشد فراموش کرد و منافی به جا آورد، پس از منافی به خاطرش آمد، تکلیفش چیست؟.

ج

- هر وقت یادش آمد قضای تشهد یا سجده را با طهارت به جا آورد و بعد، دو سجده سهو را نیز بخواند، بلی احتیاط مستحبی آنست که اگر بعد از اتیان منافی یادش آمد بعد از قضاء تشهد یا سجده فراموش شده و سجده سهو، نماز را نیز اعاده کند.

س

- هر گاه بعد از نماز ظهر قضای سجده یا تشهد فراموش شده یا سجده سهو واجب را فراموش کرد و مشغول نماز عصر گردید و در بین نماز عصر، یادش آمد تکلیفش چیست؟.

ج

- نماز عصر را تمام کند بعد سجده یا تشهد فراموش شده را، با سجده سهو آن به جا آورد و بنا بر احتیاط لازم، نماز عصر را اعاده کند و اگر فقط سجده سهو را فراموش کرده باشد بعد از تمام شدن نماز عصر به جا آورد.

س

- شخصی در نماز چهار رکعتی شک نمود که چهار رکعت خوانده یا سه رکعت، در حال قیام، بنا را بر چهار گزارده بر رکوع می‌رود، پس از خاتمه ذکر رکوع یادش آمد که هم تشهد را نخوانده و هم قنوت را فراموش کرده جهت صحیح بودن نماز خود چه عملی را باید انجام دهد؟.

ج

- در فرض سؤال که نمی‌داند قیام رکعت چهارم است یا سوم، بنا را بر چهار گذاشته و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جای آورد و بعد از آن قضای تشهد فراموش شده را به جا آورد و دو سجده سهو جهت تشهد فراموش شده بنماید و نماز صحیح است و قنوت اصلاً مستحب است و ترک عمدی آن هم مضرّ به صحت نماز نیست و الله العالم.

صفحه : ۱۸۷

س

- در مورد قضاء تشهد فراموش شده آیا بعد از قضاء تشهد، سلام نماز هم می‌خواهد یا نه؟.

ج

- خود تشهد را قضا کند و احتیاطا سلام هم به جا آورد و دو سجده سهو هم بقصد ما فی الذمه به جا آورد و این در صورتی است که تشهد اخیر باشد و اگر تشهد اول است سلام لازم نیست.

سجده سهو

س

- در سجده سهو، تکبیر لازم است یا نه؟.

ج

- تکبیر لازم نیست.

س

- آیا می‌شود ذکر سجده سهو را طول داد یعنی دو بار یا بیشتر تکرار کرد یا نه؟.

ج

- تکرار ذکر سجده سهو، بقصد مطلق ذکر، مانعی ندارد. ولی بقصد ورود، جائز نیست.

س

- شخصی در موقع خواندن نماز، سهوا به جای حمد، شروع به خواندن سوره نمود، و چند کلمه که ادا نمود فوراً متوجه شد که باید حمد را بخواند، فوراً از همان جا برگشت و حمد را خواند و سپس سوره را خواند و به نماز خود ادامه داد، آیا برای گفتن چند کلمه از کلمات سوره، سجده سهو بر او واجب می‌شود یا خیر؟.

ج

- بنظر حقیر سجده سهو واجب نیست، ولی احتیاط مستحب آنست که برای هر زیاده و نقیصه دو سجده سهو به جا آورد.

اگر کسی قبل از خواندن نماز عشا بخواب رود

س

- هر گاه شخصی نماز مغرب و عشا هر دو را نخوانده خواب برود و بعد از بیدار شدن بخواند حکم صورت قضا شدن و نشدن نماز و حکم وقوع آن، در ماه رمضان را بیان فرمائید؟.

ج

- کسی که نماز عشا را نخوانده بخواب برود و تا نصف شب بیدار نشود احتیاط آنست که آن روز را روزه بگیرد هر چند بعد از نصف شب، آن را خوانده باشد و چنانچه در ماه رمضان باشد به احتیاط مستحب قضا آن روز را بعد از ماه رمضان بگیرد.

صفحه : ۱۸۸

س

- اگر کسی نماز مغرب و عشا را عمدتاً ترک نماید چه حکمی دارد؟.

ج

- معصیت کرده و باید توبه کند و دیگر، نماز خود را ترک ننماید و اگر کسی نماز عشا را نخواند و خوابش برد تا نصف شب، احتیاط آنست که فردای آن شب را روزه بگیرد ولی اگر بیدار ماند تا بعد از نصف شب، این احتیاط را ندارد.

نماز مبطلون و مسلوس

س

- شخصی به علت عمل جراحی، مخرج غائطش به کلی مسدود شده و به جای آن از روی شکم، سوراخی باز نموده‌اند و بدین جهت مدفوعات، بی اختیار خارج می‌شود، حتی در حین نماز هم قادر به جلوگیری از آن نیست. اگر با دستمال و کهنه روی آن را ببندد یا کیسه بگذارد و در آن جمع شود عبادات این شخص با این وضع چگونه است؟.

ج

- اگر ممکن باشد قبل از نماز به نحوی تخلیه و تطهیر نماید که بتواند نماز را بدون خروج چیزی، تمام نماید، واجب است این نحو عمل کند و اگر نتواند تمام نماز را بدون خروج چیزی بخواند و تطهیر و وضو بین نماز هم مستلزم مشقت یا فعل کثیر باشد آن چه بین نماز، خارج می‌شود مضرّ به وضو و نماز نیست و بهمان نحو بخواند.

س

- شخصی دائم الانزال است به طوری که وقت برای خواندن یک نماز هم ندارد، تکلیف او نسبت به نماز و روزه‌اش چیست؟ و آن چه بر شخص جنب حرام است بر او حرام است یا نه؟.

ج

- قبل از نماز، غسل می‌کند و اگر معذور است تیمم بدل از غسل می‌نماید، و آن چه در بین نماز، خارج می‌شود به طوری که به اندازه خواندن نماز، وقف در خروج حاصل نشود معفو است و برای روزه، قبل از فجر غسل کند و معذور، تیمم بدل از غسل نماید و روزه، صحیح است و محرمات بر جنب بر او حرام است.

س

- المسلوس اذا صَلَّى قاعداً يمكنه التحفّظ من البول، و اذا صَلَّى قائماً لا يمكن له التحفّظ منه، فهل ينتقل وظيفته إلى القعود كما لو عرض عارض للمصلّي قائماً حيث أنّه يصلّي قاعداً ام لا؟.

ج

– اذا دار الامر بين الامرین فلا یبعد تبدل الوظیفه إلى القعود و مع الامکان فلاحوط تکرار الصلاة.

س

– شخصی به علت مرض شدت بول، هیچ زمان نمی‌تواند خودداری نماید، تکلیف نماز او چه می‌شود؟.

ج

– اگر مرتب بول قطره قطره، خارج می‌شود موقع نماز کیسه‌ای پر از پنبه را با خود بردارد و بدن را تطهیر کند و شلوار پاک به پوشد و هر نمازی را با یک وضو بخواند. و قطراتی که در بین نماز خارج می‌شود تا آخر نماز مستثنی است و ضرری به صحت نماز ندارد.

س

– این جانب عمل جراحی داشتم، و پهلوی چپ را کیسه و پلاستیک گذاشته‌اند، و مدفوع از پهلوی خارج می‌شود، در رساله‌ها هم، چنین چیزی نوشته نشده، یعنی مقعد را بسته‌اند، و بی‌اختیار توی کیسه پلاستیک، مدفوع می‌آید، و گاز معده هم همین طور، تکلیف این جانب چیست؟.

ج

– در فرض سؤال اگر مرتب گاز و مدفوع از معده وارد پلاستیک می‌شود احتیاطاً قبل از نماز آن چه در کیسه، جمع شده، از کیسه خارج نموده، و کیسه را آب کشیده و فوراً وضو بگیرید و نماز را بخوانید، و این عمل برای هر نماز لازم است. ولی اگر چیزی از آن خارج نشود، برای نماز بعدی تجدید وضو لازم نیست.

مسائل متفرقه نماز

س

– نماز غفیله را به جای نافله مغرب می‌شود خواند یا خیر؟.

ج

– بلی می‌شود.

س

– اگر مرجع تقلید یک بار تسبیحات اربعه را کافی بدانند می‌توان دو بار گفت؟.

ج

– تسبیحات اربعه را یک بار یا سه بار باید خواند و دو بار دلیلی ندارد.

س

- در نماز جماعت اگر بخواهد سه بار تسبیحات اربعه را بگوید بر کوع امام نمی‌رسد، می‌تواند دو بار بگوید؟.

ج

- می‌تواند یک بار بگوید تا رکوع امام را درک کند و احتیاط آنست که دو بار نگوید.

صفحه : ۱۹۰

س

- در تعقیب نماز که آیه الکرسی می‌خوانند، آیا روایت یا مدرکی هست که انگشتان بر دیدگان گذارد؟ یا بصورت عادی همانند سایر تعقیبات خوانده شود؟.

ج

- در کتاب جنّات الخلود تحت عنوان وجع العين از قول معصومین علیهم السّلام منقول است که دست را روی چشم گذاشته و آیه الکرسی را بقصد استشفاء بخواند.

س

- اگر کارکنان دولت، در ساعات اداری، کار را ترک و نماز واجب اقامه کنند، چنانچه ترک کار بدون اجازه مسئولیت ذی ربط باشد و یا این که در وقت اداری کاری هم وجود نداشته باشد و بعضی از کارکنان در حال بی‌کاری و انتظار پیدایش کار به سر ببرند، از نظر شرع مقدّس اقامه نماز در موارد فوق چه صورت دارد؟.

ج

- اگر در ساعت اداری، کاری نداشته باشند، نماز خواندن مانعی ندارد و چنانچه کار اداری داشته باشند و اقامه نماز مزاحم کار باشد بدون اجازه متصدیان، ترک کار جایز نیست. و الله العالم.

س

- آیه الکرسی که در نماز وحشت و نماز غدیر، قرائت آن وارد است تا کجا باید تلاوت گردد؟ تا و هو العلیّ العظیم یا تا هم فیها خالودن؟.

ج

- ظاهراً آیه الکرسی تا و هو العلیّ العظیم کافی است و الله العالم.

س

- شخصی نمازش را خوانده ولی به جهت عدم حضور قلب اگر بخواهد دو مرتبه بخواند رجاء و احتیاطاً چه صورت دارد؟ جائز است یا خیر؟.

ج

- جواز اعاده مشکل است، مگر این که بار دوم به جماعت باشد.

س

موقعی که نماز می‌خوانم غالباً در فکر و خیالات دیگر هستم و نمی‌توانم حواس خود را به طرف ایزد یکتا جلب نمایم لذا مرا راهنمایی فرمائید.

ج

- حضور قلب و توجه در حال نماز، مراتب دارد و حاصل نشدن آن به علت‌های متعددی است که باید شخص، بتدریج، آنها را بر طرف کند. و مخصوصاً توجه به عظمت و بزرگی خدا و این که همه، نیاز به خداوند دارند و همه نعمتها از او است، و این که بنده وقتی به کمال می‌رسد که در درگاه او، عرض نیاز و حاجت

صفحه : ۱۹۱

کند و سپاس و ستایش و حمد او را به جا آورد و در برابر او خضوع و تواضع و فروتنی و رکوع و سجده نماید، در حصول حال خضوع، مؤثر است، امید است که به تدریج حضور قلب زیاده‌تر شود و نماز شما مصداق (الصلاة معراج المؤمن) و (الصلاة قربان کل تقی) گردد.

س

- در حالات مختلف نماز از قیام و قنوت و رکوع و سجود نظر افکندن به چه جاهائی مأثور است؟.

ج

- مستحب است نماز گزار، در حال قیام، نظرش به موضع سجود و در حال رکوع به میان قدمها و در حال سجده به سر بینی و در حال تشهد و بین دو سجده، به دامن خود و در حال قنوت، به دو کف دستش باشد.

س

- شکسه و پنج بعد از رکوع یا قبل از سلام چه حکمی دارد؟.

ج

- نماز باطل است، و لکن اگر احتیاط کند و بنا را بر سه بگذارد و نماز را تمام کرده و بعد اعاده نماید خوب است بلکه ترک احتیاط، سزاوار نیست.

س

- راجع به نماز و عبادات کودک، اختلاف است. بعضی معتقدند که صحیح نیست، و گروهی هم صحیح دانسته‌اند. اتفاقاً بین خود ما، در این جهت، مباحثه‌ای شد قائل به صحت می‌گوید در صورتی که نماز کودک صحیح نباشد چطور حضرت ولی عصر علیه السلام بر پدر بزرگوارش نماز خواند؟ ما جواب دادیم که او حجّت است و تکلیفش غیر از دیگران است. ولی مستشکل قبول نکرد. از مقام مقدّس خواستارم که نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج

- بنظر این جانب، نماز و سایر عبادات طفل نابالغ که ممیز باشد صحیح است و بنا بر قول اشخاصی که صحیح نمی‌دانند عمل امام،

غیر از دیگران است و اگر شخص، امامت امام را در حال صبی بودن او تصدیق کند اشکال به اعمال او محل ندارد.

س

- تکبیرات ثلاثه بعد از سلام مطلق نمازها جائز است یا اختصاص به نماز یومیّه دارد؟.

ج

- بعضی روایات، ظاهر در استحباب گفتن آنها بعد از سلام هر نماز است و گفتن آن بقصد رجاء، خالی از اشکال است.

صفحه : ۱۹۲

س

- در این مسأله که آیا نمازهای مستحبی را در حال اختیار، می توان نشسته خواند یا نه؟ مرحوم سید در عروه تجویز کرده و فرموده: (التوافل المرتبة و غيرها يجوز اتيانها جالسا و لو في حال الاختيار) و از حضرت آیه الله، حاشیه‌ای در این مسأله دیده نشده، با این که دو روایت، در مورد نماز طواف مستحب ۱ نهی از نشسته خواندن آن می کند اکنون نظر مبارک را مرقوم دارید که آیا از جهت سند یا متن، خدشه‌ای دارد؟.

ج

- بلی از جهت سند در نزد مشهور، ضعیف و از جهت دلالت نیز مورد خدشه، واقع شده است.

س

- کسانی که در بیابان کار می کنند و دسترسی به آب ندارند مخرج بول که با چیزی جز آب، تطهیر نمی شود بنا بر این نماز آنان چگونه است؟.

ج

- اگر وقت، تنگ است که اگر بخواهد به جایی که آب است، برود و تطهیر کند و نماز بخواند، نماز قضا می شود با همان بدن نجس نماز بخواند و قضا هم ندارد اما اگر وقت وسعت دارد و می تواند برود و بدن را تطهیر کند واجب است برود و با طهارت نماز بخواند و اگر با وسعت وقت با بدن نجس نماز خواند نمازش باطل و باید بعد اعاده یا قضا نماید.

س

- در بعضی عبادات و اجزاء آنها در رساله دارد، رجاء به جای آورید، رجاء یعنی چه؟ به امید ثواب یا به امید قبول؟.

ج

- یعنی به احتمال مطلوبیت نزد شارع مقدس، عمل را انجام دهد.

س

- اگر کسی جاهل به مسأله‌ای بود و از اهل خبره سؤال کرد و اهل خبره به مسائل جاهل جواب داد و جاهل به مسأله، مدّتی عمل نمود، بعد روشن شد که اهل خبره جواب را اشتباه گفته، تکلیف این شخص جاهل به مسأله، چه می باشد؟ مثلاً مسأله‌ای در باره نماز یا غیر نماز گفته، آیا اعاده این نماز یا غیر آن لازم است یا خیر؟.

ج

- اگر در مواردی باشد که اخلاص به جزء یا شرط موجب بطلان عمل می‌شود، قضا یا اعاده دارد و باید عمل خود را اعاده یا قضا نماید و الله العالم.

س

- بعض اوقات، صبح انسان برای اداء فریضه بیدار نمی‌شود، با

صفحه: ۱۹۳

این که ساعت هم بالای سرش هست و زنگ می‌زند، آیا این هم برای انسان گناه شمرده می‌شود یا نه؟.

ج

- جدیت کنید نماز را در اوّل وقت بخوانید که فضیلت بزرگ، فوت نشود. إن شاء الله خداوند شما را تأیید فرماید. البتّه اگر انسان آن کوششی را که نوشته‌اید برای بیدار شدن کرد و مع ذلک بیدار نشد گناهی نکرده است.

س

- وقت تنگ بود، نماز با کفش به جا آوردم، قضا دارد یا نه؟.

ج

- در صورت اضطرار، نماز صحیح است و قضا ندارد.

س

- اگر جزئی از حیوان نجس العین را مانند روده سگ به روده انسان زنده وصل کنند جائز است یا خیر؟ و در صورت اتّصال برای نمازگزار چه حکمی دارد؟.

ج

- در مورد حفظ نفس، اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است.

س

- زنی جاهل به مسأله بوده و مدّت چند سال با غسل حیض و نفاس بدون وضو نماز خوانده، آیا نمازهای او باید قضا شود یا نه؟.

ج

- خصوص نمازهایی که بعد از غسل حیض و نفاس و قبل از وضو به جهت حدث اصغر خوانده قضا کند، لکن آن چه را بعد از وضو- برای حدث اصغر- خوانده یا بعد از غسل جنابت خوانده قضا ندارد.

س

- اگر از دهان کسی خون می‌آید و وقت هم به طوری تنگ است که اگر صبر کند تا خون بند بیاید نمازش قضا می‌شود، تکلیف این شخص چیست؟.

ج

- با همان حال نماز بخواند. و لکن با چیزی خون دهان را، در بین نماز، پاک نماید که به حلق نرود.

س

- آیا نماز دهه ذی الحِجَّه (مشمتمل بر آیه شریفه: و اعدنا موسی ..) مخصوص کسانی است که در موسم حج، مشرّف نیستند، یا اعم است و برای حجاج هم مشروع است که این دو رکعت نماز را بین نماز مغرب و عشاء بخوانند؟

ج

- در صورتی که بقصد رجاء بخوانند- نه ورود- مانعی ندارد.

صفحه : ۱۹۴

س

- اگر بعد از نماز صبح، شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت و یا شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، و هم چنین اگر بعد از نماز مغرب، شک کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، آیا نمازش صحیح است یا باطل؟

ج

- شک بعد از سلام، مورد اعتناء نیست و نماز او صحیح است.

صفحه : ۱۹۵

مسائل و احکام مسافر

نماز مسافر

س

- مسافر نماز خود را قصر خوانده به اطمینان این که مبلغ مذهبی که مسأله را از او پرسیده جوابش صحیح است، ولی بعدا معلوم می شود که جواب مسأله اشتباه بوده و نتیجتا نمازهای قصر، خلاف وظیفه بوده، آیا معذور است یا قضا کند؟

ج

- اگر وظیفه اش اتمام بوده و نماز را قصر خوانده باید در وقت اعاده و در خارج وقت تماما قضا نماید.

س

- زید در ماه شعبان سه مرتبه به چهار فرسخی سفر کرده و در ماه مبارک رمضان چند روزی سیار است، آیا می تواند نمازش را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، نماز او شکسته است و روزه هم نمی‌تواند بگیرد.

س

- در رابطه با این مسأله که اگر برای لهُو و خوشگذرانی به شکار رود، نمازش تمام و اگر برای تهیه معاش باشد نمازش شکسته است، آیا این حکم شامل کسانی که برای صید ماهی می‌روند نیز هست یا خیر؟

ج

- حکم سفر صید فرقی ندارد که به دریا باشد یا غیر دریا.

س

- زن مسافر در مقصد، با این که ایّام عادت اوست، می‌تواند قصد ده روزه کند و یا باید صبر نماید تا پاک شود، و در ابتدای ورودش به مقصد اگر مثلاً پنج روز عادت اوست این پنج روز جزء عشره، محسوب است یا نه؟

صفحه : ۱۹۶

ج

- مجرّد قصد ده روز، کافی است اگر چه در تمام آن، حائض باشد که بعداً اگر یک روز هم بماند باید نماز را تمام بخواند بشرط آن که قبل از خواندن نماز، از قصد اقامه ده روز، برگشته باشد.

س

- آیا نماز جمعه به جای یک نماز ظهر چهار رکعتی در موردی که قصد عشره کرده و آن را خوانده و بعد از قصد خود برگشته کفایت می‌کند یا نه؟

ج

- اقوی عدم کفایت نماز جمعه است، جهت اتمام نماز بعد از عدول از قصد اقامت.

س

- شخصی ساکن تهران است، باغی در کرج خریده و دو اطاق و لوازم زندگی هم دارد، روزهای جمعه در دوره سال، به آن باغ می‌رود و بعضی از جمعه‌ها شب هم در آنجا می‌ماند، نماز و روزه او چه صورت دارد؟

ج

- اگر در آنجا شغل و پیشه‌ای ندارد و فقط برای تفریح یا تغییر آب و هوا به آنجا می‌رود باید نمازش را شکسته بخواند و روزه‌اش را افطار کند.

هر گاه فاصله بین دو محل بقدر مسافت باشد و در اثر توسعه کمتر شود

س

- در زمان سابق، قریه‌ای با شهر چهار فرسخ، فاصله داشته که نماز را قصر و روزه را افطار می‌کرده‌اند، فعلا وسعت شهر زیاد شده و نسبت به قریه مذکور، نزدیک و این قریه از توابع متصله شهر شده است ولی باز هم بین قریه مذکور و شهر، زمینهای مزروعی، فاصله است مثلا شهر تبریز و قلعه ملیک یا ایستگاه تبریز باز بتمام معنی اتصالش بشهر واضح نشده است، تکلیف اهالی قریه‌هایی که سابقا فاصله آنها با شهر بقدر مسافت بوده و فعلا به این صورت در آمده است چیست؟.

ج

- اگر کسی یقین دارد که فاصله مزبور، سابقا بقدر مسافت بوده و فعلا در اثر وسعت شهر، مثلا شک دارد که فاصله، از مسافت شرعی، کمتر شده یا نه، بحکم مسافت عمل نماید تا وقتی که یقین کند که فاصله، کمتر از مسافت شرعی است که در این صورت نماز تمام است.

س

- در سالهای قبل فاصله دو شهر اصفهان و نجف آباد بیش از چهار فرسخ بوده که در صورت مسافرت به نجف آباد نماز را شکسته می‌خواندیم، در

صفحه : ۱۹۷

سالهای اخیر، دهات مجاور اصفهان به شهر وصل شده، آیا فاصله دو شهر را نسبت به زمان قدیم حساب کنیم یا با توجه به وصل شدن دهات مذکور و کمتر شدن فاصله، از چهار فرسخ، دیگر نمازها را در مسافرت به آن شهر بایست تمام خواند، هم چنین در مورد شهرهایی که حالت دو شهر فوق را پیدا نموده‌اند چگونه باید عمل کرد؟.

ج

- میزان فاصله فعلی است، بشرط آن که شهر از بلاد کبیره نباشد، و اگر از بلاد کبیره باشد در صورتی که از خارج محله تا مقصد چهار فرسخ یا بیشتر باشد لکن از آخر شهر تا مقصد کمتر از چهار فرسخ باشد احتیاطا نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانند.

عبور از حد ترخص

س

- کسی در بعضی از اوقات سال، در فاصله بیشتر از چهار فرسخ، با ماشین، بار حمل و نقل می‌کند، در این مقدار فاصله یک جا عبورش از میان زمینهای مزروعی خودش که خارج از حد ترخص ده است، می‌افتد و در جای دیگر از ما دون حد ترخص ده عبور می‌کند، آیا عبور از زمینهای مزروعی و عبور از ما دون حد ترخص، هر دو موجب قطع سفر می‌شود و یا یکی از این دو و یا هیچ کدام؟.

ج

- عبور از ملک مزروعی خود که خارج از حد ترخص است موجب قطع سفر نمی‌شود، و اما عبور از ما دون حد ترخص وطن، موجب قطع سفر است. بنا بر این در صورت دوم که عبور از ما دون حد ترخص باشد اگر از همان جا که سفر، قطع شده تا مقصد، بقدر مسافت باشد، و لو تلفیقا، نماز، قصر است و الا قصر نیست.

س

- شخصی ساکن شمیران اما مغازه و محل کسبش در تهران است، این شخص اگر خواست به قم برود، به تهران که رسید نمازش قصر است یا تمام؟.

ج

- در صورتی که تهران وطن او نباشد و شمیران را برای خود، وطن قرار داده باید حد ترخص را از شمیران ملاحظه نماید.

صفحه : ۱۹۸

قصد اقامه در دو محل

س

- شخصی در ماه رمضان یا محرم می‌خواهد برای تبلیغ در دو قریه نزدیک که صدای اذان از هر یک از آن دو قریه به قریه دیگر می‌رسد بماند، آیا قصد اقامه در این قریه جائز است یا نه؟ و اگر بنظر مبارک، جائز نیست مرقوم فرمائید که وظیفه او چیست؟.

ج

- چنانچه آن دو قریه، بنظر عرف، یک محل، حساب شود، قصد اقامه صحیح است، و اگر یکی، محسوب نشود چنانچه در یکی از آن دو قریه قصد اقامت نموده باشد و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی او را به قریه دیگر دعوت کنند نماز و روزه‌اش در قریه دیگر نیز و در ایاب و ذهاب، تا وقتی که انشاء سفر جدید نکرده تمام و صحیح است.

س

- آیا معیار برای دو شهر شدن، یا دو قریه شدن، رودخانه‌ای که از وسط شهر می‌گذرد می‌تواند باشد، مثلا رودخانه شهر قم، این شهر را دو شهر بحساب می‌تواند بیاورد یا خیر بلکه معیار چیزهای دیگری است؟ و نیز بیان فرمائید قریه‌هایی که در جوار هم با فاصله‌های سیصد متری یا کمتر و بیشتر واقع شده‌اند یک قریه محسوب می‌شوند یا متعدّد؟.

ج

- رودخانه بین یک شهر مانند شهر قم موجب تعدّد شهر نیست و در مثل دو روستا اگر در عرف، دو محل است باید احکام دو محل مرتّب شود و اگر یک محل باشد و یک روستا و دارای محله‌های متعدّد و متفرّق باشد، احکام یک روستا بر آن مرتّب است.

اگر کسی که قصد اقامه کرده انشاء سفر جدید کند

س

- کسی که قصد اقامه ده روز در جائی کرده و نماز خود را تماما انجام بدهد، بعد از چند روز، به جائی که کمتر از چهار فرسخ است رفته و یک شب مانده و بعد برگشته، حال آیا مجدداً باید قصد اقامه بکند یا نه؟ و اگر از روی جهل به مسأله قصد نکرد نماز و روزه او چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض مذکور اگر قصد برگشت به وطن ندارد تا در محل اقامه است

صفحه : ۱۹۹

باید نمازش را تمام بخواند، و اگر قصد مراجعت به وطن، قبل از ده روز داشته است در برگشت از محلی که رفته و در محل اقامه تا وطن، باید نماز را شکسته بخواند و در صورتی که از جهت جهل به مسأله، تمام خوانده باشد و بعد از وقت، ملتفت شود قضا ندارد. س

- هر گاه مسافر، پس از قصد اقامه و خواندن یک نماز چهار رکعتی به محل دیگری که فاصله‌اش تا محل اقامه، کمتر از چهار فرسخ است رفت و آمد کند، و در دفعه آخر- به منظور این که در محل اقامه اگر چه کمتر از ده روز هم بماند نمازش تمام باشد- تصمیم جدی گرفت که یک مرتبه دیگر به آنجا برود در صورتی که هیچ کاری در آنجا ندارد آیا همین اندازه، کافی است یا نه؟ و نیز اگر با این تصمیم، حرکت نمود و وقتی به محل اقامه رسید از رفتن به آن محل پشیمان شد یا این که مانعی رسید در این چند روز نمازش در محل اقامه، قصر است یا تمام؟.

ج

- در فرض مسأله، همان تصمیم جدی به این که یک مرتبه دیگر به آن محل برود برای تمام خواندن نماز کافی است، و در صورت پشیمان شدن از رفتن به آن محل، یا وجود مانع هم نماز را تمام بخواند چون میزان در قصر نماز، انشاء سفر جدید است و در فرض مذکور، این شخص، انشاء سفر جدید نکرده تا نمازش در محل اقامه، شکسته باشد. س

- هر گاه مسافر پس از اقامه ده روز و خواندن یک نماز چهار رکعتی، به محل دیگری که فاصله‌اش تا محل اقامه، کمتر از حد ترخص است رفت و آمد کند، در دفعه آخر که دیگر به آنجا برنمی‌گردد و در محل اقامه هم قصد ماندن ده روز را ندارد نمازش در محل اقامه، قصر است یا تمام؟.

ج

- در فرض مسأله، نماز او تمام است و اگر چه از همان محلی که برای آخرین بار، به آنجا رفته مسافر، حساب می‌شود، لکن چون مسافر باید پس از گذشتن از حد ترخص نماز را شکسته بخواند و در فرض مذکور، این شخص وقتی به محل اقامه می‌رسد هنوز بحد ترخص نرسیده وظیفه‌اش تمام است و باید هر وقت از حد ترخص گذشت قصر نماید و مبدأ مسافرت را از محلی که پس از تحقق اقامه به آنجا می‌رفته حساب کند.

صفحه : ۲۰۰

س

- هر گاه مسافر در محلی قصد اقامه کرده و با خواندن یک نماز چهار رکعتی یا توقف ده روز اقامه محقق شده به محلی که فاصله‌اش تا محل اقامه کمتر از مسافت شرعی است برود، می‌فرماید مانعی ندارد و نمازش تمام است، اگر چه هر روز برود و

برگردد مگر در دفعه آخر که چون دیگر به آن محل نمی‌رود، در صورتی که بنا نداشته باشد در محل اقامه ده روز بماند از همان محل مسافر است و چنانچه فاصله‌اش تا محل اقامه بیش از حد ترخص باشد باید نماز را در محل اقامه قصر بخواند، بفرماید در همین فرض اگر شخص مذکور بنا داشته باشد پس از برگشتن به محل اقامه، به محل دیگری که مثلاً فاصله‌اش تا محل اقامه دو فرسخ است برود و برگردد به محل اقامه و بعد، از محل اقامه به وطن برود، نمازش پس از برگشت از محلی که هر روز به آنجا می‌رفت و قبل از رفتن به محل دوم چگونه است؟.

ج

- در فرض مذکور نمازش تمام است.

حکم کسی که در اول وقت مسافر و در آخر وقت حاضر و یا بعکس بوده و نمازش فوت شده

س

- مسافرتی به بندر عباس نمودم، در بازگشت نماز ظهر و عصر را در راه نخواندم، به شهر خود هم که رسیدم هنوز وقت باقی بود، ولی فراموش کردم. شب یادم آمد که نماز ظهر و عصر را نخوانده‌ام، حال که باید قضا کنم آیا شکسته بخوانم یا تمام؟.

ج

- در فرض سؤال که وقت ظهر و عصر باقی بوده و به وطن رسیده‌اید نماز ظهر و عصر را تماماً قضا نمایید.

س

- شخصی نماز ظهر و عصر را در اول وقت نخواند و مسامحه کرد و بعد مسافرت نمود و در سفر هم نمازش قضا شد بعد از مراجعت بخواند نماز ظهر و عصرش را قضا نماید، آیا تمام بخواند یا قصر؟.

ج

- ملاحظه آخر وقت را بنماید، اگر در آخر وقت که نماز فوت شده مسافر بوده قضا را قصر بخواند و اگر حاضر بوده تمام بخواند.

صفحه : ۲۰۱

نماز و روزه کسی که شغلش در سفر است

س

- کسی که راننده نیست ولی صاحب کمپرسی و ماشین است و به کمک راننده با او بسفر در مسافت شرعی می‌رود و به انجام کار می‌پردازد آیا نمازش تمام و روزه را باید بگیرد یا خیر؟ و لطفاً حکم آن را در فرضی که همیشه با راننده نمی‌رود بلکه گاه گاه می‌رود نیز بیان فرمائید.

ج

- اگر صدق کند که شغل او در سفر است یا سفر شغل اوست، نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است مشروط به این که ده روز در منزل نماند و در جایی هم بقصد توقّف ده روز نماند، و در سفرهایی که اتفاقاً برای کارهای شخصی خود می‌رود اگر بقدر مسافت شرعی باشد نمازش قصر و روزه صحیح نیست.

س

- من یک نفر نظامی هستم و در خانه‌های سازمانی ارتش زندگی می‌کنم که فاصله‌اش تا پادگان که محل کار من است ده کیلومتر است، و هر روز صبح با سرویس به این پادگان می‌آیم و مراجعت می‌نمایم و تا کنون که مدت ۳ سال است در این حال زندگی می‌کنم قصد ده روز در خانه‌ام ننموده‌ام، اگر مرخصی گرفته‌ام به شهرستان خودم رفته و در این محل طوری نمانده‌ام که ده روز از خانه خارج نشوم، تکلیف نماز و روزه‌ام چیست؟.

ج

- در فرض سؤال، بنظر این جانب در مدّت مأموریت خدمت و محل سکونت و در بین راه نماز تمام و روزه صحیح است.

س

- مقلّدين آن جناب که بین محل کار و محل سکونت آنها بیش از مسافت شرعیّه و دائماً در حال تردّد بین آن دو هستند، نمازشان تمام و روزه می‌گیرند، اکنون سؤالی که پیش آمده این است که شرکت، به آنها دستور داده جهت اخذ حقوق ماهیانه (بر خلاف سابق که حقوق را به نزد آنان می‌آوردند) به مرکز استان روند، آیا در این سفر هم روزه بگیرند؟ چون به دلخواه نمی‌روند، و مأموریت است و یا سفر شخصی محسوب شده افطار نمایند؟.

ج

- در فرض سؤال که برای دریافت حقوق خود سفر می‌کنند، جزء سفر شغل آنها محسوب می‌شود و نمازشان تمام و روزه صحیح است.

صفحه : ۲۰۲

س

- این جانب کارگر برق اروند کنار که هشت فرسخی آبادان می‌باشد هستم، و ساکن در آن بودم و زادگاهم می‌باشد، ولی بر اثر جنگ تحمیلی حدود ۲ سال است که در اهواز سکونت دارم و فعلاً ۱۵ روز کار و ۱۵ روز استراحت دارم. در ۱۵ روز استراحت دو بار مسافرت می‌روم و ما تابع مقرّرات اداره می‌باشیم. و در ۱۵ روز کار یا در آبادان و یا شایگان، و یا اروند کنار که حدوداً فاصله هر کدام، ۴۰ یا ۵۰ کیلومتر می‌باشد، مشغول کار هستیم، تکلیف من نسبت به نماز و روزه چیست؟.

ج

- در فرض سؤال که در مدّت پانزده روز استراحت هم مسافرت می‌نمایید که ده روز در یک محل نمی‌مانید، چه در روزهای کار و چه در روزهای استراحت، نماز شما تمام و روزه صحیح است. و اگر در روزهای استراحت، در یک محل می‌مانید، نماز شما در ایّام استراحت، تمام است و در پانزده روز کار که نوشته‌اید در یک محل نمی‌مانید قصر است و روزه صحیح نیست.

س

- شخصی که در طول جنگ چهار ساله افغانستان، بخاطر این که در این مبارزه سهم داشته باشد، دائما در سفر بوده، (گاهی در افغانستان و گاهی در ایران و پاکستان)، ولی قصد مسافرت دائم را نداشته، و قهرا چنین وضعی بوجود آمده، در آینده هم امکان دارد این وضع ادامه پیدا کند، آیا روزه و نماز شخص مذکور تمام است یا نه؟ اگر تمام است، در ماه رمضان چنانچه مسافرت از ایران به پاکستان نماید چه تکلیفی دارد؟.

ج

- اگر هر یک از سفرهای مذکور قهرا پیش آمده و شغلی نداشته که لازمه‌اش این اسفار باشد، نماز قصر است و روزه صحیح نیست.

س

- بعضی از کارگران شرکت نفت را گاهی برای مدّت نامعلومی همه روزه به مسافت شرعی می‌برند و بعد از ظهر بر می‌گردانند و چه بسا ممکن است این کار چند هفته یا چند ماه طول بکشد و ممکن است رئیس آنها هم از مقدار امتداد این سفر، مطلع نباشد، در این صورت، تکلیف نماز و روزه آنان چیست؟ و اگر بعدا معلوم شود که تا چند روز دیگر، مسافرت طول می‌کشد، آیا حکم

صفحه: ۲۰۳

کثیر السّفر را پیدا می‌کند یا نه؟.

ج

- در صورتی که مدّت مسافرت، نامعلوم باشد، این شخص، مسافر است، مگر آن که به قدری امتداد پیدا کند که صدق کند شغل این شخص در سفر است که در این صورت باید نماز را تمام بخواند و روزه را هم بگیرد.

س

- بعضی از کارگران شرکت نفت در دوره سال، چند ماه باید در مسافرت باشند، مثلا برای توزیع یخ، در تابستان، همه روزه باید مسافرت شرعی را بروند و برگردند اکنون تکلیف نماز و روزه آنان چیست؟.

ج

- در این مدّت که شغل آنان تقسیم یخ، در سفر است، نماز ایشان تمام و روزه آنان صحیح است، فقط در سفر اوّل، شکسته بخوانند.

س

- شخصی که کارش در تمام سال بردن جنس به تهران و آوردن جنس از آنجا و بردن به جاهای دیگر است، آیا چنین شخصی تحت عنوان آنان که شغلشان سفر است داخل می‌باشد- چون شغل او تجارت و ملازم با مسافرت است - یا نه؟.

ج

- شخص مذکور، چنانچه ده روز متوالی در منزل نمی‌ماند نماز او در سفر، تمام و روزه او صحیح و عین مصادق (التاجر یدور فی تجارته)، می‌باشد.

س

- طلبه‌ای همه هفته، شبهای جمعه، برای تبلیغ به دهی می‌رود که فاصله آن از یک راه، یک فرسخ و نیم و از راه دیگر هفت فرسخ است که روی هم رفته چهارده فرسخ می‌شود، ضمناً مقداری زمین و ملک نیز در آن ده دارد. آیا حکم مسافر بر او مترتب می‌شود یا نه؟.

ج

- اگر همه هفته برای تبلیغ به آن ده می‌رود بنظر این جانب، اگر چه از راهی که مسافت آن هفت فرسخ است برود وظیفه‌اش اتمام نماز و گرفتن روزه است و در این صورت اگر اتفاقاً ده روز، در وطن، بی قصد یا با قصد و یا در خارج از وطن، با قصد، توقف کرد در سفر اول باید نمازش را شکسته بخواند و روزه‌اش را افطار کند و داشتن یا نداشتن زمین و ملک بنظر حقیر، دخالت در این مسأله، ندارد.

س

- اگر دائم السفر، بیش از ده روز، در منزل بماند و سپس به

صفحه : ۲۰۴

مسافرت رود و در اثناء سفر، بین دو محل که مسافت شرعی است بیش از دو بار تردد نماید، آیا بار سوم، نماز را باید تمام بخواند یا تمام خواندن نماز، مشروط به این است که مراجعت به منزل، و سفر دوم را از منزل، شروع نماید. توضیح این که اهل قصبه (اطراف آبادان) اکثراً دائم السفرند و گاهی که دوام سفر آنان در اثر ده روز ماندن در منزل، قطع می‌گردد به دریا جهت صید ماهی مسافرت می‌نمایند و از دریا ماهی را به کویت که با دریا بیش از چهار فرسخ فاصله دارد، برای فروش می‌برند و از کویت مجدداً به دریا بر می‌گردند و پس از صید ماهی مجدداً به کویت، برای فروش ماهی مراجعت می‌نمایند و هکذا تا ۵ یا ۶ بار، حال آیا نماز در کویت و دریا محکوم به قصر است یا تمام؟.

ج

- مراجعت به منزل، شرط نیست و در مفروض سؤال، دفعه دوم که به کویت می‌روند سفر دوم، محسوب و نماز، تمام است.

س

- ماهی گیران قصبه که در دریا صید ماهی می‌کنند، گاهی برای خرید لوازم کشتی و گاهی برای تهیه اوراق مربوطه و زمانی برای خرید لوازم زندگی خود و احیاناً به جهت مراجعه به طبیب از هشت فرسخی و نه فرسخی و دوازده فرسخی به آبادان می‌آیند و هیچ‌گاه آمدنشان به آبادان جنبه تفریحی ندارد و اکثر اینها مقلد مرحوم آیه الله حکیم قدس سره بودند که مطلق سفر - مگر سفر حج و زیارت - را جزء کسب می‌دانستند، اکنون رجوع به حضرت آیه الله نموده‌اند در این صورت، نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج

- اگر مرحوم آیه الله حکیم قدس سره فتوی داده باشند که مطلق مسافرت کسی که شغلش سفر است یا شغلش در سفر است حکم سفر در شغل یا سفری را که شغل است دارد. کسی که این مسأله را از ایشان در زمان حیاتشان اخذ کرده و عمل نموده فعلاً هم می‌تواند به تقلید ایشان باقی بماند، ولی نظر حقیر این است که سفر چنین شخصی در صورتی حکم کثیر السفر را دارد که یا حین

سفر، در شغل یا سفری که شغل است باشد، یا از توابع و لوازم آن شمرده شود. اما سفر برای خرید آذوقه و اجناس و لباس برای خود و اهل و عیال، یا مراجعه به طبیب، از این مسأله خارج است.

صفحه : ۲۰۵

س

- کسی برای تدریس و یا کار دیگری به محلی رفت و آمد می‌کند، در نتیجه شغل او در سفر است، آیا این شخص، مانند کسی است که سفر، شغل او باشد و یا چون شغل او در سفر است نه این که سفر شغل او باشد نمازش تمام و روزه را باید بگیرد؟.

ج

- بلی تکلیف او اتمام نماز و گرفتن روزه است و در این هم که شغل در سفر باشد فرق نمی‌کند که در یک مکان خاص در موقع مسافرت، به کسبی مشغول باشد یا در اثناء سیر، کسب کند.

س

- عده‌ای از محصلین از بلاد مختلفه مانند بندر عباس و غیره و بعضی از کرمان در دانشسرای کشاورزی واقع در دو فرسخی کرمان برای مدت دو سال، مشغول تحصیل و تابستانها را به وطن خود می‌روند، و سالی نه ماه، در دانشسرا شب و روز زندگی می‌کنند و هر هفته یک روز به کرمان می‌آیند و ممکن است اساسا از ابتدای امر هم پنج روز پشت سر هم در محل دانشسرا سکونت نمایند، تکلیفشان در دانشسرا از جهت قصر و اتمام، چیست؟.

ج

- در فرض سؤال، اهل کرمان، نمازشان تمام و روزه ایشان صحیح است و اشخاصی که از منزلشان تا دانشسرا بقدر مسافت بوده، اگر یک مرتبه قصد اقامه ده روز کرده باشند و یک نماز چهار رکعتی به جا آورده باشند دیگر هر چه مسافرت به کرمان بنمایند و برگردند نماز آنها تمام و روزه آنها صحیح است و هم چنین اگر هیچ گاه قصد اقامه ده روزه نکنند، چون حکم دائم السیفر را دارند.

س

- مسافری که بعنوان کارگری در محلی قصد می‌کند که مدتی بماند اما همه روز صبح باید به سر کار خود که در یک فرسخی محل قصدش واقع است برود و شب برگردد آیا اشکالی در قصدش نمی‌شود؟ و تکلیفش راجع به فرایض، چیست؟.

ج

- در فرض مسأله، قصد اقامه، محقق نشده لکن چنانچه بنای ادامه مدت معتد به را دارد پس از دو سه روز نماز او تمام و روزه‌اش صحیح است.

س

- جمعی از مقلدین و ارادتمندان حضرت عالی، از اطراف ایران، به دهات اطراف کرمان آمده‌اند و در ذوب آهن، کار می‌کنند و برای سکونت خود

صفحه : ۲۰۶

خانه‌هایی اجاره کرده‌اند که تا محل کارشان بعضی چهار فرسخ و بعضی شش فرسخ، فاصله است اینها صبح می‌روند و شب برمی‌گردند، و مدت چند سال است که نماز خود را تمام می‌خوانند و روزه رمضان را هم بدون قصد اقامه می‌گیرند و در سالی چند مرتبه به شهرهای خود می‌روند ولی در این رفت و آمد به شهرهای خود به دستور مسافر، عمل می‌کنند اکنون نماز و روزه آنان چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض مرقوم، به نحوی که عمل می‌کرده‌اند تکلیفشان، اتمام نماز و گرفتن روزه است. و در رفت و آمد به شهر خودشان که اتفاقاً می‌روند و سفر در شغل و جهت شغل نیست حکم مسافر را دارند که نمازشان قصر و روزه را باید افطار کنند و اگر با قصد، ده روز، در محلی که خانه را اجاره کرده‌اند یا در محل شغل بمانند تا در آن محل هستند نماز را تمام بخوانند و در سفر اول، باید نماز را شکسته بخوانند و روزه را افطار کنند.

س

- شخصی ساکن در شهر ری و اکثر هفته‌ها به ورامین که چهار فرسخی است مسافرت می‌نماید و روز بعد مراجعت می‌کند موضوع قصر و اتمام نماز او را بیان فرمائید.

ج

- اگر شغل خود را باین نحو قرار داده که هر هفته یک مرتبه تا چهار فرسخی، مسافرت کند و فردای آن روز مراجعت نماید، نماز و روزه او تمام و صحیح است.

س

- عده‌ای هستند اجیرند مدت یک ماه است روزی بیست فرسخ راه را تقریباً، جهت کاری مسافرت می‌کنند، آیا این عده، محکوم بحکم دائم السفر می‌شوند یا نه؟.

ج

- اگر تصمیم دارند مدت قابل اعتنائی کار خود را در سفر، انجام دهند حکم دائم السفر را دارند. نماز تمام و روزه آنان صحیح است و اگر فقط چهل یا پنجاه روز مثلاً شغل خود را باین ترتیب قرار داده‌اند مسافر هستند و نمازشان، قصر است روزه را نیز باید افطار نمایند.

س

- دائم السفر، در وطن خود، بر اثر مسدود شدن راه، ده روز یا زیاده‌تر ماند و در بین این ده روز مسافرتی به مسافت سه فرسخ و نیم رفت و برگشت

صفحه : ۲۰۷

که مجموع، هفت فرسخ باشد، آیا برای سفر بعد، مسافر است که نماز او قصر شود یا خیر؟.

ج

- در فرض مسأله که ده روز در منزل نمانده سفر اول نیز تمام است.

س

- اشخاصی که مقیم کویت هستند و معلوم نیست تا چند سال در کویت می‌مانند، هر روز از محل اقامتشان تا سر چهار فرسخ یا بیشتر برای کار کردن می‌روند و برمی‌گردند یا لا اقل در هر ماهی چند مرتبه تا سر چهار فرسخ آنها را می‌برند، تکلیف آنان راجع به نماز و روزه چیست؟ و فرقی بین بومیها و مهاجرین مقیمین هست یا نه؟.

ج

- اشخاص مذکور، اگر در کویت، قصد توطن نکرده‌اند و عازمند که پس از مدتی به وطن خود باز گردند مسافر هستند و مادامی که قصد ده روز نکرده‌اند یا سی روز مرددا نمانده‌اند نماز آنان قصر است و روزه را باید افطار کنند، بلی اگر سفر طولانی شود که دائم السّفر باشند، نمازشان تمام و روزه آنان صحیح است و هم چنین اگر در مدت معتنی بهی همه روزه هشت فرسخ بروند و یا چهار فرسخ بروند و چهار فرسخ برگردند حکم دائم السّفر را دارند و هر گاه ده روز در یک جا قصد نمایند در سفر اول، نماز، قصر و در سفرهای بعد تمام است و اگر ده روز بی قصد بمانند در سفر اول احتیاطا جمع و در سفرهای بعد، تمام بخوانند.

س

- این حقیر با استفتاء از آن حضرت به علت معامله و رانندگی هر دو، که شغل اصلی‌ام معامله بوده، دائم السّفر بوده و نماز خود را تمام می‌خواندم و روزه را می‌گرفتم، اخیرا گر چه مسافرتها باقی است ولی در رابطه با معامله کمتر است. یعنی سابق، هر دو روز یک بار با رانندگی خودم، جهت انجام معامله، حتما مسافرت می‌کردم ولی الآن با این که ۹ روز در محلی نمی‌مانم ولی همه سفرها برای معامله نیست، مثلا- در طول ماه اگر ۱۰ مسافرت داشته باشم ۳ الی ۴ بار آن در رابطه با معاملات است، و بقیه سفرها برای کارهای ضروری دیگری غیر از امرار معاش انجام می‌گیرد، استدعا دارد وظیفه این جانب را بیان فرمائید؟.

ج

- در صورتی که کارهای ضروری شما هم مربوط به زندگی و امرار معاشتان باشد و در سفر باید انجام شود باز هم حکم دائم السّفر دارید که نمازتان

صفحه : ۲۰۸

تمام است و روزه را باید بگیرید، ولی اگر مسافرت، برای زیارت یا دیدن یا عیادت مریض و امثال اینها از اموری که مربوط به امرار معاش نیست، باشد حکم مسافر را دارید.

س

- این جانب معلّم می‌باشم و در تابستان و مواقع تعطیل، با اتومبیل به کار مسافری یا باربری از شهر محل سکونت به خارج شهر می‌روم، نماز این جانب در بیرون از شهر چگونه است؟ ضمنا محل کارم هنگام تدریس در روستایی است که در ۳۰ کیلومتری محلّم واقع شده و هر روز صبح از آنجا به محل کارم می‌روم و شبها برمی‌گردم، تکلیف نماز این جانب چگونه است؟.

ج

- اگر در تمام دوازده ماه، سه ماه بنحو مذکور، مسافربری یا باربری می‌کنید و سفر شما بمقدار مسافت شرعی است و نه ماه برای شغل خود که معلمی است، بنحو مذکور در سؤال رفت و آمد می‌کنید، در تمام سال، باید نماز را تمام خوانده و روزه را بگیرید.

س

- بعضی از پرسنل نظامی، محل سکونتشان پایگاه نوژه همدان است و در محله‌ای زندگی می‌کنند که آنجا وطن آنها نیست و محل کارشان در جایی قرار گرفته که از درب پایگاه تا محل کار (سایت) ۲۱ کیلومتر است، پرسنل فوق الذکر از پایگاه تا محل کارشان هر روز یا هفته‌ای چند روز رفت و آمد می‌نمایند نماز و روزه آنها چگونه است؟ توضیح این که پرسنل مذکور حدّ اقل سه سال است که وضعش چنین است.

ج

- در فرض مذکور اگر در محل زندگی که وطن پرسنل نیست قصد اقامت ده روزه کرده باشند و با این قصد یک نماز چهار رکعتی تماماً خوانده باشند بعد از این، نماز در هر دو محل و بین دو محل تمام و روزه صحیح است، مادامی که مجدداً به مسافت شرعی مسافرت نکرده باشند و اما اگر یک نماز چهار رکعتی تماماً با قصد اقامت به جا نیاورده باشند تا سفر طول نکشیده نماز قصر است و روزه صحیح نیست و بعد از صدق طول سفر نماز تمام و روزه صحیح است.

س

- این جانب فردی هستم دانشجو که از شهرستان اراک جهت تحصیل به تهران آمده‌ام و نظر به این که محل تحصیل با منزلی که در آن سکونت دارم

صفحه : ۲۰۹

(اجاره کرده‌ام) در حدود ۲۰ الی ۲۴ کیلومتر فاصله دارد و هر روز این مسیر را طی می‌کنم و هم چنین قصد توطن هم در تهران نکرده‌ام نماز و روزه‌ام چگونه است؟.

ج

- در فرض سؤال اگر در بین ایامی که در تهران اشتغال به تحصیل دارید ده روز را در یک محل نمی‌مانید و در بین نه ماهی که اشتغال دارید گاهی به اراک مراجعه می‌کنید در اراک هم ده روز مستمراً نمی‌مانید، نماز شما تمام است و روزه را باید بگیرید.

س

- این جانب متولد و ساکن اصفهان هستم و مدت دو سال است که به محل کارم در شهر کرد که واقع در یک صد کیلومتری اصفهان است همه روزه رفت و آمد می‌نمایم و در مدت گذشته نمازها را در آنجا شکسته به جای آوردم و در مورد روزه نیز به حکم مسافر عمل می‌نمودم. ولی امسال در ایام ماه مبارک رمضان، از استفتائی که از حضرت عالی شده بود با خبر شدم که می‌بایست در آنجا نماز را تمام بخوانم و روزه بگیرم. تکلیف در مورد نمازها و روزه‌های مدت دو سال گذشته چیست؟.

ج

- در فرض سؤال نمازهایی را که شکسته خوانده‌اید و روزه‌هایی را که افطار نموده‌اید باید قضا کنید.

س

- لو سكن المهاجر من وطنه من جهة الحرب في محلّ يبعد من البلد مسافة شرعية و كان مضطراً للوصول إلى البلد لشراء لوازمه الضرورية رية أو لمعالجة مريضه في كل اسبوع مرة أو أكثر فما حكم صلاته و صيامه في محلّ سكناه؟.

ج

- فی فرض السؤال، لو طالت المدّة بمقدار معتنى به مثل اربعة او خمسة اشهر مثلاً و الحال هذه فصلاته تامّة و يجب عليه الصّيام.

س

- دائم السّفرى بعد از ماندن ده روز در وطن، در سفر اولّ جنسى از وطن به كرج كه فاصله بيش از هشت فرسخ است مى‌برد، و چون جنس در آنجا بفروش نمى‌رود آن را به طهران مى‌برد، آیا به طهران بردن سفر دوّم است يا خير؟.

ج

- سفر اولّ، از وطن به مقصد است و از آنجا به مقصد ديگر، سفر دوّم محسوب است و بايد نماز را تمام بخواند.

س

- بنده شغلم پرورش زنبور عسل مى‌باشد و در سال مدّت هشت ماه

صفحه : ۲۱۰

سيار هستم، و زنبورها را اين طرف و آن طرف مى‌برم، گر چه زنبورها مدّت اقامتشان از مدّت ده روز زيادتر است ولى خود من نه در خانه ده روز مى‌مانم و نه در سر كار، مرتب در رفت و آمد هستم و در بين رفت و آمدها سفرهاى اتّفاقي هم برايم روى مى‌دهد، و چهار ماه زمستان هم كه در منزل هستم در بين ده روزى كه مى‌خواهم در خانه بمانم، يك مسافرت مصلحتى مى‌نمايم تكليف روزه و نماز بنده چگونه است؟.

ج

- در فرض سؤال نماز شما در هشت ماهى كه در سفر هستيد تمام است و روزه را هم بايد بگيريد، ولى در چهار ماهى كه در منزل هستيد گر چه در بين ده روز سفر مصلحتى هم بكنيد حكم دائم السّفر را نداريد يعنى در صورت مسافرت نماز شكسته است و روزه هم صحيح نيست.

س

- آیا مرحوم سيد قدس سزه در عروة الوثقى شخصى را كه شغلش در سفر است و يا شغل او سفر است دو عنوان قرار داده، و اگر عنوانى در عروه دارد؟
مرقوم فرمائيد كه كجای آن است؟.

ج

- كسى كه سفر شغل او است در ذيل هفتمين شرط قصر و كسى را كه شغلش در سفر است در مسأله ۵۴ (التاجر الذی يدور ..) ذكر فرموده و خلاصه هر دو نوع سفر، شغل است لكن يك جا سفر تابع شغل است مثل تاجر كه براى تجارت، سفر كند و يك جا سفر بالاستقلال شغل است مثل قاصد و سائق و ملاح.

س

- شخصی در قم محصل علوم دینی است و تصمیم دارد که تا اسباب تحصیل، فراهم است در قم بماند و قصد ندارد که در غیر قم حتی در قریه خودش بعنوان اقامت همیشگی بماند ولی از وطن خود هم اعراض نکرده و چند سال است در قم، ساکن و منزل هم از خودش دارد و هر هفته جهت سرپرستی هیئت و جلسه قرائت، جمعه را به تهران، مسافرت می‌کند و در اثناء این مدت، مسافرتی هم به وطن خود و به جای دیگر نموده و مراجعت می‌کند و در سال، ایام ماه مبارک رمضان و محرم و صفر، جهت تبلیغ، مسافرت می‌کند در این صورت، نمازش در قم و تهران چگونه است و در مراجعت از غیر تهران در موقع تبلیغ، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟.

صفحه : ۲۱۱

ج

- با فرض آن که قصد دارد همیشه در قم باشد و از وطن هم اعراض نکرده، در قم و وطن اصلی، نمازش تمام است و در مواقعی که همه هفته به تهران می‌رود از سفر دوم، نماز را تمام بخواند و اگر در بین، ده روز، در وطن، توقف کند، سفر اول، شکسته و سفر دوم، تمام است و در غیر وطن نیز چنانچه با قصد، ده روز، توقف نماید در سفر اول، شکسته و در سفر دوم، تمام است و اگر توقف ده روز، در غیر وطن بدون قصد باشد بنا بر احتیاط واجب، در سفر اول، جمع بین قصر و اتمام کند و در مورد مراجعت از غیر تهران، چنانچه سفر تبلیغی باشد و در محل تبلیغ کمتر از ده روز مانده باشد نماز تمام است و اگر سفر برای غیر تبلیغ باشد قصر است.

س

- شخصی است که حدود ۸ سال است که در کارخانه ایران خودرو طهران مشغول کار است، و منزلش در تهران در خزانه بخارایی است، آیا حکم مسافر دارد و نمازش قصر می‌باشد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر محل کار خارج تهران باشد و از منزل تا محل کار به اندازه مسافت شرعی باشد و هر هفته از منزل به محل کار رفت و آمد کند نماز را باید تمام بخواند و روزه را باید بگیرد.

س

- رانندگان تاکسی معمولاً در شهر و اطراف شهر، کار می‌کنند و نوع روزها بیشتر از سه فرسخ از شهر دور نمی‌شوند، ولی ممکن است در بعضی وقتها مثلاً ماهی دو سه مرتبه هشت فرسخ یا زیاده‌تر، هم بروند، خلاصه سفرهای شرعی آنان نسبت به سفرهای کمتر از مسافت، نادر است، بنا بر این رانندگان مذکور حکم کثیر السفر را دارند یا نه؟.

ج

- رانندگان مذکور که شغلشان رانندگی در کمتر از مسافرتی است که شرعاً موجب قصر می‌شود، حکم کثیر السفر را ندارند مگر آن که به نحوی مسافرت کنند که صدق بکند که رانندگی در مسافرت شرعی و لو ملقاً، شغل آنها است.

س

- شخصی راننده ماشین بارکش شهری است، ولی هفته‌ای یک مرتبه و یا دو مرتبه و گاهی هم ده روز پی در پی مسافرت به مسافت شرعی می‌نماید، آیا کثیر السّفر در باره این شخص، صدق می‌کند یا نه؟.

صفحه : ۲۱۲

ج

- در صورتی که تصمیم دارد در مدّت قابل اعتنائی هر هفته، مسافرت مزبور را ادامه دهد، حکم دائم السّفر را دارد.

س

- شخصی می‌گوید که من راننده فلان اداره هستم ممکن است در ماه، چندین مرتبه از اداره مربوطه ام مسافرت نمایم و گاهی هم در ماه یک مرتبه، بنا بر این تکلیفم نسبت به نماز و روزه چیست؟.

ج

- در فرض مسأله اگر شغل او رانندگی در مسافت باشد نماز او تمام و روزه او صحیح است، مگر هر وقت که قصد کند ده روز در محلی بماند که در سفر اول، نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار کند و در سفر دوم، نماز، تمام و روزه‌اش صحیح است و اگر شغل او رانندگی در شهر و کمتر از مسافت باشد در موقع سفر اتّفاقی، نماز را شکسته و روزه را باید افطار کند.

س

- کسی که (مانند راننده ماشین) شغل او سفر است و در اثناء راه به علّت نقص فنی که اتومبیل پیدا می‌کند، اتومبیل را در محلّ می‌گذارد و برای رفع نواقص و تکمیل بعضی لوازم اتومبیل، به نقطه‌ای سفر می‌کند و دو روز هم مثلاً طول می‌کشد، آیا در این دو روز هم باید نمازش را تمام و روزه‌اش را، بگیرد یا نه؟.

ج

- این سفر هم جزء توابع سفری است که شغل او است و وظیفه‌اش اتمام نماز و گرفتن روزه است.

س

- شخصی که شغلش رانندگی است به مقصد هشت فرسخی، مسافر می‌برد ولی در بازگشت، بدون گرفتن مسافر بلکه فقط به خاطر کار شخصی خود برمی‌گردد، آیا وقت برگشتن، نماز او تمام است یا نه؟.

ج

- رجوع از سفری که شغل اوست حکم خود سفر را دارد و نماز او تمام است.

س

- راننده‌ای که در یک مسیر خاصّی به رانندگی و بردن مسافر اشتغال دارد، اگر بخاطر انجام یک کار شخصی با ماشین مسافربری خود در مسیر دیگر و به مقصد شهر دیگر به سفر رود و در ضمن قصدش این است که طبق روال سابق، در بین راه مسافر کشی نماید در این هنگام که هدف اصلیش انجام کار شخصی است و قصد ضمنی و تبعی او بردن مسافر است آیا در سفر روزه بگیرد و

صفحه: ۲۱۳

نمازش تمام است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال هر کدام از دو قصد که در نظر او اقوی و مستقل باشد و دیگری تبعی باشد معتبر است، اگر کار شخصی است، نماز قصر و اگر مسافری باشد نماز تمام، و روزه صحیح می‌باشد.

س

- راننده کامیونی ده روز در منزل مانده اما به خاطر این که به مسافرت نرفته در بعد از ظهر روز نهم، یک مسافرت شرعی با ماشین خودش بدون بار، کرده است، باین معنی چهار فرسخ رفته و چهار فرسخ برگشته، در صورتی که نماز مغرب و عشا را در آنجا خوانده، آیا روز یازدهم که با بار به مسافرت برود، در سفر اول باید نماز را تمام بخواند یا شکسته؟.

ج

- در فرض سؤال باید نماز را تمام بخواند.

س

- اگر راننده‌ای که دائم السّفر است به قصد زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام با خانواده خود با ماشین باری خود اما خالی، مسافرت کند آیا نمازش شکسته است یا تمام؟.

ج

- در این سفر نمازش شکسته است.

تبعیت زن و شوهر و اولاد و پدر در احکام سفر

س

- زنی که همراه شوهرش به شهر دیگر می‌رود اگر به شهری که پدرش در آن زندگی می‌کند و خود او هم سابقاً در آن شهر زندگی می‌کرده بیاید و قصد ده روز نکند، نماز را قصر بخواند یا تمام؟.

ج

- با آن که زن بنا دارد تابع شوهر باشد باید قصر بخواند.

س

- آیا به خانه شوهر رفتن دختر، در حکم اعراض از وطن، محسوب می‌شود و اگر فاصله خانه پدر و منزل شوهر، بحد مسافت شرعی باشد و به خانه پدر برود و بدون قصد اقامه، چند روزی بماند تکلیفش قصر است یا تمام؟.

ج

- متعارف، اعراض از وطن اصلی و تبعیت از شوهر در توطن است، مگر در بعضی موارد مثل آن که شرط کند با شوهر که او را از

وطن خود خارج نکند.

س

- زن و شوهری در تهران سکونت دارند، زن بچه اصفهان است و شوهرش بچه شیراز، حالا زن تابع شوهرش می‌باشد، یعنی اگر به وطن شوهرش که

صفحه : ۲۱۴

شیراز است بروند نمازش را تمام بخواند یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر زن در شیراز قصد ماندن ده روز نداشته باشد نمازش قصر است.

س

- بنده در تهران و بنده زاده در قم ساکن است، در صورت آمدن ما به منزل یکدیگر و ماندن بدون قصد اقامه ده روز، تکلیف نماز و روزه بنده و ایشان چیست؟.

ج

- هر کدام به تکلیف خود عمل کنید و تابع یکدیگر نیستید، مگر این که یکی از این دو محل، وطن دیگر یکی از شما باشد و از آن اعراض نکرده باشد، در این صورت هر وقت به آن محل که وطن است بروید بدون قصد اقامه ده روز هم باید نماز را تمام بخوانید.

اعراض از وطن

س

- معنی اعراض از وطن چیست؟.

ج

- اعراض از موضوعات عرفیه است و معنایش ترک وطن بقصد عدم زندگی در آنجا است.

س

- شخصی از وطن اصلی خود اعراض کرده، آیا در آنجا املاک دارد، آیا چنین شخصی با کسی که ملکی در وطن اعراض شده‌اش، ندارد فرق دارد یا نه؟ و نیز اعراض از وطن اتّخاذی، با اعراض از وطن اصلی فرق می‌کند یا نه؟.

ج

- بنظر این جانب با اعراض از وطن، ملک داشتن و نداشتن، فرق نمی‌کند و نماز در وطن معرض عنه، قصر است، لکن چون مشهور با داشتن ملک، حکم بتمام می‌فرمایند اگر احتیاطاً جمع نماید بسیار خوب است، و در این جهت، فرق بین وطن اتّخاذی و اصلی نیست.

س

- علماء و فقهاء فرموده‌اند، اگر شخصی از وطنش اعراض کرده وقتی که به آنجا می‌رود حکم مسافر را دارد. این کلمه (اعراض)، محل گفتگو واقع شده که مراد چیست تنفر و انزجار است و یا همین که بنا ندارد عاده آنجا زندگی کند همین اعراض است اگر چه علاقه به بودن آنجا داشته باشد.

ج

- اعراض از وطن، تصمیم به عدم اقامت در آن محل است، خواه،

صفحه : ۲۱۵

به واسطه انزجار از آن محل باشد یا جهات دیگر.

س

- بنده خانه پدریم در اهواز است ولی چند ماهی است که در سوسنگرد ازدواج کرده‌ام و همان جا منزلی اجاره کرده و ساکن شده‌ام در این صورت وقتی به اهواز می‌روم نسبت به نماز چه تکلیفی دارم؟.

ج

- اگر از وطن سابق خود اعراض کرده باشید- هر چند باین نحو باشد که چون در مکان جدید، کار و پیشه، اتخاذ کرده‌اید عرفا شما را اهل آنجا بشمارند و بازگشت شما به اهواز، مثل انتقال اهالی سوسنگرد به اهواز، محتاج به عروض عارض باشد- در اهواز، حکم مسافر را دارید.

س

- آیا زوجه اگر از مسقط الرأس خود اعراض نکرده و به آن جا سر بزند، نمازش تمام است؟ و همین طور مسقط الرأس زوج که از آن اعراض نکرده و به آن جا سر می‌زند، برای زن هم وطن محسوب است یا خیر؟.

ج

- هر یک از زوج و زوجه اگر از وطن اصلی خود اعراض نکرده‌اند، باین معنی که باز برای توطن دائم یا موقت به آنجا برمی‌گردند باید نماز خود را در آنجا تمام بخوانند، ولی اگر قصد بازگشت برای توطن ندارند و فقط گاهی برای دیدن ارحام می‌روند، حکم مسافر را دارند که اگر ده روز با قصد در آنجا نمانند نمازشان قصر است.

س

- در مسأله اعراض از وطن، مراد، اعراض قصدی است یا اعراض عملی را هم شامل می‌شود، مثلاً زید، از وطن اصلی خود خارج شده و ملکی هم آنجا ندارد و در یکی از شهرستانها ساکن شده و عمارت ساخته و هفت هشت سال است در آنجا زندگی می‌کند، بدون اعراض قصدی، فقط اعراض عملی و قهری دارد، حال اگر به وطن اصلی مسافرت کند و قصد ماندن ده روز نداشته باشد آیا باید نمازش را شکسته بخواند یا تمام؟.

ج

- اعراض از وطن تصمیم به عدم اقامت در آنجا است و اگر تصمیم به عدم اقامت، نداشته باشد اعراض نیست، هر چند سالها به آن وطن نرود، بلی در بعض موارد، به واسطه طول مدت و غفلت از وطن اولی، بر حسب عرف، اعراض، صدق می نماید.

صفحه : ۲۱۶

س

- شخصی در قریه‌ای در حدود یک صد کیلومتری اصفهان متولد شده و در چهار فرسخی آن قریه، محلّ ییلاقی داشته که تابستانها ۳ تا ۴ ماه در آن محلّ ییلاقی زندگی می کرده است و اکنون متجاوز از بیست سال است که ساکن تهران شده ولی در آن قریه خانه دارد و سالی چند مرتبه به آن قریه می رود و بعضی اوقات دو یا سه روز و گاهی بیشتر توقف می کند و می گوید اعراض نکرده‌ام، و چند فرزند دارد که همه آنها در تهران متولد شده‌اند، آیا نماز این شخص در آن قریه و آن محلّ ییلاقی که می رود قصر است یا تمام؟ و هم چنین نماز فرزندان او؟.

ج

- در فرض سؤال نماز آن شخص در قریه مذکور که هنوز از آن اعراض نکرده تمام است، و نسبت به ییلاقی چنانچه سکونت او سه و یا چهار ماه در آنجا نیز بعنوان وطن بوده و هنوز اعراض ننموده نماز در آن محلّ نیز تمام است و اما فرزندان آن شخص که خود مستقلند و در آنجا ساکن نیستند یا بچه‌هایی که فعلا تابعند ولی در منزل تهران هستند و در آن قریه با پدر و مادر زندگی نکرده‌اند باید نماز خود را در آن قریه قصر بخوانند.

وطن ثانوی

س

- آیا حکم وطن بر کسانی که در یک مکان معین مدت طولانی بمانند ولی قصد اقامت دائم در آنجا نداشته باشند و راجع به آینده خود تصمیم روشن ندارند بار می شود یا خیر؟ و تکلیف آنان راجع به نماز و روزه چیست؟.

ج

- در صورتی که قصد ماندن و سکونت بطور موقت نداشته باشند و سالها در شهر یا روستایی زندگی کنند، هر چند قصد اقامت دائم نداشته باشند حکم وطن بر آنها جاری می شود و باید در آنجا نماز را تمام بخوانند و روزه را بگیرند.

س

- ما حکم صلاة و صیام المؤمنین المهاجرین من اوطانهم من جهة الحرب، فی البلاد الّتی سکنوا فیها و بعضهم اشتری دارا و قصد التوطن فیها ما دامت الحرب قائمه و بعضهم سکن من قبل الدّولة فهل یحسب وطناً لهم و انّ صلاتهم تمام و علیهم الصّیام ام لا؟.

ج

- فی فرض المسألة إن کان قصد هؤلاء، التّوطن إلى حین انقضاء الحرب او زمان معین فلیس هذا البلد وطناً لهم فلا یصحّ منهم التّمام الاّ مع قصد اقامه عشره

صفحه : ۲۱۷

ایام او البقاء ثلاثین یوما مترددا.

س

- حدّ توطنّ ثانوی چیست؟.

ج

- توطنّ ثانوی، گاه به اعراض از وطن سابق و اقامت در محلّ دیگر بدون قصد ترک آنجا به نحوی که اهل آن محلّ شناخته شود، حاصل می‌شود و گاه به این که شخصی با عدم اعراض از وطن سابق، محلّ دیگر را نیز وطن، قرار دهد که سالی مثلاً چند ماه، در آن توقّف داشته باشد به نحوی که عرفاً او را صاحب دو وطن بشمارند.

س

- شخصی که وطنش، تهران است و در قم هم عیال اختیار کرده که هفته‌ای یک بار مرتّب بنا دارد بقم بیاید یک روز یا دو روز بماند و باز برگردد وظیفه او نسبت به نماز و روزه‌اش چیست؟.

ج

- اگر می‌خواهد تا آخر، در دو مکان که تهران و قم است زندگی داشته باشد بعید نیست که واجب باشد در قم هم نماز را تمام بخواند و اگر منزل قم، دائمی نیست و موقت است احتیاطاً نماز را در قم، جمع بخواند.

س

- قصد توطنّ تنها در صدق وطن کافی است، یا باید علاوه بر قصد توطنّ، مدّت مدیدی بدون تخلّل سفر، در آن مکان، اقامت کند؟.

ج

- قصد توطنّ دائمی و توقّف مقداری که عرفاً صدق کند که وطن او شده کافی است.

س

- ملاک وطن‌های متعدّد چیست؟ چه مقدار باید در هر یک از آنها سکونت کرد؟ و اگر در یکی از آنها فقط وقتی ضرورت اتفاق می‌افتد یک روز و کمتر از ده روز بماند تکلیف در خصوص نماز و روزه چیست؟.

ج

- چنانچه انسان تصمیم داشته باشد سالی چند ماه در محلّی بطور همیشگی بماند و صدق عرفی هم بکند، وطن او محسوب می‌شود ولی با ماندن چند روز در سال صدق وطنیت نمی‌کند و الله العالم.

حکم بلاد کبیره

س

- گفته می‌شود کسانی که قبل از سال ۵۱، ساکن تهران، که می‌گویند از بلاد کبیره است شده‌اند، تهران، وطن آنها محسوب

می‌شود، و

صفحه : ۲۱۸

کسانی که سکونتشان در تهران بعد از تاریخ مذکور باشد همان محدوده محل سکونتشان وطن محسوب است، نه همه تهران، حال بفرمایید در فرض اول که همه تهران وطن است، آیا تهران همان تاریخ است یا تهران فعلی؟.

ج

- بنظر این جانب اگر کسی بلاد کبیره را وطن خود قرار دهد، تمام بلاد، وطن اوست، چه قبل از تاریخ مذکور باشد چه بعد از آن، منتهی اگر بمقدار مسافت شرعیّه (چهار فرسخ) در بلاد کبیره برود که برگردد، در این رفت و برگشت احتیاطا بین قصر و تمام جمع کند. و نسبت به روزه، آن روز را روزه گرفته و بعدا قضا نماید، از جهت این که هشت فرسخ را طی کرده است، و چنانچه قبل از ظهر به منزل برسد و مفطری بعمل نیاورده باشد واجب است تیت روزه کند و روزه‌اش صحیح است و قضا ندارد.

س

- در رساله‌های عملیه راجع بحدّ ترخص در بلاد معمولی مرقوم است که از کجا است و در بلاد کبیره از کجا است؟ سؤال این است که بلاد کبیره، به چه بلادی می‌گویند؟ معیار کبیره بودن و صغیره بودن چیست؟ اگر معیار عرف است، عرف متفاوت است، اگر معیار اندازه جمعیت و ساکنین آن شهر است جمعیت چه اندازه باید باشد که آن شهر جزء بلاد کبیره باشد و چه اندازه باید باشد که آن شهر جزء بلاد صغیره باشد و اگر معیار مسافت و مساحت و عرض و طول است چه اندازه مسافت و مساحت و عرض و طول باشد تا جزء بلاد کبیره یا صغیره باشد؟.

ج

- هر جایی را که همه می‌گویند از بلاد کبیره است و در عرف مخالفی ندارد، از بلاد کبیره حساب می‌شود و ما بقی را که شک دارید و نظر عرف در آن مختلف است از بلاد صغیره حساب نمایید و هیچ یک از موارد مذکوره در سؤال معیار شرعی نمی‌تواند باشد.

س

- اگر شهری باشد که طول آن چهار فرسخ و عرض آن هم چهار فرسخ و اهالی آن شهر برای انجام کارها از این طرف به آن طرف شهر می‌روند و برمی‌گردند آیا بر این رفت و آمد کسی که متوطن در آن شهر است صدق مسافرت می‌کند که نمازش قصر باشد یا نه؟.

صفحه : ۲۱۹

ج

- در فرض مسأله اگر از آخر محلی که مبدأ حرکت اوست تا به مقصد، بمقدار مسافت باشد و لو بنحو تلفیق و بین محلات فاصله‌ای باشد، اگر چه به مقدار حدّ ترخص و طوری باشد که عرفا رفتن از این محل به محل دیگر را مسافرت گویند نماز را قصر کند و اگر صدق مسافر، بر او مشکوک است یا این که بین محلات فاصله نیست احتیاطا جمع نماید.

س

- در شمال غربی تهران، در حدود سه کیلومتری بالاتر از بناهای اصلی شهر، ساختمان‌هایی مجزی از شهر احداث گردیده که اسما جزء تهران، محسوب می‌گردد بنا بر این حدّ ترخص از آخرین نقطه‌ای که این ساختمانها دیده می‌شود محسوب می‌گردد و یا این که بایستی این ساختمانها مجزی گردد؟.

ج

- اگر در نظر عرف، تهران محسوب است حدّ ترخص، جایی است که آن ساختمانها دیده نشود و اگر در نظر مردم، تهران محسوب نیست نظیر شهر ری، باید مجزی شود.

س

- طیّ کردن مسافت (۸ فرسخ) یا مسافت ملّفق بشرط این که رفتن (۴ فرسخ) یا بیشتر باشد در شهر تهران موجب شکسته شدن نماز می‌باشد یا خیر؟.

ج

- اگر از محلّ خود قصد رفتن به محلّ دیگری در تهران نماید که فاصله بین دو محلّ چهار فرسخ یا زیادتر باشد و قصد اقامت ده روز در مقصد نداشته باشد احتیاط واجب جمع بین قصر و اتمام در نماز و گرفتن روزه و قضای آنست.

س

- به فتوای حضرت عالی تهران از بلاد کبیره است یا نه؟ و در صورتی که از بلاد کبیره باشد حدّ ترخص آن را از کجا باید حساب کنیم؟.

ج

- ظاهراً تهران از بلاد کبیره است ولی احتیاط واجب جمع بین قصر و اتمام در بین حدّ ترخص محلّه و بلد است.

س

- یکی از شرائط قصر آنست که مسافر به حدّ ترخص برسد اکنون شهری مانند تهران که از شمال به جنوبش یعنی از دربند شمیران تا حضرت عبد العظیم در حدود چهل کیلومتر یعنی قریب به هفت فرسنگ ساختمان متّصل است و هم چنین از مشرق به مغرب آن در حدود سی کیلومتر ساختمان متّصل می‌باشد. در قدیم، بین تهران و حضرت عبد العظیم و شمیرانات و نارمک و تهران

صفحه : ۲۲۰

پارس و تهران نو فاصله بوده ولی حالا هیچ فاصله نیست و همه اینها تهران است با این وضع حدّ ترخص کجاست و آیا کسی که وارد مرکز تهران شده و قصد اقامه ده روز کرده اگر به شمیران و حضرت عبد العظیم و نارمک و تهران پارس برود ضرر، به قصد او وارد می‌شود یا نه و اگر کسی از شمیران به حضرت عبد العظیم که سی کیلومتر است برود چون متّصل است نمازش تمام است یا حکم مسافر را دارد و باید نماز را شکسته بخواند و اگر کسی از تهران بقم حرکت کرد از میدان شوش که دروازه سابق بوده گذشت و صدای اذان را نشنید می‌تواند افطار کند یا باید صبر کند تا از حضرت عبد العظیم بگذرد و افطار کند و نماز را شکسته بخواند؟.

ج

- اولاً اتصال به وسیله جاده‌ای که در اطراف نزدیک آن، مغازه یا کارخانه مثلاً ساخته شده و عقب آنها بیابان باشد که اتصال فقط از همین جاده است کافی نیست و ثانیاً مثل تهران و شمیران و حضرت عبد العظیم هر چند از هر طرف و بنحو کامل متصل شده باشند محل واحد شمرده نمی‌شود اگر چه یک بلد باشد و قصد اقامه در هر سه اینها یا دو تای از اینها با هم قاطع سفر نیست لکن در این صورت نماز را احتیاطاً هم شکسته و هم تمام بخواند و در مثل تهران و نارمک و تهران پارس که از محلات تهران شمرده می‌شود و وسعت تهران موجب آبادانی آنجا شده و ظاهراً محل واحد است اگر قصد اقامه در هر سه یا دو تا از این محلها بنماید و بنا داشته باشد در بین آنها رفت و آمد کند و به قدر مسافت اگر چه ملحقاً باشد واجب است احتیاطاً جمع بین قصر و اتمام نماید ولی اگر کمتر از مسافت باشد، اقامه، قاطع سفر است و باید نماز را تمام بخواند و نسبت به حد ترخص نیز کسی که از تهران به قم و یا از قم به تهران می‌رود حد ترخص او با شهر تهران ملاحظه می‌شود نه با حضرت عبد العظیم، و اگر به شمیران می‌رود یا از شمیران به قم، حد ترخص او نسبت به خود شمیران ملاحظه می‌شود.

س

- در مثل تهران بطول و عرضی که در سؤال قبلی ذکر شد آیا می‌توانیم بگوئیم تا حدودی که شهردار بعنوان تهران، اجازه ساختمان می‌دهد و اداره برق، برق می‌دهد و اداره تلفن، تلفن می‌دهد و اداره آب، آب می‌دهد، شهر تهران است و از آن حد که خارج شد، شهر تهران نیست؟

صفحه : ۲۲۱

ج

- این میزان شرعی نیست.

سفر معصیت

س

- حضرت عالی در رساله، مرقوم فرموده‌اید که اگر مسافر بقصد معصیت، به سفر رود نماز او تمام است حال اگر شخصی را به جایی - که مسافت شرعی است - برای عروسی، دعوت کنند و او می‌داند که در آنجا لهو و لعب است و مجبور هم هست که در آنجا باشد، آیا نماز او قصر است یا تمام؟

ج

- در این فرض اگر چه مبتلا به حضور در مجلس معصیت می‌شود و از این جهت، معاقب و مسئول است ولی چون برای معصیت، سفر نکرده باید نماز را شکسته بخواند.

س

- کارمند دولت، با ماشینهای دولتی - که به جهت مسافرت به منظور انجام امور دولتی در تصرف دارد - برای انجام امور شخصی خود مانند دید و بازدید رفقا یا زیارت مشاهد مشرفه و غیرهما مسافرت می‌کند یا غیر کارمند را سوار می‌کند آیا این سفرهای

کارمند موجب تمام خواندن نماز می‌باشد یا خیر؟

ج

- احتیاطا جمع بین قصر و تمام نماید.

س

- اهالی بخشی اطلاع دادند که اراضی آن بخش تقسیم و تملیک غیر شرعی شده آیا مسافرت آنها در آن اراضی موجب تمام خواندن نماز است یا خیر؟

ج

- احتیاط جمع بین قصر و اتمام است لکن باید نماز را در جای مباح بخوانند.

صفحه : ۲۲۲

مسائل نماز قضا

س

- در بعضی از اوقات، دیده شده که عده‌ای نماز فریضه را به جای نافله می‌خوانند مانند این که در شبهای قدر ماه مبارک رمضان به جای صد رکعت نافله وارده، شش شبانه روز نماز قضا می‌خوانند، اکنون آیا نماز قضاء آنان مجزی از آن نافله هست یا نه؟

ج

- مجزی از نافله نیست و لکن خواندن نمازهای قضا اهم است، نماز قضا را بخواند خصوصا اگر احتمال بدهد که بعدا توفیق قضای واجب را پیدا نمی‌کند.

س

- شخصی در سفر، نماز ظهر را شکسته خواند، بعد قصد اقامه نموده و نماز عصر را تمام خواند. بعد از نماز عصر از قصدش برگشت و از طرفی یقین کرد که یکی از آن دو نماز، باطل بوده اکنون تکلیفش مادامی که در آن محل است نسبت به نمازهای آینده چیست و وظیفه‌اش نسبت به آن دو نمازی را که خوانده چه می‌باشد؟

ج

- در فرض سؤال، که بعد از نماز عصر، عدول از قصد اقامه نموده وظیفه او در آن محل - به جهت استصحاب حکم تمام، که به قصد عشره ثابت شد - اتمام نماز و گرفتن روزه است و احوط جمع است و نسبت به قضای آن دو نماز اگر دو رکعت قضا قصر را بقصد ما فی الذمه به جا بیاورد کافی است.

س

- آیا کافری که مشرف به دین اسلام می‌گردد، قضاء نماز و روزه دوران کفرش بر او واجب است یا نه؟.

ج

- بر کافری که اسلام را اختیار می‌کند قضاء نمازها و روزه‌های فوت شده

صفحه : ۲۲۳

وقت کفرش و روزه‌هایی را که افطار کرده واجب نیست، ولی اگر مسلمان بوده و بعد کافر شده و دوباره اسلام اختیار کرده باید قضاء نمازها و روزه‌هایی که در حال کفر، ترک کرده به جا آورد.

س

- شخص مریضی که سخته کرده و مدتی بستری بوده و هیچ گونه قدرت بر حرکت نداشته و بعلاوه حواسش هم به جا نبوده، آیا نماز از گردن او اقط است یا نه؟ و بعد از او بر ورثه، قضا نماز او لازم است یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله اگر مریض، حواس نداشته که اوقات نماز را تمیز دهد نمازهای فوت شده، قضا ندارد و اگر ملتفت بوده و مسامحه کرده قضاء نمازها را به جا بیاورند.

س

- نماز قضا اذان و اقامه دارد یا نه؟.

ج

- واجب نیست و مستحب است و اگر هر مجلسی یک اذان و یک اقامه بگوید مستحسن است.

س

- آیا نماز قضا را می‌توان بدون اذان و اقامه و با یک بار گفتن تسبیحات اربعه و با یک سلام آخر به جا آورد یا نه؟.

ج

- مانعی ندارد و بهتر آنست که تسبیحات را سه مرتبه و هر سه سلام را بگوید.

س

- کسی نافله شب را بنذر بر خود واجب کرده و شب، خواب رفت تا صبح بیدار نشد آیا قضا بر او واجب است یا نه؟.

ج

- بلی واجب است.

س

- کسی که در اماکن تخییر، نمازش قضا می‌شود، در قضا هم مخیر بین قصر و اتمام است یا این حکم، مختص بحال ادا است؟.

ج

- احوط آنست که قصر قضا نماید.

س

- کسی که خودش نماز قضا در ذمه دارد می‌تواند برای قضاء نماز، اجیر شود و همراه قضای نماز خودش بخواند یا نه؟.

ج

- بلی می‌تواند ولی در قضای نماز خود، مسامحه ننماید.

س

- کسی که یقین داشته وقت هست و نماز خوانده، ولی بعد از نماز

صفحه : ۲۲۴

فهمیده که وقت نبوده باید قضاء آن را بخواند یا نه؟.

ج

- اگر یک رکعت آن در وقت واقع شده قضا ندارد، و اگر همه نماز در خارج وقت واقع شده چنانچه بنحو تقیید، نیت ادا نموده باید قضاء آن را بخواند ولی اگر نیت ما فی الذمه کرده و یا بعنوان خطا در تطبیق، نیت ادا نموده قضا ندارد.

س

- شخصی از پانزده سالگی تا بیست و پنج سالگی نماز خوانده ولی در اثر سکونت در بیابان و دسترسی نداشتن به عالم، و جهل به مسأله، ازاله نجاست از بدن و لباس خود ننموده و بهمان حال، نماز خوانده. آیا قضاء نماز این ده سال - با این که مشقت دارد - بر او واجب است؟.

ج

- بنا بر احتیاط لازم، واجب است نمازهایی را که با بدن و لباس نجس خوانده قضا نماید. تصمیم بگیرد و از خدای متعال، استعانت

بجوید إن شاء الله موفق می‌شود ولی می‌توانید در این احتیاط، به فقهای مراجعه کنید که قضا را لازم نمی‌دانند.

س

- اگر کسی اغسال واجبه را فراموش کند و نماز بخواند قضا دارد یا نه؟.

ج

- بلی اگر غسل جنابت یا غسل مس میت یا غسل حیض یا نفاس یا استحاضه فراموش شود هر چه نماز خوانده باید قضا نماید.

س

- روایتی از مولای متقیان صلوات الله و سلامه علیه نقل شده که به نظر مبارک می‌رسد صحت و سقم آن را مرقوم فرمائید:
(عن علی بن ابی طالب علیه السلام قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول من ترك الصلوة في جهالته ثم ندم لا يدري كم ترك فليصل ليلة الاثنين خمسين ركعة بفاتحة الكتاب و قل هو الله احد مرة فاذا فرغ من الصلوة استغفر الله مائة جعل الله ذلك كفارة صلاته و لو ترك صلاة مائة سنة لا يحاسب الله العبد الذي صلى هذه الصلاة) آیا این روایت صحیح است یا نه؟.

ج

- صحت سند روایت مذکوره، معلوم نیست و بر فرض صحت، چون بظاهر آن عمل نشده و معرض عنها است باید حمل بخلاف ظاهرش شود و ممکن است نظر داشته باشد به صورتی که یقین به فوت نماز نداشته باشد و الا نمازهای

صفحه : ۲۲۵

فوت شده یقینی را واجب است قضا نماید و ممکن است این دستوری برای قبول شدن توبه او باشد به ملاحظه معصیت ترک صلاة در وقت، و تدارک مصالحی که فوت شده و علم به فوت آنها ندارد.

س

- شخصی در بیمارستانی که تا محل خودش، ده فرسخ متجاوز فاصله دارد یک ماه بستری است و نمازهای یومیّه خود را، نخوانده اکنون آن نمازها را قصر قضا کند یا تمام؟.

ج

- اگر مردّد بوده و نمی‌دانسته چند روز در بیمارستان می‌ماند، تا یک ماه نمازهای خود را، قصر قضا کند ولی اگر قصد اقامه ده روز را داشته باید، تماما قضا نماید.

س

- اگر انسان کلمه‌ای را صحیح بداند و بعد معلوم شود غلط بوده، مثلا تشدید اهدنا الصراط المستقیم را نمی‌گفته یا کلمه دیگری را غلط می‌گفته حال که می‌خواهد قضا کند شک دارد آیا از اوّل بلوغ دچار این خطا بوده یا بعدا عارض گردیده چه مقدار قضا

کند؟.

ج

- در فرض مسأله که غلط می‌خوانده اقوی اعاده نماز است به مقداری که یقین دارد غلط می‌خوانده.

نماز و روزه قضاء پدر و مادر

س

- پدرم قطعاً نماز قضا به ذمه داشت و اگر وصی او هم نیابتاً جهت او انجام داده باشد چیزی در دست نیست، بنده در نظر دارم با استیجار، جبران فوائت او را بنمایم و لکن مقدار فرائض فائده او را نمی‌دانم و نیز نوع فوائت را از حیث صبح و ظهر و غیرهما و از حیث حضر و سفر و هم از حیث ترتیب نمی‌دانم. نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج

- در تعداد قضا، پسر بزرگتر برای انجام وظیفه خود می‌تواند به قدر متیقن اکتفا کند ولی اگر بخواهند ذمه میت را واقعاً بری نمایند، باید به اندازه‌ای بخوانند که یقین کنند بیشتر از آن بر ذمه میت نبوده و در نوع فوائت، احتیاط، لازم است.

س

- اگر پدر و مادر، نماز خوان بوده‌اند ولی غلط می‌خوانده‌اند آیا قضاء نماز آنان بر پسر بزرگ واجب است یا نه؟.

صفحه : ۲۲۶

ج

- در صورتی که از جهت عدم قدرت، معذور از تصحیح بوده‌اند قضا ندارد.

س

- پدری که در مدت عمرش تارک الصلاه بوده، آیا بعد از مرگ او قضای نماز و روزه‌اش بر پسر بزرگتر واجب است یا نه؟.

ج

- بنظر این جانب، احتیاط لازم آنست که پسر بزرگتر نمازهای قضا شده عمدی پدر را هم به جا آورد، ولی می‌تواند در این احتیاط، به علمائی مراجعه کند که عمل به این احتیاط را لازم نمی‌دانند، با رعایت الاعلم فالاعلم.

س

- اگر پسر بزرگتر - که اداء دین پدر و مادر، بر او واجب است - مریض باشد و ثروتی ندارد، آیا بر پسر دیگر واجب است یا نه؟.

ج

- اگر مقصود از دین پدر، دیون مالی است، که باید ورثه، از ترکه پدر، ادا کنند و اگر مقصود، نماز و روزه است، که بر پسر بزرگتر واجب است و در صورتی که او قادر بر قضا نیست و قدرت بر استیجار هم ندارد و شرعا معذور است، احتیاط لازم آنست که پسر بعدی به جا آورد.

س

- شخصی حدود شصت سال عمر کرده و در حدود سی سال آخر عمرش به اختلال حواس و به عارضه روانی مبتلا بوده به نحوی که در اوائل سی سال اخیر، فرائض یومیّه خود را بطور ناقص، انجام می‌داده و در بقیّه بر اثر بیماری مزبور، ابدا توجهی به انجام فرائض خویش نداشته، حال آیا لازم است کلیه نمازها و روزه‌های متروکه در زمان بیماری مذکور را قضا نمود یا نه؟.

ج

- اگر شعور خود را به کلی از دست داده بوده که اصلا درک تکلیف نمی‌کرده، نماز و روزه‌اش قضا ندارد، و اگر متوجّه تکلیف بوده و مع ذلک ترک کرده، اگر با عذر، ترک کرده بر پسر بزرگ واجب است که آن را قضا نماید و اگر بی عذر ترک کرده احتیاط آنست که قضاء آن مقدار، نماز و روزه را به جا آورد.

س

- پسری که به تکلیف نرسیده می‌تواند نماز قضاء پدر و مادر را بخواند یا نه؟.

ج

- اگر ممیز باشد و صحیح هم بخواند، اشکال ندارد.

س

- اگر شخصی، یکی دو ساعت بعد از ظهر بمیرد قضاء نماز ظهر و عصر او بر پسر بزرگتر، واجب است یا قضاء نماز ظهر تنها؟

صفحه : ۲۲۷

ج

- اگر پس از مقداری از وقت که کافی برای نماز ظهر و عصر بوده فوت شده، قضاء ظهر و عصر، هر دو واجب است.

س

- آیا پسر بزرگ می‌تواند در زمان حیات پدر و مادر به آنها بگوید من نمی‌توانم قضاء نماز و روزه شما را به جا آورم و یا بگوید من در برابر قضاء نماز و روزه شما اجرت می‌خواهم؟ و آیا می‌شود از ترک میت به اندازه خرج نماز و روزه را برداشت یا نه؟ و راستی چگونه ممکن است یک فرزند، به خاطر این که بزرگتر است این تکلیف سخت بر او بار باشد؟.

ج

- شرط اجرت، برای پسر بزرگ در برابر قضاء نماز و روزه پدر و مادر، مشکل است. ولی اگر پدر و مادر وصیت کنند که آن چه نماز و روزه از آنها فوت شده استیجار کنند و مبلغی را هم در مقابل، تعیین نمایند، در صورتی که اجیر، انجام دهد از پسر بزرگتر ساقط است.

س

- شخصی صوفی بوده و عمدا نماز نمی‌خوانده، آیا قضاء نمازهای او بر پسر بزرگتر واجب است یا نه؟.

ج

- اگر منکر وجوب نماز بوده و لذا عمدا نمی‌خوانده، قضاء نمازهایش بر پسر، واجب نیست اما اگر منکر نبوده و با اقرار بوجوب، نخوانده احتیاط واجب آنست که پسر بزرگ قضاء نماید.

س

- مادر این جانب دو ماه قبل فوت نموده و وصیت کرده که یک ماه روزه برای او بگیریم، آیا چون استطاعت مالی نداریم، خود و برادرم می‌توانیم روزه او را بگیریم یا نه؟.

ج

- بلی می‌توانید روزه او را بگیرید.

س

- کسانی که در اواخر عمر در اثر مرض و حالت اغماء و ضعیف شدن حواس و یا از دست دادن عقل نمازشان ترک می‌شود، آیا باید پسر بزرگتر قضای آنها را نیز به جای آورد؟.

ج

- در صورتی که در تمام وقت، دیوانه یا مغمی علیه بوده، قضاء آن بر پسر بزرگ نیست. و اما آن چه در حال مرض فوت شده یا طبق وظیفه انجام نداده، باید پسر بزرگتر انجام دهد و چنانچه عمدا ترک نموده احتیاط آنست که پسر بزرگ

س

- پدر این جانب فوت نموده و مدت ۸ سال در خانه مریض بوده البته از نوع سکنه مغزی که مدت ۵ سال اول می‌توانسته راه برود ولی صحبت نمی‌توانسته بکند و ۴ سال آخر عمرش به حالت دراز کشیده روی تخت خواب بستری بوده، پدرم در این مدت هوش و حواسش به کلی پرت بوده و حتی زبان سخن گفتن را هم نداشته که ما یحتاج اولیه‌اش نظیر غذا و آب و .. را تقاضا کند درست همانند کودک یک ساله که هوش و حواس کامل ندارد و چیزی به یاد نمی‌آورد و اکنون سؤال این است که بفرمایید مسئله نماز و روزه پدرم از نظر شرعی چگونه است؟.

ج

- در فرض مسئله نمازهایی که در تمام وقت آن، پدر شما در حال اغماء و بی‌هوشی بوده قضا ندارد. و اما آن چه در حال به جا بودن حواس و هوش، بحسب حال خود، قدرت داشته و نخوانده باید اکبر اولاد ذکور از طرف او قضا نماید. و اما روزه او که در زمان مرض متصل بموت، ترک شده قضا ندارد ولی بدل هر روزی یک مدّ گندم کفّاره دارد که از مال متوفی باید ادا شود.

س

- آیا روزه پدرم و مادرم بر من که دائما مریض هستم واجب است یا نه؟ و هم چنین نمازشان؟.

ج

- نماز و روزه‌های فوت شده از پدر بر پسر بزرگ واجب است. و اگر قدرت بر انجام آن نداشته باشید باید استیجار کنید. و در مورد مادر نیز احتیاط واجب، رعایت این حکم است.

س

- اگر پسر بزرگ در زمان زندگی پدر بمیرد، آیا نماز و روزه فوت شده، از پدر بعد از پدر بر عهده پسر دوم است، که عند الموت پدر، پسر بزرگ است یا نه؟ و با نبودن ذکور آیا دختر بزرگ وظیفه‌ای دارد یا نه؟.

ج

- منظور از پسر بزرگ، پسر بزرگ، هنگام فوت پدر است. از پسران زنده ولی این حکم با نبودن پسر بزرگ برای دختر بزرگ و اولی به میراث در هر طبقه، احوط است.

صفحه : ۲۲۹

مسائل نماز جماعت

اهمیت نماز جماعت

س

- می‌گویند: حضرت رسول اکرم (ص) فرموده کسانی که به جماعت، حاضر نمی‌شوند و فرادی نماز می‌خوانند یهودی هستند و با آنان آمیزش نکنید. آیا این حدیث درست است یا نه؟.

ج

- در امر نماز جماعت و ذمّ تارک آن در احادیث و اخبار، تأکید بلیغ شده و در خصوص این روایت، برای بررسی سند آن مقداری که فرصت بود در بعضی از جوامع معتبره حدیث تتبع شد به آن برخورد نکردم. ولی علی الظاهر در بعضی از کتب، نقل شده است، فعلاً راجع به قوّت و ضعف سند آن نمی‌توانم اظهار نظر کنم هر چند متن آن خالی از غرابت - باصطلاح حدیث - نیست ولی با توعیداتی که در ترک جماعت شده صدور این مضمون هم بعید نمی‌باشد.

احکام نماز جماعت

س

- شخصی نماز مغرب خود را به نماز عشاء امام اقتدا کرد. در حال قیام قرائت تسبیحات اربعه، شک کرد که آیا رکعت سوّم است، یا چهارم، وظیفه‌اش چیست؟.

ج

- در فرض مذکور، اگر در حال قیام، رجوع به امام، امکان ندارد در همان حال قیام، با اشتغال بذکر بماند تا پس از این که امام سر از سجده دوّم برداشت معلوم شود که رکعت سوّم بوده یا چهارم. اگر معلوم شد که سوّم بوده خودش رکوع و سجود را به جا آورد و نماز را تمام کند و اگر معلوم شد این رکعت چهارم بوده بنشیند

صفحه : ۲۳۰

تشهد بخواند و سلام بدهد و بعد برای قیام بی‌جا سجده سهو به جا آورد.

س

- شخصی در صحت قرائت امام، شک دارد، آیا می‌تواند اقتدا کند یا نه؟.

ج

- اگر به نحوی باشد که بتواند حمل بر صحت کند اقتدا، جائز است.

س

- اگر مأموم جلوتر از امام، سر از رکوع و یا سجود بردارد و از روی جهل به مسأله، برنگردد که متابعت امام را بکند تکلیف او چیست؟.

ج

- نمازش باطل نیست.

س

- تا چه اندازه فاصله بین امام و مأوم عیبی ندارد؟.

ج

- باید بین امام و مأوم فاصله زیاد نباشد ولی فاصله تا اندازه یک متر، اشکال ندارد.

س

- شخصی نمازهای گذشته خود را صحیح انجام نداده و یا اصلاً نخوانده است و می‌خواهد قضا نماید آیا می‌تواند قضا نماز را با امام جماعت اقتدا نماید یا خیر؟.

ج

- در صورتی که اصلاً نخوانده و یا باطل خوانده جائز است به جماعت بخواند و با شک هم نماز خودش اشکال ندارد. لکن فاصله بین مأومین قرار نگیرد.

س

- اگر مأوم بداند که امام در رکعت اول یا دوم، رکوع نکرد یا یکی از رکنهای دیگر را فراموش نمود یا زیادی انجام داد، چنانچه مأوم، یت فرادی نکند نمازش باطل است یا نه؟ و اگر در رکعت سوم و چهارم برای امام، چنین امری پیش آمد تکلیف مأوم چیست؟.

ج

- در هر جائی از نماز، مأوم فهمید که نماز امام، باطل شده نماز مأوم، فرادی می‌شود و باید به وظیفه فرادی عمل کند و فرق بین رکعات نیست و اگر بعد بفهمد که نماز امام باطل بوده اگر مأوم به وظیفه فرادی عمل نموده و فقط قرائت را ترک کرده نمازش صحیح است و اگر در شک، رجوع به امام کرده یا رکن را جهت متابعت، تکرار نموده نمازش باطل است.

س

- مسجدی است سه طبقه و وسط سقف طبقه بالا، یک پنجره بزرگی

صفحه : ۲۳۱

است و هم چنین وسط سقف طبقه دومی هم به مقابل پنجره طبقه بالا، پنجره است و در طبقه سومی نماز جماعت منعقد می‌شود و مأومین طبقه بالا را مأومین طبقه دومی و مأومین طبقه پائین می‌بینند آیا در این صورت مأومین طبقه بالا و مأومین طبقه دومی می‌توانند اقتدا به امام جماعت طبقه پائین کنند یا نه؟ و بر فرض که اقتدا کرده باشند نماز جماعت آنها صحیح است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال می‌توانند اقتدا نمایند بشرط آن که اتصال صفوف محفوظ باشد باین معنی که اگر صف فوقانی در جای خود در طبقه تحتانی قرار بگیرد زیادتر از فاصله دو صف، ما بین آن و صف جلو نباشد و صف اول طبقه دوم و سوم مقدم بر پنجره نباشد.

س

- آیا محاذات یا تقدّم زن را بر مرد در حال نماز با فاصله کمتر از ده ذراع مکروه می‌دانید یا خیر؟ و در این حکم آیا فرقی بین جماعت و فردی هست یا نه؟ و دیگر این که اگر صفوف مأمومین زن، جلو مردها باشند جماعت صحیح است یا خیر؟

ج

- محاذات زن و مرد در حال نماز بدون فاصله مذکوره مکروه است چه در جماعت باشد چه در فردی و صفوف زن جلو مرد مانع نیست بشرط آن که صف از یمین یا یسار به مرد متصل باشد و زن در اتصال برای مرد کافی نیست.

س

- شخصی نماز واجب خود را در اوّل وقت، ادا می‌نماید. پس از آن، جماعت بر پا می‌شود و او به جماعت استحباباً اعاده می‌کند در صورتی که در صف اوّل باشد و بین او و مأمومین طرفین او تقریباً یک ذراع فاصله باشد آن کسانی که طرف آخر صف هستند نمازشان صحیح است و یا چون نماز او استحبابی است نمازشان قطع می‌شود؟

ج

- نمازشان صحیح است.

س

- مسجدی است در کراچی، که در آن نماز جماعت بر پا می‌شود و دارای چهار طبقه و طبقه هم کف است. حالت نماز گزاران در طبقات به شرح زیر است: (الف) بعضی از نماز گزاران، در طبقه اوّل، می‌توانند امام جماعت و بعضی از نماز گزاران طبقه هم کف را ببینند.

صفحه : ۲۳۲

(ب) بعضی از نماز گزاران طبقه دوّم و طبقه سوّم می‌توانند بعضی از نماز گزاران طبقه هم کف را ببینند، ولی هیچ کدام از آنان نمی‌توانند امام جماعت را که در طبقه هم کف است، ببینند.

(ج) نماز گزاران طبقه چهارم نمی‌توانند هیچ کدام از نماز گزاران طبقه هم کف و طبقه اوّل را ببینند آنها فقط می‌توانند بعضی از نماز گزاران طبقه دوّم و طبقه سوّم را ببینند.

در اینجا اضافه می‌کنم که در هر طبقه صفهای نماز گزاران بر پا است و هیچ طبقه‌ای تماماً خالی نمی‌باشد. آیا نماز جماعت در طبقات اوّل و دوّم و سوّم و چهارم در مسجد فوق صحیح است یا خیر؟

ج

- در جماعت لازم نیست تمام مأمومین امام را ببینند، بلکه واجب است یا امام را ببینند و یا متصل به امام باشند. مثل کسی که پشت سر امام ایستاده باشد، که به وسیله او به امام اتصال دارند، بنا بر این اگر یک نفر پشت سر امام ایستاده و اقتدا کرده دو طرف او در صف اوّل، نماز آنها صحیح است هر چند تمام صف نتوانند امام را ببینند و هم چنین صفهای پشت سر، اگر هر مأمومی مأموم دیگر را که به وسیله او اتصال به امام دارد و فاصله بین آن دو، زائد بر یک قدم نیست ببیند نمازش صحیح است، خواه اتصال از جلو باشد یا از طرف راست و چپ. بلی اگر در صف اوّل طبقات بالا از آن صفی که اگر هم کف بودند اتصال حاصل بود کسی را نبینند نماز آنها باطل است و اگر یک نفر از صف پائین را که به واسطه او اتصال حاصل است ببیند نماز صحیح است و هم چنین است

حکم در سایر طبقات.

س

- آیا برای مأموم، جائز است که در رکعت دوم وقتی امام، سوره (قل هو الله احد) را تمام کرد (كذلك الله ربّي) بگوید یا نه؟.

ج

- اگر امام سوره (قل هو الله احد) را بلند بخواند و مأموم بشنود و (كذلك الله ربّي) بگوید، نماز باطل نیست لکن احتیاطا قصد ورود نکند و فرقی بین رکعت اول و دوم هم نیست.

س

- در نامه قبلی عرض کردم: از ظواهر روایات، استفاده می‌شود که

صفحه : ۲۳۳

هر کس سوره توحید را قرائت کند جائز است (كذلك الله ربّي) بگوید و لکن بحث و سؤال بنده در این بود که مأموم هم می‌تواند بگوید یا نه؟ جناب عالی مرقوم فرمودید که بعنوان مطلق ذکر اشکال ندارد و به عنوان ورود نگوید فرمایشی بسیار متین است اما این جمله، ورودش فقط بعد از سوره توحید، برای قاری سوره است و به مناسبت حکم و موضوع و به مناسبت معنی ذکر مزبور، استفاده می‌شود که مطلق ذکر، شامل آن نمی‌شود. مضافا که اگر بعنوان مطلق ذکر، جائز باشد لازمه‌اش اینست که در هر موضع از مواضع نماز، جائز باشد و حال آن که بلا شبهه جائز نیست و مسلما حضرت عالی هم جائز نمی‌دانید پس آن چه در ذهن قاصر حقیر خلجان می‌کند اینست که ذکر مذکور، از مصادیق مطلق ذکر نیست و ظاهر معنی طوری است که نمی‌شود استفاده ملاک، از آن نمود تا در همه مواضع سریانش بدهیم و تعدی هم ممکن نیست (لأن التعدی من مورد إلی مورد یحتاج إلی دلیل او إلی احراز الملاک) و مقام، فاقد هر دو است اما فقد دلیل، چون روایات وارده، ظهور بلکه صراحت دارد در قاری توحید، و مأموم، خارج است و رفع ید از ظهور یا صراحتش صحیح نیست و اما فقد ملاک، چون ذکر مذکور، لازمه‌اش آنست که مسبوق به جمله‌ای باشد که مربوط بهم و مناسبتی بین سابق و لاحق باشد و این مناسبت هم که نیست علی هذا دست ما از همه جا کوتاه است ناچار باید تمسک به ذیل احتیاط بجوئیم، فالظاهر للمأموم بر سبیل احتیاط، ترک ذکر مزبور است اکنون نظر مبارک را بیان فرمائید.

ج

- آن چه در جواب، عرض شده بیش از این نیست که: امام و منفرد چون قاری سوره توحید، هستند می‌توانند بقصد ورود بخوانند، و اما مأموم اگر بقصد رجاء بگوید مانعی ندارد و لازمه این بیان این نیست که در هر موضع از نماز اگر این جمله را بخوانند صحیح باشد بلکه در اینجا که امام، سوره توحید را می‌خواند مأموم بقصد ذکر و اشاره بما قرء الامام، (كذلك الله ربّي) بگوید اشکال ندارد. چنانچه فرضا اگر امام یا دیگری آیه الله لا إله إلا هو الحي القيوم خواند مأموم بقصد مطلق ذکر بگوید (كذلك الله ربّي) نیز اشکالی بنظر نمی‌رسد. مع ذلك، این نظر حقیر است و جناب عالی بخواهید احتیاط کنید مختارید.

س

- نظر به این که حضور در نماز جماعت، بر کسی که نمی‌تواند حمد و

صفحه : ۲۳۴

سوره صحیح بخواند واجب است تکلیف زن در این خصوص، با در نظر گرفتن این که شوهر، اجازه حضور به جماعت ندهد چیست؟.

ج

- با فرض عدم تمکن از یاد گرفتن نماز صحیح، احتیاط لازم آنست که نماز را به جماعت بخواند و در این صورت، اطاعت شوهر، لازم نیست.

س

- شخصی امام جماعت را در حال تشهد می‌دید ظنّ یا علم پیدا کرد که تشهد آخر است لذا جهت درک ثواب، اقتدا کرد و نشست و بعد معلوم شد که تشهد اول بوده تکلیف او چیست؟ و این فرع را در رسائل عملیه از عربی و فارسی پیدا نکردم؟.

ج

- اگر قصد اقتدا کرده، با امام جماعت، برخیزد و در رکعت سوّم امام، بدون اعاده تکبیره الاحرام، متابعت از او بنماید و به وظائفی که دارد عمل کند.

س

- اگر در نماز جماعت، زن و مرد، در عرض هم قرار گیرند، مردی کنار پرده صف زنانه قرار گرفته که حمد و سوره‌اش صحیح نیست آیا نماز زن‌ها باطل است یا نه؟.

ج

- چون حمد و سوره را امام می‌خواند ضرری به نماز صف زنان، وارد نمی‌شود.

س

- در نماز جماعت اگر ما بین صفوف مرد و زن پرده نباشد جماعت آنان باطل است یا مکروه؟.

ج

- اگر زن‌ها پشت سر مرد‌ها باشند نه باطل است و نه مکروه و اگر صف مرد و زن محاذی باشد بدون حائل و فاصله ده ذراع، مکروه است.

س

- مأموم، در نماز، متوجّه می‌شود که امام جماعت، قرائت حمد را فراموش کرده و این مأموم، نه امام را متوجّه ساخته و نه خودش قرائت را جبران نموده، نماز را با امام، تمام کرده است. اوّلاً وظیفه این مأموم چه بوده و ثانیاً آیا نمازی را که با این وضع، تمام کرده صحیح است یا نه؟.

ج

- اگر در حال قرائت، متوجّه شده نه او را ملتفت کرده، و نه خودش قرائت حمد نموده نمازش باطل است و اگر بعد از دخول در رکوع، متوجّه شده نمازش صحیح است.

صفحه : ۲۳۵

س

- سقوط القراءة عن المأموم رخصة ام عزيمة؟.

ج

- فی الاخفاتیة رخصة فان الاقوى فیها جواز القراءة مع الكراهة و فی الجهریة اذا سمع صوت الامام و لو الهمهمة، فسقوطها عزيمة فلا يجوز القراءة و اذا لم يسمع حتى الهمهمة جاز بل استحباب له القراءة.

س

- وجوب متابعة المأموم هل هو وجوب شرطی او تعبدی و علی الاول لو لم يتابع فی فعل عمدا فهل یوجب ذلك بطلان جماعته رأسا و علی الثاني هل یوجب ذلك بطلان صلاته او الاثم فقط؟.

ج

- وجوبها تعبدی یوجب تركها العمدی الاثم فلو لم يتابع عمدا لا تبطل الجماعة اذا لم یكن مصرّا علی ترك المتابعة فی الافعال الآتیة و لم یصدق علیه بمجرّد تركه المتابعة الكذائیة الخروج عن الجماعة.

س

- اگر در نماز جماعت، مکبر نباشد آیا می شود یکی از مأمومین، بقصد ذکر، تکبیرات نماز خود را بلندتر بگوید که سایر مأمومین، استفاده کرده و به اشتباه نیفتند؟.

ج

- اشکالی ندارد.

س

- آیا نرده های آهنی که در بالکن مساجد هست حایل بین صفوف نماز جماعت محسوب می شود یا خیر؟.

ج

- در صورتی که نرده مشبک باشد جماعت آنهایی که در بالکن نماز می خوانند چه مأمومین زن باشند چه مرد صحیح است و اگر مشبک نباشد و مانع از دیدن امام باشد اقتداء زنها صحیح و اقتداء مردها غیر صحیح است.

س

- در مساجدی که نماز جماعت اقامه می شود و افراد نماز گزار پشت سر امام جماعت، صف کشیده و بهم اتصال دارند، اگر مسجد، طبقه فوقانی داشته باشد که زنها در آنجا نماز جماعت می گزارند، اتصال صف جماعت آنها، به صف طبقه پائین به چه کیفیت است؟.

ج

- اتصال آنها به این است که اگر بالا نبودند و محاذی همان مکان بالا در طبقه پائین قرار داشتند اتصال برقرار بود.

س

- در نماز جماعت در صف اول یک نفر بنحو فردی مشغول نماز

صفحه : ۲۳۶

است آیا حائل به آن صدق می‌کند که مضرّ به اتصال باشد یا خیر؟.

ج

- بوجود یک نفر، صدق حائل نمی‌کند چون مانع از دیدن امام یا مأمومی که امام را ببیند نیست.

شرائط امام جماعت

س

- آیا جایز است کسی که در جبهه یا غیر جبهه است برای وحدت و ترغیب افراد به نماز، امام جماعت شود یا خیر؟ در صورتی که خود را لایق نمی‌داند و گناه کار است ولی برای حفظ نماز و مسئولیتی که به عهده دارد جلو می‌ایستد.

ج

- در صورتی که واجد شرائط امامت جماعت نیست احوط آنست که خود را در معرض امامت قرار ندهد ولی اقوی جواز است.

س

- شخصی که کمرش مقداری خمیدگی داشته باشد بنظر حضرت عالی می‌تواند امام جماعت شود یا خیر؟.

ج

- اگر صدق انتصاب نکند، بنظر حقیر اقتداء، مشکل و احوط ترک است.

س

- اجرتی که بعضی از دوائر دولتی به بعضی از روحانیون که در آنجا اقامه نماز می‌کنند و یا مسأله می‌گویند می‌دهند چه صورت دارد؟.

ج

- اجرت گرفتن صحیح نیست ولی اگر مبلغی قربۀ الی الله بدهند و او هم قربۀ الی الله نماز بخواند اشکال ندارد.

س

- اگر عده‌ای امام جمعه یا امام جماعتی را عادل ندانند آیا شرعا جایز است که بی عدالتی او را در بین مردم منتشر نمایند؟.

ج

- جایز نیست.

س

- کسی که بطور دائم یا موقتاً در اثر کسالت، قادر بر خواندن نماز بطور جهرا نیست، آیا برای شخص قادر، اقتدا به او جائز است یا نه و هم چنین کسی که مقداری از پا و دستش را قطع کرده‌اند که قادر به سجده کامل نیست اقتدا به او جائز است یا نه؟.

ج

- در مفروض سؤال، احوط ترک است.

س

- در تمام رساله‌های عملیه، ذکر شده که مکروه است اقتداء مسافر

صفحه : ۲۳۷

بحاضر و حاضر به مسافر، آیا مقصود، این است که مطلقاً فردی از جماعت بهتر است و یا این اقتدا و اختلاف نماز امام و مأوم نسبت به اقتداء حاضر به حاضر، اقل ثوابا است؟.

ج

- مقصود، این است که اگر مسافر به حاضر اقتدا کند با اختلاف نماز امام و مأوم ثواب این اقتدا و جماعت کمتر است از اقتداء حاضر به حاضر و مسافر به مسافر و در هر حال مزیت جماعت بر فردی محفوظ است.

س

- امام جماعت در مسجد برای شنوای مؤومین، نماز را با بلندگو می‌خواند در این صورت نماز مؤومین اشکال دارد یا نه؟.

ج

- نماز آنان اشکال ندارد.

س

- امام جماعت مسجدی که عدالتش بر ما ثابت شده برای روضه خواندن، در مجالس زنانه، شرکت می‌کند و در خصوص حجاب و سایر امور مذهبی هم به آنان تذکراتی می‌دهد، آیا اقتداء به او جائز است یا نه؟.

ج

- بلی جائز است.

س

- شخصی امام جماعت است و از روی اجتهاد یا تقلید نماز با اغسال مستحبی را بدون وضو، جایز می‌داند، آیا کسی که مقلد مجتهدی است که غسل مستحبی را برای نماز، کافی نمی‌داند به آن امام جماعت، اقتدا کند یا نه؟.

و اگر این مأوم که مقلد مجتهد دیگر است شک کرد که آیا امام، بعد از غسل مستحبی، وضو هم گرفته است یا نه می‌تواند به او اقتدا کند؟.

ج

- جواز اقتداء شخص مذکور، به این امام، موقوف به احراز طهارت او مطابق فتوای مقلد خودش می‌باشد.

س

- اگر امام جماعت، به علتی نمازش باطل بوده، آیا لازم است که به مأمومین اطلاع بدهد تا آنان نماز خود را اعاده کنند و یا لازم نیست اظهار نماید؟.

ج

- اگر بعد از نماز فهمید که نمازش باطل بوده نماز مأمومین صحیح، و اظهار امام، لازم نیست.

س

- اگر شخص بخواهد، امام جماعت شود، باید از مجتهد، اجازه گیرد یا همان توجّه و اعتماد مردم کافی است؟.

صفحه : ۲۳۸

ج

- اجازه داشتن امام جماعت، از مجتهد، معتبر در صحت جماعت نیست، همین قدر که مأمومین، او را عادل بدانند می‌توانند به او اقتدا کنند.

س

- اقتدا به شخص فاسق شیعه به ملاحظه بعض جهات مانند خویشاوندی و رفاقت و نظائر اینها- با توجّه به این که اقتدا موجب حفظ وحدت است و بدین جهت، قصد مأموم، جنبه دینی و معنوی پیدا می‌کند و ضمناً مندوحه هم دارد- چگونه است؟ البته از مرحوم همدانی رضوان الله علیه در مصباح الفقیه استفاده می‌شود که مشکل است.

ج

- اقتداء حقیقی، به امام جماعت فاسق، جائز نیست ولی جواز اقتداء صوری به او به طوری که موجب اشتباه دیگران نباشد و مفسده دیگری مثل ترویج باطل، بر آن مترتب نگردد دائر مدار ضرورت است.

س

- اگر کسی یکی از گناهان کبیره را که موجب حدّ شرعی است انجام دهد و پیش از اطلاع حاکم شرع، توبه کند می‌تواند امام جماعت شود؟.

ج

- اشکال ندارد.

س

- آیا امامت و اقامه جماعت را برای بنده - با در نظر گرفتن این که مردم اظهار تمایل به این موضوع می‌کنند- تجویز می‌فرمایید یا

نه؟.

ج

- امام جماعت علاوه بر عدالت باید مسائل نماز را خوب بداند. حال اگر شما مسائل نماز را خوب می‌دانید و مردم هم شما را عادل می‌دانند می‌توانند به شما اقتدا کنند و اگر کاملاً وارد مسائل امامت نیستید امامت شما مشکل است.

س

- اگر حالی به امام جماعت، دست دهد که قادر بر ادامه جماعت نباشد تکلیف مأمومین چیست؟.

ج

- در صورتی که برای امام، حالی پیش آید که فاقد شرط جواز اقتدا بشود مأمومین می‌توانند یکی از خودشان را - که واجد شرائط امامت و در صف اول باشد - جلوتر ببرند و در اقتدا، عدول به او کنند و می‌توانند نماز خود را فرادی نمایند.

س

- اگر مأموم، در رکعت آخر امام، اقتدا کند آیا جائز است که پس از پایان این نماز، امام نماز دیگر خود را به همین مأموم، اقتداء کند یا نه؟.

صفحه : ۲۳۹

ج

- در فتاوی فقهاء عظام، به این فرع برخورد نکرده‌ام ولی به حسب ظاهر عمومات، مانع ندارد اگر چه احوط، ترک است.

س

- شخصی در حین خواندن حمد، اکثر اوقات، بین غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ و لَا الضَّالِّينَ فاصله زیادی می‌دهد، البته ایجاد این فاصله، و وقف زیاد، برای این شخص، غیر اختیاری است به طوری که اراده می‌کند اما نمی‌تواند کلمات مذکور را بدون وقفه ادا کند، که این حالت شاید وسواس باشد، آیا چنین شخصی می‌تواند امام جماعت شود یا نه؟ و در صورتی که گاهی اوقات می‌تواند نماز را خوب بخواند باز به امید خوب خواندن، امامت جایز است یا نه؟.

ج

- اگر فاصله منافی با موالات نباشد نماز صحیح است و می‌تواند با وجود سائر شرائط امامت جماعت، نماز جماعت بخواند و اگر منافی با موالات باشد امامت او صحیح نیست.

س

- می‌گویند دعا‌های روزهای ماه مبارک رمضان، که در مفاتیح ذکر شده، توسط صوفیها تحریف گردیده، آیا این گفته، صحیح می‌باشد و ضمناً اگر این گفته‌ها را امام جماعتی بگوید، و قبول هم داشته باشد، می‌توان به آن امام جماعت اقتدا نمود یا خیر؟.

ج

- خواندن دعاهاى مورد سؤال، بقصد رجا مانع ندارد، و نسبت مذکوره، مسلّم نیست، و اگر امام جماعت، عقیده‌اش تحریف آن دعاها باشد، مضرّ به عدالت نیست.

س

- شخص عالم اعمی، از جهت شبهه در کیفیت تطهیر بدن و لباسش، آیا جایز است امام جماعت باشد یا خیر؟ و نیز اعمی بودن مانع امامت هست یا خیر؟.

ج

- در صورتی که واجد شرائط امامت جماعت باشد، اشکال ندارد و بینایی شرط نیست.

س

- اگر امام جماعت دندانهای خود را کشیده و به واسطه نداشتن دندان، بعضی از حروف را نمی‌تواند صحیح ادا کند، آیا در چنین حالی می‌تواند امامت کند یا واجب است دندان مصنوعی بگذارد، و برای نماز شخص خودش چه

صفحه : ۲۴۰

صورت دارد؟.

ج

- در فرض سؤال برای اشخاص صحیح القراءه امامت او صحیح نیست ولی برای خود او تا وقتی دندان ندارد مجزی است، و چنانچه با دندان گذاشتن بتواند نماز را صحیح بخواند واجب است دندان بگذارد.

س

- شخص غریبی در شهری وارد شد و برای اداء نماز بمسجد رفت و دید جماعت بر پا شده ولی این شخص، امام جماعت را نمی‌شناسد آیا می‌تواند به آن امام جماعت، اقتدا کند یا نه؟.

ج

- تا احراز عدالت امام جماعت را نکند اقتدا جائز نیست لکن اگر از اقتداء جمعی از مؤمنین ظاهر الصّیّاح، اطمینان به عدالت امام پیدا کرد جائز است.

س

- نماز خواندن پشت سر آقایان اهل علم و روحانیونی که از طرف اوقاف به حج می‌روند چه صورت دارد؟.

ج

- دخالت اداره اوقاف، در امور دینی، غیر مشروع است و کسی که معلوم باشد که مزدور اوقاف است و از آن اداره، ارتزاق می‌کند به او اقتدا نکنید ۱.

س

- در حاشیه عروه الوثقی راجع به امامی که خود را عادل نمی‌داند فرموده‌اید: در صورتی که در شک رجوع به مأمومین نماید،

احتیاط به اعاده نماز، ترک نشود، بفرمایید وجه این احتیاط چیست و نیز بفرمایید آیا احتیاط مذکور در صورتی هم که امام خود را معرض قرار نداده باشد لازم الرعایه است یا خیر؟.

ج

- وجه احتیاط این است که جماعت بودن نماز امام غیر عادل، مسلم نیست و محتمل است فردی باشد، هر چند نماز مأمومین، محکوم به جماعت باشد و منفرد باید در شک، به وظیفه خود عمل نماید و جایز نیست به دیگری رجوع کند و در احتیاط مذکور فرقی بین معرض قرار دادن یا ندادن نیست.

س

- آیا زنی که مستحاضه نیست می‌تواند به زنی که مستحاضه است و خونش بند نمی‌آید اقتدا کند یا نه؟.

ج

- احوط، ترک اقتدا است.

س

- امام جماعتی در اثر تصادف با ماشین یا حادثه دیگری یک پایش شکسته، حال در اثر شکستگی، یک پای او درست جمع نمی‌شود که برای

صفحه : ۲۴۱

سجود و تشهد و سلام، زانو بزند و باید آن پای شکسته را در سجود و تشهد، کمی بکشد ولی شرائط دیگر، موجود است آیا جایز است که با این حال، امامت نماید یا نه؟.

ج

- اگر وظیفه او نماز مختار است و مثلاً سر انگشت پا را در سجود به زمین می‌گذارد هر چند پاها محاذی با یکدیگر نباشند اقتدا به او صحیح است و اما اگر مثلاً نمی‌تواند سجده مختار را به جا آورد احوط، عدم اقتدا به او است.

س

- ما هو رأيكم في عالم يصلي صلاة الجماعة و عنده عدة بنات غير متزوجات و قد ادركن الشَّيب و هو مع ذلك يتحلَّى بروح الايمان، و العدالة فهل في ذلك اشكال - مع العلم بأن البنات لهنَّ رغبة في الزَّوج - ام لا؟.

ج

- مجرد كون البنات له و عدم اقدامه على تزويجهن لا ينافي العدالة و ليس بمعصية نعم لو وجد الكفو و للبنات رغبة في الزَّوج و لم يأذن الوالد سقط حقه في الاذن و لهنَّ الزَّواج بدون اذنه.

س

- آیا دانشجوی دانشگاه مختلط، که مؤدب به آداب و اصول دینی و اسلامی است می‌تواند متصدی مقام امامت بشود و برای مردم در محیط دانشگاه و یا مساجد، نماز بخواند و تشکیل جماعت بدهد یا نه؟.

ج

- شرائط امام جماعت همان است که در رساله عملیه نوشته شده است.
اگر شخص، عدالت هر مؤمن صحیح الاعتقادی را احراز کرد، می تواند به او اقتدا نماید.

س

- با شخص وسواسی - که مثلاً کلمه‌ای را چند مرتبه تکرار می کند- می شود نماز جماعت خواند یا نه؟.

ج

- با علم به این که تکرار، از جهت وسواس است احتیاط، ترک اقتدا به اوست.

س

- شخصی که بعضی از مواضع سجده‌اش مانند انگشت ابهام پایش مقطوع و بریده است می تواند امام جماعت بشود یا نه؟ و آیا می تواند نماز استیجاری بخواند یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، احوط آنست که امامت نکند و برای قضای نماز غیر

صفحه : ۲۴۲

نیز اجیر نشود و لکن می تواند در هر دو مورد رجوع به دیگری نماید.

س

- یک نفر از اهل علم وارد شهر یا قریه‌ای می شود اهالی که او را نمی شناسند آیا می توانند به او اقتدا کنند یا نه؟.

ج

- در صحت اقتدا، وثوق و اطمینان به عدالت لازم است و ممکن است با همان معاشرت با او اطمینان، حاصل شود و یا تحقیق نمایند.

س

- امام جماعت مسجدی هنگام غیبت یا مسافرت، کسی را برای امامت در آن مسجد به جای خودش تعیین نمی کند ولی شخصی بدون اجازه و اطلاع امام، در مسجد مذکور، امامت و نیابت می کند، آیا اقتداء مردم به او صحیح است یا نه؟.

ج

- بلی چنانچه عادل باشد امامت او جایز و اقتدا به او صحیح است.

عادل به چه کسی گفته می شود

س

- عادل به چه اشخاصی می‌گویند؟.

ج

- کسی که روئے، از گناهان کبیره و از اصرار بر صغیره، اجتناب کند و از آن چه منافعی با مرّوت است پرهیز نماید، عادل است.

س

- معنی منافیات مرّوت چیست؟.

ج

- یعنی هر چیزی که ارتکاب آن دلالت بر پستی نفس و کمی حياء و بی‌مبالاتی در دین می‌کند.

س

- اصرار بر گناهان صغیره به طوری که مضرّ به عدالت و داخل در کبیره شود یعنی چه؟.

ج

- اصراری که موجب دخول صغیره در کبیره است مداومت بر معصیت بدون تخلّل توبه است و بعید نیست که عزم بر عود به معصیت بعد از ارتکاب آن نیز، اصرار بر صغیره باشد هر چند خود معصیت را مرتکب نشود خصوصاً اگر عزم بر عود در حال ارتکاب معصیت اولی باشد بلکه بعید نیست اگر عزم بر عود هم نداشته باشد ولی از معصیت اولی توبه نکرده باشد، نیز، اصرار بر صغیره محسوب شود.

امام راتب

س

- در محلی یک مسجد است و امام جماعتی، هر سال در ماه

صفحه : ۲۴۳

مبارک رمضان و غیر آن در مسجد مزبور، نماز جماعت می‌خواند ولی تمام سال را در آنجا نمی‌ماند و هر وقت به آن محلّ آمده اقامه جماعت نموده، آیا این شخص، امام راتب آن مسجد، محسوب می‌شود یا نه؟ و تا اعراض نکرده دیگری می‌تواند در آن مسجد، اقامه جماعت بکند و اگر دیگری اقامه جماعت نمود نماز امام و مأومین، چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض مسأله، اگر امام مفروض، همیشه ماه مبارک رمضان، در آن مسجد، اقامه جماعت، می‌کند، امام راتب ماه مبارک رمضان است و امام راتب، از غیر راتب، اولی است و لکن حرام نیست که امام دیگر نماز بخواند و اگر با وجود امام راتب، امام دیگر نماز خواند نماز امام و مأوم هر دو صحیح است.

س

- مسجدی در محلی ساخته شده، اهالی، هر کدام به نوبه خود در ساختمان و زمین مسجد، شرکت کرده‌اند و عالمی که مورد وثوق

همه مراجع تقلید وقت است انتخاب کرده‌اند و پنج سال است در آن مسجد نماز می‌خواند، اخیراً چند نفر که کمک کرده‌اند می‌گویند، ما به سهم خود راضی نیستیم این عالم در مسجد نماز بخواند و امام راتب باشد، آیا این اشخاص می‌توانند مانع شوند یا نه؟.

ج

- کمک بمسجد موجب حق ممانعت از نماز خواندن عالم عادل نیست (أعاذنا الله من شر الشيطان).

س

- مسجدی مشرف به خراب شدن بود، یک نفر از آقایان روحانیون متصدی شد که مسجد را تعمیر نماید، پولی را جمع آوری و مسجد را بطور کامل بنا کرده و مدتی هم خودش در آنجا اقامه جماعت نموده است و بعد از مدتی به علتی جماعت او تعطیل شد، شخص دیگری بدون اجازه و اطلاع امام راتب، در آن مسجد، تشکیل جماعت داد حال آیا با وجود امام راتب که متصدی امور ساختمان مسجد هم بوده تشکیل جماعت، برای شخص دوم جایز است یا نه؟.

ج

- امام راتب، اولویت دارد. بالخصوص در این مورد که زحمت ساختمان مسجد را هم متحمل شده باشد و ممانعت کردن از او خلاف اخلاق است. لکن اولویت در این مقام، به معنای عدم جواز امامت غیر، نیست و بسیار مناسب بلکه لازم است که این گونه تشاح‌ها اگر برای کسب ثواب بیشتر حاصل

صفحه : ۲۴۴

می‌شود طبق اولویتهای مذکور در عروه، مرتفع سازند و اگر خدای نخواستہ برای غرض دنیوی باشد یا مأمومین برای غرض دنیوی یکی را بر دیگری مقدم بدانند باید از خشم خدای بترسند و نماز و عبادت را به غرض دنیایی آلوده نسازند (قال الله تعالی و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم).

اگر امام جماعت یک نماز را در دو محل به جماعت بخواند

س

- امام جماعت، مقلد مرجعی است که جایز می‌داند امام، نمازی را که در مسجدی خوانده همان نماز را در مسجد دیگر با جماعت دیگر بخواند ولی مأمومین مسجد دوم، مقلد مرجع دیگرند که جائز نمی‌داند، حال آیا مأمومین مسجد دوم، می‌توانند به آن امام، اقتدا کنند یا نه؟.

ج

- اگر مرجع مأمومین دوم، جایز نمی‌داند، اقتدا جایز نیست و اما اگر فتوا نداده بلکه احتیاط، کرده جایز است. در این احتیاط، به مرجعی که اقتدا را جایز می‌داند رجوع کنند.

س

- امام جماعتی در دو محل نماز می‌خواند، آیا شخصی که همیشه ملازم اوست می‌تواند به همین امام، در هر دو محل، اقتدا کند یا

نه؟.

ج

- شخص همراه، می‌تواند نماز قضا را به نماز معاده امام، اقتدا نماید و نیز اگر همان نمازی را که به جماعت خوانده بار دوم رجاء اقتدا کند مانعی ندارد. بلی اگر به قصد استحباب اعاده، همان نماز را بخواند جایز نیست مگر آن که احتمال خللی در نماز اولش بدهد که در این صورت، اعاده آن نماز، احتیاطاً - چه فردی باشد چه جماعت - جایز است.

نماز فردی در محلی که نماز جماعت منعقد است

س

- هنگامی که نماز جماعت، منعقد است کسانی فردی نماز می‌خوانند، آیا نماز آنان صحیح است یا نه؟.

ج

- اگر نماز فردی خواندن، تفسیق عملی امام باشد نماز، باطل است.

س

- فردی خواندن نماز در محلی که جماعت منعقد می‌باشد چطور است؟.

ج

- صحّت نماز فردی در محلی که نماز جماعت منعقد و فردی خواندن،

صفحه : ۲۴۵

موجب یا موهّم تفسیق امام جماعت باشد مورد اشکال است.

س

- زید المحترم لدى الناس دخل مسجدا، فصادف انعقاد جماعة بإمامة من يعتقد زيد بعدم عدالته او عدم صحّة قرائته او بأى موجب لعدم جواز الايتام به و الناس يعتمد على رأى زيد فاذا صلّى هو تقيّة او شكلياً خلف الشّخص المذكور فان المؤمنين سيعتبرون ذلك توثيقاً و اثباتاً لجواز الايتام فهل يجوز لزید حينئذ الايتام؟
والأفهل يخرج ام يصلّى منفرداً مع اثر الالهانة المترتب على ذلك.

ج

- الخروج من المسجد فى الصورة بحيث لا- يستند إلى وجود الامام اولى، اذ الانفراد يوجب تفسیق الامام و الاقتداء ترويج للباطل بنظره هذا اذا كان الامام بنظر المأمومين جامعاً لشرائط الامامة.

س

- اگر در صف جماعت نماز، شخصی قصد نماز خود کند، و در قیام و قعود با جماعت هم آهنگ باشد اشکال دارد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال، اگر این عمل از جهت تقیه و واجد نبودن امام، شرائط امامت را باشد، عیبی ندارد، و در غیر این صورت ترویج باطل و نفاق است و بعد در صورت تمکن نماز را اعاده نماید.

س

- در محلی که اقامه جماعت شده است، شخصی فرادی نماز می‌خواند و قصد توهین به امام را هم ندارد، لکن توهین قهری است، آیا در این صورت، شخص منفرد فقط گناه کرده یا نمازش نیز باطل است؟.

ج

- در صورتی که توهین قهری باشد جایز نیست و نماز باطل است. بلی اگر شخص، جاهل یا غافل باشد نماز صحیح است.

س

- اگر شخصی امام جماعت مسجدی را عادل نداند و وارد مسجد شود و ببیند که نماز جماعت می‌خوانند آیا به جهت فضیلت اول وقت یا تقیه می‌تواند در صف جماعت ایستاده و نماز خود را فرادی بخواند، ولی با جماعت به رکوع و سجود رود یا نه؟ و اگر جایز باشد می‌تواند قرائت نماز مغرب و عشا را آهسته بخواند یا خیر؟.

ج

- هر گاه امام جماعت را عادل نمی‌داند نمی‌تواند اقتدا کند و اگر بنحو انفراد هم بخواند و مردم متوجه شوند و عمل او ظاهر در تفسیق امام باشد نمازش

صفحه : ۲۴۶

اشکال دارد و قرائت نماز مغرب و عشا را در مورد سؤال نمی‌شود آهسته خواند.

نماز جماعت با عامه

س

- نماز واجب را با جماعت عامه خواندن - با توجه به این که علاوه بر عدم عدالت، شرائط دیگر را هم رعایت نمی‌کنند، مثلاً اتصال را شرط ندانسته و شنیدن صدای امام را به وسیله بلندگو کافی می‌دانند - جایز و مسقط تکلیف است یا نه؟.

ج

- شرکت در جماعت عامه، در حال اختیار، خوب است، لیکن نماز را اعاده نمایند و در حال اضطرار و تقیه - با مراعات شرائطی که مورد تقیه نیست - نماز خواندن با آنان کافی و بی اشکال است.

س

- در رساله شریفه فرموده‌اید که امام جماعت باید دوازده امامی باشد اکنون کسی که در حال تقیه و ضرورت، اقتدا به امام جماعت اهل سنت می‌کند چرا نباید نمازش را اعاده نماید؟.

ج

- در حال تقيه اگر مندوحه دارد باید اعاده کند و اگر مندوحه ندارد نمی‌تواند اعاده نماید و مجزی است و دلیل آن اخبار تقيه است.

صفحه : ۲۴۷

مسائل نماز جمعه

وقت نماز جمعه

س

- وقت نماز جمعه را بیان فرمائید.

ج

- وقت آن از اول ظهر است به مقداری که مکلف تمکن داشته باشد آن را به جا آورد با در نظر گرفتن تحصیل شرائط مانند طهارت و اجتماع مردم و غیر اینها بحسب عادت در حالی که تمامی این کارها با رفاهیت انجام شود بدون سستی و مسامحه و بدون تعجیل و اگر وقتی که امور مذکوره، در آن محقق شود بگذرد و نماز جمعه را نخوانده باشد وقت آن گذشته است و واجب است نماز ظهر بخواند.

س

- آیا نماز جمعه، قضا دارد؟.

ج

- نماز جمعه قضا ندارد و اگر وقت آن بگذرد باید نماز ظهر را بخواند.
پس اگر وقت نماز ظهر باقی است ظهر را به نیت ادا می‌خواند و اگر خارج وقت است به نیت قضا.

اذان و خطبه و قنوت در نماز جمعه

س

- اذان جمعه، قبل از خطبه است یا بعد از آن؟ و هم چنین اذان اعلامی و صعود خطیب بر منبر، شرط است یا نه؟.

ج

- آن چه که در تفاسیر و تواریخ ذکر شده این است که وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - برای خطبه جمعه - روی منبر می‌نشستند بلال بر در مسجد، اذان می‌گفت و هنگامی که از منبر فرود می‌آمدند بلال اقامه نماز می‌گفت و روایت شده که هر زمان آن حضرت برای نماز جمعه، بیرون می‌آمدند روی منبر

صفحه : ۲۴۸

می‌نشسته تا مؤذن از اذان فارغ شود. (و لکم فی رسول اللہ اسوۂ حسنۃ).

س

- اذانی که در نماز جمعه، بدعت و حرام می‌باشد، کدام است؟.

ج

- ذکر فی بعض الاخبار و کلمات بعضی الاصحاب انّ الأذان الثالث من يوم الجمعة محرّم و فی بعض آخر، الثانی و الظاهر انّ الزائد علی الوارد اذا اتی بقصد التّوظیف فهو بدعۃ محرّمۃ من غیر فرق بین الجمعة و غیرها و لعلّ ما فی الاخبار للتّنبیه علی انّ ما تداول من زمان الثالث من احد مصادیق البدعۃ.

س

- اقل واجب خطبه، در صلاه جمعه چیست؟.

ج

- در صلاه جمعه، دو خطبه، واجب است - و باید مانند سائر عبادات، بقصد قربت، خوانده شود- و بدون آن، نماز جمعه، صحیح نیست و واجب است در هر یک از آنها حمد خداوند متعال، و احوط آنست که بلفظ (الحمد لله) باشد و واجب است در خطبه دوم صلوات بر پیغمبر و آل پیغمبر (صلوات الله علیهم اجمعین) بلکه احوط در خطبه اول نیز وجوب آن است و واجب است موعظه در خطبه اول، و در خطبه دوم نیز احتیاطا ترک نشود و واجب است قرائت سوره خفیه در خطبه اول و دوم نیز ترک نشود و احوط، اضافه صلوات بر ائمه مسلمین و استغفار برای مؤمنین و مؤمنات در خطبه دوم است. و در آن چه ذکر شد مسمی کفایت می‌کند و احوط آنست که عربی باشد بلی اگر عدد افرادی که استماع خطبه بر آنها واجب است غیر عرب باشند و عربی را نفهمند، احوط تکرار موعظه بلسان خود آنها است، بلکه لزوم، خالی از قوت نیست به جهت عدم صدق وعظ و وصیت به تقوی، به لسانی که مستمعین، معنای آن را نفهمند.

س

- استماع خطبه، بر مأمومین واجب است یا نه؟ و آیا در حال خطبه خواندن امام جمعه، جائز است مأمومین ذکر بگویند یا نه؟ و هر گاه کسی در اثناء خطبه امام، نماز مستحبی یا واجبی را بخواند صحیح است یا نه؟.

ج

- احوط در حال خطبه ترک ذکر و نماز مستحبی است بلکه احوط اصغاء و استماع است.

س

- آیا جایز است خطبه نماز جمعه قبل از ظهر خوانده شود یا خیر؟.

ج

- اظهر جواز آن است به طوری که وقتی امام از خطبه فارغ شد ظهر شده

صفحه : ۲۴۹

باشد، لکن احوط تأخیر آن است تا ظهر.

س

- هر گاه امام، نسیانا نماز جمعه را قبل از خطبه‌ها بخواند چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض سؤال نماز جمعه باطل است.

س

- هر گاه امام نماز جمعه را قبل از خطبه‌ها بخواند و پس از اتمام خطبه‌ها، متوجه اشتباه خود شود، آیا اعاده نماز جمعه کافی است یا باید خطبه‌ها را نیز اعاده نماید؟.

ج

- چنانچه موالات بهم نخورده باشد اعاده نماز جمعه مجزی است.

س

- آیا در حال قرائت خطبه‌های نماز جمعه طمأنینه واجب است یا خیر؟.

ج

- واجب نیست.

مسأله

- مستحب است امام جمعه وقتی بطرف مردم برگشت و می‌خواهد خطبه بخواند به مردم سلام کند و احتیاط مستحب آن است که مستمعین در اثناء خطبه تکلم نکنند.

مسأله

- هر چیزی که ما حی صورت خطبه باشد اگر در اثناء خطبه واقع شود خطبه را باطل می‌کند مانند خوردن یا راه رفتن متعدد به یا فعل کثیر.

س

- آیا لازم است خطبه‌های نماز جمعه، ایستاده انجام گیرد یا در حال نشسته هم خواندن آن اشکال ندارد؟.

ج

- واجب است خطبه‌ها در حال ایستاده خوانده شود.

س

- در صلاة جمعه، قنوت در رکعت اول قبل از رکوع و در رکعت دوم، بعد از رکوع، واجب است یا نه؟.

ج

- اصل قنوت، مستحب است لکن جای آن، در رکعت اول قبل از رکوع و در رکعت ثانیه بعد از رکوع است.

س

- هل يلزم التحدّث ببلغه للنصيحة بالتقوى يفهم المستمعون في الخطبة الاولى فقط ام في الخطبتين؟.

ج

- الاحوط إن تكون الخطبتان، باللّغة العربيّة، إلّا اذا كان المستمعون غير

صفحه : ۲۵۰

عارفين باللّغة العربيّة فلاحتياط البدء بالعربيّة ثم ببلغه المستمعين و لا يترك الاحتياط بالنّصيحة بالتّقوى في كلتا الخطبتين.

س

- اذا كان الامام مشغولا بخطبة الجمعة فسلم عليه شخص قاصدا إياه دون غيره، فهل يكفي ردّ الغير عن الامام؟.

ج

- لا يكفي ذلك.

س

- قصد القرية الذي يجب تحقّقه في كلّ اجزاء الصّلاة و حرّكاتها و طريقة ادائها، هل يشترط في خطبتي الجمعة بكلماتهما و حروفهما و طريقة إلقائهما و سائر ما يتعلّق بهما.

ج

- خطبة الجمعة من العبادات المعتبر فيها قصد القرية بتمام اجزائها.

شرائط امام جمعه

س

- شرائط امام جمعه با امام جماعت، تفاوت دارد، يا خير؟.

ج

- لازم است که امام جمعه، واجد شرایط امام جماعت باشد بعلاوه محتمل است لزوم اذن (ممن له الإذن) و قدرت داشتن بر خطبه خواندن بلسان عربی.

س

- اذا كان امام الجمعة مسافرا فهل تصحّ جمعته و جمعه من يأتيهم به من المتممين او المقصرين؟.

ج

- نعم يجوز للمسافر اقامه صلاة الجمعة إماما او مأموما و تصح منه.

زیادی رکن در نماز جمعه از امام و مأموم

س

- اگر امام، در رکعت دوم نماز جمعه که پس از قنوت باید به سجده رود فراموش کند و به رکوع رود فرموده‌اند نمازش - از جهت زیادی رکن - باطل است، حال وظیفه مأومین را بیان فرمائید و هم چنین اگر مأوم غافلاً بقصد متابعت امام برکوع رفته وظیفه‌اش چیست؟.

ج

- زیادی رکن، چه از امام و چه از مأوم عمد باشد یا سهو موجب بطلان نماز است. بلی در موردی که امام در حال رکوع واجب باشد و مأوم، قبل از او سر بردارد، می‌تواند بقصد متابعت امام برکوع برود. و بناء علی هذا اگر امام رکوع را زیاد نموده نمازش باطل شده و مأومین اگر بتوانند باید دیگری را برای امامت در بقیه

صفحه : ۲۵۱

نماز، مقدّم بدارند و اقتدا به او نکنند و الا جمعه را تمام نموده و نماز ظهر را بخوانند.

س

- اگر در نماز جمعه در رکعت دوم، پس از قنوت، مأوم اشتباها برکوع رود و به اشتباه خود پی برده، و فوراً برخیزد، نماز صحیح است یا باطل؟.

ج

- نماز باطل است.

نماز جمعه مجزی از نماز ظهر هست یا نه؟

س

- مختار حضرت عالی در باب نماز جمعه در این زمان مخصوصاً در آن بلاد و شهرها که اقامه این نماز، در آنجاها از قدیم الایام معمول می‌باشد چیست؟.

ج

- بر حسب اختیار این جانب: با خواندن نماز جمعه، به احتیاط واجب، خواندن نماز ظهر ترک نشود.

س

- آیا اقتدا به نماز عصر امام جمعه، صحیح است یا نه؟.

ج

- اقوی اینست که اقتدا به نماز عصر کسی که نماز ظهر را نخوانده و اکتفا به نماز جمعه کرده صحیح نیست. بلی اگر بعد از

خواندن نماز جمعه، احتیاط کرد و نماز ظهر را هم خواند جایز است که نماز عصر را به او اقتدا کند.

احکام نماز جمعه

س

- در نماز جمعه اگر مأموم به رکعت دوم امام رسید می‌تواند اقتدا کند یا نه؟ و بر فرض اقتدا در رکعت دوم خودش می‌تواند هر سوره‌ای را بخواند یا باید سوره منافقون را بخواند؟.

ج

- در رکعت دوم اقتدا کند و سوره منافقون مستحب است و واجب نیست.

س

- در صورت اقامه جمعه، جایز است دیگران نماز ظهر را به جای آن به فرادی یا به جماعت بخوانند یا نه؟.

ج

- بلی بنظر حقیر جایز است.

س

- تلاوت حمد و سوره در نماز جمعه باید جهرا باشد یا اخفات هم جایز است؟.

ج

- احوط جهرا است.

س

- آیا لازم است کسی که نماز جمعه را نمی‌خواند و می‌خواهد نماز

صفحه : ۲۵۲

ظهر بخواند خواندن ظهر را تأخیر بیندازد تا وقت نماز جمعه بگذرد یا خیر؟.

ج

- لازم نیست ولی اولی و احوط است.

س

- اگر کسی نماز جمعه را خوانده و می‌خواهد احتیاطاً نماز ظهر را هم بخواند آیا شخصی که نماز جمعه نخوانده و می‌خواهد نماز ظهر بخواند می‌تواند به شخص مذکور، در نماز ظهر اقتدا کند یا خیر؟.

ج

- بنا بر احتیاط نمی‌تواند.

س

- در یک مسجد، نماز جمعه، منعقد می‌شود، آیا جایز است در جای دیگری که با آن مسجد، یک فرسخ، فاصله ندارد نیز اقامه نماز جمعه کنند؟.

ج

- در کمتر از یک فرسخ، دو نماز جمعه، صحیح نیست و هر کدام بعد از دیگری شروع کنند، باطل است.

س

- نماز جمعه در احکام شک و سهو و غیر اینها در رکعات و اجزاء رکته و غیر رکته و شرائط و موانع مانند سایر نمازهای واجب است.

س

- اقتداء نماز ظهر به جمعه ابتداء یا در رکعت اخیر چه صورت دارد؟.

ج

- بنظر حقیر، احوط عدم جواز اقتداء ظهر به جمعه است.

صفحه : ۲۵۳

مسائل نماز آیات

س

- باران شدیدی که موجب خوف اکثر مردم باشد، نماز آیات دارد یا نه؟.

ج

- اگر موجب خوف غالب مردم باشد نماز آیات، واجب می‌شود.

س

- در موقع حدوث زلزله یا بادهای شدید که اکثر مردم می‌ترسند اگر شخصی جنب باشد و آن موقع دسترسی به آب نداشته باشد تکلیفش چیست و برای گرفتن ماه و خورشید، شخص جنب چه تکلیفی دارد؟.

ج

- در زلزله موقعی که به آب رسید غسل کند و نماز بخواند و در خسوف و کسوف اگر متمکن از غسل و وضو نباشد، قبل از انقضاء وقت، واجب است تیمم کند و نماز آیات بخواند.

س

- در نماز آیات، جهر و اخفات معتبر است یا هر طور بخواند صحیح است؟.

ج

- مخیر است بین جهر و اخفات.

س

- شخصی از ابتداء تکلیف تا حال نماز آیات نخوانده، مثلاً- چهل سال جاهل بحکم و یا عالم بوده ولی مسامحه کرده، اگر این شخص بخواند نمازهای آیاتی را که در مدت مذکور، به ذمه او آمده تدارک نماید چند نماز آیات بخواند که ذمه‌اش بری شود؟.

ج

- چنانچه علم بمقدار فوت شده داشته و بعد فراموش نموده و یا احتمال بدهد که می‌دانسته و فراموش کرده، واجب است احتیاطاً مقداری بخواند که یقین

صفحه : ۲۵۴

کند زیاده بر آن در ذمه ندارد ولی اگر از اول، غفلت داشته و نمی‌داند چه مقدار به ذمه‌اش آمده به مقداری که یقین دارد بخواند کافی است.

صفحه : ۲۵۵

مسائل نماز عید فطر و قربان

س

- اگر عید فطر، بعد از ظهر، ثابت شد جایز است فردای آن روز قضاء و یا رجاء نماز عید را به جا آورد یا نه؟.

ج

- قضا ندارد لکن رجاء جایز است.

س

- شخصی که در دو محل، امام جماعت است، آیا می‌تواند روز عید فطر نماز عید را در دو محل امامت کند یا نه؟.

ج

- در نماز عید فطر نمی‌تواند در دو محل امام، واقع شود.

س

- یقین به بطلان نماز عید پیدا کردیم دوباره خواندن آن، لازم است یا نه؟.

ج

- نماز عید در زمان غیبت مستحب است و اگر علم به بطلان آن حاصل شود و وقت آن باقی باشد جایز است اعاده نماید.

س

- در نماز عیدین اگر در رکعت اول به قنوت چهارم امام مثلاً برسیم وظیفه چیست؟.

ج

- در فرض سؤال سه تکبیری که با امام نبوده با سه قنوت و لو با یک صلوات بگویند و در رکوع به امام ملحق شود صحیح است.

س

- اگر به رکعت دوم نماز عیدین برسیم وظیفه چیست؟.

ج

- پس از سلام امام، رکعت دوم را خود بصورت فرادی بخواند.

صفحه : ۲۵۶

مسائل نماز و روزه استیجاری

س

- این جانب مقداری قضای روزه به گردنم هست و فعلاً به علت بیماری قدرت بر روزه ندارم و نسبت به آینده هم مأیوس هستم، آیا مجوزی برای استیجار روزه هست یا خیر؟. چون اطمینان دارم بر فرض وصیت، ورثه موفق به انجام نخواهند شد؟.

ج

- نیابت از زنده در قضای نماز و روزه جایز نیست و می‌توانید به شخص مورد اطمینان پولی را صلح نمایید و در ضمن صلح شرط کنید که بعد از فوت برای شما نماز و روزه استیجار نماید.

س

- آیا به وصیت مفقود الاثر می‌تواند عمل نمود یا خیر؟ و نیز می‌شود برای او روزه و نماز استیجار کرد یا نه؟.

ج

- به وصیت مفقود الاثر تا مرگ او معلوم نشده نمی‌توان عمل نمود و استیجار نماز و روزه هم تا زمانی که مفقود الاثر است و هنوز مرگش معلوم نشده صحیح نیست.

سی

- دو نفر خواهر یکی به نام صفیه و یکی به نام زلیخا هر دو وفات نموده‌اند، به نام صفیه وجهی برای یک سال نماز داده شده ولی اشتباها به نام زلیخا به محضر شریف شما تقدیم نموده‌اند، بعد از مدت مدیدی فهمیده‌اند وجه نماز صفیه به نام زلیخا داده شده آیا این چه نحو خواهد بود به نام صفیه محسوب خواهد بود یا خیر؟.

ج

- اگر دهنده پول، پول را واقعا برای منوب عنه داده و اشتباه در اسم

صفحه : ۲۵۷

کرده و عمل نماز هم برای صاحب پول انجام شده عیبی ندارد و اگر گفته باشد برای صاحب نام و به نام او عمل انجام شود مجزی نیست.

سی

- زیدی در نماز استیجاری سهوا چیزی بخورد چه صورت دارد؟.

ج

- اگر چیز کمی بوده و سهوا خورده مبطل نیست.

سی

- کسی که نماز استیجاری به ذمه دارد و در عین این که عقیده بوجوب نماز یومیّه دارد تصمیم به نخواندن نماز یومیّه خود می‌گیرد، آیا می‌تواند نماز استیجاری که بر ذمه دارد ادا کند یا نه؟.

ج

- (نعوذ بالله من ذلک) فرض بعید الوقوعی است ولی اگر چنین کسی پیدا شود نماز استیجاری او صحیح است هر چند به ترک نماز خود، مرتکب گناه عظیم شده است.

سی

- کسی که اجیر شده نماز استیجاری بخواند اگر به ترتیب نخواند مثلا در یک مجلس، سی نماز ظهر و عصر و در مجلس دیگر سی

نماز مغرب و عشا بخواند صحیح است یا نه؟.

ج

- اگر چه ترتیب، بنظر این جانب لازم نیست لکن اشخاصی را که استیجار می‌کنم برای نماز قضاء مؤمنین، هیچ گاه اجازه نمی‌دهم بدون ترتیب بخوانند.

س

- شخصی پیر شده و قادر به گرفتن روزه نیست و روزه قضا بر ذمه دارد و از کسان و بازماندگان امیدوار نیست که بعد از موت او روزه‌هایش را قضا نمایند و یا جهت او اجیر بگیرند، در این صورت در حال حیات خود می‌تواند برای خود اجیر بگیرد که روزه‌های او را قضا نماید یا نه؟.

ج

- در زمان حیات نمی‌تواند برای خود روزه، استیجار نماید.

س

- شخصی متقبل شده که برای چند نفر، صوم استیجاری بگیرد و فعلا در اثر گرفتاری و ضعف، قدرت بر گرفتن آن روزه ندارد، آیا اجازه می‌فرمایید که به دیگری واگذار نماید یا باید خودش مباشرت نماید؟ ضمنا بعضی از ورثه منوب عنه، غائبند و بعضی دیگر از ایشان از این موضوع اطلاع ندارند، تکلیف این شخص را بیان فرمائید؟.

صفحه : ۲۵۸

ج

- راجع به روزه، از هر یک از ورثه که ممکن است بقدر سهم الارث استیدان نماید و با اذن حاکم شرع روزه را استیجار نماید و احتیاطا بمقدار آن مبلغ، بعنوان مظالم، رد کند.

س

- آیا فرزند و هم‌سر این جانب که واجب التفقه من هستند می‌توانند برای کسی که فوت شده نماز و روزه استیجاری در مقابل اجرت انجام دهند یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال می‌توانند اجیر شوند، ولی اگر اجیر شدن زوجه، منافعی با حق استمتاع زوج باشد باید از زوج، اذن بگیرد.

س

- موصی وصیت کرده که از ثلث مالش در راه خیر خرج کنند، آیا وصی می‌تواند از ثلث به یکی از ورثه دهد، تا برای میت نماز و روزه استیجاری انجام دهد، احتیاطاً (در حالی که معلوم نیست نماز و روزه قضا داشته باشد)؟.

ج

- مانعی ندارد.

س

- شخصی جهت نمازهای میتی اجیر شده ولی از وضو گرفتن در اثر جراحت دست، معذور بوده، یک سال گذشت و هنوز عذرش ادامه دارد، می‌تواند عمل استیجاری را با تیمم انجام دهد یا نه؟.

ج

- احوط ترک آن است و در صورت عدم تمکن، احوط تراضی با موجد است با اقاله اجاره.

س

- شخصی ملکی را معین نموده است که بعد از فوت او همه نمازهای از ابتداء تکلیف تا آخر عمرش را استیجار کنند. پس از استیجار نماز، مقداری از وجه، زیاد آمد در این صورت باز استیجارش را مکرر کنند و یا به ورثه برگردانند و بنا بر وجوب ردّ به ورثه، آیا به ورثه زمان فوت میت، برگردانند یا به وارث زمان استیجار؟.

ج

- در فرض مسأله با احتمال عقلائی که اشتغال ذمه او باقی است، نماز، جهت او استیجار کنند و پس از آن اگر آن ملک را ثلث خود قرار داده صرف در امور خیریه بنمایند و اگر وصیت، جهت استیجار صلاّه بوده به ورثه حین الموت می‌رسد.

صفحه : ۲۵۹

س

- زن می‌تواند نماز وحشت بخواند، و هم چنین برای به جا آوردن نماز و روزه، جهت غیر، اجیر شود یا نه؟.

ج

- بلی می‌تواند نماز وحشت بخواند و برای نماز و روزه قضا، اجیر شود.

س

- پسر غیر بالغ مثلاً سیزده ساله که اعتقاد او هم کامل است می‌تواند روزه استیجاری بگیرد یا نه؟.

ج

- احوط عدم اکتفاء به روزه او است چون (اصالة الصَّحَّة) در عمل او جاری نیست. هر چند روزه او صحیح است.

س

- شخصی که روزه قضا از خودش دارد می‌تواند روزه استیجاری بگیرد یا نه؟.

ج

- بلی در وسعت وقت، می‌تواند.

س

- شخصی که روزه کفاره، در گردن دارد و باید متوالیا بگیرد و برای او مقدور نیست آیا جایز است روزه استیجاری بگیرد یا نه؟.

ج

- بلی جایز است.

س

- کسی که از پدر و مادر نماز و روزه قضا به عهده دارد آیا می‌تواند برای خواندن نماز و روزه دیگری اجیر شود یا نمی‌تواند؟.

ج

- با فرض وسعت وقت می‌تواند برای دیگران اجیر شود و الله العالم.

س

- شخصی شغلش روزه گرفتن است، در سال ۱۳۵۹ قرار شد که چهار ماه روزه بگیرد، یک ماه آن را گرفت، و گفت یک ماهی که گرفتم، یک هزار و سیصد تومان می‌شود و سه ماه دیگر هم هر ماهی یک هزار و پانصد تومان می‌شود، و روزه گیر با واسطه این صحبت را می‌نماید، و واسطه هم پنج هزار و هشتصد تومان را از طرف دریافت می‌نماید، شخص روزه گیر ماه دوم را هم می‌گیرد، و به واسطه می‌گوید که شما دو ماه صبر کنید روزه شما را در ماه رجب و شعبان می‌گیرم، چون فضیلتش بیشتر است، موقعی که می‌خواهد دو ماه را شروع نماید، به واسطه می‌گوید روزه گران شده، واسطه می‌گوید که معامله ما تمام شده، شما مشغول روزه گرفتن باش، و اگر خواستی از حاکم شرع مسأله آن را سؤال می‌نمایم، توضیحا این که اجیر با حرف و صحبت قبول کرده که سه ماه را با هر

صفحه : ۲۶۰

ماهی یک هزار و پانصد تومان روزه بگیرد نه صیغه به عربی خوانده شده و نه وجه آن دو ماه را دریافت نموده، وجه پیش واسطه،

امانت بوده، حکم شرعی را بیان فرمائید؟.

ج

- در فرض سؤال اگر بین اجیر و مستأجر صیغه عقد اجاره، چه به فارسی و چه به عربی جاری نشده بر اجیر لازم نیست روزه را به اجرت مذکور بگیرد، و دو ماه باقی مانده باید با رضایت طرفین انجام شود، و اگر صیغه عقد به فارسی یا به عربی جاری شده، اجیر باید مورد اجاره را انجام دهد.

صفحه : ۲۶۱

مسائل روزه

رؤیت هلال و موارد ثبوت اول ماه

س

- اگر در یک جا از پاکستان هلال شوال دیده شود و بطریق شرعی، ثابت گردد آیا لازم است که همه مردم پاکستان، آن روز را عید، قرار دهند یعنی در رؤیت هلال و ثابت شدن اول ماه، اتحاد افق لازم است یا نه؟.

ج

- رؤیت هلال شوال در قسمت مشرق زمین برای مغرب زمین حجت است و در مغرب زمین اگر رؤیت شود برای مشرق زمین، حجت نیست مگر آن که قریب الافق باشند.

س

- اگر رؤیت هلال در شهری ثابت شود، آیا برای شهرهای دیگر هر کجا که باشد- با آن که بین امصار و ممالک از ۱ ساعت و گاهی تا ۱۲ ساعت اختلاف است - کفایت می کند یا نه و خلاصه آیا توافق افق لازم است یا نه؟.

ج

- اگر متوافق در افق باشند- به طوری که اگر در شهری دیده شود در شهر دیگر نیز قابل رؤیت باشد- بی اشکال کافی است و اما کفایت رؤیت در یک مکان برای تمامی اماکن، معنای صحیح آن اینست که رؤیت هلال در یک مکان، برای اماکنی که بعد از آن، روز می شود چه در افق موافق باشند چه مختلف، کافی است و در شهرهایی که حین رؤیت هلال، در اماکن دیگر، روز باشد رؤیت هلال، برای آنجاها که در آن حین روز بوده کافی نیست بلکه روز بعد در آن گونه جاها روز اول ماه است و این معنی را حقیر هم قبلا بعید ندانسته‌ام، مع ذلک احتیاط باید رعایت شود مگر در بلادی که بعد از رؤیت

صفحه : ۲۶۲

- هلال در جائی - شب می شود که قطعا کافی است هر چند قریب الافق نباشند.

س

- در سالهایی که ماه رمضان، سلخ ندارد یعنی سی کم می‌باشد در بعضی از قراء، شب اول شوال، هلال رؤیت نمی‌شود و دسترسی هم بشهر ندارند که استفسار بنمایند در این صورت به خبر منجم و اخبار رادیو می‌توانند اکتفا کنند یا نه؟ ضمناً بعضی قائلند که به وسیله اینها برای ما علم حاصل می‌شود، بفرمایید که آیا اینها دلیل شرعی برای افطار، و اثبات عید می‌شود یا نه؟.

ج

- در صورت حصول علم یا اطمینان که در نظر عرف، علم محسوب می‌شود اشکال ندارد و در غیر این صورت بفرستند به شهر و استفسار نمایند و با عدم تمکن، استصحاب کنند.

س

- در وسائل کتاب صوم ابواب احکام شهر رمضان که سی و هفت باب است در باب سوم می‌فرماید: باب انّ علامة شهر رمضان و غیره رؤیة الهلال فلا يجب الصوم الا للرؤية او مضي ثلاثين و لا يجوز الافطار في آخره الا للرؤية او مضي ثلاثين و انه يجب العمل في ذلك باليقين دون الظن، آن گاه بیست و هشت حدیث بعین همین مضمون نقل می‌فرماید که برای نمونه این یک حدیث را عرض می‌کنم: محمد بن الحسن یاسناده عن علی بن مهزیار عن محمد بن ابی عمیر عن ابی ایوب و حماد عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال اذا رأیتم الهلال فصوموا و اذا رأیتموه فافطروا و لیس بالرأی و لا بالتظنی و لكن بالرؤية و خلاصه، مدلول همه این روایات این است که روزه ماه رمضان واجب نمی‌شود مگر به یقین به ماه رمضان بنا بر این اگر در یکی از بلاد متباعده رؤیت هلال شود برای مردم سایر بلاد از کجا یقین، حاصل می‌شود که در آن بلد، هلال، طالع شده و وجوه استحسانیه‌ای که بعضی از بزرگان در بعضی از رسائل عملیه بیان کرده‌اند اجتهاد در مقابل نص است، غرض حقیر این است که در برابر این اخبار متواتره، چطور می‌شود فتوی داد که اگر در یکی از بلاد متباعده، رؤیت هلال شود برای مردم سایر بلاد، کفایت می‌کند؟ مستدعی است نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید تا مورد استفاده قرار گیرد.

ج

.. لا اشکال و لا نزاع فی انه لا يجب الصوم الا بعد رؤیة هلال شهر الصیام، او مضي ثلاثين يوما من شعبان و لا يجب بل لا يجوز الافطار الا بعد رؤیة هلال

صفحه : ۲۶۳

شوال کما فی الروایات الكثيرة او مضي ثلاثين من شهر رمضان انما الکلام فی ان الرؤیة الموجبة للصوم فی اول الشهر و الموجبة للإفطار فی آخره هل هی الرؤیة فی کل بلد بالنسبة إلی اهله بحيث لو رأینا الهلال فی قم مثلاً لا یکفی لسائر البلاد توافق افقها ام تخالف ام یکفی الرؤیة فی بلد لموافقته فی الافق و متضاربه دون غیرهما کما اختاره فی العروة او یکفی الرؤیة فی بلد لما توافق او تضارب معه فی الافق و لكل بلد یكون بالنسبة إلی بلد الرؤیة غریباً کما اختاره جمع من الاعاظم او یکفی الرؤیة فی بلد له و لكل بلد و أن تخالف افقه مع افق بلد الرؤیة کما اختاره العلّامة فی بعض کتبه و بعض آخر علی ما هو بیالی و اصرّ علیه فی المستند، و المقصود من هذا القول ان الهلال اذا خرج من تحت الشعاع و صار قابلاً للرؤية و رآه الناس فی آخر شعبان فهذه علامة خروج شعبان

و دخول رمضان ففي كل بلد تكون هذه الساعة ليلا تكون هذه الليلة ليلة رمضان و في كل بلد تطلع الشمس بعد هذه الساعة يكون ذلك اليوم يوم رمضان و صاحب هذا القول حمل اخبار الرؤية على الرؤية في مكان ما في العالم دون رؤية نفس المكلف او بلده، هذا في مرحلة الثبوت و اما في مرحلة الاثبات ففي جميع الاقوال يحتاج إلى حصول اليقين او قيام اماره معتبره شرعا و بدونها لا يحكم بوجوب الصوم او الافطار و لعل ما اخرجہ الوسائل في باب ۱۵ من احكام شهر رمضان حديث ۱ تدل على ذلك لأن السائل سأل عن قول اهل الحساب برؤية الهلال في الاندلس و الافريقا فيجب عليه السلام بأنه لا صوم مع الشك و لا يجب بأن الرؤية في البلاد البعيدة لا تكفي و كذا ما اخرجہ في باب ۱۲ حديث ۲ من قوله عليه السلام: فان شهد اهل بلد آخر فاقضه، فإنه مطلق يشمل البلاد البعيدة، و الله سبحانه و تعالى هو العالم.

س

- در تعیین اول ماه رمضان و شوال و محرم اگر طریقی که قابل اعتماد باشد نبود چه باید کرد؟.

ج

- اگر اطمینان حاصل نشود اول ماه رمضان را پس از گذشتن سی روز از رؤیت هلال شعبان و اول ماه شوال را پس از گذشتن سی روز از رؤیت هلال رمضان و اول محرم و ماههای دیگر را نیز پس از گذشتن سی روز از رؤیت هلال ماه قبل، قرار دهند.

س

- اگر شخصی روی اشتها این که روز عید فطر است روزه خود را

صفحه : ۲۶۴

بخورد و پس از رؤیت ماه در شب اول به قرائن و نشانه‌هایی یقین کند که روز گذشته از ماه مبارک رمضان بوده تکلیف او چیست؟ آیا قضا و کفاره دارد یا فقط قضا بر او واجب است؟

ج

- در فرض سؤال اگر از شهرت رؤیت هلال، علم حاصل کند که مثلا امروز عید فطر است و افطار کند و بعد هم علم پیدا کند که روز عید نبوده باید آن روز را قضا نماید و کفاره ندارد و اگر از شهرت، علم حاصل نکرده و افطار نموده و بعد علم بخلاف حاصل کند باید علاوه بر قضا، کفاره نیز بدهد.

س

- اگر حاکم شرع، حکم نکرده ولی به یقین حاکم شرع، روزه خود را خورده چه صورت دارد؟.

ج

- در صورتی که از ثبوت نزد حاکم و علم حاکم، علم پیدا کرده که اول شوال است و افطار کرده و بعد کشف خلاف شده فقط قضا دارد.

س

- اگر بحکم حاکم شرع روزه خود را خورده، تکلیفش چیست؟.

ج

- بنظر این جانب، حکم حاکم نافذ است و قضا و کفاره ندارد، مگر آن که بعد، علم به خطای مستند حکم، حاصل کند که در این صورت فقط قضا دارد.

س

- آیا می‌شود به علم موسمیات و هواشناسی، در تعیین وقت و اول ماه، اعتماد کرد یا نه؟.

ج

- اگر سبب اطمینان شود و استفسار، ممکن نباشد، جایز است، مع ذلک رعایت احتیاط، خوب است.

مبطلات روزه

س

- سیدنا ما تقول فی هذه المسألة: اذا كان رجل صائم یدرس القرآن غلطا وعدّه من الصّائمين حاضرون یستمعون کلامه، فهل یبطل صومه و صوم المستمعين ام لا؟ شکر الله سعیکم و اطال الله عمرکم و دتم حراسا و امانا لديننا الحنيف.

ج

- اما القاری اذا اخبر بأن ما اقرئه قرآن و قرء غلطا عمدا و علما، یبطل صومه و اما اذا قرء غلطا من دون ان یخبر بأن هذا قرآن فبطلان صومه محل اشکال و لا یترک الاحتیاط بترکه و اما اذا قر غلطا بزعم الصّحة فلا یبطل صومه، و اما المستمعون

صفحه : ۲۶۵

فلا یبطل صومهم الا اذا أخبروا بأن ما قرأت قرآن مع علمهم بأنه غلط.

س

- در عروۃ الوثقی و سایر رساله‌های عملیه احتیاط شده به الحاق بخار غلیظ به غبار، در بطلان صوم، آیا مراد از بخار غلیظ، بخار متراکم است یا بخار بعضی از ادویه که از عین دوا تبخیر می‌شود؟.

ج

- ظاهرا همان بخاری است که شبیه دود است و از نزدیک، مرئی و مشتمل بر اجزاء صغار آب می‌باشد.

س

- قصد افطار، مفطر است یا نه و بر فرض مفطر بودن، کفاره دارد یا نه؟ اگر کفاره داشته باشد پس باید سائر مفطرات عمدی، کفاره نداشته باشد زیرا سهوا که مفطر نیست عمدا هم بمجرّد قصد افطار، صوم، باطل می‌شود. پس مفطر بودن اکل عمدی یعنی چه؟.

ج

- نیت افطار و هم چنین نیت مفطر، موجب بطلان روزه هست، ولی از مفطرات نیست، و کفاره وقتی بر مکلف به روزه، واجب می‌شود که مرتکب یکی از مفطرات شود هر چند - از جهت این که قبل از طلوع فجر، قصد روزه نداشته یا در اثناء روزه، نیت مفطر یا افطار را کرده - روزه دار نباشد.

س

- بنده با این که از معلومات عربی بهره‌ای ندارم، چون به حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام علاقه شدیدی دارم مرثیه و مصیبتی می‌خوانم و نمی‌دانم راست است یا دروغ، روزه‌ام در ماه مبارک رمضان با این وضع، چگونه است؟.

ج

- مرثیه و مصیبت، در صورتی که مشکوک باشد، نسبت دادن آن به امام علیه السلام جایز نیست و موجب بطلان روزه است مگر آن که نسبت به کتابی - که در آن نوشته شده است - بدهید.

س

- در باره باطل شدن روزه با رسیدن غبار غلیظ به حلق، اجمال و نقطه ابهامی وجود دارد که آیا حتی شامل موردی می‌شود که غبار غلیظی هست و انسان دهان خود را می‌بندد ولی جلوی بینی را نمی‌گیرد و از راه بینی نفس می‌کشد و غبار داخل حلق می‌شود، آیا در این صورت هم روزه باطل است؟.

ج

- احوط آنست که از راه بینی هم غبار غلیظ را به حلق نرساند.

صفحه : ۲۶۶

س

- در روزه غیر معین، شخص بیدار شد و فهمید که پیش از طلوع، محتلم بوده تکلیف روزه او چیست؟.

ج

- روزه، صحیح است مگر در قضاء رمضان.

س

- روزه خوان بعنوان زبان حال در مثل ماه مبارک رمضان اشعاری می‌خواند و یا قضایائی نقل می‌کند که مطابق با واقع نیست، آیا این کار سبب بطلان روزه است یا نه؟.

ج

- اگر اشعار، بعنوان زبان حال، در مورد مصائب واقع شده، ذکر شود و مناسبت هم داشته باشد عیب ندارد، لکن نقل قضایایی که اصلاً واقع نشده جایز نیست، و اگر به امام نسبت دهند مبطل روزه است.

س

- غلط خواندن قرآن، در ماه مبارک رمضان روزه را باطل می‌کند یا نه؟.

ج

- روزه را باطل نمی‌کند.

س

- شخصی ماه مبارک رمضان را روزه گرفته و در بین روز، کاری را که احتمال می‌داده مضرّ به روزه‌اش باشد انجام داده و بعد از ماه رمضان، فهمید که مضرّ نبوده حال روزه او چه حکمی دارد؟.

ج

- اگر با احتمال مفطر بودن، تحقیق نکرده مرتکب شده، روزه‌اش باطل است و قضا دارد و کفّاره ندارد.

س

- حدیث شریف کساء معروف که از حضرت زهرا علیها سلام نقل شده بنظر مبارک، مورد اعتبار است و در حال روزه داری می‌توان نسبت داد یا نه؟.

ج

- در بعضی روایات، وارد شده و اگر بعنوان این که در بعض کتب، روایت شده، صائم بخواند مانعی ندارد.

س

- اگر در شب روزه، مسکری را مانند شراب، بخورد آیا واجب است که در روز قی کند یا نه؟.

ج

- اگر علم ندارد که در روز برای او، سکر حاصل می‌شود قی کردن، جایز نیست و چنانچه اتفاقاً سکر حاصل شد آن روز را اتمام و قضای آن را نیز به جا آورد و اگر علم دارد که در صورت قی نکردن سکر حاصل می‌شود و با قی کردن

صفحه : ۲۶۷

سکر حاصل نمی‌شود قی کند و آن روز را امساک نموده و قضای آن را نیز به جا آورد.

س

- اگر انسان مکرها و اجبارا در جایی مشغول کار باشد که تصادفاً در آنجا با گرد و خاک روبرو است و به هیچ وجه نتواند خود را از آنجا دور و حفظ کند روزه او صحیح است و یا قضا و کفاره دارد؟.

ج

- اگر اجباری باشد رافع تکلیف است و نیز اگر اجباراً نگذاشتند که مثلاً- جلو دهان و بینی خود را بگیرد، و غبار غلیظ وارد حلق شد، روزه او صحیح است و اما اگر خود او مسامحه در حفظ از غبار نموده روزه او باطل و قضا و کفاره دارد.

ابطال روزه با حرام

س

- اگر کسی بداند که استمناء، روزه را باطل می‌کند و عمداً این عمل را انجام دهد کفاره جمع بر او لازم می‌شود یا نه؟.

ج

- بلی کفاره جمع بر او واجب می‌شود.

س

- شخصی در ماه مبارک رمضان بعد از خوردن سحری، خوابیده و محتلم شده بعد که بیدار شده - چون مسأله را نمی‌دانسته - استمناء کرده اکنون حکم او را بیان فرمائید؟.

ج

- اگر قبل از فجر، استمناء کرده و قبل از فجر نیز غسل کرده، روزه او صحیح است و قضا و کفاره ندارد و اگر قبل از فجر، غسل نکرده و عمداً در حال جنابت صبح نموده روزه‌اش باطل و قضا و کفاره دارد و اگر بعد از فجر، استمناء کرده قضا و نیز کفاره جمع - آزاد کردن بنده و شصت مسکین را طعام دادن و شصت روز روزه گرفتن - بر او واجب است بلی بنده آزاد کردن، چون ممکن نیست ساقط می‌شود.

س

- شخصی بعد از خوردن سحری، خوابیده و استمنا کرده لیکن - با علم بوقوع این عمل بعد از فجر - نمی‌داند که در خواب، این کار را کرده و یا در بیداری، اکنون وظیفه او چیست؟.

ج

- در فرض سؤال، کفّاره و قضاء لازم نیست.

س

- اگر فردی افطار بحرام نماید و کفّاره جمع را هم بدهد (مثلاً در

صفحه : ۲۶۸

حال روزه زنا یا لواط کند) آیا حکم جلد یا تعزیر از وی ساقط می‌شود یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال کفّاره مسقط حدّ یا تعزیر نیست مگر آن که قبل از رجوع بحاکم توبه کند.

احکام جنب در ماه رمضان

س

- هر گاه در شب ماه رمضان مرد با عیال خود در حال خواب جماع کند و زن بیدار نبوده و مرد به او اطلاع نداده تکلیف نماز و روزه آن زن چیست و آیا مرد، معصیت کرده که به زن اطلاع نداده یا نه؟.

ج

- در صورتی که زن، قبل از طلوع فجر صادق، بیدار نشود و یا اگر بیدار شود نفهمد که مرد با او جماع کرده روزه او صحیح است و بر مرد واجب نیست قبل از طلوع، اطلاع دهد بلی برای نماز به او اطلاع دهد که نمازش بدون غسل، باطل است هر چند نداند جنب است.

س

- اگر شخصی در ماه مبارک رمضان با آب نجس، غسل کند پس از یک هفته متذکر شود که آب، نجس بوده نمازهای این مدت و روزه‌اش چه صورت دارد؟.

ج

- باید نمازهایش را قضاء کند و روزه‌اش صحیح است.

س

- کسی که فاقد آب است یا اعدار دیگری غیر از تنگی وقت، که حکم آن، معلوم است دارد که نمی‌تواند غسل کند آیا جایز است که در شب ماه مبارک رمضان، خود را جنب کند یا نه؟.

ج

- گر چه محتمل است که جنب شدن برای ذوی الاعدار با تمکن از تیمم، جایز باشد چنانکه ارتکاز متشرعه بر این است و دعوای اجماع نیز بر آن شده و از اطلاق روایات تجویز جنب شدن در سفر، برای فاقد الماء نیز ممکن است استفاده شود، لیکن چون محتمل است که تشریع تیمم، در صورت عدم قدرت بر تحصیل طهارت مائیه باشد چنانکه ظاهر آیه شریفه فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا این است و حفظ قدرت هم در تکالیف، لازم است لذا احوط آنست که در سایر اعدار نیز اگر به طهارت مائیه طاهر از حدث اکبر است آن را نقض نکند و لیکن اگر نقض کرد تیمم و روزه او صحیح است.

صفحه : ۲۶۹

س

- شخصی در ماه مبارک رمضان به واسطه نگاه کردن به منظره تهییج کننده‌ای جنب شد آیا روزه او باطل می‌شود یا نه؟.

ج

- اگر مطمئن بوده که با نظر مذکور، مبتلا به جنابت نمی‌شود یا غفلت داشته و اتفاقاً جنب شده فقط غسل بر او واجب است و قضا و کفاره ندارد و اما اگر با چنین نظری در معرض جنب شدن بوده و مع ذلک نظر کرده و جنب شده قضا و کفاره هر دو واجب است.

س

- کسی در حال روزه بی‌اختیار، در خواب و بیداری منی از او خارج می‌شود تکلیفش برای نماز و روزه چیست؟.

ج

- خروج منی، بدون اختیار، موجب بطلان روزه نیست و قبل از صبح، اگر وقت غسل دارد غسل کند که عمداً با جنابت، صبح نکند و اگر وقت برای غسل نباشد تیمم کند و روزه او صحیح است ولی نماز به خروج منی، باطل می‌شود باید غسل کند و نماز را دوباره بخواند و اگر غسل، ممکن نیست تیمم کند.

س

- شخص علم دارد که در اثر ملاعبه، منی از جای خود حرکت می‌کند اما قصد دارد از بیرون آمدن آن جلوگیری کند، آیا جایز است که ملاعبه کند یا نه و بر فرض جواز، اگر منی، قهراً خارج شد حکم روزه او چیست و بر فرض عدم جواز، اگر مرتکب شد و همان طوری که قصد کرده جلوی خروج منی را بگیرد، گرفت و خارج نشد روزه‌اش چگونه است و اگر نتوانست جلوگیری کند و خارج شد حکمش چیست؟.

ج

- اگر یقین دارد که تا موقع افطار، منی خارج نمی‌شود، روزه‌اش صحیح است هر چند بدون اختیار، خارج شود.

سی

- اگر کسی در ماه مبارک رمضان سه غسل جنابت کرده مثلاً بیستم ماه و بیست و پنجم و بیست و هفتم بعد یقین پیدا کرد که یکی از سه غسل را باطل انجام داده و نمی‌داند کدامیک از سه غسل است، وظیفه او نسبت به روزه و نماز چیست؟.

ج

- در فرض مرقوم چون تعیّد بر بقا نداشته روزه‌های او، صحیح است و نسبت به نماز، آن چه را یقین تفصیلی دارد که بدون طهارت به جا آورده قضا کند.

صفحه : ۲۷۰

قضاء روزه

سی

- در شرع مقدّس اسلام که دختر، در نه سالگی بالغ می‌شود اگر روزه گرفتن برایش مشکل باشد و افطار کند بعد، قضا لازم است یا خیر؟.

ج

- در صورتی که روزه، مشقّت و حرج باشد افطار نماید ولی بعداً در صورتی که متمکّن شد احتیاط لازم آنست که قضا نماید.

سی

- شخصی در ماه مبارک رمضان بدون توجّه به این که میزان بلوغ، سال قمری است و باید از ابتداء تولّد تا روز بلوغ بحسب سال قمری حساب شود، طبق تاریخ شناس نامه، خیال می‌کرده که بالغ نشده و لذا روزه‌اش را خورده و بعد متوجّه شده که میزان، سال قمری است و طبق سال قمری مدّتی قبل، بالغ و روزه بر او واجب بوده است حال آیا قضا و کفّاره بر او واجب است یا نه؟.

ج

- در فرض مرقوم، وجوب کفّاره بر او معلوم نیست، ولی قضای روزه‌هایی را که افطار کرده باید بگیرد.

اگر در روزه قضا یا مستحبّی سهواً مبطلی به جا آورد

سی

- اگر در قضاء روزه واجب، در وقت موسع، سهوا مبطلی به جا آورده شود روزه چه صورت دارد؟.

ج

- اشکالی ندارد.

س

- اگر انسان، در روزه مستحبی سهوا مبطلی را به جا آورد، روزه او چه صورت دارد؟.

ج

- روزه او صحیح است.

کفاره روزه و موارد وجوب یا عدم وجوب آن

س

- این جانب در سن جوانی بین ۱۶ تا ۲۱ سالگی به علت جاهل بودن، احترام ماه مبارک رمضان را درست نمی دانستم و مدت ۶ سال روزه نگرفتم و بحمد الله قضاء مدت ۶ ماه را گرفته‌ام ولی معیل و از جهت مالی فوق العاده ضعیف هستم، آیا کفاره هم تعلق می گیرد یا خیر؟.

ج

- بلی، کفاره تعلق می گیرد و فعلا در صورت تمکن باید برای هر روز، یا

صفحه : ۲۷۱

دو ماه پی در پی روزه بگیرید یا شصت چارک گندم به شصت فقیر غیر سید بدهید و چنانچه هیچ یک فعلا مقدور نباشد استغفار کنید و اگر بعدا قدرت حاصل شد یکی از دو قسم کفاره را ادا نمایید.

س

- شخصی که اجیر برای قضاء روزه ماه رمضان شده اگر بعد از ظهر افطار کند کفاره دارد یا خیر؟.

ج

- کفاره ندارد.

س

- در کفاره روزه (۶۰ روز روزه یا اطعام ۶۰ مسکین) اگر فرضا قبل از قضاء روزه، کفاره آن را ادا نماید آیا بی اشکال است؟ آیا در

این مورد اولویتی نیست که اول قضا باشد یا کفاره؟

ج

- ترتیبی بین قضا و کفاره نیست.

س

- در کفاره ۲ روز و بالاتر آیا لازم است ۶۰ فقیر با ۶۰ فقیر دیگر متفاوت باشد؟

ج

- لازم نیست، بلی نسبت به کفاره افطار عمدی یک روز، حتما باید به شصت فقیر داده شود و اگر به کمتر از شصت فقیر بدهد مجزی نیست.

س

- شخصی در ماه رمضان چند روزی روزه خود را با حرام باطل کرده و بعد جهت اتیان کفاره، شروع به روزه گرفتن کرده و سی روز روزه گرفته و دیگر برای او مقدور نیست که روزه بگیرد و قدرت مالی هم ندارد، تا اطعام مسکین کند، حال آیا می‌تواند برای هر روز مبلغ شصت ریال مثلا با شخصی، مصالحه کند یا نه؟

ج

- در صورتی که قدرت روزه و صدقه نداشته باشد بهر اندازه که می‌تواند صدقه بدهد و اگر عاجز بود احتیاطا هر اندازه‌ای که می‌تواند روزه بگیرد و استغفار هم بنماید و اگر قدرت بر روزه گرفتن (حتی یک روز) هم نداشت استغفار، کفایت می‌کند.

س

- شخصی روزه ماه رمضان را چون جاهل به مسأله بوده افطار کرده و قدرت بر هیچ یک از کفارات ندارد، اکنون می‌خواهد جهت عروسی فرزندش ولیمه دهد، آیا می‌تواند اطعام مدعّوین را که اشخاص فقیر در بین آنهاست در

صفحه : ۲۷۲

مقابل کفاره روزه حساب کند؟ چه آن که اطعام بعنوان ولیمه، مرسوم است؟

ج

- در فرض مسأله چنانچه آنان را بقصد اعطاء کفاره دعوت کند و آنان را سیر گردانند، به جای کفاره، محسوب می‌شود.

س

- مریضی در اثر این که بیمار بوده و طیب تشخیص داده که روزه برایش ضرر دارد روزه نگرفته لکن بعد از چند سال فهمیده که روزه برایش ضرر نداشته و طیب در تجویز افطار، خطا کرده آیا قضا و کفاره بر مریض واجب است یا نه؟.

ج

- کفاره بر او واجب نیست لکن قضاء آن را به جا آورد.

س

- بر زنی که کفاره شصت روز، روزه واجب می‌شود و باید ۳۱ روز آن را متوالیا بگیرد، با حادث شدن بیماری ماهیانه، تکلیف او چیست؟.

ج

- فاصله شدن زمان حیض، مضرّ نیست و بعد از پاک شدن بلا فاصله روزه بگیرد، توالی لازم، حاصل می‌شود.

س

- کسی که در اثر عذر مثل مرض، ماه رمضان را افطار کرده ولی کفاره مدّ را پول داده آیا دوباره واجب است جنس بدهد؟.

ج

- ظاهراً واجب است طعام بدهد و پول، مسقط تکلیف، نیست.

س

- زنی که در ماه مبارک رمضان مریض بوده و مرض او تا ماه رمضان بعد استمرار داشته و چند روز از ماه رمضان عادت بوده آیا کفاره چند روز ایام عادت را نیز باید بدهد؟.

ج

- در فرض مذکور که مرضش تا ماه رمضان، مستمرّ شده برای ایام عادت نیز کفاره بدهد.

س

- آیا هم چنان که قضاء نماز و روزه پدر و مادر، بر پسر بزرگتر است کفاره روزه‌های ماه رمضان که عمداً افطار کرده‌اند نیز بر پسر بزرگتر واجب است یا نه؟.

ج

- کفاره افطار صوم، بر پسر بزرگتر واجب نیست، و اگر میّت، ترکه‌ای دارد باید از آن ادا شود. بلی چنانچه کفاره متعیّن در صوم

شده باشد بنا بر احتیاط بر پسر بزرگتر واجب است.

صفحه : ۲۷۳

س

- کسانی که مانند «مرضعه قليلة اللبن» باید یک مدّ از طعام بدهند آیا حتما باید گندم و جو بدهند و یا نان هم کفایت می‌کند؟ در رساله مرحوم آیة الله آقای بروجردی قدّس سرّه نقل شده که نان را یک کیلو باید داد اکنون اصل جواز اعطاء نان و مقدار آن را بیان فرمائید.

ج

- گندم و جو، بی اشکال است و نان، یک کیلو به جهت آنست که آردش یک چارک باشد در این صورت إن شاء الله مجزی است.

س

- آیا وجوب اداء مدّ فوری است یا تأخیر آن تا آخر ماه مبارک رمضان و یا تقدیم آن و بعنوان قرض دادن و بعد حساب کردن جایز است؟

ج

- وقت وجوب اداء آن ماه رمضان سال آینده است و در آن وقت وجوب آن فوری است و تأخیر اداء آن به مقداری که تسامح، در عمل به تکلیف نشود جایز است و اگر قرض، طعام باشد می‌توان آن را بعنوان فدیة، محسوب داشت.

س

- آیا کفّاره روزه را می‌توان به واجب التّفقه داد یا نه؟

ج

- اگر فقیر باشند برای غیر نفقه واجبه، مانعی ندارد.

س

- آیا می‌شود مقداری کفّاره روزه رمضان را از میّت به نوه فقیر او داد؟

ج

- بلی جایز است.

س

- شخصی مریض است و اصلاً نمی‌تواند روزه بگیرد معلوم است که باید برای هر روزی را که از ماه رمضان، افطار می‌کند یک مدّ طعام، کفّاره بدهد. حال اگر همین شخص در ماه رمضان مسافرت کرد که اگر بیمار نبود کفّاره مدّ واجب نبود آیا الآن که بیمار است و مسافر، کفّاره مدّ از او ساقط است یا نه؟.

ج

- اگر تا ماه رمضان دیگر بهبود یافت و متمکن از قضا شد، اقوی وجوب قضا است، و با استمرار مرض تا ماه رمضان دیگر، اداء کفّاره مدّ، واجب است.

س

- کسی که در ماه رمضان، با عذر شرعی افطار کرده و می‌خواهد کفّاره مدّ بدهد آیا می‌تواند قیمت گندم را به فقیر بدهد و او را وکیل کند که گندم بخرد یا نه؟.

ج

- بلی می‌تواند فقیر را وکیل کند که برای موکّل، گندم بخرد و از طرف

صفحه : ۲۷۴

او به قصد کفّاره، به خودش بدهد ولی اگر فقیر، این کار را نکند، ذمه موکّل، از کفّاره، بری نمی‌شود.

س

- چوپانی می‌خواهد به گله چرانی برود و از این جهت نمی‌تواند روزه بگیرد و چنانچه نرود گله از گرسنگی از بین می‌رود وظیفه شرعی چیست؟.

ج

- رفتن همراه گله مجوّز افطار نیست و ممکن است کسی را کمک بگیرد و به نوبت استراحت کنند و اگر افطار کرده باشد کفّاره عمد بر او لازم است.

س

- زن و مردی که جاهل مقصّر باشند و در ماه مبارک رمضان با هم جماع نمایند و یا مرد استمناء کند در حالی که احتمال ندهند این کارها مبطل روزه است، آیا کفّاره بر آنها واجب است یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال، مبطل روزه است ولی کفاره ندارد.

س

- کفاره را بعد از ماه رمضان می‌دهند یا قبل از ماه رمضان؟.

ج

- کفاره تأخیر قضاء روزه ماه رمضان را در رمضان سال بعد باید داد.

س

- دانش‌جوئی روزه نمی‌گیرد و می‌گوید که با حال روزه نمی‌توانم درس را حاضر کنم و در امتحان مردود می‌شوم و نتیجه چهار سال یا هشت سال یا بیشتر زحمتم هدر می‌رود. آیا این عذر شرعا مسموع است یا خیر؟.

ج

- درس خواندن و اشتغال به امتحان مجوز افطار نیست و هر چند روز که روزه خورده است باید کفاره آن را برای هر روز شصت روز روزه بگیرد یا شصت مسکین را اطعام نماید و می‌تواند شبها درس بخواند و روز روزه خود را بگیرد.

س

- شخصی مدعی است، با این که دائم در مجالس مذهبی شرکت می‌کردم، کسی بمن نگفت اگر روزه نگرفتید، کفاره دارد اخیرا این مسأله را فهمیدم آیا قاصر است یا مقصر؟.

ج

- در فرض سؤال اگر حرمت روزه خوردن را می‌دانسته هر چند وجوب کفاره را نمی‌دانسته باید کفاره را بدهد.

س

- اگر کسی مریض بوده و روزه خود را افطار کرده بعدها وظیفه او چیست؟.

ج

- اگر در همان سال که مریض بوده سالم شود قضای روزه خود را

صفحه : ۲۷۵

بگیرد و فدیة ندارد و اگر تا ماه رمضان دیگر قضای آن را نگیرد باید علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مدّ - یک چارک - طعام مثل گندم و جو بدهد و اگر بخواهد نان بدهد قدری بیشتر بدهد و دادن پول نان، کافی نیست و مصرف آن، فقیر غیر سید است. و

اگر مرضش تا ماه رمضان سال آینده طول کشید قضا ساقط است ولی باید برای هر روزی یک مدّ طعام بپردازد.

س

- در کفّاره جمع که دسترسی به عبد نیست بدل آن وارد است و یا اصلاً ساقط می‌شود؟.

ج

- بدل ندارد و ساقط می‌شود.

س

- زنی به علّت بیماری، از گرفتن روزه معذور است و تا ماه مبارک آینده قدرت به انجام آن ندارد در این صورت کفّاره به عهده شوهر است یا زن، در صورتی که خود زن دارای مستغلات و درآمد سالیانه است؟.

ج

- به عهده زن است و فرق نمی‌کند که دارای مال باشد یا نباشد.

س

- شخصی ده روز قضاء ماه رمضان به ذمه دارد، از بیستم شعبان شروع به گرفتن روزه می‌کند در این صورت عمداً قبل از ظهر یا بعد از ظهر می‌تواند روزه را افطار نماید یا نه و هر گاه افطار کرد کفّاره آن قبل از ظهر و یا بعد از ظهر چه مقدار است؟.

ج

- قبل از ظهر، افطار روزه قضاء ماه رمضان کفّاره ندارد اگر چه وقت هم تنگ باشد لکن در این صورت معصیت کرده است ولی بعد از ظهر، کفّاره دارد و کفّاره آن، اطعام ده مسکین است که بهر مسکینی یک مدّ طعام بدهد و با عجز از آن باید سه روز روزه بگیرد.

س

- در سفر معصیت چنانچه روزه دار روزه خود را عمداً افطار نماید آیا فقط قضا و کفّاره لازم است یا کفّاره جمع، در هر صورت حکمش را بیان فرمائید.

ج

- افطار عمدی در سفر معصیت، مثل افطار عمدی در حضر است و قضا و کفّاره هر دو لازم است و کفّاره جمع بر او نیست بلی اگر به چیز حرامی افطار کند کفّاره جمع لازم می‌شود.

روزه مسافر

س

- اگر روزه دار صبح از وطن خود، مسافرت نماید و قبل از زوال هم به وطن برگردد می‌تواند نیت روزه کند یا نه و به عبارت دیگر، با مسافری که از روزهای قبل در سفر بوده و قبل از زوال، به وطن برگردد و مفطری بعمل نیاورده باشد، که باید نیت روزه کند یکسان است یا نه؟.

ج

- اگر چه در کلمات علماء اعلام، به فرض مذکور بالخصوص برخورد نکردم لکن بر حسب اطلاعات اخبار و اطلاق بعض فتاوی مسافری که قبل از ظهر، مراجعت کند و به وطن یا محل اقامه، برسد و مفطر بعمل نیاورده باشد واجب است نیت روزه نماید و روزه او صحیح است و سفر کردن و در سفر بودن هر دو با صحت صوم، منافی است از جهت عدم امر و عدم قصد، و مطابق اخبار، هر دو قسم مسافر اگر قبل از ظهر برسند امر دارند و قصد این وقت، کافی است.

س

- شخصی در ماه مبارک رمضان، صبح از منزل حرکت می‌کند و از حد مسافت می‌گذرد و قبل از ظهر برمی‌گردد البته گاهی، از شب، تصمیم مسافرت را دارد و گاهی در روز، این تصمیم را می‌گیرد، اکنون حکم هر دو فرض را بیان فرمائید.

ج

- در هر دو فرض، بعد از مراجعت به وطن، اگر در سفر، مفطر به جا نیاورده قصد روزه نماید و روزه او صحیح است.

س

- اگر انسان، در ماه مبارک رمضان، بعد از ظهر، از وطن خودش حرکت کرده و مسافرت نماید و بعد از انجام کار، در همان روز به وطنش مراجعت کند روزه اش صحیح است یا نه؟ و آیا قضا دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، روزه، صحیح است و قضا، واجب نیست و لکن اگر از شب، قصد سفر داشته احوط، قضاء آنست هر چند مراعات آن، لازم نیست.

س

- شخصی بعد از ظهر از جائی که قصد اقامه نموده، به سوی وطن خود حرکت کرده ولی در همان روز به وطن اصلی نرسیده روزه این شخص، چه صورت دارد؟.

صفحه : ۲۷۷

ج

- در فرض مسأله که بعد از ظهر از محل اقامه خود حرکت کرده، روزه او صحیح است و اگر روز بعد، مفطر بعمل نیاورده باشد و قبل از ظهر به وطن خود برسد باید قصد روزه کند و روزه او صحیح است.

س

- شخصی در ماه مبارک رمضان بعد از ظهر، مسافرت می‌کند که روزه‌اش صحیح باشد در این صورت می‌تواند قبل از ظهر از منزل حرکت کند و خروج از حدّ ترخص، بعد از ظهر باشد یا این که لازم است بعد از ظهر از منزل حرکت کند؟.

ج

- در صورتی که شروع به مسافرت قبل از ظهر باشد و خروج از حدّ ترخص بعد از ظهر، احتیاط لازم جمع بین گرفتن روزه و قضای آن است.

س

- آیا مراد از ظهر که اگر مسافر قبل از ظهر حرکت کند روزه‌اش باطل و اگر بعد از ظهر حرکت کند روزه‌اش صحیح است ظهر حقیقی است؟.

ج

- بلی مقصود ظهر حقیقی است یعنی زوال شمس از دایره نصف النهار.

س

- اگر روزه دار از کشوری به کشور دیگر مسافرت نماید که کاملاً از نظر افق، تفاوت دارند مثل این که از ایران دو ساعت یا کمتر به افطار مانده حرکت کند اما وقتی که در آمریکا پیاده می‌شود ده ساعت یا کمتر مثلاً به وقت افطار مانده است البته امکان دارد که در بین راه به جایی برسد که تساوی افق با ایران یا شهری که از آنجا بقصد آمریکا حرکت نموده داشته باشد در موقع ورود به آمریکا وظیفه این مسافر چیست؟.

ج

- شخص مذکور باید رعایت محلی را که وارد آنجا شده، بنماید و قبل از مغرب آنجا افطار نکند مگر آن که در بین راه به جایی برسد که مغرب شده باشد.

س

- در رساله عملیه، تذکر فرموده‌اید (هر گاه مسافر، قبل از ظهر، به وطن خود مراجعت کرد و مفطری به عمل نیاورده بود باید نیت روزه کند) حال آیا این روزه، مجزی است و یا باید بعد قضاء آن را هم بگیرد؟.

ج

- قضا ندارد.

س

- افراد بیلاق نشین، در سابق مسافت بین ده و بیلاق را با اسب و شتر می‌آمدند و در بین راه چندین روز بلکه گاهی می‌شد که یک ماه در یک جا

صفحه : ۲۷۸

منزل می‌نمودند و در نتیجه، روزه‌شان را می‌گرفتند ولی اکنون همین مسافت را در مدت خیلی کم با ماشین، طی نموده و چندین ساعته، به مقصد خود می‌رسند آیا تکلیف آنان در بین راه، تمام است یا قصر؟.

ج

- با وضع فعلی هم در بین راه باید نماز را شکسته و روزه را افطار نمایند.

س

- شخصی به قصد مسافرت به هشت فرسخ و یا بیشتر، حرکت می‌کند از حدّ ترخص که خارج شد نماز را شکسته می‌خواند و حدود سه فرسخ که می‌رود از قصد خود برمی‌گردد و مراجعت به وطن می‌کند و هنوز وقت، باقی است آیا باید دوباره نمازش را (تماما) بخواند یا نه و بر فرض اگر تکلیف او ساقط شده باشد پس با آن مطلب - که می‌فرمایید شخص مسافر نباید در بین مسافت، از قصد خود برگردد- چگونه جمع می‌شود؟.

ج

- نمازی را که قبل از برگشتن از قصد، شکسته خوانده صحیح است و اعاده، لازم ندارد و این که نوشته شده که باید در بین مسافت، از قصد برگردد مقصود اینست که در صورتی می‌تواند نمازش را شکسته بخواند که از قصد مسافت، برگشته باشد و بعد از برگشتن از قصد مسافت، دیگر نمی‌تواند شکسته بخواند.

س

- بنده در شهرستان کرج سکونت دارم و محل کارم، بین راه کرج و تهران است و می‌دانم که از کرج تا تهران نمازم قصر است ولی از کارخانه که می‌روم تهران آیا شکسته بخوانم یا تمام و از کرج که مستقیم به تهران از پهلوی کارخانه می‌روم نمازم قصر است یا تمام؟.

ج

- اگر از کارخانه تا تهران چهار فرسخ باشد که رفت و آمد شما هشت فرسخ بشود و در تهران هم قصد اقامه ده روز نداشته باشید، مسافر هستید و نماز، شکسته است و اگر از کرج بقصد تهران سفر کنید هر چند از مقابل کارخانه بگذرید باز هم نماز شکسته است و روزه را باید افطار کنید.

س

- مسافری به مقصد سه فرسخی سفر می‌کند ولی از اوّل، قصد دارد که در اثناء راه به جاده فرعی که یک فرسخ است به جهت کاری برود و از همان راه به جاده اصلی برگردد و سفر خود را ادامه دهد، نماز این مسافر، حکمش چیست؟

صفحه : ۲۷۹

ج

- در فرض مسأله، نماز را احتیاطاً جمع بخواند.

روزه نذری یا مستحبی در سفر

س

- شخصی نذر کرده که تمام روزهای جمعه را روزه بگیرد اتفاق افتاد که مسافرت کرد، آیا در مسافرت، واجب است عمل به این نذر شود، یا نه؟

ج

- اگر نذر کرده روز معینی را حتی در سفر، روزه بگیرد باید در سفر نیز بگیرد و الا باید قصد اقامه کند و روزه نذری را به جا آورد و چنانچه ناچار بوده از مسافرت و قصد اقامه نیز برای او ممکن نبوده قضای تنها کافی است و بدون عذر، کفاره خلف نذر نیز بر او واجب است.

س

- آیا می‌شود روزه مستحبی را در سفر گرفت یا نه؟

ج

- نمی‌شود مگر آن که نذر کرده باشد در سفر، روزه بگیرد یا نذر کرده باشد روز معین را چه در سفر و چه در حضر، روزه بگیرد.

احکام روزه نذری

س

- شخصی ده روز روزه نذر کرده و در موقع عمل به نذر، یک روز را عمداً خورده، آیا کفّاره نذر بر او واجب می‌شود و تکلیف نه روز باقی چه می‌شود؟.

ج

- اگر نذر او مطلق بوده باین معنی که ده روز متوالی هر وقت شد یا ده روز متفرّق روزه بگیرد در فرض اوّل ده روز دیگر روزه بگیرد و در فرض دوّم به جای آن روز یک روز روزه بگیرد و در هر دو صورت کفّاره ندارد و اگر نذر ده روز متوالی در مدّت معین و مشخص مثلاً از اوّل تا دهم فلان ماه بوده در این صورت باید کفّاره بدهد و آن یک روز را قضا نماید.

هر گاه قبل از تمام شدن ماه رمضان مریض یا مسافر فوت نماید

س

- شخص مسافر که چند روز در راه بوده و روزه‌های خود را افطار کرده و هنوز به مقصد نرسیده فوت نمود، آیا واجب است بازماندگان میت، این چند روز روزه را برای او اجیر بگیرند یا نه؟.

ج

- بلی قضاء آن، واجب است.

صفحه : ۲۸۰

روزه در مورد خوف ضرر

س

- چه می‌فرمایید در باره شخصی که دارای صحت و سلامت بدن هست و از نظر بدن کوچکترین ناراحتی ندارد ولی از نظر چشم ناراحتی شدید دارد و دکترهای متخصص چشم، این شخص را از گرفتن روزه منع کرده‌اند و گفته‌اند اگر روزه بگیرد به دید چشم خود زیان می‌رساند تکلیف این شخص چیست؟.

ج

- در صورتی که خوف ضرر روزه بر چشم خود داشته باشد روزه‌اش صحیح نیست.

س

- اگر نامبرده روزه ماه مبارک رمضان را به جهت سلامتی چشمش افطار کرد تکلیف قضای روزه‌اش چیست؟.

ج

- اگر در مواقع دیگر روزه برایش ضرر ندارد باید قضای آن را بگیرد و اگر این عذر ادامه داشته باشد تا ماه رمضان بعد، قضا، ساقط است ولی عوض هر روز ده سیر گندم به فقیر بدهد.

س

- بعضی از اطباء چون خودشان روزه نمی‌گیرند به مریضهایی که به آنان مراجعه می‌کنند می‌گویند روزه نگیرید که برای شما ضرر دارد، آیا قول اطباء در صورتی که خودشان اهل روزه نیستند حجت است یا نه؟.

ج

- اگر از قول آنها خوف ضرر حاصل شود می‌تواند روزه نگیرد، بلکه اگر ضرر قابل تحمل نباشد مثل خوف هلاکت یا نقص عضو مثل کوری یا گنگی و امثال آن، روزه حرام و باطل است.

س

- زنی می‌گوید که چهار ماه است حامله هستم و نمی‌دانم که روزه برای بچه ضرر دارد یا نه؟ آیا باید روزه بگیرم یا نه؟.

ج

- با خوف ضرر هر چند شک داشته باشد نباید روزه بگیرد.

س

- شخصی است می‌خواهد روزه بگیرد، می‌گوید در وقت روزه گرفتن چشم خیلی سیاهی می‌کند و موجب می‌شود که چشم بدرد آید آیا باید روزه بگیرد یا نه؟.

ج

- بلی باید روزه را بگیرد و ضعف چشم از جهت روزه که شب برطرف

صفحه : ۲۸۱

می‌شود مجوز افطار نیست مگر این که خوف ضرر داشته باشد.

روزه بر مریض واجب نیست

س

- شخصی همیشه مبتلا به مرضی است که نمی‌تواند از خوردن و آشامیدن، خودداری نماید لذا روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان برای او مشکل است و سبب زیادی مرضش می‌شود حال اگر مختصری در روز، اکل و شرب کند و بعد امساک نماید و نیت روزه کند روزه اش صحیح است یا نه؟ و در صورتی که صحیح نباشد ثواب روزه دار را دارد یا نه؟.

ج

- در فرض مذکور، روزه او صحیح نیست و اگر مرض او تا ماه رمضان دیگر ادامه پیدا کند قضا نیز بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد و امید است کم خوردن او خالی از ثواب نباشد.

س

- بر اثر بیماری و نقاهت، سحری نخوردم و گفتم امروز را نمی‌توانم روزه بگیرم اتفاقاً در روز حالم بهتر شد و روزه گرفتم، آیا روزه‌ام صحیح است یا نه؟.

ج

- احتیاطاً قضای آن روز را نیز به جا آورید.

س

- مریضی که به بیماری آپاندیس مبتلا است و باید در وقت معین، عمل شود و دکتر اظهار می‌دارد در صورتی که روزه بگیرد، دو ماه عمل، بتأخیر می‌افتد در این حال باید روزه بگیرد یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، اگر روزه، ضرری جز تأخیر عمل نداشته باشد مجوّز افطار ندارد. بلی جایز است قبلاً عمل نماید، به نحوی که در ماه مبارک رمضان از جهت عمل، نتواند روزه بگیرد.

هر گاه روزه گرفتن مشقت یا ضرر داشته باشد

س

- شخصی که ضعیف البنیه می‌باشد و نمی‌تواند موقعی که ماه رمضان مصادف با ایّام تابستان و بهار است که روزها طولانی است روزه بگیرد، ولی در ایّام زمستان و پائیز که روزها کوتاه است می‌تواند روزه بگیرد، آیا واجب است در ایّامی که می‌تواند روزه بگیرد قضاء روزه را به جا آورد؟ و در صورت وجوب قضا در ایّام پائیز یا زمستان آیا برای تأخیر قضاء روزه کفّاره هم باید بدهد یا خیر؟.

صفحه : ۲۸۲

ج

- در صورت مفروضه اگر روزه گرفتن در تابستان مضرّ بحال او باشد و سبب مریض شدن شود می‌تواند قضای آن را در پائیز یا زمستان بگیرد و چنانچه قبل از رسیدن رمضان بعد، قضای آن را گرفت کفّاره ندارد و اگر تا رمضان بعد قضای آن را به جا نیاورد

باید برای هر روز یک مدّ کفّاره بدهد.

س

- شخصی تقریباً نه سال پیش از این، طوری فقیر بوده که اگر کارگری نمی کرده عائله‌اش گرسنه می مانده و از بی چارگی در ماه رمضان روزه خود را می خورده و به عمله گی می رفته حال چند سال است که غنی شده و هر سال هم حساب نموده و وجوهات خود را داده مستدعی است بطور روشن تکلیف این شخص را معین بفرمایید وجوهاتی که تا بحال داده چطور است و بعد از این چه کند؟.

ج

- در فرض سؤال چنانچه شما ما زادی در آخر سال از کارکرد خود داشته و خمس آن را به اهلش پرداخته‌اید ذمه شما از بابت خمس بری شده و اما نسبت به خوردن روزه اگر واقعا چنین بوده که اگر روزه می گرفتید قادر به کار نبودید و با کار نکردن عائله شما گرسنه می ماندند و چاره‌ای جز افطار و کار کردن و اداره عائله نداشته‌اید در این صورت بعید نیست که فقط قضای روزه بر شما واجب باشد و کفّاره واجب نباشد و در غیر این صورت کفّاره هر روزی شصت مدّ طعام بر ذمه شما آمده که به شصت فقیر باید داده شود و توبه نمایید.

س

- روزه گرفتن در هوای گرم تابستان در ماه مبارک رمضان به طوری که قدرت و توانائی را از انسان سلب می کند واجب است یا نه؟.

ج

- اگر روزه مضرّ به بدن باشد واجب نیست و لکن مجرّد ضعف و کم نور شدن چشم مثلاً که بعد از یکی دو ساعت از وقتی که افطار می کند بطور کلی عوارض آن برطرف می شود ضرر، محسوب نیست.

س

- اگر شخص با روزه گرفتن ماه رمضان به هیچ وجه نتواند کسب معاش کند و اگر بخواهد روزه بگیرد یا باید دست به گدائی بزند و یا عائله‌اش گرسنه بمانند آیا روزه از وی ساقط است یا نه؟.

ج

- واجب است روزه را بگیرد مگر آن که حرجی باشد که ساقط می گردد.
بلی در صورتی که خوف از مرض داشته باشد روزه، واجب نیست.

س

- کارگران مناطق حارّه که روزه برای آنان مشقّت دارد و حتّی گاهی به حالت غشوه می‌افتد آیا واجب است روزه بگیرند یا نه؟.

ج

- اگر احتمال عقلائی بدهند که روزه برای آنها مضرّ و موجب مرض است می‌توانند افطار نمایند ولی غالباً این احتمال، عقلائی نیست، و این حکم را نمی‌توان بطور عموم، در مناطق حارّه گفت بلکه میزان، احتمال عقلائی ضرر و مرض است خواه منطقه شخص، معتدله باشد یا حارّه و لازم است کار را ترک کنند یا تخفیف دهند که بتوانند روزه بگیرند.

س

- الزّارع الذی یعیش من طریق الزّرع او العامل الذی یعیش من العمل المخصوص اذا توقّف حصاد الزّرع و الاشتغال فی ذلک العمل علی افطار شهر رمضان المبارک فهل یجوز لهما الافطار ام لا؟.

ج

- لا یجوز الافطار فی شهر رمضان لغیر من وردت الرّخصه من الشرع فی افطاره کالمریض و المسافر و الشّیخ و الشّیخه و غیرهم.

س

- کارکنان نانوائی می‌گویند که با آن حرارتی که از تنور نانوائی ایجاد می‌شود تحمّل روزه گرفتن را نداریم تکلیفمان چیست؟.

ج

- کار کردن مجوّز ترک روزه نیست. بلی می‌توانند هر روز صبح به چهار فرسخی سفر کنند و در سفر افطار نمایند و به محلّ کار برگردند و بعداً قضای روزه را بگیرند و الاّ باید تا وقتی که قدرت دارند روزه بگیرند.

س

- این جانب در منطقه جنگی هستم و نظر به این که ایّام ماه مبارک رمضان مصادف و مقارن است با برداشت گندم و از طرفی مدّت مرخصی که از جانب مقامات مسئول به بنده داده می‌شود بسیار کوتاه می‌باشد با توجه به این که برداشت و درو کردن گندم در ایّام ماه مبارک در زیر آفتاب سوزان طاقت فرسا و مشکل می‌باشد، ضمناً اگر برداشت گندم در موقع معین صورت نگیرد امکان از بین رفتن محصول هست از حضرت عالی تقاضا دارم بفرمایید برداشت گندم مقدّم است یا ادای فریضه روزه؟.

ج

- جمع آوری زراعت فی نفسه مجوّز خوردن روزه نمی‌شود. بلی با فرض مشقّت، می‌توانید همه روزه بعد از طلوع فجر به چهار فرسخی سفر نموده و در سفر

صفحه : ۲۸۴

افطار کرده و برگردید و در حالی که روزه نیستید زراعت را جمع آوری کنید ولی قضای آن را بعد باید بگیرید و اگر مسافرت نکردید واجب است روزه بگیرید تا وقتی که اتمام آن حرج باشد و قدرت نداشته باشید آن را تمام نمایید.

بر پیر مرد و پیر زن روزه واجب نیست

س

- ما تقول يا سيدي في الشيخ و الشيخة، افطارهما رخصة او عزيمة و هل يشترط في الجواز قيد المشقة او لا فلو تحملا المشقة و صاما صح صومهما ام لا لانه عزيمة و في التكفير لا بد ان يكون المد عينا او يكفي القيمة و هل يجوز الدفع إلى الفقير بدون اظهار كونه بعنوان الاطعام فلو صرف الفقير في غير الطعام من حوائجه و عياله يكفي ام لا و هل يجوز اداء كفارة الايام المتعددة إلى فقير واحد ام لا؟.

ج

- الظاهر ان افطارهما رخصة لا عزيمة فلو صاما صح صومهما و يكفي في جوازه المشقة الملازمة للهرم بحسب الغالب و ان لم يبلغ حد الحرج الزافع للتكليف و لا يكون المد الا عينا و لا يلزم ان يصرف في الطعام بل للفقير ان يفعل فيه ما شاء و يجوز اعطاء كفارة الايام المتعددة إلى فقير واحد.

کسی که به جهت اعتیاد نمی‌تواند روزه بگیرد

س

- شخصی تقریبا شصت سال دارد و در این مدت، همیشه مریض و معتاد به تریاک و در روز به وقت معین، باید تریاک بکشد و از این کار خود نادم و پشیمان است چون از فرائض دینی عقب مانده و در ماه مبارک رمضان هم هیچ قادر بر روزه گرفتن نیست، تکلیف این شخص چیست؟.

ج

- در فرض مسأله که نمی‌تواند ترک کند تکلیف او این است که از مفطرات، غیر از کشیدن تریاک امساک کند و آن را هم بمقدار ضرورت، اکتفا کند در این صورت ان شاء الله چیزی بر او نیست.

س

- شخصی چنان معتاد به سیگار است که ترک سیگار او را مانند دیوانگان می‌سازد، تکلیف این شخص راجع به روزه چیست؟.

ج

- تصمیم بگیرد سیگار نکشد و روزه را هم بگیرد.

اگر زن برای جلوگیری از حیض، دارو، مصرف نماید

س

- اگر زن در ماه مبارک رمضان قرص بخورد که جلوی عادت را

صفحه : ۲۸۵

بگیرد و افطار نکند جایز است یا نه؟.

ج

- در صورتی که ضرر بدنی نداشته باشد جایز است و اگر خون نبیند روزه و نماز او صحیح است.

س

- اخیراً عده‌ای از بانوان، برای گرفتن روزه ماه مبارک رمضان، از داروهائی استفاده می‌کنند که مانع از خروج خون حیض می‌گردد اما گاهی از اوقات، در حین استعمال دارو یا قبل از آن، خون می‌بینند که طبق اطمینان نوعی و عادت همیشگی اطمینان به بقاء خون به مدت سه روز، دارند. در این صورت، مسائل زیر، حادث شده مستدعی است حکم آنها را بیان فرمائید. آیا بمجرد رؤیت دم، در حین استعمال دارو، به قاعده امکان می‌تواند روزه خود را افطار نماید؟ و آیا کون الدّم ثلاثه ایّام شرط واقعی است یا اماره؟ و روی این جهت اگر پس از یک روز، خون قطع شد، حکم آن خون چیست؟ و اگر روزه خود را به خیال این که وظیفه او افطار است افطار نمود چه حکمی دارد؟.

ج

- بحسب ظاهر اخبار، (کون الدّم ثلاثه ایّام) شرط واقعی است، علی هذا اگر رؤیت دم در ایّام عادت است یا این که خون، واجد صفات حیض است و تصمیم دارد که علاج و استعمال دارو نکند تا مانع جریان دم شود بمجرّد رؤیت، می‌تواند افطار کند و در این صورت، اگر اتفاقاً در کمتر از سه روز، قطع شد فقط قضا، واجب است و کفّاره ندارد و اگر تصمیم دارد با خوردن قرص، جلوگیری نماید و علم دارد که در کمتر از سه روز، قطع می‌شود افطار جایز نیست و موجب کفّاره است و اغسال استحاضه را احتیاطاً به جا آورد.

س

- اگر به مجرّد دیدن خون در ایّام عادت، طبق قاعده، و عمل همیشگی، افطار نمود و بعد استعمال دارو کرد و در اثر استعمال دارو، سه روز نشده خون، قطع گردید حکم این خون و حکم افطار روزه او را بیان فرمائید.

ج

- اگر تصمیم جلوگیری از حیض به علاج و استعمال دارو نداشت و افطار کرد و بعد بدون تصمیم قبلی دوا خورد کفّاره ندارد و اگر بعد از رؤیت، تصمیم جلوگیری را داشت و نیز می‌دانست که خون - به وسیله علاج - در کمتر از سه روز قطع می‌شود و مع

ذلک افطار کرد، افطار، حرام و کفاره هم واجب است.

صفحه : ۲۸۶

مسائل متفرقه روزه

س

- اگر رئیس یا کارفرمای کارخانه‌ای پیشخدمت و مستخدم خود را مجبور کند که در روز ماه مبارک رمضان برای او غذا بیاورد و اگر هم خودداری نماید ممکن است او را از کار برکنار کند، آیا این عمل، برای آن مستخدم، مسئولیت شرعی دارد یا نه؟.

ج

- تا مضطر نشوند این کار را نکنند.

س

- استعمال عطر و بوی خوش در حالت روزه چگونه است؟.

ج

- بوییدن گیاه خوشبو مکروه است و لکن استعمال بوی خوش، مانعی ندارد.

س

- شخص روزه دار، در ماه رمضان چای و خوراکی را به اشخاصی که مسلمانند ولی روزه دار نیستند بفروشد، چگونه است و آیا این معامله، صحیح و درآمد آن حلال است یا نه و اگر حرام است به چه مصرفی برساند؟.

ج

- اگر خوردن روزه بر آن اشخاص، حرام باشد چای و خوراکی نزد آنان گذاشتن - برای این که بخورند - حرام و اعانت بر اثم، و معامله هم باطل است.

لکن با خوردن، ضامن قیمت، می شوند. پس اگر قیمت واقعی را، گرفته بر او حلال است و اگر زیاده گرفته زیاده را به صاحبانش رد کند و اگر نمی شناسد با اذن حاکم شرع برای آنها به فقیر غیر سید، صدقه بدهد.

س

- اگر زن، در حال روزه نذر معین، حیض شود بعد چه تکلیفی دارد؟.

ج

- احتیاط لازم آنست که عوض آن را - نه بقصد قضا بلکه بقصد مطلوبیت مطلقه - به جا آورد.

س

- کسی توبه کرده و قسم می‌خورد یا نذر می‌کند به این نحو که (لله علی) که اگر دیگر مرتکب گناه شوم (مثلا اگر دیگر شراب بخورم یا زنا کنم) یک ماه پشت سر هم روزه بگیرم، حال عمدا مخالفت نکرده ولی بی اختیار، مرتکب شده و دوباره توبه کرده تکلیف این شخص چیست؟.

صفحه : ۲۸۷

ج

- اگر اجباری و اکراهی که رافع حکم باشد در بین بوده حنث نذر و قسم نشده است و الا لازم است روزه بگیرد.

س

- در ادعیه دهه آخر صیام است که (هب لی یقینا تباشر به قلبی) معنای آن چیست؟.

ج

- بلی این دعا در ادعیه ماه مبارک رمضان، وارد است مثل (اللهم انی أسألك ایمانا تباشر به قلبی) و در دعاهای دیگر نیز هست، و معنای آن اینست که خدایا ایمانی از تو می‌خواهم که آن را به قلب من تماس بدهی.

س

- شخصی مدت زمانی از روی جهالت، ترتیب را در غسل جنابت، رعایت نکرده، باین معنی که اول طرف راست بدن و بعد طرف چپ و بعد سر و گردن، را غسل داده آیا هیچ راهی برای تصحیح اعمالش هست یا خیر؟.

ج

- در فرض مسأله غسل باطل و نمازهایی که با این نحو غسل انجام داده نیز باطل و اعاده آنها لازم است. بلی روزه‌هایش قضاء و کفاره ندارد.

صفحه : ۲۸۸

مسائل خمس

اصل وجوب خمس ضروری اسلام است

س

- اگر شخص شیعه، منکر خمس شود کافر می‌شود یا نه؟.

ج

- اصل وجوب خمس، اجمالاً ضروری اسلام و انکار آن موجب کفر است.

در اداء خمس قصد قربت لازم است

س

- شخصی با این که خمس و زکاء بر او واجب است از اداء آن امتناع دارد دیگری در مقام امر به معروف برآمده و حتی به مرتبه ضرب هم رسیده و آن شخص، خمس و زکاء خود را از ترس پرداخته است، حال با این که قصد قربت، با این گونه، پرداخت، متمشی نمی‌شود، آیا مجزی هست و ذمه او بری می‌شود یا نه؟.

ج

- اگر او را امر به معروف نماید و او در اثر ترس و تهدید، خمس و زکاء را بدهد ولی قصد قربت او مورد شک باشد، محمول بر صحت است و اگر عدم قصد قربت، معلوم باشد، مجزی بودن، محل اشکال است. بلی اگر با اذن حاکم شرع، به اجبار از او بگیرند مجزی است.

س

- وکالت در اداء خمس و زکاء- یعنی کسی را وکیل کند که خمس و زکاء او را بدهد- چگونه است؟.

ج

- با قصد قربت وکیل، در موقع اداء، اشکالی ندارد. و احتیاط آنست که هم وکیل و هم موکل قصد قربت نمایند.

صفحه : ۲۸۹

خمس سرمایه و آلات مورد حاجت در کسب

س

- کسی که سرمایه و مستغلات اولیه او متعلق خمس بوده و یا سرمایه و مستغلات اولیه او متعلق خمس نبوده ولی آنها را از چیزی که متعلق خمس بوده زیاد کرده و خمس آنها را نداده و با آنها کسب کرده و چند سال باین طریق گذشته و بعضی اشیائی که مؤنه محسوب می‌شود و بعضی دیگر که مؤنه محسوب نمی‌شود از کسبش تهیه کرده تکلیف او چیست؟.

ج

- سرمایه، خمس دارد مگر آن که از چیزی تهیه کرده باشد که متعلق خمس نیست و زیاد کردن سرمایه نیز مثل اصل سرمایه است، و چیزهایی که تهیه نموده اگر از مؤنه است و یقین ندارد به این که قیمت آن متعلق خمس بوده اداء خمس آن، واجب نیست بلی احتیاط، به اداء خمس آن یا مصالحه با مستحقین آن، خوب است و آن چه زائد بر مؤنه است باید خمس آن داده شود.

س

- شخص زارع، مقداری زمین زراعتی و تعدادی اصله نخل خرما حدود پانزده هزار تومان در مدت چند سال تدریجا از درآمد همان زمین و نخل و بعضی اوقات از وام گرفتن از بانک دولتی خریده و نقدی هم نداشته که یک سال بر آن گذشته باشد و سال خمس هم نداشته و از درآمد کشت زمین و محصول نخل، در این مدت، بطور متوسط امرار معاش می کرده در این صورت آیا به زمین و نخل و منزل مسکونی و اثاثیه خانه - که تدریجا در سالهای گذشته بطور قرض و نقد خریده و اکنون اگر بخواهد از قیمت زمینها و نخلها و منزل مسکونی و اثاثیه خانه، خمس پرداخت کند ممکن است لطمه به زندگیش برسد - خمس تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، منزل مسکونی و اثاثیه خانه و لوازم مورد احتیاج زندگی، خمس ندارد ولی زمین زراعتی و نخلها و اثاث زراعت، از سرمایه، محسوب است و باید خمس آن داده شود. بلی آن چه از وجه آنها که قرض است تا اداء نشود مقابل آن خمس ندارد.

س

- ماشین و موتور سیکلت و یا دوچرخه که جهت سواری و یا برای

صفحه : ۲۹۰

کسب، خریداری شده متعلق خمس است یا جزء مؤنه؟.

ج

- اگر برای کسب باشد جزء سرمایه است و خمس آن را باید بدهد و اگر برای سواری است جزء مؤنه است و خمس ندارد.

س

- آیا مقصود فقهاء کثر الله أمثالهم از وجوب یا احتیاط در دادن خمس سرمایه و مستغلات و آلات کسب این است که از ابتداء شروع به کسب باید خمس آنها را بدهد یا بعد از گذشتن سال؟ و بر فرض این که مقصود، ابتداء سال باشد اگر کسی تا آخر سال، خمس آن را نداده باشد تکلیفش چیست؟.

ج

- سرمایه و آلات کسب، حکم سائر ارباح را دارد چنانچه یک سال بر آن گذشته باید خمس آن را بدهد و تأخیر نیاندازد و تأخیر اداء خمس آن نیز مثل تأخیر اداء خمس سائر ارباح است.

س

- زمینی که از اراضی موات بوده، شخص، حيازت کرده مخارج زیادی هم نموده و آن را آباد کرده آیا منافع آن زمین متعلق خمس است یا خیر؟ و در صورت فروش این زمین باید خمس آن را بدهد یا نه؟ و هم چنین مخارج آباد کردن را باید کسر نماید یا نه؟.

ج

- اگر زمین مذکور را بصورت باغ درآورده تا از میوه آن خود و خانواده‌اش مصرف نمایند و منظور فروش میوه نبوده و زائد بر حاجت او نیز نباشد خمس ندارد. بلی چنانچه آن را بفروشد، زائد بر قیمت اولین سالی که بصورت باغ در آمده و مورد استفاده قرار گرفته، از منافع سال فروش محسوب است که اگر تا آخر آن سال صرف در مؤنه نشود، خمس دارد و اگر زمین را به منظور زراعت آباد کرده چه بفروشد و چه نفروشد خمس آن واجب است و مخارجی را که برای آباد کردن زمین نموده اگر از مال خمس داده بوده می‌تواند آن مبلغ را کسر نماید.

س

- شخصی طلا فروشی دارد، در سال ۱۳۶۰ مقدار طلا هزار و ششصد مثقال بوده، که به قیمت روز (مثقالی ۵۰۰ تومان) خمس آن را داده و در سال ۱۳۶۱ وزن طلا کم شد و به ۷۵۰ مثقال رسید، و قیمت، مثقالی ۱۳۰۰ تومان بود یعنی وزن طلا کم و قیمت بالا بود ولی خمس آن را داده، و در سال ۱۳۶۲ وزن طلا ۶۷۰ مثقال شد و قیمت، مثقالی ۱۶۵۰ تومان و چون خانه مسکونی

صفحه : ۲۹۱

بنا کرده بود و از طرفی هم، وزن طلا کم بود، خمس نداده و در سال ۶۳ وزن طلا ۷۱۰ مثقال شد و قیمت مثقالی ۲۳۵۳ تومان که اضافه طلا فقط ۴۰ مثقال بوده و خمس آن را داده و در سال ۶۴ وزن طلا ۷۲۸ مثقال شد و قیمت مثقالی ۱۹۲۰ تومان که مبلغ ۳۰۲ هزار تومان، قیمت، از سال قبل کمتر و طلا از جهت وزن ۱۸ مثقال، اضافه بوده، یعنی یک بار طلا کمتر و قیمت بالا بوده و گاهی عکس آن، آیا اجازه می‌فرمایید اصل سرمایه را فعلا وزن طلا قرار دهم چون قیمت تابع سیاست دولت و مراعات مصالح مملکت است؟.

ج

- در فرض مسأله نظر به این که در موقع حساب، سرمایه بحسب قیمت ملاحظه می‌شود و خمس نیز بحسب قیمت از غیر سرمایه داده می‌شود و علاوه، عین سرمایه تبدیل بعین دیگری می‌شود، باید سرمایه در موقع حساب بحسب قیمت ملاحظه شود و چنانچه از سال گذشته چیزی اضافه بر قیمت سال سابق دارد خمس اضافی را باید بدهد گر چه بحسب وزن کمتر باشد و اگر اضافه نشده، چیزی بر ذمه او نیست گر چه بحسب وزن اضافه داشته باشد.

س

- بنده از درآمد سالیانه تقریباً یک هزار متر مربع زمین جهت کارگاه و محل کسب و توسعه آن خریداری نمودم، اکنون سال

خمس بنده رسیده است و از طرفی هم زمین مذکور در مسیر خیابان واقع شده، و دولت نمی‌گذارد که در آن تصرف نمایم. با توجه به این که ممکن است کل زمین را خیابان بگیرد، یا مقداری از آن باقی بماند، ولی فعلاً اصل زمین موجود است، در این صورت آیا پول اولیه زمین که تقریباً چهار صد هزار تومان می‌باشد باید الان تخمیس شود یا خیر؟

ج

- در صورت مفروضه اگر تمام زمین خیابان شد در حکم تلف است و خمس ندارد و اگر چیزی باقی ماند خمس باقی مانده به قیمت فعلی لازم است.

س

- شخصی با ۲۵ هزار تومان سرمایه که خمس آن را نداده، چند سال معامله نموده و در این مدت، سرمایه و سود ۲۰۰ هزار تومان شده، ۱۰۰ هزار تومان آن را خرج منزل مسکونی خود نموده و ۱۰۰ هزار تومان، باقی مانده، چقدر خمس باین شخص واجب است؟

ج

- در فرض مسأله اگر تمام دویست هزار تومان سال بر آن گذشته و بعد

صفحه : ۲۹۲

مقداری از آن را صرف منزل کرده، همه‌اش خمس دارد، و اگر در بین سال دخل، صرف منزل شده آن مقدار که صرف منزل شده خمس ندارد.

س

- موزائیک نمودن مغازه یا خرید لوازم آن از قبیل صندوق و تلفن و غیر آن - از چیزهایی که لازم است - در وسط سال، جزء سرمایه حساب می‌شود و خمس دارد یا نه؟

ج

- صندوق و تلفن و نظائر اینها که اعیان آنها باقی است جزء سرمایه محسوب و باید خمس آنها را داد اما تعمیر مغازه اگر طوری باشد که در ازاء آن چیزی نماند و از بین رفته، حساب شود از مخارج کسب، محسوب است و خمس ندارد. لکن اگر موجب افزایش قیمت مغازه یا زیادی مال الاجاره آن گردد که نفع آن عائد خرج کننده شود خمس مقداری را که به قیمت مغازه از جهت تعمیرات و غیرها افزوده شده - نه از جهت قیمت سوقیه - باید بدهد.

س

- زمینی است که در آن تلمبه نصب کرده‌اند. شخصی یک دانگ از آن تلمبه را بمبلغ پانزده هزار تومان می‌خرد و سه هزار تومان هم بابت ده یک به مالک می‌دهد. آیا این سه هزار تومان، از پانزده هزار تومان کم می‌شود یا خمس همه پانزده هزار تومان را باید

بدهد؟.

ج

- اگر پولی که به مالک داده و مصرف خرید چاه نموده متعلق خمس بوده است باید خمس تمام آن پول را بدهد و اگر از عوائد بین سال بوده باید خمس قیمت فعلی چاه و تلمبه را پردازد.

س

- زمینهای غیر مزروعی و بلا مالک (اراضی اموات) که شخص، آنها را جهت زراعت، احیاء کرده خمس به آن تعلق می گیرد یا نه و علی فرض تعلق خمس، آیا خمس قیمت قبل از احیاء را باید بدهد یا خمس قیمت بعد از احیاء را؟.

ج

- بلی خمس، به آن تعلق می گیرد و خمس بعد از احیاء را باید بدهد.

س

- تصرف و نماز در زمینهای خالصه که دولت در اختیار مردم گذاشته یعنی به آنها فروخته که به اقساط، وجه را از آنها دریافت بدارد چه صورت دارد؟ چون سابقه این زمینها برای اکثر مردم مجهول است و اقساطی که بعنوان

صفحه : ۲۹۳

قیمت زمین، پرداخته می شود خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر مسبوق به معلوم الغصبیه نباشد مجازند در تصرف، و هر مقداری که بعنوان قیمت آنها از عوائد خود پرداخته اند خمس معادل آن از زمین را باید بدهند.

س

- شخصی ملکی را خریده که در آن، زراعت گندم و جو برای مصرف خانوادگی می کند و چیزی از محصول آن را نمی فروشد آیا خمس این ملک را باید بدهد یا نه؟.

ج

- بلی، خمس آن را باید بدهد.

س

- زارع مقداری زمین زراعتی را می‌خرد تا از منت غیر، نجات یابد آیا این زمین، جزء مؤنه است یا باید آن را تخمیس نماید؟.

ج

- زمین زراعت، جزء سرمایه است و بنظر حقیر خمس سرمایه، واجب است.

س

- موتور آلانی را انسان، معامله می‌کند. پیش قسط آن از مال مخمس و بعد بقیه قیمت آن را می‌پردازد. آیا قسطهای بعدی را که پرداخت می‌کند باید خمس آن را بدهد یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، اقساط بعد را اگر از مال خمس نداده بدهند خمس معادل آن از موتور آلات را باید بپردازند نهایت هر مقدار تا موقع اداء قسط از موتور کسر شد جز مؤنه است که خمس آن مقدار لازم نیست.

س

- شخصی است که قنأه آبش خشک شده و برای شدت احتیاج به آب، چاه عمیق زده و در ضمن، دارای حساب سال هم هست. آیا این چاه که به وسیله موتور یا غیر موتور، آب می‌دهد، جز سرمایه، محسوب است یا از مؤنه و اگر جزء سرمایه باشد باید روز خرید را حساب کند یا روز سال را؟.

ج

- جزء سرمایه، محسوب است و باید خمس قیمت سر سال را بدهد.

س

- شخصی است کاسب و جهت نگاهداری اجناس و لبتیات، یخچال و لوازم دیگر می‌خرد، آیا این لوازم، جزء مؤنه است و یا جزء سرمایه؟.

ج

- اشیاء مذکوره که برای لوازم کسب، خریده شده جزء سرمایه محسوب و تخمیس آن، واجب است.

صفحه : ۲۹۴

س

- شخصی در یک قطعه زمین بمقدار دویست متر، با دیگری شریک است و مشترکا مشغول بناء ساختمان شدند و فعلا هم در آن،

ساکن می‌باشند و مبلغ بیست و هشت هزار تومان مشترکا خرج کرده‌اند و هنوز سهام مخارج ایشان معلوم نشده و در این ساختمان، دو اطاق و یک آشپزخانه و پنج باب دکان احداث و به اجاره داده شده، آیا به این مغازه‌ها و مخارج خانه مسکونی، خمس، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- باید خمس قیمت فعلی مغازه‌هایی را که احداث نموده‌اند بدهند و نسبت به مخارجی که برای خانه مسکونی کرده‌اند اگر احتمال می‌دهند سال بر آن نگذشته چیزی واجب نیست.

س

- زارعین بعنوان کارافه یا حق طبر تراشی، املاکی را در تصرف دارند و همه ساله - این زمین را زراعت بکنند یا نکنند - باید بهره مالکانه به مالک بدهند و رسم است که حق مزبور را بغیر می‌فروشند حال این خرید و فروش، شرعا به چه عنوان صحیح است و دیگر این که خمس هم به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟ و هم چنین اگر زارع، فوت کرد این حق به ورثه، منتقل می‌شود و زن هم از این حق ارث می‌برد یا نه؟.

ج

- واگذار کردن این حق، بعنوان مصالحه، صحیح و خمس به آن تعلق می‌گیرد و اگر زارع، فوت شد این حق به ورثه، منتقل می‌شود و زن هم از این حق، ارث می‌برد.

س

- آغل گوسفندان و جایگاه حیوانات، جزء سرمایه است یا جزء لوازم زندگی و ما یحتاج می‌باشد؟.

ج

- اگر گوسفند، سرمایه است آغل هم جزء سرمایه است و اگر برای مصارف شخصی خانه است جزء مؤنه می‌باشد.

س

- چهل سال قبل مقداری زمین مباح بلا معارض اطراف آبادی را بقصد تصرف، تحجیر و حیازت نموده سپس به ثبت رساندم و امروز مالک آن هستم. پولی که بابت اجرت تحجیر و حفر چاه و هزینه ثبت پرداخته‌ام مخمس بوده اکنون زمین گران شده و خیلی بیش از مبلغی که خرج کرده‌ام ارزش دارد. آیا ترقی

صفحه : ۲۹۵

قیمت سوقیه آن، خمس دارد یا نه؟ و در صورت تعلق خمس، پس از فروش، پرداخت نمایم یا هم اکنون ارزیابی نموده خمس آن را پردازم؟.

ج

- در فرض مسأله اگر اراضی مزبوره را بقصد تملک احیا کرده‌اید فعلا خمس به آنها تعلق گرفته و باید هم اکنون ارزیابی نموده و خمس آن را بدهید و اگر قبل از فروش خمس آن را پردازید باید خمس ثمن را پردازید و در این صورت باید حاکم شرع فروش مقدار خمس را اجازه نماید و در هر دو صورت مقداری را که بابت اجرت تحجیر و غیره از پول مخمس داده‌اید کسر نماید.

موارد تعلق یا عدم تعلق خمس به خانه

س

- کسی خانه‌ای دارد، قسمتی از آن را اجاره داده و قسمت دیگر را خودش ساکن است آیا این قسمت مورد اجاره، خمس دارد و یا چون اصل خانه، مورد احتیاج بوده اصلا خمس ندارد؟.

ج

- اگر مقداری که اجاره داده زائد بر احتیاج باشد خمس دارد و اگر مورد احتیاج است خمس ندارد.

س

- در صورت وجوب خمس، فقط قیمت اطاقهایی که اجاره داده حساب کند یا به سهم اطاقها از قیمت حیاط و حوض و برق و سائر لوازم منزل هم باید خمس داده شود؟.

ج

- باید دو اطاق را با توجه به حق استفاده از اشیاء مذکوره در سؤال حساب کند.

س

- شخصی خانه‌ای دارد که والدهاش دو دانگ آن را به او صلح کرده و او هم یک دانگ آن را مهریه عیالش قرار داده و نیز یک دانگ دیگر را والدهاش به او صلح کرده مشروط بر این که تا خودش زنده است اختیار فسخ داشته باشد. پس از فوت والدهاش آن یک دانگ دیگر هم به او رسیده و در این خانه با برادرش شریک بوده و چون برادرش حاضر به تفکیک یا تعمیر نشده و از این نظر در زحمت بوده خانه دیگری خریداری نموده و نصف پول آن را از منافع سال جاری پرداخته و بقیه آن را قرض الحسنه گرفته که بتدریج پردازد، اکنون به کدام قسمت آن خانه، خمس، تعلق می‌گیرد؟ به یک دانگی که مهر عیالش است که ابتدا از طرف

صفحه : ۲۹۶

والدهاش به او صلح شده تعلق می‌گیرد و یا به دو دانگ دیگر؟.

ج

- بنظر حقیر اگر خانه قبلی، امکان فروش، نداشته به خانه قبلی که در موقع صلح، مورد احتیاج بوده و به خانه ابتیاعی فعلی، خمس

تعلق نمی‌گیرد و اگر فروش آن ممکن بوده است خمس قیمت دو دانگ خانه قبلی را باید پردازد و یک دانگی را که صدق زوجیه کرده مطلقاً خمس ندارد.

س

- شخصی خانه مسکونی برای خود و عائله‌اش دارد و چون پسرش در تهران محصل است، جهت سکونت او هم خانه‌ای در تهران بمبلغ سی هزار تومان خریده، آیا باین خانه یا پول آن، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر به نحوی باشد که عرفاً این خانه، مورد حاجت شمرده شود خمس ندارد ولی چون اهل عرف بیشتر این گونه احتیاج موقت را برای تحصیل فرزندان‌شان در شهر دیگر با اجاره خانه، رفع می‌نمایند ظاهراً سهم سادات و سهم مبارک امام علیه السلام را از قیمت فعلی خانه باید پردازد.

س

- شخصی، خانه برای زندگی خود دارد و حال در بین سال خود، خانه دیگری طبق مدل جدید بنا نموده و وسائل ساختمانی از قبیل آهن و سیمان و غیره، تهیه کرده و مشغول کار است، مقداری از این وسائل به مصرف رسیده و مقداری باقی مانده، آیا وجوهات به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال که خانه مورد حاجت خود را دارد، به ساختمان نو و وسائلی که سال بر آن گذشته خمس، تعلق می‌گیرد.

س

- شخصی خانه مسکونی یا مؤنه دیگر را که از درآمد بین سال تهیه کرده است پس از چند سال می‌فروشد که خانه دیگری خریداری نماید. لطفاً مرقوم فرمائید تکلیف خمسش نسبت به اصل پول که مؤنه با آن تهیه شده است و سودی که پس از فروش بدست آمده چیست؟.

ج

- قیمت اصل خانه خمس ندارد و مقدار ترقی قیمت اگر در همان سال فروش به مصرف مؤنه برسد خمس ندارد و چنانچه سال بر آن بگذرد و به مصرف مؤنه نرسد باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی خانه مسکونی خود را فروخت که خانه دیگر بخرد،

پولش را چند ماه به کسب زد و سود برد و قبل از سال، خانه خرید. تکلیفش نسبت به اصل پول و سود چیست؟ خمس دارد یا نه؟.

ج

- در فرض مذکور خمس واجب نیست.

س

- اگر ساختمانی با لوازم متعلقه به آن از پول ذخیره سالهای قبل، تهیه شود تکلیف خمس آن چیست؟.

ج

- اگر پول ذخیره از سالهای قبل را صرف ساختمان خانه مسکونی و لوازم متعلقه به آن کرده باشد خمس آن پول را بدهد.

س

- زمینی است که به قیمت ۳۵۰۰ تومان خریده شده و بعد ساختمان شده است و الآن چهل هزار تومان، ارزش دارد و خمس قیمت خرید، پرداخت گردیده اکنون که قصد فروش آن زمین را دارند به قیمت فعلی آن که چهل هزار تومان است خمس تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- اگر برای سکونت، ساخته‌اند و از سکونت در آن، منصرف شده‌اند خمس پولی را که صرف ساختمان آن کرده‌اند بدهند و هر وقت آن را فروختند خمس ترقی قیمت آن را در صورتی که ما زاد بر مؤنه سال باشد ادا کنند.

س

- شخصی ساکن ده است و در تهران هم خانه‌ای دارد دارای هفت اطاق، دو اطاق آن - برای مواقعی که به تهران می‌رود - تحت اختیار خود او است و بقیه اطاقها در دست مستأجر است آیا خمس، به خانه مزبور، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در صورتی که دو اطاق، بر حسب شأن، مورد احتیاج باشد و از مؤنه، محسوب شود خمس ندارد و در بقیه آن، خمس، واجب است.

س

- شخصی خانه‌ای جهت سکونت خود خریده، و مورد احتیاج اوست ولی فعلاً در اجاره دیگری است و مستأجر، تخلیه نمی‌کند آیا پولی که در مقابل این خانه، داده اگر از منافع خمس نداده باشد، خمس آن را باید بدهد یا این که چون در مقابل این خانه داده جزء مؤنه است؟.

ج

- در فرض مسأله، خمس ندارد، مگر آن که از سکنی گرفتن در آن، منصرف شود.

صفحه : ۲۹۸

س

- هر گاه کسی خانه‌ای دارد موافق شأن و در آن ساکن است حال به جهت ترمیم معاش، می‌خواهد آن را بفروشد و خانه ارزانی بخرد و از بقیه وجه آن، استفاده امور معاش خود نماید، در این تبدیل و تبدل وجوهاتی تعلق می‌گیرد یا نه؟
ضمناً مقداری از این وجه را در بانک می‌گذارد و از بانک بهره می‌گیرد و استفاده می‌کند اصل استفاده از بانک و بهره‌ای را که از بانک می‌گیرد چه صورت دارد؟.

ج

- اگر منزل قبلی مورد حاجت او بوده است به قیمت آن که به مصرف خرید خانه دیگر رسیده و به زیادی آن که رأس المال قرار داده و یا در بانک گذاشته، خمس تعلق نمی‌گیرد ولی اگر خانه قبلی را به بیش از قیمت خرید فروخته باشد، زائد بر قیمت خرید از عوائد سال فروش است که اگر در آن سال صرف مؤنه نشود خمس دارد و آن چه را که در بانک می‌گذارد و شرط سود نمی‌کند و بانک خودش چیزی می‌دهد علی‌الظاهر اشکال ندارد و اگر به منظور سود گرفتن به بانک می‌دهد گرفتن سود حرام است.

س

- کسی برای سکونت خود تدریجاً خانه‌ای ساخته هر سال، مقداری از درآمد آن سال را صرف یک قسمت این خانه نموده، آیا همه آن چه صرف این خانه شده مؤنه، حساب می‌شود و خمس ندارد یا آن چه را که در سال آخر - که استفاده از خانه می‌نماید - خرج کرده خمس ندارد؟.

ج

- عوائدی که در سال سکونت خود، صرف در آن خانه نموده خمس ندارد و لکن عوائدی که در سالهای قبل، مصرف نموده خمس دارد. بلی اگر مقداری مصالح، خریداری نموده و مشغول بنایی است و در این بین، سال خمس او حلول نموده بعید نیست که خمس نداشته باشد لکن احتیاط، خوب است ولی اگر بغیر این طریق نمی‌تواند خانه مورد احتیاج را تهیه کند خمس ندارد.

س

- کارمند یا کارگری در مؤسسه یا شرکتی مشغول کار است و در خلال مدت اشتغالش از طرف مؤسسه، خانه‌ای با تمام تجهیزات، بعنوان اجاره یا مجانی در اختیارش گذارده‌اند، ولی چون خانه شخصی ندارد خانه‌ای از درآمد خود تهیه می‌کند که پس از بازنشستگی، به خانه خود برود آیا این خانه، خمس دارد یا جزء مؤنه، حساب می‌شود؟.

ج

- چون فعلا مورد حاجت او نیست باید خمس آن را بدهد.

س

- اگر در ضمن سال خمس، خانه‌ای که مورد احتیاجش هست بخرد ولی تا اوّل سال جدید، فروشنده، منافع خانه را در این مدّت، برای خودش استثنا کرده باشد به طوری که خریدار فعلا نتواند از خانه، استفاده کند آیا این خانه، جزء مؤنه امسال محسوب می‌شود یا این که باید خمس خانه را بدهد؟.

ج

- اگر تا اوّل سال جدید خمس، یا کمی بعد از آن را استثنا کرده باشد به طوری که عرفا بگویند لازم است فعلا پول خانه را بدهد بعید نیست از مؤنه سال جاری، محسوب شود، لکن اگر مدّت زیادی بعد از گذشتن سال خمس، خانه را تحویل می‌گیرد باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی خانه‌ای جهت سکونت خود و خانه‌ای هم برای اجاره دادن و جزء سرمایه کسب، دارد هر گاه خانه مسکونی خودش را بفروشد که برای سکونت خود، خانه دیگر بخرد و هنوز خانه، خریداری نشده سال خمس او می‌رسد که باید حساب نماید و خمس عایدی خود را بپردازد، آیا خمس این پولی را که برای خرید خانه در محل مناسب با کسب خود نگهداشته باید بپردازد؟.

ج

- در فرض مسأله، معادل مبلغی که خانه مسکونی را به آن مبلغ خریده خمس ندارد و از ترقّی قیمت، هر مبلغ که در سال فروش، صرف خرید خانه مسکونی و مؤنه دیگر گردد خمس ندارد و خمس ما زاد بر مؤنه مثل فوائد دیگر باید پرداخت شود و خانه‌ای را که اجاره می‌دهد، سرمایه است و به نظر حقیر خمس آن لازم می‌باشد.

س

- شخصی مبلغ یک صد هزار تومان مال مخمس موجودی دارد، این مبلغ مخمس را در آخر سال اوّل و در سال دوّم مصرف خانه جدید البنا نمود و در خلال سال دوّم بناء خانه تمام نشد. سر سال، یک صد هزار تومان دیگر مصرف خانه شد یعنی خانه جدید البنا و سال سوّم نیز مبلغ یک صد هزار تومان مصرف همین خانه جدید البنا نمود و در آن ساکن شد و البتّه خانه مسکونی قدیمی نیز داشت و در آن ساکن بوده است و جدیداً به خانه جدید البنا مذکور منتقل شده است، آیا این مبالغ سال دوّم و سوّم که مصرف خانه جدید البنا نموده باید تخمیس شود یا خیر؟ و آیا

بعد از ساکن شدن در خانه جدید، خانه قدیم را باید به قیمت درآورد و آن را مخمس نماید یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال اگر خانه جدید مورد حاجت او است و وقفه‌ای در ساختمان آن حاصل نشده فقط معادل قیمت فعلی خانه قدیمی بعد از کسر یک صد هزار تومان وجه مخمس باید تخمیس شود.

س

- کسی خانه‌ای دارد که در آن زندگی می‌کند، و صاحب اولاد می‌باشد که با ازدواج نمودن یکی از آنها که وقت ازدواج او می‌باشد و محل سکونت می‌خواهد در مضیقه قرار می‌گیرد، اکنون مدت سه سال است که خانه‌ای آبرومندتر و بزرگتر می‌سازد که بعد از تمام شدن آن به خانه جدید برود آیا این خانه جدید خمس دارد یا خانه قدیم اگر بفروشد یا هیچ کدام؟.

ج

- بقدر قیمت خانه قدیمی خمس واجب است و زائد بر آن چون محل حاجت است خمس ندارد.

حکم باغ و اشجاری که برای مصرف شخصی یا فروش میوه یا اشجار، احداث یا خریداری شده

س

- شخصی بیست قفیز زمین خمس داده را باغ انگور کرده جهت تجارت که از محصول آن، استفاده تجارتي نماید آیا خمس به این باغ، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- خمس درختهای انگور و تفاوت قیمت زمین که به واسطه کار- در آن زمین - از قبیل تسطیح و هم چنین دیوار کشی و امثال آن، حاصل شده باید بدهد ولی اگر قیمت زمین به واسطه ترقی سوقيه زیادتیر شده باشد تا نفروخته خمس آن، لازم نیست.

س

- در محلی، کشاورزان به منظور درآمد و فروش محصول، احداث باغ می‌کنند و چون زمین زراعتی ایشان جهت گندم کاری، کم است ممکن است در بعضی از اراضی، وقتی احداث باغ شد ترقی قیمت پیدا نشود یعنی باغ، و زمین بدون اشجار، یک قیمت باشد در چنین مورد، رشد و نمو و قیمت اشجار، خمس دارد یا نه؟.

صفحه : ۳۰۱

ج

- در فرض سؤال اگر زمین، مال خود احداث کننده باغ است خمس قیمت فعلی زمین و باغ را بدهد کافی است و پس از آن اگر

نمّو جدیدی پیدا کرد خمس آن نمّو را نیز باید بدهد و اگر زمین، از دیگری است که به اذن مالک یا اجاره زمین از او احداث باغ در آن کرده در این صورت باغ را بدون زمین، قیمت کنند و خمس آن را بدهند و بعد هم خمس نمّو آن را ادا نمایند و اگر زمین ملک خودش باشد و خمس آن را قبلاً داده و حال که باغ کرده به واسطه احداث باغ، بر قیمت آن چیزی افزوده نشده خمس ندارد.

س

- شخصی فوت نموده و اشجاری داشته که می‌دانیم خمس نمّو آنها را نداده آیا خمس این اشجار را باید بدهند و یا خمس نمّو آنها را؟.

ج

- در فرض سؤال خمس نمّو اشجار را بدهند کافی است.

س

- کسی که حساب سال ندارد، زمین موروثی خود را با قرض بصورت باغی درآورده، که از فروش میوه آن گذران کند، پس از حدود بیست سال، درآمد میوه باغ از خرج زندگی اضافه آمده است، حالا که تازه می‌خواهد حساب سال قرار دهد، آیا اصل باغ از حیث نمآت و ترقی سوخته هم باید حساب شود، یا فقط درآمد آن باید تخمیس شود؟.

ج

- در فرض سؤال اصل زمین خمس ندارد و امّا اشجار موجود که علی‌الفرض به ثمر رسیده اگر قرض آن، پرداخت شده و در مقابل آن بدهکار نیست خمس آن واجب است و راجع به ثمره باغ، آن مقدار که در سال به مصرف خوراک خود و عائله برسد یا با فروش به مصرف مؤنه سال برساند خمس ندارد، و زائد بر مؤنه خمس دارد.

س

- اگر کسی زمین زراعتی خود را تبدیل به باغ نموده و اطراف باغ را با سیم کشی، حصار کند در این صورت نهالهایی که از عوائد بین سال، خریداری کرده و غرس نموده در آخر همان سالی که برای خمس، داشته باید تخمیس کند یا برای آنها سال خمس جداگانه قرار دهد یا چون احداث باغ، به منظور استفاده از میوه آن است نه فروش، باغ اصلاً مورد تعلق خمس نیست و هکذا قیمت سیمها را باید تخمیس کند یا نه؟.

صفحه : ۳۰۲

ج

- اگر برای مصرف شخصی است خمس ندارد و اگر برای فروش میوه آن است باید خمس نهال و سیم کشی و تفاوت قیمت زمین که به واسطه اصلاح آن، جهت باغ حاصل شده است پردازد و در فرضی که از عوائد بین سال، صرف نهال و سیم کشی نموده باید در آخر همان سالی که خود داشته خمس آن را بدهد.

س

- شخصی از اول تکلیف، خمس نداده و زمینی را خریده و در آن، باغی جهت امرار معاش و زندگی خود و عائله‌اش - نه به قصد فروش و تجارت - احداث کرده حال می‌خواهد خمس اموال خود را ادا نماید در این صورت فقط باید قیمت خرید زمین را بحساب بیاورد یا قیمت نمو درختهای مثلا مو را نیز بحساب بیاورد با توجه به این که پول محصول آن باغ، بر مؤنه سالیانه‌اش زیادی ندارد؟.

ج

- اگر زمین را از عوائد سال، خریده و احداث باغ کرده برای این که میوه آن را بفروشد، باید خمس زمین و مو و اشجار آن را پردازد و بعد هم هر چه نمو پیدا کند باید خمس آن را ادا نماید ولی به ترقی قیمت سوقی زمین و اشجار، بعد از اداء خمس، تا نفروخته خمس تعلّق نمی‌گیرد، و اگر باغی احداث کند برای مصرف شخصی - نه برای فروش میوه آن - اگر زائد بر حاجت شخصی نباشد خمس ندارد.

س

- باغهایی را جهت غرس انگور و میوه‌های دیگر برای استفاده شخصی و فروش، احداث می‌کنند در صورتی که آن ملک، موروثی باشد و یا خمس نداشته باشد مو و اشجارش اگر، زائد بر حاجت باشد، خمس دارد یا نه؟ و میزان احتیاج در باغ، تا چه اندازه است؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس مو و اشجار را بعد از رسیدن به ثمر باید بدهند و میزان احتیاج در باغ، آن مقداری است که برای مصرف خود و عائله‌اش به آن محتاج باشد و این مقدار، جزء مؤنه است و خمس ندارد.

س

- شخصی باغی خریده که جزء مؤنه زندگیش باشد و از میوه‌اش استفاده کند و ممکن است در بعض سنوات، مقداری انگور، بیشتر از مصرف خوراک منزل داشته باشد و آن را بفروشد آیا این باغ، جزء مؤنه زندگی او است و خمس ندارد یا آن که باید تخمیس شود؟.

صفحه : ۳۰۳

ج

- اگر باغ، زائد بر مؤنه نیست و اتفاقا در بعضی از سنوات محصول زیادتر از مصرف شخصی می‌دهد تخمیس آن، واجب نیست، بلی میوه‌ای که زائد بر مصرف شخصی است اگر عین یا قیمت آن در بین سال صرف مؤنه نشود باید تخمیس شود.

س

- اشجار غیر مثمره که منظور، استفاده از خود آنها است و برای مصرف خانوادگی می‌باشد باید تخمیس شود یا نه؟.

ج

- اگر در سالی که موقع قطع آنها است بیندازد و به مصرف زندگی برساند خمس ندارد. ولی اگر از آن سال، تأخیر انداخت خمس آن را باید بدهد.

س

- شخصی باغی را - برای آن که خود و عائله‌اش از میوه آن استفاده نمایند- بخرد و یا احداث کند آیا پولی که مصرف باغ شده خمس دارد یا نه؟.

ج

- خمس ندارد مگر آن که قبلاً به آن پول، خمس تعلق گرفته باشد.

س

- کسی که پنجاه سال از عمرش گذشته و از درآمد کسب خود تدریجاً دارای اموال و باغهایی گردیده و تا کنون برای خود، سال، تعیین نکرده و خمس هم نداده حالا- می‌خواهد اموال خود را تخمیس نماید آیا خمس همان مبلغ را که تدریجاً از منافع کسب، جمع نموده، و در بیست سال قبل به مصرف خرید باغ رسانیده باید بدهد و یا قیمت فعلی باغ را؟ مثلاً روز اول، باغ را به ده هزار تومان خریده ولی در اثر کوشش و آباد کردن و غرس نهال در آن، به صد هزار تومان رسیده است اکنون کدام یک را حساب کند؟.

ج

- اگر باغ بخرد و آباد کند و قصدش آن باشد که قیمت آن بالا برود و بفروشد باید بعد از آباد شدن، خمس قیمت فعلی باغ را بدهد و اگر خریده و آباد کرده که نگاهدارد و از آن استفاده کند- بدون قصد فروش - باید خمس پولی را که داده و خمس آن چه به آباد شدن، بر آن اضافه شده بدهد و اما ترقی قیمت، اگر معامله را به ذمه انجام داده و قیمت باغ را از پولی که خمس به آن تعلق گرفته بوده ادا کرده ترقی قیمت سوقی، خمس ندارد ولی چنانچه معامله را عین بعین انجام داده و قیمت را از پولی که خمس به آن تعلق گرفته بوده ادا نموده و یا این که قیمت باغ را از عوائد سال خرید، ادا کرده چه معامله را عین بعین انجام داده یا به ذمه، باید قیمت

صفحه : ۳۰۴

فعلی باغ را حساب کند و خمس آن را بدهد.

س

- شخصی مبلغی در سال جاری، مقروض است درختی را که در سالهای قبل غرس نموده می‌فروشد و قرض خود را می‌پردازد آیا وجهی را که از فروش درخت، بدست آورده و قرض خود را با آن ادا می‌کند خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر سال اول، خمس اصل آنها را داده و در همان سال که بحّد کمال رسیده‌اند بفروشد و به مصرف اداء قرض خود برساند خمس ندارد و لکن اگر اول، خمس آنها را نداده یا در سالهای بعد از حدّ کمال، آنها را قطع نموده یا بفروشد واجب است خمس آنها را بدهد.

س

- شخصی نهال درخت کبود و تبریزی و مانند آنها را می‌کارد و موقعی که بحّد رشد رسید و وقت قطع کردن آنها شد آنها را قطع می‌کند و صرف در مؤنه می‌کند و در ضمن خمس نهال آنها را نداده آیا باید خمس آنها را بدهد یا خیر؟.

ج

- در مورد سؤال چنانچه عین آنها صرف در مؤنه شود خمس ندارد اگر چه خمس نهال آنها را نداده باشد ولی اگر آنها را قطع می‌کند و می‌فروشد و پول آنها را صرف در مؤنه می‌کند چنانچه خمس نهال آنها را داده باشد چیزی بر او نیست ولی اگر خمس نهال آنها را نداده باشد باید خمس آنها را بدهد.

نگهداری احشام بعنوان سرمایه یا مصرف شخصی

س

- شخصی قریب ده سال است مالش را تخمیس نموده، و اما حساب سال، نگاه نداشته و از جمله اموالش چند رأس گاو و گوسفند است اکنون مجدداً در صدد تخمیس، می‌باشد حال آیا می‌تواند فقط از اضافه تعداد گاو و گوسفند سابق، وجوه بدهد یا باید از تمام موجودی بدهد؟.

ج

- اگر آنهایی که سابق داشته و خمس آنها را داده تلف نشده باشد فقط خمس اضافه را بدهد و هم چنین اگر آنها تلف شده و اینها که باقی است در سال تلف و از ربح سال تلف، تهیه شده باشد. و اما اگر از ربح سال قبل از تلف و یا سالهای بعد از سال تلف تهیه شده خمس تمام را، بدهد و گاو و گوسفند بمقدار شیر لازم زندگی، جزء مؤنه است.

صفحه : ۳۰۵

س

- کسی که تعدادی گوسفند بمقدار مؤنه نگهداری کند و بالتبع از بچه و پشم آن، استفاده غیر مؤنه کند باید به نسبت آن فائده،

خمس گوسفند را بدهد یا لازم نیست؟.

ج

- لازم نیست.

س

- شخصی که می‌خواهد برای خود سال قرار دهد آیا گوسفند و بَرّه آن را اگر چه سال آن تمام نشده باشد سرمایه قرار دهد، یا فقط گوسفند را سرمایه قرار داده و بَرّه آن را تا سال، تمام نشود جزء سرمایه حساب نکند؟.

ج

- می‌تواند گوسفند و بَرّه را با هم حساب کند و برای مجموع، سال قرار دهد.

س

- صاحبان گوسفندان و گله‌دارها مقداری جو و کاه در زمستان به مصرف گوسفندان می‌رسانند آیا جایز می‌دانید که قیمت جو و کاه مصرف شده را از نمو آنها کسر نموده و باقی مانده را خمس بدهند یا خیر؟.

ج

- اگر از کاه و جو خمس داده مصرف کنند می‌توانند از نمو، این مقدار را کنار بگذارند و خمس باقی را بدهند ولی اگر از ربخ خمس نداده در بین سال، مصرف کنند نمی‌توانند کسر بگذارند.

س

- شخصی چند رأس بز دارد و می‌خواهد به حساب خود رسیدگی کند بزغاله‌های آنها هر یک مثلاً بیست تومان قیمت می‌شود و یک سال دیگر هر یکی صد تومان، آیا قیمت فعلی را باید حساب کند یا قیمت بعدی را در حالی که ممکن است تا سال بعد، چند رأس آن را بکشد یا بفروشد؟.

ج

- در این سال، خمس قیمت فعلی را و در سال بعد، خمس نمو آن را بدهد.

س

- نتاج گاو و گوسفند را نگهداری می‌کنند که پس از دو سال مثلاً از شیرش استفاده کنند ولی در ضمن این دو سال، از پشم آنها مثلاً استفاده و رفع احتیاج خود می‌نمایند، در این صورت در عرض این دو سال، خمس به آنها تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر خود آنها مورد حاجت باشند خمس ندارد و منافع آنها اگر زائد بر

صفحه : ۳۰۶

مؤنه باشد خمس دارد.

س

- شخصی صد رأس گوسفند دارد خمس به آنها تعلق گرفته و از هر یک بزه‌ای تولید شده که جمعا دویست رأس فعلا موجود است می‌خواهد خمس آنها را بدهد باین گوسفندان چقدر سهم سادات و سهم مبارک امام علیه السلام تعلق می‌گیرد؟.

ج

- در فرض مسأله اگر بزه‌ها هم یک سال تمام داشته باشند فعلا تمام را باید قیمت کنند و خمس مجموع را بدهند و اگر بزه‌ها یک سال، کمتر دارند در اینجا می‌توانند خمس تمام را بدهند و می‌توانند خمس گوسفندها را بدهند و نسبت به بزه‌ها صبر کنند تا آن که یک سال آنها تمام شود آن‌گاه خمس آنها را بدهند.

س

- شخصی دارای صد رأس گوسفند و ده رأس گاو است و خمس آنها را پرداخته و در بین سال، تمام گوسفندان و گاوها را فروخته و وجه آن را صرف مؤنه کرده ولی سر سال، صد عدد بزه و ده رأس گوساله از گوسفندان و گاوهایی قبلی دارد در این صورت باید مجددا خمس بزه‌ها و گوساله‌ها را از عین یا قیمت آنها بدهد یا این که تا بر عدد گوسفندان و گاوها افزوده نشده یا قیمت آنها بالا نرفته خمس ندارد؟.

ج

- مادامی که بر عدد گوسفندانش افزوده نشده در صورتی که سرمایه را بحسب عدد، معین کرده یا بر قیمت آنها افزوده نشده در صورتی که سرمایه، قیمت آنها باشد خمس آنها واجب نیست.

س

- شخصی حساب احشام و گوسفندان خود را کرد و خمس آن را داد و اکنون هر گوسفندی مبلغی ترقی کرده در این صورت باید قیمت فعلی را حساب کند یا قیمت سال قبل را و هم چنین نسبت به بچه گوسفندها حکم، چیست؟.

ج

- در صورتی که سال گذشته قیمت گوسفند را سرمایه، محسوب داشته همه ساله قیمت کند و خمس اضافه را بدهد ولی اگر هیچ نماء متصل و منفصل نداشته و اضافه، فقط مستند به ترقی قیمت سوقیه بوده در این صورت تا نفروخته خمس ندارد و بچه گوسفندها هم حکم خود گوسفندها را دارد.

صفحه : ۳۰۷

س

- شخصی صد رأس میش یا بز دارد و خمسش را داده سال بعد تعداد گوسفندان همان صد رأس است ولی پنجاه رأس عوض شده آیا این پنجاه رأس خمس دارد یا چون تعداد زیاد نشده خمس ندارد؟.

ج

- در فرض سؤال اگر پنجاه رأس مخمس را معاوضه نموده یا آنها را فروخته و با همان پول پنجاه رأس دیگر خریده و نماء متصل یا ترقی قیمت در موقع فروش پیدا نکرده بوده خمس ندارد و هم چنین اگر صد رأس سرمایه بوده و پنجاه رأس آنها تلف شده یا به مصرف مؤنه رسیده و پنجاه رأس مجدد، از درآمد سال تلف خریداری شده خمس ندارد.

س

- شخصی صد رأس گوسفند دارد قیمت کرده مثلاً صد هزار تومان سال بعد، تعداد، همان صد رأس است ولی قیمت، دویست هزار تومان شده خمس دارد یا نه؟.

ج

- در صورتی که زیادی قیمت در اثر ترقی قیمت سوقیه باشد و از خود گوسفندان خمس داده، زیاده خمس ندارد ولی اگر در اثر نماء متصل قیمت زیاد شده یا از قیمت گوسفندان، خمس داده، خمس زیاده را باید بپردازد.

س

- شخص چشم‌دار باید گوسفندها را جهت اداء خمس، به قیمت درآورد و یا به شماره هم می‌تواند اکتفا کند و اگر به شماره خمس آنها را داد، سال دیگر هم تعداد آنها بیش از سال قبل نیست ولی مقداری از آنها نتایج گوسفندان مخمس می‌باشد نه خود آنها آیا لازم است خمس بدهد یا نه؟.

ج

- می‌تواند بهر یک از قیمت و عدد، سرمایه را معین کند لکن اگر با عدد تعیین نمود باید خمس نماء متصل آن را بدهد.

خمس مطالبات

س

- ما در شرکت پتروشیمی مستغلات کار می‌کنیم دولت هر ماه مقداری از حقوق ما را کم می‌کند هنگامی که حدود بیست هزار تومان شد یک دفعه آن را بما می‌پردازد دوباره از حقوق ما کم می‌کند مثلاً به ۵۰ هزار تومان می‌رسد و یک باره آن را می‌پردازد

و هلمّ جرّا طرز خمس دادن این پولها چگونه است؟ آیا تا بدست آمد خمس دارد یا پس از کسر مؤنه سال و نیز بفرمایید چنانچه شخص در

صفحه : ۳۰۸

آخر سال مبلغ هزار تومان مطالبات داشته باشد آیا آن مبلغ را جزء موجودی خود بحساب آورد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال اول، وجه مزبور، جزء درآمد سال دریافت می‌باشد که اگر صرف در مؤنه سال نشود باید تخمیس شود و در فرض سؤال دوم، اگر مطالبات، مدّت دار باشد جزء درآمد سال وصول محسوب می‌شود ولی چنانچه طوری باشد که اگر مطالبه کند می‌پردازند باید خمس آن را بدهد.

س

- هر گاه حقوقی را که دولت به کارمندان می‌دهد در پرداخت آن تأخیر نماید به طوری که وقتی پرداخت می‌کند سال خمسی کارمند گذشته و حقوق، مربوط به چند ماه از سال قبل باشد بفرمایید آیا دریافتی حقوق سال قبل، از عوائد سال قبل است یا از عوائد سال پرداخت و نیز بفرمایید چنانچه حقوق در موقع خود، بحساب کارمند واریز شده لکن کارمند دسترسی به برداشت آن نداشته تا سال خمسی رسیده چطور؟.

ج

- در مورد سؤال اول، بعید نیست جزء عوائد سال پرداخت باشد و در مورد سؤال دوم، جزء عوائد سال قبل است و باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی چند سال پیش، مبلغی را بعنوان ودیعه به سازمان آب داده - البته مجبور بوده که بپردازد- و بعد از مدّت چندین سال، سازمان، پول او را ردّ می‌کند آیا این شخص می‌تواند این پول را جزء درآمد امسال حساب کند یا به محض گرفتن، باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس آن را بعد از وصول، باید بدهد.

س

- صاحب مغازه‌ای در موقع حساب، دارای مطالبات از مردم و بدهی به آنها و مقداری نقدینه است آیا نقدینه را از بدهی، کسر نماید و مطالبات را داخل در حساب سال آینده قرار دهد یعنی هر موقع، وصول شد جزء عوائد همان سال حساب کند یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، آن چه مغازه، مقروض است باید از موجودی، کسر شود و آن چه طلبکار است اگر مدّت دارد و مدّت آن، در سال آینده است از منافع سال آینده محسوب است و آن چه مدّت ندارد و فعلاً حقّ مطالبه دارد و برای رفاه حال

صفحه : ۳۰۹

مشتری، مطالبه نمی‌کند باید حساب کند و خمس آن را بپردازد و اگر حقّ مطالبه دارد و مطالبه می‌کند و مدیون نمی‌دهد در حساب بیاورد و هر وقت نقد شد خمس آن را بدهد.

س

- معاملات نسیه که وقت پرداخت ثمن، سال بعد باشد و نیز معاملات نقدی که مهلت داده می‌شود که سال بعد قیمت دریافت شود و قرضی که وقت وصول آن، سال دیگر است جزء ربح سال قبل، حساب می‌شود یا سال بعد؟
و هم چنین اگر به سبب غصب و غیره نتواند تا سال بعد تصرّف در ربح کند چه صورت دارد؟.

ج

- معاملات نسیه که وقت اداء آن در غیر سال ربح است و هم چنین ربح مغضوب، جزء ربح سال وصول، محسوب است اما معامله نقدی که مهلت می‌دهد برای سال بعد، جزء ربح سال قبل، محسوب می‌شود، پس اگر طوری است که با مطالبه، وصول می‌شود باید آخر سال، خمسش را بدهد و اگر با مطالبه نیز، بدهکار نمی‌دهد هر وقت وصول شد خمسش را بدون انتظار گذشتن سال، ادا نماید و هم چنین است حکم در قرض ربح.

س

- مبلغی که به اشخاص بعنوان قرض الحسن داده می‌شود اگر آن را پس ندهند خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله اگر متمکّن از پس گرفتن نباشد در حکم تلف است و خمس ندارد بشرط آن که مسامحه در مطالبه نکرده باشد.

س

- شخصی است کاسب مثلاً مقدار یک هزار و دویست تومان، سرمایه نقدی دارد و هزار و هفتصد تومان نسیه در دست مردم، و سال خمس هم دارد فعلاً کاسب مزبور، می‌خواهد بداند که خمس آن نسیه را از سرمایه نقد بدهد یا این که خمس، به نسیه تعلق نمی‌گیرد؟.

ج

- خمس مبلغی را که از مردم می‌خواهد باید بپردازد، لکن واجب نیست از نقد بدهد و می‌تواند صبر کند هر وقت وصول شد

وجوهایش را بپردازد.

س

- شخصی مطالبات کسبی تدریجی - در ظرف شش ماه و یک سال و کمتر و زیاده‌تر - دارد و یقین به وصول تمام آنها ندارد، این شخص برای درآمد

صفحه : ۳۱۰

خود به چه نحوی سال قرار بدهد؟.

ج

- اما مطالباتی که وعده دارد ربح آن، جزء فائده سالی است که معین شده و مطالباتی که وعده ندارد اگر به نحو است که هر وقت، مطالبه کند می‌دهند باید در آخر سال، جزء فائده، محسوب شود و آن چه را که مسامحه در اداء آن دارند هر وقت گرفت، خمس ربح آن را بدهد.

س

- کسی طلبی از دیگری دارد که مدیون، با گذشت چند سال آن را ادا نکرده و بنا هم ندارد که ادا نماید آیا دائن که دسترسی بمال او دارد می‌تواند به اندازه حق خودش از مال او بردارد یا نه؟ و بعد از اخذ مال، آیا بر دائن، اداء خمس آن واجب است یا نه؟.

ج

- اگر نتواند به هیچ طریق، وصول نماید جایز است که تقاص کند و بنا بر احتیاط لازم، با اجازه مجتهد جامع الشرائط، تقاص نماید و در فرض سؤال، چون زائد بر مؤنه سال است بعد از وصول، خمس آن را باید بدهد.

س

- اجناس چندی بعنوان نسیه، چند ماهه به اقساط، فروخته شده و تا آخر سال خمس، همه اقساط آن پرداخت نشده آیا منافع آن معامله، جزء سال قبل است که معامله در آن واقع شده - و لو همه اقساط، وصول نشده باشد - یا آن که آن مقداری که وصول شده جزء سال قبل و مقداری که وصول نشده جزء منافع سال جدید است؟.

ج

- منافع اقساط بعدی از منافع همان سال بعد، محسوب است.

س

- شخصی که به وسیله روضه خوانی، امرار معاش می‌کند و حساب سال دارد مبلغی از پول روضه خوانی از اشخاص، طلبکار است و چند روز بعد از رسیدن سال خمس، طلب او را پرداخت کردند آیا این پول از درآمد سال قبل است که باید خمسش را بدهد و

یا از منافع سال بعد است که فعلا خمس ندارد؟.

ج

- بعید نیست جزء عوائد سالی که می‌پردازند باشد، مگر آن که خودش مسامحه در گرفتن، کرده باشد.

حکم خمس در باره کسی که چند رشته کسب دارد

س

- کسی که سال خمس دارد و در بین سال، از معادن و هم چنین

صفحه : ۳۱۱

از کشاورزی و یا شغل‌های دیگر، استفاده‌هایی می‌نماید و نیز گاهی بین سال، انتفاع معدن، به نصاب می‌رسد و از شغل‌های دیگرش ضرر کرده و بالعکس از اشجار باغ یا از محصول رعیتی، فوایدی بدست می‌آورد ولی از رشته معادنش ضرر می‌کند آیا می‌تواند از نفع یکی از شغل‌هایش جبران خسارت شغل دیگر را بنماید یعنی در آخر سال، نفع و ضرر رشته‌های مختلفش را با هم سنجیده اگر در عین حال، سودی نموده بود خمس همان را بدهد یا نه؟.

ج

- در رشته‌های کسب اگر سرمایه، یکی باشد، می‌شود ضرر یک رشته را در سال، با نفع رشته دیگر، تدارک نمود باین معنی که روی هم رفته در این چند رشته، بعد از سال اگر نفع باقی است خمس بدهد و الا خمس ندارد لکن معدن را حین تملک باید اگر بعد نصاب رسید بعد از مخارج مربوط به معدن تخمیس نماید چه از رشته‌های دیگر نفع کرده باشد، چه ضرر.

س

- شخصی چند رشته کسب دارد مثل این که قالی بافی و زراعت و باغبانی می‌کند و از یک رشته نفع برده و از دیگری ضرر کرده در آخر سال خمس آن را چگونه حساب کند؟.

ج

- احتیاط واجب آنست که خمس آن چه را که زائد بر مؤنه است بدهد و ضرر رشته‌ای از کسب خود را به منفعت رشته دیگر جبران نکند مگر آن که رأس المال در همه، یکی باشد مثل این که وجهی را، در رشته‌های مختلف، سرمایه قرار داده باشد که در این صورت جبران - بنا بر اقوی - جایز است.

س

- اگر کسی برای کسب و حساب اموال، سالی معین نموده و چند روز به آخر سال، مانده از کسب دیگری نفعی عایدش شد آیا در سالی که برای کسب اول، تعیین نموده خمس آن را هم باید بدهد و یا می‌تواند برای کسب دوم، سال دیگری را معین کند؟.

ج

- اگر برای هر دو کسب، سال واحدی دارد باید خمس ما زاد بر مؤنه از هر دو را در آخر سال بپردازد ولی جایز است برای هر نوع کسب، سال مخصوصی داشته باشد.

صفحه : ۳۱۲

خمس بذر

س

- کسی که هر سال مقدار معینی گندم، کشت می‌کند در صورتی که خمس آن گندم را در اصل داده باشد هر گاه یک سال بر اثر نیامدن باران، آن گندم را کشت نکند و یا آن که نصف مقدار معین، بیشتر نتواند کشت کند پس از انقضاء سال، لازم است مجدداً خمس کلیه آن مقدار و یا نصف آن را بدهد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس ندارد.

س

- شخصی مقدار صد من گندم مخمس می‌کارد و فعلاً هزار من گندم، عوائد آن است اگر بخواهد در سال آینده از این یک هزار من، مقدار یک صد من آن را جهت بذر، استفاده کند آیا باین بذر، خمس، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، بذر مخمس، حکم سرمایه مخمس را دارد و خمس ندارد.

س

- تخمی که در پائیز و بهار به صحرا می‌پاشند و آن تخم هم از محصول سال خود زارعین است خمس دارد یا نه؟ و اگر خمس دارد در سالهای بعد، آن قدری که خمس آن را در سال قبل، داده باز خمس دارد و یا ندارد؟.

ج

- بلی خمس دارد و سال اول که خمس آن را بدهند، آن مقدار، دیگر در سالهای بعد خمس ندارد.

س

- شخص رعیت که تا کنون، سال نداشته و خمس بذر را نداده می‌خواهد مال خود را تخمیس کند فعلاً- فصل بهار است آیا

می‌تواند از گندم موجودی برای نان خود- تا وقت خرمن - نگاهدارد و یا باید گندم موجودی و بذر را حساب کند و خمسش را بدهد؟.

ج

- اگر کسی خمس بذر را بدهد می‌تواند خمس مقدار نان تا وقت خرمن را ندهد.

س

- شخصی زمینی را با کشت گندم آن که تازه سبز شده و مقدار یک خروار بذر آن بوده بمبلغ دویست هزار تومان با پول مخمس خریده بفرماید آیا خریدار پس از برداشت این محصول، هر گاه در سال بعد بخواهد مقدار یک خروار بذر

صفحه : ۳۱۳

بکار باید خمس تمام آن چه را که از محصول در آخر سال باقی مانده و مصرف نشده بدهد یا می‌تواند بمقدار یک خروار بذر را استثناء کند و خمس بقیه را بدهد و نیز گندمی که زکاة و خمس به آن تعلق گرفته و داده نشده اگر با همان گندم، زراعت کنند آیا حکم مخلوط به حرام را دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اول، بذر مذکور خمس ندارد و خمس بقیه را باید بدهد و در مورد سؤال دوم، در محصول آن زراعت، ارباب خمس و زکاة شریکند و حکم مخلوط به حرام را ندارد و لکن اگر زکاة و خمس تخمی را که کاشته‌اند بدهند کافی است.

مؤنه خمس ندارد

س

- اگر کاسب از ربح سالش تلفن بخرد جزء ما یحتاج است یا خمس دارد؟.

ج

- تلفن منزل، خمس ندارد و تلفن محل کسب، حکم سرمایه را دارد و خمس آن، واجب است.

س

- مالیاتی را که دولت از اشخاص می‌گیرد به چه حساب، می‌توان منظور نمود؟.

ج

- بحساب شرعی، منظور نمی‌شود ولی خمس این مبلغ، بر ذمه او نمی‌باشد.

س

- شخص کارگر، حساب سال ندارد در بین سال مسافرت به مشاهد مشرفه مثل کربلاء یا مشهد می‌نماید آیا لازم است خمس مبلغی را که جهت مخارج این مسافرت، مصرف می‌کند ادا کند یا نه؟.

ج

- اگر منافع سال قبل را به مصرف زیارت، برساند خمس آن واجب است لکن اگر منفعتی را که بدست او آمده قبل از گذشتن یک سال بر آن به مصرف زیارت برساند خمس ندارد.

س

- هر گاه کسی که سال دارد در اول سال، خمس وجوه نقدی خود را بدهد و تا سال بعد، احتیاج به مصرف و خرج وجوه مذکوره پیدا نکند و مبلغی هم بر آن افزوده نماید سالهای بعد، باید خمس تمام موجودی را بدهد یا فقط خمس

صفحه : ۳۱۴

مبلغی را که در آن سال، بدست آورده و به وجوه خمس داده ضمیمه نموده و هر گاه کسی مقداری فرش و ظرف و رختخواب و سایر لوازم زندگی خانه، که مورد لزوم و احتیاج، در بین سال نیست و برای این که فقط در بعضی مواقع مثل مجالس عزاداری و یا مجالس سرور و مانند آن محتاج به دیگران نباشد از پول خمس داده و یا در بین سال از درآمد خود، خریداری نماید و ذخیره کند در سالهای بعد، خمس به آنها تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، فقط خمس زائد را بدهد و به عین پولی که خمس آن را داده ثانیاً خمس تعلق نمی‌گیرد و هم چنین اگر با آن پول خمس داده، اثاث و لوازم دیگر خریداری نماید و ذخیره کند به آن اثاث، خمس تعلق نمی‌گیرد خواه مورد احتیاج باشد یا نباشد و اما اگر از عوائد بین سال، لوازم زندگی، را مطابق شأن خود خریداری کند، اگر چه در بین سال، فقط یک دفعه یا بیشتر مورد احتیاج شود از مؤنه محسوب و خمس ندارد و اما اگر طوری است که عاریه یا اجاره نمودن اثاث مورد احتیاج، سالی یک مرتبه مثلاً خلاف شأن او نیست باید خمس آنها را بدهد و در سالهای بعد، خمس ندارد.

س

- شخصی مبلغی از درآمدش را قبل از گذشتن سال، بر آن، داده و خانه‌ای را برای سکونت خود، بیع شرط نموده و پس از گذشتن چند سال همین پول را گرفته و بابت زمین خانه‌ای که برای سکونت لازم داشته است داده، آیا خمس آن را باید بپردازد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس، بر او لازم نیست.

س

- بنده محضیل و پدرم بی بضاعت و از عهده مخارج تحصیل دانشگاه من بر نمی آید، مجبورم دو سه ساعت کار کنم و مخارج تحصیلی خود را تأمین نمایم آیا خمس به این پول هم تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- منافی که بدست شما می رسد و زائد بر مؤنه باشد، باید خمس آن را پس از تمام شدن سال پردازید.

س

- بنده در حدود سی سال در نزد برادر خود شاگرد بودم. سال گذشته مستقل شدم و خودم حجره باز کردم و در حدود ده هزار تومان بعنوان سابقه

صفحه : ۳۱۵

کارم از او دریافت کردم آیا این ده هزار تومان وجوهات دارد یا نه؟.

ج

- مبلغی که دریافت نموده اید از منافع سال دریافت است که اگر تا آخر آن سال صرف در مؤنه شود خمس ندارد و الا خمس آن واجب است.

س

- اگر کسی خانه مسکونی خود را بفروشد و در مقام خرید منزل دیگری باشد یک یا چند سال بر آن بگذرد آیا آن پول، در حکم خود خانه مسکونی است و خمس به آن تعلق نمی گیرد و یا آن که در حکم غنائم است و اخراج خمس آن، لازم است؟.

ج

- اگر در بین سالی که از منافع آن سال، خانه خریده آن را بفروشد باید آخر سال، خمس آن را بدهد و اگر در سال های بعد به فروش برساند، زائد بر قیمت خرید، از عوائد سال فروش است که اگر در آن سال صرف خرید خانه یا هر مؤنه دیگری شود خمس ندارد و الا خمس آن واجب است.

س

- پول مصالح ساختمان که سال روی آن نگذشته باشد خمس دارد یا نه؟.

ج

- قبل از گذشتن سال بر خود مصالح یا پول آن، خمس، واجب نیست و اگر در بین سال، خرید و مشغول بنای مورد حاجت شد بعد از سال هم خمس، واجب نیست لکن هر مقداری از آن به مصرف نرسیده باشد خمس دارد.

س

- شخصی در قم مثلاً یک قطعه زمین جهت منزل مسکونی خود بمبلغ یک هزار و دویست تومان خریداری نموده و خمس این مبلغ را هم داده بعداً در تهران نیز بقصد منزل مسکونی، زمینی می‌خرد و زمین قم را به دو هزار تومان و زمین تهران را هم که دو هزار تومان خریده بود بمبلغ پنج هزار تومان می‌فروشد و یک باب خانه بمبلغ پانزده هزار تومان می‌خرد، آیا به ما زاد پول زمین قم و پول زمین تهران، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟ و در صورتی که خرید زمین به قصد منزل مسکونی نبوده حکم آن فرق می‌کند یا نه؟.

ج

- چنانچه زمینها را بقصد تجارت خریده، خمس ما زاد پول زمین قم و همه پول زمین تهران یعنی پنج هزار تومان واجب است و هم چنین اگر بقصد سکنی خریده و بعد از فروش، سال خمس آن رسیده باشد بلی در این صورت چنانچه قبل از

صفحه : ۳۱۶

رسیدن سال، خانه خریده، خمس هیچ یک از ما زاد پول زمین قم و همه پول زمین تهران واجب نیست.

س

- بنده منزلی دارم که مخروبه است، مقداری آجر و سیمان و غیره برای تعمیر آن خریده‌ام و در اثر نداشتن مزد بنّا، همین طور مانده، بفرمایید آیا سر سال خمس، به این لوازم، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال، اگر قبل از رسیدن سال خمس، شروع به تعمیر نموده‌اید، به سیمان و آجر و غیره که جهت تعمیر ساختمان، خریداری شده، خمس تعلق نمی‌گیرد.

س

- کسی پول مکه را کنار گذاشته، ولی یکی دو سال موفق نشده آیا این پول خمس دارد یا نه؟ و اگر این پول را تحویل کسی داد که به نیابت به مکه برود، ولی نائب یکی دو سال موفق نشد آیا خمس دارد یا خیر؟.

ج

- در فرض اول سؤال، خمس واجب است و در فرض دوم، چنانچه آن شخص را اجیر کرده که در همان سال مکه برود، و عمل حج او را انجام دهد، و برای اجیر عذری پیش آمده، و نتوانسته در آن سال حج برود، و حصول عذر، بعد از سال خمس، بوده، خمس واجب نیست، و امّا اگر اجیر نکرده باشد، یا قبل از تمام شدن سال خمس، عذری برای اجیر پیدا شود، صاحب پول، باید خمس آن را بدهد.

س

- چنانچه پولی بابت ضرورتی، بصورت سپرده باشد و سال خمسی فرا رسد، باید خمس آن را پرداخت یا نه؟ مانند کسی که پول اتومبیلی را پرداخته ولی مدتها بعد، نوبت تحویل آن خواهد رسید.

ج

- این مسأله دو صورت دارد یکی این که پول را قبلاً در مقابل اتومبیل می‌دهد یعنی آن را می‌خرد و مثلاً بعد از دو سال تحویل می‌گیرد و دیگر این که پولی را می‌دهد که مشمول قرعه‌کشی گردد و بعد از دو سال مثلاً، قرعه، به نامش اصابت می‌کند و اتومبیل را تحویل می‌گیرد، در فرض اول، چنانچه اتومبیل برای سواری شخصی خودش مورد نیاز باشد خمس ندارد و اگر برای حمل مسافر و بار یا رسیدگی به امور شغلش خریده، خمس آن، به قیمت وقت اداء خمس و به نرخ بازار آزاد،

صفحه : ۳۱۷

واجب است و در فرض دوم، چه برای سواری شخصی و چه برای امور شغلی باشد باید خمس آن را بدهد.

س

- کسی قطعه زمینی جهت ساختن خانه، خریده بعد آن را فروخته که خانه بخرد و قیمتش از زمان خرید اضافه شده، آیا خمس بر او واجب است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، چنانچه زمین را در همان سالی که خریده، فروخته و در همان سال خانه خریده خمس بر او واجب نیست و اگر در سال بعد فروخته زیادی قیمت جزء عوائد سال فروش است که اگر تا آخر سال به مصرف خانه نرساند و باقی بماند سر سال باید خمس آن را بدهد و نسبت به قیمت خرید اصل زمین پس اگر با پولی که خمس نداشته یا خمس آن را داده بوده خریده خمس ندارد و الا باید خمس آن را بدهد.

س

- کسی که مغازه و خانه برای اجاره دادن دارد اگر به تعمیر نیاز داشته باشد می‌تواند این هزینه را جزء مؤنه سال قرار دهد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال چنانچه تعمیرات برای بقاء خانه یا مغازه باشد مثل این که احتیاج به کاه گل دارد یا مثلاً لوله ترکیده و مانند اینها جزء مؤنه است و خمس ندارد، ولی اگر با تعمیرات سرمایه اضافه شود مثل این که مغازه کلنگی را خراب کند و با تیر آهن بسازد و مانند آن خمس آن واجب است.

س

- کسانی که ماشین سواری مورد احتیاج در زندگی می‌خرند و ربطی به شغل آنها ندارد می‌فرمایند خمس ندارد حال بفرمایید چیزهایی که مرسوم است همراه ماشین به خریدار داده می‌شود مانند بعض وسائل یدکی و لاستیک زاپاس و یخ شکن و غیرها و یا

خریدار خودش جداگانه اشیاء مذکوره را تهیه می‌کند و ممکن است در عرض سال مورد استفاده قرار نگیرد آیا به آنها خمس تعلّق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال به اشیاء مذکوره خمس تعلّق نمی‌گیرد.

س

- زنی طلای خود را فروخته و به پسرش داده که خانه بخرد و بعد از آن به قیمت روز، همان مقدار طلا به آن وزن برای مادر خود بخرد بعد از مدّتی آن

صفحه : ۳۱۸

پسر فوت نموده، فعلاً بقدر قیمت طلا به قیمت روز به همان وزن می‌تواند از مال پسرش بردارد یا نه، و چون از زینت بودن بیرون رفته آیا خمس دارد؟

ج

- اگر منظور این است که طلا را قرض داده همان مقدار طلا طلبکار است و می‌تواند از ترکه پسر وصول نماید و اگر منظور این است که طلا را فروخته و قیمت طلا را به پسر خود قرض داده و شرط کرده که به همان وزن طلا بخرد و به او بدهد این شرط مستلزم ربا و حرام است لکن در این صورت نیز بمقدار پولی که داده طلبکار است و می‌تواند از ترکه پسر بردارد و اما نسبت به خمس آن در صورتی که طلا قرض نداده بلکه فروخته و پولش را قرض داده با فرض ترقّی قیمت از روزی که خریداری شده ترقّی قیمت، ربح سال فروش است اگر در بین سال صرف در مؤنه شود خمس ندارد و اگر صرف در مؤنه نشود و سال بر آن ربح بگذرد خمس آن واجب است.

س

- یک نفر خانه‌ای را رهن کرده به پول قرضی و بعد بتدریج قرض مذکور را در مدّت چند سال پرداخت نموده آیا به آن پول که پرداخت شده خمس تعلّق می‌گیرد یا خیر؟ توضیح این که شخص مذکور، خانه لازم دارد و باید با همان پول، بعد از تمام شدن مدّت، خانه دیگری رهن کند یا مدّت رهن خانه مذکور را تمدید کند؟

ج

- در فرض سؤال، تا زمانی که فکّه رهن نشده و پول در اختیار رهن است خمس به آن تعلّق نمی‌گیرد و بعد از فکّه رهن، هر مقدار، پول در همان سال، صرف مؤنه نشد، باید خمس آن را بدهد ولی اگر از ابتدا، پولی که بابت رهن داده از ارباح باشد و قرضی نباشد، بعد از فکّه رهن، خمس آن واجب است و فرقی ندارد که در سال فکّه رهن، صرف مؤنه شود یا نه؟

س

- مرکبی که از ربح کسب تهیه می‌شود، برای این که سوار شود به تجارتخانه، یا مزرعه یا دکان یا محل کار خود برود، بدون آن که جنس تجارت با آن حمل نماید، خمسش واجب است یا نه؟

ج

- اگر ماشین یا موتور یا چرخ برای سواری شخصی مورد احتیاج باشد، دادن خمس آن واجب نیست، هر چند به محل کار خود با آن رفت و آمد کند.

صفحه : ۳۱۹

س

- شخصی یک رأس ماده گاو دارد، ولی چون عائله‌مند است یک گاو برای مؤنه‌اش کافی نیست، گوساله همان گاو را هم می‌خواهد نگاه دارد برای خودش، خمس به آن گوساله تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، خمس ندارد.

س

- چرخ خیاطی مورد احتیاج، خمس دارد یا نه؟

ج

- چرخ خیاطی اگر فقط برای حاجت خانه باشد (نه برای کسب) خمس ندارد.

س

- شخصی که دارای حساب سال است یک قطعه قالی برای زیر پایش در، بار دارد که مصالح آن را خریده و مقداری از آن هم بافته شده فعلاً سر سال او رسیده است آیا این قالی هم جزء سرمایه، محسوب می‌شود یا نه؟

ج

- در صورتی که برای احتیاج باشد- نه برای فروش - خمس ندارد.

س

- پولی که شخص با آن، خانه رهن کرده و با اجازه صاحب منزل، در آن ساکن شده با وصف احتیاج به سکنی چنین پولی خمس دارد یا نه؟

ج

- اگر در وسط سال حصول ربح، قرض داده باشد فعلاً چیزی بر او نیست اگر چه چند سال هم گذشته باشد ولی وقتی مدیون، اداء دین کرد مرتبه‌ن باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی که سال او اول فروردین مطابق با ۱۷ ذی قعدة و یا پنجم فروردین است حال عازم بیت الله الحرام می‌باشد و از ربح سال جاری جهت گذرنامه مکه معظمه، مبلغ سه هزار تومان، مصرف نموده و اول سال نو حرکت می‌کند و دو هزار تومان هم بعنوان مخارج راه، می‌برد آیا باین پولها خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- آن چه را تا روز آخر سال، جهت گذرنامه، یا گرفتن بلیط هواپیما مثلاً به مصرف رسانده خمس ندارد و آن چه را که بخواهد بعد از تمام شدن سال ربح، به مصرف برساند خمس دارد.

س

- اگر کسی در اثناء سال، چیزهائی که مورد احتیاج او در آن سال نیست و لکن عرفاً و عادتاً باید در همان سال برای سال آینده تهیه نماید، از ارباح

صفحه : ۳۲۰

مکاسب و از چیزی که متعلّق خمس است خرید آیا باید در آخر سال، خمس آن را بدهد یا لازم نیست و هم چنین چیزهائی که در اثناء سال از مورد احتیاج می‌افتد و لکن برای سالهای دیگر، مورد احتیاج است - مثل لباس زمستانی و تابستانی - آیا باید تخمیس نمود یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اول، در صورتی که طوری باشد که اگر امسال تهیه نشود، در وقت حاجت، فراهم نمی‌شود- نظیر این که چند روز به آخر سال مانده اگر پول گذرنامه یا کرایه هواپیما را حال ندهد در سال بعد، موفق به حج نمی‌شود- جزء مؤنه و مخارج سال قبل است و در فرض سؤال دوم، چیزهائی که عین آنها باقی است و از منافع آنها استفاده می‌شود مثل ظروف و لباس و امثال آنها خمس ندارد و امّا چیزهائی که استفاده از آن به تلف نمودن عین است مثل گندم و برنج و نظایر آن، خمس آن چه پس از تمام شدن سال، زیاد آمده باید داد.

س

- هر گاه کسی به فرزندش وصیت کرد که چندین سال نماز برای او استیجار نماید آیا اجرت این نمازها جزء مؤنه است یا باید خمس آن را داد؟.

ج

- جزء مؤنه است و خمس ندارد.

س

- پارچه‌ای جهت کت و شلوار خریده شده و در دکان خیاطی باقی مانده و هنوز برش نکرده که سر سال خمس او رسیده است آیا باین پارچه، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر موقع خرید، مورد احتیاج بوده و اتفاقاً دوخته نشده خمس ندارد و اگر در موقع خرید، محتاج آن نبوده بلکه برای بعدها خریده خمس دارد.

س

- شخصی جهت احتیاج کسبی خود، ماشین خریداری نموده اگر برای انجام معامله یا حمل اجناس خفیفه از آن استفاده کند جزء مؤنه است یا سرمایه - چون هم مورد احتیاج شخصی است و هم استفاده کسبی از آن می‌شود- یا باید قیمت آن، تقسیط شود؟.

ج

- در فرض مسأله اگر قطع نظر از کسب، محتاج بماشین باشد و زائد بر شأن او هم نباشد جزء مؤنه، محسوب است و این که در کسب، از آن استفاده می‌کند ضرر ندارد و در غیر این صورت جزء مؤنه نیست.

صفحه : ۳۲۱

س

- شخصی زمینی داشته فعلاً- قیمت آن بالا- رفته و به وسیله همین زمین مستطیع شده ولی در رفتن به حج مسامحه کرده و الآن مقداری از آن زمین را فروخته و تصمیم دارد به مکه، مشرف شود آیا مؤنه حج را باید تخمیس نماید یا نه؟.

ج

- اگر اصل زمین متعلق خمس نباشد مثل این که ارث یا صدق بوده یا آن را از پول خمس داده خریده و برای کسب و استفاده از ترقی قیمت، نخریده آن چه را فعلاً فروخته و صرف رفتن به حج می‌نماید خمس ندارد.

س

- بیست سال قبل ملکی که هزار تومان، قیمت داشته بعنوان مهر و یا ارث به زنی منتقل شده اکنون آن زن، ملک را به چهل هزار تومان فروخته تا به زیارت حج رود آیا به اضافه قیمت، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر در بین سالی که فروخته، صرف در مؤنه - که حج هم از مؤنه است - نماید خمس ندارد.

س

- انسان قبل از سال، عازم مسافرت می‌شود و برای خانواده یا دوستانش اجناسی می‌خرد و بعد از سال، به آنها می‌رساند آیا در این صورت خمس، واجب است؟.

ج

- اگر در وقت متعارف، خریده باشد خمس ندارد.

س

- در رساله نوشته شده که (باید از ما زاد بر احتیاج، خمس داده شود) ما زاد بر احتیاج چه حدّ است فرضاً شخص میل دارد چندین دست لباس و کفش و غیره تهیه کند و یا کتابهای گوناگون برای مطالعه بخرد و یا خوراکیهای متنوع تهیه نماید به طوری که تمام درآمد محدودش خرج شود و اضافه، باقی نماند لطفاً دقیقاً توضیح فرمائید.

ج

- حدّی ندارد و نسبت به اشخاص، تفاوت می‌کند و مراد، مطابق شأن است و لباس و کفش و غذا و کتاب، اگر مورد حاجت متعارف باشد یعنی تهیه آنها در نظر عرف، اسراف و زیاده روی، حساب نشود خمس ندارد هر چند تمام درآمدش خرج شود و آن چه را که تهیه کرده، در سال یک مرتبه یا دو مرتبه، مورد استفاده، قرار بگیرد.

صفحه : ۳۲۲

مواردی از عایدات زائد بر مؤنه

س

- ضبط صوتی را که بعضی از مؤمنین، خریداری می‌کنند که مطالب منبری و یا دعاء کامل و امثال اینها را در آن ضبط نموده و در منزلشان از آن استفاده کنند از مؤنه، محسوب است و یا باید تخمیس نمایند؟.

ج

- خمس ندارد.

س

- زمینی که به واسطه تقسیم اراضی، بدست زارعین رسیده و مبلغی پول از زارعین بعنوان قسط ملک، در هر سالی می گیرند و از طرفی هم معلوم نیست که زمین را به زارعین بدهند و ملک آنان بنمایند بلکه فقط لسانا می گویند قسط ملک است آیا آن مبلغی را که زارعین بعنوان قسط ملک می پردازند خمس دارد یا نه؟.

ج

- بلی پول مزبور، از عوائد سال، محسوب و زائد بر مؤنه است باید خمس آن را داد.

س

- بعضی از اشیاء جزئی مثلاً مهر نماز که از کربلا می آورند اگر سال بر آنها بگذرد متعلق خمس می شود یا نه؟.

ج

- اگر از ارباح، خریده شده و یا هدیه باشد و در سال، مورد حاجت نشده خمس آن را پردازند.

س

- زمینهایی که بعنوان تقسیم اراضی بدست زارعین رسیده سه نحو است اول این که مالکین، مستقماً زمین خود را با رضایت یا بدون رضایت، به دولت فروخته‌اند و یک جا پول زمین را گرفته‌اند و بر زارعین هم حلال کرده و یا حلال نکرده‌اند و دولت هم مبلغی پول در هر سال به عنوان قسط ملک از زارعین می گیرد فرض دوم این که مالکین، زمین خود را با رضایت یا بدون رضایت به زارعین فروخته‌اند و در هر سال، دولت، مبلغی بعنوان قسط ملک مالکین از زارعین می گیرد و فرض سوم این که مالکین، زمین خود را به زارعین اجاره داده‌اند آن هم با رضایت یا بدون رضایت و مبلغی در هر سال، مالکین خودشان و یا دولت از زارعین بعنوان مال الاجاره می گیرند مستدعی است بیان فرمائید در تمام این فرضها آن مبلغی که از

صفحه : ۳۲۳

زارعین می گیرند خمس دارد یا ندارد؟ و اگر خمس دارد زارعین باید بدهند یا مالکین؟.

ج

- پولی که در این گونه موارد بعنوان قیمت ملک صرف می شود مؤنه نیست زیرا اگر معامله، بوجه شرعی واقع شده باشد سرمایه، حساب می شود و در صورتی که بدون وجه شرعی باشد مال خود را اتلاف نموده پس در هر دو صورت خمس دارد و اگر پول را بعنوان مال الاجاره پرداخته در صورتی که بوجه شرعی باشد بر زارع چیزی نیست و اگر بوجه شرعی باشد زارع باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی کارمند اداره است و از آن اداره، مبلغ بیست هزار تومان بعنوان وام به او می دهند که در مدت بیست سال، از حقوق او کسر کنند و ربی هم از او نمی گیرند آیا به این مبلغ مذکور، خمس تعلق می گیرد یا نه؟ و در صورت تعلق، آیا باید خمس همه

پول را یک دفعه بدهد و یا در مدت بیست سال که سر سال، خمس هر چه از حقوق او بابت این قرض داده شده است بدهد؟.

ج

- در فرض مسأله، خمس دفعه به مجموع بیست هزار تومان تعلّق نمی‌گیرد بلی چنانچه این پول را صرف در مؤنه ننماید در هر سالی هر مقدار از قرض، اداء شد خمس آن را بدهد.

س

- در این قریه آب آشامیدنی وجود ندارد مردم در خانه خود یک آب انبار درست کرده و در زمستان آب باران جهت مصرفی سال ذخیره می‌کنند گاهی کسر می‌آید لذا با تانکر، آب خریداری نموده و در آن آب انبار می‌ریزند آیا اضافی این آب هم در پایان سال باید قیمت شود و خمس آن را بدهند یا خیر؟.

ج

- اگر فعلا- که در حوض ریخته شده مالیت داشته باشد که قابل فروش باشد خمس دارد ولی معلوم نیست مال محسوب شود هر چند مورد حاجت باشد و لذا بعید نیست خمس نداشته باشد.

س

- جمعی از مؤمنین وجوهی را بعنوان مخارج زیارت اعتاب مقدّسه، در شبهای جمعه، جمع آوری نموده‌اند و در آخر سال، مبلغی از آن یا همه آن به مصرف نرسیده آیا لازم است خمس آن مبلغ داده شود یا این سفرها اگر چه در سالهای بعد هم واقع شود به منزله احتیاجات بین سال است؟

صفحه : ۳۲۴

ج

- در فرض مسأله اگر وجهی که داده شده، در نظر عرف، پس گرفتن آن رکیک است که فی الحقیقه جزء مخارج سال گذشته به شمار می‌رود خمس ندارد و اگر بعنوان امانت است که هر وقت صاحب مال می‌خواهد پس بگیرد مانعی ندارد و مرسوم است که هر کس بخواهد پس می‌گیرد خمس آن واجب است.

س

- شخصی قبر آماده، برای خود می‌خرد که پس از فوت، در آنجا دفن شود، آیا به این قبر، خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- احتیاط لازم آنست که خمس قبر مزبور را بدهد، مگر آن که خریدار، در سال خرید، فوت نماید که در این صورت، عدم وجوب خمس، بعید نیست.

س

- کسی که خانه مسکونی داشته ولی در اثر ضیق مکان، خانه دیگری نسیه خریداری کرده و خانه اول را به مبلغ سی هزار تومان فروخته و پس از اداء دین خانه دومی، مبلغ پنج هزار تومان زیاد آمده آیا بر این زیاده، خمس، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، شخص مذکور مبلغ پنج هزار تومان زائد بر مؤنه دارد و باید خمس آن را بدهد.

س

- اگر کسی پولی را برای تهیه لوازم زندگی در اختیار دیگری گذارده و وکیل، چیزهای مورد لزوم را پیدا نکند تا برای موکل بخرد و هنوز سال بر آن پول نگذشته و چیز دیگری غیر از آنهایی که موکل خواسته بوده یا نوع دیگر از آن جنس مورد لزوم را خریداری کند تا بعد تبدیل کرده شیء مورد نظر را تهیه نماید در این حال، سال آن فرا برسد آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر به مصرف خرید چیزی که از مؤنه است در بین سال رسیده باشد خمس ندارد و اگر در آن سال صرف در مؤنه نشده است خمس دارد.

س

- شخصی که وقت حساب سالش اول تیر ماه است در خرداد ماه، یک تخته قالی می‌خرد و به منزل می‌برد و چون مورد پسند واقع نمی‌شود آن را پس می‌دهد فروشنده وعده می‌دهد که قالی دیگر برای او بخرد و پس از پنج ماه، یک تخته قالی به او تحویل می‌دهد که در هنگام تحویل قالی، چهار ماه بعد از تیر

صفحه : ۳۲۵

ماه یعنی وقت حساب سال او است اکنون این گونه معامله که پول آن پیش از سال حساب پرداخت شده و جنس آن بعد از سال حساب، تحویل داده شده چگونه است؟ آیا پول قالی خمس دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس پول را باید بدهد.

س

- اگر دولت ایران به دانشجوی مقیم خارج ماهانه مبلغی پرداخت نماید و شرط کند که بعد از اتمام تحصیل (الف) معادل همان مبلغ را به آنها برگرداند (ب) دو برابر مدّت سالهای دریافت پول، برای آنها کار کند (ج) فقط به ایران بازگردد و کار کند. آیا به

چنین پولی، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟ و رفتن به حج با آن چگونه است؟.

ج

- در فرض سؤال اگر وجوهی که دولت می‌پردازد بعنوان وام باشد و شرائط مذکوره کلاً یا بعضاً در خود وام شرط گردد ربا و حرام است و گیرنده مالک آن نمی‌شود تا احیاناً خمس یا حج واجب گردد و اگر بعنوان تملیک بشرط بدهد به این نحو که دولت بگوید این پول را به دانشجو می‌دهم یعنی تملیک می‌کنم یا مثلاً مخارج او را متکفل می‌شوم به شرط بند الف و ب و ج، کلاً یا بعضاً در این صورت چنانچه وجوه مأخوذه تا بعد از وفاء به شروط مصرف شود خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و استطاعت هم حاصل نمی‌شود و اگر تا بعد از وفاء به شروط باقی بماند خمس تعلق می‌گیرد و چنانچه می‌تواند با آن به حج برود و برگردد و امور معاش او مختل نمی‌شود در آن سال مستطیع شده و حج واجب است.

س

- شخصی سال محاسبه خمسش را مشخص نموده و یک ماه قبل از حساب سالش مقداری گندم از زراعت خود عایدش می‌شود تکلیف خمس آن چه می‌شود؟.

ج

- در صورتی که برای تمام درآمد خود یک سال دارد و این گندم تا آخر سال به مصرف مؤنه نرسد باید خمس آن را بدهد و می‌تواند برای زراعت خود سال جداگانه قرار دهد.

س

- از لباس بچه که کهنه شده بود کیسه درست کردم و بعد از گذشت سال فروختم آیا خمس دارد یا خیر؟.

صفحه : ۳۲۶

ج

- بلی خمس دوخت کیسه‌ها را بدهید ولی پارچه آن خمس ندارد.

س

- شخصی به زیارت حج بیت الله الحرام مشرف شده، و اجناسی را از مکه معظمه یا مدینه منوره خریداری و با خود آورده است، از طرفی دوستان و آشنایان هم برای او اشیائی به عنوان (کادو) آورده‌اند، جنس‌هایی که خریده و آورده بعضی برای خود و خانواده‌اش می‌باشد و بعضی به عنوان سوغات برای دیگران، ضمناً اول سال شرعی او اول محرم الحرام می‌باشد، قبل از این که اجناس سوغاتی را به صاحبانش بدهد و یا چیزهایی که برای خود و خانواده‌اش آورده، از قبیل لباس و غیره بدوزد و یا استفاده کند و هم چنین قبل از استفاده از اجناسی که برای او (کادو) آورده‌اند، سال شرعی او رسیده است، آیا به این اجناس خمس تعلق می‌گیرد، یا این که آنهایی که سوغات است مال صاحبانش هست و به آنها داده می‌شود و اجناسی هم که برای خودش آورده، و یا

برای او دیدنی آورده‌اند، اگر یک سال بر آنها گذشت و استفاده نکرد آن وقت باید خمس بدهد؟ وظیفه‌اش چیست؟.

ج

- در فرض سؤال خمس آنها را باید بدهد.

خمس مال موروثی

س

- اگر املاکی از طریق ارث، برای شخص بماند و بداند که مورث، خمس آن املاک را نداده باید تخمیس نماید یا نه؟ و بر فرض تعلّق خمس آیا باید قیمت فعلی آن را تخمیس نماید یا قیمت زمان خرید مورث را؟.

ج

- خمس آن واجب است و با شک در این که بعین پولی که متعلّق خمس شده خریده یا به پولی که از عوائد بین سال بوده یا بضمن کلّی خریده و از پولی که خمس به آن تعلّق گرفته ادا کرده است، خمس قیمت خرید، کافی است.

س

- ارثی که مورد خمس باشد آیا قیمت فعلی آن را باید حساب نمود یا وقت اشتغال ذمه مورث را؟.

ج

- اگر بعین، تعلّق گرفته باشد قیمت فعلی را باید حساب نمود.

صفحه : ۳۲۷

حکم مال موروثی که قیمت آن ترقی کرده و حکم چیزی که با پول مخمس یا موروثی خریده شده و ترقی قیمت پیدا کرده

س

- اموالی از مورث به ورثه، منتقل شده که در موقع انتقال، ارزش زیادی نداشته ولی امروز قیمتش چند برابر شده آیا باین زیادی قیمت، تا نفروخته خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟ و بر فرض این که فعلاً- تعلّق نگیرد بعد از فروش، آن زیادی به منزله ارباح مکاسب است یا حکم دیگری دارد؟.

ج

- در مثل زمین و آب و مستغلات که برای فروش، خریده نشده تا نفروخته زیادی، خمس ندارد و پس از فروش، زیادی قیمت، ربح سال فروش، محسوب می‌شود که اگر صرف مؤنه سال نشد خمس دارد و اگر اجناس، جهت فروش باشد که وارث، هم برای فروش و استفاده از ترقی قیمت آن، آن را نگاهداری نموده باشد- از قبیل اجناس دکان و مغازه - زیادی قیمت، خمس دارد و اگر صرف

در مؤنه سال نشود اداء آن، لازم است.

س

- شخصی زمینی را به مبلغ هزار تومان خریده و هزار تومان هم نهال سیب، خریداری و در آن غرس نموده و خمس این دو هزار تومان را حساب کرده، و احداث باغ به منظور استفاده از میوه آن بوده که در هر سال میوه را بفروشد و از این طریق، بهره برداری نماید. بعد از چهار پنج سال چهل هزار تومان ارزش پیدا کرده و صاحب باغ، فوت نموده و باغ مزبور به ورثه او منتقل شده و فعلاً شاید هشتاد هزار تومان بلکه بیشتر ارزش داشته باشد آیا خمس به چنین باغی تعلّق گرفته یا نه؟
و بر فرض تعلّق، تنها خمس میوه را باید بدهد یا خمس قیمت باغ هم باید داده شود، و هم چنین بر فرض وجوب اداء خمس، آیا خمس چهل هزار تومان زمان حیات مورث را باید بدهند یا خمس قیمت فعلی آن را که هشتاد هزار تومان (۸۰۰۰۰) است ادا نمایند؟.

ج

- در فرض مسأله که خمس دو هزار تومان داده شده نموّ متّصل نهالهای غرس شده، خمس دارد ولی ترقّی قیمت سوقيه تا زمان فوت و هم چنین بعد از فوت، خمس ندارد بلی اگر ورثه، آن را بفروشند ترقّی قیمت بعد از موت، جزء دخل روز

صفحه : ۳۲۸

فروش می‌باشد که اگر از مؤنه سال، اضافه باشد واجب است خمس آن را بدهند و میوه، جزء عوائد سال فروش خود میوه است.

س

- بنده حساب سال دارم و زمینی را ده سال قبل، با پول تخمیس شده خریدم که قیمت سوقيه فعلیش ده برابر شده و تا مقداری، ترقّی قیمت، ناشی از زحمات و مصارفی - از قبیل بناء خانه و غرس اشجار و حفر چاه - است که انجام داده‌ام و فعلاً مالک قبلی، زمین را از طریق اجبار، با کمک اهل جور باین عنوان که زمین را نفروخته‌ام با پرداخت یک و نیم برابر قیمت اولی بعنوان مصالحه از من گرفت و بنده به جهت این که خیلی خسارت نکشم این پول را گرفتم با این که هشت و نیم برابر، قیمت قبلی از قیمت سوقيه فعلی کمتر است اکنون تکلیف بنده بر فرض رضایت و یا عدم رضایت چیست؟ مقصود اینست که ما زاد از قیمت اولیه، لازم التخمیس است یا نه؟.

ج

- اگر خانه و حفر چاه و غرس اشجار برای سکونت و استفاده شخصی باشد خمس ندارد و اگر برای مؤنه نبوده واجب است خمس غیر زمین داده شود اگر چه بعد از تعلّق خمس و مسامحه در ادا، دیگری آن را غصب کند و امّیا زیادی پول آن، با رضایت در مصالحه، جزء عوائد سال، محسوب است و در زائد بر مؤنه سال، خمس لازم است، و هم چنین است اگر مصالحه نکرده باشد و بعنوان تقاص، از غاصب گرفته باشد از عوائد سال محسوب و در زائد بر مؤنه آن، خمس لازم است.

س

- اگر شخصی مالی را به ارث، مالک شده و بعد ترقی سوقی پیدا کرد این اضافه را باید تخمیس نماید یا نه؟ مثلاً اگر زمین یا باغی مبلغ هزار تومان قیمت داشت و بعد از انتقال به وارث و پس از چند سال که در ملک او مانده ده هزار تومان قیمت باغ و یا زمین شد آن نه هزار تومان، خمس دارد یا نه؟ و سؤال دیگر این که اگر کسی زمین زراعتی دارد و خمس آن را داده یا آن را با پول مخمس خریداری نموده و چند سال بر آن گذشته و ترقی قیمت پیدا کرده چنانچه زمین مذکور را با زمین دیگر یا با خانه زائد بر مؤنه که می‌خواهد آن را نگاه دارد و اجاره دهد معاوضه نماید و مقداری هم پول بدهد یا سر به سر معاوضه کند آیا مقداری که ترقی قیمت پیدا کرده خمس دارد یا خیر؟.

صفحه : ۳۲۹

ج

- تا موقعی که آن ملک را نفروخته ترقی قیمت، خمس ندارد و هر وقت فروخت، ترقی قیمت، ربح روز فروش، محسوب است که اگر در بین سال به مصرف مؤنه رسید خمس ندارد و اگر باقی ماند خمس دارد و در مورد سؤال دوم اگر سر بسر معاوضه کند ترقی قیمت خمس ندارد ولی اگر مقداری هم پول داده به آن مقدار پولی که داده خمس تعلق می‌گیرد.

س

- اگر با پول مخمس، دو قطعه زمین خریداری کرده و هر دو قطعه، ارتفاع قیمت پیدا کرده و می‌خواهد یکی از این دو قطعه زمین را ساختمان کند و دیگری را بفروشد و تا آخر سال، بلا تکلیف ماند، اکنون خمس ارتفاع کدام زمین را باید بدهد؟.

ج

- هر کدام از آن دو را که فروخت خمس ترقی آن را بدهد.

س

- شخصی زمینی را با پول مخمس، جهت ساختن خانه، خریده و قبل از رسیدن سال خمس، منصرف شده می‌خواهد آن را بفروشد و در جای دیگر، زمین بخرد و سال به آخر رسید و هنوز نفروخته در این صورت، خمس ارتفاع قیمت زمین را باید بدهد یا نه؟.

ج

- تا نفروخته خمس آن، لازم نیست.

س

- شخصی چند سال قبل، دگانی را خریده و خمس پول آن را داده فعلاً آن دگان را فروخته، آیا ما زاد بر قیمت خرید خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر در همان سال که فروخته، ما زاد بر قیمت خرید، صرف در مؤنه شود خمس ندارد و الا خمس آن، واجب است.

س

- زمینی که خمس آن را داده‌اند بعد از چند روز، می‌فروشند در زیادی آن، خمس، واجب است یا نه؟.

ج

- اگر جهت تجارت خریده باشد زیادی قیمت آن از عوائد سال ترقی است و اگر برای نگاهداری خریده‌اند زیادی آن، از عوائد سال فروش است و در هر دو صورت چنانچه صرف مؤنه آن سال نشود، باید خمس آن را بدهد.

س

- کسی خمس برنج یا گندم را داده بعدا برنج یا گندم تخمیس شده را بفروشد حال اگر از پول آنها در آخر سال، زیاد بیاید آیا خمس آن پول

صفحه : ۳۳۰

زیادی را باید جدا کند یا نه؟ و هم چنین بعکس آن، شخصی خمس پول را داده و با پول مخمس مثلا برنج خریده و آن برنج، در پایان سال زیاد آمده خمس زیادی آن برنج را باید بدهد یا نه؟.

ج

- چیزی که خمس آن داده شده پول آن هم خمس ندارد مگر آن که به زیادتر از قیمتی که خمس آن را داده بفروشد که خمس آن زیاده - در صورتی که صرف مؤنه سال نشود- لازم است و هم چنین چیزی که به پول مخمس، خریده شده، خمس ندارد.

حکم پولی که به صندوق خیریه یا پس انداز یا قرض الحسنه و مانند اینها ریخته شده و سال بر آن گذشته

س

- اگر در راه خدا پولی را به صندوق بریزند و به طوری باشد که از ملک صاحب پول، خارج نشود آیا می‌توانند هنگام پرداخت، صندوق‌دار را وکیل کنند که اگر آن پول، از مخارج سال، زیاد آمد خمس آن را از طرف صاحبان آن، اخراج کند یا نه؟.

ج

- با فرض آن که امانت باشد اشکال ندارد که صندوق‌دار را وکیل در اخراج خمس نمایند.

س

- اگر صاحبان پول، به صندوق‌دار وکالت بدهند آیا باید سال هر یک از ایشان را جداگانه در نظر بگیرد یا این که می‌تواند خود، برای صندوق، سال قرار دهد؟.

ج

- با فرض امانت، باید سال هر یک از صاحبان پول را، جداگانه لحاظ نماید لکن امانت بودن، محل تأمل است.

س

- آیا به پولهای خیریه‌ای که پس از یک سال در صندوق مانده یا زائد بر نیازمندیهای خیری - که در محیطی در نظر گرفته شده - می‌باشد خمس، تعلق می‌گیرد یا نه؟ و چنانچه پول مذکور را - جهت توسعه دادن به اعمال خیریه - بکار اندازند خمس به منافع آن تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در صورتی که صاحبان پول، پول را در صندوق، امانت می‌گذارند به نحوی که هر زمان بخواهند جهت خود بردارند بتوانند - خمس تعلق می‌گیرد و

صفحه : ۳۳۱

اگر به نحوی است که سلب اختیار از صاحبان پول شده خمس ندارد. و همین طور است حکم منافع.

س

- عده‌ای صندوق تعاونی تشکیل داده‌ایم که هر کس در هر ماه، پنجاه تومان به صندوق بدهد و بعد از مدت معین اگر احتیاج پیدا کرد از صندوق بعنوان قرض الحسنه سه برابر موجود خود قرض کند و به اقساط ماهانه، به صندوق بپردازد آیا باین پولی که جمع می‌شود و سال از رویش می‌گذرد خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟ و در صورتی که علم پیدا کنیم که صاحبان پول، خمس آن پول را نداده‌اند و یا شک داشته باشیم که آیا خمس آن را داده‌اند یا نه چه صورت دارد؟.

ج

- هر کسی نسبت به پول خودش اگر طوری است که هر وقت بخواهد بتواند پس بگیرد چنانچه سال بر آن بگذرد باید خمس آن را بدهد و نسبت به پول دیگران در صورتی که بدانند عین پولی که به صندوق داده‌اند متعلق خمس شده و نپرداخته‌اند تصرف در آن جایز نیست و اگر شک در این جهت داشته باشند تصرف در آن، جایز است.

س

- در مسأله ۱۸۰۲ توضیح المسائل فرموده‌اید (کسی که با دیگری شریک است اگر خمس منافع خود را بدهد و شریک او خمس ندهد و در سال بعد، از مالی که خمسش را نداده مبلغی برای سرمایه شرکت بگذارد هیچ کدام نمی‌توانند در آن، تصرف کنند) این حکم، در شرکت تعاونی یا صندوق ذخیره جاری است یا نه؟ چون در این دو قسم، عده‌ای بتدریج، پول می‌گذارند و با نظر هیئت نظار، وام بدون سود داده می‌شود و همین طور پس می‌دهند و باز اخذ وام می‌کنند و هم چنین در بانک پس انداز ملی، خلاصه آیا این افراد باید خمس بدهند یا نه؟.

ج

- در صندوق پس انداز که بعنوان قرض داده می‌شود این حکم، جاری نیست و اما در هر موردی که عنوان شرکت باشد این حکم، جاری می‌باشد.

چیزی که بعنوان زکاة یا صدقه یا خمس یا مظالم اخذ شده، خمس یا زکاة دارد یا خیر

س

- وجهی بعنوان زکاة یا هدیه و صدقه مستحبی به شخصی داده

صفحه : ۳۳۲

شود و بعد از شش ماه دیگر باز وجهی بعنوان زکاة یا هدیه و صدقه به او می‌رسد سر سال اعطاء اول، مقداری از وجه اول و یا دوم باقی مانده و حال آن که به اعتبار سالی که در فقر معتبر شده باز فقیر است آیا باید خمس باقی مانده را بدهد یا نه؟ و بر فرض لزوم، باید همان وقت بدهد یا دومی را می‌تواند تأخیر بیاورد؟

ج

- در زکاة، خمس واجب نیست ولی در هدیه، اگر زائد بر مؤنه سال باشد خمس، لازم است و در هدیه مفروضه نیز می‌تواند اداء خمس را تا آخر سال تأخیر بیاورد و در صدقه مستحبی اگر صرف در مؤنه نشود به احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

س

- وجهی را که شخص، از بابت ردّ مظالم عباد، گرفته و از مؤنه سال، اضافه آمده خمس دارد یا نه؟

ج

- خمس ندارد.

س

- آیا زکاة هم زکاة دارد و هم چنین خمس که اگر به کسی خمس بدهند و از خرج سالش زیاد بیاید باز خمس دارد یا نه؟

ج

- خمس، خمس ندارد ولی نباید سید زیاده از مخارج سال، خمس بگیرد و در زکاة اگر گندم یا جو یا کشمش یا خرما بابت زکاة به فقیر بدهند زکاة ندارد لکن اگر بمقدار نصاب طلا یا نقره یا گاو یا گوسفند یا شتر به فقیر بدهند و یک سال پیش او بماند باید زکاة آن را بدهد.

س

- اگر بمقدار نصاب زکاء طلا یا نقره یا شتر یا گاو یا گوسفند بعنوان خمس یا مظلّم یا صدقه واجب دیگر یا صدقه مستحب، به فقیر بدهند و یک سال پیش او بماند باید زکاء آن را بدهد یا نه؟.

ج

- بلی باید زکاء آن را بدهد لکن اشیائی که بعنوان صدقه واجب، به کسی می دهند خمس، به آنها تعلّق نمی گیرد.

س

- اگر سال، بر مالی که سیّد بعنوان خمس گرفته بگذرد باید خمس آن را بدهد یا نه؟.

ج

- عین مالی که بابت خمس به سیّد فقیر می دهند خمس ندارد لکن بر منافع آن، خمس تعلّق می گیرد مثلاً- اگر درختی را بابت خمس، به سیّد بدهند و

صفحه : ۳۳۳

میوه آن درخت، از مؤنه سال، زیاد بیاید باید خمس زائد را بدهد.

اگر لوازم زندگی یا چیزی را که خمس ندارد سرمایه کند

س

- چند عدد فرش که مورد حاجت بود فروختم و جای آن یک باب دکان جهت کسب، خریداری و بنا نمودم و برای این کار، مبلغ پنج هزار تومان هم خرج شده و در این مغازه، مشغول کسب هستم آیا وجه مذکور، مشمول خمس است یا نه؟

ج

- در فرض مسأله، فعلاً مقابل قیمت خرید فرش، خمس ندارد لکن خمس مقابل ما زاد بر قیمت خرید را باید بدهید و پس از تهیّه فرش، خمس قیمت خرید فرش را نیز بدهید و ما بقی وجه دکان اگر از منافع، تهیّه شده خمس دارد.

س

- شخصی، خانه مسکونی خود را که به ده هزار تومان قبلاً خریده بوده اکنون به صد هزار تومان فروخته تا پول آن را سرمایه قرار داده و تجارت کند و امرار معاش نماید آیا نود هزار تومان زائد بر قیمت خرید، خمس دارد یا نه؟.

ج

- بلی تخمیس آن، لازم است.

س

- اگر چیزی از لوازم زندگی خود، مانند خانه یا اثاث آن را بفروشد و سرمایه کسب قرار دهد تا موقعی که مثل آنها را تهیه نکرده و نیز احتیاجش از آنها برطرف نشده، خمس به آن سرمایه تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در مفروض سؤال، به قیمت خرید خانه و لوازم زندگی خمس، تعلق نمی‌گیرد، ولی بر ما زاد از قیمت خرید که جزء سرمایه شده تعلق می‌گیرد.

اگر پول یا عوائد دیگر برای صرف در مؤنه ذخیره شود و سال بر آن بگذرد

س

- کسی که خانه مسکونی ندارد اگر بخواهد درآمدهای چندین سال را جمع کند که با آن، خانه خریداری کند وظیفه او نسبت به خمس آن چیست؟
و آیا قبل از خریداری خانه، مستطیع می‌شود یا نه؟.

ج

- خمس فائده و عوائد هر سال را که ذخیره می‌کند باید بدهد و نسبت به حج، چنانچه به نحوی است که اگر این پول را صرف تشرف به حج نماید به واسطه نداشتن خانه، در زحمت می‌افتد استطاعت، حاصل نیست.

س

- کسی که خانه و زندگی، تشکیل نداده و احتیاج به خانه دارد

صفحه : ۳۳۴

چنانچه پولی از مخارج سالش اضافه آورد که آن پول برای خرید خانه یا فرش و یا سائر لوازم، کافی نیست و باید چند سال اضافه بر خرجش را پس انداز کند تا بتواند آنها را خریداری نماید آیا به این پول، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- بلی خمس، بوجه مزبور، تعلق می‌گیرد باید خمس آن را، بپردازد.

س

- کسی که برّه گوسفند را برای خوراک خانواده خود دو سال می‌پروراند بعد از تمام شدن سال اول، خمس، به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- خمس آن، لازم است.

خمس نماء متصل و منفصل مال مخمس یا چیزی که خمس ندارد

س

- بنده پنجاه رأس گوسفند دارم که از پول مخمس خریداری شده و غیر از این، درآمدی ندارم، در این صورت آیا در موقع حساب سال، فقط درآمد گوسفند باید حساب شود یا از خود سرمایه گوسفند که خمس آن اداء شده بود نیز حساب شود؟.

ج

- بنظر حقیر آن چه به گوسفندان از نماء متصل و منفصل، اضافه شده خمس دارد.

س

- آیا نماء گاو و گوسفند و امثال اینها که مورد احتیاج و تتمیم مؤنه سال باشد خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر نماء مثلاً چاق شدن گوسفندی است که شیر آن مورد احتیاج شخصی می باشد خمس ندارد و اگر مقصود، نماء منفصل آنها مثل اولاد آنها است در صورتی که برای مصرف شخصی باشد باز هم خمس ندارد و اگر مورد احتیاج نیست خمس دارد.

هر گاه پولی برای انجام عملی بگیرد و قبل از انجام عمل سال بر آن بگذرد

س

- شخصی امورش از کسبی که دارد می گذرد، ولی می خواهد به زندگانی خود توسعه بدهد یک قطعه باغ خریده و قالی نیمه بافت خود را که هنوز تمام نشده فروخته و پولش را به اضافه پانصد تومان پول مخمس، بابت قیمت باغ، پرداخته و سال خمس او هم اول تابستان است و عمل بافتن قالی بعداً انجام می گیرد ولی وجه آن

صفحه : ۳۳۵

را قبل از سر رسید، جهت خریدن باغ گرفته است بنا بر این باید خمس باغ را ابتداء بعد از ابتیاع، بدهد یا موقع سر رسید؟ و راجع باین نوع معامله آیا قبل از تحویل عمل باید خمس را پردازد یا بعد از تحویل عمل که در نتیجه، جزء منافع سال آینده او می گردد؟.

ج

- در فرض مسأله بمقدار پانصد تومان مخمس، خمس ندارد و نسبت بما بقی بعد از تحویل عمل، خمس واجب می شود.

س

- کسی که از برای خود، سال قرار نداده باشد و حقوق روزمره بگیرد چنانچه روزمره چند سال را یک مرتبه بگیرد و دیگر روزانه یا ماهانه، حقوق نداشته باشد باید خمس آن حقوقی را که گرفته بدهد یا نه و آیا داشتن درآمدی غیر از حقوق کارگری یا نداشتن آن، موجب تفاوت در حکم می‌شود یا نه؟.

ج

- حقوق مأخوذه، اگر قبل از عمل، اخذ شده باشد بمقدار عمل هر سال، از عوائد آن سال، محسوب می‌شود چنانچه در آخر هر سال، از آن مبلغ چیزی زائد بر مؤنه باشد خمس به آن تعلق می‌گیرد و الا اگر صرف مؤنه شده باشد یا در سالهای قبل، آن را صرف مؤنه کرده باشد، خمس ندارد و اگر از سالهای پیش حقوق طلبکار بوده که شرعاً حق مطالبه آن را داشته و بعد از چند سال، طلب خود را وصول نموده از عوائد سنوات قبل، محسوب است و بعد از گرفتن، باید خمس آن را بدهد. ولی اگر طوری است که با مراجعه قابل وصول است و در اثر مسامحه وصول نمی‌شود باید موقعی که یک سال از تاریخ طلب گذشت خمس آن را بدهد و فرقی نیست که عوائد دیگری نیز داشته باشد یا نه؟.

س

- هر گاه کسی مبلغی از شخصی، قرض گرفت که برایش کار کند و سالش فرا رسید قدری از آن پول مانده و هنوز در مقابل آن پول، کار نکرده آیا این پول، خمس دارد یا نه؟.

ج

- خمس ندارد.

س

- شخصی آخر سال، مال خود را حساب می‌کند و چیزی ندارد که اداء خمس نماید جز مبلغی که نقدا دریافت نموده که نماز استیجاری بخواند آیا باید خمس آن را بدهد یا نه؟.

صفحه : ۳۳۶

ج

- در فرض مسأله، خمس آن مبلغ، واجب نیست مگر آن که آن پول تا سال دیگر بماند و نماز را هم تا آن وقت به جا آورده باشد.

جهیزیه خمس ندارد

س

- جهیزیه دختری که پدرش با نداشتن سال خمس، آن را فراهم کرده خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر دختر در معرض شوهر رفتن بوده و یقین ندارد که به عین آن چه پدرش به او داده خمس تعلّق گرفته چیزی بر او نیست و غالباً هم همین نحو است که یقین پیدا نمی‌شود.

س

- جهیزیه‌ای را که دختر از کسب خود تهیّه می‌کند خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر در معرض تزویج و حاجت باشد و از عوائد بین سال، اشیاء لازمه را تهیّه کند خمس ندارد.

س

- اگر چیزی بعنوان جهیزیه دختر اوّل خریداری شود و در منزل بماند برای دختر دوّم، خمس دارد یا خیر؟ و نیز بفرمایید همان طور که دختر اگر در معرض شوهر کردن باشد چنانچه خودش یا پدر و مادرش از درآمد وسط سال جهیزیه تهیّه نمایند خمس آن واجب نیست آیا این حکم در مورد پسر هم هست یعنی اگر پسر خودش از درآمد وسط سال قبل از ازدواج، لوازم زندگی که بعداً به آن احتیاج پیدا می‌کند تهیّه نماید یا پدر و مادر برایش تهیّه کنند خمس دارد یا نه؟.

ج

- آن چه از وسائل زندگی که برای دختر اوّل تهیّه شده و در منزل مانده مشمول خمس می‌شود و حکم مذکور در سؤال دوّم نسبت به پسر جاری نیست بلی چیزهایی که در همان سال ازدواج مورد احتیاج است از مؤنه محسوب می‌شود.

س

- یک مقدار اثاثیه جهیزیه داشته‌ام که اینها سال اوّل چون با مادر شوهرم زندگی می‌کردیم چندان مورد استفاده قرار نگرفته بوده، از قبیل مقداری ظروف مسی بوده که شاید سال اوّل چندان مورد استفاده قرار نگرفته و بعد کم و بیش قرار گرفته و حالیه هم چند سال است که مورد استفاده نیست آیا این ظروف خمس دارد یا نه؟ و دیگر یک سماور قدیمی هست که جزء جهیزیه‌ام بوده که

صفحه : ۳۳۷

هیچ وقت مورد استفاده قرار نگرفته و فقط جنبه دکور داشته که در سالهای اوّل زندگی، از آن، استفاده دکوری هم نمی‌شده و الآن استفاده دکوری دارد آیا این سماور، خمس دارد یا نه؟.

ج

- چیزهایی که از جهیزیه، برای حفظ آبرو مورد احتیاج بوده هر چند از آن استفاده نشده باشد خمس ندارد.

پولی که برای جهیزیه ذخیره شود و سال بر آن بگذرد خمس دارد

س

- بعضی اشخاص، جهت دختر خود در یکی از بانکها حساب پس انداز باز می کنند که پس از گذشتن چند سال، مثلاً تا موقع ازدواج دختر، جهیزیه تهیه نمایند آیا باین پول، خمس تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- اگر وجه را در بین سال به دختر بخشیده بر پدر خمس واجب نیست لکن چون دختر، پیش از گذشتن سال، بر آن، آن را به مصرف تهیه جهیزیه نرسانده باید خمس آن را بدهد، و اگر وجه را به دختر نبخشیده خود آن شخص باید خمس آن را اداء کند. و جهیزیه مورد حاجت، برای دختری که در معرض شوهر کردن باشد از لوازم است و خمس ندارد.

س

- دختر در خانه پدر قالی بافته و پول آن را جهت جهیزیه خودش جمع کرده آیا خمس به آن پول، تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- بلی باید خمس آن را بدهد.

س

- کسانی که قدرت مالی برای تهیه جهیزیه، در موقع عقد و عروسی ندارند از چند سال قبل وجهی بعنوان پس انداز، به نام دختر، در بانک می گذارند و سال بر آن می گذرد آیا خمس به آن پول، تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس به آن تعلق می گیرد بلی اگر موقعی که دختر در معرض ازدواج است اجناس، بعنوان جهیزیه او خریداری نمایند خمس به آن تعلق نمی گیرد اگر چه سال بر آن بگذرد.

زینت آلات خمس ندارد

س

- به سکه طلا در صورتی که زنجیر نداشته باشد در هر سال، خمس تعلق می گیرد یا نه؟.

صفحه : ۳۳۸

ج

- اگر از ارباب مکاسب و جهت زینت باشد خمس ندارد.

حکم اشیائی که از محل حاجت خارج شده

س

- گهواره و اثاثیه آن که مورد استفاده کودک قرار گرفته، چند سال، بدون استفاده مانده اکنون آیا خمس دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال که سال اول، آن را استعمال کرده‌اند خمس ندارد.

س

- دختری قبل از شوهر رفتن، پدرش مبلغ چهار هزار تومان از ظرف و فرش و سائر لوازم، بعنوان جهیزیه به او داده و به خانه شوهر برده حال قیمت آن بالا-رفته و دو برابر شده فعلا-این دختر در نظر دارد اثاثیه مذکوره را بفروشد و به مکه برود در این صورت خمس به این پول، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- چنانچه مورد حاجت بوده و فعلا مورد حاجت نیست، خمس ندارد و اگر از اول، زیادی بوده و مورد حاجت نبوده خمس ندارد.

میزان در مؤنه، معرضیت احتیاج است

س

- شخصی یک دست لباس، جهت پوشیدن خود تهیه کرده ولی اتفاق افتاده که در بین سال و لو یک دفعه هم نبوشیده است، با این که مورد احتیاجش بوده در این صورت خمس آن را باید بدهد یا نه؟.

ج

- با فرض این که احتیاج به آن داشته و لو این که نبوشیده، خمس ندارد.

س

- اهل علمی کتابخانه دارد و در عرض سال، بعضی از آن کتب، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه امکان دارد که در عرض ده سال، یک بار مورد استفاده قرار بگیرد بفرمایید که آیا این نوع کتب، مورد تعلق خمس است یا نه؟.

ج

- اگر در معرض استفاده و مراجعه باشد که بحسب حال آن اهل علم، مورد حاجت او شمرده شود خمس ندارد هر چند اتفاقا چند سال هم مورد مراجعه قرار نگیرد.

س

- جهیزیه دختر یا لباسهایی که بعضی از نزدیکان او برایش می‌آورند یا شوهر از باب این که زن، واجب النّفقه اوست برای او خریده گاهی چند سال استفاده نشده و نبوشیده می‌ماند آیا در این سه صورت، خمس واجب است یا نه؟.

صفحه : ۳۳۹

ج

- زائد بر حاجت، خمس دارد بلی اشیائی که در معرض حاجت باشد خمس ندارد اگر چه اتفاقاً بیش از یک سال بماند و مورد استفاده قرار نگیرد.

س

- در حدود پانصد جلد کتاب دینی و علمی دارم که برای استفاده خود و دوستانم خریداری نموده‌ام آیا به این کتابها خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر بحسب حال و وضع کار و مشاغل خود و لزوم مطالعه کتب برای خودتان مورد حاجت است خمس ندارد و الا هر مقداری که زائد بر حاجت است تخمیس نمایید.

س

- در باره کتابهای طلب که گاهی می‌شود تا یکی دو سال مورد نیازش قرار نگیرد مثلاً مقدمات می‌خواند کتاب کفایه را خریده از پول غیر شهریه آیا به این قبیل کتب، خمس تعلّق می‌گیرد یا خیر؟.

ج

- در صورتی که بحسب عادت هیچ نیازی به آن ندارد خمس دارد و اگر طوری باشد که اگر فعلاً تهیّه نکند بعداً که مورد نیازش است نمی‌تواند تهیّه کند خمس ندارد.

حکم جنس یا پولی که به قرض یا نسیه گرفته شده و عین آن باقی است و سال بر آن گذشته

س

- شخصی مقداری گندم از سال ۴۲ شمسی اضافه از مؤنه سال داشته و آن را بعنوان قرض، به کسی داده در برابر گندم مزبور، قرضی هم از سال ۴۲ داشته و گندم مورد قرض، در سال ۴۳ وصول شده و قرض برابر، بحال خود باقی است در این صورت باید گندم وصول شده را در برابر قرض، حساب کند یا باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- در فرض مسأله اگر گندم را نسیه کرده و پولش را نداده و یا پول، قرض کرده و از پول قرضی، گندم خریده و قرض، باقی است، گندم، خمس ندارد و الا خمس گندم را باید بدهد.

س

- آذوقه‌ای را که انسان در بین سال با پولی که قرض کرده تهیه نموده و هنوز قرض آن را نداده است اگر از مخارج سال اضافه بیاید خمس دارد یا

صفحه : ۳۴۰

نه؟.

ج

- خمس ندارد.

س

- اگر کسی مالی را قرض کند و سرمایه قرار دهد خمس آن مال بر او واجب است یا نه و هم چنین کسی که اجناس و اثاث مغازه و ابزار، جهت کسب خود نسیه می‌کند و قیمت آنها به ذمه‌اش می‌آید خمس آنها واجب است یا نه؟.

ج

- تا قرض را اداء نکرده خمس ندارد و اگر قرض را از منافع، اداء کرده خمس آن سرمایه را باید پردازد و هم چنین است حکم آلات کسب.

س

- شخصی مثلاً- از بانک وام گرفته برای ساختن منزل و یک سال بر آن گذشته بدون این که خانه را بسازد آیا خمس به آن وام تعلق می‌گیرد یا خیر؟.

ج

- عین پول وام هر قدر بماند خمس ندارد بلی اگر مبلغی از وام را در بین سال اداء کرده و عین پول باقی است به اندازه مقدار اداء شده باید تخمیس شود، ولی پولی که موجود است و در برابر وام موجود قرار دارد خمس ندارد؟.

اگر کسی که مخارج او را دیگری می‌دهد ربی بدست آورد

س

- در منتخب الاحکام مسأله ۴۷ فرموده‌اید: (زنی که در خانه شوهرش کسبی مثل ریسندگی و بافندگی و یا خیاطی دارد و شوهرش نفقه او را می‌دهد باید خمس منافعش را بدهد و بعنوان مخارج سال، نباید چیزی کم کند مگر آن که شوهرش نفقه او را ندهد) بسیاری از زنان هستند که مثل شریک، با شوهر در بعضی از کارها فعالیت می‌کنند و مخارج خانواده خود می‌نمایند در این صورت آیا می‌توانند برای خود سال قرار بدهند و یا بدون سال هر چه درآمد داشتند خمس آن را بدهند؟.

ج

- با فرض این که مخارج خانه بنمایند خمس ندارد مگر آن چه در آخر سال، باقی بماند که خمس آن واجب است.

س

- در توضیح المسائل مسأله ۱۷۶۵ فرموده‌اید: (کسی که مخارج او را دیگری می‌دهد باید تمام آن چه را که به دست می‌آورد خمس آن را بدهد) اکنون پس‌رانی که در خانه پدر و مادر، کار می‌کنند و درآمد خود را به آنان می‌دهند

صفحه : ۳۴۱

می‌توانند جهت خود، برای اداء خمس سال قرار دهند؟.

ج

- در فرض سؤال اگر پسر و دختر آن چه را که بدست آورده‌اند در بین سال به پدر و مادر بدهند که به مصرف مخارج منزل برسانند خمس ندارد و آن چه بعد از سال، باقی مانده باشد خمس دارد و روز شروع به کار، اول سال آنها است.

س

- در اکثر منازل، مرد روزانه بابت مخارج، مبلغی بدست عیالش می‌دهد که به مصرف برساند و زن به واسطه قناعت، گاهی مبلغی در نزدش می‌ماند و آن را جهت خود، پس انداز می‌کند در این صورت آیا آخر سال خمس، این مبلغ پس انداز زن، مال شوهر است که باید تخمیس شود و یا این که چون از مخارج، کسر گذاشته مربوط به اوست و خمس ندارد؟.

ج

- در هر دو صورت چه آن که ملک شوهر باشد و چه به زن آن راهبه کرده باشد در آخر سال، باید خمس آن ردّ شود.

س

- زن شوهر داری که شوهر، نفقه او را می‌پردازد و مخارج دیگری هم ندارد اگر ربیعی را بدست آورد آیا می‌تواند در بین سال، آن ربح را به شوهر یا به دیگری ببخشد یا چون خرج ندارد باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- اگر بخشش او، زائد بر متعارف نباشد خمس بر او واجب نیست و هم چنین اگر شوهرش محتاج باشد هر مبلغی به او ببخشد

خمس بر زن واجب نمی‌باشد.

س

- اگر شوهر با علم به رضای زن، آن ربح را خرج کرده خمس دارد یا خیر؟

ج

- خمس ندارد.

س

- زنی که فرزندانش مخارج او را می‌دهند مبلغی پول دارد و با این که پیر است و از استفاده زینت افتاده با آن پولها طلا می‌خرد و جمع می‌کند که هر وقت راه کربلا باز شود بفروشد و خرج سفر کند آیا این طلاها خمس دارد یا نه؟

ج

- بلی اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد.

س

- پولی که پدر و مادر، به اولاد می‌دهند و اولاد، آن را پس انداز

صفحه : ۳۴۲

می‌نماید مشمول خمس هست یا نه؟

ج

- بلی مشمول خمس می‌باشد.

س

- شخصی که سال ندارد اگر عیالش از پولی که این شخص، بابت مخارج به او می‌دهد ذخیره کند و سال بر آن پول بگذرد خمس آن را باید بدهد یا نه و این کار برای زن، مسئولیت دارد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، اگر شوهر بمقدار نفقه، پول را تملیک بزن نماید و زن مصرف نکند و ذخیره نماید خمس دارد و هم چنین اگر زائد بر نفقه، تملیک کند در زیادی بعد از گذشتن یک سال بر آن، واجب است زن خمس را بدهد و اگر شوهر، پول را تملیک نکند بلکه برای نفقه، مبلغی پول در اختیار زن بگذارد که صرف در احتیاجات خود کند ذخیره آن بدون اذن شوهر، جایز نیست و

آن چه ذخیره نموده ملک شوهر است و واجب است شوهر، خمس آن را بدهد.

س

- زنی قالی بافی می‌کند و سرمایه هم از شوهرش نیست ولی هر چه اجرت بگیرد به شوهرش می‌دهد آیا قبل از این که پول را به شوهر بدهد باید خمس آن را پردازد یا نه؟.

ج

- اگر شوهر، در امر زندگی، محتاج باشد و زن در بین سال، وجه را به او ببخشد خمس ندارد و اگر به شوهر قرض می‌دهد یا نزد او به امانت می‌گذارد که سرمایه کند خمس آن بر زن واجب است.

س

- زنی که قالی بافی می‌کند اگر سرمایه از شوهرش باشد بعد از بافتن قالی و فروش آن، زن می‌تواند بگوید من خمس خودم را می‌خواهم شخصا پردازم و آیا بر زن واجب است چنین مطلبی را بگوید یا نه؟.

ج

- اگر زن، سهم خود را صرف مؤنه سال نکند خمس آن بر او واجب است و باید اداء کند و می‌تواند شوهر را وکیل در اداء نماید.

چیزی که به نسیه خریده و پولی که در معامله سلف بعنوان ثمن پرداخته خمس دارد یا نه؟

س

- شخصی حساب سال دارد قبل از حلول سال، مقداری جنس به ذمه می‌خرد و پس از گذشت سال وجه آن را می‌پردازد، مثلاً اول فروردین، روز سال

صفحه : ۳۴۳

اوست در اسفند ماه جنس را می‌خرد و در اردیبهشت ماه، وجه آن را می‌پردازد آیا واجب است که خمس جنس موجود را پردازد، یا نه؟.

ج

- تا ثمن را نپرداخته تخمیس مثنی، واجب نیست مگر آن که مال التجاره باشد و قیمت آن در سر سال، زیاد شده باشد که در این صورت، تخمیس ما زاد، لازم است.

س

- کسانی که بعنوان سلف، جنس می‌خرند پول آن را قبلاً پرداخت می‌کنند و پیش از تحویل جنس، سال حساب وجوه واجبه

خریدار پایان می‌پذیرد حال آیا همان طور که اگر این پول، باقی بود خمس داشت اکنون هم خمس دارد یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله به پولی که با آن جنسی را سلف خریده خمس تعلّق می‌گیرد.

موقع حساب خمس، بدهی کسر می‌شود یا خیر

س

- شخصی پولی قرض کرده و وسیله کار خود را از قبیل ماشین و نحو آن تهیّه نموده و با آن، کار می‌کند اکنون موقع حساب سالش رسیده آیا آن قرض از موجودی، کسر می‌شود یا نه؟ و سؤال دیگر این که اگر کسی با دندان ساز قرار گذاشته که برای او دندان درست کند مثلاً به مبلغ ده هزار تومان و پنج هزار تومان آن را پرداخته و بنا شده پس از تحویل دندان پنج هزار تومان بقیّه را بدهد و قبل از تحویل دندان سال خمسی او رسیده آیا در موقع حساب می‌تواند این بدهی را از عوائد کسر کند یا خیر؟.

ج

- بلی در مورد سؤال که دین، مقابل سرمایه است کسر می‌شود و اما دیونی که برای مؤنه زندگی است در هر سالی که اداء نمود از مؤنه آن سال، محسوب است بنا بر این بدهی بابت دندان کسر نمی‌شود.

س

- شخصی پول از بانک قرض گرفته که باید به اقساط اداء کند مثلاً ده هزار تومان قرض کرده که در ظرف پنج سال بپردازد و کاسبی می‌کند آیا می‌تواند سر سال، این اقساط بعدی را از منافع سال اوّل بردارد یا نه؟ فرض دیگر، کاسب اجناس را از تاجر به اقساط می‌خرد سر سال، منافی دارد و اقساطی چند

صفحه : ۳۴۴

هم بعداً باید بدهد آیا اینها جزء قروض است که از منافع کم می‌شود یا نه؟.

ج

- اگر پول قرضی را سرمایه قرار داده در هر سالی هر مقدار از اقساط آن را پرداخته باید خمس مقابل آن مقدار را بدهد و اما مقداری که قرض آن باقی است خمس ندارد و اگر پول قرضی را سرمایه قرار نداده، و برای مؤنه بوده جائز نیست از سرمایه و عوائد آن، کسر کند بلکه در هر سالی اداء نمود از مؤنه آن سال است و هم چنین است حکم فرض دوّم آن چه در مقابل اموال موجوده قرض دارد کسر می‌شود و خمس ندارد و در سال بعد که قرض آن را پرداخت از منافع آن سال محسوب است و خمس آن را باید اداء نماید.

س

- شخصی مثلاً پنج روز به آخر سال خمسش، هزار تومان اجرت عمل، دریافت نموده و هزار تومان هم قرض، جهت مؤنه دارد اگر بخواهد هزار تومان را بابت قرض بدهد به ناچار باید برای معاشش از دیگری قرض بگیرد مع ذلک اگر هزار تومان را به طلبکار خود پرداخت آخر سال باید خمس آن را بدهد یا خمس ندارد؟.

ج

- در صورتی که آن را بین سال، بابت قرض بدهد خمس ندارد و الاً باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی اموالش از گوسفند و غیر گوسفند ده هزار تومان است و پنج هزار تومان هم مقروض است حال که می‌خواهد خمس بدهد قرض را از اصل مبلغ مذکور باید کسر کند یا نه؟.

ج

- اگر قرض، جهت همین موجودی باشد یعنی پول آنها را قرض کرده و پرداخته به مقدار بدهی مذکور کسر کند و خمس بقیه را بدهد و اگر پول آنها را قرض نکرده خمس تمام را در آخر سال بدهد و قرض در صورتی که برای مؤنه باشد در هر سال که اداء کند جزء مؤنه همان سال است و خمس ندارد.

س

- شخصی که الآن حساب اموال می‌کند اگر مبلغ شش هزار تومان به بانکهای مختلف، و مقداری هم به مردم بدهکار باشد، آیا می‌تواند بدهی خود را از اصل سرمایه که پنجاه هزار تومان است کم کند یا نه؟.

ج

- اگر قرضی را که کرده جزء سرمایه است مثل آن که شخص کاسب

صفحه : ۳۴۵

جنس را خریده و عین جنس، باقی است و پولش را نداده این قرض را از مجموع سرمایه، کسر می‌نماید و هر وقت پرداخت کرد جزء فوائد آن سال، محسوب می‌شود و اگر برای جهات دیگر قرض کرده نمی‌تواند از سرمایه کم کند و هر سال، پرداخت جزء مؤنه سال پرداخت، محسوب می‌شود.

س

- شخصی حساب سال داشته و خمس اموال خود را پرداخته و پس از اداء وجوه، متوجه شد که مبلغ ده هزار تومان، بدهی داشته که می‌باید پس از چند ماه دیگر بپردازد و آن را به حساب نیاورده اکنون تکلیفش چیست؟.

ج

- اگر بدهکاری بابت سرمایه‌ای که حساب کرده نباشد نباید کسر بگذارد و اگر از بابت آن باشد در صورتی که عین آن پولی را که به عنوان خمس داده موجود باشد می‌تواند پس بگیرد و اگر عین آن، موجود نیست، گیرنده، ضامن نمی‌باشد.

س

- شخصی که مبلغی بدهکار است و مبلغی هم معادل آن و یا کمتر از آن، وجه نقد دارد و سال خمس او رسیده است آیا بمبلغ موجودی، خمس تعلق می‌گیرد و یا چون مبلغی معادل وجه موجود و یا بیشتر، مقروض است به مبلغ موجود، خمس، تعلق نمی‌گیرد؟.

ج

- اگر قرض در مقابل مبلغ موجود باشد معادل قرض، خمس ندارد و اگر در مقابل آن نیست مثل آن که قرض برای مصرف شخصی بوده و موجودی مثلاً از عوائد کسب باشد چنانچه بدهی خود را اداء نمود و سال بر آن گذشت خمس آن واجب است.

س

- اگر کسی مقداری مقروض است و سرمایه او غیر مخمس و نمی‌داند که قرضها مربوط به سرمایه است یا آن که بعد از تحصیل سرمایه، مقروض شده چگونه بایستی حساب خمس خود را بنماید؟.

ج

- در مقداری که شک دارد، تخمیس، واجب نیست.

س

- شخص می‌تواند بدهی سال قبل را از درآمد سال بعد، بپردازد و آن را جزء مؤنه آن سال قرار دهد یا نه؟.

ج

- بدهی او اگر قرضی باشد که برای مؤنه سالهای قبل بوده و یا قرضی

صفحه : ۳۴۶

باشد که عین آن از بین رفته است در هر سال که اداء کند جزء مؤنه آن سال محسوب می‌شود.

س

- شخصی پولی را به اقساط طویل المده قرض می‌کند و به مکه معظمه مشرف می‌شود آیا در موقع اداء دین باید خمس آن را بدهد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، هر مقدار از اقساط را در هر سال می‌پردازد جزء مخارج همان سال است و خمس ندارد ولی اگر پولی را که قرض کرده مصرف نکند تا سال بر آن بگذرد و بدهی را از عوائد، بپردازد خمس به آن تعلق می‌گیرد.

مهریه زن جزء مؤنه سال پرداخت است

س

- کسی که می‌خواهد خمس بدهد آیا لازم است اول، مهریه عیال خود را بدهد بعدا خمس باقی مانده را اداء نماید یا باید خمس مال خود را بدهد و بعد مهریه عیالش را بپردازد؟.

ج

- تا زمانی که مهریه را رد نکرده باید خمس ربح زائد بر مؤنه سال را بدهد بلی اگر در بین سال ربح، مهریه را رد کرد خمس آن ربح که به ازاء مهریه، داده واجب نیست.

س

- شخصی که می‌خواهد برای اداء خمس، سال قرار بدهد مهریه هم‌سر خود را که عند المطالبه باید بپردازد و هنوز پرداخت نکرده می‌تواند جزء قرض، حساب کند و وجوه آن را ندهد و با همان پول، کاسبی نماید یا نه و اگر حيله کند و مهریه را به او بدهد و او به شوهرش رد نماید و بگوید شما جهت امرار معاش با آن کاسبی نمایید آیا این حيله، صورت شرع دارد که خمس آن را ندهد یا نه؟.

ج

- مهریه را اگر در بین سال، نداده نمی‌تواند جزء قرض، حساب نماید و باید خمس تمام منافع را بدهد و اگر قبل از استقرار خمس ربح، مهریه را رد کند و بعد آن را قرض نماید و با آن کسب کند خمس آن مقدار، لازم نیست.

س

- شخصی مهریه زنش را می‌دهد زن قبول نمی‌کند و می‌گوید در ذمه‌ات باشد عند المطالبه، اداء کن آیا این مرد، می‌تواند در وقت خمس دادن، مهریه در ذمه را جزء مؤنه، حساب کند یا نه؟.

ج

- نمی‌تواند محسوب بدارد و در هر سال که پرداخت کرد جزء مؤنه آن

ترقی قیمت مهریه اگر در سال فروش آن صرف مؤنه زندگی نشود خمس دارد

س

- زنی است که مستطیع می‌باشد، و شوهرش هم حیات دارد و نفقه او را می‌دهد سال گذشته قبل از ایام حج زمینی که مهریه‌اش بوده فروخته که برود مگه ولی ممکن نشده امسال هم نشد چون اصلاً نام نویسی نبود، حالیه پول آن زمین موجود است آیا به آن پول خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال چنانچه قیمت آن از زمان ازدواج ترقی کرده که مثلاً زمان ازدواج پانصد تومان ارزش داشته و فعلاً به هزار تومان فروخته زیاده بر قیمت زمان ازدواج، خمس دارد و هر گاه قیمت اضافه نشده باشد خمس ندارد.

اگر خمس مالی را که متعلق خمس است از غیر آن مال بدهد

س

- زمینی بمبلغ پنج هزار تومان خریداری شده در آخر سال، هزار تومان خمس زمین دست گردان شده بتدریج از عوائد بین سال، آن هزار تومان اداء می‌شود در این صورت آیا این هزار تومان دست گردان شده باید بعد از تخمیس عوائد، پرداخت شود یا مثل سائر قروض است و بدون تخمیس اداء می‌شود؟.

ج

- بلی باید خمس هزار تومان را نیز اداء کند.

س

- شخصی اوّل سال حسابش مثلاً پانصد تومان بدهکار است بعد از دست گردان، سال دیگر بتدریج می‌پردازد، آیا اینها جزء مؤنه است یا نه و باید خمس اینها را بدهد یا نه؟.

ج

- اگر در اوّل سال، سرمایه را غیر از پانصد تومان قرار داد، در سال بعد خمس مقداری که از عوائد، بابت پانصد تومان می‌پردازد لازم نیست و اگر پانصد تومان را نیز از سرمایه محسوب دارد باید خمس آن را بپردازد.

س

- تجار و کسبه که آخر سال خمس، اموال خود را رسیدگی می‌کنند معمولاً بعد از اخراج خمس، سرمایه تصفیه شده را در دفتر خود یادداشت می‌نمایند نتیجتاً اگر از منافع بین سال، وجوه را بپردازند محتاج به تخمیس منافع نیست چون از اوّل، خمس را از سرمایه جدا کرده‌اند ولی غیر کسبه و تجار مثلاً

صفحه : ۳۴۸

کارگران یا طلباب که ایام محرم و صفر از طریق منبر، زندگی خود را اداره می‌کنند چنانچه در آخر سال، مبلغی بابت خمس، بدهکار شدند پس از دست گردان، بر ذمه می‌گیرند حال که در بین سال از منافع و درآمد خود می‌خواهند آن وجوه را بپردازند لازم است اول، تخمیس منافع نمایند و یا بدون تخمیس، جائز است اداء دین - که سهمین باشد- بنمایند؟.

ج

- اگر مال تخمیس شده را مصرف نماید و قرض خود را در سال بعد، از منافع بپردازد اشکالی ندارد و لکن اگر تمام مال را ذخیره نماید و بخواهد از عوائد سال بعد، قرض خمس را بپردازد باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی مقداری وجه نقد دارد که خمس به آن تعلق گرفته ولی نمی‌خواهد خمس آن را از وجوه نقدینه بپردازد آیا می‌تواند از منافع امسال، خمس موجودی را بدهد یا نه؟.

ج

- از منافع سال بعد اگر خمس ربح سال قبل را بدهد مانعی ندارد ولی خمس مبلغی را که از بابت خمس ربح سال قبل، داده نیز باید بدهد.

س

- سرمایه شخصی، ده هزار تومان است و دو هزار تومان وجوه آن را پرداخته فعلا- سرمایه وی ده هزار تومان است یا هشت هزار تومان؟.

ج

- اگر دو هزار تومان خمس را از مال مخمس یا از مالی که متعلق خمس نبوده پرداخته سرمایه، ده هزار تومان است و اگر از خود ده هزار تومان داده قهرا سرمایه، هشت هزار تومان می‌شود.

چیزی که خمس به آن تعلق گرفته به قیمت خرید حساب می‌شود یا به قیمت وقت وجوب اداء

س

- اگر شخصی بخواهد اموال خود را حساب کند و خمس آن را بپردازد در چه صورت قیمت مال متعلق خمس را روی حساب و ارزش سابق حساب کند و در چه صورت، روی ارزش فعلی؟.

ج

- اگر به ذمه خریدیده و پولی که خمس، به آن تعلق گرفته به ازاء آن داده قیمت روز خرید، کافی است و اگر بعین، خریدیده یا به ذمه خریدیده و از ربح سال، وجه آن را پرداخته قیمت روز اداء، واجب است و با شک در این که بعین، خریدیده یا

صفحه : ۳۴۹

به ذمه، کمترین قیمت روز اداء و روز خرید را حساب کند و این در صورتی است که اموال مذکوره مال التجاره نباشد و الا ترقی قیمت مطلقا خمس دارد.

س

- شخصی ملکی را به قیمت گران خریدیده فعلا ارزش آن بنصف قیمت اولی رسیده حال می‌خواهد تخمیس کند آیا قیمت اولی را باید حساب کند یا قیمت بعدی را؟.

ج

- اگر پولی را که در مقابل ملک داده سال بر آن گذشته باشد خمس پول را باید بدهد و اگر سال بر آن نگذشته خمس قیمت فعلی ملک، کافی است.

س

- جمعی از کشاورزان، مبلغی وام از بانک کشاورزی دریافت نموده و چاه عمیقی حفر کرده و به مدت پنج سال وام دریافتی را به اقساط، پرداخت نموده‌اند فعلا که چاه بملک شخصی کشاورزان درآمده برای محاسبه سرمایه، همان وجه دریافتی از بانک، باید جزء سرمایه محسوب گردد یا قیمت فعلی چاه؟.

ج

- در مفروض سؤال باید هر سالی هر مقدار از بدهی خود را از بابت چاه می‌دهند خمس معادل آن را از قیمت آن بردارند و در صورتی که اداء خمس را تأخیر انداخته باشند باید خمس قیمت فعلی سهم خود را از چاه بردارند.

س

- شخصی می‌خواهد پدر خود را از زیر دین، بیرون بیاورد و مال او را حساب کند آیا می‌تواند املاک پدر را بهمان قیمت که او در زمان حیات خود خریدیده حساب کند یا نه؟.

ج

- اگر یقین داشته باشد که پدر، خمس آنها را نداده واجب است خمس قیمت فعلی آنها را بردارد و تفاوت قیمت را با حاکم شرع، مصالحه نماید.

س

- شخصی ماشین کار خریده و خمس آن را نداده می‌خواهد حساب کند، ماشین به قیمت خرید حساب می‌شود یا به قیمت فعلی و هم چنین شخصی زمین زراعتی و یا باغ خریده آیا قیمت خرید حساب می‌شود یا قیمت فعلی.

ج

- اگر از درآمد سال، خریده و خمس نداده قیمت فعلی را حساب کند.

س

- این جانب در سال گذشته یک دانگ و نیم از یک ماشین کمپرسی جهت امرار معاش خریداری و آن را جزء سرمایه در موقع حساب سال

صفحه : ۳۵۰

محسوب نموده‌ام اکنون ماشین به قیمت خرید باید محسوب گردد، یا به قیمت فعلی چون قیمت فعلی از قیمت خرید پائین تر آمده است؟.

ج

- در فرض سؤال اگر سال گذشته قیمت سهم خود از ماشین را جزء سرمایه حساب کرده و خمس آن را پرداخته‌اید قیمت فعلی آن را جزء سرمایه محسوب دارید و می‌توانید کسری قیمت را از عوائد سال جبران کنید و چنانچه پول ماشین قرض بوده و در سال جاری قرض آن را اداء کرده‌اید در این صورت هم قیمت فعلی آن را حساب کنید.

س

- شخصی از عوائد سال، مصالح و ابزار کسب، خریداری کرده ولی بر اثر استعمال، قیمت آنها تنزل نموده و اینک آخر سال می‌خواهد برای اداء خمس، این ابزار را جزء سرمایه حساب کند قیمت فعلی را منظور بدارد، یا قیمت روز خرید را؟.

ج

- قیمت فعلی را.

فروش یا هبه برای فرار از خمس

س

- مقداری گندم داشتم قبل از رسیدن سال، برای آن که خمس آن واجب نشود آن گندم را فروختم و احتیاجی هم به پولش نداشتم اگر آن پول بماند تا سال گندم برسد خمس آن واجب می‌شود یا نه؟.

ج

- بلی واجب است خمس آن داده شود.

س

- کسی معاملاتی را انجام می‌داده و برای فرار از تعلّق خمس، در بین سال، دارائی خود را به دیگری بخشیده و باز آن شخص به او پس داده است چند سال باین حال گذشته و چند مرتبه بخشیده و پس گرفته آیا چنین شخصی از اداء خمس، شرعا معاف شده است یا نه؟

ج

- اگر در همان سال، موهوب له، آن را به واهب ببخشد جزء فوائد همان سال است و باید خمس آن را در آخر سال بدهد و اگر در سال بعد، آن را به واهب ببخشد جزء فوائد سال بخشش، محسوب می‌شود و این در صورتیست که هبه، مناسب شأن و حال او باشد پس اگر مناسب شأنش نباشد از فوائد سال، محسوب است و باید خمس آن را بدهد خواهد آن را هبه نماید یا هبه ننماید.

صفحه : ۳۵۱

س

- حقوق ماهیانه گرفته می‌شود و برای ماه بعد، مصرف می‌گردد حال اگر سال شرعی برسد و گیرنده حقوق، مبلغ موجودی را به زن یا بیکی از فرزندان جهت فرار از خمس ببخشد و یک روز بعد از تمام شدن سال، دو مرتبه آن مبلغ را فرزند، و یا زن به مرد ببخشد خمس به آن تعلّق می‌گیرد یا نه؟

ج

- این گونه بخشش‌ها از مؤنه محسوب نیست و خمس آن واجب است.

جبران مال مخمس مصرف شده یا تلف شده از ارباب

س

- شخصی چندین سال است که حسابی پیش خودش داشته و مبلغی خمس، بدهکار بوده است و خدمت مرجع وقت، ارسال می‌داشته و امسال بنا بر عللی مبلغی ضرر کرده و جریمه داده و می‌خواهد برای سال آینده به حسابش رسیدگی کند اکنون چه تکلیفی دارد؟

ج

- اگر این مبلغی که از او گرفته شده از سرمایه مخمس بوده در سال جاری که اضافه ندارد چیزی بر او نیست و آن چه را از بین رفته، جزء سرمایه، محسوب نکند و در نظر بگیرد سال دیگر اگر اضافه بر سرمایه فعلی داشت خمس آن را بدهد.

س

- شخصی هفتاد هزار تومان، سرمایه داشته خمس این سرمایه را داده بعد احتیاج پیدا کرده که طبقه فوقانی منزل را بسازد، لذا مقداری از سرمایه را خرج ساختمان منزل کرده، پنجاه هزار تومان برایش باقی مانده و چون جهت سرمایه او کافی نبوده مبلغ سی هزار تومان از بانک - با در نظر گرفتن طریق شرعی که دچار حرمت ربا نشود - وام گرفته و فعلاً سرمایه‌اش مبلغ هشتاد هزار تومان است و در هر ماهی باید مقدار قسط سی هزار تومان را بپردازد آیا سی هزار تومان مذکور، متعلق خمس هست یا نه؟

ج

- در فرض مسأله اگر در همان سال که سرمایه، مصرف خانه شده قرض کرده و همان سال از منافع، قرض آن را اداء نموده خمس، ندارد و اگر از منافع سالهای بعد، قرض آن را اداء کرده خمس دارد.

س

- شخصی مثلاً مقدار بیست هزار تومان سرمایه مخمس دارد بعد ضرر کرده و پانزده هزار تومان شد و به همین حال، تجارت کرد تا این که بیست و دو

صفحه : ۳۵۲

هزار تومان شد در این صورت آن کمی، جبران می‌شود و باید خمس دو هزار تومان را بدهد و یا جبران نمی‌شود و باید خمس هفت هزار تومان را بپردازد؟

ج

- ضرر هر سال را از منافع همان سال می‌توان جبران کرد و اما ضرر سال قبل را از منافع سال بعد نمی‌توان جبران نمود بنا بر این در مفروض سؤال، اگر ضرر و نفع، در یک سال بوده دو هزار تومان زائد بر رأس المال را باید تخمیس کرد و اگر در آخر سال اول پنج هزار تومان ضرر داشته و در سال بعد، نفع حاصل شده در سال دوم آن چه را که از پانزده هزار تومان زیادتر باشد باید تخمیس نماید.

س

- شخصی سرمایه‌ای داشته و وجوه آن را داده و استطاعت حج هم برای او حاصل شده و مبلغی از آن سرمایه، به مصرف حج رسانیده و طلبی هم دارد که بعد از چند ماه وصول می‌شود آیا می‌تواند این طلب را جزء سرمایه خود قرار دهد که خمس آن را ندهد یا نه؟

ج

- اگر شخصی از سرمایه مخمس، در بین سال به مصرف حج برساند و در همان سال، ربح عائد او بشود می‌تواند خمس نداده، از ربح، سرمایه قبل را متمیم نماید لکن اگر طلب وصول شده، ربح سالهای پیش بوده خمس آن را باید بدهد و ما بقی را سرمایه نماید.

س

- کارگری که وجهی را مخمس نموده آیا می‌تواند در خلال سال، وجه مورد نیاز خود را از این پول مخمس بردارد و در ضمن همان سال، بهمان مقدار از پول غیر مخمس، به جای آن بگذارد و هر سال، این عمل را تکرار کند یا نه؟.

ج

- در صورت مفروضه آن چه را که از پول مخمس، صرف کند نمی‌تواند از پول غیر مخمس، جبران نماید و باید خمس غیر مخمس را بدهد بلی می‌تواند همه سال، منافع خمس نداده را در بین سال، صرف نماید و منافع خمس داده را نگهداری کند.

س

- شخصی مثلاً پنجاه هزار تومان سرمایه دارد ده هزار تومان آن را برای سفر مکه خرج کرد آیا میزان سرمایه او برای سالهای بعد چهل هزار تومان است یا همان پنجاه هزار تومان اولی؟.

صفحه : ۳۵۳

ج

- برای سالهای بعد چهل هزار تومان است.

س

- زارع یا کاسبی حساب سال خود را کرد و مبلغ پنج هزار تومان مثلاً سرمایه داشت و این سرمایه، در بین سال، مصرف یا تلف شد و در آغاز سال آینده صاحب سرمایه گردید آیا تخمیس سال گذشته کافی است یا باید سرمایه تازه بدست آورده را حساب کند؟.

ج

- در فرض سؤال که سرمایه مخمس، تلف شده و بعد از سال، سرمایه دیگر تهیه شده باید خمس سرمایه جدید را بدهد.

س

- آخر اسفند ۶۱ مبلغ هزار تومان وجه نقد در دفترچه پس انداز بانک داشته و خمس آن را هم دادم ولی اکنون که آخر اسفند ۶۲ می‌باشد پس از دو سه مرتبه پرداخت و دریافت، مبلغ دو هزار تومان در آن دفترچه، نقدینه دارم، لطفاً بفرمایید چه مبلغ باید خمس بدهم؟ آیا از مجموع دو هزار تومان، یا از هزار تومان امسال؟.

ج

- در فرض سؤال اگر در تمام سال بمقدار پول مخمس در بانک موجود بوده، فقط خمس هزار تومان را فعلاً باید بدهید ولی اگر تمام یا بعض مال مخمس در بین سال به مصرف مؤنه رسیده، باین معنی که مثلاً در بین سال گاهی اتفاق افتاده که در بانک، کمتر

از هزار تومان داشته‌اید نمی‌توانید از عائد سال بعد، جای مصرف شده را پر کنید برای ندادن خمس.

س

- شخصی از موجودی نقدی خود که قبلاً تخمیس کرده بوده به مصرف مخارج مگه می‌رساند در این صورت می‌تواند آن مبلغ را از درآمد سال بعد، جبران کند و یا باید خمس درآمد سال بعد را بپردازد؟.

ج

- نمی‌تواند از درآمد سال بعد، آن را جبران نماید.

س

- شخصی در سر سال خمس خودش یک خروار برنج داشته و حساب کرده و خمس آن را داده و در بین سال، این برنج را مصرف کرده و باز در نزدیکیهای سال خودش برنج جدیدی خریداری می‌کند اکنون که سالش، فرا رسیده یک خروار برنج دارد آیا خمس برنج موجود سال دوم را باید بدهد یا نه؟.

ج

- بلی باید خمس آن را بدهد.

صفحه : ۳۵۴

س

- اگر کسی از مال مخمس، صرف نموده آیا جائز است مقابل آن را از ارباح جدید، استثناء کند یا جائز نیست؟.

ج

- اگر از سرمایه، صرف نموده می‌تواند در آخر سال، کسری سرمایه را از ارباح، جبران کند و اگر از سرمایه نبوده نمی‌تواند آن را استثناء نماید.

س

- اگر از پول تجارت که معمولاً سرمایه مخمس و ربح، با هم مخلوط است برای امرار معاش، آذوقه و وسائل را تهیه کند و در آخر سال، مقداری باقی بماند و آن بقیه را از نظر محاسبه سال، با سرمایه‌اش یک موجودی بحساب آورد و خمس را بپردازد و سال دوم هم همین محاسبه را بعمل بیاورد در نتیجه آذوقه مخمس مصرف شده حکم مال التجاره موجود در بازار را پیدا می‌کند- که ربح جدید، کسری آن را جبران می‌کند- یا نه و آیا این محاسبه صحیح است؟.

ج

- این نحو محاسبه، صحیح نیست و فقط اگر از سرمایه، صرف کرده باشد با ارباح سال، کسری آن، جبران می‌شود.

س

- شخصی خمس یک خروار گندم را در سر سال، داده، می‌خواهد سال آینده با گندم جدید خود، معاوضه کند آیا باز آن گندم تازه، خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر با دیگری معاوضه نماید، به عوض آن نیز خمس، تعلق نمی‌گیرد ولی اگر از مال خود بخواهد عوض آن را نگهدارد و آن گندم مخمس را مصرف کند بعد از گذشتن سال بر آن باید خمس آن را بدهد.

س

- آذوقه که از سرمایه و ربح، طبق معمول تهیه شده و در آخر سال، مقداری، از آن باقی مانده است ولی چون کاسب، خرجش از مداخلش بیشتر بوده در نتیجه، حتی اگر آذوقه باقی مانده را هم اضافه کند باز کسر سرمایه دارد آیا واجب است خمس آذوقه را بپردازد یا نه؟.

ج

- در فرض مذکور که آذوقه نیز از سرمایه یا عوائد، خریداری شده و فعلاً آن شخص کسری سرمایه دارد خمس ندارد.

چیزی که خمس آن داده شده دیگر خمس ندارد

س

- یک نفر نزد شخصی پولی را به امانت گذاشت پس از مدتی

صفحه : ۳۵۵

وصول کرد، بفرمایید اگر صاحب پول ابتداء خمس آن را داده باشد در مرتبه دوم که پول را پس گرفت باز باید خمس آن را بدهد یا لازم نیست؟.

ج

- اگر خمس آن را قبلاً داده بعد که پس می‌گیرد دیگر خمس بر او نیست.

اگر مشکوک باشد که میت خمس اموال خود را داده یا نه؟

س

- شخصی در حیات خود، ملکی را خریداری نموده و بعد از فوت او ورثه نمی‌دانند که مورث، خمس آن ملک را داده یا نه؟.

ج

- با علم به این که ملک مذکور، متعلق خمس بوده مثل این که در بین سال، از عوائد سال، آن را خریده - و شک در اداء خمس، - تخمیس آن بر ورثه، واجب است.

س

- اگر آب و ملکی از متوفی بعنوان ارث مانده ورثه می‌دانند که مورث، خمس نمی‌داده ضمناً این آب و ملک، در اختیار ورثه و جزء سرمایه آنها است و ملک را زراعت می‌کنند و حاصلش را صرف مؤنه زندگی می‌نمایند و تحولاتی در آن - از لحاظ گرانی و ارزانی و از لحاظ این که مقداری آبادتر و مقداری خشک و از محصول افتاده - پیدا شده، ورثه، برای تعیین خمس این ارثیه، روی چه قیمتی باید حساب کنند و خمس آن را بدهند خواهشمند است فروع مسأله را مفصلاً بیان فرمائید؟.

ج

- اگر بدانند عین ملک، مورد تعلق خمس بوده و اداء نشده خمس قیمت فعلی را بدهند و اگر ملک موروثی، متعلق خمس نباشد، لکن مورث، خمس، بدهکار باشد هر یک از ورثه، بر حسب سهم الارث خود آن چه در ذمه میت، از خمس است اداء نمایند تا بتوانند در ترکه، تصرف کنند.

س

- اگر از متوفی مدرکی دال بر تخمیس اموال و حساب سال داشتن پیدا نکنند آیا بر ورثه در این صورت لازم است قبل از تقسیم ارثیه خمس اموال را بدهند (در فرض بودن صغار)؟.

ج

- اگر یقین دارند خمس بر ذمه متوفی تعلق گرفته و شک داشته باشند که پرداخته یا نه واجب است از اصل ترکه او اداء کنند ولی اگر شک داشته باشند

صفحه : ۳۵۶

که تعلق گرفته یا نه تکلیفی ندارند. و الله العالم.

س

- ثلثی که برای میت مصرف می‌کنند باید تخمیس شود یا خیر؟.

ج

- اگر بدانند که بر مورد ثلث خمس مستقر شده و میت نداده باید اول آن را تخمیس و بعد بقیه را صرف میت نمایند.

بدهی خمس میّت از اصل تر که خارج می‌شود

س

- شخصی فوت نموده و پدر و مادر و فرزند هم ندارد و در وصیّت نامه‌اش تذکر داده که خمس مال خود را نپرداخته‌ام وصی و ناظر من خمس اموالم را بپردازند و ثلث خود را هم اختصاص به کفن و دفن و نماز و روزه و حج داده، حال آیا خمس را از اصل مال باید داد یا از ثلث؟.

ج

- در فرض مسأله، خمس از اصل مال باید خارج شود و پس از اخراج خمس، ثلث باقی مانده را به مصارفی که وصیّت نموده برسانند.

تصرّف در مالی که خمس به آن تعلّق گرفته یا مشکوک است

س

- اگر کسی پولی قرض بگیرد و قرض دهنده خمس این پول را نداده باشد بر قرض گیرنده واجب است که خمس آن را بدهد یا نه مخصوصاً در صورتی که قرض دهنده، مبلغی را که قرض گیرنده، بعنوان خمس داده قبول نداشته باشد و به قرض گیرنده ندهد؟.

ج

- اگر بداند بر خصوص آن پول، خمس تعلّق گرفته، قبل از اداء خمس، جایز نیست در آن تصرّف نماید.

س

- اشخاصی که خمس بدهکارند و ربا هم در مال آنها وجود دارد برای تعمیر مسجد و خرید زیلو و حصیر و کاشی و تعمیر حَمّام کمک مالی می‌دهند آیا مصرف چنین پولهایی در حَمّام و مسجد صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که شرعاً صحیح نباشد راه حلّی دارد یا نه؟.

ج

- اگر معلوم نباشد عین مالی که صرف مسجد یا حَمّام می‌شود متعلّق خمس یا از حرام است تصرّف در آن، مانعی ندارد و اگر یقین دارد که متعلّق خمس یا زکّاء است و صرف در اجرت بنا و عمله، نموده باشند نماز و غسل، اشکال ندارد و در صورتی که با آن، چیزی خریداری شده که فعلاً موجود است نسبت

مقداری از آن چه را که موجود است وکیل هستند از طرف حقیر قبول نموده و صرف مسجد و حِمّام نمایند و اما از جهت مال ربوی اگر صاحبان آن را می‌شناسند استحلال نمایند و اگر نمی‌شناسند حاکم شرع، معامله را امضاء کند و آن عین را به فقیر بدهد و او صرف مسجد نماید.

س

- شخصی مبلغی در حدود بیست و پنج هزار تومان پول نقد با مغازه و سرمایه داشته و خمس آن را نداده و فوت نموده و وارث غیر بالغ دارد آیا خمس اموال او را بدهند یا از جهت این که وارث صغیر دارد، خمس بمال ولی تعلق نمی‌گیرد؟.

ج

- در فرض مسأله، واجب است خمس آن را پردازند و قبل از اداء خمس، تصرف در آن، جائز نیست اگر وصی دارد بر وصی واجب است و اگر وصی ندارد با اذن حاکم شرع باید پردازند.

س

- بنده داد و ستدی نسبتاً گسترده و با افراد زیادی معاشرت دارم و در موضوع کارم ناچارم که با مردم، معاشرت باشم و یقین دارم که غذای میزبان و طرف معامله‌ام و پولی که از آنها تحویل می‌گیرم غیر مخمس و غیر مزکی است و اگر ترک معاشرت کنم معامله‌ام تعطیل می‌شود و عسر و حرج لازم می‌آید در این صورت، تکلیفم چیست؟.

ج

- بعید نیست که این گونه موارد، جزء شبهه غیر محصوره و یا خارج از محل ابتلاء باشد و در چنین صورتی، احتیاط، لازم نیست. بلی اگر یقین دارید که مورد ابتلاء شما عیناً متعلق خمس است چنانچه مفروض سؤال است تصرف در آن بدون اذن ولی خمس، جائز نیست.

س

- اشخاصی که اموالی را از طریق کسب مشروع و غیر مشروع بدست آورده و حساب سال ندارند و گاهی بدون حساب، چیزی به فقرا و سادات کمک می‌کنند آیا جائز است که - بعنوان مهمانی و ضیافت - از مال آنها خورد و استفاده کرد یا نه؟.

صفحه : ۳۵۸

ج

- با علم به این که عین مال مورد ابتلاء، خمس به آن تعلق گرفته و داده نشده تصرف در آن، جائز نیست مگر آن که خود مالک و در صورت امتناع، خود متصرف با اجازه حاکم شرع، خمس آن را پردازد یا با اجازه حاکم شرع، خمس مقدار مصرفی را به ذمه بگیرد و بعد پردازد.

س

- شخصی مدت پنجاه سال خمس و وجوه دیگر بر ذمه او بوده و با ندادن وجوه، اداء فرائض می‌نموده حتی مکه معظمه هم مشرف شده اکنون می‌خواهد اموالش را حساب کند که اداء خمس نماید عبادات گذشته او چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض مسأله اگر عالم بوده که مثلاً فرشی که روی آن نماز می‌خوانده خمس به آن تعلق گرفته و از روی معصیت، تأخیر انداخته و با توجه به این که نماز در آن، باطل است نماز می‌خوانده نمازش باطل است اما در صورت عدم علم، یا غفلت، نمازش صحیح است و آن چه را نمی‌داند صحیح واقع شده یا باطل، محکوم به صحت است و هم چنین سائر عبادات، و در حج اگر قربانی و جامه احرام و نعلین در حال وقوف و سعی، غصبی، نباشد حج، صحیح است و با التفات به این که جامه احرام - و یا نعلین در حال وقوف و سعی - مورد تعلق خمس بوده یا با پول غیر مخمس به معامله عین به عین تهیه شده، حج باطل می‌شود و قربانی اگر از عین غیر مخمس باشد یا با پول غیر مخمس به معامله عین به عین تهیه شده باشد کفایت نمی‌کند و باید دوباره قربانی کند.

س

- کسانی که باید خمس بدهند و نمی‌دهند، وظیفه عیالات آنها- که نانخور ایشان هستند و اطلاع از وضعشان دارند- چیست؟.

ج

- اگر بدانند که عین مال مورد ابتلاء ایشان متعلق خمس است خوردن و تصرف در آن، قبل از اداء خمس، جائز نیست و لکن می‌توانند با اذن حاکم شرع خمس آن چه را که تصرف می‌کنند بر ذمه بگیرند و بعد ادا کنند و اگر ندانند خوردن و سائر تصرفات، برای ایشان جائز است.

س

- شخصی خانه‌ای خریده و قیمت آن را از پول غیر مخمس داده شخص ثالثی مانند مستأجر مثلاً، نمی‌داند آیا خریدار، آن را با عین پول خمس

صفحه : ۳۵۹

نداده خریده یا این که به ذمه خریده و می‌خواهد که بعد، از غیر مخمس، ذمه خود را بری نماید، اکنون تصرفات شخص ثالث چه صورت دارد؟.

ج

- تصرفات شخص ثالث، مانعی ندارد.

س

- شخصی که در پرداخت خمس، کوتاهی می‌کند چه حکمی دارد؟.

ج

- معصیت کرده و تصرف در مالی که خمس به آن تعلق گرفته جائز نیست و معاملات و تصرفات واقع بر آن، در مقدار خمس، فضولی است.

س

- هر گاه کسی خمس و زکاة نمی‌دهد- ولی نه بر سبیل انکار- و یا اموال او از طریق غیر مشروع مانند ربا و رشوه و غیرهما، بدست آمده باشد انسان می‌تواند بعنوان مهمانی و یا عناوین دیگر، در اموال چنین شخصی، تصرف نماید و آیا صدقات مندوبه و روضه خوانی و دیگر مستحبات، بحال او نافع است یا نه؟.

ج

- اگر انسان، احتمال بدهد خصوص اموالی که مورد ابتلاء او است حرام نباشد یا شک در تعلق خمس و زکاة به آن‌ها داشته باشد، تصرف در آنها جائز است و امّا اگر علم به غضب بودن یا تعلق خمس و زکاة بر آنها داشته باشد، تصرف جائز نیست و اگر در صورت تعلق خمس و زکاة بر آنها تصرف کرد ضامن است و باید خمس و زکاة آنها را خود او اداء نماید و صدقه مندوبه یا اعمال مستحبه دیگر در صورتی که از مال حلال باشد صحیح است و مأجور خواهد بود لکن موجب برائت ذمه او از دیون مالیه نخواهد شد.

س

- گاهی شخصی که خمس نمی‌دهد میهمانی می‌کند و از همان مال غیر مخمس هم مصرف می‌نماید آیا خوردن این غذاها جائز است یا نه؟ و دیگر این که اگر تنها همان مبلغ مخارج سفره را تخمیس نماید- نه همه اموالش را - آیا خوردن آن غذاها مباح است یا نه؟.

ج

- با شک در این که عین آن چه در سفره، حاضر می‌شود متعلق خمس شده تصرف در آن، اشکال ندارد ولی اگر بداند که عین آن، متعلق خمس شده و پرداخت نشده یا با عین مالی که خمس آن اداء نشده خریداری شده تصرف در آن،

صفحه : ۳۶۰

جائز نیست. و تخمیس آن، در صورتی کافی است که خصوص آن عین، متعلق خمس شده باشد ولی اگر در ضمن اشیاء دیگر به آن خمس تعلق گرفته باشد تخمیس خصوص آن کافی نیست.

س

- زنی که خمس جهیزیه‌اش را نداده شوهر می‌تواند در آن جهیزیه، تصرف کند یا نه؟.

ج

- با علم به تعلّق خمس و عدم پرداخت، نمی‌تواند در آن تصرّف کند تا خمس آن پرداخت شود.

س

- اگر از پولی که خمس آن را نداده‌اند مسجد درست کنند نماز در آن مسجد چه صورت دارد؟.

ج

- اگر معلوم نباشد که مصالح آن به عین پول متعلّق خمس، خریداری شده اشکالی ندارد و الاّ در صورتی که صاحب پول، حاضر نباشد که خمس آن را بدهد محتاج به مراجعه به مجتهد است.

س

- شخصی با مال غیر مخمس، به مکه رفته و بحاکم شرع، رجوع نکرده در این صورت حجّش صحیح است یا نه؟.

ج

- خمس را باید بدهد ولی حجّش صحیح است مگر آن که لباس احرامش را بعین مالی که متعلّق خمس باشد خریده و با التفات به غضب بودن، آن را پوشیده باشد.

س

- کسی مستطیع شد و در سال استطاعت، به حجّ نرفت و سال بعد به مکه رفت و پس از مراجعت، جهت ولیمه، از نتایج گوسفندان خود استفاده کرد و هم چنین قرضی را که داشت از گوسفندان خمس نداده، اداء نمود، حال آیا باید خمس گوسفندانی را که جهت ولیمه و یا قرض، مصرف شده بدهد یا نه؟.

ج

- اگر ولیمه و قرض را از ارباب سالهای پیش داده، باید خمس آن را بدهد و اگر از ارباب سالی است که ولیمه و قرض را داده، خمس ندارد.

پدر و فرزندی که زندگی و کسبشان با هم است چگونه خمس بدهند

س

- پدر و فرزندی که با هم زندگی می‌کنند و فرزند، هیچ گونه اختیاری از خود ندارد و در شئون زندگی، جدائی ندارند و هر کدام چیزی پیدا کردند

صفحه : ۳۶۱

با هم خرج می‌کنند آیا باید هر کدام، حساب سالیانه جدا داشته باشند یا اگر پدر مثلاً دارای حساب سال باشد کافی است؟.

ج

- هر یک از این دو نفر، خمس آن چه را که از مخارج سالشان زیاد آمده با وکالت از دیگری بدهد- بقصد ما فی الذمه هر کدام - کافی است.

در تعلق خمس و زکاة کدامیک مقدم است

س

- کسی که از ربح و سود سرمایه خود قبل از تمام شدن سال خمس، تعدادی از گاو یا گوسفند که به حد نصاب است خریداری کند آیا دادن زکاة و خمس هر دو واجب است یا یکی از آنها؟.

ج

- در فرض مسأله که قبل از تمام شدن سال زکاة، سال خمس تمام می‌شود واجب است خمس را بپردازد و بعد از اداء خمس، اگر بمقدار نصاب، باقی باشد پس از حلول حول زکاة، واجب است زکاة جنس زکوی باقی مانده را - چه عین سرمایه باشد چه سود- بپردازد.

س

- کسی که حساب سال ندارد و ذمه او، هم به زکاة و هم به خمس مشغول است و فعلاً می‌خواهد اداء نماید کدام را مقدم بدارد؟.

ج

- باید زکاة را حساب کند و بدهد و بعد هر اندازه ربح، پس انداز کرده خمس آن را بپردازد.

س

- شخصی چند سال، مالی را که متعلق خمس و زکاة بوده - از قبیل نقدین - در اختیار داشته و خمس و زکاة آن را نداده اکنون که در مقام اصلاح برآمده آیا باید اول خمس بدهد و بعد زکاة را یا اول زکاة را بدهد و بعد، خمس آن را اداء نماید؟.

ج

- اگر نقدین را در یک روز بدست آورده و سال خمس نداشته به نحوی که همان روز حصول فائده، مبدأ سال خمس بوده قهراً چون استقرار زکاة، قبل از استقرار خمس است باید اول زکاة را اخراج کند و بعد خمس ما بقی را بدهد و اگر سال خمس داشته و پایان سال خمس او قبل از استقرار زکاة باشد باید خمس آن را بدهد و اگر بقیه بمقدار نصاب بوده زکاة آن را نیز بپردازد و نسبت به سالهای بعد اگر بر نقدین اضافه نشده و با کسر خمس از آن و کسر بدهی زکاة سال یا سالهای

صفحه : ۳۶۲

قبل، باز هم بمقدار نصاب است فقط باید زکاء داده شود.

تعلق خمس و زکاء بنحو اشاعه است

س

- اگر کسی با سرمایه‌ای که متعلق خمس بوده و با ربح خمس نداده آن مشغول کسب شده و چند سال به همین وضع، کسب کرده باشد خمس اصل سرمایه و زیادی ربح و اشیائی که می‌داند بعد از تمام شدن سال ربح، از ربح، تهیه کرده - اعم از این که آن اشیاء، مؤنه و ما يحتاج باشند یا غیر آنها - بدهد کافی است یا این که مستحقین خمس، در سرمایه و تمام ارباح چند سال و اشیائی که با آنها تهیه شده شریکند، و باید از آنها هم حَقشان را بدهد و هم چنین در چیزی که متعلق زکاء بوده و زکاء آن را نداده و چند سال با آن کسب نموده یا از نماء آن استفاده کرده است. خلاصه خمس و زکاء که متعلق بعین است نه به ذمه، حق متعلق به شخص عین است یا به مالیت آن یا بنحو اشاعه یا کلی فی المعین و در هر صورت چه در سرمایه غیر مخمس و غیر مزکی چه اشیائی که از نماء و منفعت آنها تهیه شده امضاء حاکم شرع هم لازم است یا لازم نیست؟.

ج

- بنظر حقیر خمس و زکاء، بنحو اشاعه است پس اگر معاملاتی که واقع شده بعین مال زکوی یا متعلق خمس، واقع شده، آن معامله نسبت بخمس و مقدار زکاء آن، فضولی است و اگر حاکم شرع، امضاء نماید ملک ارباب خمس و زکاء می‌شود و احکام شرکت، در آن جاری است ولی اگر زکاء عین زکوی و خمس عین مال متعلق خمس را بدهد کافی است و اگر معامله، بنحو کلی، واقع شده چنانچه غالباً این قسم است معامله برای خود شخص، واقع می‌شود و با فرض این که پول آن را از مال خمس نداده اداء نموده باشد باید خمس آن پول را بدهد و حکم نسبت به مال زکوی نیز چنین است.

س

- بعضی از کسانی که قصد زیارت مکه معظمه را دارند مبلغی را جهت رفتن و برگشتن، قرار می‌دهند و از همین مبلغ، خمس آن را اداء می‌کنند آیا این عمل، صحیح است و یا باید از تمام اموال، خمس را خارج نمود؟.

ج

- اگر اموال او وجه نقد باشد و خمس آن را نداده، دادن خمس مقدار مصرف حج، موجب جواز تصرف در بقیه نیست و تا خمس تمام آن را ندهد

صفحه : ۳۶۳

نمی‌تواند در آن وجوه، تصرف کند. بلی اگر اعیانی مثل خانه و زمین و باغ، متعلق خمس باشد و خمس یکی از آنها را بدهد و آن را بفروشد و صرف حج نماید جائز است.

س

- گوسفند غیر مخمس را صاحب گوسفند، به قصّاب فروخت و او هم ذبح کرد و تمامی گوشت آن را فروخت آیا خریداران گوشت، بعد از این که علم پیدا کردند، باید خمس آن را بدهند یا خمس آن به ذمه متلف است؟.

ج

- اگر خریدار گوشت، علم دارد که خمس به آن تعلّق گرفته و اداء نشده نمی‌تواند آن را بخرد و اداء خمس آن مقدار، در حلیّت آن، کافی نیست لکن خریدار، پس از اتلاف مقداری که خریده اگر خمس آن مقدار را بدهد ذمه‌اش بری می‌شود.

آیا از مال کسی که خمس بدهکار است بدون اذن او می‌توان خمس داد یا نه؟.

س

- آیا زوجه می‌تواند بدون اجازه فرزندان از اموال شوهر خود که فوت نموده خمس بدهد- چون ممکن است ورثه اداء نکنند و بگویند خمس بدهکار نبوده - یا نمی‌تواند؟.

ج

- اگر زوجه، یقین داشته باشد که خمس بر میت واجب بوده و بداند که ورثه دیگر نمی‌دهند و مال تحت ید او باشد واجب است با اذن حاکم شرع خمس را از آن مال، اداء کند.

س

- شخصی، خمس مدیون است و نمی‌دهد، آیا متصدی حساب او می‌تواند محرمانه خمس درآمد او را بردارد و با اجازه حاکم شرع به مستحقّ برساند یا نه؟.

ج

- اگر ممتنع باشد با اجازه حاکم شرع جائز است.

س

- مادری نانخور فرزندش می‌باشد و می‌داند پسرش حساب خمس ندارد در این صورت مادر می‌تواند بقدر آن چه خودش از آن، صرف می‌کند از همان پولی که پسرش به او داده خمس بدهد یا نه؟.

ج

- بلی خودش خمس آن را با اذن حاکم شرع بدهد.

س

- چند نفر، در مال التجاره، شرکت دارند یکی از آنها حاضر به اداء خمس است، ولی دیگران، امتناع می‌ورزند حال آیا آن یک نفر می‌تواند بدون اجازه آنان، خمس مال التجاره را بدهد و بر فرض این که اداء کند، از ذمه آنان ساقط می‌شود و یا باید به اجازه مجتهد باشد؟.

ج

- اداء خمس، از مال شخص ممتنع، با اذن مجتهد، جائز است. بلی اگر شریکی که خمس نمی‌دهد ولی ممتنع هم نیست او را وکیل نماید که بهر نحو خواست عمل کند و او با قصد قربت، اداء خمس نماید کافی است.

س

- پدر من خمس بر ذمه دارد، من که فرزند او هستم اگر از طرف او خمس را اداء کنم در صورتی که می‌دانم راضی است، آیا ذمه او بری می‌شود یا نه؟.

ج

- در صورتی که خود پدر امر کرده باشد جائز است، و الا با اداء فرزند، بدون اذن پدر، ذمه پدر از خمس بری نمی‌شود.

س

- چیزی که در خانه از مخارج سال زیاد می‌آید اگر شوهر، خمس آن را ندهد بر زن، تکلیفی هست یا نه؟ و زن می‌تواند بدون اجازه شوهرش خمس آن را بدهد یا نه؟.

ج

- اگر مرد از اداء خمس آن امتناع کند و مفسده‌ای در کار نباشد، زن خودش خمس آن را با اذن حاکم شرع بپردازد.

دست گردان خمس

س

- زید با امام مسجد، سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات را دست گردان می‌کند ولی مرجع تقلیدش فوت می‌نماید و مقلد مجتهد دیگر می‌شود، امام مسجد مطالبه می‌کند زید می‌گوید مرجع تقلید من که شما وکالت از او داشتید فوت کرده الآن مقلد مجتهد دیگر شده‌ام وجه را باید به او بدهم نه به شما آیا این حرف زید مسموع است یا نه؟.

ج

- امام مسجد اگر بعنوان وکالت از مرجع، وجه را با زید، دست گردان کرده حرف زید مسموع است؟.

س

- دست گردان کردن وجوه باید در محضر مجتهد اعلم باشد یا با

صفحه : ۳۶۵

هر یک از اهل علم، مانعی ندارد؟.

ج

- دست گردان وجوه، باید یا با خود مجتهد جامع الشرائط، باشد و یا با مأذون از طرف او.

س

- کسانی که سال قرار می‌دهند و دست گردان می‌کنند و بعداً وجه دست گردان شده را نمی‌دهند یا مقدار کمی از بدهکاری خود را داده و بقیه را نمی‌دهند آیا تصرف در خانه و اثاث خانه و بقیه اموالشان جائز است یا نه؟.

ج

- اگر از اول، که دست گردان نموده قصد دادن نداشته اموال او متعلق خمس است و تصرف در آن، جائز نیست و اما اگر در موقع دست گردان قصد اداء داشته و بعد، مسامحه می‌نماید تصرف در آن اموال، مانعی ندارد.

س

- اثر دست گردان در باب خمس چیست؟ آیا اذن فقیه، در تصرف و مقروض بودن کسی که خمس بر او واجب شده - نسبت به خمس - کافی نیست و نمی‌تواند کار دست گردان را بکند؟.

ج

- با اذن فقیه، در تصرف، معاملات - که با عین مال غیر مخمس انجام می‌گیرد برای مدیون خمس، واقع نمی‌شود بلکه یا وکاله از جانب فقیه، واقع می‌شود و برای ولی خمس است و یا اگر اذن، وکالت نباشد فضولی است و با اجازه فقیه باز هم برای ولی خمس واقع شده است و در این دو صورت آن چه معاملات نسبت به خمس، ربح کند ملک اولیاء خمس خواهد بود و اذن، اشتغال ذمه خاصی غیر از آن چه قبلاً مدیون خمس داشت نمی‌آورد و اثر دست گردان این است که خمس که متعلق به عین بود به ذمه دست گردان کننده تعلق می‌گیرد و معاملات خمس دهنده، بی‌اشکال و برای خودش واقع می‌شود و ربحتی که حاصل می‌شود همه متعلق به خود اوست.

س

- شخصی از یکی از آیات عظام تقلید می‌کرده و اکنون بناء تقلیدش را بر فتاوی مرجع دیگری قرار داده، در صورتی که مقداری از وجوهات خود را به نماینده مرجع اولی پرداخت کرده، و بقیه را دست گردان نموده، و بر ذمه دارد، این مبلغ پرداخت نشده چه

صورتی پیدا می‌کند؟ آیا به نماینده مرجعی که فعلاً از او تقلید می‌کند باید پرداخت شود؟ یا به نماینده مرجع اولی؟.

صفحه : ۳۶۶

ج

- با فرض دست گردان با مرجع اولی، باید به خود او داده شود یا با اجازه او به دیگری بدهد.

س

- افرادی که وجوه خود را نزد مجتهدین، دست گردان می‌کنند و بدهکار می‌شوند جائز است که مسامحه در پرداخت آن بنمایند؟ و نیز بفرمایند دست گردان نمودن با چک مدّت دار یا چکی که وعده آن رسیده صحیح است یا خیر؟.

ج

- باید هر وقت عرفاً متمکّن شدند بپردازند و در مورد سؤال دوم، دست گردان با چک صحیح نیست.

موارد جواز یا عدم جواز مصالحه در خمس

س

- اشخاصی که از آقایان مراجع تقلید، اجازه سهم مبارک امام علیه السّلام را دارند می‌توانند با دهندگان وجه به کمتر، - مثلاً هشتصد تومان را به سیصد تومان - مصالحه کنند - با این که بدهکار وجه، قدرت بر اداء آن را دارد - یا نه؟.

ج

- با فرض اشتغال ذمه، به سهم مبارک امام علیه السّلام، و تمکّن از اداء آن، مصالحه به کمتر جائز نیست.

س

- گاهی بعضی از کسانی که در صدد پرداخت وجوه می‌باشند - چه آنان که پول نقد می‌دهند یا آنان که دست گردان می‌کنند - خواهش تخفیف و ارفاق و بخشش می‌کنند آیا اجازه می‌فرمایید - مخصوصاً بلحاظ این که امکان دارد اگر ارفاق نشود از اصل پرداخت حقوق، منصرف شوند - موافقت نمود و قدری از آن را صرف نظر کرد یا نه؟.

ج

- در مورد خمس یقینی، تخفیف و بخشش، جائز نیست و اجازه نمی‌دهم و حاضر نبودن بعضی برای اداء واجب، بدون تخفیف، مجوّز آن نمی‌باشد.

س

- عده‌ای از آقایان روحانیون که به شهرستانها و قریه‌ها برای تبلیغ، می‌روند و در موقع رسیدگی به اموال مردم و پس از رسیدگی، مبلغی از خمس آن اموال را به آنها می‌بخشند آیا این بخشش، شرعی است و صاحبان

صفحه : ۳۶۷

اموال، بریء الذمه می‌شوند یا نه؟.

ج

- جائز نیست خمس را ببخشند و بخشیدن، کافی در برائت ذمه نیست بلی در موردی که مشکوک است که آیا متعلق خمس، واقع شده یا نه؟ جائز است که مجتهد و یا مأذون از طرف او مشکوک را به مبلغی مصالحه نماید.

س

- صلاحیت آقایان نمایندگان آن حضرت، در موقع حساب خمس اشخاص در بخشش آنها به خمس دهنده تا چه حد است؟.

ج

- اصلاً در خمس بخشش به خمس دهنده، صورت شرع ندارد. بلی در بعض موارد شبهه، به مصالحه عمل می‌شود و همین طور وقتی که مکلف، قادر بر اداء آن نباشد چنانچه مستحق خمس، راضی شود که به عنوان خمس بگیرد و دوباره ببخشد اشکال ندارد به نحوی که در رساله توضیح المسائل مرقوم شده، مراجعه شود.

س

- اگر عینی از درآمد سال زیاد آمد که قیمت واقعی آن در بازار، نامعلوم است و به اختلاف قیمت می‌کنند باید روی چه قیمتی این عین، تخمیس شود؟.

ج

- احوط آن است که با مجتهد، مصالحه کنند.

حکم خمس در مورد اموال کسی که قبل از حلول سال خمسی خود فوت نماید

س

- شخصی مالش را حساب کرده و خمس آن را اداء نموده و سالی هم برای خودش قرار داده و در وسط سال فوت کرده، آیا جائز است ورثه از ترکه او در تجهیز و تکفین و در سائر خیرات و مبرات او خرج و مصرف نمایند یا باید خمس مال را بدهند بعداً خرج کنند؟.

ج

- آن چه از ربح سنه فوت، در مؤنه، مصرف نشده خمس آن را باید پردازند و از مال خمس داده به مصرف تجهیز برسانند.

س

- در رساله توضیح مرقوم فرموده‌اید که اگر کسی در بین سال بمیرد، آن چه از منافع مانده خمس دارد بنا بر این اگر زارع یا غیر او در بین سال بمیرد و مقداری گندم و آرد مانده که اگر نمرده بود تا آخر سال می‌خورد، آیا خمس آن مقدار که مانده باید ورثه او بدهند و تصرف کنند یا لازم نیست که خمس آن را

صفحه : ۳۶۸

بدهند.

ج

- باید خمس آن را بدهند.

حکم خمس در باره بچه غیر بالغ

س

- بچه‌ای که ممیز نشده پولی از دست مزد خود دارد و به پدرش هم نداده آیا این پول، خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر صرف در مؤنه سال نکند خمس دارد و پدر، مکلف به اداء خمس آن است.

س

- اطفالی که اولیای ایشان آنها را به کسب وادار می‌کنند و از درآمد کسبشان چیزی برای آنان می‌خرند یا جوانانی که فعلا در خانه پدر و مادر بسر می‌برند و برای آتیه خود خانه و اثاثیه، تهیه می‌کنند در فرض اول آیا اولیای آنان باید خمس مال ایشان را بدهند یا خود اطفال بعد از بلوغ، باید اداء کنند، و در فرض دوم، جوانان - چون فعلا احتیاج ندارند- باید خمس چیزهائی را که خریده‌اند بدهند یا نه؟.

ج

- در صورت اول اولیاء و در صورت دوم خودشان باید خمس را بدهند.

س

- پولی که والدین به فرزندان خود می‌دهند، و آنان در قَلک خود نگهداری می‌کنند، آیا تخمیس آن به عهده والدین است، یا به عهده فرزند بعد از رسیدن به سن بلوغ؟.

ج

- پدر از مال خود فرزندان در آخر سال باید خمس پول جمع شده در آن سال را از طرف فرزند بدهد.

س

- فرموده‌اید خمس دادن عوض دیگری مبرئ ذمه نیست، حال اگر پدری بخواهد پول پس انداز بچه خردسالش مخمس باشد، و از پول بچه بر ندارد بلکه از جیب خود بدهد راه شرعیش چگونه است؟.

ج

- باید ابتداء از مال خود به بچه ببخشد، و آن را عوض خمس بدهد.
بشرط آن که آن مال مخمس باشد یا خمس به آن تعلق نگرفته باشد و قصد قربت از طرف ولی طفل کافی است و هم چنین از وکیل، در صورتی که وکالت، در اداء از طرف موکل باشد.

صفحه : ۳۶۹

حکم خمس در مورد نذر

س

- شخصی نذر کرده که یک سال هر چه کسب کرده ده یک سود آن برای حضرت ابو الفضل علیه السلام باشد، چنین نذری منعقد می‌شود یا نه و در صورت انعقاد، خمس، بر ده یک درآمد - که مورد نذر است - تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر مقصود ناذر، نذر برای آن حضرت بعد از گذشتن سال و استقرار خمس بوده باید خمس مجموع ربح را بدهد و ده یک از بقیه را صرف نذر نماید و اگر مقصود، این بوده که هر فائده‌ای که در اثناء سال برای او حاصل شود ده یک آن، نذر آن حضرت باشد باید ده یک، صرف نذر شود و خمس بقیه را بدهد و بهر حال اگر نذر، مطلق است پرداخت ده یک در محل خمس، بقصد ما فی الذمه از خمس و نذر، بی اشکال است.

س

- شخصی از درآمد حقوق خود ماهی مبلغ معینی را نذر حضرت عباس علیه السلام نموده و به مرور ایام بدو هزار تومان رسیده، در این صورت وجوه نذری، متعلق خمس شده یا نه و در صورت تعلق، از عین برداشته می‌شود یا بر ذمه ناذر است و نیز آن وجوه را در چه راهی مصرف نماید؟.

ج

- در فرض مسأله، اگر نذر صحیح نموده و صیغه عربی یا فارسی به نحوی که در رساله نوشته شده خوانده باشد و نذر بنحو نذر نتیجه باشد، وجه، مال حضرت ابو الفضل است و خمس ندارد و اگر نذر بنحو نذر فعل کرده که در راه آن حضرت صرف نماید پس از تمام شدن سال، خمس دارد و نسبت به مصرف اگر جهت خاصی را در نظر نگرفته در هر امر خیری در راه آن حضرت مصرف نماید کافی است.

س

- شخصی با مراعات تمام شرائط، نذر کرده که ۵-۱ عوائد از وجه نقد را کنار گذارم، فقط برای رفتن و برگشتن به زیارت یکی از چهارده معصوم علیهم السلام حال اگر در عرض سال خمسی موفق نشدم، آیا این ۵-۱ پول نذر شده جزء مؤنه سال محسوب است که خمس نداشته باشد یا زائد بر مؤنه است که خمس

صفحه : ۳۷۰

تعلق بگیرد؟.

ج

- در صورتی که در بین سال به مصرف نذر برساند، خمس ندارد، ولی اگر سال بر آن بگذرد و بعد بخواهد به مصرف نذر برساند خمس آن واجب است.

خمس سرقتی

س

- اگر کسی از پول خمس نداده، سرقتی مغازه‌ای را بخرد چنانچه در آخر سال، آن را بفروشد ما زاد را باید جزء منافع سال بیاورد یا نه؟ و اگر از منافع سال، سرقتی را خریده باشد مانند منافع دیگر، حکم ارباح تجارت را دارد که باید در آخر سال، حق سرقتی را قیمت کرده و خمس آن را پرداخت کند (چه قیمت آن زیاد شده باشد یا کم) یا پرداخت خمس، لازم نیست؟.

ج

- در فرض اول اگر بنحو مشروع بفروشد به اضافه خمس اصل، ما زاد را باید جزء منافع سال بیاورد و خمس آن را پردازد و در فرض دوم اگر با رضایت مالک خریده که فعلاً واگذار نمودن آن به دیگری به ازاء وجه، شرعاً بر او جائز باشد حکم ارباح تجارت را دارد و این در صورتی است که سرقتی را برای تجارت خریده باشد ولی اگر برای این که مورد سرقتی را محل کسب خود قرار دهد خریده باشد اگر خمس آن چه که بابت خرید سرقتی داده بدهد کافی است و اگر حق واگذاری بغیر ندارد در حکم تلف است و خمس ندارد مگر آن که بدون رضایت مالک بنحو غیر مشروع گرفته باشد که در این صورت ضامن خمس پول است که در حرام صرف شده.

س

- شخصی سال خمس نداشته و مبلغ پنج هزار تومان برای سرقفلی داده اکنون در صدد تعیین سال، جهت خمس است، و اگر بخواهد سرقفلی را بفروشد پنجاه هزار تومان می‌خرند، آیا باید خمس پنج هزار تومان را بدهد یا پنجاه هزار تومان را؟.

ج

- خمس پنج هزار تومان را بدهد و تا نفروخته زیادتى قیمت آن خمس ندارد.

س

- شخصی در زمان گذشته مغازه‌ای خریداری نموده برای سنگ تراشی به مبلغ دوازده هزار تومان اکنون صد هزار تومان ارزش دارد و از ابتداء

صفحه : ۳۷۱

امر تخمینی نکرده و از نظر مادی می‌گوید قدرت ندارم به قیمت روز حساب کنم زیرا درآمد روزانه تقریباً دوپست تومان است که آن هم مخارج خانواده می‌شود.
بفرمایید می‌تواند به قیمت خرید حساب کند یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال اگر عین مغازه را خریده‌اید باید خمس قیمت فعلی آن را بدهید و اگر بعنوان سرقفلی بوده چنانچه خمس همان مقداری که بعنوان سرقفلی داده‌اید، پردازید کافی است.

س

- سرقفلی - در موردی که صحیح باشد- اگر از منافع سال، داده شود جزء مؤنه است یا نه؟ و در صورت زیاد شدن یا کم شدن ارزش آن، چه حکمی دارد؟.

ج

- اگر مالک، به ذمه گرفته که در موقع خارج شدن مستأجر پولی را که بعنوان سرقفلی داده، پس بدهد یا ملتزم شده که اجازه یا حق بدهد که از غیر بگیرد به نحوی که فعلاً خود را مالک بداند در حکم سرمایه است و خمس دارد و الا جزء مؤنه کسب است و خمس ندارد بلی اگر بعد بنحو شرعی، فروخت و پول آن را مصرف مؤنه سال نمود خمس دارد و در صورت اول تا نفروخته زیادى قیمت خمس ندارد مگر آن که شغل خود را خرید و فروش سرقفلی قرار داده باشد که در این صورت قیمت سر سال، میزان است اگر چه نفروخته باشد.

س

- مغازه‌ای را اجازه نموده علاوه بر مال الاجاره معین، وجهی به اسم سرقفلی، بر وجه شرعی تعیین می‌کنند و پس از گذشتن یک یا چند سال، ارزش آن سرقفلی، چندین برابر می‌شود آیا این گونه ترقی و ارزش مالی که فعلاً پول نیست مشمول خمس می‌شود یا

نه؟.

ج

- تا نفروخته‌اند ترقی قیمت سوقیه، خمس ندارد و پس از فروش، زائد بر قیمت خرید، ربع همان سال است و بعد از رسیدن سال، باید خمس آن را پردازد.

س

- کسی که دو باغ انگوری دارد یکی از آنها را فروخته و جهت فرزندش سرقفلی مغازه‌ای را خریداری کرده و سرمایه مختصری هم به او داده و فرزند، مشغول خرید و فروش شده که از عوائد آن، مقدمات و مخارج ازدواج خود را

صفحه : ۳۷۲

فراهم نماید آیا پدر که باغ خود را جهت کسب فرزندش فروخته لازم است خمس سرمایه آن مغازه را پردازد و یا مربوط به پدر نیست و بر پسر واجب است؟.

ج

- در فرض سؤال اگر باغ، متعلق خمس بوده و خمس آن را اداء نکرده بر خود پدر واجب است خمس آن را بدهد و اگر متعلق خمس نبوده یا خمس آن را داده بوده بعد آن را سرقفلی و سرمایه کسب برای خود قرار داده است خمس، در اصل آن واجب نیست فقط به منافع آن اگر زائد بر مؤنه باشد تعلق می‌گیرد. بلی در صورت دوم اگر پول باغ را ملک پسر نموده و پسر، صرف در سرقفلی و سرمایه نموده است بر پسر واجب است خمس تمام آن را بدهد مگر آن که گیرنده سرقفلی، تعهد رد آن را در موقع تخلیه مغازه نکرده باشد و اذن استیفاء آن را از دیگری نیز نداده باشد که در این فرض، مبلغ سرقفلی، جزء مخارج کسب است و خمس ندارد.

چیزی که ملک جهت است خمس ندارد

س

- در نفت و چیزهایی که از نفت درست می‌شود خمس، لازم است یا نه؟.

ج

- به نظر این جانب، نفت که برای جهات مملکت، استخراج می‌شود ملک جهت مملکت است و خمس ندارد.

س

- نمک و نفت که بدست ما می‌رسد و یقین داریم که مستخرجین، خمس آنها را نداده‌اند بر ما واجب است که خمس آنها را بدهیم یا نه؟.

ج

- بنظر این جانب چون نفت برای جهت مملکتی استخراج می‌شود مالک معین ندارد- نظیر موقوفه - و لذا خمس ندارد و نسبت به نمک اگر اشخاص، آن را استخراج کنند و برای جهت مذکوره نباشد، تخمیس آن اگر بحد نصاب برسد لازم است و اگر خریدار بداند متعلق خمس شده و اداء نشده باید خمس آن را بدهد و اگر در رسیدن آن، بحد نصاب، شک داشته باشد خمس، واجب نیست.

س

- در آمد ملک یا مستغلات موقوفه‌ای که باید پس از وضع مخارج، خرج روضه خوانی شود، بعد از برگزاری مجالس روضه، مبلغی زیاد آمده که برای روضه خوانی سال بعد، مانده آیا این مبلغ زیادی، در سال بعد مثل ما زاد از

صفحه : ۳۷۳

مؤنه خود انسان، خمس دارد یا نه؟.

ج

- خمس ندارد.

س

- اشیاء معدنی مانند نفت و نمک و نایلون و غیر اینها اگر خریدار یقین یا گمان قوی داشته باشد که مستخرج، خمس اینها را نمی‌دهد و هم چنین یقین یا گمان داشته باشد که فروشندگان بازار هم خمس اینها را نمی‌دهند بر خریدار واجب است که خمس هر یک از اینها را که خریده بدهد یا خیر؟ و اگر خریدار، شک داشته باشد که مستخرج یا فروشندگان بازار خمس اینها را می‌دهند یا نه تکلیف چیست؟.

ج

- اگر مستخرج، برای تملک خود یا شرکاء مخصوص، استخراج نماید و بدانیم خمس آن را نمی‌دهد باید خمس آن چه بدست ما می‌رسد بدهیم و اگر بقصد تملک عموم باشد خمس ندارد و اگر در تعلق خمس به آن، شک داشته باشد چیزی بر او نیست.

مال موهوب خمس دارد

س

- آیا وجهی که به اشخاص، بخشیده می‌شود- چه از مال موروثی و چه غیر آن - در صورتی که پرداخت کننده وجه، خمس آن را داده است آنان هم بایستی خمس آن وجه را بدهند یا نه؟.

ج

- آن چه بخشیده می‌شود خواه واهب آن را به ارث مالک شده باشد یا بغیر آن، اگر زائد بر مؤنه موهوب له باشد خمس دارد.

س

- کسی که خمس زمین زراعتی را داده و بعد آن را به فرزندش بخشیده در صورتی که فرزندش در آن ملک کشت می‌کند آیا خمس دارد؟ و در صورت واجب بودن به چه قیمت تخمیس می‌شود؟.

ج

- بعد از گذشتن یک سال از زمان بخشش، فرزند باید مجدداً خمس آن را به قیمت روز بدهد.

س

- اگر پدری که اهل خمس است از عوائد وسط سال برای پسرش یا دخترش خانه مسکونی خریداری نماید آیا به آن وجهی که برای خرید خانه داده خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟.

صفحه : ۳۷۴

ج

- اگر در سال خرید، مورد احتیاج فرزند برای سکونت بوده و به او بخشیده، و در همان سال فرزند، در آن سکونت کرده خمس ندارد، و اگر در آن سال در آن ساکن نشده فرزند باید خمس آن را بدهد و اگر به فرزند نبخشیده پدر باید خمس آن را بدهد.

س

- کسی که سال خمسی دارد هر گاه کمی قبل از فرا رسیدن سالش چیزی به او هدیه کنند آیا باید موقع حساب، آن را نیز با ارباح سالش حساب کند و خمس را پردازد یا باید یک سال از تاریخ اهداء بگذرد.

ج

- باید آن را نیز از ارباح همان سال حساب کند و خمسش را بدهد.

میزان در ابتدای سال خمسی

س

- در متن وسیله النّجاء مرحوم آیة الله اصفهانی قدّس سرّه دارد که مبدأ سنه خمس زرع، وقت حصول فائده است. بنا بر این اگر قبل از تمام شدن سال خمس، فائده و محصول جدید را بردارد چون ما زاد بر مؤنه است باید تخمیس شود یا این که - ما یفضل عن مؤنه السنّه - نسبت به محصول هر سال علی حده، سنجیده شود؟.

ج

- اگر مقصود اینست که از محصول سال پیش، چیزی اضافه آمده، که البته محصول امسال را که برمی‌دارد باید خمس زیادی محصول سال قبل را پردازد و اگر مقصود، سؤال از محصول فعلی است، در اینجا- بحکم آن که مبدأ سنه، حین حصول زرع است - می‌تواند خمس محصول فعلی را ندهد تا یک سال بگذرد وقت خرمن سال بعد، خمس هر چه را که از این محصول، زیاد آمده بدهد و می‌تواند- بحکم این که جلو انداختن خمس، از سال، جائز است - همان وقت رسیدن سال خمس خودش پیش از حصول زرع بعدی، خمس این محصول را هم بدهد.

س

- تعیین ابتداء سال، جهت تخمیس، به اختیار خود شخص است یا باید ابتداء شروع به کسب را ابتداء سال خود قرار دهد و اگر ابتداء آن را نداند و یا فراموش کند و با فکر هم معلوم نشود وظیفه او چیست؟.

ج

- ابتداء سال را در مثل تجارت و امثال آن که فائده‌اش تدریجا حاصل می‌شود باید از حین شروع در کسب، قرار دهد و نیز می‌تواند در وسط سالی که

صفحه : ۳۷۵

مشغول کسب شده فوائده خود را تخمیس کند و در سال بعد، پس از گذشتن یک سال تمام، از خمس دادن اول، فوائده یک ساله خود را تخمیس نماید و اما در مثل زراعت و امثال آن که فائده، دفعی، حاصل می‌شود مبدأ سال را موقع حصول فائده، قرار دهد و چنانچه مبدأ کسب خود را نداند یا فراموش کرده باشد بقدر متیقن، عمل کند.

س

- کسی که درآمدی ندارد یا اگر دارد وافی به مخارج او نیست اگر از هدایایی که به او می‌دهند در بعض اوقات چیزی زیاد آمد باید خمسش را بدهد یا نه؟ و آیا لازم است که تعیین سال، جهت اداء خمس نماید؟.

ج

- تعیین سال برای چنین شخصی لازم نیست. بلی اگر بعد از یک سال از تاریخی که هدیه را به او داده‌اند تمام یا چیزی از آن باقی بماند باید خمس آن چه را باقی مانده بدهد.

س

- شخصی جهت خمس اموال خود، سال معین کرده مثلا اول ماه مبارک رمضان اول سالش بوده ولی چند سال است در اثر غفلت و یا به خیال این که هر ساله قرضش بیشتر از ما زاد است بحساب خود رسیدگی نکرده فعلا تکلیفش چیست؟.

ج

- فعلاً باید رسیدگی کند و اگر معلوم شد در سالهای پیش، خمس بدهکار شده اداء نماید ولی اوّل سالش همان اوّل ماه مبارک رمضان است.

س

- شخص زارع جهت اداء خمس، سال قمری را مبدأ سال خود قرار داده پس از برداشت محصول و قبل از اداء دیون، سالش رسید آیا تمام محصولش را باید تخمیس نماید یا پس از اداء قروض و مخارج سالیانه، خمس باقی مانده را بدهد و در صورتی که بخواهد سال قمری را به سال شمسی تبدیل نماید به چه کیفیت عمل کند که ضرر به اهل خمس نرساند؟.

ج

- در فرض سؤال، آن چه زائد بر مؤنه سال گذشته است باید خمس آن را بپردازد و اگر دیون، در مقابل سرمایه یا عوائد آن نباشد هر سالی که اداء نمود از مؤنه همان سال، محسوب است و راجع به تبدیل سال قمری به شمسی، ده روز تأخیر از سال قمری اشکال ندارد و در زیادت از ده روز اگر در آخر سال خود، خمس زائد بر

صفحه : ۳۷۶

مؤنه را بدهد و مثلاً اگر دو ماه بعد نیز حساب عوائد خود را نموده و خمس زائد بر مؤنه این مدت را نیز بپردازد می تواند این وقت را اوّل سال خود قرار دهد.

س

- کسی که یک رشته کار و کسب دارد و منافعتش بتدریج حاصل می شود و از اداره هم ماهیانه حقوق می گیرد آیا می تواند برای هر ربح، سالی جداگانه قرار دهد یا برای مجموع باید یک سال قرار دهد؟.

ج

- در فوائد تدریجی، روز اوّل شروع به کسب، اوّل سال است و بعد از یک سال دیگر باید هر چه دارد خمس آن را بدهد.

س

- کسی که بیشتر سال، خرجش از سهم مبارک امام علیه السّلام تأمین می گردد اگر در بین سال از غیر سهم، پولی بدست آورد و بعد از پایان سال، مقداری پول، برایش باقی بماند خمس به آن تعلق می گیرد یا نه؟ و تصوّر سال برای این گونه اشخاص، چگونه است؟.

ج

- مبدأ سال، حصول فائده است و چنانچه بر عین فائده، سال گذشته، باید تخمیس نماید و اگر با سهم مبارک امام علیه السّلام مخلوط شده به نسبت آن چه فعلاً دارد خمس بدهد و سهم مبارک امام علیه السّلام خمس ندارد.

س

- کسی که سال خمس ندارد اکنون منافی بدست آورده آیا باید یک سال از آن بگذرد و خمس آن را بدهد یا فعلاً باید تخمیس کند؟.

ج

- چنین شخصی اول سال خمس او حین حصول فائده است و تا یک سال اگر صرف در مؤنه نشد خمس آن را بدهد.

س

- شخصی اول سال خود را نیمه شعبان قرار داده و چند سال به همین نحو عمل نموده اکنون که از نیمه شعبان تا موقع خرمن چند ماه مانده مقداری گندم و غیره جهت مخارج تا موقع خرمن را خریداری کرده و فعلاً موجود است. حال آیا در وقت حساب که عبارت از نیمه شعبان باشد اشیاء مذکوره را هم تفریق حساب نماید یا نه و اینها از مؤنه حساب می‌شود و سال مؤنه، سال جداگانه است؟.

ج

- در فرض مذکور، باید خمس ما زاد بر مؤنه را در آخر سال که فرضاً نیمه شعبان است بدهد. بلی از آن به بعد می‌تواند موقع برداشت محصول، حساب

صفحه : ۳۷۷

نماید و خمس ما زاد تا آن موقع را نیز بدهد و از آن موقع به بعد برداشت محصول را سر سال قرار بدهد.

س

- اگر عین را که برای انتفاع، نگاهداری شده، برای هر منفعتی از آن، اول حصول آن را سال قرار بدهند مثلاً برای بچه گوسفند وقت زاییدن و برای پشم آن وقت پشم چیدن و جهت شیرش وقت دوشیدن را سال قرار بدهند صحیح است یا نه؟.

ج

- مانعی ندارد ولی ضرر هر یک را به نفع دیگری نمی‌تواند جبران کند.

س

- شخصی گوسفندی دارد که خمس ندارد می‌خواهد بچه او را نگهدارد آیا ابتدای سال بچه، همان وقت تولد اوست یا بعد از گذشت سال او؟ و آیا هر سال، خمس دارد یا این که یک خمس، در انتهای ترقی، کفایت می‌کند؟.

ج

- اوّل سال بچه، اوّل تولّد آن است و در آخر سال، باید حساب نموده خمس آن را بدهد و در سنوات بعد نیز خمس نماء متّصل را در آخر بدهد.

س

- کسی که تا حال، حساب سال، نداشته مقداری گندم یا پنبه یا غیر اینها از اجناس، در انبار دارد که هم از این اجناس موجوده، صرف مخارج سال خود می‌کند و هم مقداری را به فروش رسانده و بکارهای دیگرش می‌رساند چگونه باید حساب این اجناس را از لحاظ خمس بنماید؟.

ج

- اگر از موقع استفاده اجناس مذکوره، یک سال نگذشته خمس بر او واجب نیست. بلی اگر بذر آنها غیر مخمس باشد باید خمس بذر را بدهد.

س

- در توضیح المسائل در بعضی از فتاوی است که (کسی که از اوّل تکلیف، خمس نداده اگر از منافع کسب، چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته باید خمس آن را بدهد) حال آیا از وقت خرید باید حساب کند که یک سال گذشته باشد یا از وقت حصول فائده؟.

ج

- از وقت حصول فائده. بلی اگر حصول فائده تدریجی باشد باید از وقت شروع به کسب یک سال بگذرد.

س

- شخص زارع، مبدأ سنه خمس او اوّل شهریور ماه هر سال است که وقت حصول فائده می‌باشد و هر سال، همان موقع، خمس خود را اداء می‌نماید

صفحه : ۳۷۸

حال مثلاً اول شهریور سال ۴۵ می‌خواهد فاضل بر مؤنه خود را تخمیس نماید، بفرماید که زراعت شتوی که سنبل و غله در خرمن و زراعت صیفی که مانند علف در صحرا است از زیادی بر مؤنه و مشمول خمس هست یا از فوائد سال حاضر است و تا یک سال، مورد اذن صرف در مؤنه می‌باشد.

ج

- از فوائد سال حاضر، محسوب است که اگر حاصل آن را تا سال دیگر این موقع، به مصرف مؤنه نرساند خمس آن را باید بدهند بشرط آن که به بذر آنها خمس، تعلّق نگرفته باشد و یا خمس آن را داده باشند.

نحوه رسیدگی به حساب سال

س

- شخصی تا کنون، خمس نمی‌داده اکنون می‌خواهد مال خود را تخمیس کند دارای اثاث البیت و خانه‌ای است که آن را به اقساط، خریده و مبلغی را از قیمت خانه، پرداخته و در ضمن، مبلغی هم پدرش به او بخشیده و چون کارمند دولت است اثاثیه خانه را از حقوق خریده خواهشمند است طرز حساب او را بیان فرمائید.

ج

- بنظر حقیر، هبه، جزء فواید است و در صورتی که از مؤنه سال زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد و خمس اثاثیه منزل، در صورتی واجب است که آن را از عوائدی که سال، بر آن گذشته خریده باشد ولی اگر سال بر آن نگذشته صرف خرید اثاثیه منزل - که مورد حاجت است - بنماید خمس ندارد و هم چنین پول اقساط خانه را اگر از عوائدی که سال بر آن نگذشته، داده باشد خمس ندارد و بدهکاری را هر سالی که پرداخت، جزء مؤنه آن سال، حساب کند.

س

- شخصی سال گذشته زمینی را برای خانه خریده و بابت قیمت آن، چک داده و امسال وجه آن را رد کرده آیا این وجه، مشمول خمس هست یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، اگر آن زمین را بنا کند و مورد حاجتش باشد و وجهی که پرداخته از عوائد سال پرداخت باشد خمس ندارد.

س

- اگر کسی زمین بخرد برای استفاده و پول آن را در وسط سال خرید زمین، اداء کند آیا سر سال، باید زمین را حساب کند یا موقعی که زمین،

صفحه : ۳۷۹

فروش رفت؟.

ج

- سر سال باید حساب شود مثل مال التجاره. بلی تأخیر اداء تا موقع فروش، با اذن حاکم شرع مانعی ندارد.

س

- کسی که امکان ندارد که حساب دکان و اجناس آن را بنماید- مانند دارو فروش - تکلیفش در آخر سال، چیست؟.

ج

- در فرض سؤال، لازم است منافع سال را در آخر سال، حدسا تعیین کند و خمس را بپردازد و بعد از آن رسیدگی نماید چنانچه بیش از مقدار تعیین شده بوده بقیه را نیز بدهد و چنانچه کمتر بوده، به نسبت، از بدهی خود، کسر نماید.

سی

- شخصی - با گذشت چندین سال از تکلیفش - تا کنون خمس نداده ملکی را به قیمت کمی خریده بعد قیمت آن بالا رفته و با ملک دیگر معاوضه نموده و به چند برابر قیمت خریدش فروخته و باز از این پول، ملک دیگر خریده اکنون باید خمس قیمت سابق را بدهد یا خمس قیمت زمان معاوضه و بیع را اداء نماید؟.

ج

- این مسأله، صور مختلف دارد یک صورت آن اینست که ملک را با پول خمس داده یا پولی که متعلق خمس نمی‌شود - مثل ارث - برای غیر تجارت خریده باشد در این صورت پس از معاوضه با ملک دیگر، به مبلغی که عوض، با بهای خریداری شده معوض، تفاوت دارد خمس تعلق می‌گیرد و وقتی عوض را فروخت معامله، نسبت به خمس آن، فضولی، و با اجازه ولی خمس، بهای آن به او پرداخت می‌شود و نسبت به چهار خمس بقیه، آن چه از قیمت روز معاوضه، ترقی کرده خمس دارد و اگر با عین پول زمین معوض، بدون مراجعه بولی خمس، زمین دیگر، خریده باشد در صورتی که ولی خمس، معامله، قبلی را با این معامله که فضولی واقع شده اجازه نماید، معادل خمس قیمت عوض و خمس ترقی قیمت چهار خمس آن را باید بابت خمس بپردازد و خمس آن چه را از معامله سوّم نیز فائده برده پس از فروش، بدهد و صورت دیگر مسأله اینست که با پول خمس نداده زمین را خریده باشد و صورت دیگر این که معامله سوّم با ثمن کلی واقع شده باشد. صورت دیگر اینست که معاملات بقصد تجارت انجام شده باشد. دیگر آن که ولی خمس معامله فضولی

صفحه : ۳۸۰

را اجازه نکند که با ملاحظه هر یک از این صورتها با صور دیگر صورتهای زیادی بدست می‌آید و هر کدام حکم علی حده دارد.

سی

- کاسبی است که سالها به کسب مشغول بوده ولی تا کنون اداء خمس نکرده و فوایدی برده و ضررهایی هم کرده و در حال حاضر دارای اجناس و اثاث و ابزار و مبلغی پول نقد است و مقداری هم مقروض است تکلیف این شخص چیست؟.

ج

- موجودی را حساب کند آن چه قرض برای اجناس موجودی باشد یا آن اجناس نسبه باشد کسر شود و تتمه، هر چه از ارباح باشد خمس آن را بدهد مگر خانه و اثاث آن که خمس ندارد الا آن که بداند که خمس به پولی که به ازاء آنها داده تعلق گرفته بوده که خمس آن را نیز باید بدهد و زائد بر آن چیزی بر او نیست مگر آن که معلوم باشد که سابقا از خمس، تلف کرده که آن را ضامن است.

س

- شخصی سرمایه‌ای به کسی می‌دهد که بعنوان مضاربه، معامله کند و خودش به مسافرت می‌رود و مسافرت او به مدت چند سال، طول می‌کشد و شخص عامل که قبلاً سال برای خودش معین نموده از منفعت و درآمد، از برای خودش اثاثیه منزل که مورد احتیاجش می‌باشد خریداری می‌کند پس از مدت چند سال شخصی که سرمایه داده از سفر برمی‌گردد و با عامل، حساب می‌کند حال آیا پس از تصفیه حساب، خمس به اثاثیه خریده شده عامل، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- این مسأله، فروض متعدده دارد و رفع اشکال، در تمام فروض، باین می‌شود که صاحب سرمایه هم خمس سرمایه و عوائد آن را بدهد.

س

- شخصی چند درخت گز دارد در وهله اول که سال برای خودش تعیین می‌کند گزها را هم جزء دارائی، حساب نموده خمس آن را می‌دهد آیا- با این که گزها در هفت سال یک مرتبه قابل استفاده می‌باشد- این شخص باید هر سال گزها را هم حساب کند یا این که هر وقت موقع استفاده گزها شد حساب نماید و اگر از درآمد آنها در وسط سال، استفاده نمود جزء مؤنه سال، محسوب می‌شود یا این که باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- هر وقت، موقع استفاده شد حساب کند کافی است اگر صرف در

صفحه : ۳۸۱

مؤنه شود خمس ندارد لکن اگر صرف در مؤنه نشود، زائد بر آن چه قبلاً خمس آن را داده خمس دارد و منافع آن نیز، اگر صرف مؤنه شود خمس ندارد.

س

- هر گاه در منزل مقداری آذوقه در آخر سال خمسی اضافه بماند و شخص نخواهد از عین آن، خمس را اداء نماید چنانچه از ارباح کسب خود خمس آن را بدهد در حالی که می‌خواهد آن آذوقه را مصرف نماید یا به کسی هدیه کند و بطور کلی بنا دارد آن را در مؤنه زندگی صرف کند آیا باید خمس ربی را که بعنوان خمس می‌دهد نیز بدهد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال که می‌خواهد آذوقه باقی مانده را صرف مؤنه کند خمس آن ربح را در صورتی که از ارباح سال جدید باشد لازم نیست بدهد.

س

- شخصی که از اول تکلیف تا کنون حسابی نداشته حال می‌خواهد حساب کند آیا پولی را که چند ماه قبل بدست او آمده نیز جزء سرمایه، حساب کند و یا چون سال بر آن نگذشته لازم نیست آن را به حساب بیاورد؟.

ج

- فعلا که می‌خواهد حساب کند و سر سال خود را تعیین نماید باید خمس این پول را هم بدهد.

س

- شخصی دو یا سه رقم جنس می‌خرد و می‌فروشد برای هر یک از این اجناس، مبلغی سرمایه گذاشته حال سر سال کسبش، رسیده قدری از این اجناس، فروخته شد و پولش موجود است مقداری هم به فروش رفته ولی وجه آن، وصول نشده و قدری هم خود جنس باقی است و خیلی مشکل است که تمام اجناس از نقد و نسیه همه را حساب کند تا به دست بیاورد که چقدر استفاده، حاصل شده آیا این شخص می‌تواند هر چه فروش رفته و پولش نقد شده بعنوان اصل سرمایه بردارد و بقیه اجناس فروخته نشده، یا نسیه را بگذارد هر وقت نقد و یا فروخته شد خمس استفاده آن را بدهد یا نه؟.

ج

- بلی می‌تواند آن چه را نقد شده سرمایه، حساب کند ولی جنسی که موجود است باید تخمیس شود و آن چه را طلب کار است هر وقت وصول شد خمس آن را بدهد و اگر فعلا وصول آن، ممکن است باید وصول نماید.

س

- کشاورزی اول فروردین، جمیع اموال و سرمایه خود را از قبیل

صفحه : ۳۸۲

زمین خریداری شده و چاه نیمه عمیق و موتور و ابزار کشاورزی مانند تراکتور و تریلی و گاو کار و شالی و گندم و جو و پول نقد را تخمیس می‌کند و دست گردان می‌نماید و مبلغی را می‌پردازد، سال آینده، اول فروردین، قسمتی از اموالش عین آنها باقی است مانند زمین و تراکتور، و بعضی عین آنها تبدیل شده مانند گاو کار و شالی و گندم و جو و پول نقد، در این صورت سرمایه تخمیس شده سال گذشته را از مجموع سرمایه فعلی منها کند و باقی مانده را تخمیس نماید- مانند شخص تاجر- یا چیزهایی را که عین آنها تبدیل شده مانند شالی و گندم و جو و پول نقد که از سال گذشته، مصرف کرده و از سال جاری، به جای آن آمده باید همه ساله تخمیس نماید و خلاصه فرقی بین تاجر و زارع در مسأله خمس هست یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، آن چه سرمایه زراعت است مثل بذر و زمین و چاه و اثاث زراعت که خمس آن را داده ثانیاً خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد و هم چنین اگر آنها را تبدیل نموده بر بدل آنها نیز خمس تعلق نمی‌گیرد. بلی اگر مثلاً- تراکتور یا غیر آن را تبدیل به گران‌تر از اول نموده و از عوائد بین سال، آن را اداء نموده باشد خمس آن مقدار از عوائد را که ضمیمه سرمایه نموده باید بپردازد

لکن چنانچه تراکتور اولی را در اثر کهنه شدن و غیره به کمتر از قیمتی که قبلاً حساب کرده و خمس آن را داده بفروشد می‌تواند به اندازه نقص قیمت، از عوائد، کسر کند و ما زاد بر آن، را تخمیس نماید و اما گندم یا پول مخمس اگر عین آن تا سال دیگر باقی باشد خمس ندارد و اما اگر صرف در مؤنه نمود معادل آن را نمی‌تواند از عوائد سال، استثناء نماید.

س

- کارگری در اول سال، مجموع آن چه از سال قبل اضافه بوده از حبوبات و ذغال و غیر اینها همه را به قیمت درآورده با وجه نقدی که دارد مجموع سرمایه تخمیس شده او معادل با دو هزار تومان شد سال دیگر هم وقتی بحساب خود رسیدگی نمود مجموع آن چه دارد از اجناس و وجه نقد باز بیش از دو هزار تومان نیست و لکن اینها از عوائد همین سال می‌باشد، اکنون آیا خمس به این‌ها تعلق می‌گیرد یا نه و اگر تعلق می‌گیرد، در چه صورتی از ربح سال می‌تواند به مقداری که از سرمایه برای مخارجش برداشته است کنار بگذارد؟.

صفحه : ۳۸۳

ج

- در فرض سؤال اگر اشیاء مذکوره برای مؤنه تهیه شده باشد آن چه از اعیان تخمیس شده سال سابق، باقی است خمس ندارد و آن چه را مصرف کرده و از عوائد سال بعد، تهیه نموده بعد از تمام شدن سال، باید خمس آن را بدهد بلی اگر سرمایه کسب بوده بمقدار سرمایه اول، خمس ندارد و زائد بر آن، خمس دارد.

س

- شخصی اموالش را جهت اداء خمس، رسیدگی و حساب نموده و تخمیس کرده ولی برای سالهای بعد، حساب نگاه نداشته بعد از چند سال دیگر که می‌خواهد حساب کند خمسی را که قبلاً از اموالش پرداخت کرده کم می‌شود یا خیر؟.

ج

- بلی تمام اموال را حساب کند و آن چه را قبلاً خمس داده کسر بگذارد.

کسی که برای خود سال خمسی قرار نداده

س

- شخصی سال، برای خود تعیین نکرده و هر وقت بدهکار بوده با اجازه مجتهد، سهم مبارک امام علیه السلام را پرداخته آیا ذمه آن شخص، بری می‌شود یا نه؟.

ج

- بلی پرداخت مزبور، موجب براءت ذمه می‌شود.

س

- اگر کسی سالهای متعدّد برای خودش سالی قرار نداده و بعضی از سالها خمس، به اموالش تعلّق گرفته و بعضی از سالها هم خمس تعلّق نگرفته و خانه مسکونی هم برای خودش خریده است تکلیف او چیست؟.

ج

- فعلا هر چه زائد بر لوازم دارد خمس آن را بدهد خانه و سایر لوازم، خمس ندارد مگر آن که یقین داشته باشد که به پول آن، خمس تعلّق گرفته که در این صورت خمس آن پول را باید بدهد.

س

- شخصی سال خمس نداشته اگر بخواهد مهر زوجه خود را بدهد باید بعد از اخراج خمس بدهد یا قبل از اخراج خمس می تواند آن را اداء نماید؟ مثلا شخص، بیست و پنج هزار تومان سرمایه دارد و مهر زوجه اش پنج هزار تومان است، اکنون باید خمس بیست و پنج هزار تومان را بدهد یا بیست هزار تومان را؟.

ج

- منافی که سال، بر آن گذشته ابتدا باید خمس آن را بدهد و بعد مهر را پردازد و منافی که سال بر آن نگذشته می تواند خمس نداده مهر را از آن اداء کند.

صفحه : ۳۸۴

س

- آیا داشتن حساب سال، جهت پرداخت وجوه برای غنی و فقیر واجب است و باید انسان در هر وضعی که باشد، حساب سالیانه داشته باشد یا نه؟.

ج

- برای کسی که فقیر است و عوائد و زائد بر مخارج سال ندارد نگاه داشتن حساب سال، واجب نیست.

س

- شخصی هر ماه، حقوق می گیرد و از آن، آذوقه منزل می خرد و هیچ وقت پس انداز ندارد که یک سال بر او بگذرد با این وضع، آیا واجب است برای تخمیس اموال، سال قرار بدهد؟.

ج

- لازم است روز اوّل اشتغال بکار را اوّل سال قرار دهد و چنانچه روز آخر چیزی برایش باقی ماند هر چند درآمد همان روز باشد

خمس آن، واجب است.

مستحق و مصرف خمس

س

- اگر سیدی در حال استحقاق، بقدر مؤنه سنه یا کمتر، سهم سادات بگیرد و آن مبلغ یا مقداری از آن را به کسی یا بهمان دهنده خمس، قرض دهد و بعد که قرض گیرنده، پول را به او پرداخت کرد آن پول، اضافه بر مؤنه سنه یا اضافه بر کمبود مؤنه سنه او باشد جائز است تصرف کند یا نه؟.

ج

- اگر پولی که قرض داده هر وقت مطالبه کند، بدهکار به او می‌دهد با لحاظ آن پول، از کسی زائد بر مؤنه سنه نگیرد و اگر آن قرض را نمی‌دهد و لو با مطالبه، برای آن سید گرفتن سهم سادات، جائز است، ولی اگر احياناً آن قرض به او اداء شد نسبت به آن چه از مردم گرفته در مقدار زائد بر مؤنه سنه، تصرف نکند.

س

- وجوهی که در زمان حیات مجتهد گذشته با او یا وکلای او دست گردان شده به چه مصرف باید برسد؟.

ج

- باید به مجتهد حیّ جامع الشرائط برسد.

س

- فقهاء اطال الله بقائهم در رسائل عملیه خود می‌فرمایند که سید نمی‌تواند بیشتر از مخارج سالش خمس بگیرد، حال اگر سیدی می‌خواهد به تنهایی یا با کسی مشترکاً ماشین بخرد ولی سرمایه ندارد یا کسری دارد و مبلغی را از شخصی جهت بهاء ماشین، قرض می‌کند و فعلاً نمی‌تواند آن وجه را اداء کند در

صفحه : ۳۸۵

این صورت کسی که قرض داده می‌تواند آن وجه را بابت خمس با او محسوب دارد یا نه و آیا جائز است که شخص دیگری وجهی بابت خمس بدهد که آن سید، قرض خود را اداء نماید؟.

ج

- در فرض سؤال اگر ماشین مورد احتیاج او برای سواری باشد و زائد بر شأن او نباشد، دادن خمس به او یا اداء قرض ماشین، مانعی ندارد اما اگر برای کسب باشد جائز نیست و هم چنین اگر زائد بر شأن باشد.

س

- شخصی از سهم امام علیه السلام و یا سهم سادات خانه و حمام و دکان و غیره می‌خرد و وقف مسجد می‌کند آیا این عمل، جائز است یا نه؟ و سکونت در آن خانه و غسل کردن در آن حمام چه صورت دارد؟.

ج

- از سهم سادات، جائز نیست و امر سهم مبارک امام علیه السلام با حاکم شرع جامع الشرائط است.

س

- اگر سیدی به چیز مخصوصی احتیاج ندارد یا این که احتیاج ضروری ندارد اما داشتن آن چیز برای او مطابق شأنش هست جائز است از سهم سادات آن چیز را برای خود تهیه کند یا نه؟.

ج

- در صورتی که زائد بر شأن نباشد مانعی ندارد.

س

- از سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات، می‌شود خانه برای مسجد خریداری کرد که امام راتب و یا خادم، در آن سکونت نماید؟.

ج

- سهم سادات را باید به فقرا سادات بدهند و سهم مبارک امام علیه السلام امرش با حاکم شرع است.

س

- سهم سادات را که شخص، بدهکار است آیا خودش شخصا می‌تواند به مستحق بدهد یا موکول به اجازه مجتهد است؟.

ج

- بلی جائز است خودش به مستحق بدهد اگر چه اولی و احوط آنست که به وسیله مجتهد، به سادات فقیر برساند.

س

- شخصی فرزند ندارد کودک سیدی را به فرزندی قبول کرده آیا می‌تواند مخارج او را بابت خمس، حساب کند یا نه؟.

ج

- بلی می‌تواند از بابت سهم سادات، حساب کند.

س

- سیدی که جوان و صحیح و سالم است ولی دنبال هیچ کاری نمی‌رود و اهل علم هم نیست می‌تواند سهم سادات، بگیرد یا نه؟.

ج

- تا وقتی که قدرت بر مؤنه دارد غنی است و نمی‌تواند سهم سادات به او داد بلی تا مدتی که عاجز از تحصیل مؤنه است اشکال ندارد.

س

- در مجلس عزا و سوگواری ائمه اطهار علیهم السلام از سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات می‌شود اطعام نمود یا نه؟.

ج

- امر سهم مبارک امام علیه السلام در عصر غیبت با فقیه جامع الشرائط است و سهم سادات باید به فقرا سادات داده شود.

س

- شخص فقیر، از باب این که مصداق فقیر است می‌تواند خمس و زکاه خود را به خودش بدهد یا خیر؟.

ج

- نمی‌تواند.

س

- مادری غیر سیده سرپرست بچه‌های خود که سید هستند می‌باشد آیا ممکن است سهم سادات را به مادر بدهند که با هم مصرف کنند؟.

ج

- دادن سهم سادات به بچه‌های سید با اذن ولی شرعی، اشکال ندارد و مادر غیر سید آنها نیز با اجازه حاکم شرع می‌تواند در مصرف نمودن سهم سادات با فرزندان، شرکت نماید و بابت حق الزحمه خود، محسوب دارد.

س

- کسی که از سید فقیری طلبکار است آیا- بعد از فوت سید مدیون - می‌تواند طلب خود را بابت خمس با ورثه او حساب کند یا نه؟ و هم چنین اگر مدیون، غیر سید باشد طلبکار می‌تواند بعد از فوت او بابت زکاه یا مظالم حساب کند یا نه؟.

ج

- اگر وارث، سید فقیر است طلبکار بمقدار طلب خود از ترکه میت بگیرد و بعد بعنوان خمس، به وارث سید او بدهد و اگر مدیون، سید نباشد قرض او را می‌شود از بابت زکاء، حساب کرد ولی مظالم را باید به فقیر غیر سید، صدقه بدهند و اگر فقیر خواست آن را از بابت دین میت، به طلبکار بدهد اشکال ندارد.

س

- سیدی است فقیر و مدیون و اداء دین، برایش مقدور نیست در این صورت دائن می‌تواند از بابت خمس، ذمه او را بری کند؟ و هم چنین غیر

صفحه : ۳۸۷

سیدی است، فقیر و مقروض، و اداء قرض برایش غیر مقدور است، آیا دائن می‌تواند از سهم مبارک امام علیه السلام ذمه او را بری کند یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر مدیون، سید فقیر باشد به نحوی که نتواند دین خود را اداء نماید جائز است از بابت خمس ذمه او را بری کند و احوط آنست که خمس را به او بدهد و سید، بابت طلب به دائم برگرداند و حکم در غیر سید، نسبت به زکات نیز چنین است و امام امر سهم مبارک امام، علیه السلام موکول به اجازه حاکم شرع است.

س

- آیا می‌توان به شخصی که خودش سید نیست ولی هم‌سر او سیده است خمس داد یا نه؟.

ج

- اگر شوهر، قادر به اداء نفقه او نیست مانعی ندارد که به زوجه او خمس بدهند ولی به شوهر نمی‌شود خمس داد و برای غیر نفقات واجبه که بر حسب عرف، لازم است نیز از بابت سهم سادات می‌توان به او داد.

س

- کسی که کاملاً به خرج خود و عیالش نمی‌رسد، آیا می‌توان به عیالش که سیده است و یا به مادرش که علویه است خمس داد که از شوهر و یا فرزندش، دستگیری کند یا نه؟.

ج

- بلی جائز است ولی نسبت به علویه‌ای که شوهرش متمکن از نفقه و مخارج او و خودش نیست احتیاط این است که بمقدار تکمیل معاش او به خودش بدهند و او- بعد از تملک - به شوهرش بدهد و بعد چون استحقاق پیدا می‌کند باز به او پرداخت نمایند.

س

- از سهم سادات که ۵۰ درصد آن را خود شخص می‌پردازد می‌توان به سادات محصل، جهت تأمین لباس و لوازم التحریر و شهریه دبستان آنها پرداخت نمود یا نه؟.

ج

- بلی جائز است ولی اگر صغیر، هستند به ولی شرعی آنان بپردازد بشرط آن که کمک به فساد عقیده و اخلاق آنان نشود و به مصرف کتابهای گمراه کننده نرساند.

س

- ساداتی که متأهل نیستند و وقت تأهلشان رسیده و فقیر

صفحه : ۳۸۸

می‌باشند ولی مخارجشان به عهده والدشان می‌باشد می‌توان برای مخارج عروسی‌شان از سهم سادات داد؟ و در صورتی که پدرشان توانائی مختصری داشته باشد، چه صورت دارد؟.

ج

- خود پدر اگر فقیر نباشد و متمکن از خرج عروسی پسر باشد نمی‌تواند خمس بگیرد، ولی اگر پسر فقیر باشد و پدر مخارج عروسی به او ندهد، می‌تواند خمس بگیرد.

س

- هر گاه جنسی که به آن خمس تعلق گرفته موجود باشد و مالک نخواهد از عین آن، خمس بدهد بلکه می‌خواهد عوض آن، پول یا جنس دیگری بدهد آیا در قبول آن، رضایت مستحق یا مجتهد نسبت به سهم امام علیه السلام معتبر است یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال، رضایت آنان معتبر نیست. بلی اولی اعتبار رضایت است مخصوصا در سهم امام علیه السلام.

س

- هر گاه شخصی زمینی را برای مسجد یا مدرسه طلاب علوم دینیّه واگذار کند آیا می‌تواند آن را بابت سهم امام علیه السلام محسوب دارد یا خیر؟.

ج

- اگر قربۀ إلی الله زمین را در اختیار قرار داده و فعلا می‌خواهد بحساب سهم امام علیه السلام باشد نمی‌شود.

س

- اشخاصی که در یک منطقه، معروف به سادات فاطمه نسبند با این که مدرک دیگری بدست ندارند بلکه خودشان نیز مردّد هستند، می‌توانند خمس بگیرند یا خیر؟

ج

- اگر از طرف پدر، معروف و مشهور به سیادت باشند در صورت احتیاج، می‌توانند خمس بگیرند.

س

- در بعضی از مساجد، صندوقی تأسیس شده که از وجوه این صندوق، با شرائطی به افراد مسلمان قرض الحسن داده می‌شود و ضمناً جهت تعمیر مساجد و تبلیغات و نشر معارف اسلامی و کمک به مسلمانان و کودکان بی سرپرست و غیره از محل وجوه صندوق، پرداختهایی انجام می‌گیرد اکنون به این دو سؤال جواب بفرمایید

صفحه : ۳۸۹

اول: این که آیا انسان می‌تواند سهم امام علیه السلام را به یکی از صندوقهای مذکور بسپارد تا به مصارف فوق برسد با این شرط که خود و یا وارث او نتواند آن وجه را مسترد نماید؟

دوم: این که آیا انسان با فرض این که شخص واجد شرائط دریافت سهم سادات - از نظر پرداخت کننده - موجود نباشد می‌تواند سهم سادات را به صندوق بسپارد که هر وقت، شخص واجد شرائط دریافت - از نظر پرداخت کننده - شناخته شد آن را مسترد نموده و به مصرف، برساند؟

ج (۱ و ۲)

- امر سهم مبارک امام علیه السلام با مجتهد جامع شرائط است و باید با اجازه او مصرف شود و سهم سادات را باید به دست سید فقیر داد و ریختن در صندوق مزبور جایز نیست.

س

- به سید کبوتر بازی که در پشت بامها کبوتر بازی می‌کند می‌شود خمس داد؟

ج

- در صورتی که سید و فقیر است، خمس به او بدهید اما او را از این عمل، منع کنید.

س

- در بعضی از جاها، اهالی محل وجهی را که به مبلغ می‌دهند از وجوهات حساب می‌کنند آیا صحیح است یا خیر؟

ج

- اگر قربةً إلى الله مشغول تبلیغ باشد و مردم هم وجوه شرعیّه خود را قربةً إلى الله به او بدهند و به مورد هم باشد اشکال ندارد ولی اگر بعنوان حقّ الزّحمه بدهند مشکل است و ذمه آنها هم چنان مشغول است بلی اگر قبلا از حاکم شرع اذن گرفته باشند عیبی ندارد و الله العالم.

س

- برای سادات علوی غیر از سادات فاطمی خمس و صدقه چه حکم دارد و ضمنا بفرمایید آیا اولاد حضرت عباس بن علی (ع) هم حکم سید دارند یا خیر؟.

ج

- مصرف سهم سادات ساداتی هستند که از طرف پدر از اولاد هاشم باشند و استحقاق نیز داشته باشند و صدقه سید به سید می‌رسد و صدقه واجبه غیر سید باید به غیر سید داده شود و صدقات مستحبّه مانعی ندارد و کسی که از طرف

صفحه : ۳۹۰

پدر منسوب به حضرت ابو الفضل العباس علیه السلام باشد می‌تواند در صورت فقر سهم سادات بگیرد و سید علوی است.

س

- آیه‌ای که برای اثبات وجوب خمس، استناد به آن می‌شود آیه ۴۱ از سوره انفال است و این آیه و آیات قبل و بعد آن، در مورد جنگ بین مسلمین و کفار است و مفاد آیه و اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ .. خمس غنائم جنگی است نه آن چه انسان از درآمد و حقوق و کسب خود پس انداز می‌کند کما این که اهل جماعت که این کلام، زبان مادری آنها است این چنین استنباط کرده‌اند دیگر آن که این آیه، خمس را خاصّ خدا و رسول و یتیمان و بینوایان و ابن السبیل بطور مطلق نموده و دلالت بر این که ابن السبیل و یا یتیم و یا بینوایان، از سادات باشند ندارد مطلب سوم این که بر فرض، با استفاده از روایات مثلاً گفتیم باید این سه گروه، از سادات باشند ولی چه کنیم با گفتار پیغمبر (ص) که فرموده من چیزی از شما نمی‌خواهم جز دوستی خویشانم مگر غرض از دوستی، غنیمت جنگی و یا دادن خمس به سادات است وانگهی بر فرض قبول این مطالب، با چه ملاک و معیار صحیحی که دور از اشتباه باشد سادات را بشناسیم با توجه به گذشت زمان و هزاران عامل دیگر، آیا کلیه افرادی که عمامه و شال سبز و سیاه دارند از نسل ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین هستند و حال آن که تعدادی حتّی از امام زاده‌های ایران که شجره نامه مشخص و معینی ندارند از نظر عامّه مردم مورد شک و تردید می‌باشند؟.

ج

- راجع به آیه خمس، مجرّد این که آیات قبل و بعد آن، راجع به جهاد و جنگ با کفار است سبب اختصاص کلمه (غنمتم) به غنائم جنگی نمی‌شود با این که در عرف لغت، به ارباب مکاسب و فوائد دیگر مثل هبه و گنجها و معادن نیز اطلاق می‌شود چنانچه صاحب مجمع البیان تصریح دارند. و این که نوشته‌اید این کلام، زبان مادری اهل جماعت است عجیب است، مگر اهل جماعت، همه عرب بوده‌اند و یا شیعه همه عجم؟ تمام ائمه شیعه و علمای بزرگ امثال سید مرتضی و سید رضی و شیخ مفید و اصحاب و خواصّ ائمه، اکثرا زبان مادریشان عربی بوده است و بعکس، بعضی از پیشوایان اهل سنت مثل ابو حنیفه از عجم بوده‌اند به علاوه

صفحه : ۳۹۱

فرضا اهل سنت بگویند آیه، اختصاص به غنائم جنگی دارد، لیکن روایات از طریق اهل بیت متواتر است بر این که ارباب مکاسب و تجارات و کنوز و معادن و غوص نیز خمس دارد و آیه، بطور مسلم، دلالت بر نفی خمس، در اشیاء مذکوره ندارد و اما مطلب دوم: در تقسیم غنائم جنگی، بین اهل سنت اختلاف است و اقوال آنها در این موضوع، یا بدون مستند صحیح، و یا مخالف با قرآن مجید است و قول شیعه، موافق با قرآن است زیرا سهم خدا و رسول و ذی القربی را که امام علیه السلام است می دهند و نسبت به سهم یتامی و مساکین و ابن السبیل نیز علاوه بر این که بر حسب روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیه، مراد از ایتام و مساکین و ابناء السبیل، بنی هاشم هستند، موافق با احتیاط است زیرا یتامی و مساکین و ابن السبیل، شامل بنی هاشم نیز هست و شیعه نسبت به سهم این سه طایفه اخیر به این قسم، عمل می کنند و به این سه طایفه از سادات، بمقدار حاجت می دهند و ما بقی، امرش با امام ولی وقت است و اما مطلب سوم: این ایراد شما مبنی بر این که این سه طایفه، را از سادات بدانیم یا ندانیم نیست زیرا در آیه خمس، صریحا ذوق القربی فرموده و در آیه دیگر هم فرموده قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ بهر حال منافات ندارد که پیغمبر، اجرای از مردم غیر از مودت ذوی القربی نخواسته باشد و خداوند، برای ذوی القربای او این حکم را فرموده باشد نه از باب اجر رسالت بلکه به جهت حفظ شرافت انتساب به مقام نبوت و عوض این که بر آنها زکوات را تحریم کرده است در اینجا دستور مقرر است که در حقیقت، ایتام و مساکین و ابن سبیل سادات، و در تقسیم، مقدم باشند و با دقت در مفاد این دو آیه، معلوم می شود که با هم منافاتی ندارند و حکم، اجر رسالت نیست و اما مطلب چهارم: شناختن سادات، یا به این است که شجره نامه های معتبره ای در دست داشته باشند یا این که در بین اهل محل و شهر خود به سیادت، معروف باشند.

س

- چرا عده ای از مردم را سید می گویند و سید به چه معنی است و به کسی که از طرف مادر به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می رسد هم سید می گویند یا باید از طرف پدر به آن حضرت برسد و هم چنین اولاد حضرت عباس و

صفحه : ۳۹۲

محمد حنفیه و عقیل و جعفر طیار را هم سید می نامند یا نه و چرا یک عده از سادات را حسنی و عده ای را حسینی می گویند؟

ج

- سید بمعنی آقا است و از القابی است که در عرف فارسی زبانان و شیعه، کسانی که نسبشان به واسطه فاطمه زهرا سیده النساء علیها سلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منتهی می شود و بر سائر علویین نیز که به واسطه حضرت عباس یا جناب محمد حنفیه نسبشان به امیر المؤمنین علیه السلام می رسد احتراماً گفته می شود بلکه بر سایر هاشمیین مانند کسانی که نسبشان بجناب جعفر طیار و عقیل می رسد نیز سید می گویند و این یک نوع احترام از منتسبین به رسول خدا صلی الله علیه و آله و از خاندان بنی هاشم است چنانچه شیعه و اهل سنت، سادات خصوص علویین بالأخص فاطمیین را شرفاء می گویند و به کسی که از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام باشد شریف حسنی و به کسی که از اولاد حضرت امام حسین علیه السلام باشد شریف حسینی گفته می شود و فرزند سیده علویه نیز اگر چه در عرف، سید و شریف، نامیده نمی شود به واسطه مادرش باین دودمان شریف و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم انتساب دارد و اگر مادرش از اولاد فاطمه زهرا علیها سلام باشد از فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و

آله محسوب است بلی فقط کسانی که به وسیله پدر هاشمی هستند استحقاق خمس دارند.

س

- حضرت امام حسین علیه السّلام و یزید لعنه الله علیه هر دو، جدّشان عبد مناف است با این حال چرا فرزندان امام حسین علیه السّلام سید باشند ولی یزید و نسل او سید نباشند؟.

ج

- بنا بر آن چه از کامل بهائی، نقل شده امیّه، غلامی بوده رومی در تحت ملکیت عبد شمس بن عبد مناف، و عبد شمس او را آزاد کرده و او را بعنوان پسر خود معرفی نموده. با ملاحظه این تاریخ، امیّه پسر خوانده عبد شمس بن عبد مناف است نه این که فرزند صلبی او باشد بنا بر این عبد مناف، جدّ یزید لعنه الله علیه نیست. و در عرف شیعه، سید به کسانی می گویند که از اولاد حضرت امیر المؤمنین و حضرت زهرا علیهما السّلام باشند و سهم سادات هم به اشخاصی می رسد که نسبشان به جناب هاشم جدّ پیغمبر اکرم (ص) متصل باشد.

صفحه : ۳۹۳

س

- به عقیده این جانب هر کس در هر صورت و کیفیت رهنورد راه خداست بنا بر این امتیاز سید را بر غیر سید مرقوم فرماید.

ج

- در تکالیف و احکام شرعیّه همه امت علی السّواء می باشند و سادات، بر غیر سادات امتیازی ندارند که از احکام شرعیّه به این عنوان معاف باشند ولی مزیت انتساب به حضرت رسول اکرم و ائمه، صلوات الله علیهم اجمعین مزیتی است که هم ذاتی است و هم از جهت روانی، در نفوس، اثر می گذارد و هم از جهت حق شناسی، دیگران را به احترام از آنان به ملاحظه خدمات و حقوق حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السّلام به جامعه بشریت، وادار می کند و شما خودتان به وجدان خود مراجعه کنید می بینید که از فرزند کسی که به شما خدمتی و احسانی کرده باشد احترام می کنید و می خواهید که با احترام فرزندش، اداء حقّی از او بنمایید و در بعضی از موارد هم شرعا مزایا و حقوقی برای سادات هست که بر اساس مصالح عقلی و عرفی و شرعی است که تفصیلش در نامه، ممکن نیست مع ذلک سادات هم به واسطه این شرف انتساب، مسئولیت بیشتری دارند که رعایت احکام و تکالیف را نسبت به آنها موکّدتر می نماید خداوند متعال، مسلمین را قدردان نعمت هدایت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله قرار دهد و به ولایت اهل بیت و محبت سادات، موقّق و ثابت بدارد.

س

- سیدی خانه ندارد که در آن سکونت نماید، آیا می تواند در ظرف چند سال، سهم سادات از مردم بگیرد و جمع کند و خانه‌ای بخرد یا نه؟.

ج

- به این نحو خالی از اشکال نیست ولی اگر خانه را نسیه خریداری کند و بعد بتدریج از آن چه بابت سهم سادات به او می‌دهند قرض آن را اداء کند اشکال ندارد.

س

- سیدی نمی‌خواهد برای خودش خمس بگیرد ولی پسری دارد که فقیر و دارای چند فرزند صغیر است آیا می‌تواند برای پسر خود یا فرزندان پسر، خمس بگیرد؟.

ج

- بلی جائز است که وکاله یا ولایه سهم سادات بگیرد و به موکل یا موئی علیه برساند اگر موکل یا موئی علیه استحقاق داشته باشند.

صفحه : ۳۹۴

س

- سهم مبارک امام علیه السلام و یا سهم سادات را که اهل آن، دریافت می‌کنند با گرفتن، مالک آن می‌شوند یا فقط جواز تصرف دارند تا با فوت آنها به ورثه نرسد؟.

ج

- سهم امام علیه السلام را با اذن حاکم شرع، به تملک، مالک می‌شوند و سهم سادات را بعید نیست که به تملیک مالک، بمقدار مؤنه یک سال، با تملک، مالک شوند.

س

- خمس که یکی از فروع دین است به چه کیفیتی باید مصرف شود؟.

ج

- نصف خمس، سهم سادات است که منحصرًا باید به سید فقیر داده شود و نصف دیگر آن، سهم مبارک امام علیه السلام است که امر آن با مجتهد جامع الشرائط است و بنظر حقیر مصرف آن امری است که علم به رضایت امام زمان علیه السلام در آن باشد مثل اقامه حوزه‌های علمیه دینی و تبلیغ احکام دین و غیر اینها.

س

- سید فقیری است که با آن که فرزندان حاضرند مخارج او را بدهند او خود نمی‌خواهد زیر بار منت فرزندان برود و می‌خواهد که از مسیر غیر آنها به او کمک مالی شود حال آیا می‌شود سهم سادات را به چنین کسی داد یا نه؟.

ج

- جواز گرفتن سهم سادات، در فرض مذکور، مشکل است بلی اگر واقعا گرفتن مخارج از فرزند و تکفل او بر خلاف شأنش باشد و عرفا توهین، محسوب شود جائز است.

س

- آیا به سید فقیری که نماز می‌خواند ولی روزه‌اش را می‌خورد می‌توان سهم سادات داد یا نه؟.

ج

- اگر آشکارا و در انظار مردم، روزه نخورده دادن سهم سادات به او اشکال ندارد ولی کسی که مطلع است او را نصیحت نماید.

مصرف نمودن سهم امام باید با اجازه مجتهد باشد

س

- مسجدی را در قریه‌ای بنا کرده‌اند و در اثر مسامحه و عدم

صفحه : ۳۹۵

مساعدت اهالی، ناتمام مانده آیا از سهم مبارک امام علیه السلام، می‌شود این مسجد را به اتمام رساند یا نه؟.

ج

- شخصی که می‌خواهد وجه را بپردازد باید از حاکم شرع، استجازه کند اگر اجازه داد مانعی ندارد.

س

- وجهی که در سالهای گذشته برای ساختمان مسجد یا به اشخاص مستحق بدون اجازه مجتهد، پرداخت شده باشد می‌شود بحساب خمس، منظور نمود یا نه؟.

ج

- اگر بقصد سهم مبارک امام علیه السلام داده باشد و مجتهد، عمل او را امضاء نماید اشکال ندارد.

س

- چون مسأله سهم امام علیه السلام محل ابتلاء عامه است و برای این جانب شبهه و اشکالی روی داده استدعا دارم برای رفع شبهه و اشکال، جواب را مستدلاً بطور اختصار، مرقوم فرمائید که مزید امتنان و تشکر خواهد بود: شکی نیست که سهم امام، مال امام علیه السلام و ملک آن حضرت است و جواز تصرف در آن، منوط و موقوف به اذن و اجازه آن حضرت می‌باشد و دلیلی هم از کتاب و

سنت که بالعموم یا بالخصوص دلالت کند بر این که آن حضرت به شخص خاص و یا به صنف خاصی اذن داده باشند نداریم و این که مشهور است که مجتهدین، نائب امام هستند و از باب نیابت، تصرف می‌نمایند (رب شهرة لا اصل لها) زیرا کلمه نیابت در هیچ حدیث و روایتی وارد نشده بلی در مقبوله ابن حنظله می‌فرماید: (قد جعلته علیکم حاکما) و در مشهوره ابی خدیجه می‌فرماید: (قد جعلته علیکم قاضیا) و امام عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید (هم حجّتی علیکم) و مدلول این روایات، فقط نفوذ قضاء و حجّیت فتوی و جواز تصرف در امور حسبیّه است بنا بر این دلیل و مدرک این فتوی که آقایان در رسائل عملیه می‌نویسند: باید سهم امام را به مرجع تقلید یا به مجتهد داد چیست و کجا است اگر بگوئید از این باب، باید به مجتهد یا به مرجع تقلید داد که او به مصرف امور طّلاب و محصّیلین علوم دینیّه برساند و حفظ حوزه علمیّه بنماید جوابش این است که این امور، باید از طریق زکوات و صدقات و سایر امور مالی، اداره شود. خواهشمندم برای رفع شبهه و حلّ مشکل، جواب را مرقوم

صفحه : ۳۹۶

فرمائید. در پایان، دوام عمر و عزّت و استدامه ایّام افادت و افاضت از خدای متعال خواهانم.

ج

- به عرض محترم می‌رساند: مرقوم شریف، و اصل و از تأخیر جواب به واسطه کثرت مشغله، معذرت می‌خواهم امید است توفیقات جناب عالی برقرار و مورد عنایات حضرت بقیّة الله ارواح العالمین له الفداء باشید.

راجع به سهم مبارک امام علیه السلام در این موضوع، ادله ولایت فقیه در عصر غیبت بطور تفصیل و دقّت باید ملاحظه شود و اجمالا- از همین احادیثی که جناب عالی خود مرقوم فرموده‌اید نیز به مناسبت حکم و موضوع و این که امور عامّه در عصر غیبت، مهمّل و بلا نظام نیست و احکام هم - جز آن چه که مشروط به مباشرت شخص امام علیه السلام یا نائب خاص آن حضرت است - تعطیل نمی‌شود استفاده می‌شود که ولایت فقیه، بر تمام اموری که متولّی آن باید حاکم و والی امر باشد ثابت می‌باشد و سهم مبارک امام علیه السلام از امور مالی اسلام است که امر آن (بید من بیده الامر) است چنانچه در عصر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این امور مالی اسلام، در دست خودشان بوده و در عصر سایر ائمه علیهم السلام در مواردی که مانع از مداخله نداشتند و شیعیان مراجعه می‌کردند مداخله می‌فرمودند و بحسب طبع حکم، و اصل تشریع، عهده‌دار و متولّی امور مالی مثل گرفتن و تقسیم آن باید ولیّ امر باشد و جواز (استقلال من علیه الحق) به آن، محتاج به دلیل است بنا بر این ولایت بر امر سهم مبارک امام علیه السلام از ادله حکومت، قابل استظهار و ادّعاء شمول آن قریب و قوی است مع ذلک با قول به ثبوت ولایت فقیه، بر مال غائب که قول معتمد و مقبول است ولایت بر اموال آن حضرت ارواحنا فدا به این معنی نیز ثابت است بلکه اولوئیت دارد زیرا وقتی برای حفظ مصالح اموال مردم، فقهاء ولایت بر اموال غائب داشته باشند چنانچه از فرمایش امام علیه السلام در مثل روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع: (إن کان القیم مثلک و مثل عبد الحمید فلا بأس) هم استفاده می‌شود، حفظ و رعایت اموال امام علیه السلام که قوام امور مالی دین، منوط به آن است بطریق اولی لازم، و فقیه، بر آن ولایت دارد و لا اقل این مورد نیز هست و بر فقیه،

صفحه : ۳۹۷

واجب است که اموال آن حضرت را اخذ نماید و به مصرفی که یقین به رضایت آن حضرت دارد برساند و بالأخره هیچ وجهی برای تفکیک بین اموال آن حضرت سلام الله علیه و سایر غائبین بنظر نمی‌رسد علاوه بر این، جواز تصرف فقیه از اخذ و به مصرف

رساندن از باب حسبه چنانچه جناب عالی هم دلالت روایات را در تصرّف در امور حسبه استظهار کرده‌اید ثابت است و وجوب صرف آن در محلی که در نظر حاکم، صلاح باشد به این بیان نیز ثابت می‌شود که: اصل اشتغال ذمه به مال امام علیه السلام معلوم است و مکلف نمی‌داند که اگر خودش آن را بنظر خود صرف نماید براءت ذمه حاصل می‌شود یا آن که فقیه که ابصر به موارد و احکام و جهات و مصالح شرعیه است برساند و بدیهی است که با امکان پرداخت به فقیه، احتیاط و تحصیل براءت یقینی عقلاً لازم است و اکتفاء به امثال و براءت احتمالی، در نظر عقل، کافی نیست و معلوم است که در مثل اینجا که اصل اشتغال ذمه، معلوم و شک در امثال است تمسک به ادله براءت، برای رفع وجوب اداء به فقیه، صحیح نیست. و اما این وجه که اداء آن به مجتهد، از باب این باشد که وی به مصرف طلب و حفظ حوزه علمیه برساند، وجیه نیست گمان ندارم کسی گفته باشد، بلکه بعد از ثبوت وجوب اداء به فقیه، و وجوب اخذ آن بر فقیه، این کلام - که مربوط به کیفیت تصرّف و حدود آن و مطالب عنوان شده در اینجا است - مطرح می‌شود و وجوهی که در این مقام گفته شده از دفن مال یا نگهداری و وصیت بحفظ آن یا صدقه دادن از جانب آن حضرت یا دادن به سادات و بنی هاشم، همه ضعیف و بلکه معلوم البطلان است زیرا دفن یا وصیت، معرض تضییع و در حکم اتلاف است و اگر چه نسبت به مال غائبی که یقین به دسترسی او نیست یا نسبت به مجهول المالک، حکم، تصدّق دادن است اما در صورتی که بدانیم در نظر صاحب مال، مصارف دیگر - که راضی به ترک آن نیست مثل حفظ اساس دین و رفع قواعد شرع و نشر لواء توحید و حفظ معارف و فقه و آثار و ذب از اسلام و رفع شبهات و تبلیغات - اهم و لازم الملاحظه است باید در همان موارد، صرف شود چنانچه احتمال این که به سادات داده شود - از باب این که خویشان و اقارب آن حضرت و صله رحم ایشان است - نیز با این موارد اهم و مصالحی که می‌دانیم

صفحه : ۳۹۸

امام علیه السلام بیش از هر چیز به آن اهمیّت می‌دهند قانع کننده نیست. و الله العالم. سلامت و دوام تأییدات جناب عالی را مسألت دارم و ملتزم دعا هستم.

س

- سهم امام علیه السلام که ملک آن حضرت است شخصا یا بعنوان منصب و مقام، آیا در عصر غیبت آن بزرگوار، اخذ و تصرّف نائب و مرجع بعنوان مالکیت است یا نیابت در اخذ و یا اباحه تصرّف؟ و به هر تقدیر، منظور اینست که ایادی متصرفه بعدی که از طرف مرجع و نائب حضرت، مجاز در تصرّف سهم می‌باشند اخذ و تصرّفشان برای اعاشه، بنحو اباحه است یا بنحو ملکیت؟ و اگر وجه ثانی نیست که ظاهراً به احتمال قوی باید همان طور باشد اگر مبلغی از ملک شخصی داشته که سال بر آن گذشته و مشمول خمس گردیده آیا می‌تواند خمس آن را از سهم، اداء کند و دست به آن وجه، نزند چنانکه سایر دیون شخصی و شرعی از قبیل کفّارات و نذور و غیر اینها جزء مؤنه زندگی و از شئون اعاشه است و می‌تواند از سهم بپردازد یا این که اداء خمس آن وجه، از سهم جائز نیست و مبرئ ذمه نمی‌باشد نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج

- در فرض سؤال، تصرّفات مجتهد در سهم امام علیه السلام بلکه سهم سادات، بعنوان ولایت در مصرف (در مصارفی که مقتضای نظریه و فتوای اوست) می‌باشد و کسانی که به اذن مجتهد، اخذ این سهام را می‌نمایند نحوه اخذ آنها دائر مدار اذن مجتهد است پس اگر مجتهد، اذن در تملک بدهد می‌تواند تملک نماید و اگر مأذون از جانب مجتهد بخواهد سهمی را که دریافت کرده و

تملک نموده بعنوان خمس می که به مالش تعلق گرفته بدهد مانع ندارد و مبرئ ذمه او می باشد و در مقدار مصرف هم کما و کیفاً تابع اذن مجتهد است.

هر گاه به مستحق قرض بدهد و بعداً بابت خمس حساب کند

س

- شخصی در اثناء سال، به سادات مستحق و هم چنین به مستحقین غیر سید، بقصد قرض، پول و اجناس دیگر می داده و نمی دانسته آنها هم بقصد قرض می گرفته اند یا نه، هر سال حساب می کرده مقداری خمس بدهکار می شده طلبی که - بقصد خودش بعنوان قرض - از سادات داشته از بابت سهم سادات، حساب می کرده و آنان را بریء الذمه می نموده و آن چه را که از غیر سادات

صفحه : ۳۹۹

می خواسته با اجازه حاکم شرع، از بابت سهم امام علیه السلام حساب می نموده این عمل بنظر مبارک چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض سؤال، ذمه قرض گیرنده در صورتی مشغول می شود که وجه را بقصد قرض بگیرد مثل این که خودش بگوید قرض بدهید و شما هم به همین قصد بدهید و یا شما بگوئید قرض است و او قبول کند و بگیرد و در غیر این صورت اگر آن چه را به او داده اید تلف کرده باشد ضامن نیست بلی تا عین، باقی است شما می توانید پس بگیرید یا بگوئید قرض باشد و او هم قبول کند تا ذمه اش مشغول شود.

خمس دادن به واجب النفقه

س

- آیا پسر می تواند از پدر خود خمس بگیرد و برای خود کتاب درسی و غیر درسی و همین طور نوار درسی تهیه کند یا خیر؟.

ج

- فرزند واجب النفقه پدر است و پدر نمی تواند نفقات واجبه فرزند خود را از خمس بدهد ولی کتاب و نوار درسی از نفقات واجبه نیست و پرداخت خمس برای آنها مانعی ندارد لکن نسبت به سهم امام علیه السلام باید از حاکم شرع اذن بگیرد.

س

- سیدی مبلغی وجوه، بدهکار است و پسری دارد بی بضاعت و کارگر که جدای از پدر زندگی می کند و مبلغی مقروض است و از ادای آن عاجز شده آیا پدر می تواند از بابت سهم سادات، وجهی به او بدهد که قرضش را اداء نماید یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، جائز است پدر، سهم سادات به پسر بدهد که قرض خود را اداء نماید.

س

- آیا جائز است که فرزند، خمس اموال پدرش را بگیرد و کتابهای دینی مورد لزومش - که خود، استطاعت خرید آنها را ندارد - خریداری کند؟.

ج

- اما سهم مبارک امام علیه السلام امرش با فقیه جامع الشرائط است و با اجازه او جائز است و سهم سادات را برای مخارجی که غیر از نفقه واجب است

صفحه : ۴۰۰

ولی شخص، عرفا آن مخارج را دارد مانند کتب مورد حاجت می‌تواند به فرزند خود، بدهد.

خمس مال حلال مخلوط به حرام

س

- پولهایی که فعلا در دست مردم است و مخلوط به حرام می‌باشد تصرفات در آنها چه حکمی دارد و اگر بفرمایید تا معلوم الحرام نباشد اشکالی ندارد در صورتی که شخص، مبالغ کثیره از این پولها را که معلوم الحرام نباشد تدریجا تحصیل کند و مقداری از آنها را صرف هزینه زندگی نماید بعد علم اجمالی پیدا کند که در بین آنها حرام بوده به طوری که نه عین و نه مقدار آن هیچ کدام معلوم نباشد این علم اجمالی اثری دارد یا نه؟ و اگر شخص از مجتهدی تقلید می‌کرد که تمام پولها را مجهول المالک، می‌دانست و به وکالت از آن مجتهد، قبض و تملک می‌نمود بعد از فوت آن مجتهد می‌تواند در این مسأله باقی باشد و به وکالت از مجتهد حی، اخذ و تملک نماید یا نه؟.

ج

- تا علم به حرمت خصوص پولهایی که مورد ابتلاء او است نداشته باشد تصرف در آنها جایز است و در صورتی که بعد از تصرف، علم حاصل نماید که مقداری از آنها حرام بوده ولی مقدار و صاحب آن مجهول باشد قدر یقینی از معلوم بالاجمال را باید بعنوان مظالم بدهد و اگر علم دارد که یا در پولهای خرج شده و یا در پولهایی که فعلا مالک است مقداری حرام هست و مقدار و صاحب آن معلوم نباشد لازم است قدر متیقن از معلوم بالاجمال پولهای خرج شده را مظالم بدهد و پولهای موجود را تخمیس نماید و چون مبانی، مختلف است و بقاء در مورد سؤال، خالی از اشکال نیست، تا علم به غصبیت اموال مورد ابتلاء نداشته باشید مجازید در تصرف آن.

س

- شخصی شغل او حفر چاه در داخل منازل اشخاص بوده و صاحب کار با او قرارداد می‌نموده که مثلا ده متر چاه بکند و او خیانت می‌کرده و نه متر می‌کنده و به جای ده متر، تحویل می‌داده و از این شغل مبالغی اندوخته کرده اکنون از افعال قبلی پشیمان شده و

دسترسی به صاحبان کار ندارد که آنها را راضی نماید در این صورت اگر خمس آن مبالغ را بدهد بریء الذمه می شود یا خیر؟.

صفحه : ۴۰۱

ج

- اگر عین آن وجوه، باقی نباشد و مصرف شده و صاحبان آن را نمی شناسد به مقداری که یقین به اشتغال ذمه دارد از طرف صاحبان حقوق، به فقیر غیر سید، صدقه بدهد و نسبت به کسانی که می شناسد باید از خودشان استرضاء نماید و چنانچه عین آن وجوه باقی است و مخلوط به اموال دیگرش می باشد و مقدار و صاحبان آن را نیز نمی داند خمس آن اموال را به عنوان مخلوط به حرام بپردازد.

س

- شغل سلمانی به علت تراشیدن ریش، حرام است بنا بر این مالی را که از این راه بدست آورده با دادن خمس، حلال می شود یا نه؟.

ج

- تراشیدن ریش، حرام و مزد آن هم حرام است و اجرتی را که گرفته اگر صاحبانش مجهول باشند و آن مال حرام، جدا باشد و یا مخلوط به مال حلال شده لکن قدرش معلوم است با اذن حاکم شرع، صدقه بدهد و اگر مقدار و صاحب آن معلوم نیست و با مال حلال مخلوط شده خمس آن را بدهد بقیه، حلال است.

س

- اگر وارث بداند که ترکه میت، از کسب حرام یا از حلال و حرام هر دو جمع شده و مقدار حرام را نداند تکلیف این وارث، در فرض اول و دوم چیست؟.

ج

- در فرض اول اگر صاحب مال حرام، معلوم باشد به او رد کنند و الا با اذن حاکم شرع، مظالم بدهند و در فرض دوم که مخلوط بحرام باشد اگر نه صاحب حرام معلوم باشد و نه مقدار آن، واجب است خمس تمام مخلوط را بدهند.

س

- مال مخلوط حرام که باید دو مرتبه، خمس آن داده شود مصداق آن کجا است؟.

ج

- اگر هر چه پیدا کرده خمس نداده و بعلاوه، حرام دیگر غیر از خمس، مخلوط به مال شده باشد که نه صاحب آن را بشناسد و نه مقدار آن را باید یک خمس، از جهت مخلوط بحرام بدهد و بعد خمس تتمه را از جهت ارباح مکاسب، بپردازد.

خمس معدن

س

- معدنی که در زمین مملوک است آیا اجازه دادن آن به دیگری جائز است یا نه و بر فرض جواز، خمس معدن، بر صاحب و مالک زمین است یا بر

صفحه : ۴۰۲

مستأجر و مستخرج آن؟.

ج

- اجازه زمین، جهت استخراج معدن - به نحوی که به اجازه، معدن، ملک مستأجر شود - محل تأمل است بلی اگر صاحب زمین وجهی بگیرد که اجازه بدهد به شخصی که برای خودش معدن را استخراج و تملک نماید جائز است و در این صورت خمس، با مستخرج است.

س

- کسی که از معادن، منفعتی بدست آورد و بعد نصاب برسد و پس از اخراج هزینه آن، خمس آن را اداء نماید آیا در سر سال پس از صرف مؤنه، مجدداً بایستی از وجه مخمس ماقبل، که دارد خمس دیگری بدهد یا همان خمسی که بعنوان معدن داده کفایت می کند؟.

ج

- در معدن، یک خمس، واجب است و پس از اخراج آن، دیگر خمس ندارد اگر چه چند سال بماند و صرف مؤنه نشود.

س

- در شمال پاکستان کوه‌های بلندی هست، مردم از آن کوه‌ها با سعی و زحمت بسیار با کندن کوه چیزی استخراج می کنند و این چیز بسیار مفید و برای رفع امراض مختلفه خیلی مؤثر است و رنگش سیاه است و قیمتش هم خیلی زیاد است لطفاً بفرمایید آیا به آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- بلی اگر بعد از مؤنه استخراج ارزش آن به پانزده مثقال صیرفی، طلا برسد خمس واجب است و اگر به این حد نرسد از عوائد بین سال محسوب است که اگر در بین سال به مصرف مؤنه رسید خمس ندارد و اگر تا آخر سال باقی ماند خمس باقی مانده باید داده شود.

خمس در مورد زمینی که مسلمان از کافر ذمی بخرد

س

- چنانچه مسلمانی زمینی را از کافر ذمی بخرد و بداند که آن ذمی از مسلمانی خریده که خمس آن را نداده این معامله صحیح است و یا نسبت بمقدار خمس آن موقوف به اجازه حاکم شرع است و مسلمان دوّم باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- نسبت بخمس آن، فضولی است و باید خمس آن را بدهد.

س

- زمینی که ذمی از مسلمان بخرد و خممش را ندهد اگر دو

صفحه : ۴۰۳

مرتبه مسلمان از او بخرد باید خمس آن را بدهد، حال بفرمایید اگر شک داریم که ذمی قبلاً از مسلمان خریده یا از پدر به او ارث رسیده باز خمس دارد؟ و آیا پرسش و تفحص هم لازم است یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله که معلوم نیست ذمی از مسلمان خریده یا به ارث مالک شده است خمس ندارد و تفحص هم لازم نیست.

مسائل متفرقه خمس

س

- کسی که شغل او روضه خوانی است و گاهی از سهم مبارک امام علیه السلام استفاده می کند چنانچه در آخر سال، از مؤنه زیاد بیاورد و نداند از روضه خوانی زیاد آمده یا از سهم مبارک امام علیه السلام، آیا این زیاده، خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر مخلوط کرده حکم شرکت را دارد و باید از آن چه باقی مانده بالنسبه از مقدار روضه خوانی خمس بدهد و اگر مخلوط نکرده و نمی داند باقی مانده از سهم امام است یا وجه روضه خوانی، تخمیس آن، واجب نیست.

س

- اگر یک نفر یا چند نفر، حمّامی را با پول خمس نداده بسازند آیا استفاده از چنین حمّامی جائز است یا نه؟.

ج

- اگر اعیان مصالح آن، به ذمه خریده شده باشد و یا معلوم نباشد که بعین خمس نداده خریده شده یا به ذمه، غسل در آن، صحیح

است.

س

- اگر از درآمد کسب که مال امانت داخل آن است خمس بدهد چه صورت دارد و آیا دین خود را اداء کرده یا نه؟.

ج

- اگر عین مال غیر را بعنوان خمس، داده باشد خمس، اداء نشده است.

س

- کسی که از اول تکلیف، تا مدتی پیرو مذهب اهل تسنن بوده بعد مستبصر شده و مذهب تشیع را اختیار کرده و در زمانی که سنی بوده ثروتی از راه حلال بدست آورده آیا باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- بلی خمس اموال مذکوره را باید بپردازد.

س

- کسی ملکی دارد که به سبب آن، مستطیع شده ولی فعلا آن

صفحه : ۴۰۴

ملک، مشتری ندارد پول قرض می کند و به مکه می رود که بعد از مراجعت، آن ملک را بفروشد و قرض خود را بدهد آیا به این پول که قرض کرده خمس تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- خمس، تعلق نمی گیرد.

س

- ماه رمضان گذشته حساب اموال را نموده و خمس آن را دادم اکنون متوجه شده‌ام که در حساب، اشتباهی شده و مبلغی بلا حساب مانده حال آیا خمس اموالی که به حساب نیامده را بپردازم و یا اول سال آینده، حساب کنم؟.

ج

- لازم است خمس آن مبلغ را که اشتباه شده فعلا بپردازید.

س

- وصی می‌تواند از ثلث میّت، به سید مستمندی شخصا خمس بپردازد یا نه؟.

ج

- اگر می‌داند وصیّت کرده که از ثلث، خمس واجب او را اداء کند مانعی ندارد و اگر میّت، وصیّت بخمس نکرده باید اوّل دیون مالی او را - که خمس نیز یکی از آنها است - از اصل مال، خارج نموده و ثلث بقیه را به مصارفی که تعیین کرده برساند.

س

- مبلغی پول از بابت خمس، بدست شخص داده می‌شود که به ارباب خمس بدهد آیا آن شخص می‌تواند از پول خودش همان اندازه از بابت خمس بپردازد و مبلغی را که گرفته تصرف نماید؟ یا حتما باید همان پول را بپردازد؟.

ج

- باید عین آن پول را بپردازد.

س

- شک در تعلق خمس، چه وظیفه‌ای را ایجاد می‌کند؟.

ج

- مختلف است، در مثل شک در این که آیا سرمایه، عایدی زائد دارد یا نه تفحص لازم است و باید حساب نماید و اما شک در این که آیا این مال معین، یک سال بر آن گذشته و خمس به آن تعلق گرفته یا نه؟ اصل، عدم تعلق خمس بر آن است و هم چنین اگر شک کند که مالهایی را که در سابق به مصرف رسانیده آیا خمس به آنها تعلق گرفته بوده یا نه؟، اصل، برائت ذمه است.

س

- صدقه مستحبی را مثل صدقه اوّل ماه به سادات می‌توان داد یا

صفحه : ۴۰۵

نه؟.

ج

- بلی جائز است.

س

- آیا مجهول المالک یا مظالم عباد را جائز است که به سید بدهند یا نه؟.

ج

- احوط آنست که به سید داده نشود.

س

- کسی که مدعی سیادت نیست اگر شال سبز، به کمر و عمامه سیاه یا سبز بر سر بندد چگونه است؟.

ج

- در صورتی که موجب اشتباه و اغراء به جهل شود احوط، ترک است.

س

- مبلغ هزار تومان پول، قریب پنج سال است که امانت شخصی نزد من بوده، و من از آن پول استفاده می‌نمایم، لطفا در مورد خمس آن راهنمایی فرمائید؟.

ج

- مادامی که بدل آن را به صاحبش نپرداخته‌اید خمس ندارد.

س

- ما می‌دانیم که سادات صحیح النسب که با پیروی از برنامه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السّلام، رفتار و کردارشان نمونه پیروان واقعی دین مقدّس اسلامست احترامشان بر فرد فرد شیعه لازم است ولی انسان ملاحظه می‌کند که رفتار و کردار بعضی از سادات، بر خلاف دستور اسلام است و علنا منکرات را انجام می‌دهند و یکی از گویندگان در منبر می‌گفت: سید هر چند شراب خوار و قمارباز باشد، باز باید به او احترام کرد. اکنون بفرمایید که واقعا مطلب این چنین است؟.

ج

- در خبر است که (خلق الله الجنّة لمن اطاعه و لو كان عبدا حبشيا و خلق الله النار لمن عصاه و لو كان سيّدا قرشيا).

س

- کسی که سهم سادات قبول می‌کند، آیا می‌تواند از سهم سادات یا مالی که غیر از سهم سادات دارد صدقه یا هدیه بدهد یا برای اموات خود خیرات نماید یا خیر؟.

ج

- سید فقیری که سهم سادات می‌گیرد می‌تواند صدقه و هدیه بدهد، و برای اموات خود خیرات بدهد بمقدار شأن خود.

س

- کسی که در زندگی، غفلت کرده خمس اموال خود را نپرداخته و حالا از هستی، ساقط شده و نیت او هم از اول، دادن خمس بوده حالا تکلیف او چیست؟.

ج

- فعلا استغفار کند و تصمیم بگیرد که هر وقت، متمکن شد بپردازد و اگر مأیوس از تمکن است چنانچه مستحق راضی شود که خمس را از او بگیرد و به او ببخشد اشکال ندارد.

س

- شخصی که حساب دقیق جهت اداء وجوه سالیانه ندارد ولی بطور متفرق، خمس می پردازد بفرماید که شرکت با چنین شخصی در معامله و هم چنین زراعت در زمین او بطور شراکت، - که مثلا زمین و بذر و کود و اجرت شخم زدن مال او و کار زراعت هم به عهده زارع باشد و طبق قرارداد، مالک، سهم زمین و سهم بذر و کودش را ببرد و زارع هم سهم کارش را - چه صورت دارد؟.

ج

- معامله با چنین شخصی، مانعی ندارد بلی اگر عین معینی را بدانید که متعلق خمس شده و خمس آن را نداده تصرف در آن، جائز نیست.

س

- مرد و زنی با هم کار می کنند مرد، شغلی دارد زن هم قالی می بافد و یا چرخ ریزی می کند. مرد، جهت پرداخت حقوق شرعیّه خود، سال دارد آیا زن هم باید از درآمد سالیانه خود، خمس بدهد یا نه؟.

ج

- زن هم مانند مرد آن چه ربح بدست بیاورد و به مصرف مؤنه نرساند باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی حساب سال دارد و در بین سال، مثلا از فروش یک قطعه زمین، منفعتی بدست می آورد آیا واجب است خمس آن را فوراً بدهد یا می تواند صبر کند سر سالش برسد آن گاه اداء نماید؟.

ج

- اگر خمس اصل زمین را داده باشد نسبت به منفعت آن، می تواند بگذارد سر سالش بدهد لکن اگر خمس به زمین، تعلق گرفته

بوده و نپرداخته هر وقت فروخت باید خمس آن را بپردازد و تأخیر، جائز نیست.

س

- مظالم عباد، چیست و موارد مصرف آن کجا است؟.

ج

- اعیان و دیونی است که بر ذمه اشخاص باشد و صاحبان آن معلوم

صفحه : ۴۰۷

نباشند و مصرف آن اگر مدیون، سید نیست فقیر غیر سید است و احتیاط لازم آن است که از مجتهد نیز اذن گرفته شود.

س

- جهیزیه عروس را قبل از عروسی و حمل آن به خانه شوهر یا پس از عروسی و حمل آن به خانه شوهر - اگر فروختند - به منافع آن خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در صورتی که جهیزیه را به قیمت گرانتر بفروشند زیادی قیمت آن از عوائد سال فروش، محسوب است.

س

- شخصی سالها ربا گرفته و اکنون پشیمان و تائب شده و بنا به اظهار خودش اشخاصی را که از آنها ربا گرفته می‌شناسد، و مبلغی را هم که بعنوان ربا گرفته می‌داند و بعضی از آنان را با دادن مبلغی راضی کرده و دیگران را هم در صدد است که راضی نماید و گاهی هم معاملات مباحه داشته حال می‌خواهد اموالش را تخمیس نماید آیا می‌شود خمس را بعنوان خمس ارباح بدهد یا نه؟ و اگر عین مأخوذه بعنوان ربا، موجود باشد و یا تلف کرده و یا این که تبدیل شده باشد فرقی دارد یا نه؟.

ج

- با فرض آن که همه را راضی کرده باشد تخمیس آن، اشکال ندارد و هم چنین اگر بعضی را راضی کرده و بعضی را هنوز راضی نکرده باشد، در صورتی که آن چه را که بابت خمس می‌دهد عین مال غیر نباشد و بخواهد سائرین را هم راضی کند دادن خمس، اشکال ندارد.

س

- شرکت در تجارت و کسب با کسی که اعتقاد به وجوب خمس ندارد مانند کافر و یا مسلمانی که خمس را واجب نمی‌داند چه صورت دارد؟.

ج

- اشکالی ندارد.

س

- اشخاصی که در کارخانه‌های دولتی، مشغول کار و از حقوق آنها صدی پنج بعنوان دکتر و دوا کسر می‌کنند و پس از مدتی اشتغال، مبلغی بعنوان باز خرید به ایشان پرداخته و از کار، برکنارشان می‌کنند ولی معلوم نیست که این مبلغ، همان صدی پنج از حقوق ایشان است که کسر شده یا بخشی از طرف دولت است که ارفاقاً به ایشان پرداخت شده آیا آن مبلغ، متعلق خمس هست یا

صفحه : ۴۰۸

نه؟ و فرقی بین این که در همان سال صرف در مؤنه شود یا از مؤنه سال زیاد بیاید و نیز بین این که در اخذ و صرف حقوق خود از طرف حاکم شرع مجاز باشد یا نباشد هست یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، وجه مزبور، جزء منافع همان سال، محسوب است که به او پرداخته‌اند هر چند از صدی پنج حقوق باشد چنانچه در آن سال صرف مؤنه نشده واجب است خمس آن را بپردازد و احتیاطاً لازم آنست که از حاکم شرع، در مطلق امور دولتی، استجازه نماید.

س

- هر گاه شخصی خمس مال خود را که مثلاً هزار تومان است جدا کند و قبل از پرداختن آن، به دیگری بگوید تو مبلغ هزار تومان از مال خودت برای من خمس بده، بعداً من به تو می‌دهم و او قبول کند و بپردازد آن گاه شخص مذکور آن چه را که بعنوان خمس کنار گذاشته بود به وی بدهد صحیح است یا خیر؟.

ج

- کنار گذاشتن مالی بعنوان خمس، آن را متعین در خمس نمی‌کند و اداء خمس بنحو مذکور با رعایت قصد قربت اشکال ندارد.

س

- شخصی مغازه‌ای دارد و در ضمن، مشروب فروشی هم می‌کند اگر این شخص، وجهی بعنوان سهم سادات به سیدی بدهد با این که یقین دارد که پول اجناس مباحه، با پول فروش مشروب مخلوط است، آن سید می‌تواند آن پول را بگیرد؟.

ج

- در صورتی که بعنوان سهم سادات می‌دهد قبول آن اشکال ندارد چه بعنوان خمس مخلوط بحرام بدهد و یا بعنوان خمس فوائد کسب.

س

- به پولی که بعنوان بیمه عمر داده می‌شود خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- پولی که به بیمه می‌دهند اول باید تخمیس شود و بعد پردازند.

صفحه : ۴۰۹

مسائل زکاة

اجناسی که مورد تعلق زکاة است

س

- پولهای طلا- و نقره سکه داری در ازمینه سابقه، رایج بوده و مانند اسکناسهای فعلی بکار می‌رفته ولی اکنون در ردیف اجناس عتیقه، قرار گرفته و شاید ارزش آنها بیش از سابق باشد، آیا این مطلب، سبب می‌شود که عرفاً گفته شود که رایج در معامله نیست و زکاة به آن تعلق نمی‌گیرد یا نه؟

ج

- مقصود از رایج بودن این است که با آن مانند اسکناس معامله شود مثلاً همان طور که در مقام معامله گفته می‌شود این جنس را به چند تومان می‌فروشی، گفته شود این جنس را به چند سکه آزادی مثلاً، می‌فروشی و چون با سکه‌های طلا و نقره قدیم یا زمان حاضر این نحو معامله نمی‌شود و آنها را مانند متاع خرید و فروش می‌کنند و قیمت آنها مانند اجناس کم و زیاد می‌شود رایج نیست و به آنها زکاة تعلق نمی‌گیرد.

س

- بعضی از اقسام انگورها قابل کشمش شدن نمی‌باشند و اگر هم خشک شود کشمش آن قابل استفاده نیست و هیچ ارزشی ندارد بفرمایید این گونه انگور زکاة دارد یا خیر؟

ج

- در صورتی که خشک آن بعد نصاب برسد زکاة دارد، کشمش آن قابل استفاده باشد یا نباشد.

س

- شخص زارعی دارای زمین کشاورزی بالغ بر ۲۰۰ کیلو تخم انداز است و در آن زمین جو می‌کارد، و زمین پست و بلند است که به وسیله گاو و الاغ

صفحه : ۴۱۰

شخم زده می‌شود، و با داس هم چیده می‌شود، و هنگام کشت به نیت مصرف حیوانات کاشته می‌شود، که شدیداً بدان نیازمندند و ماده بقاء و حیات حیوانات محسوب می‌شود، پس از برداشت، مقدار کمی جهت خوراک عائله شخص مصرف می‌شود که زکاء آن پرداخت می‌گردد، تکلیف ما بقی که به مصرف حیوانات می‌رسد از حیث پرداخت زکاء چگونه خواهد بود؟.

ج

- در فرض سؤال زکاء مجموع حاصل اعم از مصرف خوراک شخصی و مصرف حیوانات باید داده شود.

س

- به اسکناس، زکاء تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- تعلق نمی‌گیرد.

اعتبار نصاب در زکاء

س

- در بعضی از محلها رسم است که گندم و جو را در هم و مخلوط می‌کارند پس از چیدن، اگر از هم جدا شود هیچ کدام، به نصاب زکاء نمی‌رسد و اما مخلوط آن - که نه گندم بر آن صدق می‌کند و نه جو، و آن را خلطک می‌گویند - بمقدار نصاب است آیا زکاء آن واجب است یا نه؟.

ج

- میزان در نصاب این است که هر یک از گندم یا جو بحد نصاب برسد و اگر مجموعاً بمقدار نصاب باشد زکاء واجب نیست.

س

- طلائیست مسکوک که مقدار آن بیش از حد نصاب و چند سال است که زکاء آن داده نشده آیا نسبت بتأخیر در پرداخت زکاء سنوات گذشته، اشتغال ذمه است یا فقط معصیت کرده و با پرداخت زکاء فعلی، تدارک می‌شود و اگر از چهل دینار یک دینار را باید بدهد در صورتی که به پول رایج، به قیمت درآورده و پرداخت و آن یک دینار در ملک او باقی ماند باز هم نصاب زکاء، نسبت به چهل دینار باقی است یا نه و بعد از پرداخت زکاء اگر در سالهای بعد، بقیه طلا که باز هم بیش از حد نصاب است باقی ماند مجدداً مشمول حکم زکاء می‌شود یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، علاوه بر معصیت، هر قدر تأخیر شده زکاء آن را باید بپردازد تا از نصاب ساقط شود مثلاً اگر چهل دینار طلای مسکوک به سکه رایج را سی سال نگاهداشته بیست دینار و سه دهم (۱۰-۲۰۳) زکاء باید بدهد که کمتر از

صفحه : ۴۱۱

نصاب باقی بماند و اگر از مال دیگر زکاء را بدهد و عین طلا را نگاهدارد هر سال باید همان زکاء سال قبل را بدهد.

س

- املاک زن و مادر که در دست شوهر و فرزند است و با املاک خود، مخلوط و زراعت می‌کنند و زن یا مادر، دخالتی در املاک خود ندارند آیا غله هر کدام باید بحدّ نصاب برسد یا مجموع زراعت، روی هم حساب شود؟.

ج

- چنانچه زراعت، بنحو مزارعه باشد سهم هر یک از مالک و زارع باید جداگانه بحدّ نصاب برسد ولی اگر املاک بنحو اجاره و یا مَجَانَا در اختیار شوهر یا فرزند باشد به طوری که زن و مادر، سهم در زراعت نباشند چون همه زراعت ملک شوهر و یا فرزند است اگر مجموع بحدّ نصاب رسید زکاء دارد.

س

- هر گاه گندم یا جو یا خرما یا کشمش به حدّ نصاب برسد زکاء را از همه باید داد یا از بالاتر از حدّ نصاب؟.

ج

- هر کدام که بحدّ نصاب برسد بعد از مخارج، زکاء تمام آن را باید بدهد.

زکاء غلات اربعه یا عشر است یا نصف عشر

س

- زراعت گندم و جو که فعلاً در اکثر جاها معمول است که با آب چاه عمیق و یا نیمه عمیق به وسیله موتور، آبیاری می‌نمایند، آیا حکم آبیاری، با دلو را دارد که زکاء را بیست یک حساب کنند یا در حکم آن نیست و باید ده یک بدهند و آیا مخارج چاه و موتور و غیره نسبت به سهم غلات زکوی کسر می‌شود- که اگر ما بقی، بعد از کسر مخارج بحدّ نصاب برسد زکاء آن را خارج نمایند- یا نه؟.

ج

- زکاء گندم و جو که با چاه عمیق و نیمه عمیق مشروب شده، بیست یک است و مخارج احداث اصل چاه و خرید موتور در مقام احتساب نصاب، کسر نمی‌شود ولی به مقداری که از موتور، کاهش می‌یابد و مخارجی که در عرض سال می‌شود اگر گندم یا جو بحد نصاب برسد کسر شود و زکاء بقیه را بدهند و مخارج باید نسبت بمال زکوی و کاه و زراعت دیگر توزیع شود.

س

- هر گاه زارع، از مالک، آب چاه را خریداری و در زمینهای خود، زراعت می کند زکاة چنین زراعتی عشر است و یا نصف عشر؟ و پولهایی که از بابت خرید آب به مالک چاه، داده از مؤنه زراعت است یا نه؟.

صفحه : ۴۱۲

ج

- نصف عشر است و اگر آب بخرد پول آن از مؤنه است اما اگر چاه را بخرد از مؤنه، محسوب نیست.

س

- هل يجوز رفع نسبة الزكاة من ۱۰-۱ ام لا خصوصا اذا كان المجتمع الاسلامي بحاجة ماسة للأموال؟.

ج

- لا يجوز رفع نسبة الزكاة ولا وضعها، هذا بحسب الحكم الاولي و اذا كان المجتمع الاسلامي في حاجة ماسة للأموال يطلب الحاكم الشرعي من ارباب الاموال ما يكفي لها بحسب ما يرى من المصلحة على انه يستحب الزكاة في كثير من الاشياء كمال التجارة و كل ما يكال او يوزن مّا أنبتته الارض غير الغلات الا ربع التي اشرنا إليها و حاصل العقار المتخذ للنماء من البساتين و الدكاكين و المساكن و الحمامات و الخانات و بعض الاشياء الاخر التي ذكرت بشرائها في الرسائل العملية.

س

- زمینی دارم بدون آب موتور و قنّاه و باید آب بخرم، بفرمایید زکاة آن چند یک است؟.

ج

- در فرض سؤال، چنانچه زراعت را با آب موتور مشروب نمایید زکاة آن بیست یک و اگر با آب قنّاه مشروب نمایید ده یک است.

حكم مخارج زراعت و تقسيط مخارج بر جنس زکوی و غیر آن

س

- شخصی ملکی را به ده هزار تومان اجاره می کند و تخم و سائر مخارج را خودش می پردازد آیا موقع پرداخت زکاة وجه اجاره را کسر نماید و زکاة ما بقی را بدهد و یا کسر نکرده زکاة آن را پردازد؟.

ج

- بلی مال الاجاره را کسر کند و زکاء ما بقی را بدهد لکن اگر مزروعات مختلفه‌ای در این ملک داشته باشد مال الاجاره باید بر مزروعات مختلفه، حتّی نسبت به کاه تقسیط شود.

س

- گندم یا جو، یا پولی که به میراب داده می‌شود تا آب به زراعت برساند می‌توان از حاصل، کسر نمود و سپس ملاحظه نصاب کرد، یا نه؟.

ج

- اگر متعارف باشد که اجرت میراب را از خود گندم بدهند بعد از کسر آن اگر به حدّ نصاب رسید زکاء، تعلق می‌گیرد و اگر بحدّ نصاب نرسد زکاء ندارد و

صفحه : ۴۱۳

اگر متعارف، این باشد که اجرت میراب را پول بدهند بنا بر احتیاط لازم نصاب را بدون کسر این اجرت ملاحظه نمایند و بعد از کسر اجرت میراب، زکاء باقی مانده را بدهند.

س

- شخصی ۲۵ من به وزن محلّی (که هر من هفتاد کیلو است) گندم داشته ۲۰ من آن را به کارگر می‌دهد که آن را درو و پاک کند آیا به آن پنج من که برای خودش باقی می‌ماند زکاء تعلق می‌گیرد یا نه؟ و آیا آن بیست من که عاید کارگر شده زکاء دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر متعارف باشد که اجرت درو کردن و پاک نمودن را از عین غلّه بدهند بر پنج من باقی مانده زکاء تعلق نمی‌گیرد و اگر متعارف نیست که از عین غلّه بدهند احتیاط لازم آنست که زکاء پنج من را بدهد و اما کارگر اگر فقط اجیر برای درو نمودن و پاک کردن بوده و قبل از تعلق زکاء، مالک سهمی از زراعت نبوده زکاء بر او واجب نیست.

س

- شخصی می‌خواهد زکاء گندم و جو بدهد مبلغ ده هزار تومان خرج جوی تلمبه یا قنّاء کرده است آیا این ده هزار تومان، همان سال اوّل از مخارج حساب می‌شود یا خیر؟ چون نمی‌داند این جوی چند سال دوام دارد و نیز مقنّی برای تلمبه یا قنّاء پشته زده و مثلاً پنج هزار تومان شده آیا این پنج هزار تومان را از سال جاری کسر کند بعد زکاء دهد یا خیر؟.

ج

- خرج ایجاد نهر یا استخر یا کندن چاه یا نصب تلمبه از مؤنه زراعت نیست.

س

- گندم را چیده و در خرمن دج نموده‌ایم آیا می‌شود مخارج کارگرانی که مزد گرفته‌اند از گندم کسر نماییم و بعد زکاة بدهیم یا خیر؟

ج

- اجرت کارگر از کاه و گندم بالنسبه اخراج می‌شود و پس از اخراج آن زکاة ما بقی داده می‌شود.

زکاة به عهده کسی است که حین انعقاد حبه مالک زراعت باشد

س

- زکاة مال به عهده موجر است یا مستأجر و یا از خود مال باید برداشته شود؟

صفحه : ۴۱۴

ج

- زکاة به عهده مستأجر است.

س

- ملکی که به رعیت، اجازه داده می‌شود زکاة زراعت آن به عهده مالک است یا رعیت و آیا رضایت زارع و عدم رضایت او موجب تفاوت در حکم می‌شود یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، زکاة بر رعیت است که حین انعقاد حبه مالک غله می‌باشد چه اجاره با رضایت زارع باشد و چه بدون آن، نهایت در صورت اول باید اجرة المسماة به مالک بدهد و در صورت دوم اجرة المثل، لکن اگر بنحو مزارعه باشد سهم هر یک که بحد نصاب برسد باید زکاة خود را بدهد.

س

- شخصی زمینی را در تصرف دارد ولی مالک آن نیست و با زید قرار داد می‌کند که زید با بذر خود، زمین را کشت کند و درو نماید و گندم آن را با آن شخص، تنصیف کند و او هم گندم خود را با پسرش که جدا زندگی می‌کند قسمت می‌نماید در این صورت زکاة بر، کیست؟

ج

- هر کس مالک گندم باشد اگر سهم خودش بحد نصاب رسید زکاة بر او واجب است چه مالک زمین باشد و یا نباشد. بلی اگر

زمین را که تحت اختیار زارع گذاشته غصب باشد، مزارعه، صحیح نیست و مقداری که مقرر شده که سهم غاصب باشد در صورتی که مالک، مزارعه را امضاء کند مال مالک زمین است و زکاء هم بر او است و اگر رد کند مال زارع است.

س

- شخصی عوض اجرت کارش به قدری گندم بدست آورد که به حد نصاب بود آیا زکاء به این گندم تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- زکاء به آن تعلق نمی‌گیرد.

در زکاء، اداء عین لازم است یا قیمت هم مجزی است

س

- گوسفند یا گاوی که انسان از بابت زکاء باید بدهد، جائز است که بفروشد و پولش را تقسیم نماید یا نه؟.

ج

- فروش زکاء بدون اذن حاکم شرع مشکل است لکن جائز است قیمت گاو یا گوسفند را بدهد و اداء عین، لازم نیست و قیمت را می‌تواند بین چند نفر تقسیم کند و چنانچه بخواهد از عین بدهد واجب است یک حیوان تمام به یک فقیر،

صفحه : ۴۱۵

داده شود.

در وجوب زکاء، غنی معتبر نیست

س

- اگر شخصی مؤنه سالش را نتواند فراهم نماید و به عسرت بگذارند یا قرض دارد و نتواند قرضش را اداء کند و مقداری زکاء هم بر او واجب شده، باید اداء نماید یا نه؟.

ج

- زکاء را باید اداء کند و اگر فقیر باشد دیگری می‌تواند به او زکاء بدهد.

چیزی که ملک جهت است زکاء ندارد

س

- در محلی، شرکت زراعی تشکیل شده گندم و آرد در معرض فروش قرار می‌دهند. خریدن این گندم و آرد با آن که زکاء آن را

نمی‌پردازند چه صورت دارد؟.

ج

- با علم به تعلّق زکّاه بعین گندم مورد ابتلاء، معامله نسبت به مقدار زکّاه، فضولی است و خریدار، مالک آن مقدار و فروشنده هم مالک پول آن نمی‌شود و اگر فروشنده، زکّاه آن را ندهد واجب است خریدار با اذن حاکم شرع، زکّاه آن را بدهد لکن اگر دولت، شریک در سهام باشد سهم دولت، زکّاه ندارد.

س

- غلات اربعه که از ملک ثلث و یا وقفی بدست می‌آید زکّاه دارد یا نه؟.

ج

- اگر کسی ملک وقف یا ثلث را اجاره کرده و محصول غلات اربعه آن به تفصیلی که در رساله‌های عملیه ذکر شده بحدّ نصاب برسد مستأجر باید زکّاه آن را بدهد و اگر ملک وقف یا ثلث برای جهتی از جهات عامّه باشد و برای همان جهت که در وقف یا ثلث معین شده کشت کرده باشد زکّاه به آن تعلّق نمی‌گیرد و اگر وقف خاصّ باشد مثل وقف بر اولاد، سهم هر یک به حدّ نصاب برسد زکّاه آن واجب است.

حکم بذری که زکّاه آن پرداخت شده و بذری که زکّاتش پرداخت نشده

س

- تخمی که زکّاه آن را داده‌اند در سالهای بعد، می‌توانند همان مقداری که در سال قبل زکّاه آن را پرداخته‌اند از محصول بردارند و زکّاه آن را ندهند

صفحه : ۴۱۶

یا این که باید در سالهای بعد، زکّاه آن مقدار تخم را بدهند؟.

ج

- از مخارج زراعت، محسوب است و ثانیاً زکّاه، به آن تعلّق نمی‌گیرد.

س

- اگر کسی گندمی را که خمس و زکّاه به آن تعلّق گرفته و نپرداخته بکارد حقّ فقرا را تلف کرده و یا این که تمام محصول آن گندم، متعلّق خمس و زکّاه است؟.

ج

- بنا بر اقوی فقهاء در گندم آن شریکند لکن بعید نیست که اگر خمس و زکاء بذر را بپردازد کافی باشد.

مستحق و مصرف زکاء

س

- آیا کمک به جبهه جنگ ایران و کمک به قحطی زدگان اتیوپی بابت زکاء گندم و جو قبول است یا خیر؟

ج

- کمک به جبهه از زکاء بابت سهم سیل الله مانع ندارد و اما نسبت به قحطی زدگان اتیوپی اگر یقین دارد بدست مسلمان فقیر می‌رسد اشکال ندارد و در صورت شک زکاء محسوب نمی‌شود و مبرئ ذمه نیست.

س

- به یک خانواده مسلمان، که همه آنها احکام دینی را قبول دارند، و بعضی‌شان نماز می‌خواند و بعضی‌شان هم گاهی می‌خواند، و گاهی نمی‌خواند، دادن خمس یا زکاء جایز است یا خیر؟

ج

- در صورت فقر جایز است.

س

- چه می‌فرمایید در این دو مسأله: ۱- مصرف زکاء برای جبهه جنگ ۲- مصرف زکاء برای بنای مسجد؟

ج

- صرف زکاء از سهم سیل الله برای جبهه و مسجد جایز است.

س

- در روستایی که حمام ندارند و غالبا یا همه اوقات در جنابت بسر می‌برند و داخل شدن در مسجد با جنابت، حرام و نماز باطل است و مسجدشان معمولا مثل یک ساختمان معطل می‌ماند با این حال اگر زکاتشان را به مصرف ساختن مسجد برسانند آیا تضييع زکاء نیست؟

ج

- در صورت مفروضه صرف زکاء در ساختن مسجد برای محل مذکور مانعی ندارد و تضييع نیست.

س

- زکاة و خمس را به اشخاص معتاد به تریاک در صورتی که نتوانند ترک کنند می‌شود داد یا نه؟.

ج

- با فرض آن که نتوانند ترک کنند اشکال ندارد بشرط آن که اکتفا به مقداری که اضطرار به آن رفع می‌شود بنمایند.

س

- شخص می‌تواند زکاة مال را به داماد و یا به عروس خود بدهد یا نه؟.

ج

- اگر داماد، فقیر باشد دادن زکاة به او مانعی ندارد و دادن زکاة به عروس اگر شوهرش قدرت بر اداء نفقه او ندارد یا آن که با تمکّن، نمی‌دهد چنانچه عروس، فقیر باشد جائز است.

س

- در رساله عملیه فرموده‌اید (غیر سیّد نمی‌تواند زکاة را به سیّد بدهد) حال اگر غیر سیّد زکاة گرفت آیا می‌تواند خرج خود و عیالش که سیّد می‌باشد بنماید و یا این که مقداری از زکاة را وقتی گرفت و مالک شد به عنوان صدقه مستحبّه یا هبه به سیّد بدهد یا نه؟.

ج

- در هر دو صورت، اشکال ندارد.

س

- مرسوم است یک نفر با سواد را اجیر می‌کنند تا قرآن و بعضی از کتب دینی را به اطفال تعلیم نماید، آیا جایز است اولیای اطفال اجرت او را از زکاة مال خودشان حساب کنند یا نه؟.

ج

- چنانچه کسی او را جهت تعلیم قرآن به اطفال مؤمنین اجیر نماید جایز است که مال الاجاره را بعنوان سهم سیل الله از زکاة بدهد لکن اگر او را فقط برای طفل خود اجیر کند پرداخت اجرت از زکاة مشکل است.

س

- بدهی مستحق را - چه زنده و چه مرده - می‌شود عوض وجوه شرعی و مظالم عباد، حساب کرد یا نه؟.

ج

- جائز است از زکاء، دین فقیری را که مرده اداء نمود لکن از خمس و مظلّم، جائز نیست بلی دین فقیر زنده را مطلقاً جائز است که در ازاء وجوه منطبقه، بر او محسوب دارند اگر چه دست گردان کردن احوط است.

س

- صدی دو، که در موقع خرمن طبق مقرّرات دولت برای عمران

صفحه : ۴۱۸

محلّ از زارعین گرفته می‌شود آیا می‌توان به مصرف تعمیر حَمّام و مسجد و خریداری حصیر جهت مسجد رسانید یا نه؟ و زارعین می‌توانند آن را بابت زکاء، محسوب نمایند یا نه؟.

ج

- با رضایت صاحبان گندم صرف آن، در موارد مذکوره، اشکال ندارد و می‌توانند مصارف مذکوره را بابت زکاء محسوب بدارند.

س

- چه مقدار از زکاء را می‌توان فی سبیل الله مصرف کرد؟.

ج

- توزیع، لازم نیست می‌شود تمام آن را فی سبیل الله مصرف نمود.

س

- آیا می‌شود جهت تعمیر مساجد و عزاداری حضرت ابا عبد الله علیه السّلام از زکاء مصرف نمود؟ و آیا می‌توان زکاء را به فقراء غیر محلّ داد یا نه؟.

ج

- بلی تعمیر و بناء مساجد از زکاء، جائز است و نیز صرف زکاء، جهت مجالس بیان احکام شرع و مواعظ و اقامه عزای اهل بیت علیهم السّلام و هر کاری که موجب تقرّب به خدا و جنبه عمومی داشته باشد و هم چنین نقل زکاء بالخصوص به اماکنی که رجحان داشته باشد- مثل آن که جهت اعطاء به علماء و صرف در حوزه علمیّه نقل دهند- جائز است.

س

- با وجود فقراء می‌شود زکاء را صرف ساختن یا تعمیر حَمّام کرد یا نه؟ در صورتی که اهالی محلّ، تمکّن مالی دارند که از غیر زکاء، حَمّام را تعمیر کنند؟.

ج

- در صورتی که حَمَام، مورد حاجت عموم و وقف عام باشد جائز است از سهم سیل الله، زکوات را به مصرف حَمَام برسانند هر چند فقیر هم در محل باشد.

بلی اگر فقراء، مضطر باشند به طوری که حفظ آنان موقوف به اداء زکاء باشد واجب است صرف آنها بنمایند.

س

- کتب دینی را که محل ابتلاء است می شود از زکاء، خریداری کرد یا نه؟.

ج

- صرف نمودن زکاء در خرید کتاب دینی برای خود، جائز نیست ولی خریدن کتاب دینی، برای دیگران، از زکاء مانعی ندارد.

صفحه : ۴۱۹

س

- برای تعمیر قنّاه و استفاده بیشتر از آب آن جهت زراعت و غیر زراعت آیا می شود از زکاء صرف کرد یا نه؟.

ج

- صرف زکاء در منافع شخصی خود یا اغنیاء جائز نیست بلی اگر مثلاً قنّاه وقف برای شرب و مصارف عمومی مردم باشد صرف زکاء در تعمیر آن، جائز است.

س

- آیا انسان می تواند به ربیبه خود که خرج او را عهده دار است زکاء بدهد؟.

ج

- اگر فقیر باشد اشکال ندارد.

س

- آیا انسان می تواند جزئی زکاتی را که مدیون است جهت عروسی پسرش مصرف کند؟.

ج

- اگر پسر، فقیر است پدر می تواند زکاء خود را برای مخارج عروسی به پسر خود بدهد.

س

- آیا زکاة فرزند به پدر و مادرش می‌رسد یا نه؟

ج

- اداء زکاة به پدر و مادر - جز در مواردی که استثناء شده - جائز نیست.

مسائل متفرقه زکاة

س

- تقریباً چهل سال یا پنجاه سال از سن شخصی می‌گذرد در این مدّت کم و بیش زکاة داده ولی یقین ندارد که تمام آن چه را که تعلّق گرفته، داده باشد اکنون می‌خواهد خود را بریء الذّمّه نماید، چه اندازه از مالش را اخراج کند؟

ج

- قدر یقینی را اداء کند و زائد بر قدر یقینی، واجب نیست.

س

- زارعی از ابتداء، زکاة گندم یا جو، را نداده فعلاً مقدار زیادی زکاة بایستی بدهد که از نظر وضع مالی اداء آن برای او مشکل است آیا می‌تواند کمتر از مقدار یقینی، زکاة بدهد یا لازم است تمام مقدار یقینی را بپردازد؟

ج

- اگر دو نفر این گونه باشند ممکن است هر یک زکاة خود را به دیگری بدهد و الّا می‌تواند در صورتی که واقعا تمکّن عرفی ندارد با مستحقّین، دست گردان نماید.

صفحه : ۴۲۰

س

- آیا انسان می‌تواند وجهی را به مستحقّ بدهد باین نیت که اگر زکاة به ذمه‌اش هست زکاة و اگر مظالم هست مظالم محسوب شود یا نه؟

ج

- اشکالی ندارد.

س

- شخصی با علم به این که گندم و یا جو زکاتش پرداخت نشده بعنوان عامل فروش و یا عامل حمل با کامیون، اجرت فروش می‌گیرد و یا کرایه حمل می‌گیرد آیا زکاة به ذمه عامل فروش و یا به ذمه عامل حمل، می‌آید یا نه؟.

ج

- در فرض مرقوم، عامل و حامل جنس، نیز ضامن زکاة آن هستند. بلی اگر مالک، آن را اداء کند ذمه عامل و حامل نیز بری می‌شود.

س

- هل يجوز للدولة الاسلامیة او الجمعیة الاسلامیة كما فی امریکا مثلا جمع الزکاة من الناس ثم توزیعها علی المستحقین او علی کل شخص إن یدفعها لمن بحسب من اقربائه المحتاجه و ممن یعرفهم الفقراء .. و هذا قد یدفع الاشخاص للتقاعد احيانا عن دفع الزکاة عند ما لا یكون هناك من یطالبه بدفعها مع افتراض غیاب الدافع الشعور بالمسئولیة امام الله؟.

ج

- یجوز للحاکم الشرعی جمع الزکاة و توزیعها علی اربابها و اما الجمعیات الاسلامیة إذا کان بعضهم من المجتهدین یجوز لهم ذلك باذنه و الا یتأذنون من الفقیه.

صفحه : ۴۲۱

مسائل زکاة فطره

اداء فطره قبل از نماز عید و بعد از آن

س

- فطره را به امام مسجدی می‌دهند که به اهلش برساند و امام، وکالت از فقیه معینی ندارد و قصد دارد به فقیری بدهد که اگر نماز عید فطر را یک ساعت دیرتر بخواند می‌تواند به او برساند و حال آن که این کار را نمی‌کند و چند روز بعد به او می‌دهد چه صورت دارد؟.

ج

- در صورتی که امام مسجد، فقیه باشد یا مأذون از فقیه جامع الشرائط و بعنوان ولایت برای فقیر بگیرد تکلیف دهنده ساقط شده و فقیه یا مأذون هر وقت صلاح بدانند به اهلش برسانند و اگر امام جماعت وکیل از قبل دهنده باشد احوط آنست که قبل از نماز عید ردّ کند و اگر رد نکرد بعدا نیز بعنوان زکاة ردّ کند بشرط آن که وکالت مالک، مقتید به قبل از نماز نباشد و الا ثانیاً وکالت لازم است.

س

- علماء فرموده‌اند: (کسی که نماز عید می‌خواند احتیاط آنست که زکاة فطره را پیش از نماز عید بدهد و اگر نماز نمی‌خواند

می‌تواند تا ظهر، تأخیر بیاندازد) حال اگر شخصی مال دارد ولی فعلاً موجود نیست یعنی پول از مردم می‌خواهد یا چک دارد که چند روز دیگر وعده آن می‌رسد آیا واجب است قرض کند و زکاة خود را بدهد یا نه؟ و اگر کسی است که قرض کردن خلاف شأن او است حکمش چیست؟.

ج

- با تمکن از قرض اگر غنی باشد قرض کردن لازم است مگر آن که تحمّل منت قرض، حرج باشد.

صفحه : ۴۲۲

س

- اگر شخصی هنگام تعلّق زکاة فطره، پول نداشته باشد آیا لازم است بهر نحو که شده با قرض یا فروش لوازم زندگی پول تهیه کند تا در وقتش فطرّه را ادا نماید یا تأخیر آن تا گرفتن حقوق مانع ندارد؟.

ج

- در صورت تمکن واجب است قرض نموده و اداء کند و بعد قرض خود را بپردازد و در صورت عدم تمکن صبر کند تا حقوق خود را دریافت نماید. ولی در موقع پرداخت، نیت اداء و قضاء نکند و بقصد قربت مطلقه بدهد.

میزان در غنی که شرط وجوب زکاة فطره است چیست؟

س

- آیا مقصود از غنی بودن که شرط وجوب زکاة فطره است، آنست که از عید فطر گذشته تا عید فطری که رسیده و می‌خواهد زکاة بدهد خرج خود و عیالش را داشته باشد یا این که میزان عید فطر آینده و یا سال خمس است؟.

ج

- میزان، داشتن مخارج بالفعل و یا بالقوه تا سال آینده است.

تأخیر در اداء زکاة فطره با وجود مستحق.

س

- زکاة فطره را در محل داده‌ام ولی مبلغی از آن فعلاً هست که با کسب اجازه، در روز عید غدیر به مستحقین خواهم داد آیا اشکالی دارد؟.

ج

- با وجود مستحق، نگاهداشتن آن تا عید غدیر جائز نیست.

نقل زکاة فطره به محل دیگر

س

- آیا ساکنین تهران که غالباً از شهرستانها هستند می‌توانند زکاة فطره را جهت خویشاوندان به شهرستان خود بفرستند یا نه؟.

ج

- احتیاط واجب ترک نقل زکاة فطره است مگر این که در محل، مستحق پیدا نشود.

س

- در مسأله زکاة فطره فرموده‌اید (به خارج بلد نفرستند) آیا اگر فقیری از محل دیگر بیاید دادن زکاة فطره به او مجزی است یا نه؟.

ج

- حکم عدم اخراج از بلد، مختص به بعد از عزل و تعیین است چون تصرف در مال زکوی، مجوز می‌خواهد لذا گفته‌ایم چنانچه خواست به خارج بفرستد عزل نکند و مال خود را به خارج بفرستد و بعد از وصول به خارج در آنجا بقصد زکاة فطره به مستحق بدهد و دادن زکاة فطره به فقیری که از خارج آمده اشکال ندارد.

صفحه : ۴۲۳

س

- در محلی زکاة فطره زیاد و فقیر پیدا نمی‌شود یا بسیار کم است اکنون آن را در چه راهی مصرف نمایند؟.

ج

- چون نقل این زکاة به شهر دیگر، خلاف احتیاط است و بنا بر احتیاط واجب، مصرف آن، شیعه اثنی عشری است پس اگر در شهر، فقیر نباشد احوط آن است که مال خود را به شهر دیگر ببرد و در آنجا بقصد زکاة فطره به فقرا آنجا بدهد.

اگر زکاة فطره چند نفر بعد از افراز بهم مخلوط شود

س

- عده‌ای بابت زکاة فطره پولهایی به امام جماعت مسجد می‌دهند و امام جماعت موقع پرداخت، قیمت یکی از اجناسی که شرع تعیین فرموده مثلاً جو، حساب می‌کند و به فقیر می‌دهد و یا بدون حساب صد تومان مثلاً که جمع شده به چند نفر فقیر می‌دهد چه صورت دارد؟.

ج

- امام جماعت لازم است وجوه مأخوذه را مخلوط نکند و هر یک را بقصد صاحب آن به فقیر بدهد و اگر مخلوط کرده در موقع اداء، مقدار مأخوذ از هر شخصی را از مجموع جدا کند و بقصد همان شخص بپردازد. بلی جائز است مجموع را به یک نفر فقیر مستحق از طرف همه صاحبان وجه بدهد و در این صورت جدا کردن برای هر نفری لازم نیست.

س

- آیا جائز است پولهایی که اشخاص، بعنوان فطره می‌دهند در صندوق ریخته شود و عالم یا شخص دیگر، تدریجاً در خلال ۷ یا ۸

ماه و بیشتر به مستحقین بدهد یا نه؟ و در صورت جواز، آیا دهنده باید به نیت صاحبان آنها بدهد یا فقط پرداختن، کافیهست؟.

ج

- تأخیر جز، با نبود مستحق، جائز نیست و دهنده اگر وکیل در ایصال است لازم نیست از جانب صاحبش نیت نماید و مخلوط کردن فطره‌ها خالی از اشکال نیست زیرا در اعطاء زکاة لازم است کمتر از یک صاع به هر فقیر داده نشود و در فرض مذکور، گاهی کمتر از یک صاع اعطاء می‌شود مثلاً اگر یک صاع مشاع بین ده صاع از ده نفر، به فقیر داده شود از هر نفری یک عشر صاع داده شده بلی اگر بقصد یکی از آنها یک صاع مفروز کند و بپردازد، اشکال مرتفع خواهد شد و نیز اگر گیرنده زکاة، مجتهد یا وکیل او باشد و در مقام ردّ به مستحق، به نیت هر یک

صفحه : ۴۲۴

از دهندگان، از آن مفروز نماید و بدهد خالی از اشکال خواهد شد.

فطره میهمان

س

- اگر شخصی مهمانی را دعوت کند یا مهمان خودش بیاید و چند روز در منزل او بماند نزدیک غروب شب عید فطر، بیرون برود و بعد از مغرب بیاید و صاحب خانه، یقین می‌داند که امشب موقع افطار، میهمان دارد منتهی بعد از نماز می‌آید آیا فطره او به گردن صاحب خانه است یا نه؟.

ج

- اگر میهمان بعد از مغرب با دعوت، یا بی دعوت، بیاید فطره او بر میزبان نیست و اگر از قبل میهمان باشد لکن پیش از غروب، بیرون رفته و بعد از مغرب باز می‌گردد اقوی وجوب فطره، بر میزبان است.

س

- پیش از غروب شب عید فطر، مهمان وارد شده اما از نان خودش که همراه داشته افطار کرده، آیا فطره او بر صاحب خانه است، یا نه؟.

ج

- اگر مقصود از افطار این است که غذای خود را خورده و فقط در منزل او بوده فطره او بر صاحب منزل نیست و اگر مقصود از افطار اینست که مثلاً یک لقمه نان از خودش خورده ولی مهمان صاحب منزل بوده، و غذای او را خورده صدق عیال می‌کند و فطره او بر صاحب منزل است.

س

- آیا پسری که نانخور پدر است اگر اتفاقاً شب عید مهمان شد و صاحب خانه زکاة فطره او را داد از پدر ساقط می‌شود یا خیر؟.

ج

- بلی از پدر ساقط می‌گردد.

س

- زکاة مهمان که بر صاحب خانه است اگر خود تنها به مهمانی آمده باشد آیا زکاة عیالش باز به عهده خودش است یا خیر؟.

ج

- بلی زکاة عیال او به عهده خودش است.

مستحق و مصرف زکاة فطره

س

- سیدی هنگام غروب شب عید فطر به منزل غیر سید وارد شده آیا فطره آن سید را باید به سید داد یا به غیر سید هم می‌توان پرداخت و حکم عکس مسأله را نیز بیان فرمائید.

ج

- کسی که سید نیست فطره سیدی را که مهمان یا نانخور اوست

صفحه : ۴۲۵

نمی‌تواند به سید بدهد و اما سید، جائز است که فطره را به سید بدهد، هر چند نانخور او غیر سید باشد.

س

- در محلّی، جهت تبلیغ در ماه مبارک رمضان، از اهل علم دعوت می‌کنند، می‌خواهند وجهی را که به او می‌دهند از زکاة فطره پردازند اگر آن عالم، محتاج نباشد آیا جایز است از سهم سبیل الله به او فطره بدهند یا خیر و چنانچه فطره را قبول نکنند، تکلیف، چیست؟.

ج

- احتیاط لازم در مصرف زکاة فطره، دادن آن به فقیر است و اگر فقری قبول کند و با طیب نفس به کسی بدهد مانع ندارد بشرط آن که فقیر به مقداری که مطابق شأن خودش هست ببخشد و لکن اگر دهنده زکاة شرط کند که فقیر، زکاة را قبول کند و به دیگری بدهد جائز نیست و براءت ذمه، حاصل نمی‌شود.

س

- امام جماعتی با این که اظهار استطاعت می‌کند و درس هم نمی‌خواند مع ذلک زکاة فطره می‌گیرد حکمش چیست؟.

ج

- استطاعت، در بعضی از صور، با فقر سازگار است بنا بر این تا فعل او قابل حمل بر صحت است حمل بر صحت شود، علاوه اگر محتمل باشد که زکاة را با اجازه مجتهد می‌گیرد که به مستحقین برساند در این صورت نیز عمل او محمول بر صحت است بلی کسانی که زکاة را می‌پردازند در صورتی بریء الذمه می‌شوند که علم به فقر و استحقاق گیرنده داشته باشند یا بدانند که وکیل

مجتهد است.

س

- آیا می‌شود زکاة فطره را به فقیری که نماز نمی‌خواند اما مریض و علیل است و قدرت بر کار ندارد داد یا نه؟.

ج

- بلی جائز است بشرط آن که مؤمن باشد.

مسائل متفرقه زکاة فطره

س

- آیا سربازی که دولت، غذا و خوراک او را در سرباز خانه می‌دهد فطریه دارد یا نه؟ و اگر دارد چه کسی باید پرداخت کند؟.

ج

- اگر غنی باشد یعنی مخارج سال خود را فعلاً داشته باشد، فطریه بر او واجب است و خودش باید بدهد.

س

- در زکاة فطره، قیمت جنس را که حساب می‌کنند آیا نرخ دولتی

صفحه : ۴۲۶

جنس که می‌دانیم در بازار آزاد بیش از اینها است و مقداری از قیمت آن را دولت پرداخته تا تقلیل یافته و به قیمت نازل در دست مردم قرار گرفته، حساب می‌شود یا به نرخ بازار آزاد باید محاسبه کرد؟.

ج

- به نرخ بازار آزاد، باید پرداخت شود.

س

- اگر ظرف یا فرشی بعنوان فطریه، عزل شود آیا شخص می‌تواند بدون اجازه فقیر در آن تصرف بنماید و قیمت آن را بدهد یا باید با اجازه فقیر باشد؟.

ج

- بنظر این جانب غیر از اثمان، از بابت قیمت فطریه دادن، خلاف احتیاط است لکن فعلاً- که معین کرده احوط آنست که با اذن فقیر، تبدیل نمایند.

صفحه : ۴۲۷

مسائل حج و عمره

استطاعت

س

- آیا به زنی که شوهرش بدهکار می‌باشد و ماهیانه مقدار زیادی نزول می‌دهد حج واجب می‌شود یا نه؟.

ج

- اداء دین شوهر بر زن واجب نیست و اگر استطاعت دارد واجب است حج خود را به جا آورد.

س

- کسی که به اندازه مخارج حج دارد ولی برای پسرش ازدواج نکرده و یا فرزندش مریض و محتاج به معالجه و درمان است در این صورت حج مقدم است یا این امور یعنی ازدواج و معالجه؟.

ج

- اگر از جهت ترک تزویج، در عسر و حرج واقعی نمی‌شود حج مقدم است و اگر امر دائر شد بین حج و معالجه مرض، معالجه مقدم است و مستطیع نیست.

س

- کسی که از سال قبل مستطیع است ولی هنوز به مکه مشرف نشده آیا می‌تواند در ایام خارج از شهر حج برای عمره مفرده مشرف شود یا خیر؟.

ج

- بلی جایز است لکن اگر رفتن برای عمره مفرده موجب سلب قدرت او از انجام حج واجب شود جایز نیست.

س

- مدیران گروه حج، اشخاصی را بعنوان روحانی و یا کارمند با خود به مکه می‌برند و فقط مخارج رفت و برگشت را به آنها می‌دهند در این فرض حج بر آنها واجب می‌شود؟ و در صورت عدم وجوب می‌توانند عوض دیگری حج به جا آورند

صفحه : ۴۲۸

یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، اگر بعد از رسیدن به میقات، دارائی آنها وافی به لباس احرام و قربانی و مخارج عائله‌شان در این مدت باشد مستطیع می‌باشند و واجب است برای خود حج به جا آورند و اگر وافی نیست یا در سالهای قبل، حج خود را انجام داده‌اند می‌توانند

از دیگری در حج میقاتی نیابت نمایند.

س

- کسی که مستطیع بوده ولی هنوز به مکه مشرف نشده اگر در غیر ماههای حج برای عمره مفرده به مکه مشرف شود از استطاعت مالی می‌افتد و نمی‌تواند در ایام حج به مکه برود آیا می‌تواند برای عمره برود یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر در همان سال، استطاعت پیدا کرده و هنگام فراهم نمودن مقدمات سفر حج نرسیده و علم به تمکن از حج در وقت خود ندارد جایز است آن مال را صرف عمره مفرده نماید و لکن اگر علم دارد که متمکن از حج در وقت آن است در این صورت قبل از اوان حج احتیاط واجب عدم صرف آن مال در عمره مفرده است و در اوقاتی که باید مقدمات و وسائل سفر حج را تهیه نمود جایز نیست.

س

- این جانب قصد زیارت بیت الله را دارم و با این که شوهرم ثروتمند است مانع رفتن بحج است و راضی نمی‌شود که مقداری از اموال را جهت حج بفروش برسانم در این صورت تکلیفم چیست؟ اطاعت شوهر مقدم است و یا حج؟.

ج

- حج مقدم است و در ترک واجب نباید اطاعت شوهر کرد.

س

- افرادی مثل دکتر و آشپز مستطیع هستند و حمله‌دارها آنان را بعنوان طبابت و آشپزی به مکه می‌برند آیا با این که به این عنوان به مکه می‌روند می‌توانند اعمال حج را بقصد حجه الاسلام انجام بدهند و اسقاط تکلیف از آنها می‌شود یا نه؟.

ج

- همان حج را بقصد حجه الاسلام به جا آورند مجزی است.

س

- شخصی در بلد مستطیع نیست ولی در میقات، مستطیع می‌شود آیا حج او مجزی از حجه الاسلام هست یا نه؟.

ج

- مجزی است.

س

- شخصی دارائیش را که در حدود سیصد هزار تومان از املاک مشاع بوده به ورثه خود که پنج دختر می‌باشند صلح کرده فرزندان نیز درآمد آن را به پدر تا آخر عمر مصالحه نموده‌اند و اکنون تمام مال بعنوان بهره برداری تحت تصرف او می‌باشد یکی از ورثه، هنگام صلح و مصالحه در حال احتضار بوده و بعداً فوت شده در این صورت قضای حج برای شخصی که فوت شده لازم است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال که زمان استطاعت در حال حیات، قابل انجام حج نبوده، استیجار حج برای او واجب نیست.

س

- کسی درآمد خود را ذخیره می‌کند که بعد از مدتی خانه کوچک خود را که به سختی در آن زندگی می‌کند تبدیل به خانه وسیعی نماید حال اگر بتواند قبل از خرید خانه به حج برود آیا حج بر او واجب است یا این که لزوم خانه مانع از وجوب حج است؟.

ج

- اگر قبل از اوقات مهیا شدن برای حج، صرف خانه مسکونی نماید، مانعی ندارد لکن اگر تا اوان حج نخریده واجب است در صورت وجود سایر شرایط، حج را به جا آورد.

س

- زنی است که بیست و پنج هزار تومان آب و ملک از ارثیه پدر دارد و در ذمه شوهرش مهریه هم دارد و در ضمن عوائد این آب و ملک مخارج سالانه او و شوهرش می‌باشد زیرا شوهر او مالی از خود ندارد، آیا این زن مستطیعه است یا نه؟.

ج

- در صورتی که قبلاً حج بر او مستقر نشده و فعلاً هم اگر بخواهد برود و برگردد امر معاش او و شوهرش مختل می‌شود استطاعت ندارد.

س

- کسی ملکی دارد که برای مخارجش کافی نیست و از سهم مبارک امام علیه السلام مصرف می‌کند و اگر آن ملک را بفروشد به اندازه مخارج مکه هست و لکن در مراجعت باز باید از سهم مبارک امام علیه السلام مصرف نماید آیا استطاعت برای چنین شخصی حاصل است یا نه؟.

ج

- لازم نیست شخص مذکور ملک را بفروشد بنا بر این مستطیع نیست.

س

- شخصی جهت انجام اعمال حج، نائب می‌شود و پس از نائب

صفحه : ۴۳۰

شدن، خودش استطاعت پیدا می‌کند در این صورت اجاره باطل می‌شود یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال که استطاعت، از غیر جهت اجاره حاصل شده، کشف می‌شود که اجاره باطل بوده و باید حج خود را به جا آورد.

س

- شخصی در حجة الاسلام بعد از اعمال عمره در روز هفتم در اثر تصادف با ماشین در حال بی‌هوشی او را به ایران آوردند حال آیا در سالهای بعد باید خودش به مکه برود و یا نائب بگیرد و یا اصلاً بریء الذمه شده و چیزی بر او واجب نیست و استقرار حج در سالهای قبل برای او و یا عدم استقرار، فرقی دارد یا نه؟ و در صورت وجوب نیابت، حج میقاتی جهت او کافی است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر در سال او استطاعت او بوده و فعلاً دیگر استطاعت ندارد واجب نیست ولی اگر فعلاً استطاعت دارد واجب است عمره و حج تمتع را ثانیاً به جا آورد و هم چنین اگر از سالهای قبل، مستطیع بوده باید عمره و حج را به جا آورد و با عذر شرعی، گرفتن نائب کافی است و در مواردی که جایز باشد نائب بگیرد حج میقاتی کافی است.

س

- زنی است فقیر و بی‌بضاعت، فرزندش می‌خواهد او را با خود به مکه ببرد ولی شوهرش می‌گوید من راضی نیستم، آیا حج بر این زن واجب است یا نه؟ و اجابت دعوت کننده برای حج در غیر صورت فوق واجب است یا نه؟.

ج

- در این صورت حج واجب است و زوج حق منع ندارد و اجابت دعوت کننده برای حج، در غیر این صورت نیز واجب است.

س

- شخص لال اگر مستطیع باشد واجب است برای انجام عمل حج به مکه برود یا نه؟.

ج

- بلی واجب است و در نماز به جای قرائت اشاره کند و اگر می‌تواند زبان را حرکت دهد.

س

- این جانب چند سال قبل، ازدواج کردم و مهریه‌ام هفت هزار و پانصد تومان می‌باشد و در آن زمان هزینه حج، خیلی کمتر از هزینه فعلی بود و خودم را با این مهریه مستطیع می‌دانستم ولی شوهرم مهریه مرا نداده بود که بحج مشرف شوم بنا بر این فعلاً بر من واجب است که به مکه بروم یا نه؟.

صفحه : ۴۳۱

ج

- در فرض سؤال اگر شوهر شما متمکن بوده که مهریه شما را بدهد و مع ذلک مسامحه کردید و نگرفتید، حج بر شما مستقر شده و باید به جا آورید و اگر متمکن نبوده و یا اگر متمکن بوده به هیچ نحو حاضر نبوده مهریه شما را اداء کند و شما هم قدرت بر گرفتن نداشتید، حج بر شما واجب نشده است.

س

- کسی که استطاعت بدنی ندارد اما استطاعت مالی دارد آیا در زمان حیات خود لازم است برای حج نائب بگیرد یا نه؟ و در صورت لزوم آیا استتابة از میقات، کفایت می‌کند یا نه؟.

ج

- اگر رجاء حصول استطاعت بدنی ندارد باید نائب بگیرد و استتابة از میقات، کافی است و اگر رجاء دارد احتیاط واجب آن است که نائب بگیرد و اگر رفع عذر شد خودش نیز بحج برود. و در صورتی که پس از رفع عذر استطاعت مالی پیدا نکند لازم نیست به حج برود.

س

- زنی از جهات مالی استطاعت دارد و لکن از لحاظ بدن، دارای چندین مرض است از جمله آنها درد پا، که به محض چند قدم راه رفتن از پا در می‌آید با این حالت دیگری را نائب بگیرد یا نه؟.

ج

- در صورتی که به هیچ وجه نتواند اداء تکلیف نماید و لو به این که او را طواف بدهند و در سعی بین صفا و مروه سواره او را سعی بدهند و مأیوس از رفع کسالت و تمکن در آتیه باشد، می‌تواند در حال حیات خود نائب بگیرد.

س

- حمله‌دارها به شخصی می‌گویند اگر ده نفر حاج فراهم کردی که با کاروان ما به مکه بیایند تو را مجانی به مکه می‌بریم در صورتی که حمله‌دارها به حجاج اجحاف می‌کنند بنا بر این، شخص مزبور سبب اجحاف و اغفال حجاج شده است حال آیا رفتن او مشروع است و کفایت از حجه الاسلام می‌کند یا نه؟.

ج

- این کار، ضرری بحج او نمی‌زند و کفایت از حجه الاسلام می‌کند ولی اجحاف و اغفال مسلمین مذموم است.

س

- به ساکنین مکه همه ساله حج واجب است یا نه؟.

ج

- بر هر مستطیع خواه ساکن حرم باشد یا بعید، در عمر، بیش از یک مرتبه حجه الاسلام واجب نیست. بلی از جهات دیگر ممکن است در سالهای دیگر بر بعضی واجب شود.

صفحه : ۴۳۲

س

- طلبه‌ای که قیمت کتابهای او از مصارف حج بیشتر است آیا واجب است که کتابهایش را بفروشد یا قرض نماید و به حج برود در حالی که برایش ممکن است که بعدها تدریجا همان کتابها را تهیه نموده و یا قرض را اداء کند؟.

ج

- در صورتی که کتابها مورد حاجت فعلی او نباشد و فروش آنها ممکن باشد واجب است - و لو با استقراض - به حج برود.

س

- شخصی مدیون است بدین حال، یعنی وقت پرداخت آن رسیده و قادر بر اداء آن می‌باشد و دائن جدا مطالبه دین خود می‌نماید و به هیچ وجه راضی بتأخیر نیست. آیا جایز است چنین شخصی قبل از اداء دین بحج مشرف شود یا نه؟.

و حج واجب یا مستحب از او صحیح است یا نه؟.

ج

- در صورتی که شخص مدیون، ثروتمند باشد اداء دین و به جا آوردن حج هر دو بر او واجب است و اگر عصباناً اداء دین نکرده مکه برود حج او صحیح است ولی گناه کرده. بلی اگر قبلاً مستطیع نبوده و فعلاً هم اگر دین را اداء نکند نمی‌تواند به مکه برود حج بر او واجب نیست زیرا مستطیع نیست لکن مع ذلک اگر معصیت کند و حج برود حج او صحیح است و بعد از حصول استطاعت، واجب است دوباره به مکه برود و در صحت حج، فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.

س

- شخصی که استطاعت بدنی و مالی داشته و عسیانا به مکه نرفته و فعلا عاجز شده آیا می‌تواند برای خود نایب بگیرد که حج میقاتی به جا آورد یا نه؟.

ج

- اگر فعلا قدرت ندارد و مایوس از توانائی بر رفتن خود در آینده نیز باشد می‌تواند جهت حج میقاتی نایب بگیرد.

س

- زنی که خودش استطاعت مالی جهت رفتن حج دارد- و لو به این که مهریه خود را از شوهر بگیرد- ولی اگر اموال خود را صرف حج نماید بعدا زندگی بر او سخت می‌شود از این نظر که شوهرش نمی‌تواند وسائل زندگی او را مانند قبل فراهم نماید آیا این زن می‌تواند بحج برود یا نه؟.

ج

- اگر به نحوی باشد که با مصرف کردن اموال خود، زندگی آنان مختل می‌شود مستطیعه نیست.

س

- چند سال قبل شخصی به شبهه استطاعت رجاء بحج مشرف

صفحه : ۴۳۳

شده و بعد از مراجعت هم قرضهای او اداء شده و اخلاقی هم در امر معاشش پیدا نشده در این صورت حج مذکور کفایت از حجه الاسلام می‌کند یا نه؟.

ج

- اگر فعلا هم شک در استطاعت خود در آن سال دارد آن حج، مجزی از حجه الاسلام نیست.

س

- شخصی موقع حرکت حجاج، مستطیع شده اما به هیچ عنوانی نمی‌تواند برود و برای سال آینده از استطاعت افتاده نظر مبارک را در باره چنین شخصی بیان فرمائید.

ج

- در مفروض سؤال شخص مذکور، مستطیع نیست.

س

- شخصی استطاعت مالی جهت حج دارد ولی فعلا وجه موجود ندارد بلکه مطالباتی از اشخاص دارد که پس از شش ماه و یا یک سال دیگر وصول می‌شود در این صورت واجب است قرض نماید و بحج مشرف شود یا بگذارد سال آینده برود؟.

ج

- شخصی که از مردم بقدر رفتن مکه طلب دارد ولی مطالبات او را نمی‌دهند قرض کردن بر او واجب نیست لکن طلب اگر معجل باشد گرفتن آن برای انجام حج، و لو به مرافعه نزد حاکم شرع یا به وسیله دیگر لازم است و اگر قرض کرد و بعد هم قادر بر اداء می‌باشد مستطیع است و باید به مکه برود و اداء دین، در سال بعد، جزء مؤنه سال بعد است که از ربح همان سال بدون اخراج خمس، می‌شود اداء کرد.

س

- زنی مثلا مهرش بیست هزار تومان است و شوهرش هم قدرت بر اداء آن دارد آیا آن زن مستطیعه است، و مطالبه نمودن مهر- هر چند منجر به نزاع شود- واجب است یا نه؟.

ج

- اگر شوهر قدرت بر اداء داشته باشد و زن بتواند از او وصول نماید مستطیعه است و واجب است از او بگیرد و حج را به جا آورد اگر چه با اوقات تلخی باشد.

س

- شخصی مستطیع است و قصد دارد به مکه برود ولی وجه نقد ندارد فقط اعتبار بانکی دارد آیا می‌تواند از بانک وام بگیرد که بعد از اموال خود بفروشد

صفحه : ۴۳۴

و بدهی بانکی خود را بپردازد یا نه؟.

ج

- گرفتن قرض ربوی حرام است و لکن اگر بیکی از عناوین محله بگیرد مانع ندارد و اما راجع به فروش مال اگر فعلا ممکن است، اگر چه به کمتر از قیمت باشد، واجب است بفروشد و در همین سال به حج برود و اگر فروش آن ممکن نیست مگر به قیمت بسیار کم که اجحاف است، در این سال واجب نیست حج به جا آورد و لازم نیست قرض کند لکن اگر قرض کرد و متمکن از اداء حج شد حجه الاسلام او صحیح است و این احکام در صورتی است که سال اول استطاعت او باشد و اما اگر از سالهای قبل مستطیع بوده و مسامحه در اداء حج نموده تاخیر آن به هیچ وجه جایز نیست.

س

- این جانب .. ساکن مازندران قصد تشرّف به مکه داشتم هر چه کردم موافقت نشد اکنون شخصی می گوید اگر مبلغ ۲۵ هزار تومان بمن بدهی نام تو را در لیست کسانی که اسمشان در آمده و عازم مکه اند خواهم نوشت، استدعا از آن مرجع بزرگ دارم که وظیفه مرا بیان نموده و بفرماید که آیا با این شرایط باید به مکه بروم یا نه؟.

ج

- این اجحاف است و تحمل آن واجب نیست و در صورتی که سال اول استطاعت باشد مانع از حصول استطاعت است، مکرر نظیر این سؤال از حقیر شده است و علی الاسلام السلام از قد بلیت الامّة برعاه امثال هؤلاء. بعید می دانم که مقامات مملکت با امتحاناتی که سازمان اوقاف در این چند سال داد از این سوء استفاده ها مطلع نباشند مع ذلک برای این که مردم را در انجام امور مذهبی گرفتار و در زحمت بیندازند و آزادی آنها را سلب نمایند با این که سفر به تمام نقاط دنیا حتی به مراکز قمار و فحشاء آزاد است در سفرهای مذهبی و حج و زیارت مداخله می نمایند و از جهات متعدّد مردم را ناراضی و خشمگین می سازند که در مواقع حج و مشاهد مشرّفه نیز آنان را از نفرین فراموش ننمایند. مکرر اعلام نموده ایم که غرض از تاسیس سازمان اوقاف در اختیار گرفتن مذهب برای اجراء مقاصد دستگاه و سلب استقلال از روحانیت و بی اثر کردن مساجد و مشاهد و برنامه های مذهبی است اگر مقامات بنای ضدیت با اسلام و قصد تغییر شخصیت اسلامی جامعه را

صفحه : ۴۳۵

ندارند و می خواهند با فساد مبارزه کنند باید این سازمان را فوراً منحل نموده و به مداخلات نامشروعش خاتمه دهند و در هیچ ملت و مذهب و قانونی دیده و شنیده نشده است که برای عبادات عوارض قرار داده باشند و این عمل اوقاف در حقیقت عوارض حج و زیارت است.

س

۱- اشخاص مستطیع که قصد زیارت خانه کعبه را دارند تقریباً سه ماه قبل از حرکت، مشغول انجام کارهای مقدماتی از قبیل گرفتن گذرنامه و غیره می باشند اکنون شخصی که کارمند دولت است و سه ماه قبل از حرکت مستطیع نیست تا مشغول کارهای مقدماتی شود و اطمینان دارد که اگر پیش آمدی رخ ندهد ممکن است هر ماه مبلغی از حقوق خود پس انداز نموده و در موقع حرکت مستطیع شود تکلیف چنین شخصی چیست؟.

ج

- در فرض سؤال اگر استطاعت مالیه دارد باید مقدمات آن را از قبیل گذرنامه و غیر آن تحصیل نماید ولی پس انداز کردن برای تحصیل استطاعت واجب نیست.

س

- زنی است که مهریه او وافی بحج هست ولی محتمل است بعد از صرف مهریه برای انجام حج، شوهر، او را طلاق دهد و یا این که شوهر از مهریه او می خواهد برای اداء دیون خود استفاده کند در این صورت زن چه تکلیفی دارد؟.

ج

- در فرض سؤال که مهریه وافى به مخارج حج باشد، زن مستطیع است و واجب است مهریه خود را صرف حج نماید و مجرد طلاق، باعث عدم وجوب حج نیست. بلى اگر صرف مهریه در حج باعث شود که زندگى او مختل گردد حج بر او واجب نیست.

س

- شخصى عیال ندارد و بمقدار مخارج حج، پول دارد آیا حج برود و یا آن پول را صرف ازدواج کند؟.

ج

- با فرض آن که استطاعت دارد واجب است حج برود.

س

- شخصى عینى را مسلوب المنفعه به فرزند خود صلح کرده ولى فرزند قبل از پدر، فوت نموده آیا صلح این عین در صورت واجد بودن شرایط دیگر موجب وجوب حج بر مصالح له مى گردد و باید ورثه او استیجار حج برای او بنمایند یا نه؟.

صفحه : ۴۳۶

ج

- در صورتى که ارزش آن عین مسلوب المنفعه وافى به مخارج حج بوده و مى توانسته آن را بفروشد استطاعت مالیه داشته و باید برای او حج استیجار شود.

س

- کارمندی بازنشسته‌ام و در منزل استیجاری سکونت دارم مدت‌ها است که با نهایت صرفه جویی، امرار معاش نموده‌ام و تا بحال مبلغ هشتاد هزار تومان پس انداز کرده‌ام که خانه‌ای تهیه کنم با توجه به مسأله ۲۰۴۵ رساله آن جناب ۱ و با گواهی بر این که هر فردی، داشتن خانه محقر ملکى را از هر حیث بر استیجاری ترجیح مى‌دهد استدعا دارم که در اطراف کلمه (رفع احتیاج) توضیح بیشتری داده و بفرمایید که آیا حج واجب به من تعلق گرفته یا نه؟ و ضمناً چند سال پیش شخصى از بستگان که حج واجب خود را انجام داده بود و مى‌خواست برای ماموریتی به مکه برود و از هر جهت مورد اعتماد بود چون از وضعم بخصوص عدم سلامتی من مسبوق بود از من خواست به او وکالت دهم تا اعمال حج را برایم انجام دهد من هم شفاهاً به او وکالت دادم و او قبول نمود و وجه قربانی را به او پرداختم و او بعداً هزینه‌های دیگر را با نهایت میل به من بخشید حال اگر حج بر من واجب بوده آیا به نظر حضرت آیه الله حج مذکور به این نحو کافی است یا نه؟.

ج

- چنانچه از جهت نداشتن منزل ملکى، در حرج شدید واقع نمى‌شوید حج واجب است و اگر موقعی که جهت حج نیابتی، وکالت

داده‌اید استطاعت بدنی جهت رفتن به مکه و انجام اعمال حج نداشته‌اید و فعلاً هم ندارید و مایوس از پیدا شدن قدرت بدنی بوده و هستید همان حج نیابتی کافی است.

س

- کسی که فعلاً استطاعت مکه رفتن را دارد ولی مقداری زکاء از چندی قبل بدهکار است که اگر آن را پردازد قدرت رفتن ندارد در این صورت جایز است به مکه برود و بعداً زکاء را تدریجاً بدهد یا نه؟ و در صورت عدم جواز (۱) کسی که بدون خانه ملکی رفع احتیاجش نمی‌شود وقتی حج بر او واجب است که پول خانه را هم داشته باشد.

توضیح المسائل حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی صفحه ۳۷۸ علی کریمی جهرمی

صفحه : ۴۳۷

اگر مکه برود و بعد از برگشتن، زکاء را بدهد مجزی از حجه الاسلام است یا نه و فرقی بین عالم به مسأله و جاهل به آن هست یا نه؟.

ج

- واجب است زکاء را بدهد و اگر زائد بر آن ندارد، مستطیع نیست و این حج مجزی از حجه الاسلام نیست. بلی اگر بمقدار زکاء داشته باشد و بعلاوه بمقدار استطاعت هم داشته باشد مستطیع است و حج بر او واجب است و در این صورت حج او مجزی از حجه الاسلام است اگر چه عصیاناً زکاء را تاخیر انداخته و فرقی بین عالم و جاهل نیست.

س

- الرجل لم یکن مستطیعاً و لكن قسم الله له الوصول إلى بیت الله الحرام بصفة طعام الحاج و نوى إن ينوب عن احد ابويه بدون إن یوصی الیه بالنیابة و طاف طواف النساء و لم یطفه لنفسه جاهلاً متعمداً و لا یمكنه الحج مرة اخرى لعدم نفقه الطريق کما لا یخفی علی سماحتکم فی هذا الوقت من اجرة الطائفة و لا- یتمكن من طریق آخر فهل یجوز له إن یتنوب عن طواف النساء نیابة عنه؟.

ج

- یجب علی النائب إن یطوف النساء عن المنوب عنه و لا یصح إن ینوبه لنفسه فعلی هذا، لا اشکال فی صحة طوافه نیابة عن احد ابويه فی الفرض و لا- یجب علیه طواف النساء لنفسه. نعم فی المسألة اشکال آخر من جهة انه اذا کان متمکناً من شراء الهدی و لا یختل امر معاشه بعد الرجوع من الحج بذلك، حصلت له الاستطاعة، و کان الواجب علیه الحج لنفسه، و حیث لم یأت به وجبت علیه حجة الاسلام و لو متمسکاً.

س

- بنده که یکی از دبیران آموزش و پرورش تهران هستم در سال گذشته در اثر اضافه کاری که یک جا دریافت نمودم پولم به اندازه سفر حج رسید و من تصمیم به ثبت نام گرفتم و تمام مدارک را حاضر کردم ولی در موقع ثبت نام گفتند باید حتماً برگ

خاتمه خدمت داشته باشی و چون من در آن موقع، خدمت سربازی را در وزارت آموزش و پرورش و محل کارم می‌گذراندم از ثبت نام من جلوگیری بعمل آمد حال در خرداد ماه امسال - ۱۳۵۵ - سربازی من تمام می‌شود، در این صورت آیا در سال گذشته، واجب الحج بوده‌ام یا نه؟ در صورتی که در آن موقع، تازه متأهل شده بودم و با پدرم زندگی می‌کردم و خانه جداگانه نداشتم و بعد

صفحه : ۴۳۸

از رد شدن از سفر، پول را صرف خریدن ماشین که یکی از ضروریات زندگی من در آن موقع و در حال حاضر بود نمودم؟.

ج

- در فرض مرقوم، اگر مانعی که برای شما پیش آمده در سال گذشته متمکن از رفع آن مانع نبوده‌اید، تمکن از سفر حج نداشته‌اید و فعلاً هم که استطاعت مالی ندارید حج بر شما واجب نیست و در آینده إن شاء الله تعالی هر وقت مستطیع شدید مشرف شوید.

س

- شخصی پول برای حج بحساب ریخته و امسال که نوبت تشرّف او است فوت نموده و وصیّت کرده که شخص خاصی به جای او حج به جا آورد و لکن این شخص خودش مستطیع است و فقط از جهت طریق برایش امکان رفتن نیست آیا می‌تواند با استفاده از نوبت موصی به حج برود؟.

ج

- در فرض سؤال که شخص مذکور از جهت مالی مستطیع است، بهر نحو استطاعت طریقی پیدا کند، حج بر او مستقرّ می‌شود و لازم است حج خود را انجام دهد و باید برای موصی نایب بگیرند تا در همان سال برای او حج به جا آورد و تأخیر جایز نیست و چنانچه تأخیر انداخته شود فوراً ففوراً باید انجام شود.

صفحه : ۴۳۹

نیابت حج

س

- بر نائب واجب است که حج نیابی را خودش انجام دهد و یا می‌تواند دیگری را اجیر کند که حج را انجام دهد؟.

ج

- جایز نیست که نائب، دیگری را اجیر کند مگر با اذن مستاجر.

س

- اگر کسی چند سال قبل، نیابت حج میتی را تعهد کرده و الان خود مستطیع شده کدام یک از اینها را مقدم بدارد؟.

ج

- در فرض مسأله، واجب است برای خودش حج به جا آورد.

س

- اگر کسی چند سال قبل، نیابت حج میتی را به مبلغی قبول کرده و الان مخارج حج، دو برابر شده فعلا که اجیر می‌خواهد حج را به جا بیاورد می‌تواند از ورثه میت بقیه مخارج را مطالبه کند یا نه؟.

ج

- اگر نیابتی را که قبول کرده و اجیر شده، مقید به سال اول بوده و از به جا آوردن حج مانع داشته، اجاره باطل شده و فعلا بر ورثه است که برای مورث به مقداری که وصیت کرده حج میقاتی یا از هر جا بشود، حج استیجار کنند و اگر بدون عذر و مانع، تاخیر انداخته قیمت سال اول را که او باعث فوت حج در آن سال شده ضامن است و اگر بنحو مطلق، اجیر شده باشد به ذمه اجیر است که بعد از رفع مانع، بهر قیمت که باشد حج را به جا آورد و به ورثه مربوط نیست.

س

- شخصی وصیت بحج نموده با این که در زمان حیات، حش را وسیله دیگری انجام داده در این صورت آیا بر وصی واجب است برای او مجددا حج، استیجار نماید یا نه؟.

صفحه : ۴۴۰

ج

- اگر وصیت را بعد از انجام حج کرده باید حج برای او استیجار شود و اگر بعد از وصیت، حج را انجام داده وجوب استیجار آن بر وصی، معلوم نیست.

س

- شخصی روز عید قربان با افراد گروه خود اختلاف پیدا کرده و از روی عصبانیت، عمدا هیچ یک از اعمال منی و مکه را به جا نیاورده در موقع مراجعت به وطن خود یکی از دوستانش در مکه می‌گوید تو هر کاری می‌توانی برای من انجام بده آیا نیابت رفیقش کفایت می‌کند و یا این که چون عمدا ترک کرده کفایت نمی‌کند و در صورت عدم کفایت حالا برای خروج از احرام آیا باید خودش عمره مفرده به جا آورد یا نیابت هم کافی است؟.

ج

- در فرض سؤال که شخصا قدرت داشته بقیه اعمال را خودش انجام دهد، نیابت کافی نیست و با ترک طواف عمدا، حج او فاسد و

احکام احرام او باقی است مگر آن که عمره مفرده به جا آورد و محل شود و در ذی حجه سال بعد ضمن احرام برای حج، قضای اعمال باقیه را نیز به جا آورد و برای افساد حج هم کفاره بدن لازم است.

س

- شخصی مستطیع است ولی هنوز حج خود را به جا نیاورده، وجهی از ورثه میتی قبول می‌کند و در همان سال به مکه می‌رود و لکن آن سال حج نیابتی را انجام نمی‌دهد بلکه برای خودش می‌رود و تصمیم قطعی دارد سال آینده برای متوفی برود این عمل جایز است یا نه؟.

ج

- اجاره برای خصوص سال اول که خود شخص، مستطیع است باطل است و مال الاجاره را مالک نمی‌شود و پول نزد او غصب می‌باشد و واجب است رد کند ولی حج خود او که سال اول مشرف می‌شود صحیح است و سال بعد اگر طرف، مایل بود که این شخص مشرف شود باید تجدید اجاره نمایند و اگر بدون اطلاع برود مال الاجاره، طلب ندارد.

س

- زنی است واجب الحج ولی قدرت مسافرت به خانه خدا را ندارد و برادرش عازم خانه خدا است و پسر برادرش هم برای کمک پدر عازم و نیابت این زن را که عمه‌اش می‌باشد قبول می‌کند ولی سفر اول اوست آیا این حج قبول است یا نه؟.

صفحه : ۴۴۱

ج

- در فرض مسأله اگر عمه مأیوس از رفتن به حج باشد و نائب هم مستطیع و واجب الحج نبوده یعنی نه خودش مال داشته بمقدار استطاعت و نه پدر به او گفته باشد که همراه من بیا برویم حج، خرج ترا می‌دهم، نیابت مذکور صحیح و حج او مقبول است إن شاء الله و اگر مستطیع بوده یا واجب الحج به نحوی که ذکر شد، صحت حج بنظر حقیر مشکل است و چنانچه حج را به نیابت عمه به جا آورد باید هم برای عمه ثانیاً نائب بگیرند و هم برای خودش حج مشرف شود.

س

- شخصی که در طواف حج یا عمره مفرده یا عمره تمتع نایب شده آیا بعد از اداء مناسک خود، آن را به جا آورد. یا مخیر است در تقدیم و تاخیر طواف نیابتی؟.

ج

- در فرض سؤال احوط آنست که بعد از فراغ از اداء مناسک خود، طواف نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام، انجام دهد.

س

- آیا جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا حج که طواف را در غیر موسم به جا آورد یا نه؟.

ج

- طواف عمره تمتع و طواف حج بعنوان نیابت از غیر، واجب است در موسم حج انجام بگیرد یعنی طواف عمره تمتع را در اشهر حج و طواف حج را در ذی حجه روز عید و بعد از آن باید به جا آورد مگر این که منوب عنه طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم، متذکر شود که در این صورت خود او و در فرض عدم تمکن، نایب او می‌تواند طواف را در غیر اشهر حج به جا آورد.

س

- شخصی نماز طواف را بلافاصله به جا آورده و بعد از سعی و تقصیر چون قرائتش درست نبوده برای نماز طواف، نایب گرفت آیا این نماز صحیح است یا نه؟ و به حج او ضرر می‌زند یا نه؟.

ج

- نایب باید نماز را بعد از طواف بخواند و در فرض مسأله که بعد از تقصیر، به جا آورده خلاف احتیاط است ولی مضرّ بحج نیست.

س

- کسی که حج تمتع به جا می‌آورد اگر پس از احرام و بعد از وارد شدن به حرم فوت شود کفایت از سایر اعمال حج می‌نماید یا باید برای او نایب گرفته شود؟.

صفحه : ۴۴۲

ج

- کفایت می‌کند و گرفتن نایب لازم نیست خواه حج خودش باشد یا نایب از غیر باشد.

س

- شخصی چند سال قبل مستطیع بوده و حج نرفته و نزد چند نفر ظاهر الصلاح اقرار نموده که قدرت بدنی ندارم که بحج مشرف شوم و ناامید هستم که بعداً بتوانم حج نمایم لذا شخصی را اجیر می‌نماید که از طرف او حج کند و مبلغی تعیین می‌کند و صیغه اجاره بین آنها جاری می‌شود و اجیر تمام مبلغ را در تصرف می‌گیرد و مخارجی که مقدمه گذرنامه و غیره است می‌نماید بعد از چند روز دیگر زیدی به او می‌گوید برو ادعا کن که خودم حج می‌روم در صورتی که از نقاهاست بدنی که داشته در سال گذشته نتوانسته بحج مشرف شود آیا این صیغه، فسخ می‌شود یا خیر؟ و تکلیف نایب در باره مخارجی که نموده چیست؟.

ج

- در فرض سؤال اگر برای حجه الاسلام اجیر شده و بعد معلوم شود که منوب عنه متمکن شده اجاره باطل است و مقداری که اجیر به امر مستأجر خرج کرده ضامن نیست و اگر برای مطلق حج، اجیر شده اعم از حجه الاسلام و غیره و اختیار فسخ برای مستأجر قرار نداده باشند اجاره لازم است و منوب عنه نمی تواند فسخ کند و اجیر باید عمل را انجام دهد.

س

- شخصی را جهت اعمال حج اجیر می کنند مقداری از مقدمات را انجام می دهد بعد از طریق دوائر دولتی ممنوع السفر می شود و به جای او دیگری را می فرستد آیا این شخص در ازاء آن مقدار از مقدمات که انجام داده استحقاق اجرتی دارد یا نه؟ و آیا حق دارند دیگری را بفرستند یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال که اجیر ممنوع السفر شده اجیر کنندگان حق دارند که شخص دیگری را اجیر کنند و راجع به استحقاق اجرت، اگر او را برای خصوص اعمال حج در همان سال که ممنوع السفر شده اجیر کرده اند استحقاق اجرت ندارد مگر این که مقدمات را بامر مستأجر به جا آورده باشد که چون عمل مسلم محترم است، اجرة المثل عمل خود را استحقاق دارد و اگر او را اجیر کرده اند برای حج و مقدمات، مال الاجاره تقسیط می شود و به مقداری که مقابل مقدمات واقع شده حق دارد.

صفحه : ۴۴۳

س

- آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟.

ج

- بلی جایز است.

س

- شخصی فوت کرده و دو نفر وارث دارد یکی برادر و دیگری همسر و در وصیت نامه برای خود حج بلدی ذکر کرده و قید نموده که مثلاً زید برای من حج انجام بدهد ولی زن متوفی بدون اطلاع وصی، دیگری را جهت انجام حج در نظر گرفته که اعزام نماید حالا آن شخص را که همسر متوفی معین کرده، وصی قبول ندارد و می گوید باید طبق وصیت، عمل نمایم و باید زید حج را به جا آورد آیا آن شخص که از طرف زن پول را گرفته مشغول الذمه است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر شخصی که پول را از زن گرفته بحج نرفته باید بر طبق وصیت عمل شود و اگر بحج رفته و حج را صحیح انجام داده باشد ذمه منوب عنه بری می شود و لکن با علم به این که زن متوفی شرعاً مجاز در استیجار و اداء اجرت از ترکه منوب

عنه نیست حق گرفتن اجرت ندارد، بلی اگر جاهل بوده حق مطالبه اجرة المثل عمل را از شخص آن زن دارد و اگر زن از مال خودش پول داده که نایب حج به جا آورد حق مطالبه از نایب ندارد و حق برداشت از مال متوفی هم ندارد و حج نایب صحیح است.

س

- شخصی که قرائت و یا اذکار واجبه نمازش صحیح نیست آیا جایز است که نیابت حج را قبول نماید و بعد از این که خودش نماز طواف را خواند دیگری را نیز برای نماز، نایب کند یا نه؟ و بر فرض عدم جواز چون جاهل به مسأله بوده چنین کاری کرده تکلیفش چیست؟.

ج

- استیجار چنین شخصی خلاف احتیاط است و در فرض بعد هم احوط این است که از مستأجر استرضا کند و یا وجه را مسترد دارد.

س

- کسی را می‌خواهم به نیابت برای زیارت بیت الله الحرام بفرستم شرائط نیابت چیست و پولی که به نیابت حج داده می‌شود خمس دارد یا نه؟.

ج

- نایب باید مسلمان و عاقل و مسأله دان باشد و مستطیع هم نباشد که حج بر او واجب باشد و مصارف حج نیابی مثل حج خود شخص جزء مؤنه است اگر از سرمایه خمس داده یا ربح همان سال باشد خمس ندارد.

صفحه : ۴۴۴

س

- اگر نایب اجیر شود برای حج و در ضمن عقد با او شرط کنند که سال معین و یا از طریق معین حج را به جا آورد و نایب تخلف کند و در سال دیگر و یا از طریق دیگر برود آیا حج او صحیح است و ذمه منوب عنه از حج فارغ می‌شود یا خیر؟ و تمام اجرت را استحقاق دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال که اجاره، بر حج مخصوص واقع شده و نایب تخلف نموده مستحق اجرت نیست. و لکن ذمه منوب عنه فارغ می‌شود.

س

- شخصی ملکی را جهت استیجار حج، معین کرده و در موقع فروش ملک، قیمت آن، زائد بر مال الاجاره نیابت حج است در این صورت باید تمام آن را تسلیم نائب بنمایند یا آن که زائد آن را تسلیم ورثه نمایند؟.

ج

- در فرض سؤال در صورتی که آن چه زائد بر مال الاجاره حج میقاتی است بیشتر از ثلث نباشد تمام آن را بدهند به نائب مگر آن که معلوم باشد که غرض او استیجار اصل حج است و خصوصیت استیجار آن به تمام قیمت ملک مذکور، در نظر موصی نبوده است.

س

- بر نائب، واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه اعمال حج را انجام دهد یا مطابق وظیفه خودش از تقلید یا اجتهاد، عمل نماید؟.

ج

- اجیر باید مطابق وظیفه خودش عمل نماید، بلی اگر با او شرط کنند که علاوه بر واجبات و شرایط صحت بنظر اجیر بعضی از امور لازمه بنظر منوب عنه را نیز به جا آورد یا بعض منافیات بنظر او را ترک کند، باید بشرط عمل نماید.

س

- شخصی از طرف دیگری برای انجام حج به مبلغ کمی نائب شد سپس خدمتگزاری کاروانی را به عهده گرفته تا بتواند ما یحتاج خود را در سفر تامین کند و سروره هم بود. آیا این حج، از منوب عنه محسوب می شود و یا این که چون قبول خدمت از دیگری نموده شخصا بر او حج واجب شده و نیابت بی مورد است؟.

ج

- کسی که بواسطه قبول خدمت، رفتن به مکه بر او واجب شود و پول قربانی و لباس احرام داشته باشد، مستطیع است و باید حجه الاسلام به جا آورد و اگر اجیر برای نیابت شده باشد و اجیر شدن برای خدمت، بنفسه منافی با اجاره قبلی باشد اجاره دوم باطل است و باید حج نیابتی را به جا آورد.

صفحه : ۴۴۵

س

- کسی که محرما وارد حرم می شود و فوت می نماید حج او بنا بر مشهور صحیح و بری الذمه شده آیا بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج هم اگر فوت کرد بری الذمه است و یا باید برای بقیه اعمال او نائب بگیرند؟ و اگر نائب لازم باشد و شخص شیعه یافت نشود چه تکلیفی دارد؟.

ج

- بلی بریء الذمه می‌شود و گرفتن نائب، لازم نیست.

س

- زنی مستطیعه و از شوهرش نیز مبلغی طلبکار بوده و در موقع فوت به شوهرش گفته که در مقابل این طلب، حج مرا باید انجام بدهی بعد از فوت زن، شوهر نه حج را انجام داده و نه طلب او را داده است. اکنون اگر ورثه با هم توافق نکنند و نسبت بحج متوفات عملی انجام ندهند و اموال را بین خود تقسیم کنند نسبت به اصل حج تکلیف چیست؟.

ج

- در فرض سؤال واجب است بر شوهر، حج مورد وصیت را به جا آورد و ورثه می‌توانند از او مطالبه کنند که یا عمل به وصیت کند و یا دین را اداء نماید و اگر ورثه حج میقاتی برای متوفات به جا آورند ذمه میت بری می‌شود و کافی است در جواز تصرف در بقیه ترکه، ولی تا حج اداء نشود تصرف ورثه در ترکه او جایز نیست. بلی اگر سهم یک نفر از آنها به تنهایی وافی بحج میقاتی نیز نباشد و ورثه نیز حاضر نیستند پول حج را تکمیل نمایند تصرف او در سهم خود مانعی ندارد.

س

- در حج نیابتی و عمره مفرده نیابتی طواف نساء و نماز آن را باید نایب از طرف خود انجام دهد یا از طرف منوب عنه؟.

ج

- باید بقصد منوب عنه انجام دهد.

س

- زنها هم می‌توانند اجیر شوند که جهت غیر، حج انجام بدهند یا نه؟.

ج

- بلی می‌توانند.

س

- شخصی به مکه مشرف شده پس از فراغت از اعمال حج خود، می‌تواند به نیابت از اشخاصی که معذور از طواف هستند و یا قادر نیستند طواف حج و طواف نساء و هم چنین سعی بین صفا و مروه را به جا بیاورند، این اعمال را انجام بدهد یا نه؟.

ج

- مانعی ندارد.

س

- شخصی وصیت حج بلدی نموده و لکن تعیین بلد را نکرده و منصرف به شهری بخصوص نیست و قرینه هم بر تعیین بلد نیست مثلاً اگر وطن این شخص خراسان بوده و مدتی در آنجا زندگانی کرده بعد در تهران ساکن شده و بعد هم آمده کاشان مریض شده و وصیت بحج بلدی کرده و بعد بقم آمده جهت زیارت و فوت کرده در این صورت از کدامیک از شهرهای یاد شده باید برای او حج، استیجار نمود؟.

ج

- ظاهراً مراد از بلدی که موصی وصیت می‌نماید بلدی است که محل سکونت فعلی او است بناء علی هذا اگر از توطن در خراسان، اعراض نموده باید از تهران استیجار نمود و الا صاحب دو وطن است و از هر کدام استیجار شود کافی است.

س

- آیا ولی در حالی که محرم است قبل از انجام اعمال خود می‌تواند نیابتاً از طرف طفل، اعمال او را انجام دهد یا نه؟.

ج

- لازم است اول طواف و نماز آن و سعی خود را به جا آورد و احتیاطاً قبل از تقصیر، نیابتاً اعمال طفل را به جا آورد.

س

- شخصی بحد تکلیف رسیده و مستطیع شده ولی بعد از استطاعت مبتلی به جنون و مدت جنونش طولانی شده و معالجه هم فایده نمی‌کند و استطاعت او هم باقی است آیا ولی شرعی او که از جانب حاکم شرع، معین شده می‌تواند کسی را به نیابت او بحج بفرستد یا نه؟.

ج

- احوط، ترک استنباه است در حال جنون. بلی اگر به همین حال از دنیا برود بعد از موت او واجب است از ترکه او برایش حج، استیجار نمایند.

س

- آیا جایز است شخص، حج مستحبی یا عمره مفرده مستحبی از چند نفر به جا آورد یعنی قصد نیابت از چند نفر بنماید یا نه؟.

ج

- در صورت تبرع مانع ندارد و لیکن در استیجاری، تابع قرارداد با مستاجرین است.

س

- اگر کسی در موقع عمل حج و عمره ناچار است سر خود را

صفحه : ۴۴۷

به پوشاندن یا زیر سایه قرار بگیرد و نمی‌تواند در آفتاب باشد در این صورت چنین شخصی می‌تواند از دیگری نیابت کند یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال که نایب، معذور در انجام بعضی محرمات احرام است نیابت و استیجار او مانع ندارد و کفاره آن بر عهده خود نایب است.

س

- شخصی برای انجام حجه الاسلام اجیر شده و تا سوریه رفته و موفق به انجام عمل نشده و به کشور خود مراجعت کرده آیا می‌تواند بابت مخارجی که در این سفر نموده و جهی از منوب عنه مطالبه کند یا نه؟.

ج

- بر حسب ظاهر حال که اجرت را مقابل رفتن و برگشتن و عمل حج قرار می‌دهند اجیر از اجرة المسمى به اندازه‌ای که از راه پیموده، مستحق است هر چند عمل برای منوب عنه فایده نداشته باشد.

س

- کسی که قرائت نماز او و هم چنین اعراب تلبیه او صحیح نیست می‌تواند به نیابت دیگری حج به جا آورد یا نه؟. و بر فرض عدم جواز، می‌تواند اجیر شود و لکن شرط کند برای نماز و تلبیه کسی را اجیر نماید، یا این که تحت نظر معلم، تلبیه بگوید یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر با تلقین معلم، بتواند صحیح بخواند نیابت او جائز است و در غیر این صورت محل اشکال است.

س

- زنی از دنیا رفته و به شوهرش وصیت کرده که برای او حج، استیجار نمایند ولی قید بلدی و یا میقاتی نکرده و شوهرش قبول وصیت او نموده لکن مسامحه کرده و جهت هم‌سرش حج استیجار ننموده و اموال هم از بین رفته و شوهر آن زن که وصی او بوده فوت کرده است و قبل از فوت به یک نفر وصیت نموده که حج هم‌سرم در گردن من مانده اداء کنید و آن شوهر متوفی دارای صغار است اگر خواسته باشند حج بلدی آن زن را از مال او بردارند صغار به زحمت می‌افتند آیا اجازه می‌فرمایید که حج میقاتی جهت آن زن بدهند یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله که وصیت بحج شده چون منصرف به بلدی است واجب است بر وصی حج بلدی استیجار نماید و اگر مال را تلف کرده ضامن حج بلدی است و فعلا باید از مالش حج بلدی استیجار شود هر چند صغیر داشته باشد.

صفحه : ۴۴۸

س

- شخصی در زمان حیاتش اهل نماز و روزه بوده و حج هم به جا آورده با این حال، وصیت کرده که برای او حج استیجار نمایند فعلا- فوت کرده و ورثه نمی‌دانند حجی که وصیت نموده برای این است که حجه الاسلام خود را باطل دانسته یا حج احتمالی و احتیاط است تکلیف چیست؟.

ج

- ظاهر آنست که حج احتیاطی است مگر قرینه باشد که مستحبی و یا واجبی است و در هر صورت باید بر طبق وصیت، عمل شود.

س

- شخصی فوت نموده، حج و قضاء نماز و روزه به ذمه دارد و وصیت کرده که از ثلث مالش حج و قضاء نماز و روزه استیجار شود در صورت عدم وفاء ثلث آیا همه در عرض هم هستند و یا مخارج حج را از اصل مال و اجرت نماز و روزه را از ثلث بردارند؟.

ج

- در صورت عدم وفاء ثلث، حج میقاتی از اصل برداشته می‌شود و اجرت نماز و روزه و تفاوت بین بلدی و میقاتی از ثلث داده می‌شود و در صورت عدم وفاء ثلث به نماز و روزه و تفاوت بین بلدی و میقاتی، نماز و روزه، مقدم بر تفاوت بین بلدی و میقاتی است و ورثه کبار در صورت رضایت، از مال خود حج بلدی استیجار نمایند و با عدم رضایت و عدم کفایت ثلث، زائد بر میقاتی واجب نیست.

س

- اگر کسی وصیت به حج کند و تعیین بلدی و یا میقاتی بودن آن را نکند تکلیف چیست؟.

ج

- ظاهر وصیت، حج بلدی است.

س

- کسی که استطاعت حج را داشته و پیش از آن که به مکه برود از دنیا رفته آیا می‌شود از میقات نائب برای او بگیرند یا باید از بلد

نائب گرفت و آیا فرقی در وصیت کردن و نکردن متوفی و کم بودن و زیاد بودن مال او برای گرفتن نائب هست یا نه؟.

ج

- اگر وصیت نکرده استیجار حج میقاتی، کافی است و اگر وصیت کرده و مقید به میقاتی نبوده حج بلدی استیجار نمایند مگر آن که ما زاد بر استیجار میقاتی بیش از ثلث باشد که در این صورت محتاج به امضاء ورثه است و اگر ورثه

صفحه : ۴۴۹

امضاء نکردند باید ثلث را صرف در استیجار حج از ما قبل میقات بهر مقدار که ممکن است نمایند.

س

- کسی که بقصد حج مستحبی، عمره تمتعی برای خود به جا آورده آن گاه در مکه اجیر شده و مجدداً به میقات ادنی الحل برگشته و سپس عمره و حج تمتعی به نیابت از شخص متوفی به جا آورده است تکلیف او چیست؟.

ج

- اجاره، باطل و حج او نیز مجزی از حج منوب عنه نیست بنا بر احتیاط واجب.

س

- شخص مستطیع که حج بر او مستقر شده فوت نموده و وصیت کرده که شخص معینی که امسال اجیر دیگری است سال بعد از طرف او نیابتاً بحج برود و حال آن که ممکن است امسال شخص دیگری از او نیابت نماید و نیز محتمل است سال آینده موانعی ایجاد شود که نتوان استیجار کرد در این صورت مطابق وصیت، باید شخص معین نایب شود و یا امسال به دیگری رجوع نمایند؟.

ج

- ظاهر این است که عمل به این وصیت، مشروع نیست و واجب است با تمکن، فوراً نائب بگیرند.

س

- شخصی وصیت نموده از ما ترک او بعد الموت، حج بلدی برایش استیجار شود فعلاً از دنیا رفته و ما ترک او بواسطه تنزل قیمت، وافی بحج بلدی نیست و امید به ترقی قیمت هم نیست در این صورت حج میقاتی جهت او استیجار شود کافی است یا نه؟.

ج

- با فرض این که آن چه معین شده وافی نیست از هر جا می رسد استیجار شود مثلاً اگر ممکن است از عتبات استیجار شود و اگر ممکن نشود میقاتی استیجار کنند.

س

- شخصی از ایران حرکت می‌کند که برای خود یا به نیابت از دیگری حجه الاسلام به جا آورد حال می‌خواهد که قبل از حج برای خود یا دیگری عمره مفرده به جا آورده و بعد برگردد به مدینه و احرام حج ببندد بفرمایید که این عمل، جائز است یا نه؟ و اگر چنین کرد حج از ذمه خود او و یا از ذمه منوب عنه ساقط می‌شود یا نه؟.

صفحه : ۴۵۰

ج

- کسی که حج واجب خود را به جا نیاورده جائز نیست در ایام حج، عمره مفرده به جا آورد و هم چنین کسی که نائب حج بلدی است، جائز نیست عمره مفرده را قبل از اعمال حج به جا آورد و در صورتی که قبل از حج به جا آورد عمره مفرده او باطل است و لکن حج صحیح است و از ذمه او یا منوب عنه ساقط می‌شود. بلی اگر نائب حج بلدی بوده استحقاق اجرت ندارد.

س

- کسی که برای حج تمتع استجابی به مکه رفته و عمره تمتع را انجام داده و از روی جهل به مسأله برای حج تمتع میقاتی در مکه اجیر شده و به میقات رفته و برای عمره تمتع محرم شده و به مکه آمده و اعمال عمره را انجام داده سپس مسأله را فهمیده، معلوم است که حج میقاتی صحیح نیست، بفرمایید نسبت به اعمال خود چه وظیفه‌ای دارد؟.

ج

- احرام او برای عمره حج میقاتی درست نبوده و باید بقیه اعمال خود را به جا آورد یعنی در مکه برای حج محرم شود و به عرفات رود و مناسک را انجام دهد و حج تمتعش صحیح است.

س

- عمره و حج به نیابت حضرت حجه بن الحسن علیهما السلام صحیح است یا خیر؟.

ج

- جواز آن بعید نیست.

صفحه : ۴۵۱

میقات

س

- شخصی در غیر اشهر حج با احرام عمره مفرده، وارد مکه شد و اعمال عمره مفرده را به جا آورد و در مکه ماند تا ایام حج آیا برای احرام عمره تمتع می‌تواند از تنعیم، محرم شود یا باید بیکی از مواقیت برود؟.

ج

- باید بیکی از مواقیت پنجگانه برود و از آنجا محرم شود.

س

- کسی که برای عمره مفرده، عازم مکه است آیا جایز است که از جده - با نذر یا بدون نذر - احرام ببندد؟ و بر فرض جواز آیا جایز است از حدیبیه و یا ادنی الحل احرام ببندد؟، صور مسأله را بیان فرمائید.

ج

- عبور از میقات یا محاذی آن برای قاصد مکه، بدون احرام جایز نیست هر چند بخواهد عمره مفرده به جا آورد و لکن اگر معصیت نمود و از ادنی الحل که میقات عمره مفرده است محرم شد عمره او صحیح است و کسی که عازم عمره مفرده است جایز است قبل از رسیدن به ادنی الحل، نذر کند و محرم شود خواه در جده باشد و یا قبل از آن و هم چنین است اگر عابر، قاصد مکه نبوده و بعد از عبور از میقات یا محاذی آن قصد نماید به مکه مشرف شود جایز است با نذر، از جده مثلاً برای عمره مفرده محرم شود و اما اعمال حج واجب در مناسک مذکور است.

س

- اگر کسی در مکه، زندانی شد و موقعی آزاد گشت که نمی‌تواند به میقات برود از کجا باید محرم شود؟.

ج

- فعلاً-وظیفه این شخص بنا بر احتیاط این است که از هر جائی که نزدیکترین نقطه به میقات است و ممکن باشد احرام عمره تمتع ببندد، محرم گردد و

صفحه : ۴۵۲

حج را تمام کند و پس از مراجعت اگر سال اول استطاعت او بوده و استطاعتش تا سال بعد باقی نباشد حج مزبور، کافی است و چیزی بر او نیست و اگر تا سال بعد، استطاعتش باقی باشد یا قبلاً حج بر او مستقر شده بوده مجدداً حج تمتع را بنا بر احتیاط لازم به جا آورد.

س

- اگر کسی نذر احرام پیش از میقات کرده باشد و پیش از میقات، محرم شود و بعد از ورود به جده وسائل حرکت او به مدینه فراهم شود آیا می‌تواند محل شود و به مدینه برود و بعد از آن از میقات محرم شده و وارد مکه شود؟.

ج

- انصراف از نیت احرام، سبب بیرون آمدن از احرام نمی‌شود و با آن که احرام بسته تجدید احرام، بنحو جزم، مشروع نمی‌باشد بلی

رجاء بخوهد در مسجد شجره تجدید نیت کند مانعی ندارد.

س

- کسی که در میقات برای عمره تمتع و یا در مکه برای حج، محرم شد اگر بی اختیار او را از میقات یا از مکه بیرون ببرند و برگردانند چه صورت دارد؟.

ج

- فعلا مانعی بنظر نمی رسد لکن در عمره تمتع، احتیاط آنست که در مراجعت و مرور به میقات یا محاذی آن، نیت و تلبیه را تکرار کند.

س

- آیا احرام در هر جای مسجد فعلی شجره جائز است یا خیر؟.

ج

- احرام در تمام نقاط مسجد بلکه در مقداری از اطراف و جوانب آن جائز است.

صفحه : ۴۵۳

نیت احرام

س

- معنی نية الاحرام هو توطین النفس علی ترك المحرمات فعليه إن الشخص الذي يحرم من بلده قبل الميقات بالندر و هو يعلم أنه يسافر بالطائرة (تحت الظل) فهل ينعقد نذره في هذه الصورة و يصح احرامه ام لا؟.

ج

- الظاهر إن نية الاحرام لا- يعتبر فيها العزم علی ترك المحرمات و توطین النفس علیه بل هو انشاء التحريم علی نفسه و هو لا ینافی العلم بارتکاب بعضها و لو مختاراً فعلى هذا ینعقد النذر و يصح الاحرام.

س

- شخصی برای حج تمتع، مشرف شد در موقع احرام نمی دانست باید برای عمره محرم شود لذا نیت کرد که احرام برای حج می بندم و اعمال را طبق دستور عمره انجام داد و تقصیر کرد و محل شد بعد گفت شاید عمره من صحیح نباشد به علت این که در موقع احرام عمره، نیت حج کرده و دوباره در مسجد الحرام محرم شد و نیت عمره کرد و دوباره عمره تمتع به جا آورد و بعد حج تمتع انجام داد در این صورت عمره اول چون نیت حج کرده چه صورت دارد؟ و اگر عمره اول باطل است عمره دوم صحیح است

یا نه؟ چون به میقات نرفته و از مکه خارج نشده و می‌دانست که وقت بیرون رفتن را ندارد و امکان داشت که گم هم بشود.

ج

- در فرض سؤال اگر به نیت حج تمتع محرم شده عمره اول او صحیح است.

س

- کسی یک مرتبه به حج مشرف شده ولی می‌گوید دل چسبم نیست می‌خواهد دو مرتبه حج نماید آیا نیت احتیاط کند یا ما فی الذمه؟.

ج

- قصد ما فی الذمه نماید.

صفحه : ۴۵۴

تلبیه

س

- حاج در حج تمتع قبل از وقوف به عرفات فهمید که تلبیه او چه در عمره تمتع و چه در حج، صحیح نبوده اکنون وظیفه او چیست؟.

ج

- در فرض سؤال که از جهت نسیان یا جهل بوده اگر قبل از اعمال عمره، متوجه شود چنانچه ممکن است به میقات برگردد و با تلبیه صحیح محرم شود و اگر ممکن نیست هر مقدار می‌تواند بطرف میقات برگردد و محرم شود و اگر آن هم ممکن نیست در همان جا که می‌فهمد محرم شود و عمره او صحیح است و هم چنین اگر بعد از اعمال عمره بفهمد عمره او صحیح است و اگر در عرفات بفهمد و برگشتن ممکن باشد، برگردد به مکه و ثانیاً محرم شود و اگر ممکن نیست هر قدر می‌تواند بطرف مکه برگردد و محرم شود و اگر آن نیز ممکن نیست در همان محل محرم شود و حج او صحیح است.

س

- هر گاه کسی در موقع بستن حوله احرامی نیت عمره تمتع نمود و حوله را بست بعد دعای مستحبی خواند آن گاه متوجه شد که لبیک نگفته بی‌درنگ لبیک گفت چه صورت دارد؟.

ج

- مانعی ندارد احرام صحیح است.

س

- شخصی خیال کرده که تلبیه، مختص به عمره است برای احرام حج، تلبیه نگفته و بدون تلبیه محرم شده و به عرفات رفته و اعمال را تا آخر انجام داده بعدا فهمیده که باید در احرام حج نیز تلبیه بگوید تکلیف او چیست؟.

ج

- در فرض سؤال که بعد از تمام اعمال فهمیده که تلبیه نگفته حج او

صفحه : ۴۵۵

صحیح است.

س

- کسانی که محرم به احرام عمره تمتع می شوند و بعد وظیفه آنها حج افراد می شود آیا باید ثانيا به نیت حج افراد تلبیه بگویند و محرم شوند یا خود به خود عمره مبدل به حج افراد می شود و تلبیه و احرام مجدد لازم نیست؟.

ج

- ثانيا تلبیه و احرام، لازم نیست بلکه با همان احرام و تلبیه‌ای که برای عمره تمتع گفته با قصد حج افراد، به عرفات می رود.

س

- بعد از محرم شدن و گفتن تلبیه، می تواند بعنوان احتیاط ثانيا تلبیه بگوید و محرم شود یا خیر؟ و آیا تکرار تلبیه مضر به حج او هست یا نه؟.

ج

- اگر احتمال عدم صحت تلبیه و احرام اول را بدهد رجاء و احتیاطا مانعی ندارد.

س

- اگر زن تکبیرۃ الاحرام یا قرائت را در نماز و تلبیه را در موقع محرم شدن بلند بگوید به طوری که اجنبی بشنود جایز است یا نه؟ و بر فرض عدم جواز باطل است یا نه؟.

ج

- اگر با شنیدن اجنبی جهر به تلبیه کرده، احوط لزومی اعاده است.

صفحه : ۴۵۶

احرام

س

- کسی که در مکه است اگر برای انجام کاری به جده رفت آیا موقع برگشتن باید محرم گردد و با احرام، داخل حرم شود یا نه؟ و اگر احرام لازم است به چه نیت باید محرم شود و پس از دخول مکه چکار باید بکند؟.

ج

- شخص مذکور اگر معتمر به عمره تمتع بوده تا حج را به جا نیاورد حرام است از مکه بیرون برود مگر حاجت پیدا کند و بیرون رفتن موجب فوت حج نشود که در این صورت باید محرم به احرام حج شود و از مکه بیرون رود و بعد از مراجعت بهمان احرام، اعمال حج را به جا آورد. بلی اگر در خارج کاری داشته باشد و رفتن به آنجا با احرام برای او حرج باشد جایز است بدون احرام خارج شود و در هر حال اگر جهلا یا عصیانا بدون احرام بیرون رفت چنانچه مراجعتش در همان ماهی باشد که عمره اولی را به جا آورده همان عمره اولی کافی است و جایز نیست دوباره محرم شود به احرام عمره و اگر از عمره اولی سی روز گذشته باشد باید در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود و بعد از وارد شدن به مکه عمره تمتع را انجام دهد و عمره اولی مفرد می شود و بعد محرم به احرام حج گردد و اگر فاصله کمتر از سی روز باشد و در غیر آن ماهی که عمره اولی را به جا آورده وارد شود به احتیاط واجب در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود و بعد از انجام اعمال عمره، محرم به احرام حج شود و کسی که بعد از عمره تمتع بدون احرام از مکه خارج شده و پس از گذشتن یک ماه یا بیشتر عصیانا یا جهلا یا نسیانا بدون احرام وارد مکه شده همان عمره اولی که انجام داده عمره تمتع محسوب است و اگر بعد از حج بیرون رفت و خواست

صفحه : ۴۵۷

مراجعت به مکه نماید اگر در همان ماهی که احرام بسته مراجعت کرد احرام، لازم نیست و اگر از احرام سابق، سی روز گذشته باید محرم شود به احرام عمره مفرد و اگر فاصله کمتر از سی روز باشد و در غیر آن ماهی که احرام سابق را بسته بخواهد مکه برود احتیاط واجب آنست که محرم شود به احرام عمره مفرد و پس از دخول مکه اعمال عمره مفرد را به جا آورد.

س

- جوانی پس از احرام و ورود به مکه، مجنون می شود و جنون او ادواری است البته چنین شخصی برای سالهای آینده اگر افاقه پیدا کرد و استطاعت باقی بود حکمش معلوم ولی در همان سال که جنون عارض شده حکم موت را دارد و یا حکم مصدود و محصور را؟.

ج

- در فرض سؤال، شخص مزبور بحال احرام باقی است و اگر بعد از گذشتن ایام حج افاقه پیدا کرد باید به اعمال عمره مفرد محل شود و اگر حج بر او مستقر بوده واجب است بعد از افاقه به جا آورد و در صورت استقرار حج و ادامه جنون تا زمان موت، بر ورثه، لازم است از ترکه او حجبش را به جا آورند.

س

- محرم شدن از محله شیشه، کافی است یا نه؟ یعنی آیا محله شیشه که نزدیک منی است جزء مکه محسوب است یا نه؟.

ج

- کسی که می‌خواهد محرم به احرام حج بشود باید در شهر مکه، محرم گردد و چنانچه بعضی گفته‌اند محله شیشه داخل شهر است مع ذلک اگر احراز نشد ترك احتیاط نشود به این که پیش از محله شیشه محرم به احرام حج گردد و کسی که می‌خواهد محرم به احرام عمره مفرده گردد می‌تواند از ادنی الحل، مثل تنعیم، محرم شود.

س

- اگر کسی حج خود را فاسد نماید می‌فرماید موظف است همان را به آخر برساند بفرمایید آیا با اتمام حج فاسد، محل می‌شود یا نه؟.

ج

- بلی محل می‌شود مگر آن که مانعی از اتمام پیش آید.

س

- کسی که به احرام عمره تمتع وارد جده شد و چون وسیله یافت احرام را بهم زد و به مدینه منوره رفت که در مراجعت از مسجد شجره، محرم شود حکمش چیست؟.

صفحه : ۴۵۸

ج

- شخص مذکور اگر احرام اول او صحیح بوده تا اعمال عمره را تمام نکند از احرام بیرون نمی‌رود اگر چه قصد بهم زدن آن را کرده باشد و باید با همان احرام، عمره را تمام کند و تجدید احرام بعد از برگشتن از مدینه، لازم نیست. بلی رجاء بخواند در مسجد شجره، تجدید احرام کند مانعی ندارد ولی لازم نیست و اگر به گمان این که احرامش بهم خورده مرتکب یکی از محرمات شود حکم آن در مناسک در احکام محرمات احرام گفته شده است.

س

- مردی که می‌خواهد محرم شود اگر لباس دوخته را بیرون نیاورد و لباس احرام را روی آن به پوشد به احرامش ضرر می‌زند یا نه؟.

ج

- بنا بر احتیاط باید لباس را بکند و محرم شود تا قطع به صحت احرام نماید.

س

- کسی که عمره انجام داده جائز است برای او قبل از یک ماه همه روزه از حدود میقاتگاه خارج شود و بدون احرام وارد مکه گردد یا نه؟

ج

- مانعی ندارد بلی بعد از عمره تمتع، خروج از مکه بدون احرام برای حج تمتع جایز نیست لکن اگر نسیانا یا عصیانا خارج شد قبل از یک ماه بدون احرام داخل مکه شود و عمل حج را انجام دهد.

س

- آیا سایه دیوار ماشینهایی که سقف ندارند روی سر مرد محرم قرار بگیرد اشکال دارد یا نه؟

ج

- اگر دیوار ماشین، مورّب باشد به طوری که عرفاً صدق کند از بالای سر استظلال شده جایز نیست و اگر از پهلوی سایه بر سر محرم بیفتد جواز آن خالی از قوت نیست و لکن احوط ترک است.

س

- بعضی از مدیران کاروان حج یا بعض کارمندانی که سال‌های زیاد به حج مشرف می‌شوند و حج واجب خود را انجام داده‌اند در بعضی از سالها اگر چه در اشهر حج باشد فقط یک عمره مفرده به جا می‌آورند و محل می‌شوند و به منظور سهولت رسیدگی به حجاج برای رفتن به عرفات هم محرم نمی‌شوند آیا اشکالی دارد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال که واجبی در ذمه او نیست بعد از به جا آوردن عمره

صفحه : ۴۵۹

مفرده جایز است از مکه خارج گردد و تا یک ماه بعد جایز است بدون احرام داخل مکه شود.

س

- شخصی بعد از اتمام اعمال عمره تمتع و قبل از احرام برای حج تمتع، مریض و بی‌هوش گردیده به طوری که قادر بر رفتن به عرفات و انجام اعمال نبوده البته اگر محرم بود حکم محصور را داشت و لکن در فرض سؤال که محرم نشده تکلیف چیست؟

ج

- در فرض مذکور عمره او مفرده شده ولی وجوب طواف نساء در این مورد، معلوم نیست اگر چه احتیاط خوب است و اگر رفتن خودش متعذر است نایب بگیرد که طواف نساء را از طرف او انجام دهد و اگر استطاعت دارد باید در سال آینده حج کند و هم چنین اگر قبلاً حج بر او مستقر شده بوده باید حج به جا آورد.

س

- آیا احرام در نیابت برای طواف عمره تمتع و مفرده و حج تمتع لازم است یا نه؟.

ج

- احرام در نیابت طواف عمره تمتع و مفرده واجب است و در طواف حج لازم نیست.

س

- بین عمره و حج تمتع می‌تواند به غار ثور یا کوه حرا برود یا خیر؟.

ج

- بعد از عمره تمتع، جایز نیست از مکه بیرون رود الا با احرام حج.

س

- کسی که احرام بسته اگر با پارچه ندوخته از دور کمر تا بالای سینه، خود را به پوشاند و پارچه را دور بدن خود- مثل شال کمر- به پیچد چه صورت دارد؟.

ج

- اگر بخواهد پارچه‌ای را مثلاً از کمر به پائین ببندد مانعی ندارد ولی روی سینه چیزی نبندد.

س

- در غیر حال طواف و نماز آن اگر جامه احرام یا بدن محرم نجس شود مثل نجس شدن بدن یا لباس در قربانگاه آیا برای احرام او اشکال دارد یا نه؟.

ج

- برای احرام او اشکال ندارد و لکن احوط آنست که در صورت امکان، تطهیر یا تبدیل نماید.

س

- اگر محرم، زیر لباس احرام شالی به گردن بیندازد و شال گردن را از زیر بغل تا زیر ناف چندین دور به پیچد این عمل از جهت شبیه بودن به لباس دوخته موجب فدیة می شود یا نه؟.

ج

- بستن شال به گردن و سینه به نحوی که ذکر شده جایز نیست و لکن انداختن پارچه غیر دوخته روی شانه نظیر حوله مانعی ندارد و چنانچه بنحو مرقوم در سؤال، شال به گردن و سینه ببندد احتیاط لازم، دادن كفاره است.

س

- زنها در حال احرام می توانند جوراب به پوشند یا بایستی روی پای آنها مثل مردان باز باشد؟.

ج

- اقوی جواز پوشیدن جوراب است برای زن.

س

- پوشیده شدن روی پا در حال احرام در موقع نشستن، یا آمدن جامه احرام روی پا در حال سیر یا در منزل، چه صورت دارد؟.

ج

- اشکال ندارد.

س

- کسانی که جهت ذبح قربانی، به مذبح می روند و قهرا لباس احرام و بدنشان آلوده به خون می شود و غالبا تطهیر برایشان میسر نیست تا به مکه برگردند آیا گناهی بر آنان هست یا نه؟.

ج

- رفتن به مذبح برای قربانی نمودن، حرام نیست و لکن اگر لباس یا بدن محرم نجس شود احوط تطهیر آنست با امکان، اگر چه مستلزم رفتن به مکه باشد.

س

- در منزل، سر روی بالش نرم گذاشتن که باعث پوشیدن مقداری از سر می شود چه صورت دارد؟.

ج

- سر روی بالش گذاردن مانعی ندارد.

س

- این جانب عازم حج بیت الله هستم و پایم مصنوعی است با این خصوصیات: ۱- باید پای مصنوعی بسته باشد تا بتوانم راه بروم و آن هم دوخته است ۲- بخاطر بستن پا باید زیر شلواری و زیر پیراهن به پوشم و آنها نیز دوخته است ۳- برای این که بهتر بتوانم راه بروم باید کفش معمولی به پوشم و از دمپایی نمی‌توانم استفاده نمایم ۴- بر اثر پای مصنوعی باید جوراب پا کنم بنا بر این نظر مبارکتان را مرقوم و مرا راهنمایی فرمائید که محل حاجت است.

صفحه : ۴۶۱

ج

- ظاهر آن است که برای پوشیدن جنس دوخته یک کفاره بدهید کافی است بنا بر این باید برای بستن پا با چیز دوخته و پوشیدن شلوار و پیراهن یک گوسفند کفاره در احرام عمره و یک گوسفند کفاره در احرام حج قربانی نمایید و چون پوشیدن روی پای غیر مصنوعی برای مرد محرم مستقلاً حرام است باید برای این جهت هم یک کفاره در احرام عمره و کفاره دیگری در احرام حج بدهید.

س

- آیا طفل ممیز یا غیر ممیز می‌تواند محرم شود به عمره مفرده و مشروعیت دارد که ولی، او را محرم کند یا نه؟.

ج

- ظاهر اخبار جواز است و اختصاص به حج ندارد.

س

- شخصی از جده محرم گردیده و به مکه مشرف شده و اعمال عمره مفرده و طواف نساء را به جا آورده در صورتی که تمکن از رفتن به یکی از مواقیت داشته و بعد از فراغ از اعمال، امر زناشویی را با زوجه خود انجام داده آیا کفاره دارد یا خیر؟.

ج

- کفاره ندارد.

س

- در اثر هجوم جمعیت وقت بوسیدن حجر الاسود ممکن است جامه احرام بعض از حاجیان سر آنها یا سر سایر حجاج را به پوشاند اگر تصادفاً این طور شد چه صورت دارد؟.

ج

- در صورت تصادف، اشکال ندارد.

س

- اگر طفل محرم یکی از محرمات احرام را که كفاره دارد مرتكب شود آیا كفاره دارد یا خیر؟ و اگر داشته باشد بر خود طفل است که بعد از بلوغ بدهد یا بر ولی اوست؟.

ج

- بر ولی واجب است که طفل را از ارتکاب محرمات باز دارد، و در فرض سؤال كفاره لازم می‌شود حال چنانچه غیر ممیز باشد و ولی او را محرم کرده باشد و طفل صید نماید كفاره بر ولی واجب می‌شود و بنا بر احتیاط، سایر كفارات نیز بر عهده ولی است و اگر طفل ممیز باشد احوط آن است که ولی كفاره را از مال خودش بدون این که قصد کند بر او واجب بوده یا بر صبی اداء نماید یعنی قصد کند که كفاره واجب شده را اداء می‌نماید اعم از این که بر خودش واجب شده یا بر

صفحه : ۴۶۲

صبی ممیز.

س

- کسی که جهلا یا نسیانا در حال احرام تا مکه شورت را بیرون نیاورد چه صورت دارد؟.

ج

- احرام، صحیح است و كفاره ندارد باید شورت را فوراً از بدن بیرون کند.

س

- شخصی که قبل از اشهر حج و یا در اشهر حج محرم به احرام عمره مفرده شده است و وارد مکه گردیده و اعمال را انجام داده اکنون که موقع حج رسیده می‌خواهد برای حج تمتع به میقات برود و نمی‌گذارند یا خوف دارد او را دستگیر کنند وظیفه‌اش چیست؟.

ج

- در فرض سؤال به ادنی الحل (میقات عمره مفرده) برود و محرم به احرام عمره تمتع بشود و تمام اعمال حج تمتع را انجام دهد و سال بعد هم احتیاطاً حج تمتع را به جا آورد.

س

- اگر کسی العیاذ باللّٰه در عمره تمتع لواط و یا با زن جماع کند عمره‌اش باطل می‌شود و یا فقط موجب كفاره است؟.

ج

- اگر در عمره تمتع پیش از سعی، جماع یا لواط کند عمره‌اش باطل می‌شود و یک شتر کفاره بر او لازم است و واجب است همان عمره باطل را تمام کند و اگر وقت دارد به میقات برود و عمره تمتع را اعاده نماید و اگر وقت اعاده ندارد واجب است حج افراد به جا آورد و بعد عمره مفرده و احوط اعاده حج است در سال آینده و اگر بعد از سعی، جماع یا لواط کرده عمره باطل نمی‌شود لکن یک شتر کفاره بر او واجب است.

س

- بعضی از حجاج، در حال احرام در مشعر و منی از پتو و لحاف دوخته جهت ایمنی از سرما استفاده می‌کنند آیا این عمل جایز است یا نه؟.

ج

- خوابیدن زیر پتو و لحاف اگر طوری به خود نیچد که مثل لباس شود اشکالی ندارد ولی در حال جلوس و قیام، لحاف و پتوی دوخته روی خود نیندازد.

س

- آیا لازم است لباس احرام زن غیر دوخته باشد؟.

ج

- بلی جامه احرام زن باید غیر دوخته باشد.

صفحه : ۴۶۳

س

- بعضی حجاج را در نه کیلومتری مسجد الحرام و دوازده کیلومتری عرفات منزل می‌دهند، تکلیف اقامه و نماز آنها از نظر قصر و اتمام و احرام حج تمتع که باید از مکه باشد چیست؟.

ج

- دائر مدار صدق عرفی است، در صورتی که بر مجموع محلات عنوان مکه صدق کند، قصد اقامه در تمام نقاط زمین مکه صحیح است و احرام حج تمتع از آن نقاط کافی است، بلی اگر منزل حجاج، خارج از حد مکه باشد مثل منی یا حدیبیه و حده و بحر که به آنها محلات مکه نمی‌گویند و شخص حاج بخواهد هم در مکه باشد و هم در ملحقات مکه که صدق محلات مکه نکند، قصد اقامه، در دو محل محقق نمی‌شود و احرام حج هم از آنجاها کافی نیست.

س

- شهر مکه توسعه پیدا کرده ولی محله‌ها بهم متصل است مثل تهران قدیم و نارمک و سایر محله‌ها، آیا احرام برای حج تمتع از محله‌های مذکوره صحیح است یا نه؟.

ج

- در صورتی که جزء مکه شمرده شود صحیح است.

س

- اگر لباس احرام کوتاهتر از حد شرعی باشد آیا احرام با آن محقق می‌شود یا نه؟.

ج

- در صورت جهل، احرام محقق می‌شود و در صورت عمد نیز تحقق آن بعید نیست هر چند در ترک شرائط لباس احرام معصیت کرده است.

س

- هل يجوز ازالة الزوائد الجلدية التي تخرج فوق الظفر او في الشفة عادة، في حال الاحرام ام لا؟.

ج

- لا- مانع من ازالة الزوائد المذكورة في حال الاحرام الا ان توجب الادماء فان الادماء حرام و موجب للكفارة كما أنه لا مانع من ازلتها في غير حال الاحرام ايضا اذا كان اوان انفصالها.

س

- هل يجوز للمحرم ان يدخن السجارة الفرنجية ذات رائحة ام لا؟.

ج

- لا يجوز التدخين به مع صدق الطيب عليه.

س

- اگر جامه احرام را با پول خمس یا زکاة نداده خریده باشند احرام در آن صحیح است یا خیر؟.

ج

- اگر بعین آن پول، معامله واقع شده باشد احرام در آن جایز نیست و هم چنین اگر جامه احرام خودش متعلق خمس شده باشد محرم شدن در آن جایز نیست و طواف در آن باطل است. ولی اگر آن را به پول کلی خریده باشد احرام در آن ضرر ندارد هر چند در مقام پرداخت قیمت، پول خمس یا زکاء نداده را بدهد لکن ذمه او بمقدار خمس بری نمی‌شود و ضامن آن مقدار خمس هم می‌باشد.

س

- در حرم بر محل صید کردن حرام است یا نه؟.

ج

- هر صیدی که بر محرم در حال احرام حرام است بر محل نیز در حرم حرام است.

س

- بر حسب فتوای حضرت مستطاب عالی جایز است که محرم در منزل زیر سقف و سایه برود یا چتر بر سر بگیرد آیا مراد از منزل، شهر مکه است یا منزلی که در شهر مکه دارد و هم چنین در منی و عرفات؟.

ج

- مراد از منزل محل نزول است در مقابل حال طی طریق، پس در شهر مکه و منی و عرفات و قهوه‌خانه‌های بین راه و امثال آن، برای محرم بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ کردن استظلال مانعی ندارد هر چند درآمد و شد برای حوائج باشد.

س

- کفاره کشتن ملخ در حال احرام چیست؟.

ج

- یک کف طعام یا یک دانه خرما است بطور تخییر و اگر هر دو را بدهد بهتر است.

س

- اگر ملخ را در حال احرام بکشد و بخورد کفاره آن چیست؟.

ج

- یک گوسفند قربانی بر او واجب می‌شود.

س

- اگر ملخ بسیار باشد و همه آنها را بکشد چه بر او لازم می‌شود؟.

ج

- احوط آنست که اگر بیشتر از یک ملخ کشته باشد یک گوسفند قربانی کند و احوط از آن ضمیمه ساختن یک کف طعام و یک دانه خرماسست.

س

- اگر از جهت زیادی ملخ در بین راه نتواند خود را از کشتن آنها حفظ نماید چه کند؟.

ج

- در این صورت چیزی بر او نیست.

صفحه : ۴۶۵

س

- آمپول زدن محرم به دیگری با علم به بیرون آمدن خون، چه صورت دارد؟ و آیا این که نسبت به محرم باشد یا نسبت به محل فرقی هست یا نه؟.

ج

- اشکالی ندارد و فرقی بین آن دو نیست.

س

- چه می‌فرمایید در این مسأله که شخصی بعد از عمره تمتع - که در روز چهارم ذی حجه انجام داده - قبل از حرکت به عرفات و منی برای اعمال حج تمتع - سر خود را با تیغ یا ماشین یک یا دو یا سه تراشیده آیا این عمل، ضرری به حج او می‌رساند یا نه؟ و کفاره دارد یا نه؟.

ج

- اگر با تیغ، سر خود را بین عمره تمتع و حج تمتع بتراشد با آن که عالم به مسأله بوده، یک گوسفند کفاره دارد و در صورت جهل و نسیان، کفاره ندارد و ماشین کردن سر هم در فرض مزبور، موجب کفاره نمی‌شود هر چند احوط، دادن کفاره است. و در هر حال ضرری به حج او نمی‌رساند.

س

- اگر انسان در حال احرام، به خودش آمپول تزریق نماید چه صورت دارد؟.

ج

- اگر موجب بیرون آمدن خون نشود برای احرام او اشکال ندارد.

س

- هل يجوز السكنى و الاقامة و الاحرام لحج التمتع فى المحلات الجديدة من مكه مثل كدى و مسفله و شیشه؟.

ج

- يجوز السكنى و الاقامة فى المواضع التى تصدق عليها مكه و كذلك يجوز الاحرام منها لحج التمتع.

صفحه : ۴۶۶

طواف

س

- شخصی در عمره تمتع، حجر اسماعیل را داخل در طواف ننموده و نماز طواف عمره تمتع و سعی بین صفا و مروه را به جا آورده و تقصیر کرده و لباس مخیط نیز پوشیده پس از التفات، مجددا لباس احرام پوشیده و اعمال را بوجه صحیح دوباره به جا آورده آیا حج او صحیح است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال عمره او صحیح است و در صورت جهل به مسأله چنانچه ظاهر سؤال است کفاره هم ندارد و همین طور اگر از جهت نسیان باشد.

س

- شخصی در مکه در عمره تمتع پس از هفت شوط طواف، قبل از به جا آوردن نماز طواف، سعی نموده و تقصیر هم کرده و شخص دیگر طواف را یک شوط ناقص نموده مع ذلک نماز خوانده و پس از سعی تقصیر کرده و لباسهای عادی خود را پوشیده اکنون وظیفه آنها چیست مخصوصا شخص دوم هنوز محرم است و می تواند عمل را اعاده کند یا نه؟ و هم چنین جهت تقصیر و پوشیدن لباس مخیط باید کفاره بدهد یا نه؟.

ج

- در فرض اول نماز طواف را هر وقت یادش آمد به جا آورد و اگر از مکه معظمه خارج شد و یادش آمد هر جا باشد به جا آورد هر چند در وطن باشد کفایت می کند و در فرض دوم اگر در مکه یادش آمد و یک شوط را به جا آورد اشکال ندارد و اگر بعد از

برگشتن در وطن یادش آمده کسی را نائب کند از طرف او یک شوط را به جا آورد و در هر دو صورت شخص مذکور محرم نیست و محل شده و چون جهلا تقصیر نموده و مخیط پوشیده کفاره ندارد.

صفحه : ۴۶۷

س

- هر گاه شخصی از روی جهل بحکم قبل از وقوف به عرفات طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را به جا آورد و بعد از اتمام مناسک حج، عالم شد آیا خللی بحج او وارد می شود یا نه؟ و آیا کفاره بر او واجب است یا نه؟.

ج

- اگر تقدیم بدون عذر بوده واجب است طواف و سعی و تقصیر را اعاده نماید و اگر با عذر بوده احتیاطا اعاده کند و کفاره در صورت جهل واجب نیست.

س

- کسی که در عمره تمتع موقع طواف کاری کند که لازم باشد احتیاطا طواف را تمام نموده و نماز آن را بخواند و بعد هم طواف و نماز را اعاده نماید هر گاه پس از اتمام طوافی که مشغول آن بوده عمدا یا نسیانا یا جهلا بدون خواندن نماز آن، طواف دوم را به جا آورد و بعد از آن دو نماز طواف بخواند چه صورت دارد و آیا قران بین طوافین است یا خیر؟.

ج

- قران نیست و اشکال ندارد مگر در صورت علم و عمد که تاخیر نماز از طواف ممکن است معصیت باشد لکن در همین صورت هم به طواف ضرر نمی زند.

س

- آیا می شود طواف یا سعی را پس از یک یا دو شوط عمدا رها کرد و از سر گرفت و اگر کسی چنین کند طواف و سعیش صحیح است یا نه؟ و همین طور رها نمودن طواف یا سعی در کمتر از یک شوط چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض مذکور صحت طواف و سعی بعید نیست.

س

- فتوای حضرت آیة الله این است که در طواف اگر وارد حجر اسماعیل شود باید آن شوط را از سر بگیرد بنا بر این اگر مطوفی یک نفر حاج را که طواف می دهد اشتباها وارد حجر نمود و بعد از متذکر شدن، او را از حجر بیرون آورد و از همان جا طواف را تمام کرد اکنون پس از دو سال این مطوف متوجه فتوای حضرت عالی گردید تکلیف چیست؟ باید به خود حاج بگوید؟ و یا لازم

نیست و بدون گفته حاج می‌تواند از طرف او انجام بدهد و یا برای او نایب بگیرد؟.

ج

- در فرض سؤال، کفایت حج مزبور از حجه الاسلام محل اشکال است و احتیاط لازم آن است که اگر در غیر اشهر حج مشرف شود عمره مفرده به جا آورد و در اشهر حج نیز حجه الاسلام خود را اعاده نماید و اگر در اشهر حج مشرف شود

صفحه : ۴۶۸

اول عمره و حج تمتع را به جا آورد و بعد عمره مفرده به جا آورد و در حال حیاة منوب عنه جایز نیست مطوف نایب بگیرد و لازم است خود حاج حکم مسأله را بداند و به وظیفه خود عمل کند.

س

- کسی که معذور باشد و یا احتمال عذر بدهد مثل زن که احتمال بدهد در اثر عادت زنانگی نتواند پس از مراجعت از منی طواف نساء به جا بیاورد آیا جائز است طواف نساء را بر عرفات مقدم بدارد یا نه؟.

ج

- در صورت مذکوره می‌تواند طواف نساء را بعد از سعی، مقدم بر وقوف عرفات بدارد بلکه با خوف از عدم تمکن، لازم است و احوط اعاده آنست در صورت تمکن بعد از مراجعت و در صورت عدم تمکن احوط آن است که برای اعاده نایب بگیرد.

س

- اگر زن در شوط چهارم یا پنجم طواف عمره تمتع حائض شود و می‌داند تا قبل از عرفات پاک نخواهد شد آیا می‌تواند نایب بگیرد یا حج او مبدل به افراد می‌شود؟.

ج

- از شوط چهارم به بعد اگر زن حائض شود عمره تمتع او صحیح است و سعی و تقصیر را با همان حال حیض انجام دهد و در موقع حج، محرم به احرام حج تمتع شود و بعد از پاک شدن قضای باقی مانده از طواف عمره را به جا آورد و اگر تا وقت حرکت همراهان از مکه پاک نشد و ناچار است با آنها برود جایز است برای طواف حج و هم چنین قضای باقی مانده طواف عمره، نایب بگیرد.

س

- مستحاضه کثیره هر گاه برای نماز یومیة وظیفه‌اش را انجام داد، تجدید غسل برای طواف لازم است یا نه؟ و بر فرض لزوم غسل علی حده برای طواف، آیا همان غسل برای نماز طواف هم کافی است یا نه؟.

ج

- اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل، لازم نیست و اگر خون ببیند برای هر کدام از طواف و نماز طواف، یک غسل احتیاطا به جا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می‌شود مثل این که در نزدیک مسجد الحرام نتواند غسل کند احتیاطا در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید.

س

- چون بعضی از حجاج در طواف عمره دچار اشتباه می‌شوند مثل

صفحه : ۴۶۹

این که طواف را در داخل حجر انجام می‌دهند و یا سعی را قبل از طواف انجام داده و تقصیر هم می‌کنند آیا این عمل صدمه‌ای به احرام آنها وارد می‌آورد یا هنوز به احرام خود باقی هستند و باید عمل طواف و نماز و سعی و هم چنین تقصیر را بطور صحیح انجام دهند و اشتباه اول ضرری ندارد حکم آن را مرقوم فرمائید.

ج

- طواف از داخل حجر، باطل است و اگر ثانیاً اعمال مزبوره را با ترتیب لازم و صحیح انجام دهند کافی است و اشتباه اول، مضر به احرام نیست.

س

- اگر حاج وسط طواف، داخل حجر اسماعیل شد و در همان وقت و یا بعد از طواف و سعی و تقصیر فهمید تکلیف او چیست؟.

ج

- اگر چهار شوط را تمام کرده هر وقت فهمید، ناقص را تمام کند و نماز طواف را به جا آورد و اگر سعی کرده سعی را اعاده کند و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوطهای گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و بعد از نماز طواف، سعی را به جا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز، و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی را به جا آورد.

س

- حاج از طرف کسی در مکه نائب است در بین طواف عمره تمتع، انگشت پای او مجروح و خونی شده متوجه نمی‌شود بعد از طواف عمره و پیش از نماز طواف، متوجه می‌شود و خیال می‌کند خون کمتر از درهم و معفو است و با این حال نماز طواف را می‌خواند در این صورت طواف او چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض مذکور که بعد از طواف، فهمیده که پای او نجس شده طوافش صحیح است و صحت نماز طواف بعید نیست.

س

- شخص حاج که نمی‌تواند در حال طواف از ادرار خود جلوگیری کند آیا باید طواف را خودش انجام دهد یا نایب بگیرد؟.

ج

- حکم طواف مسلوس حکم نماز است و مبطلون، نایب بگیرد و احتیاط این است که خودش به جا آورد و نایب هم بگیرد.

س

- شخصی غسل جنابت را فراموش کرده و با همان حال، اعمال مکه را به جا آورده و بعداً متذکر شده اکنون تکلیف او چیست و فرقی بین کسی که در

صفحه : ۴۷۰

ضمن اعمال حج، غسل مستحبی نموده، هست یا نه؟ و بنا بر لزوم قضاء نسک مشروط به طهارت، معتبر است که در طول ذی حجه باشد یا نه و وظیفه او نسبت به مباشرت با زنان چیست؟.

ج

- بنظر حقیر که بنا بر احتیاط، غسل مستحبی کفایت از غسل واجب نمی‌کند چنانچه قبل از شروع به اعمال، غسل مستحبی به جا آورده در این مسأله رجوع کند به کسانی که غسل مستحبی را کافی از غسل واجب می‌دانند و در این صورت حج صحیح و چیزی بر او نیست و اگر غسل مستحبی به جا نیاورده نیز حج صحیح است ولی واجب است طواف عمره تمتع و طواف حج را با نماز آنها قضا کند هر چند بعد از ماه ذی حجه باشد و احتیاطاً سعی را بعد از هر یک از این دو طواف به جا آورد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد و باید از مباشرت با زن اجتناب کند و چون شرط نیست که طواف نساء در ماه ذی حجه به جا آورده شود می‌تواند خودش برود و به جا آورد و می‌تواند هم نایب بگیرد هر چند در غیر ذی حجه باشد.

س

- شخصی سهواً غسل مس میت را نکرده بعد از تمام اعمال حج و در وطن به یادش آمده که غسل مس میت را انجام نداده، آیا تکلیف این شخص، حج مجدد است یا نه؟.

ج

- اگر بعد از مس میت و قبل از حج، غسل جنابت به جا آورده باشد حج او صحیح است و اگر به جا نیاورده باشد نظر به این که این جانب، اجزاء اغسال مستحبه را از غسل واجب، مشکل می‌دانم اگر برای احرام، غسل کرده باشد یا غسل مستحبی دیگری نموده باشد به هر یک از مراجع تقلید که غسل مستحبی را از سائر اغسال، مجزی می‌دانند رجوع و بنا را بر صحت حج بگذارد.

س

- شخصی بین الاحرامین جنب گردیده و فراموش کرده که غسل کند و همه اعمال حج را با حالت جنابت انجام داده اکنون با توجه به این که جز طواف و نماز آن، بقیه اعمال حج مشروط به طهارت نیست و این که ترک طواف در صورتی مبطل است که از روی عمد و جهل باشد نه صورت نسیان و ضمناً می‌فرمایند غیر متمکن از طهورین، در حکم غیر متمکن از طواف است آیا نمی‌شود ناسی شرط را در حکم ناسی اصل دانست و همان طوری که نسیان اصل

صفحه : ۴۷۱

طواف به موجب روایات صحیحه معتبره قابل تدارک و جبران است نسیان شرط را در حکم نسیان اصل، بدانیم؟ چه دلیلی بر بطلان حج چنین آدمی است با آن که به مقتضای نفی حرج و حدیث رفع، معذور است.

ج

- در فرض سؤال بعید نیست که نسیان شرط- طهارت - ملحق به نسیان اصل طواف باشد و علی هذا حج صحیح است طواف حج و نماز آن و طواف نساء و نماز آن را با طهارت انجام دهد و احتیاطاً سعی را نیز اعاده نماید و اگر از مکه برگشته و به وطن آمده اگر متمکن باشد خودش و الا نائب بگیرد تا طوافین و سعی را به جا آورد هر چند در غیر موقع حج باشد و چون در این مسأله، به فتوای صحت از علماء اعلام برخورد نکرده‌ام بلکه اطلاق کلماتشان، ظهور در بطلان دارد احتیاط آنست که سال دیگر خودش و اگر خودش متمکن نیست نائب بگیرد تا حج تمتع به جا آورد و تمسک به نفی حرج و حدیث رفع در این مورد بنظر حقیر تمام نیست و تفصیل آن محتاج به مجال و بحث بیشتر است.

س

- شخصی در حین تولد سر حشفه او مقداری ختنه بوده و به اصطلاح مختون غیبی بوده و بعد دیگر او را ختنه نکردند و بهمان اکتفا شده و با این حال حج نموده در این صورت حج او از جهت طواف و نماز و سایر مناسک اشکالی دارد یا نه؟ و اگر اشکال پیدا کرده با اتیان عمره مفرده، جبران می‌شود یا نه و نسبت به زن چه حکمی دارد به او حرام می‌شود یا نه؟

ج

- اگر حشفه در غلاف نباشد و صدق اغلف نکند طواف و نماز او صحیح است و اگر صدق کند که اغلف است طواف حج و طواف عمره و طواف نساء و نمازهای آنها را مجدداً باید خودش و در صورت عدم تمکن نائیش به جا آورد و تا طواف نساء را به جا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود.

س

- آیا مقام ابراهیم، داخل در مطاف است یا نه؟

ج

- طواف در خلف مقام، بنظر این جانب محل اشکال است و در این مسأله می‌توانید رجوع به دیگری نمایید.

س

- اگر زن بعد از اعمال حج در منی حائض شود و به مکه بیاید و پیش از آن که پاک شود ناچار به رفتن از مکه شود مثل این که همراهان او عازم

صفحه : ۴۷۲

مراجعت باشند آیا می‌تواند برای طواف حج و نماز آن و طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد؟.

ج

- بلی لازم است بر او که نایب بگیرد و بعد از آن که نایب طواف حج و نماز آن را انجام داد خودش سعی را به جا آورد و بعد از سعی، برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

س

- اگر زن پس از اعمال حج اثر عادت در خود ببیند و شک کند که پیش از انجام عمل حیض شده یا بعد از تمام شدن اعمال، حج او صحیح است یا خیر؟.

ج

- اعتنا باین شک نکند و حج او محکوم به صحت است.

س

- حمل مغضوب در حال احرام خصوصا در حال طواف چه صورت دارد؟.

ج

- اگر طواف موجب حرکت اضافی نشود، مانع ندارد مانند نماز.

س

- شخصی چند مرتبه عمره مفرده به جا آورده و در هیچ کدام طواف نساء نکرده آیا یک طواف نساء برای تمام عمره‌ها کفایت می‌کند یا باید برای هر کدام طواف جداگانه انجام دهد؟.

ج

- یک طواف کافی است.

س

- بچه‌ای که ختنه نشده و محرم شده آیا ولیّ او می‌تواند بعد از احرام طفل، از جانب طفل نیابت کند یا نه؟.

ج

- نیابت قبل از ختنه صحیح نیست و بعد از ختنه تا وقتی که آن طفل خودش یا نائیش طواف را به جا نیاورد از احرام خارج نمی‌شود.

س

- زنی که به واسطه خوردن قرص و یا تزریق آمپول، جلو عادت زنانه را گرفته لکن در ایام عادت روزی یک لحظه خون می‌بیند آیا طواف و نماز با وضع مذکور صحیح است یا خیر؟.

ج

- با انجام اعمال مستحاضه طواف و نماز او صحیح است.

س

- طواف مستحبی بعد از احرام حج تمتّع جائز است یا خیر؟.

ج

- اقوی جواز و احوط ترک آن است.

صفحه : ۴۷۳

س

- تکلیف زن مضطربه در طواف چگونه است؟.

ج

- به نحوی که در نماز عمل می‌کند در طواف نیز عمل نماید.

س

- حکم محمول متنجس در طواف چیست؟.

ج

- اگر ساتر نباشد اشکال ندارد.

س

- اگر از قول اهل خبره اطمینان پیدا کند که ختان برای او ضرر دارد تکلیفش در طواف چیست؟.

ج

- خودش طواف کند و بنا بر احتیاط واجب نائب هم بگیرد.

س

- شخصی خیال می‌کرده که طواف هشت شوط است و طواف عمره را هشت شوط انجام داده و پس از تقصیر و محرم شدن برای حج فهمیده که هفت شوط است، و یا اگر بعد از اعمال حج فهمیده باشد یعنی تمام طوافها را باین نحو انجام داده و محل شده چه وظیفه‌ای دارد؟ و اگر بعد از محل شدن از احرام عمره تمتع و قبل از احرام حج بفهمد تکلیف چیست؟.

ج

- ظاهر نص و فتوای بطلان چنین طوافی است بنا بر این در فرض سؤال اگر برای انجام طواف و سعی وقت باشد باید طواف و نماز و سعی را مجدداً به جا آورد چه قبل از احرام باشد و چه بعد از آن و اگر وقت نباشد حج او مبدل به افراد شده باید بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد و اگر طواف حج را هم هشت شوط انجام داده باشد حج او مجزی نیست و باید در سال بعد حج نماید و برای بیرون آمدن از احرام باید اعمال عمره مفرده را بنحو صحیح خودش و با عدم تمکن نائیش به جا آورد.

س

- اگر در حال طواف یا سعی، انسان مقداری غافل شود مثلاً در مقداری از یک شوط یا در مقداری از هر یک از اشواط فکرش متوجه موضوعات دیگر شود و از سعی یا طواف غافل شود همان طوری که در نماز هم اتفاق می‌افتد چه صورت دارد؟.

ج

- حضور قلب در طواف و نماز آن لازم است و شرط قبول و کمال است ولی غفلت در آن احیاناً، موجب بطلان نیست در صورتی که اصل طواف را با توجه و شرائط شروع کرده باشد و اگر از او سؤال شود که چکار می‌کنی بگوید طواف

صفحه : ۴۷۴

می‌کنم و همین طور در سعی.

س

- کسی که مشغول طواف یا سعی است بدون عذر آن را رها می‌کند و به کنار می‌رود و چهار رکعت نماز می‌خواند و برمی‌گردد آیا این مقدار فاصله موالات عرفیه را بهم می‌زند و باید طواف و سعی را از سر بگیرد یا باید بقیه طواف و یا سعی را به جا آورد؟.

ج

- بلی موالات بهم می‌خورد و رها کردن طواف و سعی بدون عذر جائز نیست.

س

- شخصی جهلا در عمره تمتع، طواف را قبل از حجر الاسود شروع نموده و در همان مکان شروع، ختم کرده تکلیف این شخص چیست؟

ج

- در فرض سؤال کسی که جهلا- یک شوط از طواف عمره را ناقص نموده اگر قبل از فوت موالات حکم را بفهمد واجب است شوط ناقص را تکمیل کند و عمره او صحیح است و اگر بعد از فوت موالات بفهمد احتیاطاً اول شوط ناقص را تکمیل نماید و نماز طواف را بخواند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نماید و هم چنین سعی را و اگر وقتی بفهمد که از جهت ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع را تمام کند وظیفه او مبدل بحج افراد می‌شود، بنا بر این در مورد سؤال که طواف عمره را جهلا- ناقص کرده بعد از اعمال حج احتیاطاً عمره مفرده به جا آورد و سال بعد ثانیاً عمره و حج تمتع را به جا آورد.

س

- در مواردی که تقدیم طواف بر وقوفین در حج تمتع جایز است، آیا قبل از احرام برای حج تمتع می‌توان انجام داد یا بعد از احرام واقع شود؟

ج

- تقدیم طواف و سعی حج تمتع، بدون احرام، جایز نیست.

س

- کسی که غسل مس میت بر ذمه دارد می‌تواند طواف و نماز آن را انجام دهد یا نه؟

ج

- احوط آنست که غسل کند و وضو نیز بگیرد و بعد طواف و نماز آن را به جا آورد.

س

- زید بعد از اتمام اعمال حج به دستور مطوّف با جمعی از حجاج و خود مطوّف عمره مفرده به جا آورده و چون عمل مستحبی بوده لباس احرامی که

نیست بعد از مراجعت فهمید که عمره مفرده طواف نساء دارد و یقین ندارد که با مطوف طواف نساء را انجام داده یا نه؟ اکنون وظیفه او را بیان فرمائید.

ج

- در فرض مذکور اگر می‌تواند واجب است خودش به مکه برود طواف عمره را با لباس احرام پاک انجام بدهد و نماز طواف و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و اگر نمی‌تواند نائب بگیرد و ممکن است بنویسد یکی از شیعیان مورد اعتماد آنجا که از میقات، محرم شود و به نیابت او این اعمال را به جا آورد و تا این اعمال را انجام ندهد و طواف نساء را به جا نیاورد با زن نزدیکی نکند.

س

- زن و شوهری به مکه رفتند و مناسک حج را به جا آوردند لکن چون زن شوهرش را نمی‌خواست طواف نساء و نماز آن را به جا نیاورد و شوهر هم این طواف و نماز را ترک کرده و به وطن خود برگشته‌اند اکنون وظیفه آن زن از نظر محرمیت و بودنش در خانه شوهر چیست؟.

ج

- بر هر دو واجب است به مکه برگردند طواف نساء و نماز آن را به جا آورند و اگر رفتن به مکه مشقت دارد نایب بگیرند که طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و تا وقتی که طواف نساء و نماز آن را به جا نیاورده‌اند هر گونه استمتاع زن و مرد از یکدیگر حرام است و لکن عقد باطل نیست و زن بر مرد محرم است و در این مورد که زن بقصد فرار از تمکین، طواف نساء به جا نیاورده استحقاق نفقه و سکنی محل اشکال است و احتیاط در ترک مطالبه است هر چند بر زوج نیز احتیاط در صورت مطالبه، بذل نفقه است.

س

- اگر کسی در حج تمتع به تصور این که فقط طواف نساء، واجب است طواف زیارت را ترک نموده و تنها طواف نساء و نماز آن را انجام داده تکلیفش چیست؟.

ج

- در فرض سؤال که طواف حج از جهت جهل به مسأله ترک شده حج باطل است و باید در سال بعد به جا آورد و نظر به این که محتمل است از احرام بیرون نیامده باشد احتیاطاً از نزدیکی با زن قبل از انجام اعمال عمره مفرده دوری کند.

صفحه : ۴۷۶

س

- زنی هستم که چند سال قبل به مکه مشرف شدم موقعی که در مدینه بودم در روز ششم عادت زنانگی، خود را پاک دیدم و

عادت من همیشه بین هفت تا ده بوده است غسل کردم و عازم مکه شدم و در مکه مشاهده نمودم که پاک هستم، پس از طواف لکه خونی دیدم غسل نموده به عرفات رفتم و در آنجا محتلّم شدم و غسل کردم عصر همان روز مجدداً در عرفات لکه خون دیدم و مجدداً غسل کردم لکن نمی‌دانم غسل ما فی الذمه کردم یا نه؟ بفرمایید حج من چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض مسأله که در ایام عادت خودتان بین هفت تا ده لکه خون دیده‌اید حج شما مبدل به حج افراد شده و چنانچه طواف زیارت و طواف نساء را با طهارت انجام داده باشید حج شما صحیح است و آن چه فعلاً بر شما واجب است یک عمره مفرده است، اگر متمکن شوید خود به جا آورید و الا نایب بگیرید تا برای شما به جا آورد و احتیاط استجابی آن است که مجدداً حج تمتع را علاوه بر عمره مفرده به جا آورید.

س

- زنی از جهت جهت به مسأله، طواف نساء و نماز به جا نیاورده و به بلد خود آمده و شوهرش با او مقاربت کرده بعداً ملتفت شد که چون طواف نساء و نماز آن را انجام نداده جائز نبوده چنین عملی را انجام دهد، بفرمایید أولاً که نسبت بحج تکلیفش چیست؟ و ثانیاً حلیت و حرمت زن و شوهری ایشان چگونه است؟ و ثالثاً فرق بین جهل به مسأله و نسیان آن هست یا نه؟ و رابعاً اگر تنها نماز طواف را نخواند چه صورت دارد.

ج

- در فرض سؤال، حج او صحیح است و چون جاهل به مسأله بوده جماع، موجب کفاره نیست ولی بعد از علم اگر مقاربت نماید کفاره لازم است و برای حلیت، لازم است با تمکن، خود او و با عدم امکان، نائب او طواف نساء و نماز طواف را به جا آورد و در این حکم فرقی بین جاهل و ناسی نیست و اگر فقط نماز طواف را نخوانده بعد از علم یا التفات جایز است در هر جا باشد نماز را بخواند.

س

- شخصی هستم که در هر پنج دقیقه الی ده دقیقه احتیاج به آب

صفحه : ۴۷۷

دارم آیا می‌توانم با این حال، عمل حج انجام دهم؟.

ج

- اگر توانستید، طواف و نماز آن را با وضوء انجام دهید و اگر فقط طواف را می‌توانید با وضوء انجام دهید جایز است بعد از تمام شدن طواف وضو را تجدید کنید و نماز آن را بخوانید و اگر تمام طواف را نیز نمی‌توانید با یک وضوء به جا آورید چهار شوط آن را به جا آورید و بعد تجدید وضوء نموده سه شوط دیگر آن را انجام دهید و نماز طواف را بخوانید و اگر بتوانید طواف را بیکی از طرق مرقومه انجام دهید طواف صحیح است و بقیه اعمال حج، مشروط به طهارت نیست.

س

- در این سالها که جمعیت زیاد است و طواف در بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام مشقت دارد بلکه در بعض اوقات ممکن نیست و یا خطر جانی دارد آیا طواف از پشت مقام صحیح است یا نه؟ و هم چنین نماز طواف که باید پشت مقام خوانده شود در مثل این زمان ممکن نیست اگر دورتر از مقام خوانده شود صحیح است یا نه؟.

ج

- در صورت اضطرار، طواف، از پشت مقام کافی است و نماز طواف را هر جا ممکن باشد با صدق خلف مقام به جا آورند.

س

- اگر کسی در حج تمتع از جهت نسیان حکم، اول طواف نساء را به جا آورد و بعد طواف زیارت را سپس متذکر شود یا این که قبل از انجام طواف زیارت ملتفت گردد و یا از جهت نسیان موضوع یعنی به خیال این که طواف زیارت را انجام داده فقط طواف نساء را به جا آورد چه تکلیفی دارد، و نیز اگر جهلا طواف نساء را قبل از طواف زیارت به جا آورد حکمش چیست؟.

ج

- لازم است طواف نساء بعد از طواف زیارت واقع شود بنا بر این در تمام صور مذکوره باید طواف نساء را دو مرتبه به جا آورد.

س

- در صورتی که زنها بتوانند با خوردن قرص، عادت زنانه را عقب بیندازند تا بتوانند عمره را تمام نموده و محرم به حج شوند و مجبور نشوند احرام عمره را بدل به احرام حج نمایند آیا خوردن قرص و عقب انداختن عادت لازم است یا نه؟.

ج

- تاخیر انداختن عادت، لازم نیست.

صفحه : ۴۷۸

س

- شخصی در عمره تمتع، طواف را چهار شوط به جا آورده و متذکر این معنی نشده تا بعد از اعمال عرفات و منی، حال آیا همان طواف ناقص را باید اعاده کند و به سبب تقصیر، از احرام بیرون آمده یا آن که قهرا مبدل به افراد شده البته دستوری از طرف یکی از روحانین به شخص مزبور داده شده باین نحو که یک عمره مفرد به جا آورد و آورده ولی باز نگران اعمال حج خود است اکنون تکلیف او را معین فرمائید.

ج

- در فرض سؤال اگر از جهت فراموشی، طواف را ناقص نموده عمره و حج او صحیح است و بعد از تذکر، سه شوط باقی را باید قضاء نماید و اگر از جهت جهل بحکم بوده حج تمتع باطل است و باید سال بعد به جا آورد.

س

- مظنه در طواف، حکم شک را دارد یا یقین؟.

ج

- ظن در طواف، حکم شک دارد.

س

- فرموده‌اند اگر کسی طواف نساء را در حج به جا نیاورد زن بر او حرام می‌شود بفرمایید که آیا مقصود، فقط مقاربت است و یا سایر استمتاعات نیز حرام خواهد بود و اگر اولادی بوجود بیاید حلال زاده است یا نه و ارث می‌برد یا نمی‌برد؟.

ج

- در فرض سؤال، به احرام بستن شخص، ازدواج با زن و هر گونه استمتاع از او حرام می‌شود و تا طواف نساء به جا آورده نشود هیچ یک از استمتاعات بر او حلال نیست و در صورت عصیان و مقاربت با زن، اولاد ملحق به آنها است و توارث نیز بین آنها ثابت است.

س

- زنی که در پشت ناخن و انگشتهای او، لاک چسبیده بوده با این کیفیت، اعمال حج را به جا آورده و نمی‌دانسته که این رنگ لاک، مانع برای وضو و غسل می‌باشد در این صورت آیا اعمال او صحیح است یا خیر؟ و چنانچه پس از انجام اعمال، متوجه شود چه وظیفه‌ای دارد؟.

ج

- در فرض سؤال، طواف او باطل است و احرام او باقی است و اگر در ذی حجه در مکه متوجه شود بعد از ازاله مانع، غسل یا وضو و طواف حج و سعی و طواف نساء را به جا آورد و عمره مفرده نیز به جا آورد با طواف نساء و محل شود و در

صفحه : ۴۷۹

سال بعد، حج واجب را به جا آورد و اگر بعد از ذی حجه متوجه بطلان طواف شود عمره مفرده به جا آورد و چنانچه در خارج از میقات باشد لازم است. ثانیاً در میقات، محرم شود رجاء و به مکه برود اعمال عمره مفرده را با طواف نساء به جا آورد تا محل شود و در سال بعد حج واجب خود را به جا آورد.

س

- حاج پس از محل شدن از عمره تمتع قبل از وقوف به عرفات یا در عرفات یا بعد از حج متوجه می‌شود که طواف را از میان حجر اسماعیل انجام داده و لباس پوشیده اکنون حج او صحیح است یا نه؟ و در هر حال کفاره آن چیست؟.

ج

- در فرض سؤال، طواف او باطل است و احرام عمره او باقی است و باید طواف و نماز آن و سعی را ثانياً به جا آورد و بعد تقصیر نماید و آن‌گاه محرم به احرام حج شود و برای وقوف عرفات برود و اگر وقت او تنگ است به طوری که اگر بخواهد اعمال مزبوره را به جا آورده و عمره را تمام کند اعمال حج و لو اضطراری آن را درک نمی‌کند با همان احرام عمره، نیت خود را تبدیل بحج افراد نماید و حج را تمام کند و بعد عمره مفرده به جا آورد و اگر وقت او به قدری است که می‌تواند اعمال عمره تمتع را تمام کند و از اعمال حج، وقوفین اضطراری را درک کند اعمال عمره تمتع را تمام کند و باز محرم به احرام حج تمتع بشود و اعمال اضطراری حج تمتع را به جا آورد و سال بعد ثانياً حج تمتع را انجام دهد و کفاره آن اگر تقصیر، به گرفتن ناخن باشد بنا بر احتیاط لازم، قربانی نمودن یک گاو است و هم چنین است حکم اگر جماع کرده باشد. و اگر بعد از حج متوجه شده، حج او مبدل به حج افراد شده و باید عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد هم حج تمتع را انجام دهد.

س

- محرم به عمره تمتع، در شوط چهارم در حالی که از نصف تجاوز کرده و یا قبل از رسیدن به نصف، چنانچه بدون عذر طواف را رها کرد و استیناف نمود و مجدداً هفت شوط را انجام داد و اعمال عمره را به جا آورد و محرم بحج گردید و اعمال حج را انجام داد حجش صحیح است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال که طواف اول را ناقص گذاشته و ثانياً طواف تمام

صفحه : ۴۸۰

به جا آورده اقوی صحت عمره و حج تمتع است و اگر بخواهد احتیاط کند سال بعد عمره تمتع و حج را اعاده کند و نقصان طوافی که قطع کرده به جا آورد و بعد از حج، یک عمره مفرده به جا آورد و یک شتر هم قربانی کند.

س

- محرم به عمره تمتع در شوط چهارم در صورتی که از نصف گذشت فرضاً نماز جماعت برادران اهل تسنن شروع شد و طواف را رها کرد و از مطاف خارج گردید و به اتمام نرساند بلکه طواف را از سر گرفت و اعمال عمره تمتع را به جا آورد عمره تمتع صحیح است یا نه؟.

ج

- اقوی صحت عمره و حج تمتع است و نقصان طواف قطع شده را واجب است به جا آورد و اگر به جا نیاورده و به وطن آمده سال دیگر برود و به جا آورد و اگر زحمت است نائب بگیرد که او انجام دهد.

س

- جوان شیعه‌ای در یک خانواده از برادران اهل تسنن کار می‌کرده و تا کنون ازدواج نکرده و چون وقت حج می‌رسد با آن جماعت به زیارت خانه خدا می‌رود و اعمال حج را مطابق دستورات آنها انجام داده، ولی طواف نساء را به جا نیاورده و بعد از مراجعت از سفر ازدواج کرده و صاحب اولاد شده در این صورت حج او چه صورت دارد و ازدواج او صحیح است یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله چنانچه ارکان حج را مطابق فتوای شیعه انجام داده حج او صحیح است و واجبات غیر رکنی را نیز اگر مطابق فتوای شیعه انجام نشده در صورت تمکن خودش و الا نائیش انجام دهد لکن تا طواف نساء به جا نیاورده زن بر او حرام است و اگر خودش نمی‌تواند به جا آورد یک نفر شیعه را وکیل کند که نیابتاً از طرف او طواف نساء به جا آورد و بعد از انجام طواف، عقد را تجدید کند و اولاد آنها در حکم حلال زاده است.

س

- طواف عمره تمتع را از داخل حجر اسماعیل انجام داد و تقصیر کرد و از احرام خارج شد و در وقت طواف حج متوجه شده اکنون تکلیف او چیست؟.

ج

- حج او مبدل به حج افراد می‌شود و باید بعد از اكمال حج، عمره مفرده به جا آورد ولی مجزی از حجه الاسلام نیست و باید سال بعد حج تمتع را به جا

صفحه : ۴۸۱

آورد.

س

- اگر کسی در آخر یکی از شوطهای طواف شک کند بین شوط هفتم و شوط پنجم و یا ظن به هفت شوط پیدا کند و در هر دو صورت بنا را بر اقل گذاشته و بقیه را رجاء به جا آورده و بعد از اتمام بدون نماز طواف یک دور لغو دور زده تا نزدیک حجر الاسود و بعد تمام اشواطی که به جا آورده به خیال این که شاید آنها درست نشده همه آنها را لغو حساب کرده مجدداً هفت شوط دیگر بقصد وجوب، طواف کرده است آیا طواف او صحیح است یا نه؟.

ج

- صحت آن بعید نیست.

س

- اگر کسی در عمره تمتع بعد از انجام اعمال عمره محل شده و لباس خود را پوشید بعد یقین کرد به این که طواف او و یا سعی او باطل بوده در صورتی که وقت برای تجدید عمره تمتع، باقی است مراجعت به میقاتگاه برای او واجب است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر می‌داند که سعی او باطل بوده سعی خود را با لباس احرام اعاده نماید و اگر یقین ببطال طواف دارد طوافش را به جا آورد و احتیاطاً سعیش را اعاده نماید و در هر دو صورت احتیاج به رفتن میقات نیست و در صورتی که از روی جهل، مخیط پوشیده کفارہ بر او واجب نیست.

س

- معذورین، که وقوف اضطراری مشعر الحرام را شب درک نموده و بمنی می‌روند و رمی جمره می‌کنند و وکالت برای قربانی می‌دهند و تقصیر می‌نمایند آیا جائز است در همان شب، طواف زیارت و طواف نساء را به جا آورند یا نه؟.

ج

- با عذر مانعی ندارد که شب طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه و طواف نساء را انجام دهند.

س

- طواف نساء و نماز آن که اگر در عمره مفرده و در حج به جا آورده نشود زن حلال نمی‌شود، بر زنها نیز لازم است یا نه؟.

ج

- بلی بر زن نیز لازم است و تا آن را به جا نیاورد مرد بر او حلال نمی‌شود بلکه اگر طفل را هم محرم نمودند طواف نساء او هم لازم است و تا طواف نساء او

صفحه : ۴۸۲

انجام نشود زن بر او حلال نمی‌شود.

س

- نماز طواف مستحب واجب است یا مستحب؟.

ج

- مستحب است.

س

- در حج لازم است که طواف نساء و نماز آن را بعد از طواف حج و نماز و سعی به جا آورد یا خیر؟

ج

- بلی لازم است طواف نساء را بعد از سعی به جا آورد و اگر عمداً مقدّم داشت اعاده آن با نمازش بعد از سعی لازم است و در صورت جهل و فراموشی اعاده آن احوط است و اگر خودش نمی‌تواند اعاده کند نائب بگیرد.

س

- کسی که عمره مفرده استحبابی به جا می‌آورد اگر طواف نساء آن را عمداً یا جهلاً یا سهواً ترک کند آیا زن بر او حرام است؟

ج

- بلی تا طواف نساء را به جا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود و از این جهت فرقی میان عمره مفرده واجب و مستحب نیست.

س

- شخصی به واسطه ندانستن مسأله طواف نساء را به جا نیاورده ولی نیت طواف مستحب کرده باین نحو که این طواف را برای هر نقصانی که در طواف داشته‌ام قربۀ إلی الله به جا می‌آورم و بعد از گذشتن یک سال ملتفت شده تکلیفیش چیست؟

ج

- در مورد سؤال احوط آن است که بعد از التفات با زن نزدیکی نکند و در صورت تمکن برود طواف نساء را خودش به جا آورد و اگر مشقت دارد نایب بگیرد که برای او طواف نساء و نماز آن را به جا آورد اگر چه در غیر ماه حج باشد.

س

- ما رأیکم حول الحاج أُلذی لم یکمل حجه لعذر، بعد اداء الموقفین بان عرضه عارض عن اتیان طواف الحج و النساء و لا یمکن له الاستنباهُ فعلا کیف یکون معاشرته مع اهله؟

ج

- یحرم علیه اتیان اهله حتی یاتی بطواف الحج و صلاته و السعی و طواف النساء و صلاته.

صفحه : ۴۸۳

نماز طواف

س

- شخصی حاج که قرائت وی درست نیست نماز طواف نساء را خودش خوانده و شخصی را که نمی‌داند قرائتش درست است یا نه

نائب گرفت در این صورت مجزی است و یا باید در ولایت خود نائب بگیرد و دوباره بخواند؟.

ج

- اگر در وقت عمل، متمکن از صحیح کردن قرائت نبوده به همان نحوی که متمکن بوده کفایت بعید نیست ولی فعلا که متمکن از صحیح کردن است بعد از تصحیح احتیاطا نمازهای طوافها را در ولایت خود بخواند و اگر فعلا هم نمی‌تواند صحیح نماید در ولایت خود نائب بگیرد که به نیابت او بخواند.

س

- حاج هنوز نماز طواف خود را نخوانده می‌تواند نیابتا نماز طواف دیگری را بخواند یا نه؟.

ج

- نماز طواف را بنا بر احوط بعد از طواف باید فوراً به جا آورد، بنا بر این، نیابت از دیگری در نماز، منافات با فوریت دارد لکن اگر قبلاً خواند نماز صحیح است.

س

- در صورت عدم امکان نماز در نزدیک مقام آیا تا آخر مسجد الحرام فعلی باید رکعتین طواف را خلف مقام خواند و یا در جای دیگر از مسجد الحرام هم می‌تواند بخواند؟.

ج

- باید تا آخر مسجد الحرام، نماز طواف، خلف مقام یا جانبین آن خوانده شود.

س

- شخص روحانی که سفر او سفر دوم و استحبابی است می‌شود، در

صفحه : ۴۸۴

نماز طواف به او اقتداء کرد یا نه؟.

ج

- نماز طواف در حج واجب و مستحب واجب است و لازم است که بطور فردی هم خوانده شود.

س

- اگر در خلف مقام ابراهیم (ع) برای نماز طواف واجب، جا نباشد و تقریباً یک ربع ساعت، صبر کند تا جا پیدا شود آیا این مقدار

زمان با موالات عرفیه، منافات دارد یا نه؟.

ج

- در فرض مرقوم این مقدار فاصله مضر به موالات عرفیه نیست.

س

- در مقام ابراهیم (ع) بواسطه ازدحام و کثرت جمعیت ممکن نمی‌شود که در موقع نماز طواف مرد یا زن طوری بایستند که محاذی هم نباشند و یا زن جلو مشغول نماز نباشد در این صورت نماز آنها صحیح است یا خیر؟.

ج

- بلی صحیح است و لکن محاذی بودن مرد با زن و هم چنین جلو ایستادن زن در حال نماز اگر فاصله بین آنها کمتر از ده ذراع باشد نزد حقیر مکروه است.

س

- در صورتی که جهلا نماز را قبل از طواف به جا آورد تکلیف او چیست؟.

ج

- نماز را دوباره به جا آورد.

س

- چه می‌فرمایید در باره کسی که در عمره مفرده نماز طواف نساء را نخوانده و به ولایت خود مراجعت کرده؟.

ج

- اگر برگشتن بمسجد الحرام برای او دشوار باشد می‌تواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند هر چند در شهر دیگر باشد.

س

- اگر نماز طواف حج را بعد از سعی به جا آورد آیا لازم است برای حفظ ترتیب سعی را اعاده نماید؟.

ج

- احتیاط مستحب اعاده سعی است.

س

- شخصی نماز طواف عمره را فراموش کرده و بعد از تقصیر متوجه شده آیا باید نماز را با لباس احرام به جا آورد یا لازم نیست؟.

ج

- لزوم آن معلوم نیست.

صفحه : ۴۸۵

س

- برای کسی که نماز طواف او غلط است احتیاط نموده‌اند که به جماعت بخواند آیا نماز امام باید نماز طواف واجب باشد یا نماز یومیه کافی است؟.

ج

- اقتداء به نماز یومیه مشکل است و در مواردی هم که اقتداء به نماز طواف شود بنا بر احتیاط، اکتفاء به آن نکنند.

س

- شخصی مشغول سعی شده و از نصف تجاوز کرده و یا پیش از رسیدن به نصف، متوجه شد که نماز طواف نخوانده وظیفه‌اش چیست؟.

ج

- سعی را رها نموده نماز طواف بخواند و بعد در صورت تجاوز از نصف بقیه سعی را و در کمتر از نصف همه آن را مجدداً به جا آورد.

س

- نائب، نماز طواف منوب عنه را با فاصله به جا آورد چه صورت دارد؟.

ج

- باید بدون فاصله به جا آورد ولی اگر با فاصله انجام داد مضر به نمازی که منوب عنه خودش خوانده است نیست.

صفحه : ۴۸۶

سعی

س

- اگر سر خود را در سعی بین صفا و مروه به پشت برگرداند و بدن به سمت یمین یا یسار کج شود اما به پشت برنگردد سعی او اشکالی دارد یا نه؟.

ج

- اگر در حال رفتن به صفا صورتش متوجه به صفا و در حال رفتن به مروه متوجه مروه باشد و هنگام برگرداندن سر، توقف کند اشکال ندارد.

س

- اگر شخصی در سعی بین صفا و مروه به اطراف نظر نمود می‌تواند همان وقت سعی را از اول شروع کند یا باید صبر نماید تا موالات بهم بخورد؟.

ج

- نظر کردن به اطراف در حال سعی ضرر ندارد فقط باید وقت رفتن به صفا رو به صفا برود یعنی قهقری نرود یا آن که طرف یمین یا یسارش به سمت صفا نباشد و اگر کسی بنحو باطل مقداری رفت برگردد همان مقدار را صحیحا اعاده کند و موالات بهم نمی‌خورد و از سر شروع کردن، صحیح نیست.

س

- حاج در عمره تمتع پس از آن که محل شد و لباس دوخته پوشید متوجه می‌شود که سعی را شش مرتبه انجام داده حال اگر قبل از وقوف به عرفات متوجه شد چه کند و اگر در عرفات یا بعد متوجه شد چه تکلیفی دارد و اگر جماع کرده کفاره آن چیست؟.

ج

- اگر وقت دارد کسری سعی را تمام کند و اگر وقت ندارد به طوری که اگر بخواهد برود و کسری سعی را تمام کند به وقوف عرفات نمی‌رسد وقوف عرفات و اعمال حج را به جا آورد و بعد از مراجعت به مکه، کسری سعی عمره را به جا آورد و در فرض سؤال، اگر جماع کرد کفاره آن بنا بر احتیاط، یک گاو است و هم چنین

صفحه : ۴۸۷

است حکم ناخن گرفتن.

س

- شخصی در سعی بین صفا و مروه که تکلیفش هفت مرتبه است اگر جهلا چهارده مرتبه سعی نماید تکلیفش چیست؟.

ج

- در فرض سؤال که بواسطه جهل به مسأله زیاده‌تر سعی نموده سعی او صحیح است و اعاده واجب نیست و هم چنین است حکم در

صورت نسیان.

س

- یکی از آقایان مراجع در مناسک خود مسأله ۳۴۸ فرموده اگر یک شوط به سعی، اضافه کرد مستحب است شش شوط دیگر اضافه کند تا سعی دومی شود، بفرمایید که مقصود ایشان چیست؟ با این که سعی مستحب نداریم.

ج

- در خصوص مورد، روایتی هست که بعضی از علماء رضوان الله تعالی علیهم اجمعین به آن عمل نموده‌اند و بعضی به جهت ضعف سندش بر طبق آن، فتوی نداده‌اند و لکن عمل به آن، مطابق احتیاط است.

س

- کسی که می‌دانسته در سعی باید از صفا شروع و به مروه ختم کند ولی جای آنها را نمی‌دانسته و از کسی پرسیده و او مروه را به جای صفا به او نشان داده و بنا به گفته او از مروه شروع به سعی کرد پس از این که هفت مرتبه سعی انجام داد ملتفت اشتباه شد و یک مرتبه دیگر سعی نمود آیا سعی او صحیح است یا خیر؟

ج

- اقوی صحت آنست هر چند احوط اعاده سعی است.

س

- اگر جهلا سعی را بر طواف زیارت مقدم داشت چه حکمی دارد؟

ج

- احتیاط واجب آنست که سعی را اعاده نماید.

س

- روی صفا و مروه طاقی زده شده محاذی زیر، آیا سعی را در طبقه فوقانی صحیح می‌دانید یا خیر؟

ج

- در صورتی که فوقانی بلندتر از کوه صفا و مروه نباشد که سعی بین دو کوه صدق بکند مانعی ندارد.

س

- چرخهائی که در مسعی رفت و آمد می‌کنند محل معینی دارد که احیاناً مشکوک است که به ابتدا و یا به انتهای مسعی می‌رسد یا

نه؟ تکلیف چیست؟.

ج

- باید سعی کامل انجام شود هر چند با پرداخت اجرت بیشتر باشد.

صفحه : ۴۸۸

س

- شخصی قادر بر سعی نبوده او را سوار چرخ کرده‌اند در حال سعی خوابش برده مقداری از سعی را خواب بوده و بعد او را بیدار کرده‌اند و بقیه سعی را بیدار بوده آیا سعی او صحیح است یا نه؟.

ج

- صحت سعی در حال خواب معلوم نیست، بنا بر این اگر بعد از نصف، خواب رفته چنانچه آن مقداری که در خواب بوده و باقی را با التفات به جا آورده باشد کافی است و احتیاطا اصل سعی را اعاده نماید و در غیر این صورت لازم است سعی را از سر بگیرد.

س

- شخصی در حال سعی شک می‌کند شوط سوّم است یا چهارم و در حالی که سعی را ادامه می‌دهد فکر می‌کند و پس از مقداری سعی یقین می‌کند شوط سوّم است آیا این سعی صحیح است یا باید از سر بگیرد؟.

ج

- در فرض سؤال که شک او مبدّل به یقین شده و احراز عدد اشواط نموده و به سعی ادامه داده است به رجاء کشف حال سعی، او صحیح است.

صفحه : ۴۸۹

تقصیر و حلق

س

- شخصی چند سال قبل بحج مشرف شد و در عمره تمتع بعد از سعی چند دانه موی ریش را به نیت تقصیر کند و حج را تمام نمود آیا حج تمتع او صحیح است یا نه؟ ضمناً بعد از این سفر چند مرتبه دیگر بحج مشرف شده اگر حج اول اشکالی داشته باشد حج سالهای بعد، صحیح است یا نه؟ و چنانچه در واقع، حج اول او مبدّل به افراد شده باشد اگر امسال به مکه برود و بعد از اتمام اعمال حج، یک عمره مفرد انجام دهد برای حج سال اول کافی است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، که حج تمتع را ثنیا به جا آورده اگر عمره مفرده نیز احتیاطا به جا آورد کافی است و اگر بعد از حج سال اول در سالهای بعد، عمره مفرده به جا آورده باشد، نیز کافی است.

س

- کسانی که در شب دهم - شب عید - جایز است از مشعر کوچ کنند آیا می‌توانند رمی جمره عقبه را هم در شب دهم انجام دهند یا نه؟ و حکم قربانی و حلق و تقصیر را هم در شب دهم بیان فرمائید.

ج

- کسی که معذور است و نمی‌تواند در روز عید، رمی کند جایز است در شب عید، رمی نماید و هم چنین اگر از حلق و تقصیر در روز عید، معذور است مثل خائف از فجأه حیض که بخواهد همان شب به مکه برود بعید نیست جایز باشد بعد از رمی جمره کسی را وکیل کند که در روز عید برای او قربانی نماید و خود حلق یا تقصیر نموده و به مکه برود و قربانی نمودن در شب عید، بنا بر احوط جایز نیست.

س

- شخصی در اعمال روز عید در منی در اثر گم کردن منزل و یا عذر

صفحه : ۴۹۰

دیگر حلق یا تقصیر را تاخیر انداخته تا شب حلق نموده و یا فردای آن روز مقارن طلوع آفتاب حلق کرده صحیح است یا نه؟.

ج

- در صورتی که معذور بوده مجزی است.

س

- شخصی در عمره تمتع، به جای تقصیر چون تقصیر را بمعنی گناه تصور کرده چند مو از سینه خود کنده و بعد هم برای حج تمتع محرم شده و حج تمتع را انجام داده آیا حلق که بعد انجام گرفته کفایت از تقصیر می‌کند یا نه؟ و آیا فعلا زن بر او حلال است یا هنوز از احرام خارج نشده؟.

ج

- در فرض سؤال که از جهت جهل به مسأله قبل از محل شدن از عمره، محرم به احرام حج شده عمره تمتع او باطل و حج او مبدل به حج افراد شده و بعد از افعال حج و تقصیر یا حلق و طواف نساء، زن بر او حلال است و واجب است بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد و اگر نیاورده هر وقت متمکن شد انجام دهد و احتیاط لازم آن است که در سال بعد حج تمتع به جا آورد.

س

- در روز دهم اگر حاج ضروره، متمکن از حلق نشود شب می تواند حلق نماید یا باید روز یازدهم حلق نماید؟.

ج

- حلق در شب خلاف احتیاط است و اگر در روز عید، ترک نمود روز یازدهم باید حلق کند و اگر به جای حلق، تقصیر کرد وقتی که متمکن از حلق شد در طول ذی حجه، حلق نماید.

س

- اگر حاج ضروره، علم داشته باشد که حلاق، سر او را خونی می کند وظیفه اش چیست؟ علی تقدیر تعین الحق علیه؟.

ج

- فرض انحصار حلاق به کسی که سر او را خونی می کند بعید است باید فحص نماید و حلاق ماهر پیدا کند اگر فرضا پیدا نشد تقصیر نماید و بعد در ماه ذی حجه هر وقت متمکن از حلق شد حلق نماید هر چند به مکّه آمده باشد و مو را بمنی بفرستد.

س

- پس از تمام شدن سعی، بعضی از اشخاص از مو و شارب و ناخن دیگران، بعنوان تقصیر، کوتاه می کنند. آیا وکالت در این کار از آنها لازم است یا سکوت و رضایت آنها کافی است.

صفحه : ۴۹۱

ج

- خود محرم باید نیت تقصیر را که از اعمال حج است بنماید و اگر با رضایت، خودش را در معرض حلاق قرار دهد که موی او را کوتاه کند کافی است.

س

- چنانچه محرم در روز عید قربان به علّت ازدحام یا کسالت نتواند رمی کند و قصد دارد روز یازدهم قضا کند و از طرفی چون قربانی در منی در روز عید ممکن نیست قربانی را هم تا روز سیزدهم تأخیر بیندازد آیا اجازه می فرمایید که در روز عید حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شود و در روزهای بعد رمی و قربانی را انجام دهد؟.

ج

- در صورت مفروضه می تواند با حلق یا تقصیر از احرام خارج شود.

س

- در مناسک آمده که در صورت نسیان تقصیر در عمره و توجه پیدا کردن به آن بعد از احرام حج، عمره او صحیح است و باید یک گوسفند کفاره بدهد و راجع به انجام تقصیر و عدم آن چیزی مرقوم نشده آیا همان کفاره کافی است؟.

ج

- بلی در صورت نسیان، کفاره کافی است.

س

- کسی که جهلا- بالحکم، در خارج منی حلق کرده و طواف حج و سعی و طواف نساء را انجام داده بعد متوجه مسأله شده، وظیفه‌اش چیست و چنانچه از جهت جهل به موضوع باشد و یا اصلاً غافل از حلق در منی باشد تکلیف چیست؟.

ج

- در فرض مسأله که از جهت جهل به مسأله و غفلت، در غیر منی حلق کرده، اجزاء بعید نیست هر چند احتیاط آنست که در صورت تمکن به منی برگردد و حلق کند (امرار موسی نماید) و اعمال بعدی را اعاده کند و با عدم تمکن، هر جا که هست همان جا حلق کند و استحباباً موی خود را به منی بفرستد.

س

- کسی که به واسطه جهل به مسأله بعد از طواف و قبل از سعی، تقصیر کرده و بعد از آن با زن نزدیکی کرده بفرمایید تکلیف این شخص چیست؟.

ج

- باید سعی را بنحو صحیح به جا آورد و رجاء تقصیر کند و بنا بر احتیاط واجب یک گاو کفاره بدهد.

س

- حاج در منی بعد از رمی جمره عقبه و قربانی، قبل از حلق و

صفحه : ۴۹۲

تقصیر عالماً یا جاهلاً از احرام بیرون بیاید و لباس عادی به پوشد تکلیفش چیست؟.

ج

- باید حلق یا تقصیر را به جا آورد و یک گوسفند، قربانی کند برای پوشیدن لباس دوخته قبل از احلال، اگر عالماً عامداً این کار را کرده و اما نسیاناً یا جهلاً کفاره ندارد.

س

- اگر شخص محرم به احرام حج یا عمره، محرم دیگری را تقصیر نماید شخص تقصیر شده از احرام خارج می‌شود یا نه؟ و در صورت خارج شدن از احرام، بر او و بر تقصیر کننده کفاره لازم می‌شود یا نه؟

ج

- اگر جاهل بحکم باشند تقصیر، صحیح است و از احرام خارج می‌شود و بر تقصیر کننده نیز کفاره لازم نیست.

س

- آیا در عمره تمتع پس از انجام تقصیر سر تراشیدن جایز است یا نه؟

ج

- جایز نیست و اگر بتراشد بنا بر احوط یک گوسفند کفاره دارد.

س

- چند نفر به اتفاق به مکه مشرف شدند جهت انجام اعمال عمره مفرده، و تقصیر را بعد از طواف نساء نموده‌اند چه صورت دارد؟

ج

- در صورتی که نسیانا یا جهلا طواف نساء را بر تقصیر مقدم داشته‌اند اشکال ندارد.

س

- شخصی در عمره مفرده تقصیر را فراموش کرده یا جهلا تقصیر ننموده بعد از طواف نساء و نماز آن یادش آمده یا متوجه شد که تقصیر نکرده حکمش چیست؟

ج

- تقصیر نماید و به احتیاط لازم، طواف نساء و نماز آن را اعاده کند.

س

- کسی که قبلا برای خود بحج مشرف شده و فعلا بعنوان نیابت می‌رود یا این که قبلا نایب بوده و فعلا برای خود مشرف می‌شود آیا واجب است حلق نماید یا مخیر است بین حلق و تقصیر؟

ج

- در هر دو صورت مخیر است بین حلق و تقصیر.

س

- شخص محرم، سلمانی است هنوز حلق یا تقصیر نکرده سر دیگری را می تراشد باید کفاره بدهد یا نه؟.

صفحه : ۴۹۳

ج

- کفاره ندارد هر چند این عمل برای او جایز نیست.

س

- آیا لازم است که تقصیر در عمره تمتع را بعد از سعی بدون فاصله به جا آورد یا نه؟.

ج

- قبل از احرام حج تقصیر نماید کافی است و مدرکی برای فوریت آن بنظر نرسیده.

صفحه : ۴۹۴

وقوف به مشعر

س

- آیا حاج می تواند شب برای کاری و یا بدون کار از مشعر به منی برود و قبل از فجر، برای درک اختیاری مشعر برگردد یا جایز نیست مگر نسبت به کسانی که معذورند؟.

ج

- برای غیر معذور، جایز نیست و اگر رفت و قبل از طلوع فجر مراجعت نمود معصیت نموده و لکن وقوف او صحیح است.

س

- کوچ کردن از مشعر بمنی قبل از نیمه شب یا بعد از آن به جهت خوف ازدحام جمعیت برای پیر مردها و بیماران و زنان چه پیر و چه جوان جایز است یا خیر؟.

ج

- برای مضطر و خائف و صاحب عذر و زنان، افاضه از مشعر بمنی در شب جایز است هر چند قبل از نصف شب باشد.

س

- کارکنان و اعضاء کاروانی که موظف به پذیرائی حجاج هستند آیا می توانند وقوف اضطراری مشعر را انجام داده و همان شب

عید را بمنی بروند و برنگردند یا نه؟.

ج

- اگر طوری است که ناچارند بعد از وقوف مقداری از شب در مشعر، شبانه بمنی بروند و نمی‌توانند ثانیاً به مشعر برگردند مانعی ندارد و لکن اکتفا بمقدار ضرورت نمایند.

س

- هر گاه کارمند کاروان، اثاث را از عرفات به مکه برد و در مشعر توقف نکرد بعد، از مکه به مشعر برگشت و تا صبح ماند چه صورت دارد و هر گاه

صفحه : ۴۹۵

ووقوفش فقط به اندازه جمع کردن سنگ برای رمی جمرات بود تکلیفش چیست؟.

ج

- حج او صحیح است و بمقدار جمع کردن سنگ برای رمی جمرات، اگر بقصد وقوف توقف کند رکن بعمل آمده است.

صفحه : ۴۹۶

رمی

س

- موقع رمی جمره، شش عدد سنگ ریزه بطور قطع به محل خود رسیده ولی عدد هفتم را شک دارم به هدف خورده یا نه حتی در میان چادر هم شک من قوی‌تر شد و در سال بعد به یک نفر حاج که عازم حج بود پول دادم که نیابتاً از طرف من یک عدد سنگ ریزه رمی نماید حال آیا با نقص یک عدد حج بنده باطل می‌شود یا خیر؟.

ج

- واجب بود با شک، سنگ دیگر بزید فعلاً که ترک کرده‌اید حج باطل نمی‌شود.

س

- سنگ ریزه‌هایی که از مشعر الحرام جمع آوری شده، در راه گم شده و از همان منی دورتر از جمره عقبه دو مرتبه سنگ ریزه جمع می‌کنند آیا با این سنگ ریزه‌ها می‌شود رمی کرد یا نه؟.

ج

- مطلق سنگ ریزه حرم کافی است و بودن سنگ ریزه از مشعر، حکم استجابی است.

س

- در سال گذشته عده‌ای زن و مرد به مکه مشرف شدیم یک نفر از اهل علم فرمودند زنها را برای رمی جمرات با خود نبرید چون بر اثر تراکم جمعیت برای آنها مشکل است و شما از طرف آنها نیابتا رمی نمایید و ما هم این عمل را عوض آنها انجام دادیم ولی اطمینان نداریم اسقاط تکلیف از آنها شده و حج صحیح باشد نظر مبارک را مرقوم فرمائید تا برای ما اطمینان حاصل شود.

ج

- در فرض مذکور، حج صحیح است ولی مجرد ازدحام، در صورتی که

صفحه : ۴۹۷

موجب عدم تمکن نشود مجوز ترک رمی و نائب گرفتن نیست و فعلا بر آنها لازم است در صورت تمکن خودشان به مکه بروند و رمی را در وقت آن انجام دهند و در صورت عدم تمکن، نائب بگیرند.

س

- آیا پرستار مریض مثل مریض جائز است که در شب عید، رمی جمرات کند یا نه؟

ج

- پرستار هم اگر مثل بیمار نمی‌تواند در روز رمی جمرات کند جائز است در شب رمی کند ولی اگر با وصف پرستاری بتواند در روز رمی کند رمی در شب برای او جایز نیست.

س

- آیا رمی در شب یازدهم ذی حجه جایز است یا نه؟

ج

- در صورتی که روز می‌تواند رمی کند جایز نیست شب رمی کند و اگر نسیانا یا عمدا ترک نمود قضاء آن را فردای آن روز ابتداء به جا آورد و بعد واجب آن روز را به جا آورد. بلی اگر روز مطلقا نتواند، شب به جا آورد و فرق نیست که شب قبل باشد یا شب بعد.

س

- حاج پیش از رمی خود می‌تواند برای دیگری رمی نماید یا نه؟

ج

- مانعی ندارد.

س

- شخصی در اثر ناتوانی نتوانسته رمی جمره کند رفیقی داشته او را نایب گرفته بعوض او هر سه جمره را زده لکن اگر شب می‌رفت برای او ممکن بود که جمره را رمی کند فعلا- ملتفت مسأله شده که حضرت عالی در مناسک فرموده‌اید «اگر زن عاجز باشد می‌تواند کسی را اجیر بگیرد که به عوض او سنگ بزند ولی اگر شب ممکن شود می‌تواند برود سنگ بزند» نمی‌دانیم این حکم حتمی است و یا اختیاری چون فرمودید که باید برود فرموده‌اید می‌تواند برود و سنگ بزند لذا مسأله را واضح تر بفرمایید.

ج

- در فرض سؤال، چنانچه رمی در شب برای خودش ممکن باشد باید خودش در شب رمی کند و اگر ممکن نیست نایب بگیرد که در روز از طرف او رمی کند و این حکم در مناسک مسأله ۱۶۶ بالصیرراحه ذکر شده و اگر به وطن برگشته احتیاطا اگر بتواند خودش بمنی برود و قضای آن را روز به جا آورد و اگر متمکن

صفحه : ۴۹۸

نیست نایب بگیرد که روز از طرف او رمی کند و در هر صورت باید رمی در ایام تشریق باشد.

س

- رمی جمره عقبه از چهار طرف مجزی است یا خیر؟.

ج

- رمی از غیر محل سابق خلاف احتیاط است.

س

- العاجز عن رمی جمره العقبة فی يوم العيد یرمی صباح الغد قضاء فهل لهذا الشخص إن یذبح و یحلق يوم العيد بدون رمی جمره العقبة او لا بد إن يؤخر الذبح و الحلق ایضا إلى ما بعد الرمی؟.

ج

- یجب إن یكون الذبح و الحلق مترتبین علی رمی جمره العقبة فان عجز عن الرمی يوم العيد یرمی فی غده فان عجز عن الرمی فی تلك الايام و لیالیها جمیعا یستنب من یرمی عنه ثم یذبح و یحلق فی النهار.

س

- هل یجوز الرمی عن النساء نیابة فی هذه السنین لكثرة الحجاج فوق العادة او یجب علیهن إن یرمین بأنفسهن و كذلك الطواف

حول الكعبة، و الازدحام فى الرمى يخفف ليلا و لكن الازدحام حول الكعبة لا يخفف ليلا و نهارا فى هذه السنين.

ج

- النساء فى الفرض المرقوم يؤخرن الرمى إلى آخر ايام التشريق فيرمين بأنفسهن مع الامكان فى النهار و مع عدم التمكن فبالليل و إن عجزن عن كليهما جاز لهن الاستنابه و كذا الطواف فلا يجوز لهن الاستنابه فيه بل يطفن بأنفسهن مع الامكان.

س

- رمى در طبقه دوم چه صورت دارد؟.

ج

- در طبقه تحتانی رمی کنند و رمی در طبقه فوقانی خلاف احتیاط است.

س

- ما حکم من نسی الرمی او الذبح او الحلق يوم العيد و رمی او ذبح او حلق او قصر فى ليلة الحادى عشر نسيانا او جهلا او عمدا؟.

ج

- إن كان المنسى هو الرمى و قد تذكر قبل مضى ايام التشريق و جب عليه احتياطا إن يرمى قضاء كل يوم فى غده، و إن مضى ايام التشريق فان كان متمكنا من قضائه بنفسه فى العام المستقبل فليقضه بنفسه و الا فيستتيب من يرمى عنه يوم العيد فى العام المستقبل و إن كان المنسى هو الذبح و قد ذبح فى ليلة الحادى عشر فلا يبعد

صفحه : ۴۹۹

الاجزاء و إن كان الاحوط إن يذبح فى النهار ايضا و إن كان المنسى هو الحلق و قد حلق فى ليلة الحادى عشر فالاجزاء فى الفرض المرقوم لا يخلو عن قوة.

س

- اخيرا جمره عقبه را بصورت دیوار عریض سیمانی در آورده‌اند و در وسط آن، ستونی سنگ چین است که می گویند سنگ ریزه را باید بهمان قسمت سنگ چین بزنند و به دیوار سیمانی کافی نیست با این که اوائل امر چنین نبوده و شاید در آینده هم چنین نباشد بفرمایید نظر مبارک در این خصوص چیست؟.

ج

- قدر متیقن از اجزاء، همان مقدار سنگ چین است و زائد بر آن مورد شک است.

صفحه : ۵۰۰

قربانی

س

- کسانی که حج استحبابی به جا می‌آورند مثل اکثر حمله‌دارها و راهنمایان که حج واجب خود را در سفر اول انجام داده‌اند و نیابتی هم ندارند در صورتی که نیت حج تمتع کرده باشند آیا قربانی در منی برای آنها لازم است یا این که چون حج آنان استحبابی است ترک قربانی اشکال ندارد؟.

ج

- در حج تمتع، قربانی لازم است و فرقی بین واجب و مستحب آن نیست.

س

- هر گاه ذبح یا نحر در روز عید، ممکن نباشد آیا جایز است تاخیر رمی و حلق از روز عید تا مناسک منی بترتیب انجام بگیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، رمی را در وقت خود انجام دهد و می‌تواند حلق را در روز عید انجام دهد و قربانی را تأخیر بیندازد.

س

- شخصی در منی گوسفندی خریداری کرده و صاحب گوسفند گفته سال او تمام است و قربانی کرده فعلاً شک می‌کند که آیا سالش تمام بوده یا نه؟.

آیا در صورتی که سال او تمام نبوده ضرری بحجۃ الاسلام او وارد می‌آید یا نه؟.

ج

- در این موارد قول ذی الید با احتمال صدق، معتبر است و چنانچه معلوم شود که قربانی واجد شرط نبوده موجب بطلان حج نیست و اگر بخواهد احتیاط کند کسی را وکیل کند که از طرف او در روز عید آینده قربانی کند.

س

- شخص حاج که باید قربانی کند آیا باید گوشت قربانی را بین

صفحه : ۵۰۱

مستحقین، تقسیم کند و در صورتی که برای قربانی، نائب بگیرد، و مطمئن نباشد از این جهت که نمی‌داند أولاً که نایب، گوسفند نر قربانی کرده یا ماده ثانیاً که گوشت را بین مستحقین تقسیم کرده یا نه؟ آیا بر شخص حاج واجب است پس از رسیدن به وطن

خود، گوسفند بخرد و قربانی کرده بین مستحقین تقسیم کند یا عمل نأب، مجزی است و نباید قربانی مجدد بکند.

ج

- قول نأب اگر خودش گفت به وظیفه عمل کرده‌ام کافی است و لازم نیست گوسفند قربانی نر باشد.

س

- چون مسلخ را تغییر داده‌اند و تشخیص آن که محل فعلی مسلخ از منی است یا از مشعر، مشکل است بنا بر این در مکانی که فعلاً مسلخ است قربانی کفایت می‌کند یا نه؟ و در صورت عدم کفایت، تکلیف چیست؟.

ج

- برای این که ذبح در منی واقع شود باید حتی الامکان تفحص نماید و قول اهل خبره حجت است و اگر بکلی ذبح در منی میسر نبود ذبح در وادی محسر مجزی است إن شاء الله تعالی.

س

- چون محل قربانی را از منی تغییر داده‌اند و در وادی محسر برده‌اند آیا می‌شود قربانی را در غیر منی انجام داد یا حتماً باید در خود منی انجام دهند؟
و چنانچه نتوانست ذبح کند آیا در مکه و یا در وطن می‌تواند قربانی کند؟.

ج

- از قرار مسموع، فعلاً هر کس بخواهد در منی قربانی کند مانع نمی‌شوند چون مقداری از مذبح سابق بحال خود باقی است و تا قربانی در منی ممکن است قربانی در غیر منی مجزی نیست. بلی اگر بکلی ممنوع شود اقوی کفایت آن است در وادی محسر اگر چه احوط، جمع بین قربانی و روزه است و قربانی در مکه یا وطن مجزی نیست.

س

- در مناسک مرقوم فرموده‌اید واجب است که صاحب قربانی قدری از قربانی را بخورد. عرض می‌کنم این مطلب در آن هوای گرم با فراهم نبودن وسائل طبخ، میسر نیست و چه بسا که نأب می‌رود برای صد نفر قربانی می‌کند و نمی‌شود از هر گوسفندی قدری بیاورد یا اگر بیاورد مخلوط می‌شود بفرمایید که ترک این واجب چه صورت دارد؟.

صفحه : ۵۰۲

ج

- ترک این واجب، در صورت امکان جایز نیست، و بعد از ذبح مخلوط شدن قربانیها به یک دیگر ضرر ندارد.

س

- آیا می‌توان قیمت گوشت گوسفند قربانی را بهر صورت در راه مشروعی مصرف نمود یا نه؟.

ج

- صرف قیمت آن در مصارف دیگر، کافی نیست.

س

- کسی که از فقری وکالت گرفته که ثلث قربانی خود یا دیگران را برای او قبول کند آیا قیمت ثلث گوسفند زنده را باید به فقیر بدهد یا قیمت ثلث گوسفند ذبح شده را؟ چنانچه قیمت ذبح شده مراد باشد در مسلخ به هیچ قیمتی نمی‌خرند پس این وکالت، برای موکل چه سودی دارد؟.

ج

- قیمت ثلث ذبح شده را پردازد و در صورتی که هیچ گونه قیمتی ندارد ضامن قیمت آن نیست و در صحت وکالت، رجوع سود مادی به موکل، معتبر نیست و همین قدر که وکالت، به واسطه بعض دواعی عقلانی باشد صحیح است.

س

- شخصی اجیر شده تا حج نیابتی برای کسی انجام دهد خود این نایب، برای قربانی کردن نایب می‌گیرد اکنون آیا شخصی که قربانی می‌کند منوب عنه خود را قصد کند یا منوب عنه اول را؟.

ج

- احتیاط آنست که نیت کند که از طرف منوب عنه خودم برای منوب عنه اول، قربانی می‌کنم.

س

- حاج در روز عید در منی، قبل از آن که قربانی ذبح کند که چیزی به عهده‌اش نیست و بعد از ذبح، قیمتی ندارد در این صورت لازم است احتیاطا که با فقیر، سهمیه او را حساب و مصالحه نماید یا خیر؟.

ج

- با فرض این که قیمت ندارد و فقیر مؤمنی نباشد که آن را اگر به او صدقه بدهند قبول کند رعایت این احتیاط، واجب نیست.

س

- راجع به قربانی و ذبح آن در شب یازدهم نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید.

ج

- ذبح در شب یازدهم بنا بر احوط، جایز نیست و اگر در روز عید ذبح نکرد روز یازدهم ذبح نماید.

صفحه : ۵۰۳

س

- حاج از روی غفلت و یا جهل به مسأله در روز عید، گوسفند بی شاخ (کل) کشته است و بعد به مسأله توجه پیدا کرده آیا در صورت تمکن از مسافرت حج، واجب است حج را اعاده کند و یا قربانی بفرستد کافی است.

ج

- لازم نیست مجددا حج برود فقط قربانی صحیح بفرستد کافی است.

س

- مردی دو گوسفند قربانی خریده که یکی را برای خود و دیگری را برای زنش ذبح کند آیا تعیین قربانی لازم است یا نه؟.

ج

- بلی تعیین لازم است و بدون آن کفایت نمی کند.

س

- ذبیحه را باید در موقع ذبح، رو بقبله کرد حال بطرف راست و یا چپ بخوابانند و یا ایستاده ذبح کنند تفاوت می کند؟.

ج

- ظاهرا تفاوت نمی کند.

س

- حاج پیش از قربانی خودش می تواند جهت دیگران، قربانی کند یا نه؟.

ج

- مانعی ندارد.

س

- اگر از حاج در حال احرام عملی سرزند که موجب كفاره است حیوان كفاره را در كجا باید ذبح یا نحر کند؟.

ج

- در احرام عمره تمتع احوط آن است که در مکه ذبح یا نحر نماید و اگر در احرام حج است باید در منی نحر یا ذبح کند و اگر عمدًا یا از روی فراموشی در این دو مکان ذبح نکرد در صورت امکان باید نایب بگیرد که از طرف او در منی یا مکه ذبح نماید و اگر ممکن نشد در شهر خودش یا در جای دیگری رجاء ذبح نماید.

س

- در حیوان کفاره نیز رعایت شرایط حیوان قربانی در منی لازم است یا خیر؟

ج

- احتیاط مستحب رعایت آن شرایط است.

س

- آیا اجازه می‌دهید که در حال ضرورت یک نفر به نیابت از چند نفر قربانی نماید؟

ج

- در قربانی مباشرت شرط نیست و می‌تواند وکیل انجام دهد هر چند

صفحه : ۵۰۴

ضرورت نباشد لکن باید در حین قربانی قصد کند که این گوسفند قربانی زید است مثلاً اگر چند گوسفند بقصد چند نفر قربانی کند بدون قصد تعیین، صحیح نیست.

س

- شخصی بدون گرفتن وکالت در ذبح، از طرف عیالش یا شخص دیگری قربانی می‌نماید باین خیال که اذن فحوی از او دارد و مطمئن است که وقتی به طرف بگوید راضی است و خوشحال می‌شود این نحو قربانی مجزی است یا نه؟

ج

- مجزی نیست.

صفحه : ۵۰۵

بیتوته در منی

س

- زن‌ها می‌توانند شب دوازدهم ذی الحجه رمی جمرات بنمایند و همان شب به مکه بروند و دیگر بمنی برنگردند یا باید مانند مردان تا ظهر در منی بمانند؟.

ج

- باید مانند مردان تا ظهر روز دوازدهم در منی بمانند.

س

- حاج روز عید برای انجام طواف از منی به مکه رفت و در مراجعت به واسطه راه بن‌دان نزدیک نصف شب و یا بعد از نصف شب بمنی رسید آیا کفاره بر او واجب است یا نه؟.

ج

- بر حاج واجب است از اول شب تا نصف آن در منی بماند و در فرض سؤال که به علتی در مقداری از شب ترک بیتوته نموده و بقیه را بیتوته کرده کفاره واجب نیست.

س

- در مناسک فرموده‌اید «حاج می‌تواند در شب یازدهم و دوازدهم بعد از نصف شب برای بقیه اعمال حج به مکه برود و احتیاط آنست که قبل از طلوع فجر داخل مکه نشود.» عرض می‌کنم اگر بعد از طلوع فجر داخل شود به ازدحام جمعیت برخورد می‌کند و هوا گرم می‌شود و انجام طواف حج و طواف نساء مشکل خواهد شد حال آیا جایز است قبل از طلوع فجر شروع به اعمال حج کند یا نه؟.

ج

- بلی می‌تواند قبل از طلوع فجر، مشغول طواف شود و عمل به احتیاط، واجب نیست.

صفحه : ۵۰۶

مسائل متفرقه حج

س

- شخصی در اول ماه ذی حجه وارد مکه شده بعد از خاتمه عمره تمتع و قبل از انجام حج تمتع می‌تواند عمره مفرده انجام دهد یا نه؟ و هکذا بعد از اعمال حج تمتع می‌تواند بدون فاصله عمره مفرده را انجام دهد یا نه؟.

ج

- بعد از احرام عمره تمتع، جایز نیست بدون حاجت از مکه بیرون برود و جایز نیست قبل از حج عمره مفرده به جا آورد ولی بعد از

اتمام حج تمتع، عمره مفرده جایز است و فاصله لازم نیست.

س

- اگر حمله‌دار و یا از کارگران کاروان حج، برای اجاره منزل به مکه بروند و در مسجد تنعیم به نیت عمره مفرده، محرم شوند و بعد از اعمال عمره به جده و یا به مدینه مراجعت کنند دوباره برای اعمال حج و عمره تمتع از میقات گاه محرم شوند جایز است یا خیر؟

ج

- مانعی ندارد بشرط آن که اجیر برای حج تمتع بلدی نباشد بنا بر احتیاط.

س

- اگر جهلا عمره مفرده را بعد از عمره تمتع و قبل از حج به جا آورد تکلیف او نسبت به حج چیست؟

ج

- باید حج تمتع را به جا آورد و حج او صحیح است.

س

- چه می‌فرمایید نسبت به شخصی که قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی کوچ کرده و بعد از ساعتی مثلاً مراجعت بمنی می‌نماید آیا واجب است شب را بماند و فردایش رمی جمرات نماید یا نه؟

ج

- واجب نیست.

صفحه : ۵۰۷

س

- زنان و پیر مردان و بیماران و کسانی که خوف از مشقت و ازدحام دارند آیا جایز است شب دوازدهم بعد از بیتوته در منی رمی جمرات را شبانه انجام داده به مکه معظمه بروند و دیگر بمنی برنگردند یا خیر؟

ج

- جایز است.

س

- هر گاه مصدود از دخول مکه یا از طواف و غیر آن از اعمال عمره مفرده جهلا بالحکم در محل صدّ ذبح و تقصیر ننمود و بعد از مراجعت به وطن، عالم بحکم شد تکلیفش نسبت به خروج از احرام چیست؟.

ج

- در هر جا متذکر شد چنانچه فرستادن هدی به مکه یا منی ممکن باشد بفرستد و اگر فرستادن هدی به مکه یا منی ممکن نباشد در محل تذکر، ذبح کند و تقصیر نماید و از احرام خارج شود.

س

- شخصی وصیت کرده که فلان قسمت از ملک مرا بفروشید و دو حج جهت خودم و پدرم خریداری کنید و اکنون ملک مورد وصیت زائد بر قیمت دو حج است آیا مبلغ زیادی را واجب است در امور خیریه دیگر مانند نماز و روزه مصرف کنند یا به ورثه برمی گردد با این که تمام ملک مورد وصیت، از ثلث مالش بیشتر نیست؟.

ج

- در این صورت ممکن است بر کیفیت حج بیفزایند مثل این که شرط کنند بعضی مستحبات انجام داده شود یا شخصی را که عالمتر به مسائل و احکام باشد استیجار نمایند و اگر باز هم زیاد آمد ملک ورثه است.

س

- اگر شخصی در دو سال مجاورت خود در مکه، مستطیع شود یا در وطن خود مستطیع شود بخواهد حجه الاسلام را بعد از دخول در سال چهارم مجاورت، انجام دهد آیا حج تمتع به جا آورد یا افراد؟.

ج

- در فرض سؤال که استطاعت در بین دو سال مجاورت حاصل شده واجب است حج تمتع به جا آورد لکن اگر بعد از گذشتن دو سال حج را به جا آورد اولی مراعات احتیاط است.

س

- شخصی که وجوهات، از قبیل خمس و زکاء و مظالم در مالش باشد می تواند فقط مخارج مکه را تخمیس کند و به مکه برود و بقیه اموالش را تخمیس

صفحه : ۵۰۸

نمایند یا نه؟ و در این صورت حج او صحیح است یا نه؟.

ج

- تصرف در مالی که خمس به آن تعلق گرفته قبل از اداء خمس، جایز نیست و با اداء خمس مقداری که می‌خواهد خرج سفر مکه کند منع از تصرف، رفع نمی‌شود. بلی اگر تمام آن پول را بعنوان خمس به مجتهد بدهد و چهار خمس آن را مثلاً قرض نماید تصرف در آن جایز است و با ندادن خمس متعلق بمال اگر چه معصیت نموده لکن اگر لباس احرام و نعلین در حال سعی و پول قربانی از غیر مال متعلق خمس باشد یا این که آنها را به ذمه خریده باشد حج او صحیح است.

س

- اگر در سال چهارم مجاورت خود در مکه مستطیع شود و قبل از اتیان حج واجب معرضاً عن المجاوره، به وطن خود برگردد آیا حج مستقر در ذمه را تمتعاً به جا آورد یا افراد؟.

ج

- حج افراد به جا آورد.

س

- آیا زنی که حیض شده و تا قبل از هشتم پاک نمی‌شود به جای آن که حج افراد به جا آورد می‌تواند برای عمره تمتع نائب بگیرد و برای حج تمتع محرم شود یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر نمی‌تواند اعمال عمره را به جا آورد و وقوف عرفات را درک کند، لازم است حج افراد به جا آورد و اگر محرم به احرام تمتع شده عدول به افراد نماید و بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد.

س

- بیابان عرفات و مشعر و منی جمیعاً حرم محسوب است یا این که عرفات، خارج از حرم است؟.

ج

- حدود حرم مشخص است عرفات جزء حرم نیست و منی و مشعر جزء حرم است.

س

- آیا انسان در عمره مفرده یا عمره تمتع یا حج تمتع می‌تواند اعمال را با فاصله انجام دهد مثلاً یک روز طواف کند و روز دیگر نماز آن را بخواند و روز دیگر سعی و روز دیگر تقصیر و روز دیگر طواف نساء را به جا آورد یا نه؟.

ج

- اگر چنین کند عمل صحیح است لکن در بعض صور مثل تاخیر نماز از طواف معصیت کرده است.

صفحه : ۵۰۹

س

- اگر کسی در سال استطاعت بقصد استيطان در مکه بدون اعراض از وطن اصلی به مکه مشرف شود آیا حج تمتع انجام دهد یا افراد؟.

ج

- تمتع به جا آورد.

س

- استطاعت نسبت به حج مندور مقدمه وجوب است یا مقدمه واجب یا فرق است بین نذر حجه الاسلام و نذر غیر آن؟.

ج

- اگر نذر حجه الاسلام باشد استطاعت شرط وجوب حج است و موجب تحقق نذر، و اگر نذر غیر حجه الاسلام باشد استطاعت شرعیه نه شرط وجوب حج است و نه شرط صحت نذر، بلکه قدرت عقلیه بر حج، شرط صحت و انعقاد نذر است.

س

- سجده کردن بر سنگهایی که مسجد الحرام و مشاهد مشرفه به آن فرش شده از سنگ مرمر و غیر آن جایز است یا خیر؟.

ج

- بلی جایز است و معادنی که سجده بر آنها جایز نیست معادنی است که عرفا بر آنها زمین گفته نمی شود مثلاً طلا و نقره و عقیق و مس و سایر فلزات.

س

- روزه گرفتن در روزهای تشریق جایز است یا نه؟.

ج

- بر کسی که در منی باشد حرام است.

س

- شخصی مؤسس سینما است و امسال به حج مشرف شده و در مراجعت از حج، باز هم بکار خود ادامه می دهد اکنون راجع به این

شخص چه می‌فرماید؟.

ج

- تاسیس و بناء مؤسساتی که سبب گمراهی و فساد اخلاق جامعه اسلام است و کمک به آن به هر نحو باشد حرام است امید است إن شاء الله شخص مذکور، با مشاهده نمونه‌های عالم قیامت، از این اجتماع دینی، در مکه معظمه متنبه گردد و مخصوصا آتش سوزی وادی منی سبب عبرت و بیداری او بشود و توجه او هم چنان به خداوند قهار، جلب شود که از روی حقیقت از گناهان گذشته توبه کند و توبه خود را نشکند و هم چنان که سزاوار و شایسته مسلمانان حقیقی است موافق رضای حق تعالی عمل کند.

س

- عبور از زیر پلهایی که در مسیر ساخته‌اند چگونه است؟.

صفحه : ۵۱۰

ج

- صدق استظلال مشکل است و از مورد مذکور انصراف دارد.

س

- اخیرا مسجد الحرام را با سنگهایی مفروش کرده‌اند که حرارت آفتاب را به خود نمی‌گیرد و بعضی می‌گویند این سنگها مصنوعی و از مواد مخصوصه‌ای است آیا در صورت شک در سنگ بودن، سجده بر آنها صحیح است یا خیر؟.

ج

- این فرع مربوط به تشخیص موضوع است، اگر دو نفر ثقه عارف، شهادت به سنگ بودن بدهند، کافی است.

س

- آیا قاعده تجاوز را در اعمال و افعال عمره و حج جاری می‌دانید یا خیر؟.

ج

- بلی جاری است.

س

- آیا حاج می‌تواند از گوشت گوسفندی که بعنوان کفاره می‌دهد خودش بخورد؟.

ج

- خودش نمی‌تواند بخورد.

س

- حاج وظائف منی را انجام داده و صبح دوازدهم برای بعض حوائج به مکه آمده آیا لازم است قبل از ظهر برای نفر بعد از ظهر بمنی برگردد یا خیر؟

ج

- اگر قبل از ظهر نفر کرد ضرری به حج او نمی‌رسد هر چند عمدا باشد و لکن معصیت کرده و لازم است در صورت امکان، قبل از ظهر به منی برگردد و در صورت جهل و نسیان چیزی بر او نیست.

س

- انجام عمره مستحبی بقصد خود و غیر صحیح است یا خیر؟

ج

- صحت آن بعید نیست.

س

- حاج در مسجد الحرام محرم می‌شود به احرام حج تمتع و چون فاصله منزلش تا مسجد یک یا دو فرسخ است سوار به ماشین مسقف می‌شود و به خانه می‌آید و از آنجا عازم عرفات می‌شود آیا این استظلال کفاره دارد یا خیر؟

ج

- جواز استظلال در فرض سؤال بعید نیست هر چند احتیاط در ترک است.

صفحه : ۵۱۱

س

- در حال حاضر مسجد تنعیم متصل به مکه بلکه داخل مکه است آیا برای کسی که بعد از حج جهت عمره مفرده محرم می‌شود چون آنجا منزل محسوب می‌شود استظلال جائز است یا نه؟

ج

- در مورد سؤال احتیاطا استظلال نکند.

س

- آیا كفّاره احرام عمره و یا حج را می‌توان در وطن ذبح نموده و به فقیر داد یا خیر؟

ج

- اگر ایصال كفّاره به فقیر در حج مشکل باشد مانع ندارد که در وطن ذبح کند و به فقیر بدهد.

س

- مصرف كفّاره‌ای که در احرام عمره و یا حج تعلّق گرفته چیست؟

ج

- مصرف كفّاره فقیر غیر سید است و اگر دهنده كفّاره سید باشد جائز است که كفّاره خود را به سید فقیر بدهد و بنا بر احتیاط واجب باید فقیر مؤمن باشد.

س

- در موردی که عمره تمتع فاسد می‌شود مثل مورد جماع قبل از سعی، چنانچه فرصت برای اتمام و اعاده باقی باشد و با این حال عمره فاسده را تمام نکند و اکتفاء به اعاده عمره نماید مجزی است یا خیر؟

ج

- اگر چه ممکن است گفته شود که عمل مزبور صحیح و مجزی از حجّه الاسلام است لکن احتیاط آنست که حج تمتع را در سال بعد اعاده نماید و یک عمره مفرده هم بقصد ما فی الذمه به جا آورد.

س

- در مورد جماع پیش از سعی در عمره تمتع یا هر موردی که عمره، فاسد شده باشد در صورتی که فرصت اتمام آن نباشد در مناسک مذکور است که آن عمره فاسده را قطع کند و اعاده نماید بفرماید قطع آن به چه نحو است آیا به تقصیر و محرم شدن مجدد است یا با همان احرام قبلی اعمال عمره را دوباره انجام دهد؟

ج

- ظاهراً مراد از قطع رها کردن عمره فاسده و از سر گرفتن عمره است به رفتن به میقات و محرم شدن از میقات و بهتر آنست که رجاء محرم شود و عمره را انجام دهد و اگر سال بعد هم حج نماید اولی و احوط است.

س

- از بعض علماء شنیده شده (روایت داریم موقعی که حاج از مکه

صفحه : ۵۱۲

برگشت تا چهار ماه گناهی بر او نوشته نمی‌شود) از مقام شامخ مستدعی هستم اولاً بفرمایید که آیا این طور روایتی داریم یا نه و بر فرض بودن روایت، سندش صحیح است یا نه؟ و در صورت صحت سند آن روایت را چطور معنی نماییم؟.

ج

- بلی این مضمون، در احادیث شریفه وارد شده ولی در بعض احادیث، مقید شده بعدم اتیان کبیره و در بعض دیگر مقید شده بعدم اتیان موجهه، شیخ الطائفه قدس سره در تهذیب جلد پنجم صفحه نوزده و بیست طبع جدید در باب ثواب الحج بسند صحیح از معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السّلام حدیثی روایت کرده که در ذیل آن می‌فرماید (اَنّی لَکَ اِنْ تَبْلَغَ مَا یَبْلَغُ الْحَاجُّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السّلام وَ لَا تَکْتُبُ عَلَیْهِ الذُّنُوبُ اَرْبَعَةَ اشْهُرٍ وَ تَکْتُبُ لَهُ الْحَسَنَاتُ اِلَّا اِنْ یَاتِیَ بِکَبِیْرَةٍ) بنا بر این گناهایی که در این چهار ماه نوشته نمی‌شود صغیره است و این مطابق است با مفاد آیه کریمه اِنْ تَجْتَنِبُوا کَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُکْفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَ ثَقَّةُ الْاِسْلَامِ کلینی رضوان الله علیه در جامع کافی جلد چهارم صفحه دویست و پنجاه و چهار، طبع جدید باب فضل الحج و العمره و ثوابها، بسند خود از سعد اسکاف از حضرت ابی جعفر علیه السّلام روایتی در فضل حاج نقل کرده است که در ذیل آن امام علیه السّلام می‌فرماید (فاذا قضی نسکه غفر الله له ذنوبه و کان ذو الحجة و المحرم و صفر و شهر ربیع الاول اربعة اشهر تکتب له الحسنات و لا تکتب علیه السيئات الا ان ياتي بموجة فاذا مضى الاربعة اشهر خلط بالناس) هر چند علامه مجلسی علیه الرحمه در مرآة العقول دو احتمال در موجهه داده یکی آن که مراد کبیره است که موجب آتش است دیگر آن که گناهی است که موجب کفر شود و فرموده احتمال اول، اظهر است ولی با توجه به روایت معاویه بن عمار اطمینان حاصل می‌شود که مراد از موجهه، کبیره است بنا بر این، گناهی که نوشته نمی‌شود گناهی است که در کتاب و سنت موجب دخول در آتش نشده باشد.

شیخ الطائفه در تهذیب صفحه نوزده جلد پنجم این حدیث را از سعد اسکاف، روایت فرموده به عبارتی که با این عبارت، اختلاف دارد، و جمله (الا ياتي بموجة) را ندارد و ایشان، ذیل حدیث را این نحو روایت فرموده‌اند (فاذا قضی نسکه غفر الله له بقية ذی الحجة و المحرم و صفر و شهر ربیع الاول فاذا مضت اربعة اشهر خلط

صفحه : ۵۱۳

بالناس) ولی معتمد همان روایت کافی است زیرا معلوم است که در نقل تهذیب، روایت، مختصر شده و مثل نقل به مضمون است و علاوه جمله (الا ان ياتي بموجة) از آن اسقاط شده و در دوران امر بین زیاده و نقیصه، اصالت عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه مقدم است و فرضاً هم این دو اصل را حجت بدانیم در خصوص مورد با توجه به روایت معاویه بن عمار ظاهر این است که این جمله، اسقاط شده و نسخه کافی صحیح است و احتمال این که جمله (الا ان ياتي بكبيرة) یا (الا ان ياتي بموجة) در این دو روایت از بعض روایات به عنوان شرح و تفسیر حدیث اضافه شده باشد بسیار بعید است و فرضاً هم این نحو باشد از رحمت و مغفرت و کرم و فضل خداوند متعال، بعید نیست که مقرر فرماید تا چهار ماه، مؤمنی که حج به جا آورده مطلق گناهایی که تحت فشار تسویلات نفس و غلبه هوا از او صادر شده (نه بنحو بی‌اعتنایی و استخفاف بامر خداوند) مورد آمرزش واقع شود و کسی نمی‌تواند رحمت و واسع و تفضل خدا را محدود کند. بلی این حدیث، کسی را که از روی بی‌اعتنایی و استخفاف بامر و نهی خدا معصیت نماید یا این که بخواهد با تشبث به این حدیث، در این چهار ماه، هر گناه و معصیتی را مرتکب گردد شامل نمی‌شود و از ابتداء تا حال هم هیچ کس از این اخبار، استفاده نکرده که حاج تا چهار ماه، مرخص و آزاد است و با اتکاء به این حدیث، مرتکب هر معصیتی بخواهد بشود که این برداشت و تلقی، البته صحیح نیست.

صفحه : ۵۱۴

مسائل امر به معروف و نهی از منکر

وجوب امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت آنها

مسئله

- امر به معروف و نهی از منکر، یکی از تعالیم مهمه اسلامی است که حیثیت و شرافت و بقاء عزّت و ترقی و تعالی مسلمانان و اجراء احکام، و جلوگیری از فحشاء و فساد و تأمین امتیّت اجتماعی، به آن، وابسته است.

مسئله

- معروف، اگر مستحب باشد امر به آن مستحب است و اگر واجب باشد و انسان ملتفت شود که شخصی آن را ترک می کند امر به آن - با شرائطی که بعد ذکر می شود - واجب است. و منکر عبارت است از فعل قبیح حرام، نهی از آن واجب است و وجوب، در هر دو وجوب کفائی است و بفعل دیگری، ساقط می شود.

مسئله

- وجوب امر به معروف و نهی از منکر، در باره مکلف، نسبت به اهل خودش تأکید بیشتر دارد پس اگر انسان ببیند که اهل خودش از واجبات، تهاون می ورزد، مثلاً نماز نمی خواند یا اگر بخواند دارای قرائت صحیح نیست یا وضوی صحیح نمی گیرد یا آن که با بدن و لباس نجس، نماز می خواند در این صورت لازم است به ترتیبی که گفته شد، آنها را امر و نهی کند.

س

- اکثر علماء مانند علامه - در تذکره و قواعد - امر به معروف و نهی از منکر را به همین اسم عنوان کرده اند و بعضی مانند مرحوم شهید - در دروس - در تحت عنوان (کتاب الحسبه) بحث فرموده اند. سرّ این اختلاف در تعبیر، چیست؟.

صفحه : ۵۱۵

ج

- آنان که بعنوان مستقل کتاب امر به معروف و نهی از منکر، آن را مطرح ساخته اند ممکن است نظرشان شدّت اعتناء به شأن و اظهار اهمیت این دو واجب در اسلام باشد، چنانکه از قرآن مجید و احادیث شریفه، تأکّد وجوب آن، معلوم می شود و اما این که در طی کتاب حسبه، ذکر کرده اند برای اینست که از جمله اموری است که حتماً باید اقامه شود و تعطیل آن، جائز نیست چه آن که امور حسبی اموری است که نباید متروک بماند و هر کسی باید در انجام آن بکوشد و اقدام کند.

س

- کتاب امر به معروف و نهی از منکر در کتب فقهیه بعد از پایان کتاب جهاد قرار دارد بلکه بعضی از علماء در ضمن کتاب جهاد از آن بحث کرده‌اند و کتاب مستقلی به عنوان امر به معروف و نهی از منکر، عنوان نکرده‌اند اکنون وجه ارتباط و تناسب این بحث را با بحث جهاد، بیان فرمائید.

ج

- چون جهاد به معنای اعم شامل امر به معروف و نهی از منکر می‌شود جهاد با کفار برای اعلاء کلمه الله است و امر به معروف و نهی از منکر نیز برای اعلاء کلمه الله و اجراء احکام الله است چنانکه حب فی الله و بغض فی الله نیز تعرضش در کتاب جهاد مناسب است و خلاصه چون امر به معروف و نهی از منکر از شئون جهاد است لذا آن را بعد از کتاب جهاد قرار داده و یا در خود کتاب جهاد از آن بحث کرده‌اند.

س

- آیا امر به معروف و نهی از منکر را مانند شیخ طوسی و ابن حمزه، واجب عینی می‌دانید و یا مانند سید مرتضی واجب کفائی؟

ج

- واجب کفائی است مگر این که بالعرض، عینی شود.

س

- آیا این وظیفه در باره مطلق مرتکبین گناه، یکنواخت است و بدون این که تفاوتی بین اشخاص باشد باید انجام داد و یا در باره بعضی از آنان تأکید بیشتری است؟

ج

- اهمیت واجبات و منکرات، موجب تأکد وجوب امر به معروف و نهی از منکر می‌شود چنانکه در گناهان کبیره و صغیره این چنین است و لذا به تفاوت معاصی، بین مرتکبین آن، فرق می‌باشد.

صفحه : ۵۱۶

س

- امر به معروف و نهی از منکر نسبت به افرادی که انسان، نسبت به آنها آمریت ندارد و باید بنحو خواهش و موعظه، عملی شود، واجب است یا نه؟

ج

- لازم است.

س

- فقهاء فرموده‌اند که عهده‌دار شدن منصب ولایت یا قضاوت، از طرف حاکم جائز، جائز نیست، مگر در صورت اکراه و یا وقتی که بتواند امر به معروف و نهی از منکر کند، حال آیا مقصود، تمکّن از امر به معروف و نهی از منکر بالنسبه به خود حاکم جائز است یا هر کسی و آیا مطلق معروف و منکر هر چند جزئی باشد امر یا نهی آن مجوّز ولایت از طرف حاکم جائز می‌شود یا نه؟.

ج

- ظاهراً مقصود، این است که شخص به واسطه مقام قضاء بتواند احکام خدا را اجراء نماید و با امر به معروف و نهی از منکر، اقامه واجبات، و جلوگیری از منکرات نماید که غرضی که از جعل قاضی در حکومت عدل، حاصل می‌شود حاصل گردد و الاً مجرّد تمکّن از امر به معروف و نهی از منکر، به یک نفر، موجب جواز تولی قضاء از جائز نمی‌شود با این که فرموده‌اند (لا یجلسه الا نبیّ او وصیّ او شقیّ).

س

- شخص یقین دارد که اگر به منزل فلان تاجر - که قطعاً وجوه، در ذمه او هست - برود فلان مقدار بابت وجوه به او می‌دهد و اگر نرود یقیناً به دیگری نمی‌دهد آیا رفتن او به منزل تاجر مزبور، واجب می‌شود یا نه؟.

ج

- در صورتی که مورد آن وجه باشد وجوب آن از باب بعث و الزام به فعل معروف، بعید نیست.

س

- کمک به کسی که نماز نمی‌خواند ولی اعتقاد به وجوب آن دارد چگونه است؟.

ج

- در صورتی که ترک اعانت به او موجب تبّه و خواندن نماز شود اعانت نکنند مگر در موردی که ترک اعانت، موجب تلف او شود که در این صورت، حفظ نفس او لازم است.

س

- زنی ۲۸ ساله کارمند دولت، چهار سال در ازدواج انقطاعی شخصی بوده و یک روز پس از انقضاء صیغه، بعقد دائم دیگری، درآمده و هر چه به

صفحه : ۵۱۷

این زن تذکر داده شده که این ازدواج، در عدّه و باطل است، توجّهی نمی‌کند، اکنون ازدواج با مرد دومی چگونه است؟ و اگر اشخاصی بتوانند این ازدواج را بهر عنوانی بهم بزنند جائز است یا نه؟.

ج

- مردی که قبلاً زن را صیغه کرده تکلیف شرعی ندارد مگر نهی از منکر که اگر احتمال تأثیر بدهد و مفسده‌ای بر آن مترتب نباشد، باید نهی از منکر کند و اشخاص هم در صورتی که علم داشته باشند که می‌توانند نهی از منکر با این دو شرط بکنند باید نهی از منکر نمایند، ولی اگر این عمل، قابل حمل بر صحت باشد، مثل این که محتمل باشد که زن نسبت به مرد اولی، مدخول بها نباشد یا این که با مرد دوم، پس از گذشتن عده، ازدواج کرده باشد و یا این که با جهل بحکم یا به موضوع، ازدواج کرده و در عده، نزدیکی واقع نشده باشد و بعد تجدید عقد کرده باشند، گفتن لازم نیست.

س

- متجاهر به فسق، از نظر اسلام، حرمت دارد یا نه؟.

ج

- اگر مقصود این است که احترام نمودن از متجاهر به فسق حکمش چیست؛ در صورتی که انسان بداند احترام نکردن از او موجب ارتداع او از منکر و ترک معصیت می‌شود از او احترام نکنند.

س

- ما برای خریداری اجناس و لوازم زندگی ناچار به مسافرت، می‌باشیم و همیشه با راننده‌هایی برخورد می‌کنیم که ساز و آواز می‌گیرند آیا نهی از منکر بر ما واجب است یا نه؟.

ج

- اگر مفسده‌ای مترتب نشود بقدر امکان، نهی از منکر کنید و حتی الامکان با وسائل دیگری که توأم با معصیت نباشد، مسافرت نمایید.

س

- زنی از نظر روابط و معاشرت با نامحرمان و پوشیدن لباس به شیوه امروزه، پروایی ندارد و در این باره به حرفهای شوهر اعتناء نمی‌کند وظیفه شوهرش چیست؟.

ج

- لازم است با موعظه و نصیحت یا بهر وسیله دیگری که ممکن است او را به احکام شرع، ارشاد و از معصیت کردن جلوگیری نمایند.

س

- ازدواج با زنی که بعضی از عبادات خود را مانند نماز و روزه با

صفحه : ۵۱۸

این که قبول دارد که از لوازم دین است انجام نمی‌دهد، صحیح است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، چنین زنی مسلمان و عقد او صحیح است، و لکن بر کسانی که اطلاع از حال او دارند لازم است اگر احتمال تأثیر بدهند او را امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

س

- آیا وجوب امر به معروف و نهی از منکر عقلی است؟ چنانکه شیخ طوسی و علامه فرموده‌اند و یا نقلی؟ چنانکه سید مرتضی و ابو الصلاح و ابن ادریس برآوردند و یا هر دو؟ چنانکه از کلمات بعضی از متأخرین استفاده می‌شود؟.

ج

- رجحان و حسن آن، عقلی و وجوب آن نقلی است امّا عدم وجوب آن بحسب عقل، برای این است که عقل دفع ضرر یقینی یا محتمل متوجّه به شخص را بر خود او واجب می‌داند و دفع آن را از غیر، مثل احسان به او می‌داند، بلی در مواردی که ترک امر به معروف و نهی از منکر، موجب توجّه ضرری به عموم و از جمله، خود آمر به معروف باشد، واجب می‌شود ولی این وجوب نیز بعنوان خود امر به معروف نمی‌باشد و امّا دلیل نقلی آن، که کتاب و سنت است در وجوب آن، صراحت دارند.

س

- با تأکید زیادی که در باره امر به معروف و نهی از منکر شده تا جائی که سبب اقامه فرائض و موجب آبادی زمین و ایمنی راهها و جلوگیری از اجحافها به شمار آمده چگونه با علم به ضرر یا ظن به آن - آن هم و لو ضرر جانی نباشد و مالی باشد- از انسان، ساقط می‌شود؟.

ج

- این مسأله، شرعی است و شرائط وجوب هر واجب را باید از شارع، اخذ کرد و ما نمی‌توانیم به استحسان، چیزی بر آن بیافزاییم مع ذلک می‌توان گفت که مسأله چون مربوط به فرد است و بیشتر از آن که احتمال ضرر ندهد الزام به امر به معروف، لازم نیست و تحمیل ضرر برای این که غیر، متضرّر نشود اگر چه ضرر معنوی باشد لازم نیست. بلی اگر ترک امر به معروف یا نهی از منکر، موجب ضایع شدن حکمی از احکام و متروک شدن آن شود آن مسأله دیگری است و تحمّل ضرر مالی و بلکه جانی، برای حفظ آن، واجب است نظیر جهاد و به مسأله امر به معروف و

صفحه : ۵۱۹

نهی از منکر، ارتباط ندارد.

س

- آیا بر فرض علم به ضرر، تنها وجوب امر به معروف و نهی از منکر برداشته می‌شود یا این که حتی جواز آن هم برداشته می‌شود که و لو انسان، خود حاضر به تحمّل هر گونه ناراحتی هم باشد مع ذلک جائز نباشد؟.

ج

- وجوب برداشته می‌شود، بلی اگر ضرر، نحوی باشد که تحمّل آن شرعا جائز نیست جواز هم برداشته می‌شود.

س

- پدری دارای چند فرزند است که بعضی از آنها با آن که بزرگ و بالغ می‌باشند از فرائض دینی، رو گردانند از این راه، ناراحتی پدر را فراهم می‌کنند حال آیا پدر راجع به امر عبادات آنها مقصّر است یا نه؟.

ج

- وظیفه پدر آنست که تا وقتی احتمال تأثیر می‌دهد اولاد را به اتیان واجبات و ترک محرمات بهر نحوی که صلاح بداند خواه به موعظه و نصیحت باشد خواه به تهدید یا بنحو دیگر، وادار نماید و چنانچه پدر به وظیفه شرعی خود عمل نماید و در آنان اثر نکند پدر، گناه کار نیست.

س

- مدّت چند سال است در تهران رسم شده که بانوان، در مجالس ترحیم، در مساجد، شرکت می‌کنند و بعضی از زن‌ها عادت زنانگی دارند و در اثر جهل به مسأله، با همان حال، به مسجد می‌روند و گاهی پس از ختم مجلس، مشاهده می‌شود که فرش مسجد، نجس شده است اکنون نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید.

ج

- رفتن جنب و حائض و نفساء در مساجد، بغیر عنوان عبور، حرام است و در مسجد الحرام و مسجد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه منوره ورود، بطور مطلق بر آنها حرام است و بر کسانی که مطلع هستند نهی از این منکر، مانند سایر منکرات، واجب است ولی اگر در مساجد جائی است که معبد نمی‌باشد مانند این که محلی را برای اقامه مجالس فاتحه وقف کرده باشند رفتن آنها در آنجا اشکالی ندارد.

س

- زنی که شوهرش نماز نمی‌خواند و وجوه شرعیّه، نمی‌دهد و بر اثر نزاع چند جای سرش بدست شوهر شکسته شده آیا باید از شوهر، طلاق بگیرد یا نه؟

و آیا می‌تواند از مال شوهر که در دست اوست بدون اذن او خمس و زکاء را اداء کند تا تصرفات زن در آن اموال، اشکال شرعی نداشته باشد و آیا چون در خانه شوهر، کار می‌کند می‌تواند از مال او صدقه بدهد، یا روضه خوانی نماید یا نه؟.

ج

- لازم نیست طلاق بگیرد ولی بهر نحوی بتواند واجب است که امر به معروف نموده و شوهر خود را وادار به نماز کند و می‌تواند دیه شکستن سر را از او مطالبه نماید هم چنان که می‌تواند به شوهر خود بگوید نفقه مرا از مالی که متعلق خمس و زکاء نیست بده یا خمس و زکاء آن را بپرداز تا تصرف من در آن جائز باشد و هم چنین می‌تواند در مقابل انجام کارهای منزل، از او مطالبه اجرت نماید و بدون اجرت، کار نکند ولی تصرف در اموال شوهر بدون اذن او جائز نیست.

س

- مردی قمار بازی می‌کند، زنش نهی از منکر می‌نماید، ولی شوهر گوش نمی‌دهد، تا این که زن به خانه پدرش می‌رود و شوهر، به خانه پدر زن می‌رود و بزنی خود می‌گوید، که به خانه برگرد، اما زن حاضر نمی‌شود آیا زن ناشزه است یا نه؟.

ج

- اگر زن احتمال می‌داده که ترک طاعت زوج، او را از عمل حرام باز می‌دارد، زن ناشزه نیست و نفقه این مدت را طلب دارد.

شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

مسئله

- شرائط امر به معروف و نهی از منکر پنج چیز است:

اول: آن که امر و ناهی، معروف و منکر را بشناسد و یقین داشته باشد بوجوب معروف و حرمت منکر، و ایمن باشد از اشتباه خودش.

دوم: آن که احتمال بدهد که امر و نهی او تأثیر داشته باشد، پس اگر احتمال عقلانی ندهد که امر و نهی او اثر دارد، وجوب آن ساقط می‌شود.

سوم: آن که کسی که واجب را ترک نموده و یا فعل حرام را به جا آورده، اصرار به آن داشته باشد، پس اگر بداند که مرتدع شده و بعد مرتکب نمی‌شود ساقط می‌شود.

چهارم: آن که واجب بودن معروف و حرام بودن منکر در حق فاعل منجز و ثابت باشد و در ترک واجب و فعل حرام عذری نداشته باشد، پس اگر فاعل، معتقد

صفحه : ۵۲۱

باشد به مباح بودن فعل حرامی و یا به جواز ترک واجبی در این صورت امر به معروف و نهی از منکر، ساقط می‌شود. و همین طور است در هر موردی که تارک واجب و فاعل حرام عذر داشته باشد. بلی از راه تنبیه غافل و ارشاد جاهل، تنبیه و ارشاد، لازم است.

پنجم: آن که در امر و نهی او مفسده و ضرری برای خود او یا مسلمان دیگری نباشد، پس با احتمال عقلانی به ضرر و مفسده،

ساقط می‌شود.

مسئله

- به جای آوردن معروف و ترک نمودن منکر، بر هر مسلمان، واجب است و لکن آنان که امر و نهی می‌کنند باید در عمل به معروف و ترک منکر، بر دیگران، پیشقدم باشند زیرا عمل، شرط تأثیر گفتار است.

س

- بنا بر نقل صاحب جواهر از شیخ بهائی، بعضی از علماء شرطی بر شرائط امر به معروف و نهی از منکر افزوده‌اند و آن این است که آمر به معروف، عادل و پای بند به معروف باشد و ناهی از منکر، خود از بدیها و محرمات، برکنار باشد و استدلال فرموده‌اند به این که خداوند، در قرآن فرموده **أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ** و نیز فرموده **لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ** و فرموده **كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ** اکنون نظر مبارک حضرت عالی در این مطلب چیست؟.

ج

- البتّه واجب است که آمر به معروف و ناهی از منکر، خود عامل به معروف و تارک منکر باشد و تأثیر امر و نهی، در غیر این صورت، کمتر است ولی ظاهراً اعتراض و توییح این آیات شریفه، متوجه به جنبه مراعات نکردن خود آمر و ناهی است نه به جنبه امر به معروف و نهی از منکر.

س

- امر به معروف و نهی از منکر، در مرتبه ضرب و قتل، مشروط به اذن امام است یا بین این دو، تفصیل است؟.

ج

- قتل، در امر به معروف و نهی از منکر، موجب انتفاء موضوع است و یکی از شرائط امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است که با وجود قتل، محلی برای تأثیر، باقی نمی‌ماند و قتل در غیر مواردی که شرع بالخصوص بعنوان قصاص یا حدّ یا مدافعه از جان و مال و ناموس تجویز فرموده و در جای خود تفصیل آن ذکر شده، جایز نیست و در ضربی که موجب جراحت شود نیز احتیاط واجب،

صفحه : ۵۲۲

اذن از فقیه است. در هر حال باید مراتب آن ملاحظه شود و با عدم تأثیر هر مرتبه، مرتبه بعد، جایز می‌شود.

س

- گاهی نهی از منکر، در مورد شخص مرتکب، بر حسب قرائن، اثری ندارد لیکن ممکن است دیگران که ناظر صحنه‌اند توجهی پیدا کنند هر چند به این نحو باشد که یادآوری آنان شود که این حکم، حکم خدا است مثلاً راننده اتوبوس موسیقی گرفته و نهی از منکر در او اثر نمی‌کند ولی با نهی او در ذهن مسافرین، تجدید می‌شود که موسیقی در اسلام، حرام است اکنون آیا نهی از

منکر، در چنین جاهائی واجب است یا چون در شخص مرتکب اثری ندارد واجب نیست؟.

ج

- معلوم نیست در چنین جائی واجب باشد مگر آن که عرفاً توهین به حکم خدا شمرده شود و سکوت شخص، امضاء و موافقت باشد که در این صورت باید اعلام کند و خود را تبرئه نماید.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

مسأله

- لازمه ایمان به خداوند متعال و ایمان به انبیاء عظام صلوات الله علیهم اجمعین و ایمان به احکام الهی آنست که شخص مؤمن، قلباً از منکر و معصیت خداوند متعال، منزجر باشد و منکر را قلباً انکار کند.

مسأله

- چون مقصود از امر به معروف و نهی از منکر آنست که مرتکب فعل حرام و ترک واجب، این عمل را ترک کند پس اگر بمجرد اظهار کراهت از این عمل - و لو به اعراض و ترک معاشرت و مراوده - مرتکب، مرتدع می‌شود و ترک می‌کند، کافی است در اداء وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و حاجت به امر و نهی علاوه نیست و این، درجه اول از امر به معروف و نهی از منکر است.

مسأله

- درجه دوم از امر به معروف و نهی از منکر آنست که اگر مرتکب منکر، با اظهار کراهت، ترک معصیت نکرد با حسن خلق و کلام حسن او را امر به معروف و نهی از منکر نماید و مصالح ترک منکر و فعل معروف و مفساد عکس آن را بیان کند تا مرتکب، متنبه شود و ترک معصیت بنماید، و اگر به همین

صفحه : ۵۲۳

مقدار مرتکب، متنبه شد و معصیت را ترک کرد اداء وظیفه شده است.

مسأله

- درجه سوم از امر به معروف و نهی از منکر آنست که اگر معصیت کار، به زبان خوش و کلام حسن، ترک معصیت نکرد با غلظت و کلام خشن و تعییر و سرزنش، امر و نهی کند با مراعات ترتیب درجات زبری و خشونت.

مسأله

- درجه چهارم از امر به معروف و نهی از منکر در موردی است که معصیت کار، از درجات مذکوره، ترک معصیت نکند و مصر باشد، در این صورت اگر بداند به زدن، ترک می‌کند و یا اقلاً احتمال عقلائی باشد که زدن، مؤثر است و از ضرر به جان و مال و عرض خود یا مسلمان دیگری ایمن باشد واجب است زدن به مقداری که ترک معصیت کند بشرط آن که منجر به جرح و قتل یا

سرخی و کبودی که دیه دارد نشود.

س

- اگر شخص با اهل معصیت، محشور باشد و بتواند بترک معصیت، از معصیت آنها جلوگیری نماید، بهترین طریقه امر به معروف و نهی از منکر است مثلاً اگر رفیق انسان بخواهد غیبت کند، انسان از استماع، معذرت بخواهد و بگوید من از خدا می‌ترسم غیبت کنم و اگر در بین تارک الصلواتها باشد مراقب خواندن نماز باشد یا بین روزه خورها مراقب روزه باشد تا آنها به همین خواندن نماز و گرفتن روزه، تشویق شوند و نماز بخوانند و روزه، بگیرند.

س

- اگر انسان کسی را ببیند که استمناء می‌کند وظیفه او چیست؟

ج

- اگر احتمال تأثیر می‌دهد باید او را بطور خصوصی و خیرخواهی نصیحت کند و زیان این عمل را برای او بیان کند تا از این گناه، اجتناب نماید و اگر با نهی از منکر قولی، ترک گناه، نکرد در صورت امکان، به مراتب بعدی نهی از منکر، او را وادار به ترک نماید.

س

- تنبیه دانش آموزان جائز است یا نه؟

ج

- با اذن ولی در موارد نهی از منکر و جلوگیری از فساد، به نحوی که دیه، وارد نشود اقتضار به مقدار ضرور، جائز است.

س

- آیا مسلمانان می‌توانند شراب فروش را از باب جلوگیری از فساد به قتل برسانند، یا نه؟

صفحه : ۵۲۴

ج

- مجرّد شراب فروشی، سبب جواز قتل نیست ولی نهی از منکر، به انحاء دیگر، لازم است.

ترک معاشرت بعنوان نهی از منکر یا امر به معروف

س

- صله رحم و رفت و آمد با هم‌سایه مسلمان که قرآن مجید و شارع مقدس و پیشوایان عظیم الشان امر و سفارش به آن فرموده‌اند. با وضع بی بند و باری و پرده‌داری و بی‌اعتنایی و سرکشی که بعضیها دارند و آن چه نصیحت و کناره‌گیری می‌شود اثر نمی‌بخشد چگونه می‌شود و آیا در چنین شرائطی باید به کلی قطع رابطه کرد یا این که سالی مثلاً یک مرتبه، معاشرت با ایشان، لازم است؟.

ج

- صله رحم منحصر به رفت و آمد نیست اگر این طریق معاشرت موجب فساد است به طریق دیگر از قبیل مکاتبه و احسان، صله نمایند، و ضمناً از موعظه و نصیحت، تا ممکن است خودداری نکنید که بزرگترین صله و احسان در حق آنها، باز داشتن آنها از معصیت است.

س

- بعضی از بستگان ما به کلی، توجه به نماز و روزه و سایر واجبات، ندارند و موعظه و نصیحت هم در آنها اثر نمی‌کند، اکنون صله رحم با آنها چه صورت دارد؟.

ج

- اگر ترک صله، موجب تنبّه و ارتداع آنها از معصیت می‌شود ترک نمایید و اگر به معاشرت و نصیحت، احتمال ارتداع آنان از معصیت بدهید معاشرت و صله رحم نمایید تا آنان را وادار به اطاعت خداوند سبحان نمایید.

س

- آیا قطع رابطه از ارحامی که تجاهر به گناهان می‌کنند جائز است یا نه؟.

ج

- اگر قطع مراوده، موجب تنبّه و ارتداع آنها از معصیت باشد لازم است قطع مراوده نماید.

س

- معاشرت انسان با اشخاصی که نسبت به احکام الهی و امور دینی اعتنائی ندارند چه صورت دارد؟.

ج

- اگر بدانند که با ترک معاشرت، آنها از معصیت، مرتدع می‌شوند لازم است از باب نهی از منکر ترک معاشرت کند و اگر احتمال می‌دهد که با معاشرت و

س

- رفتن به منزل شخص تارک الصّلاه، و آمیزش با شارب الخمر، چه صورت دارد؟.

ج

- کسی را که می‌دانید مرتکب معصیت می‌شود اگر احتمال دهید به معاشرت با او و موعظه و نصیحت، متنبّه می‌شود و ترک معصیت می‌کند معاشرت، اشکال ندارد و اگر بدانید ترک معاشرت با او موجب تنفّر و ارتداع او از معصیت نمی‌شود معاشرت با او را ترک نمایید.

س

- معاشرت با خویشاوندی که آلات لهو دارد، جائز است یا نه؟.

ج

- اگر ترک معاشرت، موجب تنبّه و ارتداع او از معصیت شود، جائز بلکه لازم است.

س

- نشستن من - یک زن مسلمان - در مجلسی که داماد محرم من است ولی زنهای بی‌حجابی هم نشسته‌اند جائز است یا نه؟.

ج

- اگر می‌توانید آنان را نهی از منکر نمایید و اگر نمی‌توانید خود شما در مجلس معصیت آنها شرکت نکنید.

س

- پسری دارم بیست و سه ساله که دانشجوی دانشکده پزشکی تبریز است ولی از خواندن نماز و گرفتن روزه خودداری می‌کند، در صورتی که تا حدودی پند و اندرز به او داده و نصیحت کرده‌ام و احیاناً با خشونت و پرخاش با او روبرو شده‌ام و متأسفانه مؤثر واقع نشده و اینک مدّتی است که ارتباط را با خانواده قطع کرده است اکنون تکلیف بنده با او چیست آیا می‌توانم به دیدارش بروم و کمک مالی به او بکنم یا نه؟.

ج

- اگر ترک معاشرت و ترک پرداخت کمک، در عمل او به وظائف شرعی و نماز و روزه، اثر دارد، ترک کنید و اگر اثر نمی‌کند به مقداری که قطع رحم نشود با او معاشرت کرده و کمکش کنید و از هدایت و نصیحت و اندرز به او کوتاهی ننمایید و مایوس از هدایت او نشوید امید است خداوند متعال او را به راه راست هدایت و نصائح شما را مؤثر فرماید. ضمناً چون در بین دانشجویان، افراد روشن و متدین و ملتزم به احکام اسلام، زیاد می‌باشند اگر می‌توانید سعی کنید

صفحه : ۵۲۶

که با افراد صالح، معاشرت، پیدا کند.

س

- بنده برادری دارم، شصت ساله که تا کنون نماز نخوانده و هروئین فروش و اهل مشروب و قمار است و هر چه فعالیت کردم به راه راست هدایت نشد حال آیا ترک معاشرت با او بکنم یا نه؟.

ج

- اگر ترک معاشرت موجب تنبّه او شود ترک آن لازم است و اگر اثر ندارد به مقداری که ترک صله رحم نشود و خودتان از روش او متأثر نشوید با او معاشرت نمایید.

س

- اگر اقوام و خویشان نزدیک و متعلقین از قبیل پسر و دختر و عروس و برادرزاده و خواهرزاده به دستورات مذهبی عمل نکنند و به اوامر و نواهی الهی وقعی نگذارند می‌توان از آنان دوری و کناره‌گیری کرد یا نه؟ و آیا این اجتناب، قطع رحم شمرده می‌شود یا نه؟.

ج

- تا مایوس نشده‌اید معاشرت کنید و نصیحت نمایید امید است مؤثر واقع شود.

س

- مجالست با کسی که کارخانه شراب دارد و یا سینما ساخته و یا در آنجا کار می‌کند چگونه است؟.

ج

- ترک مجالست با اهل معصیت، اگر موجب تنبّه و ترک معصیت آنها بشود واجب است و کمک و تعاون آنها در معصیت، حرام است.

بیدار کردن برای نماز بعنوان امر بمعروف و نهی از منکر

س

- گاهی اشخاصی در خانه هستند که هنگام نماز، خواب می‌باشند آیا بیدار کردن آنان برای نماز جائز است یا نه؟ مخصوصاً که گاهی ناراحت و متأذی می‌شوند و بعضی آنان اظهار می‌دارد که من در خواب تکلیفی ندارم و شما هم متعرض من نشوید و آیا پدر و مادر یا جدّ، در باره اولاد خود از این جهت، تکلیفی دارند؟.

ج

- اگر اشخاصی که خواب هستند از کسانی‌اند که قصد بیدار شدن برای نماز داشته‌اند بیدار نمودن آنان لازم نیست و اما اگر قصد بیدار شدن برای نماز ندارند لازم است از باب نهی از منکر با وجود شرائط آن، آنها را بیدار کرد و

صفحه : ۵۲۷

اما پدر و جدّ که شرعاً موظف به تربیت اولاد و تمرین آنها بر عبادات می‌باشند لازم است آنها را بیدار نمایند و در صورت لزوم اگر بدانند زجر و انقباض و غیر آن به اختلاف مراتب، موجب اتیان مأمور به، و ترک معصیت می‌شود و مفسده‌ای بر آن مترتب نمی‌شود جائز بلکه واجب است.

س

- شخصی که در خواب است بدون اذن قبلی، جائز است او را برای خواندن نماز، بیدار کرد یا نه؟.

ج

- اگر عمدا خوابیده که نماز نخواند لازم است او را بیدار کنند. و در غیر این صورت، اگر راضی باشد اشکال ندارد.

س

- آیا جائز است که آدمی عیال و فرزند خود را قبل از تکلیف یا بعد از آن برای نماز بیدار کند یا نه؟.

ج

- ظاهراً علاوه بر جواز، ممدوح است مگر آن که از غیر جهت نماز، موجب اذیت یا موجب ضرر باشد، مثل این که مریض باشند.

س

- مهمانی که به منزل انسان وارد می‌شود و اهل نماز هم هست بدون اجازه او صبح، جهت اداء نماز می‌توان او را بیدار کرد یا نه؟ و در این حکم بین زن و بچه خود انسان و اجنبی فرقی هست یا نه؟ و از حیث امر بمعروف و نهی از منکر اگر آنان را بیدار نماییم برای ما مسئولیتی دارد یا نه؟.

ج

- در اکثر موارد، علم به رضایت بیدار نمودن مسلمان هست. بلی اگر بدانید که خوابیده بقصد آن که نماز نخواند از باب نهی از منکر با وجود شرائط آن، بیدار کردن، لازم است و هم چنین نسبت به اولاد، بلکه مراقبت از آنها بیشتر لازم است.

مسائل متفرقه امر به معروف و نهی از منکر

س

- دختر دانشگاه دیده نجیبی را برای ازدواج، در نظر گرفته‌ام که قول همه گونه تفاهم را بر اساس منطق، برای زندگی مشترک آینده، بمن می‌دهد ولی به سبب محدودیتهای شغلی، «دبیری» و نیز تربیت خانوادگی، خود را آن چنان اسیر پسند همجنسان و غیر همجنسان کج فهمش می‌بیند که بازگشت کامل یک باره به سوی حجاب اسلامی را محال می‌انگارد و از طرفی این جانب نیز با پشت گرمی، به یاری و مساعدت الهی، در خود احساس می‌کنم که *إن شاء الله* می‌توانم

صفحه : ۵۲۸

بتدریج، او را به رعایت حدود الهی مجاب سازم حال چنانچه خدای نکرده حقیر نتوانستم پس از ازدواج یک باره یا بتدریج، وی را بدین کار، وادار سازم آیا از نظر شرع، گناهی متوجه این جانب خواهد بود؟.

ج

- در فرض سؤال، که معلوم است از معصیت و گناه دیگری نیز متأسف می‌باشید و قصد جلوگیری از منکر نیز دارید ازدواج با او صحیح و گناهی برای شما ندارد و امید است خداوند، به شما توفیق دهد که او را هدایت نمایید.

س

- آیا می‌شود از زکوات و صدقات واجبه و سهم مبارک به سید فقیری که تارک الصلاة و شارب الخمر است کمک نمود یا نه؟.

ج

- امر سهم مبارک امام با مجتهد جامع الشرائط است و اما زکاة و صدقات واجبه دیگر اگر صرف در معصیت کند جائز نیست و اما اگر برای مخارج ضروری او باشد و دادن این طور صدقات، موجب ارتداعش از معصیت شود در صورت اضطرار، به او بدهند و اگر ندادن صدقات، موجب ارتداعش شود به او ندهند و بگویند که به این جهت است تا مرتدع شود.

س

- کسانی که خمس نمی‌دهند آیا می‌شود به زور از آنان خمس گرفت یا نه؟.

ج

- اگر بشود بعنوان امر به معروف، آنان را ملزم به خمس دادن بنمایند در صورتی که مستلزم محذوری نباشد اشکال ندارد.

س

- در مورد کار نیکی که در نظر انسان خیلی مهم است ولی پدر و مادر راضی نیستند و بطور کورکورانه و عدم اطلاع از نتیجه آن کار، او را نهی می‌کنند پیروی از آنان لازم است یا این که شخص، به نظر خودش عمل کند؟.

ج

- اگر آن کار نیک، مستحب باشد و پدر و مادر از آن نهی کنند و مخالفت فرزند با آنها سبب ناراحتی آنها شود باید آن را ترک

کند و اگر آن عمل، واجب است و پدر و مادر از عملی که بر فرزند، واجب است نهی کنند اطاعت آنها جائز نیست.

س

- اطفالی که رو به قبله، بول می‌کنند بر کسان آنها واجب است که نهی کنند یا نه؟.

صفحه : ۵۲۹

ج

- برای تمرین، آنها را عادت به ترک دهند.

س

- اطفال که در مکتب یا مدرسه، دست بی وضوء بر خطوط قرآن می‌گذارند آیا برای آموزگار، اشکالی دارد یا نه؟.

ج

- معلّم باید دستور ترک آن را بدهد و اگر دید منع کند.

س

- دختری هستم که سال قبل، دیلمه شدم و به علّت این که فکر می‌کردم معلّم شدن برای زن اشکال داشته باشد، آن را نپذیرفتم و لیکن از آن موقع تا کنون، شدیداً تحت فشار والدین و فامیل قرار گرفته‌ام از این رو خواستم حضرت آیة الله العظمی نظر مبارک را مرقوم فرمایند که وظیفه خود را بدانم.

ج

- اگر بدانید وارد شدن در تعلیم، موجب ارتکاب معصیت یا ترک واجبات نیست تدریس دروس مشروعه، اشکالی ندارد، مخصوصاً اگر بتوانید اطفال را به عقائد حقه دینیّه و احکام شرعیّه، راهنمایی نمایید.

س

- آیا برای احقاق حقّ یا ابطال باطل و جلوگیری از ظلم و منکرات مراجعه به ظلمه جائز است یا نه؟ و آیا فرقی بین این که راه جلوگیری از منکر و ظلم یا احقاق حق منحصر در رجوع به آنان باشد و یا نباشد هست یا نه؟.

ج

- برای احقاق حق و ابطال باطل و امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که راه منحصر به رجوع به آنان باشد رجوع به آنان جائز است.

س

- متداول است که بچه‌ها و بزرگسالان، در کوچه‌ها توپ بازی می‌کنند و مزاحم ساکنین خانه‌ها می‌شوند مکرر توپ آنان به خانه می‌افتد، در این صورت، وظیفه ساکنین خانه چیست و تا چه حدّ مسئولیت شرعی دارند؟.

ج

- جلوگیری از مزاحمت، به طوری که خود انسان مرتکب معصیت نشود جائز است.

س

- هر گاه شخصی که مرتکب معصیت است به انسان سلام کند آیا می‌توان بخاطر اظهار تنفر از عمل او جواب سلامش را نداد یا نه؟.

ج

- واجب است جواب سلام را بدهد.

س

- آیا ازدواج با زن مسلمان بی حجاب حرام است؟ و آیا اگر این امر، انجام شد، مرد فعل حرام کرده است؟.

صفحه : ۵۳۰

ج

- با احتمال آن که به واسطه ازدواج با او ممکن است او را ارشاد کند و از معصیت باز دارد، مانعی ندارد.

س

- تکلیف دیگران در باره کسی که به ظاهر خود را مسلمان دانسته ولی در دستورات اسلامی اخلال و افساد می‌کند چیست؟.

ج

- حکم مسلمان را دارد هر چند مفسد و گناه کار باشد ولی بهر نحو ممکن است باید او را نصیحت و موعظه کرد تا دست از اخلال و افساد بردارد.

س

- شخصی در منزل، شراب می‌خورد و گاهی در همان منزل، از قرآنی که در خانه دارد، تلاوت قرآن می‌کند به او گفته می‌شود در برابر این قرآن، معصیت نکن می‌گویند به کسی مربوط نیست، من هم شراب می‌خورم و هم قرآن می‌خوانم، حال آیا

می‌شود این قرآن را از او گرفت یا نه؟.

ج

- در فرض مرقوم، گرفتن قرآن مجید از او جائز نیست همین قدر که او را نهی از منکر کنید و آیات قرآن را - در حرمت خمر - به او تذکر دهید به تکلیف خود عمل کرده‌اید.

س

- دخترم به سن ۱۶ سال. دوره سوّم متوسطه را به پایان رسانیده و اکنون می‌خواهد در دانشسرای مقدماتی ثبت نام کند، من می‌دانم که این کار، مفسده اخلاقی و انحراف دینی دارد و به عفت و عصمت وی لطمه وارد می‌آید و نصیحت مرا هم نمی‌پذیرد، خواهشمندم نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج

- با روش آموزش و پرورشی که در این مملکت است که سعی دارند شخصیت اسلامی افراد را با تعلیم و تربیت تغییر دهند، مطلب همان است که خودتان، تشخیص داده‌اید ادامه این وضع، معرض فساد است و منع شما به جا و به مورد است و حتی الامکان او را نصیحت کنید، شاید نصیحت مشفقانه شما در او اثر نماید.

س

۱- در محلّ.. دبستانی با سابقه چندین ساله است. سال قبل (..) بهائی(زمینی را از شخصی خریداری کرده و در آن زمین، دبستانی ساخت و در اختیار اداره فرهنگ گذاشت و دبستان قبلی ما را منحلّ کرد آیا رفتن اطفال، به این دبستان جائز است یا نه؟.

صفحه : ۵۳۱

ج

- فرستادن اطفال، در چنین محلّی که موجب تقویت فرقه ضالّه مضلّه است، جائز نیست و بسیار جای تأسف است که فرهنگ کشور اسلامی چنین ننگی را به خود انتساب دهد نعوذ باللّه من سوء الخاتمه. به فرهنگ اطلاع دهید اگر اقدام در رفع این ننگ، نمود فبها و الاّ اطلاع دهید تا از مرکز، اقدام شود. ۲.

س

- آیا جائز است به منزل اشخاصی که خمس و زکاة نمی‌دهند، رفت و با آنان معاشرت نمود یا نه؟.

ج

- جهت ارشاد و هدایت آنان مجازید که وارد منزل آنان شوید.

س

- شغل این جانب بازرسی و معاینه گوشت می‌باشد که در کشتارگاه باید انجام وظیفه نمایم و از نظر قانون حق دارم گوشت و جگر و سایر اعضا دامی که مریض باشد ضبط و معدوم نمایم .. البته، چون توقیف گوشت حیوان مریض برای حفظ سلامتی مردم است بنظر خودم این کار خداپسندانه است اکنون حضرت عالی حکم آن را بیان فرمائید.

ج

- اگر واقعاً یقین دارید که گوشت و سایر اعضا حیوان مریض، مضرّ و خطرناک است و اگر به صاحب دام بگوئید خودش از فروش خودداری نمی‌کند و وسیله جلوگیری از فروش آن منحصر به از بین بردن گوشت باشد، ممکن است از باب نهی از منکر یا به حکم حاکم شرعی، آن را از بین ببرید.

س

- چنانچه در مورد مریضی روانی که کارهای خطرناکی از او صادر می‌شود تشخیص داده شود که تنبک و دهل و دایره زدن و رقصیدن او برایش فایده دارد و مسکن است آیا جایز خواهد بود؟.

ج

- در صورت انحصار تداوی، منع او از این عمل لازم نیست.

صفحه : ۵۳۲

مسائل اجتماعی اسلام

مسأله

- یاد گرفتن و یاد دادن علوم و صناعی که مورد احتیاج عموم است و هم چنین علوم و صناعی که سبب قوّت و شکوت جامعه مسلمان، و برتری قوای دفاعی آنها بر کفار می‌شود، بر همه واجب مؤکّد است به وجوب کفائی و باید مسلمانان به نحوی قوی شوند که قطع طمع کفار را از بلاد و نوامیس و اعراض و اموال و معادن و ثروت خود بنمایند.

مسأله

- از مهمترین مطالب اسلامی، توجّه بوضع تعلیم و تربیت فرزندان و مراقبت در حسن ترقی و تکامل علمی و تربیتی آنها است.

مسأله

- فرستادن فرزندان به دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و کودکانهای که اسلامیّت و امانت و علاقه‌مندی مؤسّس و معلّمان آنها به سنن اسلامی محرز و شناخته نشده و معرض انحراف فکر و عقیده و فساد اخلاق باشد، جایز نیست.

مسئله

- کفار حق ندارند در بلاد اسلام، مدرسه دائر کنند و تعلیم و تربیت اطفال مسلمانان را عهده‌دار شوند، و جایز نیست مسلمانان فرزندان خود را به مدارس و کودکستانهای آنها بفرستند.

مسئله

- تأسیس مدارس مختلط اعم از ابتدائی و عالی و تدریس در آن مدارس و فرستادن فرزندان به آن مدارس و هم‌کاری با آنها، جائز نیست.

مسئله

- بر مسلمانان واجب است در صورتی که مدارس و دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم و صنایع مورد احتیاج عموم، طبق آداب و سنن و رعایت احکام اسلام به تعداد کافی نباشد، خودشان مستقیماً به تأسیس این گونه مدارس و دانشگاه‌ها

صفحه : ۵۳۳

بر اساس تعالیم مقدسه اسلام و اجراء برنامه‌های دینی، اقدام نمایند و مهماً ممکن طوری ترتیب بدهند که از تمام طبقات هر کس استعدادش بیشتر است بتواند به تحصیل، ادامه دهد.

مسئله

- دانش آموزان و دانشجوها در هر رشته‌ای از علوم مباحه اگر غرضشان از تحصیل، خدمت به جامعه و ازدیاد عظمت اسلام و رفع حاجات مسلمانان از بیگانگان باشد، اجر و ثواب بسیار دارند.

مسئله

- حضور در کلاس درسی که استاد آن، فساد عقیده داشته باشد و در ضمن درس، بطور ضمنی، علیه السلام تبلیغ می‌کند، جائز نیست.

مسئله

- خرید و فروش اجناس و امتعه بیگانگانی که با مسلمانان، در حال جنگ هستند در صورتی که سبب قوت آنها و ضعف مسلمانان شود، جز در موارد اضطرار و ضرورت، مثل معالجه بیمار و امثال آن، جایز نیست.

مسئله

- بر تجار و بازرگانان مسلمان، واجب است - به وجوب کفائی - که از رخنه کردن بیگانگان داخلی و خارجی در امور تجارت و صنایع و مؤسسات بازرگانی با هم‌کاری و مشورت یکدیگر و تأسیس شرکتهای مشابه، جلوگیری نمایند و نگذارند فرق ضالّه و بیگانه زمام دار امور اقتصادی مسلمین شوند و بهر وسیله‌ای ممکن است ایادی آنها را قطع نمایند.

مسئله

- هم‌کاری و شرکت با مؤسّسات فرهنگی بیگانگان و فرق ضالّه که از عوامل مهمّ استعمار و تضعیف مسلمین و تقویت کفّار، بوده و هست، جائز نیست.

مسئله

- شرکت در مجالس و محافل اهل بدع و فرق ضالّه، حرام است مگر برای ردّ آنها- در صورت تمکّن.

مسئله

- عمل به برنامه‌هایی که برخلاف شعائر و دستورات و احکام شرع مقدّس اسلام باشد حرام است و بر هر مسلمانی خودداری و جلوگیری از عمل به آن، واجب است.

مسئله

- سازش با بیگانگان، علیه منافع مسلمانان و اتکاء به آنها و همدستی با آنها همه از گناهان بزرگ و معاصی کبیره است.

صفحه : ۵۳۴

مسئله

- ساختن و بنا کردن اماکن فساد و خانه‌های گناه و رفتن در آن خانه‌ها و اماکن، حرام است و هم چنین اجاره دادن منازل، برای این گونه محرّمات، حرام است.

مسئله

- کسب مال باید از راه حلال و مشروع باشد و از راه‌های حرام، مثل قمار و دزدی و ربا و غناء و مسابقه‌های جدید محرمه، حرام است.

مسئله

- از چیزهایی که احترام بسیار دارد، جان و مال و آبروی مسلمان است که هیچ کس بدون حکم شرع، حقّ تجاوز به آنها را ندارد.

مسئله

- خانه افراد مسلمین محترم است و بدون اذن صاحبش ورود در آن، جایز نیست بلکه سر کشیدن به خانه غیر، از بالای بام، یا شکاف دیوار یا روزنه در، جائز نیست.

مسئله

- خرید و فروش و کمک به مطبوعات و نشریات و روز نامه و مجلات گمراه کننده و خواندن آنها حرام است مگر برای اطلاع بر مفاسد و رفع آن در صورت تمکن، برای کسانی که واقعا اهلّیت و شایستگی رفع آن را دارند.

مسأله

- اعانت و کمک و هم‌کاری با نشریات صحیح و مورد اعتماد، از وظائف مهمّه است و از اموری است که سبب تعمیم و توسعه معارف و تبلیغات اسلامی می‌شود.

مسأله

- اعانت ظلمه و کسانی که با دین و احکام دین، ضدّیت و معاندت دارند و همراهی نمودن با آنها در ظلم و ستم، تجاوز به حریم دین و حرام است.

مسأله

- بر مسلمانان لازم است که حقوق و روابط اجتماعی خود را طبق احکام اسلام، مرتّب و منظم کنند و از بدع و سنّتهای بیگانگان، جدّا پرهیز نمایند.

مسأله

- هر مسلمانی باید سعی کند روش و رفتار و اخلاق او، طبق تعالیم اخلاقی و فقهی اسلام باشد تا هم خودش سعادتمند گردد و هم بر آبروی جامعه اسلامی بیافزاید.

مسأله

- کسانی که متدین و ملتزم به احکام اسلام نیستند و اهل نماز و

صفحه : ۵۳۵

روزه و وظائف شرعیه نمی‌باشند لیاقت عهده‌داری مشاغل اجتماعی اسلامی و مناصب عمومی را ندارند و اگر عهده‌دار شوند، غاصب و متجاوز به حقوق عمومی شناخته می‌شوند.

مسأله

- وظیفه هر مسلمان است که در بهبودی امور و وضع معاش و اقتصادی مسلمانان اهتمام نماید که من اصیح و لم یهتّم بأمور المسلمین، فلیس بمسلم.

مسأله

- مسلمانان باید در بین خودشان با گذشت، و هم‌کار یکدیگر باشند و نسبت به کفّار سخت و از دادن هر گونه اختیار و سلطه به

آنها نسبت به امور مسلمین، اجتناب نمایند.

مسئله

- حسن سلوک و رفتار مسلمان با بیگانه و مسلمان، باید بر اساس تعالیم اسلام در نهایت اعتدال و خیرخواهی برای همه خلق باشد.

مسئله

- مسافرت به بلاد کفار و نقاطی که انسان در آن نقاط نمی‌تواند وظائف اسلامی خود را انجام دهد جز در موارد ضرورت و ارشاد آنها، جائز نیست.

مسئله

- غصب اموال مردم، حرام است و حتی در دانه و هسته‌ای از مال کسی بدون رضایت او نمی‌توان تصرف کرد.

مسئله

- ربا دادن و ربا گرفتن و هر گونه معاملات ربوی، چه طرف، شخص باشد، یا مؤسسات، از قبیل بانکها و سایر شرکتها، حرام است.

مسئله

- چون اقتصاد و تجارت جامعه مسلمانان در اثر غفلتهائی که شده وابسته به بانکها گردیده است، تا بانکها وضع خود را با تعالیم اقتصادی اسلامی تطبیق نکرده‌اند، مسلمانان متمکن با هم کاری یکدیگر مؤسسات قرض الحسن اسلامی تأسیس کنند و این مخالفت علنی با احکام خدا را به اطاعت احکام او مبدل سازند.

مسئله

- مسلمانان باید در تجارت و معامله و کلیه مناسبات و روابط فیما بین خود و بیگانه، دستورات اسلام را از هر جهت، رعایت کنند و از غش و کم فروشی و خیانت و اجحاف، خودداری نمایند.

مسئله

- مسلمانان باید در مورد اشخاص مجهول که ملبس به لباس

صفحه : ۵۳۶

علماء و طلاب هستند، تحقیق نمایند اگر با مقامی دیگر غیر از مقام علماء و مجتهدین - که نواب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه می‌باشند- ارتباط داشته باشند از آنها کناره کرده و از اضلال آنها پرهیزند.

مسئله

- تصرّف و دخالت در امور اوقاف مجهول التّولیه و غیب و قصیر و مساجد و مدارس دینی و موقوفه و کتابخانه‌های موقوفه‌ای که متولّی منصوص ندارد برای غیر مجتهد جامع الشّرائط یا مأذون از او حرام و خلاف شرع است و تصرّف در وجوهی که آنها می‌دهند جائز نیست.

مسأله

- مزدوران و کارکنان ظلمه که خود را به عنوان مبلغ و مروج دین، معرفی می‌کنند و با اهل باطل و برنامه‌های باطله، هم‌کاری می‌نمایند گناهشان از دیگران، بیشتر است و لازم است مسلمانان از آنها پرهیزند، و فریب ظاهر لباس و کلمات آنها را نخورند.

مسأله

- مسلمان اگر بتواند جامعه و مملکت را در مسیر اجراء احکام اسلام قرار دهد و احکام اسلام را اجرا سازد، باید اقدام کند و واجب است با کسانی که این تبت را دارند، هم‌کاری و تشریک مساعی نماید.

مسأله

- هم‌کاری مردها با زنهای اجنبیه و بیگانه در امور تجاری و اداری به نحوی که به تقلید از بیگانگان مرسوم شده که از محرّمات، پرهیز نمی‌کنند و مراعات احکام شرعیه را نمی‌نمایند، جائز نیست.

مسأله

- هیچ کس حق ندارد در مقام قضاوت به استناد قانونی، غیر از قانون اسلام خواه امور جزائی باشد یا حقوقی، کسی را محکوم یا حاکم سازد.

مسأله

- هیچ فرد مسلمانی نمی‌تواند بعنوان دستور ما فوق، فرمان غیر شرعی او را اجرا نماید و او را در جلوگیری از شعائر اسلام و غصب حقوق و آزادی‌های مشروعه و کارهای ضدّ اسلامی، کمک و یاری نماید.

مسأله

- جعل قوانین خلاف شرع و اجبار مردم بر عمل به آن و کمک به اجراء کنندگان این قوانین، حرام است.

مسأله

- مبارزه، با نفوذ اقتصادی و فکری و سیاسی بیگانگان، در بلاد اسلام، بر هر مسلمان واجب است و کمک کردن به آن حرام است.

مسأله

- سلب آزادی‌های مشروع مردم و تحکّم و استبداد در امور آنها، جائز نیست.

مسئله

- ساختن مجسمه و خضوع در مقابل آن، حرام است و نیایش و احترام در برابر مجسمه‌ها و نصب آنها در معابر و میادین، حرام است.

مسئله

- پوشیدن لباس مخصوص به مردها بر زن‌ها، و لباس مخصوص به زن‌ها بر مردها حرام است.

مسئله

- استخدام کفار از قبیل یهود، در ادارات و سازمانهایی که باید بر جریان امور، نظارت و یا امور دفاعی کشور اسلام را تحت نظر داشته باشند، جائز نیست و پاسبان و افسر و سرباز و قاضی و نظائر اینها، همه باید مسلمان باشند.

مسئله

- نظر مبارک حضرت عالی در مورد تحصیل در دانشگاه، با تحرّز از کسب علوم محرّمه از قبیل سحر و شعبده، با توجّه به این که دانشگاهها در حال حاضر مختلط بوده و نساوان به انحاء آرایش و تزئین در کلاسها حاضر می‌شوند و مرد لا بدّ از حضور در کلاس است چیست؟

ج

- نظام اختلاط دختر و پسر به این نحو در دانشگاه و دبیرستان و مدارس، اسلامی نیست و ضررهای اجتماعی و اخلاقی آن بسیار است لذا تحصیل در این مؤسسات فقط به لحاظ این که کنار ماندن نسل مسلمان از علوم جدید نیز مصلحت نیست بلکه مضّر و موجب تسلّط کفار بر مسلمین می‌شود، برای کسانی که به خود اعتماد دارند که در آن محیط، وضع اسلامی خود را از دست نمی‌دهند جائز است در صورتی که راه تحصیل، منحصر باشد شرکت نمایند بشرط آن که خود را از نظر حرام، و گناهایی که لازمه این اختلاط نامشروع است، حفظ نمایند.

صفحه : ۵۳۸

مسائلی در باره جهاد و دفاع و شهید و کفار ذمی و غیر آنها

س

- فرضا مسلمانی در یکی از کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی سکونت دارد جنگی از قبیل جنگهای امروزی که جنبه سیاسی و اقتصادی دارد رخ می‌دهد وظیفه این فرد مسلمان مخصوصا موقعی که الزام به شرکت در آن باشد چیست؟.

ج

- جنگ با مسلمین - مگر در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال - جائز نیست.

س

- شهادتی که احکام شهید بر آنها جاری است، چه کسانی‌اند؟.

ج

- هر کس در زمان غیبت به هنگام وجوب جهاد بر مسلمانان، در راه حفظ دین و دفاع از اسلام - نه جهات دیگر - کشته شود حکم شهید بر او جاری است.

س

- انسان، چه مرد و چه زن، کوچک یا بزرگ - و لو کافر - اگر در راه اهداف اسلام و مسلمین کشته شود شهید است یا نه؟ و اگر شهید است باید غسلش داد یا نه؟.

ج

- غسل و کفن و دفن کافر، جایز نیست و مسلمان مقتول در میدان جنگ که با اذن پیغمبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام بوده غسل ندارد و کفن نمی‌شود، بلکه با همان لباس باید دفن شود و همین طور کسی که در راه حفظ بیضه اسلام در معرکه قتال در زمان غیبت کشته شود و در غیر این صورت، واجب است او را غسل دهند و کفن نمایند هر چند ثواب شهید داشته باشد.

س

- یهود و نصاری که اکنون موجودند می‌توان آنها را اهل کتاب

صفحه : ۵۳۹

دانست یا نه؟.

ج

- بلی کسانی که معتقد به نبوت آن دو پیغمبر بزرگ باشند و تورا و انجیل را کتاب خود بدانند اهل کتاب، محسوبند.

س

- انسان به چه صورت، کافر ذمی می‌شود؟.

ج

- کافر ذمی کفار اهل کتابند مثل یهود و نصاری که تحت شرائط مخصوصی در پناه اسلام قرار می گیرند تا جان و مال آنها محفوظ بماند. بلی جائز است که به کافر غیر ذمی نیز به شرحی که در کتب مفصله فقهیه، مذکور است پناه داد.

س

- کفاری که الآن در ایران وجود دارند کافر ذمی، محسوب می شوند یا نه؟.

ج

- ذمی بودن آنها موقوف بر احراز شرائطی است که در کتب فقهیه مذکور است.

س

- کار کردن برای اهل کتاب و غیر اهل کتاب از فرق مختلفه چه حکمی دارد؟.

ج

- در این وقت که آتش جنگ، بین اهل کتاب و مسلمانها برقرار است هر گونه عملی که موجب تقویت آنها باشد جائز نیست.

س

- معامله با کلیمی ها چه حکمی دارد؟.

ج

- اگر از معامله با آنان در حال جنگ با مسلمین، نفعی عائد چند یهود شود که موجب تقویت آنها باشد آن معامله، حرام و باطل است.

س

- خوردن اموال کفار، چه حربی و چه ذمی به هر عنوان، دزدی یا بطرق دیگر جائز است یا این که خورنده اموال آنها مدیون است؟.

ج

- اتلاف اموال کافر حربی جائز است و موجب ضمان نیست و اموال اهل ذمه اگر به شرائط اهل ذمه عمل کنند محترم و اتلاف آن موجب ضمان است.

س

- اگر مسلمان، کفر بگوید و استغفار نکند آیا کافر ذمی است یا از اقسام کفار دیگر؟.

ج

- کافر ذمی نیست لکن اگر قبلاً کافر بوده و بعد مسلمان شده و بعد از

صفحه : ۵۴۰

اسلام، کفر گفته مرتدّ ملی است و اگر توبه کند شرعاً توبه او مقبول است و اگر مسلمانی است که در حال انعقاد نطفه او پدر و یا مادر او مسلمان بوده مرتدّ فطری است که شرعاً سه حکم بر او مترتب است: یکی آن که زن او بدون احتیاج به طلاق از او جدا می‌شود و دیگر آن که اموال او منتقل به ورثه مسلمان او می‌شود و سوم آن که اجراء حدّ، بر او لازم است. و به هر حال اگر توبه کند توبه او قبول است.

س

- در مواقعی که بین کیان و بیضه اسلام و رضایت پدر و مادر تعارض پدید آید وظیفه فرزندان در این هنگام چیست؟.

ج

- در صورت احتیاج به دفاع از اسلام رضایت پدر و مادر در صورت امتناع از اذن شرط نیست و دفاع از اسلام مقدم است و الله العالم.

س

- اگر در خطّ مقدم جبهه فعلی ایران کسی کشته شود آیا شهید است و می‌شود او را با لباس خودش بدون غسل و تیمّم و کفن، دفن نمود یا خیر؟.

و مسّ او موجب غسل است یا نه؟.

ج

- اگر مؤمن طرفدار حق، در معرکه و خطّ مقدم جبهه کشته شود شهید محسوب است و احتیاج به غسل و تیمّم و کفن ندارد و با لباس خود دفن می‌شود.

بلی اگر برهنه باشد باید او را کفن نمایند و اگر کسی او را مسّ کند غسل مسّ میت بر او واجب نیست.

س

- اشخاص دیگری غیر از رزمنده‌ها مثل مبلغ، مدّاح، خطّاط، دکتر، آشپز، میکانیک، و غیرهم که به جبهه می‌روند اگر در آنجا کشته شوند شهید محسوب می‌شوند و احکام شهید را دارند یا خیر؟.

ج

- اگر در میدان جنگ کشته شوند حکم شهید را دارند.

س

- بفرمایید در جنگ‌های این زمان که از فاصله چند کیلومتری، خمپاره یا گلوله توپ یا غیر اینها می‌آید و رزمنده یا غیر رزمنده کشته می‌شود تا چه حدودی میدان جنگ محسوب است؟.

ج

- تا حدودی که در نظر عرف میدان جنگ حساب می‌شود.

س

- بعضی افراد می‌گویند که خداوند تمام گناهان شهید را می‌آمرزد او را می‌بخشد آیا اگر شخصی قضاء نماز و روزه داشته و مستطیع بوده و مالی که

صفحه : ۵۴۱

خمس یا زکاء به آن تعلق می‌گیرد داشته شهید شود نماز و روزه او قضا دارد و بقیه واجباتش را که انجام نداده باید برای او انجام بدهند یا خیر؟.

ج

- بلی باید دین خلقی و خدائی شهید ادا شود و قضاء حج و نماز و روزه و سائر واجبات ساقط نمی‌شود.

س

- آوردن غنائم جنگی تا چه حدّ جایز است؟.

ج

- غنائم جنگی از مسلمین عراقی اگر از قبیل اسلحه و آلات جنگی باشد باید به دولت جمهوری اسلامی تسلیم شود و اگر از قبیل لباس و پول و اشیاء دیگر باشد، مجهول المالک است و اختیار آن با حاکم شرع جامع الشرائط است.

س

- آیا می‌توان با لباس یا ساعت یا چیز دیگری که متعلق به دشمن است و در جبهه به غنیمت گرفته شده نماز خواند یا نه؟.

ج

- اگر بقصد رساندن به مصرف شرعی باشد می‌تواند در آن نماز بخواند و اگر برای خود برداشته باشد، نماز در آن اشکال دارد.

صفحه : ۵۴۲

مسائل احسان

س

- هر گاه زوجه همراه زوج و در يك منزل است لکن برای زوج تمکین نمی‌کند و زوج هم قدرت بر اجبار وی را ندارد اگر زوج در چنین موقعیتی زنا کند محصن است یا خیر؟ و چنانچه زوجه مذکوره زنا دهد چطور؟.

ج

- مرد مذکور محصن نیست ولی زوجه مذکوره محصنه است.

س

- چنانچه زن، ناشزه باشد و بی اذن شوهر از خانه رفته و قهر کرده و بر نمی‌گردد اگر شوهر زنا کند محصن است یا خیر؟ و نیز اگر چنین زنی زنا دهد محصنه است یا خیر؟.

ج

- در مورد سؤال مرد محصن نیست لکن زن مذکوره محصنه است.

س

- هر گاه پسر غیر مکلف ازدواج کند و قبل از بلوغ با زوجه‌اش نزدیکی نماید و پس از بلوغ قبل از نزدیکی با زوجه زنا کند احسان نسبت به زوج محقق شده است یا خیر؟ و همین طور نسبت به زوجه هر گاه پس از نزدیکی با شوهر غیر بالغ و قبل از این که شوهر بحد بلوغ برسد زنا دهد احسان تحقق یافته یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال زوج مذکور محصن نیست و زوجه مذکوره هم محصنه نیست و هم چنین اگر شوهر بالغ شده باشد و پس از بلوغ، با زوجه نزدیکی نکرده و زن زنا داده باشد محصنه نیست.

س

- هر گاه زوج در اثر تصادف، به حالت اغماء افتاده و مدتهاست در همین حالت بسر می‌برد اگر در این حال زوجه زنا دهد محصنه است یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال چنانچه مدت بی‌هوشی طولانی باشد بعید نیست که زن

صفحه : ۵۴۳

محصنه نباشد.

س

- زنی که شوهرش مفقود الاثر است و مدتهاست که از وی خبری در دست نیست اگر زنا دهد محصنه است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، محصنه نیست.

س

- هر گاه زن عیبی دارد که مانع از وطی نیست ولی شوهر حق فسخ عقد دارد مثل برص اگر مرد فسخ نکند و در چنین وضعی زنا کند محصن است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، مرد محصن است.

س

- هر گاه مردی که زوجه دائمه دارد و تمکن از جماع هم دارد با میته زنا کند محصن است یا خیر؟

ج

- بلی مرد مذکور محصن است.

س

- هر گاه شوهر زندانی باشد و در آن حال زنا کند آیا محصن است یا خیر و اگر زوجه‌اش که آزاد است در موقعی که شوهر زندانی است زنا دهد محصنه است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال که تمکن از جماع برای شوهر نیست هیچ یک از زوج و زوجه محصن نیستند.

س

- هر گاه زوجه زندانی باشد و در آن حال زنا کند محصنه است یا خیر و اگر شوهرش که آزاد است در موقعی که زوجه زندانی است زنا کند محصن است یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال که شوهر متمکن از جماع نیست هیچ یک از زوجین محصن نیستند.

س

- هرگاه زوجه مریضه باشد و به این جهت شوهر نتواند وطی کند و در این حال زوج زنا کند آیا محصن است یا خیر؟.

ج

- در فرض مذکور شوهر محصن نیست.

س

- هرگاه زوج مریض و در منزل بستری باشد و به همین جهت نتواند با زوجه نزدیکی کند و در چنین حالی، زوجه زنا دهد آیا محصنه است یا خیر؟.

صفحه : ۵۴۴

ج

- در فرض مذکور زوجه محصنه نیست.

س

- هرگاه شوهر عتین باشد و زوجه‌اش زنا دهد آیا محصنه است یا خیر؟.

ج

- زوجه در این فرض محصنه نیست.

س

- هرگاه زوجه عیبی دارد که آن عیب مانع از وطی است و زوج می‌تواند عقد را فسخ کند لکن نمی‌خواهد فسخ کند اگر در چنین موقعی زوج زنا کند محصن است یا خیر؟.

ج

- مرد مورد سؤال محصن نیست.

س

- هر گاه زوج عیبی دارد که زن با وجود آن عیب می‌تواند عقد را فسخ کند مثل این که مرد مقطوع الاله یا خصی باشد لکن نمی‌خواهد فسخ کند اگر در چنین موردی زوجه زنا کند محصنه است یا خیر؟

ج

- در فرض مذکور زن محصنه نیست.

س

- هر گاه زوج به منظور ایذاء زوجه، یا بخاطر این که زوجه دیگری دارد و یا به جهت بی‌علاقگی یا کثرت اشتغالات از نزدیکی با وی خودداری می‌کند اگر در این گونه موارد زوجه زنا دهد محصنه است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال اگر چهار ماه بگذرد و مرد با وی نزدیکی نکند و پس از آن زنا داده باشد معلوم نیست محصنه باشد ولی قبل از گذشتن چهار ماه چنانچه زنا دهد محصنه است.

س

- هر گاه زنی که مطلقه رجعیه است و هنوز عده‌اش تمام نشده زنا کند آیا محصنه است یا خیر و هم چنین شوهری که او را طلاق داده اگر زنا کند محصن است یا خیر؟ مخصوصا اگر بنای رجوع به زوجه‌اش را نداشته باشد.

ج

- در فرض سؤال، زوج و زوجه هر دو محصن هستند.

س

- زنی که مطلقه بطلاق خلع است و هنوز عده‌اش تمام نشده چنانچه زنا کند محصنه است یا خیر؟ مخصوصا اگر بنای رجوع به بذل نداشته باشد یا اگر هم رجوع کند شوهر رجوع نکند و نیز مردی که زن خود را طلاق خلع داده باشد اگر زنا کند محصن است یا خیر؟

صفحه : ۵۴۵

ج

- در فرض سؤال، هیچ یک از زوج و زوجه محصن نیستند اگر چه زوجه قبل از تمام شدن عده رجوع به بذل نموده باشد. بلی چنانچه زوج بعد از رجوع زوجه به بذل و رجوع او به زوجه دخول نماید بعد از دخول و تمکن از دخول بعدی محصن است و در این فرض زوجه نیز محصنه است.

س

- هر گاه زن در عده وفات شوهر زنا دهد آیا محصنه است یا خیر؟

ج

- محصنه نیست.

س

- مردی که زنی را بعقد انقطاعی خود درآورده هر گاه مرتکب زنا شود آیا محصن است یا خیر؟ و هم چنین زنی که بعقد انقطاعی مردی درآمده اگر زنا کند محصنه است یا خیر؟

ج

- مرد مذکور محصن نیست و زن هم معلوم نیست محصنه باشد.

س

- هر گاه زوج در مدت چهار ماه، زوجه دائمی خود را وطی نکند اگر پس از چهار ماه، زوجه زنا دهد محصنه است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال محصنه نیست.

س

- هر گاه زوج بسفر رود و در سفر زنا کند در حالی که زوجه در وطن است آیا محصن اسن یا خیر، مخصوصا اگر برای همین منظور بسفر رفته باشد و آیا سفر بقدر مسافت شرعی یا کمتر از آن فرق دارد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال محصن نیست مگر این که برای انجام زنا مسافرت نموده باشد که در این صورت محصن است و در سفر، مسافت شرعی شرط نیست و صدق سفر عرفی کفایت می کند.

س

- هر گاه زنی که شوهرش بسفر رفته زنا دهد آیا محصنه است یا خیر؟

ج

- محصنه نیست.

س

- مردی که زنش مجنونه شده اگر زنا کند محصن است یا خیر؟ و نیز زنی که شوهرش مجنون شده اگر زنا دهد محصنه است یا خیر؟.

ج

- در مورد سؤال چنانچه مجنون و مجنونه در امر زناشویی متعارف هستند یعنی تمکن از مقاربت غدوا و رواحا حاصل است حکم احصان مترتب است و الا

صفحه : ۵۴۶

نه.

س

- هر گاه زوجه مریضه است و مرضش مسری است و بدین جهت شوهر نمی‌خواهد با او نزدیکی کند اگر در چنین حالی شوهر زنا کند محصن است یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال، شوهر محصن نیست.

س

- و طی زوجه دائمه که شرط تحقق احصان است اگر در حال جنون زوج یا زوجه باشد آیا موجب احصان می‌شود یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال، هیچ یک محصن نیستند علی‌الاحوط.

مسائل نذر

س

- گوسفندی نذری مخصوص قربانی روز عید قربان است، چون که زیاد چاق شده است و نمی‌تواند گردش نماید، ناراحت است، آیا ممکن است فروخت به جبهه داد، و یا تبدیل کرد؟.

ج

- اگر نذر شرعی باشد تا آنجا که ممکن است باید نگهداری شود، هر وقت در معرض تلف شد تبدیلهش نمایند، و اگر نذر شرعی

نباشد مختارند هر نحو عمل کنند.

س

- شخصی نذر نموده (با شرائط معتبره) که گوسفندی قربانی کند پس از انعقاد نذر و قبل از وفاء به آن مادر او نیز نذر می‌کند که یک هزار تومان بنذر فرزندم (قیمت آن گوسفند) کمک می‌کنم آیا اگر در وقت وفاء بنذر هزار تومان از مادر بگیرد و بقیه را خود پردازد بهر دو نذر وفا شده یا نه؟.

ج

- اگر به این نحو نذر کند که یک هزار تومان به پسر خود بدهد که او به نذر خود عمل نماید اشکال ندارد ولی اگر باین صورت باشد که شریک نذر پسر گردد صحیح نیست.

س

- کسی که یک رأس گوسفند معینی را نذر کرده که در روز معینی ذبح نموده و به مردم ناهار بدهد، حال می‌بیند آن گوسفند لاغر است، آیا می‌تواند با گوسفند چاق عوض کند و گوسفند چاق را ذبح کند یا نه؟.

ج

- نمی‌تواند عوض کند.

صفحه : ۵۴۷

س

- کسانی که اطعام (برنج و روغن) نذر دارند و با کمبود آن مواجهند وظیفه‌شان چیست؟.

ج

- اگر قدرت دارند گرانتر بخرند و بنذر خود عمل کنند، و اگر قدرت ندارند احتیاط آنست که هر چه می‌توانند بدهند.

س

- شخصی نذر ذبح گوسفند نر نموده و گوسفند را با اطمینان به نر بودن ذبح می‌نماید، ولی پس از ذبح معلوم می‌شود که ماده است وظیفه‌اش چیست؟.

ج

- در صورتی که نذر بنحو شرعی به نحوی که در رساله‌های عملیه مرقوم است، صیغه‌اش خوانده شده باید طبق آن عمل شود و

گوسفند ماده مجزی نیست مگر این که گوسفند مشخص و معینی را به تصوّر این که نر است مورد نذر قرار داده باشد و پس از ذبح کشف خلاف شود که در این صورت مجزی است.

س

- نذوراتی که برای امام زاده می‌دهند و اوقاف در آنجا نظر ندارد می‌توانند مؤمنین برای فقراء مصرف کنند یا خیر؟.

ج

- در صورتی که بطور صحیح نذر کرده باشند به مصرف امام زاده و خادم آن برسانند.

س

- آیا می‌توان نذورات امام زاده‌ها را برای جبهه پرداخت نمود؟.

ج

- نذورات امام زاده را در غیر تعمیرات و خدمه امام زاده جائز نیست صرف نمایند.

صفحه : ۵۴۸

مسائل ربا

س

۱- در ممالک غیر اسلامی که معاملات و اقتصاد، و بازرگانی وابسته به بانکها است، در حال ریختن پول باین بانکها طبق قوانین بانکی باید به صاحب پول بهره بدهند، حال کسی که پولش را بدون معامله بهره، در بانک بخواباند، و بگوید که من پولم را می‌گذارم سه ماه در این بانک بماند، در حالی که صاحب پول می‌داند که در آخر این سه ماه، بهره پولش را که طبق قوانین بانکی تعیین شده است به او می‌دهند، آیا در حالی که معامله بهره، نکرده است گرفتن بهره معین شده جایز می‌باشد یا نه؟ ۲- در ممالک غیر اسلامی که معاملات بازرگانی وابسته به بانکها می‌باشد، هر گاه به کسی وام دهند، طبق قوانین بانکی، از وام گیرنده، بهره می‌گیرند آیا وام گرفتن، از این بانکها جایز است یا نه؟.

ج

۱ و ۲- اگر مقصود از ممالک غیر اسلامی ممالکی باشد، که ساکنین آنها کفارند، گرفتن ربا هم از بانکهای آنها عیبی ندارد، و اگر مقصود ممالکی است که اهالی آنها مسلمانند ولی حکومتهای آنها ملتزم به احکام اسلام نیستند، گرفتن سود از بانکهای آنها ربا و حرام است ولی اگر پول بقصد محفوظ ماندن در آن بانکها گذاشته شود، و قصد معامله ربایی نداشته باشد و خود بانک مبلغی زیاده‌تر بدهد ظاهراً خالی از اشکال است، و پرداخت ربا مطلقاً به مسلمان و کافر حرام است.

س

- در توضیح المسائل فرموده‌اید مسلمان می‌تواند از کافری که در پناه اسلام نیست ربا بگیرد و همین طور پدر و فرزند و زن و شوهر می‌توانند از یکدیگر

صفحه : ۵۴۹

ربا بگیرند بفرمایید آیا این حکم مخصوص به ربای معاملی است یا اعم از معاملی و قرضی و دیگر این که مادر و فرزند هم می‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند یا خیر؟

ج

- حکم مذکور اعم است و مادر و فرزند نمی‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند.

مسائل وصیت

س

- هر گاه مجروح در جنگ، وصیت کرده باشد که اگر جنازه من پیدا نشد لباس من تشییع شود آیا باید عمل شود یا خیر؟

ج

- این وصیت واجب العمل نیست بلکه تشییع لباس تنها، خالی از اشکال نیست.

س

- هر گاه کسی وصیت نماید که تا صغار، بزرگ شوند حق آمد و رفت و مهمانی از مال من داشته باشند چه صورت دارد؟

ج

- در صورتی که تصرفات مورد وصیت زائد بر ثلث نباشد اشکال ندارد.

س

- شخصی مدتی قبل از وفاتش وصیت کرده آن چه زینت آلات زنانه و طلاجات و پارچه دوخته و ندوخته در منزل دارم مال زوجه‌ام باشد ولی بعد از وصیت هم مقداری طلا خریده است اکنون که وفات کرده عیال او حق طلای موقع وصیت را دارد یا موقع مرگ؟

ج

- در فرض سؤال، مورد وصیت همان زینت آلات و پارچه‌های حال وصیت است و آن چه بعد، تهیه شده مشمول وصیت نیست.

بلی اگر آنها را به زوجه هبه نموده و تحویل هم داده، از راه هبه مالک می‌گردد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س

- دو نفر مورد اعتماد نزد شخصی هستند، و آن شخص یکی از آنها را وصی خود قرار می‌دهد آیا در این صورت وصیت تحقق پیدا کرده و شرعا نافذ است یا خیر؟

ج

- چنانچه یکی از دو نفر را معینا وصی قرار داده اصل وصیت صحیح و نافذ است هر چند غیر از وصی شخص دیگری هم حاضر نباشد اما در مقام اثبات، شهادت مدعی وصایت، مثبت وصیت نمی‌باشد و اثبات وصیت به ولایت، محتاج بدو

صفحه : ۵۵۰

نفر شاهد است. بلی اگر مورد وصیت، مال باشد با شهادت یک شاهد و ضم یمین مدعی، ثابت می‌شود.

تصرف در مال غیر

س

- پشت دیوار هم‌سایه که با اجازه‌اش سفید و یا سیمان کاری می‌گردد، به اندازه همان سفید و سیمان کاری می‌توان میخ کوبی و یا سایر تصرفات کرد یا خیر؟

ج

- اگر دیوار هم‌سایه را برای او سیمان کاری یا سفید کرده کوبیدن میخ بدون اذن او جایز نیست.

س

- اگر کسی کارخانه پارچه بافی یا کفش سازی را غصب کند و از خود موادّ اوّلیه تهیه نموده و با استفاده از کارخانه غصبی کفش و یا پارچه تولید نماید، آیا خرید این کفش و پارچه جایز است؟ و در صورتی که شک داشته باشیم که موادّ اوّلیه مال غاصب است یا مغضوب منه در حالی که احتمال بدهیم مال غاصب است و یقین به غصب موادّ نداشته باشیم چطور؟

ج

- خرید و فروش کفش و پارچه در صورتی که علم به غصب موادّ اوّلیه ندارید مانع ندارد.

س

- اگر مرد منحرفی روی پول و ما یملک انسان دست گذارده و تا مبلغی نگیرد دست برنمی‌دارد آیا دادن آن مبلغ به او مشمول رشوه یا عنوان محرم دیگر نیست؟

ج

- اشکال ندارد ولی بر گیرنده حرام است و الله العالم.

س

- اگر شخصی کتاب رفیقش را بدون اجازه بردارد و از روی آن فتوکپی نماید آیا آن رفیق می‌تواند اوراق فتوکپی را از وی بگیرد یا خیر؟

ج

- بدون رضایت صاحب کتاب حق ندارد فتوکپی بردارد و این، تصرف غاصبانه و حرام است ولی صاحب کتاب هم نمی‌تواند اوراق فتوکپی شده را از او بگیرد مگر این که او را راضی نماید.

صفحه : ۵۵۱

مسائل اطعمه و اشربه

س

- معروف است که می‌گویند تخم گوسفند برای جلوگیری از بول مفید است، اکنون آیا خوردن آن جهت رفع مرض، جائز است یا نه؟

ج

- تخم گوسفند، حرام است و مداوی با حرام، وقتی جائز می‌شود که طیب حاذق موثق بگوید: دوا منحصر باین است.

س

- شیر زن از اجزاء غیر مأکول است که خوردن آن حرام باشد یا نه؟

ج

- احوط ترک خوردن آن است ولی نماز با آن اشکال ندارد.

س

- شربتی که در داروخانه‌ها به نام شراب طبّی با تجویز دکتر، مصرف می‌شود جائز است یا نه؟

ج

- اگر مست کننده باشد یا مخلوط به آن باشد حرام است.

مسائل ارث

س

- کتابی که از مرده باقی مانده (مفاتیح الجنان) اگر کسی دیگر، غیر از ورثه، آن را بردارد تکلیف او چیست آیا باید پول کتاب را به فقیر بپردازد و البته کتاب، قدیمی است و قیمت آن زمان با حال تفاوت دارد.

ج

- باید خود مفاتیح را در صورت وجود، به ورثه متوفی بدهد و چنانچه ورثه راضی به پول آن شوند قیمت یوم الاداء را بدهد.

س

- اگر کسی با زنی زنا کرد و نطفه منعقد شد و بعد از دو سه ماه با او ازدواج کرد آیا آن بچه از آن مرد ارث می‌برد یا نه؟

ج

- ولد الزنا از زانی و زانیه ارث نمی‌برد و هم چنین زانی و زانیه از ولد الزنا ارث نمی‌برند مگر این که شبهه‌ای در بین باشد که شرعا قابل لحوق به پدر و مادر یا یکی از آنها باشد.

چند سؤال و جواب در باره احکام و حقوق زن و شوهر

س

- یک خانمی که در طول چندین سال، در خانه شوهر زندگی

صفحه : ۵۵۲

کرده و در طول این مدت، در خانه شوهر چندین جفت قالی بافته و پولش را شوهر برمی‌داشته آیا حالا- این خانم می‌تواند از شوهرش پولهای قالیهای قبلی را بگیرد یا نه؟ و آیا شوهر در قبال این پولها مسئولیتی دارد یا نه؟

ج

- اگر قالیهای بافته شده را به شوهر خود بخشیده که دوستانه با هم زندگی کنند حق رجوع ندارد ولی اگر نبخشیده فعلا حق مطالبه اجرت معمولی را دارد اگر سرمایه از خود زن نباشد و الله العالم.

س

- اگر زن بگوید من در صورتی کار خانه را انجام می‌دهم که اجازه داشته باشم مثلا مسجد یا خانه فامیل و جاهای مشروع بروم و

مرد قبول کند کفایت می‌کند یا خیر؟.

ج

- اشکال ندارد.

س

- زنی است که با وجود هشت فرزند و مردن دو فرزند دیگر از بچه‌دار شدن خودداری می‌کند. آیا شوهر می‌تواند بالاجبار او را وادار به بچه‌دار شدن بکند یا نه؟.

ج

- زن حق ندارد امتناع نماید و اگر کاری کند که نطفه مرد در خارج بریزد، دیه نطفه، بر زن واجب می‌شود و الله العالم.

س

- اگر کسی قبل از عقد با زن شرط کند که حق همخوانی و نفقه نداشته باشد و زن هم قبول کند، آیا زن حق مضاجعت و نفقه دارد؟.

ج

- اگر عقد دائم باشد شرط باطل است و اگر انقطاعی باشد مانعی ندارد.

س

- در جلد دوم مجمع المسائل بین مسأله ۳۹۳ و مسأله ۳۹۷ بظاهر اختلاف است علت را بیان فرمائید.

ج

- بین دو مسأله مورد سؤال اختلافی نیست چون اولی موقت به مدت مجهول است و باطل و دومی اصلاً ذکر مدت نشده که مبدل بعقد دائم می‌شود.

س

- آیا بر زن لازم است که اگر از اموال شخصی خودش خواست انفاق کند از شوهر اجازه بگیرد یا خیر؟.

ج

- صدقات و انفاقات مندوبه زن اگر به غیر ارحام باشد باید به اذن

صفحه : ۵۵۳

شوهر باشد و اگر به ارحام و اقارب باشد احتیاج به اذن شوهر ندارد.

محارم و غیر محارم

س

- شخصی زنی را پنجاه سال صیغه محرمیت خواند و بعد از اجراء صیغه و قبل از دخول خواست با دختر او به مسافرت برود، نوه دختری آن زن را به ولایت پدرش ۲۴ ساعته صیغه محرمیت خواند آیا اکنون برای آن شخص جایز است که مباشرت یعنی دخول با آن زن که پنجاه ساله صیغه خوانده بکند یا نه؟.

ج

- در فرض مذکور عقد دختر دختر زن باطل است و مانند جمع بین اختین است یعنی تا وقتی که زن در حباله نکاح او است نمی‌تواند نوه او را برای خود عقد کند بنا بر این مباشرت با زن مذکور اشکال ندارد و بعد از مباشرت با وی دختر آن زن و دختر دخترش به او محرم است.

س

- ازدواج انسان با زن شوهر مادرش، صحیح است یا خیر؟.

ج

- مانعی ندارد.

س

- زن پدر زن به داماد محرم است یا خیر؟.

ج

- اگر زن پدر زن، مادر زن انسان نباشد به او محرم نیست.

مسائل طلاق

س

- کسی که زوجه‌اش مدت یک سال است از او غائب شده، و می‌تواند از حالش اطلاع بگیرد، آیا بدون تفحص حال زوجه‌اش می‌تواند طلاق بدهد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر زوجه مدخول بها است، در صورت امکان و لو به وکیل کردن دیگری بر استخبار از حال زوجه، بدون فحص، طلاق، صحیح نیست و در صورت عدم تمکن، فحص لازم نیست و می‌تواند زوجه را طلاق بدهد.

س

- زنی مطلقه شده است و هنگام طلاق باید عدلین حضور داشته باشند و ما شک داریم که آیا این دو نفر عادل بوده‌اند یا نه؟ آیا می‌توان با آن زن ازدواج کرد یا خیر؟

ج

- در صورتی که بنظر زوجین عادل بوده‌اند و علم بخلاف نباشد ازدواج بعد

صفحه : ۵۵۴

از عده مانع ندارد.

س

- زنی مطلقه شده است و ما نمی‌دانیم که آیا شوهر آن زن به طلاق راضی بوده است یا نه آیا تحقیق از آن زن لازم است یا خیر؟ و بر فرض آن که تحقیق لازم باشد اگر آن زن بگوید شوهر به طلاق راضی بوده است آیا قول آن زن قبول است یا خیر؟

ج

- قبول است.

س

- ولی بچه نابالغ می‌تواند زن او را طلاق دهد یا خیر؟ و اگر عقد انقطاعی باشد چطور؟

ج

- ولی پسر نابالغ نمی‌تواند زوجه او را طلاق دهد ولی مدت عقد انقطاعی را چنانچه به مصلحت صغیر باشد می‌تواند ببخشد.

س

- شخصی زنش را طلاق خلعی داده، در بین عده، زوج و زوجه به مهمانی رفته‌اند، و در آنجا اطاق اینها را جدا نموده، و اینها هم عمل مجامعت انجام داده‌اند، آیا این کاشف از رجوع است یا نه؟ مخفی نماند باز از مهمانی برگشته‌اند و جدای از هم زندگی نموده و زن شوهر کرده است، و الآن در خانه شوهر دوم است وظیفه آنها چیست؟

ج

- در صورتی که زن به مال مبذول خود، رجوع ننموده این عمل در حکم زنا است و حرام و ازدواج زن، بعد از تمام شدن عده با دیگری صحیح است.

س

- هرگاه زوج هم‌سر خود را که حیض می‌بیند با اجتماع شرائط طلاق دهد، پس از طلاق، در ایام عده، زن یک بار و یا دو بار حائض شود و قبل از تمام شدن عده به سنّ یأس برسد بفرمایید آیا تکمیل عده لازم است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال باید عده را تکمیل کند.

س

- در مورد طلاق که باید در طهر واقع شود بفرمایید آیا باید زن غسل هم کرده باشد یا این که پاک شدن از حیض کافی است؟

ج

- غسل لازم نیست و همین که پاک شد طلاق صحیح است.

صفحه : ۵۵۵

مسائل وقف

س

- در مورد متولی که تولیت دو موقوفه یا بیشتر را عهده‌دار است آیا می‌تواند: ۱- از ما زاد درآمد یک موقوفه (با فرض این که نیت واقف را برابر جعل وی انجام داده) برای عمران موقوفه دیگر که تحت تولیت خود او است و رو به خرابی است یا نیاز به تعمیر دارد بعنوان وام مصرف نموده و بعداً از محل درآمد موقوفه بازسازی شده وام را تأدیه نماید؟ ۲- به فرض صحت این کار آیا می‌تواند علاوه بر اصل این وام، تحت عنوان استحباب که در اداء قرض الحسنه منظور شده رقمی هم افزون بر آن از محل درآمد موقوفه دوم به موقوفه اول باز پس دهد؟

ج

- قرض دادن درآمد موقوفه جائز نیست و درآمد هر موقوفه باید به مصرف معین از طرف واقف برسد و جواب سؤال دوم از این جواب معلوم می‌شود.

س

- دو نفر از مستاجرین موقوفات آستانه مقدّسه با تنظیم سند رسمی شماره .. دفتر .. قم متعهد شده‌اند که هر مقدار اعیانی، در مورد

اجاره خود احداث کرده یا بنمایند، متعلق به موقوفه بوده و به اعیانی‌های احداثی حقی و ادعایی نداشته و نداریم و ضمن عقد خارج لازمی نیز وکالت بلا عزل داده‌اند که صیغه وقف آن اجراء و قبض و اقباض شود اینک، محل، به هزینه مستأجران تجدید ساختمان شده آیا موقوفه می‌تواند اجاره محل را اعم از عرصه و اعیان از مستأجران دریافت نماید یا خیر؟.

ج

- صحت این نحو وکالت مورد اشکال است، در فرض سؤال چنانچه متولی بعد از انجام ساختمان جدید از آنها وکالت بگیرد و ساختمان را وقف نماید و قبض و اقباض انجام شود وقف تمام و متولی حق دارد اجاره عرصه و اعیان را از مستأجر بگیرد.

س

- اشجار موقوفه‌ای است که باید شبهای جمعه یا غیر آن مثلا، عوائد آن صرف اطعام مؤمنین شود لکن به واسطه خشکسالی و نبود آب قطع شده بفرمایید اگر در جای آن اشجار، اشجار دیگری غرس شود حکم وقف را دارد یا خیر؟ و اگر از جای آنها درخت روید چطور؟.

صفحه : ۵۵۶

ج

- اگر زمین وقف نشده باشد هر گاه مالک در محل درخت وقفی، درخت جدیدی بنشانند وقف نیست ولی جوانه‌های درخت وقفی محکوم به وقف است.

س

- توابع ملک وقف را که عند العرف از حدود آن ملک است ولی زمین موات است اگر کسی احیاء نمود ملک وقف است یا ملک احیاء کننده و فرضا اگر متولی وقف گفت شما آن را احیاء کنید نصف از شما و نصف مال من صحیح است یا خیر؟.

ج

- توابع زمین وقفی به اندازه ما یحتاج آن از زمین موات در حکم وقف است و کسی حق ندارد آن را برای خود یا دیگری احیاء کند و متولی شرعی حق واگذاری مورد وقف را به دیگری ندارد.

س

- اگر شخصی مالی را به دیگری صلح کند و شرط نماید که بعد از من آن را جهت امور خیریه وقف کن چه صورت دارد؟.

ج

- اشکالی ندارد.

چند سؤال و جواب در باره نفقه

س

- المعروف بين الفقهاء أنه (لا- تجب النفقة على غير العمودين من الاخوة و الاعمام و الاخوال ذكورا و إناثا و أولادهم) فاذا وجد عشرة فقراء من اولاد الاعمام و الاخوال مع وجود خمسين من ارحامهم من غير الفقراء، فما هو التكليف الشرعى؟.

ج

- نفقة العمودين واجب عینی- و نفقة غیرهما إن كانوا فقراء واجب كفاي بمقدار يتوقف حفظ نفوسهم عليه فلو قام احد من المسلمين بها سقط عن الباقيين.

س

- اذا كان الانفاق على شباب صحيح الجسم عاطل من العمودين، موجبا لزيادة الكسل فهل يجب ذلك، و ما هو المقدار الواجب الذى يمنع من الاثر السيئ للتكاسل؟ و ما ذا لو كان الفقير تاركا للصلاة، او متجاهرا بالفسق، او متخفيا به؟.

ج

- مقدارها سدّ جوعه و هو واجب عند الضرورة و لكن اذا كان ترك الانفاق يدفعه إلى تحصيل النفقة و اقامه الصلاة و عدم التّجاهر بالفسق وجب تركه و ايكاله إلى نفسه.

صفحه : ۵۵۷

س

- شوهرم شانزده سال قبل مرا با چند بچه خردسال، از خانه بیرون کرده و عیال دیگری اختیار نموده و در مدت مذکوره، رابطه زن و شوهری به کلی قطع گردیده و حتّی نفقه فرزندان خود را نداده آیا چنین پدری نسبت به فرزندان مزبور حقّ شرعی دارد یا خیر؟ و آیا از فرزندانش که نسبت به آنها وظیفه‌ای انجام نداده ارث می‌برد یا نه؟.

ج

- از قضیه شخصیّه اطلاع ندارم، بطور کلی پدر باید نفقه فرزندان محتاج خود را بدهد و با ندادن نفقه، ولایت او بر صغار اولاد خود ساقط نمی‌شود و تا صغیر هستند ولایت پدر بر آنها باقی است و از فرزندان خود ارث می‌برد.

چند سؤال و جواب در خصوص امام زادگان عظام

س

- آستانه‌های سنگی و اختراعی که در روستاها به نام اولاد ائمه اطهار علیهم السّلام احیاء کرده‌اند، و در هیچ تاریخی در کتابهای

علماء بزرگ دیده نشده که آنها صحیح باشد و ضمناً بعضی از مردم روستا می‌روند همین سنگها را زیارت می‌کنند و آنها را می‌بوسند آیا این بدعت نیست؟

ج

- قبوری که در روستاها مورد اقبال و توجه مؤمنین قرار می‌گیرد، اگر قبور مؤمنین و صلحاء و سادات و ذراری رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشد زیارت آنها مستحب است و چه بسا خداوند متعال دعاء نزد قبور آنها را مستجاب بفرماید و اجتماع نزد آن قبول، تعظیم شعائر و احیاء سنن اسلامی است و بدعت و تشریع نیست و یک یک از شعائر دینی را به اسم تشریع و بدعت نباید از بین برد، و هیچ کس سنگها را زیارت نمی‌کند، بلکه، همان امام زاده‌ای را که فکر می‌کنند، قبرش آنجا است زیارت می‌کنند و سنگها را از جهت علاقه به صاحب قبر می‌بوسند و سخنان مذکور در سؤال از افتراءات وهابیه است که برای ضربه زدن به شیعه رایج کرده‌اند و متأسفانه در افراد بی اطلاع اثر گذاشته در صورتی که خود ائمه علیهم السلام قبور اجدادشان را می‌بوسیدند خداوند مؤمنین را از شر شیطان حفظ فرماید.

سی

- آیا می‌توان امام زاده‌هایی را که دارای تاریخ و مشخصات نیستند، و فقط در میان مردم مشهور به امام زاده هستند مرمت کرد، و تکلیف نذوراتی که

صفحه : ۵۵۸

مردم جهت این گونه امام زاده‌ها می‌نمایند چیست؟

ج

- در فرض سؤال مرمت آن اشکال ندارد و نذورات آن را به مصرف تعمیر و خدمه آن برسانند.

سی

- تا چه حدی می‌توان قبوری را که در حرم و صحن امام زادگان هستند، جهت ایجاد نماز خانه و محوطه زیارتگاه و جهت محل رفت و آمد زائرین برداشت و مسطح نمود؟

ج

- مسطح نمودن قبول با رضایت اولیاء میّت، مانعی ندارد، و بدون رضایت اولیاء، تصرف در مصالح و اعیانی که صورت قبر دارد جائز نیست.

سی

- خادمین بقاع متبرکه و امام زادگان تا چه حد حق استفاده از نذورات و کمکهای مردم را جهت امور زندگی خود دارند؟

ج

- اگر متولی شرعی دارد، باید حقوق، با نظر متولی باشد و الا با حاکم شرعی است.

عزاداری

س

- مدتی است که منحرفین از ولایت اهل بیت، علیهم السلام و طرفداران اسلام منهای روحانیت بر علیه عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام به تبلیغ پرداخته و عزاداران حسینی را آزار می‌دهند. با توجه به اهمیت عزاداری و مجالس سوگواری بعنوان پشتوانه اسلام و انقلاب اسلامی، نظر حضرت عالی را برای رفع شبهات مخالفین و بیداری نسل جوان در باره این موضوع خواهانیم.

ج

- به این سخنان ناآگاهانه یا مغرضانه ترتیب اثر ندهید و دست توسل از دامن حضرت سید الشهداء ارواحنا لتراب مشهده الفداء برندارید و شعار آگاهی بخش و حرکت آفرین اقامه عزاداری و سوگواری برای آن حضرت را هر چه با شکوهرت برقرار نمایید امید است همگان از برکات آن بهره‌مند و از قیام و نهضت حسینی درس فداکاری و از خود گذشتگی در راه دین و حفظ احکام الهی و اعلاء کلمه الله و محکوم کردن ظلم و استبداد و استکبار بیاموزند (سلام الله علی مولانا ابی عبد الله الحسین و علی اولاده و أصحابه الکرام و رحمه الله و برکاته).

صفحه : ۵۵۹

س

- وضع تعزیه خوانی، شبیه سازی، نوحه خوانی بر منبر را برای بنده روشن فرمائید و نظر اسلام را راجع به این موضوعات توضیح دهید.

ج

- روضه خوانی بر منبر که عبارت است از تعلیم احکام و مسائل و بیان مواعظ و نصائح و امر به معروف و نهی از منکر و ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام، راجح و موجب ثواب است و هم چنین نوحه خوانی و سینه زنی اگر مشتمل بر ارتکاب معصیت نباشد اشکال ندارد و اما تعزیه خوانی اگر مشتمل بر استعمال آلات موسیقی از قبیل طبل و صنج و شیپور نباشد و غنا و دروغ نخوانند و مرد لباس مختص به زن نپوشد اشکال ندارد و لکن بهتر آن است که تبدیل به مجلس روضه نمایند تا علاوه بر ثواب عزاداری از بیان احکام و مواعظ آن بزرگواران نیز بهره‌مند شوند.

مسائل متفرقه

س

- بعضی از اعضاء هیئت امنای حسنیّه‌ها از هم‌کاری با نهضت سواد آموزی خودداری نموده حسنیّه را در اختیار نمی‌گذارند به این عذر که مادرها بچه دارند و حسنیّه نجس می‌شود آیا این عذر قبول است؟ و لو فرض آیا تنجیس حسنیّه حرام است؟ خصوصاً که قصد این است که اگر نجس شد فوراً تطهیر نمایند.

ج

- مدرسه کردن حسنیّه جائز نیست چون این عمل بر خلاف نظر واقف است و الوقوف علی حسب ما یوقفها أهلها و الله العالم.

س

- در زیارت عاشورا صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن را می‌شود در غیر محل زیارت مثلاً در بین راه گفت یا خیر؟

ج

- در صورت فرصت مستحب است در یک مجلس باشد ولی شرط کمال است نه صحت.

س

- بانیان مجالس روضه خوانی باید بر چه مبنایی دست مزد آقایان مبلغین و وعاظ را بپردازند آیا باید قبلاً مقاطعه نمود یا نه؟

ج

- وعظ و ارشاد و تعلیم و تربیت و آموزگاری و استادی و تدریس، چون در اسلام، فضیلت بسیار دارد و از مشاغل مقدّسه و از شئون مهمّ انبیاء و اولیاء سلام الله علیهم اجمعین می‌باشد غالباً مسلمانان، برای کسب ثواب و تقرب به درگاه

صفحه : ۵۶۰

الهی انجام می‌دادند و اجر مادی، در آن، ملاحظه نمی‌شد و کسانی که این مشاغل و امثال آن مانند طبابت را عهده‌دار می‌شدند آن را با اجر مادی، معاوضه نمی‌کردند هر چند از بیت المال، مخارج آنها تأمین می‌شد و گاهی خود مردم، خدمت مناسبی می‌کردند ولی معامله این اعمال مقدّس با پول، در نظر نبود و از این جهت، موجب قوّت تأثیر کلام و مواعظ می‌شد مع ذلک گرفتن مزد در برابر ذکر مصائب حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار، صلوات الله علیهم اجمعین و بیان مواعظ و نصائح و تعیین قبلی اشکال ندارد بلی اگر گرفتن وجه، در برابر بیان احکام واجبه و ارشاد به اصول دین و عقائد باشد جائز نیست و بانیان مجالس، در انتخاب هر واعظ و ناطقی که بیانات و تبلیغاتش مورد اعتماد باشد مختارند.

س

- شخصی زنی را به مدّت یک ماه و به اجرت یک صد تومان بعقد غیر دائمی خود درآورده و بعد از پانزده روز مدّت را بخشیده و بعد از ده روز دیگر زن مذکوره را بعقد دائمی خود رآورده و روی جهاتی، قبل از دخول، وی را طلاق داده، شخص دیگری این زن را قبل از انقضای عده عقد کرده و به او گفته تو عده نداری، بفرمایید آیا ازدواج زن با شخص دوم، صحیح بوده یا خیر؟

ج

- اگر بعد از عقد متعه و قبل از هبه مدّت، دخول واقع نشده و زوج او را برای خود عقد دائمی نموده و بعد از این عقد، بدون دخول او را طلاق داده، زن عده نداشته و ازدواجش با شخص دوم صحیح است ولی اگر بعد از عقد متعه، زوج دخول کرده و بعد مدّت را بخشیده و مجدداً او را بعقد دائم خود درآورده و قبل از دخول طلاق داده و زن قبل از تمام شدن عده متعه، با دیگری ازدواج نموده، با فرض دخول، ازدواج دوم او باطل است و بر مرد دوم حرام مؤبد می‌شود و فوراً باید از هم جدا شوند.

سی

- اگر یک مرد با زنی زنا کند، آیا برادر زانی می‌تواند با آن زن ازدواج کند؟

ج

- ازدواج برادر زانی با مزنی بها مانعی ندارد.

سی

- اگر مردی با زنی زنا کند، آیا پسر آن مرد می‌تواند با مزنی بها

صفحه : ۵۶۱

ازدواج بکند؟

ج

- ازدواج جائز نیست.

سی

- اگر یک مرد زنی را از راه لذت ببوسد، پسر آن مرد می‌تواند با آن زن ازدواج بکند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال اقوی جواز است.

سی

- اگر پسر نابالغی با زن شوهر دار یا زنی که در عده طلاق یا وفات است وطی در دبر یا قبل کند حکمش با بالغ فرق می‌کند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، فرقی بین بالغ و نابالغ در این جهت نیست.

س

- زنی بعد از یازده ماه از طلاق گرفتن بچه‌دار می‌شود بفرمایید بچه به شوهر ملحق است یا خیر؟.

ج

- در صورتی که در این مدت با دیگری ازدواج نکرده و وطی به شبهه نیز نشده باشد فرزند ملحق به طلاق دهنده است که زوج او باشد.

س

- در دهات معمول است در ازدواج دختران، پدر زوجه از زوج مبلغی شیر بها می‌گیرد. و در عوض مرسوم حتمی است که قریب همان مبلغ یا زیاده‌تر یا کمتر باسم جهیزیه به دختر می‌دهند و یقین است که اگر پدر زوجه، این شیر بها را نگیرد یک ریال هم از خودش نخواهد داد و حتی در اول قرارداد می‌گوید من از خود چیزی ندارم که به تو بدهم باید پول بدهی تا من هم جهیزیه بدهم آیا این جهیزیه مال دختر است یا پسر؟.

ج

- در فرض سؤال ظاهر این است که چون پدر دختر پول گرفته که جهیزیه بدهد جهیزیه مال دختر است.

س

- مثلاً زید دختر عمرو را خواستگاری کرده و عمرو هم اجابت نموده و پولی بعنوان شیر بها از زید گرفته و عقد نکاح هم جاری شده ولی بعد از این مقدمات زید را از نزدیک شدن به دختر مانع گردیده و عروسی را امروز و فردا کرده و بالاخره پدر دختر به زید گفته که دختر از خانه مفقود شده بفرمایید آیا زید حق مطالبه پولی که بعنوان شیر بها داده دارد یا خیر؟.

ج

- اگر پدر دختر پول را بعنوان تحصیل رضایت دختر خود گرفته و عقد

صفحه : ۵۶۲

ازدواج جاری شده باشد پسر حق پس گرفتن آن را ندارد.

س

- برای جلوگیری از شدت شهوت چه باید کرد و در این صورت آیا استمناء جائز است یا نه؟.

ج

- روزه گرفتن و در صرف غذا افراط نکردن و ترک خوردن بعض غذاهای مقوی، غریزه جنسی را تضعیف می کند و از شدت آن می کاهد. ولی استمناء به هر نحو باشد حرام است و بهترین راه برای این که غریزه جنسی سبب آلودگی بحرام نشود ازدواج - دائم یا موقت - است که ثواب بسیار هم دارد.

س

- ما دو جوان هستیم که بین ۱۷ تا ۱۹ سال سن داریم و به عللی از ازدواج، محرومیم و دچار وسوسه شیطان هستیم چون نیروی ایمانی ما ضعیف است و از وعظ و گویندگان شنیده‌ایم که فکر گناه هم دل را سیاه می کند ولی ما چاره نداریم اکنون بفرمایید که با این محرومیت از ازدواج و با این وسوسه شیطانی، چه وظیفه‌ای داریم و راه نجات ما از گناه و سیه دلی و ضلالت چیست؟.

ج

- خداوند متعال برای شما و امثال شما وسیله ازدواج و عمل به سنت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را فراهم سازد، و مسلمانان را از شر تقلید کفار و برنامه‌های غلطی که موجب منع و تحدید ازدواج است نجات دهد اما در حال فعلی که دارید، شما ثواب مجاهدین با نفس اماره را می برید و هر چه میل نفس بیشتر شود و مقاومت شما در برابر آن، سخت تر و پایدارتر باشد، اجر جهاد، بیشتر می برید بلکه این یکی از موارد جهاد اکبر است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به جمعی از اصحاب که از سریه (جنگ) بازگشته بودند فرمود: (مرحبا بکوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقی علیهم الجهاد الاکبر) ۱. خود را به خداوند متعال سپرده و از شر شیطان، به درگاهش پناه ببرید.

س

- هل ان لبس (الچادر) الزامی ام - يجوز للمرأة السّتر بواسطة اللبسة الاخرى كال (روپوش)؟.

ج

- الچادر يمنع عن ظهور مفاتن البدن و اثاره الفتنة و التهيج و غير الچادر ان كان يمنع عن ذلك فلا بأس به و مع ذلك فالإيق بالمراة المسلمة و حشمتها هو الچادر او العباءة.

صفحه : ۵۶۳

س

- اگر توسط شخص محرمی، از مجالس زنانه که بدون حجاب می باشند، عکس گرفته شود، و ظهور و چاپ آن توسط نامحرمی انجام گیرد چگونه است؟ و نیز بفرمایید رقصیدن زن در عروسی و مجالس مولودیّه زنانه با زدن سینی و امثال آن یا برای شوهر خود و هم چنین رقصیدن مرد در مجالس مردانه و هم چنین کف زدن چه صورت دارد؟.

ج

- در مورد سؤال اول چنانچه موجب هتک باشد جایز نیست و عکس گرفتن توسط نامحرم مطلقاً جایز نیست و راجع به سؤال دوم، موارد مذکوره از مصادیق لغو است و جایز نیست مگر برای زن و شوهر جهت یکدیگر بطور خصوصی.

س

- شخصی مقداری از جنگل را که جزء انفال بوده از کسی خریداری نموده و بعد به شخص سومی داده که احداث باغ چای کند بالمناصفه در حالی که شخص سوم این مسأله را نمی‌دانسته که انفال، مال همه شیعیان است و امام علیه السلام فرموده: ابحننا لشیعتنا، حال تکلیف چیست؟.

ج

- در فرض مسأله، اگر احیا کننده بقصد تملک خود، احیاء کرده و آباد نموده ملک خود اوست و اگر بقصد دو نفر احیاء کرده شریک می‌باشند و در نزاع موضوعی، مرافعه شرعی لازم است.

س

- شاگردان مدرسی که بچه‌ها هستند می‌آیند مغازه‌ها، کاغذ، قلم، پاکت، شوکولات، و بستنی، و تخم آفتاب گردان و نحو آنها می‌خرند برای خودشان، آیا معامله با آنها جایز است یا خیر؟.

ج

- معامله با غیر بالغ جائز نیست و باطل است مگر آن که از طرف ولی شرعی او وکیل شده باشید، که معامله در واقع بین دو بالغ باشد و خود ولی اجازه داده باشد جنس را بدست صغیر بدهید و پول را از دست او بگیرید.

س

- این جانب از راه بی‌کاری و ناچاری و به علت این که کار سنگین نمی‌توانم بکنم، دست به سیگار فروشی زده که آن هم سیگار خارجی یعنی سیگار وینستون می‌باشد، از شهرستان می‌خرم و به شهرستان دیگری می‌برم، یک لقمه نان برای زن و بچه‌ام تهیه کنم، آیا این کسب از نظر شرع اسلام برای من مباح است یا خیر؟.

صفحه : ۵۶۴

ج

- نظر به این که دولت اسلامی از قاچاق فروشی نهی کرده شما باید قاچاق فروشی نکنید و از مقررات دولت متابعت نمایید.

س

- در همه جا صحبت از این است که چرا کفار و کسانی که با دین سر و کار ندارند و آلوده بحرامند از امور دنیایی و مادی و

سلامتی بدن برخوردارند ولی افراد مؤمن و پرهیزکار از این جهات ناراحتند؟.

ج

- این مطلب کلیت ندارد و شهرت بی اساس است زیرا که اگر آمارگیری دقیق و نسبت سنجی کامل شود پی به غلط بودن این شهرت خواهید برد علاوه بر این که اگر خداوند متعال به بعضی از آنها رفاه و آسایش داده فقط دنیای بی ارزش است که اولیاء خدا به آن اعتنائی ندارند و اگر دنیای بی ارزش را به مؤمنین نداده آخرت دائم و با ارزش را داده است.

سی

- در مورد شخصی که بهائی است و خود را مسلمان، معرفی نموده و مردم را منحرف می کند چه باید کرد؟.

ج

- لازم است مردم را متوجه نمود که شخص مزبور را بشناسند و مردم ساده لوح فریب او را نخورند و از دین، منحرف نشوند.

سی

- مقاطعه کاری، کاری را از زید که مقاطعه کار دست اول است، اجاره می کند که به اتمام برساند و چهار در صد از کل اجرت کار را به مقاطعه کار اول پردازد، بعد از اتمام کار، مقاطعه کار اول که زید است می گوید، من، برای پیشرفت این کار، مبلغی به رئیس اداره پرداخته‌ام، شما که مقاطعه کار دوم هستید باید بیش از چهار در صد منظور دارید تا جبران شود، آیا چنین حقی را دارد یا خیر؟

و دیگر این که رئیس اداره، که به گفته مقاطعه کار اول، برای پیشرفت کار مبلغی پول از وی گرفته، از مقاطعه کار دوم طلبکار است، آیا مقاطعه کار دوم می تواند به اندازه طلبی که از مقاطعه کار اول دارد به رئیس اداره پردازد و بعنوان تقاص محسوب دارد یا خیر؟.

ج

- آن چه را که مقاطعه کار اول، به رئیس پرداخته، در صورتی که حین مقاطعه، شرط نکرده باشد نمی تواند از مقاطعه کار دوم بگیرد و مقاطعه کار دوم هم نمی تواند طلب رئیس اداره را بعنوان تقاص پردازد و اما نسبت به اصل مسأله،

صفحه : ۵۶۵

چنانچه مقاطعه کار اول، در مورد کاری که اجاره کرده عملی انجام نداده باشد، اجاره دادن آن به دوم، به کمتر از مال الاجاره‌ای که خود با صاحب کار، قرارداد نموده صحیح نیست.

سی

- این جانب به درب مغازه‌ای رفتم یک عدد گلاب پاش در مغازه بود که در معرض فروش بود تا به آن دست زدم که بررسی نمایم

افتاد و شکست، کاسب اظهار می‌دارد که این گلاب‌پاش نزد من برای فروش امانت بوده حالا باید قیمت آن را که ۶۰۰ تومان است پردازی آیا چنین حقی را دارد؟.

ج

- در فرض سؤال شخصی که آن را شکسته ضامن است و باید قیمت آن را پردازد.

س

- شخصی برای هم‌سر خود انگشتر طلا می‌خرد، بعنوان اندازه گیری در دست می‌کند، آن مقدار دست کردن حرمت دارد یا نه؟.

ج

- در مورد سؤال، آن مقدار عیبی ندارد.

س

- ما هو مصداق الدّخول فی الدّنيا الذی اذا فعله العالم ینبغی ان لا یؤمن علی دین العباد؟.

ج

- کلّ ما یوجب تقدیم الدّنيا علی الآخرة بحیث ینجرّ الی ترک الواجب و فعل المحرّم الموجب لخلاف العداله.

س

- کسی که در جائی خانه ساخته، در حالی که در جوار خانه او کسان دیگری هم خانه دارند، مدّعی شده که چراگاه مال من و مورد استفاده من است، شما حق ندارید آیا چنین ادّعایی حقّ و به جا است یا خیر؟.

ج

- در صورتی که ملک شخصی کسی نباشد، و بیابان باشد نمی‌تواند مانع از انتفاع دیگران از اهالی محلّ بشود.

س

- چراگاه و محلّ تهیّه آذوقه بلده معینه تا چه مقدار است، مشخص فرمائید مثلاً چراگاه بلده قم تا چه اندازه می‌تواند باشد که بقیه قسمت‌ها و نواحی، مورد استفاده بلاد و قراء دیگر قرار گیرد.

ج

- در فرض سؤال، حریم بمقدار رفع احتیاج محلّ است بنظر عرف، از چراگاه و غیر آن از ما یحتاج اهالی محلّ و در ما زاد بر احتیاج خود محلّ، اهالی روستای هم‌سایه می‌توانند منتفع شوند.

صفحه : ۵۶۶

س

- فرموده‌اند از جمله عیوب مجوزه فسخ عقد نکاح برای زن این است که زن بعد از عقد بفهمد که بیضه‌های شوهرش را قبل از عقد کشیده یا کوبیده‌اند حال بفرمایید چنانچه زوجه بعد از عقد بفهمد که زوج او اصلاً دارای بیضه نمی‌باشد آیا در این مورد هم زوجه اختیار فسخ دارد یا خیر؟.

ج

- بلی در این مورد نیز زوجه اختیار فسخ دارد.

س

- یکی از قوانینی که از زمان رژیم منحوس طاغوت در دانشگاه‌ها اجرا می‌شود اینست که مدّت معینی جهت اتمام تحصیلات دانشگاهی در نظر گرفته شده مثلاً برای دوره لیسانس حدّ اکثر شش سال تعیین شده که چنانچه دانشجو پس از شش سال موفق به اخذ مدرک نشد اخراج می‌گردد، بفرمایید که با توجه به حدیث شریف نبوی اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد آیا طبق شرع مقدّس اسلام جایز است کسی را مجبور به اتمام یک دوره تحصیلی در یک مدّت معین بنمایند؟ و اگر کسی قهراً و اجباراً به علّت ناراحتی‌های خانوادگی و بیماری گواهی شده به وسیله پزشک نتواند خود را با مدّت زمان تعیین شده تطبیق دهد و علاقمند به فراگیری علم و دانش نیز می‌باشد، آیا شرعاً جایز است به حکم قانون مذکور از دانشگاه اخراج و از تحصیل علم و دانش محروم شود؟.

ج

- این قرارداد برای محصّی‌لین، مربوط به متصدّیان امور دانشگاه است، و منافاتی با حدیث شریف ندارد، و رعایت مقرّرات عرفیه برای حفظ نظم در امور، و عدم تضییع حقوق دیگران، خوبست و دانشجو می‌تواند در محلّ دیگر تحصیل کند.

س

- شخصی یک زمین مورد نزاع دارد و می‌داند که اگر رشوه ندهد بحقّ خود نمی‌رسد آیا می‌تواند رشوه بدهد؟.

ج

- در صورتی که انقاذ حقّ از غاصب موقوف بر دادن وجه باشد می‌تواند بدهد ولی آن وجه بر گیرنده حرام است.

س

- عده‌ای از مردم به منظور برطرف شدن گرفتاریها یا مثلاً پیدا شدن گم شده و مانند اینها به دعا نویس مراجعه می‌کنند و از وی

تقاضای دعا یا فال یا سحر می‌کنند و او هم خبرهائی می‌دهد که گاهی درست از آب درمی‌آید آیا مشروع است یا خیر؟.

صفحه : ۵۶۷

ج

- نوشتن دعاهاى مأثوره برای برطرف شدن گرفتاریها مانع ندارد ولی توسل به فال و سحر و خبر دادن از خفایای امور اشخاص که راضی به افشای آن نیستند جایز نیست.

س

- با توجه به این که صیّادان، تور خود را به مدّت چهار ساعت در آب می‌اندازند و ماهی صید شده پس از بیرون آوردن مرده می‌باشد آیا حلال است یا خیر؟.

ج

- اگر معلوم باشد که زنده به تور افتاده و در تور مرده حلال است و اگر مرده در تور افتاده باشد حرام است.

س

- شخصی در منزل خود بقتل رسیده، مقتول دارای سه فرزند صغیر و پدر و مادر و چند برادر و خواهر می‌باشد، در ارتباط با این قتل، برادر زن مقتول، بعنوان متّهم دستگیر می‌شود، دلائل کافی از جمله، اقرار و شهادت دو مرد عادل و علم قاضی، برای اثبات اتّهام وجود ندارد و برای اثبات جرم کار به قسامه می‌کشد، پدر مقتول که ولیّ دم صغار می‌باشد از اداء سوگند خودداری و سوگند را به متّهم احاله می‌نماید و متّهم بلا فاصله، آمادگی خود را برای اداء سوگند بر بی‌گناهی خود اعلام می‌کند، هم‌سر مقتول نیز از متّهم هیچ گونه شکایتی نداشته و ندارد، در این بین مادر مقتول فوت می‌کند، در زمان حیات او شکایتی علیه متّهم نشده و از او سؤال نشده که آیا خواهان قصاص می‌باشد یا دیه یا عفو، اکنون سؤال این است با وصف فوق که پدر مقتول (ولیّ صغار) قسم را به متّهم احاله داده، آیا متّهم باید بر بی‌گناهی خود قسم یاد نماید یا این که پس از فوت مادر مقتول، حقّ قسم به ورّاث او که برادران و خواهران مقتول می‌باشند منتقل می‌شود و با وصف فوق آیا برادران مقتول می‌توانند با اتیان سوگند متّهم را قصاص نمایند یا خیر؟.

ج

- جواز ردّ سوگند از جانب ولیّ صغار مقتول، به متّهم به قتل محلّ اشکال است، صغار بعد از آن که کبیر شدند خود می‌توانند اقامه دعوی علیه متّهم نمایند و باید برای حفظ حقّ صغار در صورتی که کبار قصاص نکرده باشند، متّهم بقتل تا بلوغ آنها حبس شود یا تربیتی دهند که حقّ صغار حفظ شود و اما ورثه مادر مقتول چنانچه صغیر نباشند می‌توانند ادّعا نمایند و حاکم شرع جامع الشرائط طبق

صفحه : ۵۶۸

دستور قسامه عمل می‌نماید و در صورتی که ورثه قسم یاد کردند یا قسامه را به متهم به قتل رد کردند و او امتناع از قسامه نمود در صورتی در قتل عمد می‌توانند قصاص کنند که زائد بر سهم خود از دیه مقتول را تامین نمایند که اگر سائر ورثه صغار هستند برای آنها حفظ شود چنانچه عفو نکردند به آنها بشرط قسامه پرداخت شود و الا به ورثه شخصی که قصاص شده پرداخت گردد و اگر کبیر باشند و در قسامه شرکت کرده باشند و خواهان دیه باشند به آنها پرداخت می‌شود و اگر عفو کرده یا اصلاً ادعایی نکرده باشند بمقدار سهم آنها از دیه به خود متهم که قصاص می‌شود پرداخته می‌شود.

س

- شخصی در حین منازعه، شخصی را مضروب می‌نماید، ضارب در حال فرار، شخص ثالثی را مشاهده می‌کند که شاهد قضیه است به او قسم می‌دهد که راجع به این پیش آمد به کسی چیزی نگوید، بعد از دو روز شخص مضروب از دنیا می‌رود، اگر پای شخص بی‌گناهی به میان کشیده شود آیا سکوت کسی که قسم خورده درست است یا می‌تواند قسم خود را بشکند و اگر نشکند آیا گناه نیست؟

ج

- در فرض سؤال اگر شخص، خود را برای اطلاع از قضیه معرفی کند و حاکم از او بخواهد آن چه را می‌داند شهادت بدهد شهادت مانع ندارد و قسم بر ترک شهادت اثری ندارد بخصوص اگر شهادت موجب نجات بی‌گناهی باشد.

س

- آیا پدر و مادر بعنوان تربیت می‌توانند به پسران و دختران خود امر کنند که پاشو منزل را جاروب کن و لباسها را بشوی و برو نان بخر و خلاصه بدون مزد آنها را وادار به کار کنند.

ج

- مانع ندارد.

س

- پولی در مجلس تقریباً عمومی جمع آوری گردیده و نام فقیر هم برده نشده و فقط بطور کلی اعلام شده که جهت شخص فقیری مقداری پول لازم است و صاحبان پول هم بطور وضوح معلوم نیستند ولی از شاهد حال برمی‌آید که صاحبان پول رضایت دارند که به فقیر دیگر داده شود الحال هر طور که حضرت عالی اجازه فرمائید عمل شود چون فقیر منظور فوت نموده و چنانچه شخص متوفی وارث

صفحه : ۵۶۹

ضعیفی از نظر مالی داشته باشد می‌توان به وارث داد یا خیر؟

ج

- وجه مذکور، از شخص متوفی بعنوان ارث به ورثه‌اش نمی‌رسد و باید به فقیر داده شود چه از ورثه باشد چه از غیر آنها.

س

- مبلغی بعنوان صدقه جهت شخص فقیری جمع آوری شده بعد معلوم شده که فقیر قبل از جمع آوری پول فوت کرده، آیا می‌شود وجه جمع آوری شده را خرج بنایی مسجدی که احتیاج دارد نمود یا خیر؟.

ج

- با رضایت صاحبان پول مانعی ندارد.

س

- آیا صرف نگهداری و نه استعمال اشیائی از قبیل پاسور (ورق بازی)، فیلم غیر مجاز، ویدئو، شیشه محتوی مشروب الکلی، در منازل شخصی، فعل حرام محسوب و مرتکب قابل تعزیر و کیفر دنیوی می‌باشد یا این که موارد مذکوره تعزیر ندارد؟.

ج

- از بین بردن آلات قمار و چیزی که منفعت معتد به آن منحصر به حرام باشد واجب است و ترک آن معصیت کبیره است و کیفر آن تعزیر است و بستگی به نظر حاکم شرع جامع الشرائط دارد.

س

- حاکم شرع یا کسی که از طرف او اجازه دارد چنانچه برای صغیری قیم معین کند آیا لازم است اموال صغیر را بررسی نماید و صورت برداری کند و عده‌ای را بر آن گواه بگیرد یا لازم نیست؟.

ج

- اگر در معرض تضییع باشد لازم است در چند نسخه صورت برداری نماید و نزد اشخاص امین بگذارد تا از حیث و میل محفوظ بماند.

س

- شخصی زمینی را به دیگری تملیک نموده که در آن کارخانه برق تأسیس شود البته بلا-عوض و کارخانه برق احداث شده، البته، با آمدن برق سراسری، موضوع کارخانه منتفی و جمع آوری شده آیا شخص واگذار کننده حق رجوع به زمین فوق را دارد یا زمین ملک شخص دوم است؟.

ج

- در فرض سؤال، تملیک کننده زمین حق رجوع به آن ندارد.

س

- آیا امکان دارد که پیغمبران خدا از پدر و مادر کافر و مشرک بوجود آیند یا نه و آیا صحیح است که حضرت رسول اکرم (ص) بت پرست بوده و

صفحه : ۵۷۰

برای بت قربانی می کرده و چنانچه موحد بوده طبق چه قانون و شریعتی عمل می نموده؟.

ج

- پدر و مادر انبیاء، موحد و خداپرست بوده‌اند و در هیچ زمانی حضرت رسول اکرم (ص) بت پرست نبوده و برای بت، قربانی نکرده و خداپرست و موحد بوده و در این که پیش از بعثت، به چه شریعتی عمل می نموده اگر چه بین شیعه و سنی اختلافی است لیکن حق، همان است که مرحوم مجلسی قدس سره فرموده که بطریق وحی و الهام خداوند، به شریعت و تکلیف خود عمل می کرده و این مطلب، از آیات و اخبار استفاده می شود.

س

- در منتهی الآمال در فضیلت زیارت امام هشتم (ع) نقل کرده که حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس امام رضا (ع) را زیارت کند و به حق او عارف باشد حق تعالی عطا کند به او مزد آنان که پیش از فتح مکه در راه خدا جان دادند اکنون توضیح بفرمایید که عارف بحق آن حضرت چه کسی است؟.

ج

- کسی است که معرفت داشته باشد که آن حضرت، امام است و عمل به فرمایشات او واجب است.

س

- در همین کتاب نقل کرده که حضرت امام رضا (ع) فرموده زود باشد که کشته شوم .. و مدفون شوم پهلوی هارون الرشید و بگرداند خدا تربت مرا محل تردد شیعیان و دوستان، بفرمایید که شیعیان و دوستان چه کسانی اند؟.

ج

- شیعیان کسانی هستند که عقیده به امامت ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین داشته و در کردار و گفتار خود پیرو آن بزرگواران، باشند.

س

- تناسخ روح درست است یا نه؟.

ج

- باطل است.

س

- آیا قرآن وسیله کسی نوشته شده یا این که نوشته بوده در فرض اول وسیله چه کسی نوشته شده است؟.

ج

- توسط نویسندگان وحی که در رأس آنان حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بوده نوشته شده است.

س

- آیا حضرت علی علیه السلام به مکتب رفته یا این که علم الهی

صفحه : ۵۷۱

داشته است؟.

ج

- آن حضرت به مکتب نرفته‌اند و علوم ایشان به افاضه و الهام الهی بوده و از خدمت حضرت رسول اکرم (ص) نیز مستفیض بوده‌اند، ولی استفاضه و استفاده ایشان مانند سایر اصحاب بنحو عادی نبوده است.

مسئله

- تحصیل اعتقاد به اصول دین و مبانی اسلام بر هر مسلمان، واجب است.

صفحه : ۵۷۲

مسائلی که اخیراً در رابطه با زلزله زدگان سؤال شده

س

- در صورت کثرت نفرات و عدم امکان غسل از حیث اضطرار و ضیق وقت چه باید کرد؟.

ج

- اگر تأخیر موجب تعفن و هتک میّت باشد تیمّم کافی است.

س

- در صورتی که اجزاء اموات به نحوی است که معلوم نیست واجب الغسل است یا نه تکلیف چیست؟.

ج

- غسل واجب نیست.

س

- در صورتی که بعضی از اعضای رئیسه بدن مفقود شده تعجیل در تجهیز با شرائط موجود لازم است یا نه؟

ج

- اعضاء موجود را تغسیل و تکفین و دفن نمایند.

س

- در صورت عدم امکان تطهیر بدن، جهت تیمم چه باید کرد؟.

ج

- بدون تطهیر تیمم دهند و در صورت امکان، عین نجس را از محل تیمم زائل نمایند.

س

- در صورتی که پارچه برای کفن پیدا نشود تکلیف چیست؟.

ج

- اگر میت از مال خودش کفن نداشته باشد، کفن، بر غیر، واجب نیست، با پوشاندن عورت او را دفن نمایند.

صفحه : ۵۷۳

س

- در صورتی که پارچه باشد ولی مجهول المالک است کفن نمودن با آن چه صورت دارد؟.

ج

- کفن کردن با پارچه مجهول المالک جایز نیست.

س

- انجام فریضه نماز میت بر اموات مختلف چه صورت دارد؟.

ج

- می‌توانند یک نماز بخوانند و نسبت به ضمیر مذکر و مؤنث مختارند یعنی به اعتبار جنازه جایز است ضمیر مؤنث ذکر شود و به اعتبار شخص، ضمیر مذکر.

س

- دفن میت بدون اجازه ولی، در چنین موقعیتی چه صورت دارد؟.

ج

- در صورتی که دسترسی به ولی میت نباشد اذن او ساقط است.

س

- محل دفن، اگر ملکیتش مجهول است تکلیف چیست؟.

ج

- باید میت را در زمین غیر غصبی دفن کنند.

س

- اگر معلوم نباشد که عضوی مربوط به زن است یا مرد تکلیف چیست؟.

ج

- در صورت اشتغال آن قطعه بر استخوان، یک مرتبه زن و یک مرتبه مرد، آن قطعه را از زیر لباس غسل دهند.

س

- در گورهای دسته جمعی تفکیک زن و مرد در صورت عدم امکان لازم است یا نه؟.

ج

- تفکیک لازم نیست بلی در صورت امکان، احوط و اولی آنست که حائلی بین زن و مرد قرار داده شود.

س

- در صورتی که آب نبود و مواضع تیمم هم از بین رفته باشد تکلیف چیست؟.

ج

- اگر تأخیر در غسل بقیه اعضا، موجب تعفن و هتک باشد، بدون غسل و تیمم دفن کنند.

صفحه : ۵۷۴

س

- اگر افرادی را با لباس و بدون مراسم، دفن نموده‌اند تکلیف چیست؟.

ج

- اگر بدن متعفن نشده به طوری که نبش، موجب هتک شود باید نبش کنند و مراسم را انجام دهند و اگر متعفن شده به طوری که نبش موجب هتک است تغسیل و تکفین لازم نیست.

س

- اگر بخشی از بدن قابل تشخیص نیست جهت انجام مراسم، وظیفه چیست؟.

ج

- مورد سؤال کاملاً روشن نیست اگر منظور این است که تنها همان عضو، بدست آمده و بقیه بدن موجود نیست چنانچه مشتمل بر استخوان باشد باید غسل دهند و در صورت شک، غسل واجب نیست و هم چنین اگر شک دارند که مشتمل بر سینه است یا نه نماز واجب نیست.

س

- اسکان و تصرف و نماز، در منازل و مغازه‌های مردم که صاحبان آنها معلوم نیست چه حکمی دارد؟.

ج

- برای افرادی که جهت امداد به منطقه می‌روند، بمقدار رفع نیاز، مانعی ندارد.

س

- استفاده از اموال مجهول (خوراکی، پوشاک، حیوانات) در مواقع ضروری برای افراد نیازمند چه حکمی دارد؟

ج

- اجناس را به فقیر غیر سید بدهند و سایرین مهمان شخص فقیر باشند.

س

- در صورتی که افراد، زیر آوار مانده‌اند و اطمینان به موت آنها می‌باشد و خارج کردن آنها احتمال متلاشی شدن عضو را دارد- آیا خارج کردن آنها برای انجام مراسم واجب است یا نه؟.

ج

- با احتمال حیات، لازم است سعی کنند به نحوی عمل نمایند که موجب موت شخص، نشود و با علم به موت، در صورتی که خارج کردن جسد، صحیحاً ممکن نباشد، بیرون آوردن لازم نیست.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

- الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

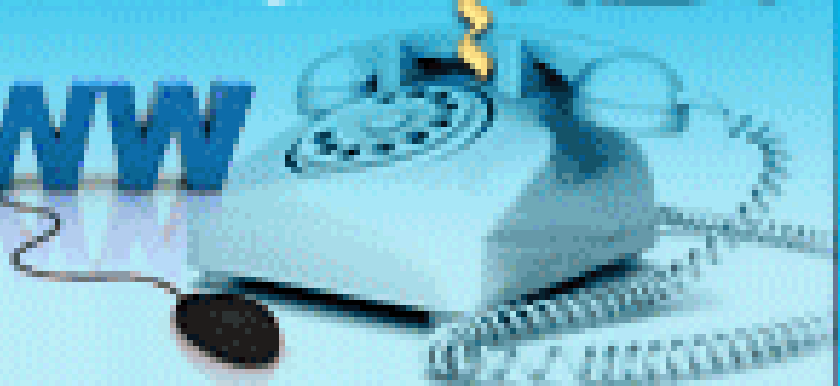
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

غائمیه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹